تاریخ دُول مُعظم

جلد اول

تاریخ فرانسه ، آلمان ، انگلستان و ایتالیا

شرکت سهامی چاپ
افست کتاب ایران

مؤلف ماکسیم مورن
مترجم علی اصغر شمیم



مؤسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی

بها ۳۰۰ ریال

شب: خیابان شاه آباد - تلفن ۳۸۷۰۹
خیابان ناصرخسرو - تلفن ۵۱۶۵۱

تاریخ دول معظم

از ۱۹۱۹ میلادی تا ۱۹۴۷ میلادی

مولف - ماکسیم مورن ،

مترجم - علی اصغر شمیم

جلد اول

شامل تاریخ فرانسه ، آلمان ، انگلستان و ایتالیا

چاپ اول - تهران ۱۳۳۸

حق چاپ محفوظ است

ناشر :

مؤسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی

از مقدمه مؤلف کتاب ،

در تمام کشورهائیکه درا ین کتاب در باره آنها سخن گفته‌ایم احساس ناپایداری صلح جهان را میان مردم درك کرده‌ایم . پس‌از آنکه ده‌ها میلیون ازافرادبشر نابود ومیلیونها نفردچار زجر وشکنجه شدند اکنون باقیمانده نسل انسانی ازبیم‌بروز یك جنك اتمی برخود میلرزد .

ماآرزومندیم‌روزی راببینیم که کلیه ملل جهان از صلح واقعی وپایدار برخوردار باشند.

ماکسیم مورن

Maxime Mourin

فصل اول ـ فرانسه پیش از جنگ جهانی دوم

مقدمه

پس از امضای پیمان متارکه جنگ مورخ ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ ، **کلمانسو**[۱] نخست وزیر ووزیرجنگ فرانسه بامشکلاتی مواجه شد که اگرچه بهاهمیت مشکلات دوران جنگ نبود ولی رفع آنها نیز به آسانی امکان نداشت . مشکلات حمل ونقل براثر ویرانی پلها وراهها وازکارافتادن وسائل نقلیه ، درموردیکه تدارك و ارسال خواروبار بمناطق آزاد شدهٔ مشرق فرانسه و تأمین احتیاجات سربازان فرانسوی درمنطقه **رنانی**[۲] کمال لزوم راداشت، کمبودنیروی کارگری درمزارع براثر دومیلیون تلفات و ضایعات انسانی ، فقدان زغال سنگ کافی بعلت ویرانی معادن زغال شمال ، مشکلات اقتصادی از قبیل لزوم تبدیل کارخانه ها و صنایع دوره جنگ بصورت قبل از آن ومرمت و تکمیل ضایعات صنعتی ، بحران مالی مخصوصاً ۳۰۰میلیارد قرض داخلی وخارجی ولزوم قرضه‌های جدید که پیوسته برحجم پول می‌افزود ، مشکلاتی بود که کلمانسو باآنها مواجه گردید .

فرانسویان امیدوار بودند که آلمان لااقل قسمتی از غرامت جنگ را بپردازد و متفقین ازمطالبه وامهائی که بفرانسه داده بودند خودداری نمایند همه انتظارداشتند که بهای کالاها تنزل کند ولی دستمزد بهمان صورت دوران جنگ باقی بماند . در دوره جنگ دهقانان محصول کشاورزی را به قیمت زیاد میفروختند و قروض خود را میپرداختند و

۱ـClemenceau ۲ـRhénanie

غالب آنان زمین وملك مزروعی میخریدندوازطرفی کارگران کمتر کارمی کردندومزد گزاف‌می گرفتند وامیدوار بودند که وضع اجتماعی و مالی آنان روبه بهبود گذارد و همگی طالب آسایش ورفاه بعدازجنك بودند .

حکومت میبایستی ازانحراف و بی‌نظمی اجتماعی جلوگیری کند وبروفق آرزوو آمال عمومی قدم بردارد ، چه ازیکطرف‌نو کیسه‌ها وتازه بدوران رسیده‌هائی که‌ازترقی قیمت اجناس دردوران جنك بنوائی رسیده وثروتی گردآورده بودند با تظاهر به‌عیاشی وخوشگذرانی وتفاخر و خودپسندی بیحد و ناشیانه خود آتش کینه و غضب را درنهاد سربازان‌ازجنك برگشته ومردم آسیب دیده و زجر کشیده شعله‌ور میساختند واز طرف دیگر آراء وعقایدسیاسی جدید روسیه شوروی ازطریق آلمان واروپای مرکزی‌بفرانسه راه‌یافته بود و اگرچه مسلك کمونیسم در فرانسه چندان مورد توجه نبود ولی طریقه **سندیکالیسم**[1] ومذهب **سوسیالیسم**[2] بسرعت درمیان مردم‌رسوخ‌مییافت . اتحادیه‌عمومی کار که اکثریت کارگران راشامل بود قوت گرفته بود و کارفرمایان نیز برای مقابله باآن نیرو متحد ومتشکل میشدند و کارمندان وعمال دولت نیزخواستارتشکیل‌اتحادیه بودند وبدین‌ترتیب پیوستگی دسته‌ها وفرقه‌ها مکتب جدیدی در زندگی اجتماعی پدید می‌آورد .

مجلس فرانسه، که در۲۴ آوریل۱۹۱۴ تشکیل شد واکثریت‌آن در دست حزب رادیکال سوسیالیست‌بود، جلسات‌عادی‌خودرا درسال۱۹۱۹ادامه‌میداد درحالیکه کلمانسو غالب اوقات یا در جشن های رسمی ، که بمناسبت پیروزی متفقین برپامیشد ، شرکت می کرد ویاوقت او در کنفرانس صلح پاریس که ازروز ۱۸ژانویه۱۹۱۹تشکیل شده بود می گذشت.

مجلس فرانسه بودجه سال۱۹۱۹را در نهم اوت بارأی موافق دوثلث نمایندگان تصویب کرد . درآن بودجه پیش بینی شده بود که‌برای مصارف وهزینه‌های ضروری از

۱-Syndicalisme ۲-Socialisme

قبیل هزینه‌های ترمیم خرابی‌های جنك وپرداخت اعانه ومدد معاش سربازان ، که‌ارقام بزرگی راتشکیل میداد ، مبلغ ۳۵۰ میلیارد بابت غرامت جنك ازآلمان‌دریافت‌خواهد شد . درهمان حال دولت ناگزیر بود که نان را به‌نرخی کمترازآنچه تمام‌میشد بمردم بفروشد وتفاوت قیمت را از بودجه عمومی کشور بپردازد ونیز تعهد خریداری باقیمانده تدارکات وتجهیزات نیروهای ممالك متحده آمریکا درفرانسه بمبلغ ۴۰۷میلیون دلار باقساط ده‌ساله برسنگینی قروض افزوده بود وبرای حفظ ونگهداری‌تدارکات جنگی‌و نیروهای متمرکز در **الزاس‌ولرن**[1] میبایستی**مارك**[2] آلمانی راکه قبلا دربرابرفرانك فرانسه تنزل یافته بود ببهای هر مارك ۲۵ فرانك تهیه نماید و بدین ترتیب دولت برای تأمین منابع جدید درآمد وبالابردن میزان‌آن متوالیاً به‌انتشار اوراق قرضه‌ملی ،باتعهد پرداخت بمدت کم‌اقدام می کرد.

مجلس در ۲۴ آوریل ۱۹۱۹ بنابه تقاضا واصرار **اتحادیه‌عمومی کار**[3] قانون ۸ ساعت کاررا تصویب کردمعذالك نارضایتی کارگران‌وبحران‌مالی به‌اعتصاب‌کارگران حمل‌ونقل پاریس منجر شد وروزاول مه ۱۹۱۹ براثر اعتصاب عمومی کارکنان حمل‌و نقل ومداخله پلیس دونفر کشته وعده کثیری زخمی‌شدند که ازآنجمله ۴۲۸ نفر پلیس بودند . مجدداً ازسوم تاشانزدهم ژوئن آن‌سال اعتصاب ادامه‌یافت‌ولی موسسات‌داوطلب حمل ونقل باکمك بدولت‌اثر اعتصاب را خنثی کردند . اتحادیه عمومی کاربامیدآنکه سندیکاهای کارگری انگلیس و ایتالیا را بامنظور خود همراه خواهد ساخت دستور اعتصاب دامنه‌داری‌راصادر کرده‌بودلیکن کارگران‌فرانسه‌ازاجرای‌دستورخودداری کردند وسندیکاهای کارگری انگلیس وایتالیا نیز ازهمدردی با اتحادیه عمومی کار امتناع ورزیدند .

۱–Alsace–Lorraine ۲–Mark(واحد پول آلمان)

۳– اتحادیه عمومی کار (Confederation generale du Travail)

بمحض امضای پیمان صلح بورسای در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ و شروع **انتخابات سال ۱۹۱۹** خلع سلاح عمومی، که رسماً از روز نهم ژوییه آغاز گردیده بود، کلمانسو شروع انتخابات آینده مجلسین را که در زمان جنك دوره آنها تمدید شده بود اعلام کرد. مجلس مبعوثان شرکت زنان را در انتخابات پذیرفته ولی سنا با آن مخالف بود، بموجب قانون ۱۲ ژوییه ۱۹۱۹ انتخابات دسته‌جمعی بوسیله حوزه‌های ایالتی، که درحقیقت حدفاصل بین انتخابات نسبی ایالتی وانتخابات غیرعادی ولایتی بود، بایستی بموقع اجرا گذاشته شود و هر کس در هرحوزه ایالتی اکثریت مطلق بدست آورد نمایندهٔ مجلس باشد، کرسی‌های باقیمانده نصیب دسته‌هائی میشد که شاخص انتخاباتی قوی تری داشتند و بدین ترتیب تقریباً انتخاب دو درجه‌ای از میان میرفت. روش جدید انتخابات درمورد انتخابات پارلمانی وشهرداریهاوانجمنهای ایالتی وولایتی ومجلس سنا باوجود اشکالتراشیهای کلمانسو سرانجام مورد قبول وی قرار گرفت.

بریان[1] مرد سیاسی مشهور فرانسه بانطقی که در **سنت اتین**[2] ایراد کرد مقدمات مبارزه شدید انتخاباتی را درافکار عمومی مردم آماده ساخت وطرفداری خودرا از اتخاذ یك سیاست ملی، دور ازتاثیر عقاید افراطی، بیان نمود. احزاب دست‌راست ومعتدل بر اساس **وحدت جمهوری ملی** فرانسه وحفظ منافع اقتصادی کشور براصل بقای طبقه سرمایه‌دار بایکدیگر ائتلاف کردند وجبهه ملی تشکیل دادند ومعتقد بودند که بایستی باآلمان براساس پیمانهای صلح بمدارا و احترام رفتار و نیروی اساسی صرف مبارزه با دشمنان داخلی و دشمنان مالکیت شخصی گردد. کنگره حزب ناسیونال سوسیالیست فرانسه روز های ۲۱ و۲۲ و۲۳ سپتامبر ۱۹۱۹ بدون آنکه الحاق خود را به جبهه ملی ابراز نماید پشتیبانی خودرا ازجبههٔ مزبور در مورد قسمتی از برنامه و هدف آن جبهه

۱ـ Aristide Briand (۱۸۶۲-۱۹۳۲ م) ازرجال‌سیاسی‌فرانسه که یازده‌بار به‌زمامداری‌آن کشور رسید ـ مترجم.

۲ـ Ste = Etienne

آشکارساخت. ازطرف دیگر فرقه‌های سوسیالیست که هنوز کاملامتشکل‌ومتحدنبودند صریحاً اظهار داشتند که به‌تنهائی بـا کلیه احزاب وفرقه های **بورژوا**[1] و طرفداران آنان مبارزه‌خواهند کرد. دربرابر سوسیالیست های معتدل ، که‌طرفدار تحول واصلاحات تدریجی بودند ، طرفـداران جدید توده مردم قرار داشتند کـه از عقاید **لنین**[2] پیروی می کردند و باهر گونه سازشی باطبقات واحزاب طرفدارسرمایه‌داری‌جداًمخالف ومعتقد بودند که‌با کودتا وشدت عمل‌باید قدرت رادردست‌بگیرند . اما در کنگرهٔ‌اتحادیه‌عمومی کار درشهر صنعتی **لیون**[3] ۱۶۳۳ رأی مخالف در برابر ۳۲۳ رأی موافق با کودتاداده شد و کنگره تشکیل سندیکا ها وتقویت اتحادیه‌های کارگری‌را برای محدودساختن نفوذوقدرت کارفرمایان‌مقدم‌برهر گونه عمل سیاسی‌قرارداد.

روز۴ نوامبر، کلمانسوطی نطقی که در **استراسبورگ**[4] ایراد کرد ، ضمن ابراز تمایل به‌جبهه‌ملی، قطع نفوذمجامع‌مذهبی‌درامور کشوری‌باحفظ‌آزادی‌عقیده‌وخودمختاری وآزادی عمل محلی برای مردم‌هرناحیه وتقویت وتوسعه شرکتها و سندیکاهای تعاونی را برای مبارزه با **بلشویسم**[5] لازم شمرد . روز ۱۶ نوامبر انتخابات مجلس مبعوثان آغاز میشد و جبهه ملی که عده زیادی کاندیدا از میان جنگجویان قدیم و مجروحین جنگ داشت ازاحساسات‌ضدبلشویسم ومحیط سیاسی مخالف با طرفداران آن مسلك حداکثر استفاده را میبرد ، چه‌درمطبوعات فرانسه تصویر مردی را که کاردی بدندان داشت زیر عنوان **مردمسکو** کاریکاتور کرده‌بودند وغالباً ازجرایداخباری‌ازطغیانها و شورش‌های پی در پی روسیه از قبیل طغیان ملوانان کشتی هـای جنگی دریای سیاه و مانندآن درج میشد.

مجلس معبوثان ، که جبهه ملی با استفاده ازقانون جدید انتخابات ووضع‌مساعد

۱- Bourgeois منظور از بورژوا درین مورد سرمایه‌دار است ـ مترجم

۲- Lenine پیشوای انقلاب روسیه ۳- Lyon یکی ازمعتبرترین‌شهرهای صنعتی فرانسه-مترجم. ۴- Strasbourg ۵- Bolchevisme

پیروزی بزرگی درآن بدست آورده بود ، روز هشتم دسامبر تشکیل‌شد و بااحترام‌کامل نمایندگان آلزاس ـ لرن[1] را پذیرفت. درآن‌مجلس وضع‌دسته‌های‌پارلمانی‌ازاینقرار بود: جبهه ملی ۴۳۳ کرسی،رادیکال سوسیالیستها ۸۶ کرسی،سوسیالیستهای جمهوریخواه ۲۶ کرسی وسوسیالیستها۶۸ کرسی.درهمان‌آغاز کار مجلس ، نمایندگان سوسیالیست بدودسته تقسیم شدند : یکدسته ۵۴ نفری فراکسیون سوسیالیست ویکدسته ۱۴ نفری که‌تمایلات کمونیستی‌داشتند فراکسیون‌پارلمانی جداگانه‌ای تشکیل دادند ودسته‌های دیگر مجلس کم وبیش روش پارلمانی خود را با روش اکثریت‌منطبق ساختند. روز ۱۸ دسامبر **پل‌دشانل**[2] بااکثریت۴۷۸ رأی بریاست مجلس‌انتخاب‌شد. انتخابات‌شهرداریها در ۲۳ نوامبر و انتخابات ایالتی در ۱۴ دسامبر انجام گرفت ودرآن انتخابات احزاب سوسیالیست ورادیکال سوسیالیست باهم ائتلاف کردند واکثر کرسی های شهرداریهارا بدست‌آوردندودرانتخابات سنانیز ، که در۱۱ژانویه۱۹۲۰انجام یافت ،احزاب‌ودسته‌های چپ بیش از مجلس مبعوثان موفقیت حاصل کردند وروز۱۴ژانویه **لئون‌بورژوا**[3] که در جامعه ملل نماینده فرانسه بود بجای **آنتونن‌دوبوست**[4] بریاست مجلس سنا انتخاب‌شد.

شکست‌سیاسی کلمانسو

کلمانسو انتظار داشت که بسبب خدماتی که‌در دوران‌زمامداری خود به مملکت انجام داده و انتخابات جدید مجلسین سنا و مبعوثان[5] سیاست اورا تأیید کرده بود پس ازپایان دوره‌ریاست

۱ـ آلزاس‌ولرن درجنك ۱۸۷۰ ازفرانسه منتزع وضمیمه‌آلمان گردید و درپایان جنك جهانی اول مجدداً بفرانسه ملحق شد ـ مترجم .

۲-Paul Deschanel ۳-Leon Bourgeois

۴-Antonin Dubost

۵ـ قوه قانونگزاری فرانسه طبق قانون اساسی جمهوری سوم که‌ازسال۱۷۸۱در آن کشور برقرار گردید مرکب ازدومجلس مبعوثان وسنا بود ورئیس جمهوری‌در جلسه مشترك دومجلس‌انتخاب میشد ـ مترجم.

جمهوری **پوانکاره**[1] ، که ازناحیه موز[2] بسناتوری انتخاب شده بود ، جانشین‌وی شود ولی درجلسه مقدماتی مشترك پارلمان فقط ۳۸۳ رای موافق دربرابر ۴۰۸ رأی مخالف به کلمانسوداده‌شد، وی‌سرانجام‌از کاندیدابودن صرفنظر کردودرجلسه‌مشترکه‌مورخ۱۷ ژانویه ۱۹۲۰ **پل‌دشانل** بااکثریت ۷۳۴ رأی موافق از ۸۶۸ نفرعده حاضر در مجلس بریاست جمهوری برگزیده شد و کلمانسو که، بعلت‌مبارزه‌باعده‌ای‌ازنمایندگان‌پارلمان و گذراندن قانون‌هشت‌ساعت کار برای کارگران وحتی بعنوان آنکه‌غسل‌تعمیدنیافته ، مورد حمله وانتقاد قرارگرفته‌بود دربرابر دشانل شکست خورد وروز۱۸ژانویه برحسب معمول کابینه اواستعفا داد . پوانکاره ، که تاروز ۱۷ فوریه درمقام رئیس جمهوری باقی میماند، **میلران**[3] از لیدرهای ملیون راکه‌درآن‌تاریخ کمیسرعالی‌فرانسه‌در استراسبورك بود برای نخست‌وزیری وتشکیل هیئت‌دولت‌دعوت کرد .

اعتصابات

میلران چون برخلاف انتظار جبهه‌ملی ، که میخواستند رجال سیاسی جدیدی‌راازاکثریت مجلس درهیئت دولت‌شرکت‌بدهند، بیشتر مقامات حساس کابینه و از جمله وزارت کشور رابه رادیکالها واگذار کرده بود در جلسه ۲۲ ژانویه مجلس مبعوثان فقط ۲۷۲ رأی اعتماد دربرابر ۲۳ مخالف و۳۰۰ ممتنع بدست آورد . وی‌ضمن برنامه دولت ، طرفداری‌خود را از یك دولت کاملا قوی‌واستقلال تام قوه قضائیه و آزادی مذهب وعقیده و اعطای اختیارات به مردم‌شهرستانها اعلام کرده ووعده داده بود که باپشتیبانی جامعه ملل و استقرار روابط سیاسی خارجی بوضع بحرانی اقتصاد فرانسه پایان خواهد داد ودرجلسه ۳۰ ژانویه مجلس‌مبعوثان‌اظهار داشت که منظوری جزایجادوحدت‌کامل جمهوری‌فرانسه ندارد و با تمام قوا برای قلع ماده فساد و جلوگیری از هرگونه صدمه و زیانی که متوجه مصالح مملکت باشد خواهد کوشید . در آن جلسه میلران ۴۸۱ رأی اعتماد

۱ـ Raymond Poincaré (۱۸۶۰ ـ ۱۹۳۴) ازسال ۱۹۱۳تا۱۹۲۰رئیس جمهوری فرانسه و قبلازوکلای مبرزدادگستری بود ـ مترجم.

۲ـ Mause ۳ـ Millerand

در برابر ۶۷ رأی مخالف (سوسیالیستها) بدست آورد. **رائول پره**[1] روز ۱۲ فوریه بریاست مجلس مبعوثان انتخاب شد و دشانل از ۱۸ فوریه مقام خود را اشغال کرد، وزرای میلران استعفا دادند تاوی نسبت به ترمیم وتشکیل کابینه برای معرفی به رئیس جمهور جدید اقدام کند.

تحریکات بوسیله عناصر افراطی درمیان کارگران ادامه داشت، بحران وسائل نقلیه هنوز پایان نیافته بود و کارگران راه آهن خواستار تثبیت وضع استخدامی ودستمزد خود بودند واتحادیه عمومی کار طرح تازه‌ای برای استخراج معادن پیشنهاد میکرد. روز ۲۵ فوریه اتحادیه کارگران راه آهن فرمان اعتصاب عمومی را صادر کرد لیکن عده‌ای از کارگران به کار خود ادامه دادند، دولت چند دسته از کارگران راه آهن را بکار واداشت واعلام کرد که باهر گونه تحریکات واخلال بشدت مبارزه خواهد کرد. اعتصاب روز اول مارس پایان یافت و دولت وعده داد که بزودی بوضع کارگران راه آهن رسیدگی و اصلاح لازم بعمل آورد و نیز با قسمتی از درخواستهای کارگران معادن، بشرط خودداری از اعتصاب، موافقت خواهد نمود ولی این امر ازاعتصاب دامنه‌دار معدنچیان ناحیه **پادوکاله**[2] که روز هفتم مارس آغاز شد وتا ۲۵ مه درسراسر شمال فرانسه بسط یافت جلوگیری نکرد. دولت هر گونه اعتصاب را قبل ازمذاکره برای سازش وپیش از آنکه مذاکره مستقیم باعدم کامیابی مواجه گردد غیرقانونی شمرد و فرمانی صادر کرد که بموجب آن درمواردی که مقررات خاص ومورد قبول کارگران و کلیه کارکنان امور اجتماعی وعمومی برای احقاق حق آنان وجود نداشته باشد اختلافات باید ازطریق حکمیت حل و فصل شود بعلاوه قانون ۱۲ مارس ۱۹۲۰ اختیارات و شایستگی سندیکا ها را برای رسیدگی باین امور تأیید کرد.

اتحادیه عمومی کار طرحهای متقابل ازقبیل ملی شدن صنایع و راه آهن و مانند

۱- Raoul Péret ۲- Pas - de Calais

آنها را بمیان‌آورد وعناصرافراطی چپ برهبری **لوك**[1] **ومیدل**[2] **ومن‌موسو**[3] درانتخابات کمیته مرکزی اتحادیه اکثریت بدست آوردند و کمیته مزبور روز ۲۹ آوریل اعلام کرد که روزاول‌مه بمناسبت جنبش کارگری جهان باید کلیه کارگران راه‌آهن وبنادر وساختمانها ومعادن وسایر صنایع دست باعتصاب عمومی بزنندلیکن کارگران‌راه‌آهن بخصوص درمشرق وشمال وعده زیادی از کارمندان و کارگران دیگر ازاجرای دستور کمیته امتناع ورزیدند ونیز کارگران داوطلب درروز اول مه‌پستهای حساس کارگران اعتصابی را اشغال کردند. افکارعمومی باجنبشهای مزبورمخالف ودولت براوضاع مسلط بود ، روز اول ماه‌مه درپاریس اعتصابات بدون خونریزی شدید برگزار شد و فقط سه نفر مقتول وعده کثیری زخمی شدند ، روز۱۱ مه دولت اعلامیه‌ای‌برعلیه اتحادیه‌عمومی کار صادر کرد و کارگران معادن رابعنوان اقدام برعلیه‌امنیت‌مملکت تحت‌تعقیب قرار دادوازجمله **من‌موسو** عضو فعال اتحادیه کارگران‌راه‌آهن رابازداشت نمود . شرکتهای راه آهن ۲۲۰۰۰ کارگر و کارمند را اخراج کردند و روز ۱۸ مه دولت طرح جدیدی برای سازمان راه‌آهن تصویب نمود واتحادیه عمومی کارناگزیرشد که روز۲۱مه دستور پایان اعتصاب راصادر کند. روزاول ژوئن طرح تازه‌ای برای استخدام تهیه وبدین‌ترتیب ۱۸۰۰ فقره اعتصاب سال۱۹۲۰ بدون خونری زیاد بمرحله اجرا در آمد ولی نهضت و جنبش عمومی بصورت خفیف‌تری در سال ۱۹۲۱ ادامه یافت چنانکه درین سال ۴۷۵ فقره اعتصاب پیش‌آمد که بیشتر آنها مربوط به کارگران کارخانه‌های نساجی بود.

محاکمه کایو[4]

محاکمه کایو ، نخست وزیرسال ۱۹۱۱-۱۹۱۸ فرانسه ، بجرم همدستی بادشمنان وافشای پاره‌ای اطلاعات‌بنفع دشمن و بضرر فرانسه ومتفقین ازروز ۱۷ فوریه ۱۹۲۰ در دیوان عالی فرانسه

۱- Lévéque ۲- Midol ۳- Monmousseau ۴- Caillaux

آغازشده بود، دادستان کل **له‌کووه**[1] وو کلای عمومی، **رینول**[2] و **مرنه**[3] دررأس اداره دادستانی و **موروژیافری**[4] و **ماریوس‌موته**[5] وکلای مدافع متهم در دیوان عالی، که بریاست **لئون‌بورژوا**[6] تشکیل جلسه داده بود، بفعالیت پرداختند. انهام کایو، علاوه بردادن اطلاعات‌بدشمنان، همکاری ومعاضدت‌باعناصرخائن‌افراطی مانند**دووال**[7] و **المریدا**[8] و **بولوپاشا**[9] وامثال آنان بود.

روز۲۲آوریل ۱۹۲۰ دیوان‌عالی با۲۱۳ رأی‌درمقابل۲۸رأی اقلیت‌اتهام‌کایو را در موردهمکاری‌بادشمنان رد کردلیکن‌با۱۵۰رأی‌موافق‌دربرابر۹۱مخالف‌قسمتی ازاتهامات اورادرباره دادن اطلاعات بدشمنان تاییدوبادرنظر گرفتن‌علل مخففه‌با۱۲۸رأی اکثریت دربرابر۱۱۰رأی‌اقلیت‌اورابه سه‌سال‌حبس‌و۵سال‌تبعیدودوسال‌محرومیت‌ازحقوق اجتماعی محکوم نمود وکایو، که مدت۲۷ ماه از۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ تاتاریخ‌صدور رأی (۲۴آوریل ۱۹۲۰) زندانی بود، عصرهمان‌روزآزاد گردید.[10]

مسائل‌مذهبی و سفارت واتیکان

عده‌ای ازاکثریت نمایندگان مجلس خواستار تعدیل بعضی از قوانین‌عرفی‌وعده‌دیگر طالب‌الغای آن قوانین ودارای‌احساسات مذهبی شدیدتری بودند. هیچگونه اختلاف و مشاجره مهمی درین باره بین دو دسته اکثریت بروز نکرد ولی مجلس علیرغم تمایلات تجدد طلبی خود تحت تاثیر نفوذ رجال قدیمی، که درمجلس راه‌یافته بودند، قرار گرفت.روز۱۰ژوییه۱۹۲۰مجلس بمناسبت‌جشن مذهبی که بافتخار **ژاندارك**[11] روز

۱-Lescouvé ۲- Regneult ۳- Mornet
۴- Moro-giafferi ۵- Marius Moutet ۶- Leon Bourgeois
۷- Duval ۸- Almereyda ۹- Bolo Pacha

۱۰ - چنین بنظر می‌آید که بقیه مدت زندان کایو تاسه‌سال‌ازطرف‌رئیس‌جمهوری فرانسه بخشوده شده است - مترجم.

۱۱-Jeanne d'Arc دختر روستائی فرانسه متولد سال ۱۴۱۲ که هنگام غلبه انگلیسها برفرانسه برعلیه سپاه انگلیس قیام کرد واورلئان راازمحاصره انگلیسها نجات داد، سرانجام درسال ۱۴۳۱ بدست انگلیسها زنده‌درآتش‌سوخت-مترجم.

۱۶ مه دررم برقرار شده بود ، عیدژاندارك را« **عیدملی** » اعلام وتصویب‌نمود که‌دومین یکشنبه ماه‌مه‌هرسال مراسم جشن‌عید ملی بافتخار ژاندارك فاتح ونجات دهندهٔ **اورلئان** برگزار شود . روز۱۱ مارس ۱۹۲۰ دولت به مجلس پیشنهاد کرد که برعایت احترام پاپ ، که عالی ترین مقام اخلاقی و روحانی اروپـای غربی است ، وبمناسبت بازگشت الزاس ولرن‌بفرانسه طبق اصول موافقت‌نامه‌های مذهبی [۱] که‌در ادوارمختلف‌باپاپ‌هابسته شده دردربار واتیکان [۲] سفارت فرانسه تأسیس گردد زیرا فرانسه درانتشارآئین مسیح، بوسیله اعزام هیئت های مذهبی به‌مشرق زمین ، همیشه پیشقدم بوده‌است واکنون نیز باوجود مستحکم واستواربودن قوانین عرفی که دررژیم جدیدحکومت فرانسه به‌مرحله آزمایش گذاشته شده برقراری روابط مذهبی ضروری است . کمیسیونهای امور خارجه هردو مجلس بابرقراری روابط سیاسی بادرباپاپ موافقت کردند ولی‌شورلایحه‌درجلسات علنی مجلسین تاماه نوامبر آن‌سال طول کشید .

امورمالی

بحران‌مالی، بعلت افزایش روزافزون‌قروض دولت ونزدیك‌شدن موعد پرداخت آنها وهزینه های‌هنگفت ترمیم‌خرابی‌های‌جنك، متدرجاً شدت می‌یافت و آلمان نیز در پرداخت غـرامات تعلل می‌ورزید ، **فرانسوامارسال** [۳] وزیر دارائی مالیاتهای تازه‌ای وضع کرد که عوائدآن به ۸میلیارد بالغ میشد وازهمه مهمتر مالیات برمعاملات بازرگانی بود . سوسیالیستها که به‌پیروی ازعقاید**لئون‌بلوم** [۴] و **ونسال‌اوریول** [۵] با افزایش هر گونه مالیات‌غیر مستقیم مخالف بودند پیشنهاد کردند که مالیات‌برسرمایه وضع ودریافت شود.دولت آلمان‌غرامت جنك‌رانمی‌پرداخت‌زیرا کمیسیون‌غرامات تا۲۸ آوریل۱۹۲۱هنوز ترتیب‌پرداخت رامعین نکرده بود ، معذالك بودجه سال ۱۹۲۰ علاوه بربودجه عادی مبلغ ۵ر۵ میلیارد اضافه درآمد وچندین برابرآن رقم، هزینه نشان‌میداد و کسربودجه میبایستی‌تامبلغ ۲۰میلیارد

۱- Concordat ۲- Vattican (مقرپاپ درشهررم ـ مترجم)
۳- François Marsal ٤-Leon Blum ٥- Vincent Auriol

بابت غرامات از آلمان دریافت گردد . وامخواهی جدید دولت با فرع صدی پنج بمدت ۶۰ سال از ۱۹ فوریه تا ۲۰ مارس مورد استقبال عمومی قرار گرفت زیرا هنوز اکثر مردم بگفته **کلوتز**[1] وزیر دارائی کابینه کلمانسو که گفته بود «آلمانها غرامات را خواهند داد» اطمینان داشتند. باوجود وامخواهی ، بعلت وجود هزینه‌های هنگفت و ضروری ، وجوه حاصله ازوامهای داخلی بسرعت مصرف می‌شد ودولت ناگزیر بود که اسناد جدید خزانه انتشار دهد و براثر تراکم وامها وسررسیدموعد پرداخت آنها دولت بایستی در هر ماه بطور متوسط تا ۷میلیارد فرانك بپردازد . بانك ملی اعتبارات که برای پرداخت مساعده به نواحی آزاد شده فرانسه (نواحی شمال و مشرق که در زمان جنك به تصرف آلمانها درآمده بود ـ مترجم) تأسیس شده بود اوراق قرضه‌ای منتشر ساخت که مانند اسناد خزانه مورد استقبال عمومی قرار گرفت ولی موسسات و سرمایه‌داران بیگانه در خرید اوراق قرضه‌های مزبور دچار تردید و احتیاط بودند . فرانسوا مارسال برای جلب اعتماد عمومی روز ۱۴ آوریل ۱۹۲۰ قراردادی بابانك فرانسه منعقد ساخت که بموجب آن دولت ماهانه دو میلیارد فرانك بابت‌قروض خود ببانك مزبور بپردازد (دولت جمعاً ۲۵میلیارد فرانك به‌بانك مقروض بود) ولی این قرارداد فقط یکباردردسامبر ۱۹۲۱اجرا شد .

ارزش اعتباری فرانك فرانسه مرتباً تنزل میکرد چنانکه درژانویه ۱۹۲۰ لیره معادل ۱۶ر۴۳فرانك ودر دسامبر همان‌سال برابر با۲۰ر۵۹ فرانك بود واین تنزل علاوه برمشکلات مالی نتیجه کسر صادرات نسبت به‌واردات بود که سالانه به۲۳میلیاردفرانك بالغ میشد . دولت باردیگر اوراق وام بمبلغ۱۱میلیارد بافرع صدی شش‌درنوامبر ۱۹۲۰ منتشر ساخت‌ودرعوض مجبور شد که‌مقداری ازاسناد خزانه دوره جنك‌راازجریان‌خارج کند . در حقیقت خزانه فرانسه بحالت یك‌بانك رهنی ، که کلیه سهام آن بمردم تعلق داشت ، درآمده بود .

۱-Klotz

سیاست خارجی

دولت ازلحاظ سیاست خارجی برای حل وفصل مسائل ناشی از جنگ ومراقبت در اجرای پیمانهای صلح ورسای کوشش زیادی بکار میبرد .پیمان صلح ورسای درمجلس مبعوثان روزدوم اکتبر ۱۹۱۹ بااکثریت ۳۷۲ رأی موافق دربرابر ۵۳ مخالت و۷۳ ممتنع (سوسیالیستها) و هفته بعد درمجلس سنا باتفاق آراء تصویب شده بود . فرانسه بهیچوجه ازوجودنیروهای نظامی خود در نقـاط مختلفه اروپا برای کسب امتیازات استفاده نکرده بود و به‌تبعیت ازافکارعمومی میخواست هرچه زودتر کار خلع‌سلاح‌راپایان‌دهد وچون‌دولت کشورهای متحد آمریکای شمالی عدم قبول پیشنهاد انگلستان رامبنی برانعقاد پیمان‌تدافعی‌بین‌آن دو کشور باطلاع کلمانسو رسانیده بود ، فرانسه تمام‌هم‌خودرا صرف جلب کمکهای‌مالی ودریافت غرامات جنگ ازآلمان میکرد . یك‌پیمان‌نظامی‌بین‌فرانسه‌وبلژیك‌روز۵سپتامبر ۱۹۲۰ بامضا رسید.

از طرفی ناحیه **روهر**[۱] میبایستی از ۵ آوریل تا ۱۴ مه اشغال شود درحالیکه ارتش دولت جدید موقتی آلمان[۲] برای سرکوبی شورشها وطغیانهای‌محلی عازم‌مناطق غیرنظامی روهر بودند و از طرف دیگر دامنه مذاکرات کمیسیون غرامات روزبروز توسعه می‌یافت و درکنفرانس هـای لندن دردسامبر ۱۹۱۹ ، **سان‌رمو**[۳] در آوریل ، **هیت‌ولیمپن**[۴] درمه و ژوئن ، **بروکسل**[۵] در ۲ژوییه ، مجدداً هیت در اوت‌و کنفرانس مجدد بروکسل‌درسپتامبر ۱۹۲۰و کنفرانسهای دیگر درباره‌تقلیل سهم‌فرانسه‌ازغرامات جنگ اصرار میشد ومذاکره با**للویدجرج**[۶] متدرجاً بصورت تندوزننده‌ای درمی‌آمد .[۷]

۱ـ Ruhr ناحیه‌مهم‌صنعتی آلمان‌در کنار رودراین ـ مترجم ۲ـReichswehr، ریشسوهر برای کسب اطلاع بیشتر به بخش دوم این کتاب (آلمان) مراجعه‌شود ـ مترجم.

۳ـ San Remo ۴ـ Lympne وHythe ۵ـ Bruxelles

۶ ـ Lloyd George ۷ ـ تاریخ جنگ اول بین‌الملل نشان‌میدهد که‌فرانسه‌هنگام عقد قرارداد صلح باآلمان وتعیین‌غرامات جنگ سختی و شدت‌عمل‌زیاد بکار برده و درین مورد نیزمنظور مولف اشاره باین‌مسئله‌است زیرا نمایندگان اتازونی وانگلستان سعی می کردند که ازمیزان غیرقابل تحمل‌غرامات جنگ بکاهند ـ مترجم .

ژونار[۱] رئیس کمیسیون غرامات برای آنکه بتواند کار ترمیم خرابی‌های جنك در سرزمینهای آسیب دیده را پیش ببرد ازمقـام خود استعفا کرد و پوانکاره جانشین اوشد ، اونیز درپایان کنفرانس هیت بعنوان اعتراض بـه تقلیل سهم فرانسه از غرامات‌مقام‌خودرارها کرد و **لوئی دوبوا**[۲] وزیرسابق تجارت در۱۸ مه ۱۹۲۰ بریاست کمیسیون‌منصوب گردید.

مسائل دیگری درسیاست خارجی توجه دولت را بخود جلب کرده بود ازقبیل قرارداد **تریانون**[۳] مورخ ٤ژوئن۱۹۲۰ ، قرار داد **سور**[٤] مورخ ۱۰اوت ۱۹۲۰ و پیمان نظامی‌فرانسه‌وبلژیك‌مورخ۵سپتامبر ۱۹۲۰.ارتش‌سرخ‌شوروی‌برای کمك‌به**پیلسودسکی**[۵] وارد لهستان‌شدوورشورا تهدیده‌می کرد (ژوئن۱۹۲۰) میلران یك هیئت نظامی‌بفرماندهی ژنرال **ویگان**[٦] وعضویت ژنرال **هنریس**[۷] بهمراهی **ژوسران**[۸] نماینده سیاسی‌فرانسه درلهستان وعده‌ای کارمند ومقداری تجهیزات به‌لهستان فرستاد وروز۱۱ اوت حکومت ضدبلشویك ژنرال**ورانژل**[۹] رادرروسیه‌برسمیت‌شناخت. فرانسه‌باسایرمتفقین‌درپشتیبانی‌از قیامهائی که‌بوسیله‌روسهای‌سفید درسیبریا برعلیه رژیم جدید شوروی‌بروز کردهمداستان بود و به **کلچاك**[۱۰] دریا سالار روسی که حکومتی در روسیه بر ضد بلشویکها تشکیل داده بود کمك می کرد وفرماندهی قوای‌متفقین درسیبریابا **ژنرال‌ژانن**[۱۱] فرانسوی‌بود.

عزل‌دشانل و انتخاب میلران

باوجود تلاش میلران درمورد برآوردن‌آمال‌مردم، که‌درسرلوحهٔ آن وصول غرامات جنك وتثبیت اوضاع اقتصادی بود ، چندین بار مجلسین عدم رضایت خودرا از کابینه او ابرازنمودند لیکن دولت میلران همچنان باقدرت بکارخود ادامه میداد اما دشانل

۱- Jonnart ۲-Louis Dubois ۳- Trianon ٤- Sèvres
۵-Pilsudski ٦-Weygand ۷- Henrys ۸-Jusserand
۹- Wrangel ۱۰- Amiral Coltchak ۱۱- Janin

رئیس جمهوری دچار خستگی مفرط و ضعف قوای دماغی بود و هنگامیکه بنا بود. برای شرکت در یکی از مراسم رسمی به **مون بریزن**[1] برود در نزدیکی مونتارژی[2] روی ریلهای راه آهن افتاد و بیمارشد ودرقصر رامبویه[3] باستراحت پرداخت. روز ۱۰ سپتامبر رئیس جمهور را درحالیکه نیمی از بدنش در آب فرو رفته بود در کانال قصر یافتند بلافاصله پارلمان فرمان عزل دشانل را از ریاست جمهوری صادر نمود[4].

جلسه مشترك سنا و مبعوثان روز ۲۳ سپتامبر ۱۹۲۰ درورسای تشکیل ومیلران که در دوره نخست وزیری خود، فعالیت و صمیمیت در اداره امور کشور نشان داده بودبا اکثریت ۶۹۵ رای موافق در برابر ۶۹ رای به کاندیدای دیگر بنام **دلوری**[5] نماینده سوسیالیست و ۲۲ رای متفرقه بریاست جمهوری انتخاب گردید. وی در اولین نطق دوران ریاست جمهوری از مجلسین خواست که باجرح و تعدیل در بعضی از قوانین و تشکیلات حکومت دموکرات در تقویت قوه مجریه بکوشند.

کابینه لیگ[6]

رئیس جمهورجدید از **ژرژلیك** دعوت کرد که بدون تغییروزرا مقام نخست وزیری را بپذیرد و بدین ترتیب از قدرت و نفوذ نخست وزیر جدید بطورمحسوس کاسته‌شد. وی میبایستی روش دولت قبلی را درباره مسئله غرامات و کنفرانسهای صلح و مسائل سیاسی دیگر ازقبیل امور مربوط به یونان و ترکیه و تدارك جنك در سوریه با **امیر فیصل** و بدست آوردن نتایج قطعی درباره مرزهای سوریه و برقراری روابط تجارتی با روسیه شوروی، بشرط آن که دولت مزبور حاضر به تأدیه قروض سابق روسیه به فرانسه باشد، تعقیب کند. مسئله دیگر که دولت میبایستی رسیدگی کند تجدید رابطه سیاسی با دربار واتیکان بود. در مجلس کسانی مانند **هریو**[7] رادیکال-سوسیالیست و **پل بنکور**[8] سوسیالیست و امثال

۱- Mont brison ۲-MonTargis ۳- Rambouillet

۴- دشانل در ۲۸ آوریل ۱۹۲۲ وفات یافت. ۵- Delory

۶- G. Leygues ۷- Herriot ۸- P. Boncour

آنان باین عنوان که تجدید روابط با پاپ به استقلال کامل سیاسی فرانسه لطمه وارد می‌آورد بالایحه دولت مخالفت می‌کردند ولی سرانجام مجلس مبعوثان با ۳۹۱ رای موافق در برابر ۱۷۵ مخالف لایحه دولت را تصویب کرد و آنرا به مجلس سنا فرستاد لیکن کمیسیون خارجه سنا از بحث‌وشوردرباره‌لایحه امتناع ورزید. بعضی از محافل معتقد بودند که پس‌ازبرقراری روابط بادربار واتیکان، پاپ از نظریهٔ واتیکان دربارهٔتحریم قانون‌تفکیك مذهب‌ازسیاست[1] عدول خواهد کردواجازه‌خواهدداد که‌مراسم مذهبی دسته‌جمعی انجام گیرد.

روز ۱۱ نوامبر درهمان‌حال که مراسم باشکوه پنجاهمین‌سال برقراری جمهوری سوم اجرا میشد مراسمی بیادبود دومین سال پایان جنگ در محل **آرك دو تیریمف**[2] برپاوجسد یك‌سرباز گمنام که‌درعمارت **پانتئون**[3] امانت‌بود بخاك سپرده‌شد.

کابینهٔلیگ‌روز۱۲ژانویه۱۹۲۱ ازطرف‌رئیس‌مجلس مبعوثان‌بعلت‌آنکه در احقاق حق فرانسه ازقراردادهای‌صلح جدیت‌لازم بکار نبرده بود مورد استیضاح قرار گرفت و با ٤٤۷رأی‌عدم‌اعتماد دربرابر۱۱٦رأی سقوط کرد.

هفتمین کابینه بریان

پل‌رائول رئیس مجلس مبعوثان مایل‌بود که‌کابینه‌ائتلافی با شرکت**پوانکاره و ویویانی**[4] **و بریان** وامثال‌آنان‌تشکیل شود، پوانکاره روش ثابت و روشنی در سیاست پیش گرفته و جداً خواستار اجرای کامل قرارداد ورسای بود ودربرابر پیشنهاد رئیس مجلس از قبول نخست وزیری امتناع ورزید وحاضر شد که درکابینه جدید پست وزارت امور خارجه یا وزارت جنگ را برعهده بگیرد و سرانجام بریان در۱٦ژانویه برای هفتمین‌بار بریاست دولت منصوب گردید.

۱ـ یکی‌ازاقدامات مهم‌واساسی که دررژیم جمهوری فرانسه انجام‌گرفت تفکیك مذهب ازسیاست وقطع‌نفوذمقامات روحانی ازاموراجتماعی بود (مترجم)

۲ـ Arc de Triomphe (طاق پیروزی‌یا باصطلاح معمول ما طاق‌نصرت)

۳ـ Panthéou مقبره رجال ومشاهیرفرانسه(مترجم).

٤-Viviani

با آنکه بریان به‌جبههٔ‌ملیون‌وابستگی‌نداشت موردانتقاد ومخالفت‌شدیدنمایندگان دست‌راست برهبری **لئون دوده** [1] نماینده‌سلطنت‌طلب‌مجلس‌قرار گرفت ولی‌این‌مخالفت ومسائل‌سیاسی‌داخلی هیچیك فکر نخست‌وزیر جدید رابخود مشغول نکرد زیرا وی بیشتر متوجه مسائل مالی و روابط بین‌المللی بود .

بهای‌زندگی قدری تقلیل‌یافته ولی‌فعالیت صنعتی و اقتصادی درحال تنزل بود ، وامخواهی دولتها از تاریخ متارکه جنگ ببعد تعهدات سنگینی برخزانه تحمیل کرده وامکان تجدید وامخواهی را تقریباً ازمیان برده ، عوارض مالیاتی سنگین و تقلیل آنها بهرصورت لازم بود . **دومر** [2] وزیرجدید دارائی باحذف‌قسمت عمده مالیاتهای‌غیرمستقیم وبرقرار کردن‌سیستم‌مالیات بردرامد اصلاحاتی‌دروضع‌مالیاتها بعمل‌آورد وطرح جدیدی برای سازمانهای کشوری تهیه‌نمود . لیکن دربودجه کشور همچنان توازن وجودنداشت ودربرابر ۲۵میلیاردبودجه‌عادی یك‌متمم‌بودجه‌باعتباردریافت غرامات‌جنگ، که‌تنهاروزنه امید ملت فرانسه‌بشمارمیرفت، تنظیم شده‌بود درصورتیکه جریان اوضاع بین‌المللی روز بروز برنومیدی فرانسویان ازدریافت غرامات می‌افزود . کمیسیون‌غرامات ازمبلغ۱۳۲ میلیاردمارك غرامتی که میبایستی آلمان به‌متفقین بپردازد ۵۲ درصدآنرا بفرانسه‌اختصاص داد درحالیکه فرانسه از ۱۹۱۸ ببعد معادل ۶۰ میلیارد برای ترمیم خسارات وارده از جنگ و مستمری سربازان‌آسیب دیده پرداخته‌بود .

وزارت دارائی‌فرانسه دربودجه ۱۹۲۲، مبلغ۷میلیارد فرانك غرامت‌را که‌میبایستی آلمان بپردازد جزو درآمدهای پیش‌بینی شده منظور نمود وحال آنکه درآلمان زمزمه استمهلال درباره پرداخت غرامات بگوش میرسید بالاخره بودجه با قرضه جدیدی که بعمل‌آمد تا حدی تعدیل و درمجلس تصویب شد .

فرانسه‌درعرصه‌سیاست‌خارجی فریب خورده‌بود . فرانسه‌میبایستی پس‌از کنفرانس

۱- Léon Daudet ۲- Doumer

پاریس (ژانویه ۱۹۲۱) و کنفرانس لندن (مارس ۱۹۲۱) نواحی **دویسبورگ**[۱] و **روهرورت**[۲] و **دوسلدرف**[۳] رادرآلمان اشغال کند ولی کمیسیون نظامی مشترك متفقین درآلمان بامشکلاتی مواجه میشد که غالباً بهرکود کارها و کناره گیری نمایندگان منجر میگردید . آلمانها از مجازات تبهکاران جنگ خشنود نبودند و تبلیغات شدیدی که در دادگاه **لیپزیگ**[۴] در ۱۹ ژوئن بعمل آمد بطوری قضاة دادگاه را تحت تأثیر قرارداد که فرانسه و بلژیك نمایندگان خود را ازدادگاه احضار کردند وحکم دادگاه نیز در مورد مجرمین ازطرف کمیسیون مشترك متفقین اجرا نشد .

چون بریان با اعزام سفیر فوق‌العاده بدربار واتیکان ، سنای فرانسه‌را دربرابر عمل انجام شده قرار داده بود آن مجلس ناچار برقراری روابط سیاسی با پاپ را تصویب کرد .

تصمیمات کنفرانس تقلیل نیروی دریائی که درماههای دسامبر-ژانویه درواشینگتن تشکیل گردید وبریان و **سارو**[۵] بنمایندگی فرانسه درآن شرکت داشتند عدم‌رضایت فرانسه‌را فراهم آورد زیرا کنفرانس مزبور حداکثر ظرفیت نیروی دریائی‌را برای فرانسه و ایتالیا هریك ۱۷۵۰۰۰ تن و برای انگلستان ۵۲۵۰۰۰ تن و برای ژاپن ۳۱۵۰۰۰ تن وبرای اتازونی خیلی بیشتر تعیین نمود ونیز آزادی عمل را دربارهٔ کشتیهای کمتراز ۱۰۰۰۰ تن ، بخصوص درمورد زیردریائیها ازفرانسه سلب کرد .

بنابدرخواست للویدجرج جلسه کنفرانس غرامات وخسارات جنگ درشهر **کان**[۶] تشکیل گردید، بریان و **راتنو**[۷] ازجانب فرانسه در کنفرانس شرکت کردند تاپیشنهادات جدید آلمان راکه بفرانسه داده بود در کنفرانس مطرح نمایند ولی درمحافل عمومی فرانسه چنین شایع شد که طبق اخبار واصله در کنفرانس کان اقدامات فرانسه یکنوع انحصار-طلبی برای کسب امتیازات تلقی گردیده‌است. باشاره رئیس جمهوری وموافقت سنا مراتب

۱- Duisbourg ۲- Ruhrort ۳-Dusseldorf ٤- Leipzig
٥-Sarraut ٦- Cannes ۷- Rathenau

به‌بریان تلگرافی اطلاع داده شد ، وی کنفرانس را رها کرد وبپاریس بر گشت وپس‌از آنکه درمجلس مبعوثان از برنامه‌وروش‌سیاسی‌خوددفاع کرد بدون درخواست رأی‌اعتماد روز ۱۲ ژانویه از نخست‌وزیری استعفا داد .

کابینهٔ پوانکاره و مسئلهٔ روهر

میلران رئیس جمهور ، پوانکاره رئیس جمهور اسبق فرانسه را به‌نخست‌وزیری بر گزید . وی درنظر داشت اعضای دولت را از فراد جبههٔ ملی انتخاب کند ولی چون سران‌جبهه درمجلس مانند **دومرگ**[1] و **هریوو ویویانی** شرکت در کابینه را مشروط باین کردند که ازکلیهٔ احزاب و دستجات پارلمانی ـ و از جمله سوسیالیستها ـ درکابینه شرکت نمایند و پوانکاره باشرکت سوسیالیستها مخالف‌بود، منظور نخست‌وزیر انجام نگرفت و بالاخره‌کابینهٔ خود را در۱۵ ژانویهٔ ۱۹۲۲ از افراد معتدل تشکیل داد .

درمیان مسائل بیشمارسیاسی واجتماعی‌فرانسه ، پوانکاره معتقد بود که‌بایدسیاست محکم واستواری دربرابر آلمان اتخاذ کند ، بدین منظور باوجود توجه بمسائل سیاسی دیگر مـانند حوادث ترکیه و قـرار داد **لوزان**[2] و موضوع برقراری روابط با روسیه شوروی‌ومسئلهٔ مرزهای فرانسه و سویس ، پوانکاره بیشتر هم خود را صرف امور مربوط به‌آلمان می کرد .

کنفرانسهای **ژن**[3] (از ۸آوریل تا ۱۹ مه۱۹۲۲) و **لاهه**[4] (از ۱۵ ژوئن تا ۱۹ ژویه) دربارهٔ خسارات و غرامات جنگ نتایج قطعی ببار نیاورد و بیشتر جنبه اغفال و تظاهر داشت .

للوید جرج در مذاکرات کنفرانس احساسات مخالف خودرا بصورت آشکارتـری برعلیه‌فرانسه‌ابرازمیداشت‌وکلمانسوازطرف دولت فرانسه ماموریت یافت که‌برای‌تبلیغات دربارهٔ مقاصد و نیات دولت به کشورهای متحد امریکا برود .

۱ـ Doumergue ۲ـ Lausanne درسویس. ۳ـ Gênes درایتالیا .
۴ـ La Haye درهلند

تمایلات آلمانها ، درچنان موقعیت حساسی میبایست مورد توجه فرانسه قرار گیرد و کمیسیون خسارات مرتباً از میزان سهم فرانسه ازغرامات جنگ میکاست ولی پوانکاره علیرغم مخالفت انگلستان ، باجلب موافقت بلژیك روز ۱۱ ژانویه ۱۹۲۳ ناحیهٔ صنعتی **روهر** را درمغرب آلمان با قوای نظامی اشغال کرد ، بلافاصله مقامات محلی آلمان در روهر دستور مقاومت منفی در برابر قوای اشغال کننده را صادر کردند ، لیکن چون روز ۲۳ سپتامبر **اشترزمان**[1] صدر اعظم آلمان ساکنین روهر را بهترك مقاومت منفی دعوت نمود پوانکاره در حقیقت یك موفقیت سیاسی جدیدی بدست آورد و بعداز مدتی بارسیدگی دقیق بههزینه اشغال روهر و با توجه به استفاده‌های اقتصادی که از اشغال آن ناحیه نصیب فرانسه گردید ثابت شد که عمل دولت متضمن سودمملکت وبروفق مصلحت بوده است ، بهمین نظر اکثریت مجلس مبعوثان که از نمایندگان جبههٔ ملی بودند سیاست خارجی پوانکاره را صمیمانه تأیید کردند ولی نمایندگان رادیکال که بوسیله **هریو** رهبری میشدند مایل بودند که فرانسه در مورد جامعهٔ ملل و موافقت‌ها و پیمانهای بین‌الملل سیاست معتدلتری پیش بگیرد و درداخل همچنان بسیاست قاطع و کوبنده خود برعلیه اخلالگری ادامه دهد .

پوانکاره از سه تن از وزرای خود که منسوب برادیکال بودند[2] خواست که ازمقام خود کناره گیری کنند لیکن بمقصود نرسید .

ازطرف دیگر سوسیالیستها و کمونیستها جداً باسیاست پوانکاره مخالفت می‌ورزیدند وآنچه را که مطبوعات و محافل خارجی وداخلی درانتساب سیاست امپریالیستی بهفرانسه انتشار میدادند صحیح وموجه می‌شمردند و **پوانکاره و جنگ** را ملازم همدیگر می‌دانستند . اما اکثریت ملت ، که از سیاست سازشکارانه دولتهای گذشته ناراضی بودند ، روشن پوانکاره را بعنوان یك آزمایش صحیح درسیاست روشن او برای نیل به هدفها و مقاصد عالیه فرانسه تلقی می کردند .

---

۱ - Stretemann ۲- سارو، استراس Strauss ولافن Lafont

پوانکاره ، اکثر سران مبارز کمونیست ، از جمله **کاشن**[1] را بازداشت کرد ، کاشن بهمکاری باآلمانها و تبلیغات مضره برعلیه فرانسه درناحیهٔروهرمتهم بود وچون دیوان عالی فرانسه درمه۱۹۲۳ خودرا برای محاکمهٔکاشن صالح ندانست ، پوانکاره استعفا کرد ولی میلران استعفای او را نپذیرفت .

مسائل متفرقه

باآنکه مجلسین فرانسه ، عمل پاپ **پی یازدهم**[2] را که طی نامه‌ای خطاب بهکاردینال **گاسپاری**[3] اشغال ناحیهٔ روهر را بوسیلهٔ قوای فرانسه مورد انتقاد قرارداده بود ، تقبیح کردند ، اکثریت نمایندگان معتقد بودند که باید اعزام هیئتهای مذهبی عادی و فوق‌العاده بخارجه قانونی محسوب وترتیب اطمینان بخشی برای اینگونه روابط داده شود بهمین منظور دولت باپاپ برای پیدا کردن راه حلی وارد مکاتبه و مذاکره شد وپاپ قبول کرد که بارعایت قانون تفکیك مصوب سال ۱۹۰۵ فرانسه ، کمیته مشترکی از مشاورین حقوقی ونمایندگان شورای جمهوری برای منطبق ساختن قوانین عرفی بامقررات مذهبی تشکیل شود (۱۳دسامبر ۱۹۲۳) سرانجام در ۱۸ ژانویه ۱۹۲٤ طبق فرمان پاپ بهاسقفها و کشیشان فرانسه اجازه داده شد که تشکیلات مذهبی خود را براساس حوزه‌بندی سابق برقرار سازند و بدین ترتیب سازمان مذهبی کاتولیك دوباره درفرانسه زمام امور دینی را در دست گرفت .

کمیسیون نظام که مدتی بود برای تهیه طرح سازمان جدید ارتش، بارعایت احتیاجات نواحی آزاد شده و مناطق باز گرفته وعهدنامه‌های صلح و تعهدات نسبت بهمتفقین وامکان لزوم همکاریهای جدید نظامی ، مشغول کار بود ، طرح لازم را تهیه کرد وقانون مصوب اول آوریل ۱۹۲۳ . دوره خدمت زیر پرچم را برای مشمولین نظام وظیفه ۱۸ ماه قرارداد . **مارشال پتن**[4] معاون شورای عالی جنگ بسمت بازرس کل ارتش فرانسه منصوب گردید .

طرح قانونی هفته ای ٤۸ ساعت کار ، که اطاقهای بازرگانی لغو آنرا میخواستند . تصویب ودرسازمانهای راه آهن وبحریه تجارتی اجرا گردید .

۱- Cachin ۲- Pie. xI ۳- Gasparri ٤- Pétain

اتحادیهٔ عمومی‌کار ، که بر اثر اعتصابات سال ۱۹۲۰ مواجه با شکست و دچار ضعف شده بود ، نمی‌توانست دربرابر اجرای قانون موانعی ایجاد کند ، ولی‌چون رقیب آن اتحادیه ، شورای متحدهٔ‌کار گران کمونیست که از بدو تشکیل در سال ۱۹۲۱ دست به‌تحریکات وایجاد اعتصاباب زده بود،درین موقع قوای‌خودرا متشکل ساخت ، برنفوذ و اعتبار سندیکالیسم بطور محسوس افزوده شد و اعتصابات سالهای۱۹۲۲ و۱۹۲۳ نتیجه منطقی این تحول بود .

درفرقهٔ سوسیالیست ، پس‌از تشکیل کنگرهٔ عمومی در **تور** [۱] (دسامبر ۱۹۲۰) انشعابی حاصل شد وآن‌فرقه بدو دسته تقسیم گردید :

یکدسته سوسیالیست بنام شعبهٔ فرانسوی‌بین‌المللی‌کار [۲] (S·F·I·O) و دیگر فرقهٔ کمونیست .

کمونیستها براثر فعالیت **کاملینا** [۳] از مبارزین قدیم کمونیسم روزنامه**اومانیته** [۴] را حفظ و اداره کردند وهردو فرقه سوسیالیست درتبلیغات شدید بر علیه سیاست دولت و مبارزه باسرمایه‌داری همداستان بودند.سیاست پوانکاره‌درمورد روهر ، گرانی اجناس، احتمال بروز جنگ جدید وتهمت اتخاذ سیاست امپریالیستی ومیلیتاریستی از طرف دولت فرانسه ازجمله مسائلی بود که کمونیستها وسیله تبلیغ برعلیه دولت قرار میدادند . فعالیت دستجات چپ در انتخابات محلی و شهرداریها کاملا محسوس بود و سران مبارزه‌آنان شناخته شده بودند ودر اغلب تشنجات واعتصابات دست احزاب چپ بعنوان عامل مؤثردیده میشد .

در بلوای ملوانان فرانسه در دریای سیاه چند تن از عمال چپ مانند با دینا [۵] و مارتی [۶] افسر قدیمی ، که در۲۶ مارس ۱۹۲۲ بعنوان مشاور شهرداری پاریس بر گزیده

۱- Tours

۲- Section Francaise de L'internationale ouvrière

۳- Camelinat ۴- L humanité ۵- Badinat ۶- Marty

شد، بعنوان محرك بازداشت ومحکوم شدند و فعالیت عناصر چپ درمذاکرات مجلس مبعوثان نیزمنعکس گردید . در برابر این فعالیتها. فرقه های دست راست نیزبعداز مرك اسرار آمیز فیلیپ دوده [1] پسر دوده نماینده سلطنت طلب‌مجلس‌وتبرئه ژرمن برتن [2] قاتل ماریوس پلاتو [3] از فعالترین افراد سلطنت‌طلب (۲۲ ژانویه ۱۹۲۳) برفعالیت خود افزودند .

بحران مالی ۱۹۲۳-۱۹۲۴ مشکلات ومسائل مالی مهمترین وسیله مخالفت احزاب و دستجات سیاسی با دولت بود.**دولا ستیری** [4] وزیر دارائی در نظر گرفت که تصمیمات شدیدی برعلیه معاملات قاچاق اتخاذ کند ولی سروصدای زیادی برعلیه اودر فرانسه براه‌افتاد . وی باقرضه جدیدی بمبلغ ۳۷۰۰میلیون بودجه سال۱۹۲۳ راتنظیم نمود درحالیکه وام دولت به۶۹میلیارد بالغ وبی اعتباری خزانه و انتشار اوراق واسناد اجباری موجب خروج متوالی سرمایه ها ازکشور گردیده بود و سرمایه داران غالباً سرمایه های خودرا بکشورهای خارجی انتقال میدادند . وزیردارائی طرحی‌برای افزایش مالیاتها تا بیست در صد تهیه کرد ولی دربرابر اعتراضات شدید محافل‌بازرگانی‌وصنعتی‌ازاجرای‌آن‌طرح منصرف شد وبودجه سال ۱۹۲۳ درژوئن آن سال بتصویب رسید وبراثر این تأخیر در تصویب بودجه پوانکاره یقین حاصل کرد که علیرغم انتقاد شدید نمایندگان ومحافل طرفدار اصول پارلمانی ناگزیز خواهد بود که قانون بودجه سال۱۹۲۳ را درسال ۱۹۲۴ نیزاجرا کند .

پایان مقاومت منفی‌آلمانها در روهر وتصویب بودجه وآثار پیشرفتهائی که در بعضی ازصنایع کشور وخطوط ارتباطی حاصل گردید و توازن نسبی صادرات و واردات در پایان‌سال ۱۹۲۳، حس خوش‌بینی محافل سیاسی را نسبت باوضاع جلب نمود در حالیکه ارزش برابری فرانك مرتباً درحال تقلیل بود (در دسامبر ۱۹۲۲ لیره با ۶۳٫۸

۱- Ph. Daudet ۲- Germaine Berton ۳- Marius Plateau
۴- de Lasteyrie

فرانك و در دسامبر ۱۹۲۳ با ۸۲٫۸ فرانك برابر بود) . در ۱۴ ژانویه ۱۹۲۴، ناگهان ارزش برابری لیره بسرعت بالارفت و به ۹۶ فرانك رسید . روز ۱۵ ژانویه ، بانك ملی قرضه جدیدی بمبلغ ۳میلیارد اعلام نمودولی بیش‌از نصف آن عاید نشد. پوانکاره تصمیم گرفت که برای جلوگیری ازتنزل فرانك جداً اقدام کند وبهمین منظورطرح استقراض ۱۰۰ میلیون دلار ازممالك متحده امریکا و۴میلیون لیره از انگلستان رابمیان آورد و چون مصمم بود که تعادل قطعی بودجه‌رابرقرار کند روز۱۷ژانویه‌ازمجلسین‌خواست که قانون افزایش مالیاتی راکه سال گذشته تهیه شده بود تصویب کنند وباو اختیاربدهند که ازلحاظ توازن بودجه طبق احکامی که صادرخواهد کرد بعضی ازمشاغل دولتی را حذف وسپس مجوز قانونی برای اقدامات خود از مجلسین کسب نماید ، امااراديكال ـ سوسیالیستها و سوسیالیستها و کمونیستها بسختی‌باطرح پیشنهادی پوانکاره مخالفت ورزیده اقدامات ومقاصد او را حمل بردیکتاتوری کردند و اعطای اختیارات قانونی را به نخست وزیر مردود شمردند .

لیره ودلار همچنان در حال ترقی بود . ناچار برای مدت ۱۰روز بورس پاریس تعطیل و شورائی از وزراء و کارشناسان بانکی و اقتصادی در **الیزه** [1] تشکیل گردید و با اتخاذ تدابیرجدیدی ازتنزل بیشترفرانك ومعاملات ارزی خارج از اندازه جلوگیری بعمل‌آمد (۹مارس ۱۹۲۴) درنتیجه اقدامات شورای اقتصادی مزبور نرخ رسمی دلار از۲۷٫۰۵ فرانك به ۱۸٫۲۰ فرانك ولیره از۱۱۵٫۶۰ به۶۵٫۰۵ فرانك تقلیل یافت وبر اثراین اقدام عده‌ای ازصرافان فرانسه ورشکست شدند و بانك فرانسه توانست اعتبار و مقام اقتصادی خودرا ترمیم وذخیره ارزی نسبة کافی تهیه نماید .

اقدامات دولت فقط از آن لحاظ مورد تصویب مجلسین قرار گرفت که هنوز اکثریت نمایندگان طرفدار دولت پوانکاره بودند و حال آنکه مخالفت‌های محافل خارج از پارلمان و بعضی از نمایندگان اقلیت همچنان ادامه داشت و دولت درآستانه

۱ـ Elyée

انتخابات جدید با بحران شدید مالی مواجه بود. روز ۲۶ مارس در غیاب نخست وزیر، وزیردارائی هنگام تقدیم لایحه مربوط به کارمندان دولت از مجلس مبعوثان تقاضای رأی اعتماد کرد ومجلس با ۲۷۱ رأی در برابر ۲۶۴ موافق عدم اعتماد خود را بدولت ابراز داشت و کابینه سقوط کرد.

کابینه جدید پوانکاره

پوانکاره که مجدداً مأمور تشکیل دولت شده بود میخواست بغیر از دو تن از وزرای کابینه سابق که باسیاست اشغال روهر موافق بودند و در کابینه جدید نیز باقی ماندند، بقیه وزرای خود را از رادیکالها انتخاب کند و چون رادیکالها پیشنهاد او را نپذیرفتنداز میان نمایندگان سایر دسته ها پارلمانی وزرائی برگزید که بطور کلی بیشتر از وزرای سابق متمایل به چپ وبعضی از آنان کسانی بودند که با اعطای اختیارات قانونی به نخست وزیر مخالفت ورزیدند. کابینه جدید پس از اعلام برنامه خود که متضمن اتخاذ یك رویه اقتصادی و مالی صحیح وروشن و مراقبت واحتیاط کامل در سیاست خارجی بود، ۳۸۳ رای اعتماد در برابر ۱۳۱ رای مخالف از مجلس مبعوثان بدست آورد (۳ آوریل ۱۹۲٤)، سپس چون انتخابات در پیش بود جلسات مشترك مجلسین سنا و مبعوثان تعطیل گردید. (۱۳ آوریل ۱۹۲٤)،

انتخابات ۱۱ مه ۱۹۲۴

مبارزه شدید انتخاباتی آغاز گردید ولی پوانکاره در آن مبارزات دخالت نکرد، وی مدت دوسال وزارت کشور فرانسه راهمچنان در دست **مونوری**[1]، که بیشتر مخالفین جبهه ملی را بفرمانداری اکثر شهرستانها منصوب نموده بود وعلیرغم انتقادا کثریت و اعتراضات شدید **تاردیو**[2] از سران جبهه ملی، باقی گذاشته بود. بریان نیز از ماه فوریه ۱۹۲٤ ببعد طی نطقی که در **کارکاسن**[3] ایراد کرد مخالفت خود را با جبهه ملی اشکار ساخت. اتحادیه سرمایه داران که طرفدارسود وبهره وافر اقتصادی بود برهبری **بی یه**[4] مجدداً عناصر

۱- Maunoury ۲- Tardieu ۳- Carcassone ٤- Billiet

افراطی دست راست را کاندید نمودو نمایندگان وابسته به جبهه ملی تقریباً دست خالی بمیدان مبارزه آمده بودند. هرچند که درین انتخابات، خطر بلشویسم که در سال ۱۹۱۹ احساس میشد دیگر وجود نداشت ولی دسته‌های چپ متشکل تر و نیرومندتر از سال ۱۹۱۹ شده بودند. در برابر کمونیستهای تابع مسکو که به تنهائی خودرا برای مبارزه آماده می کردند، سوسیالست‌ها و رادیکال سوسیالیستها با یکدیگر ائتلاف نمودند وجبهه واحدی تشکیل دادند. مبارزه انتخاباتی این دسته در صفحات جراید **کوتیدین**[1] و **لوپروگره سیویك**[2] که بوسیلهٔ ۶۰ هزار نفر از کارمندان کم‌رتبه دولت و بخصوص معلمین تأسیس شده بود باشدت هرچه تمامتر منعکس میشد.

برای مبارزه انتخاباتی هنوز مستمسك و وسائل تبلیغاتی فراوان وجود داشت از قبیل: عدم پرداخت غرامت باوجود اشغال روهر، تنزل پول فرانسه، خطرجنك و تنهائی فرانسه در سیاست اروپائی، زندگی گران وفشار عوارض سنگین برمعاملات، افزایش نرخهای مالیاتی، مسئله اعطای اختیارات قانونی مورد تقاضای دولت، شکست بانك ملی درمورد انتشار وام جدید در مارس ۱۹۲۴ و مانند آنها. کارمندان دولت، که باتشکیل اتحادیه صنفی آنان مخالفت بعمل آمد و علیرغم بالا رفتن قیمت‌ها افزایش حقوق آنان بکندی صورت می گرفت، همه‌جا وحتی دردهستانها ومزارع درمبارزه انتخاباتی با علاقه و حرارت بی‌نظیری شرکت کردند.

انتخابات ۱۱ و ۱۸ مه در محیط آرام و بدون زدوخورد انجام گرفت، درین انتخابات در حدود یك میلیون نفر بر عده رأی دهندگان نسبت بسال ۱۹۱۹ افزوده شده بود وجبهه ملی با آنکه تقریباً کرسی‌های خود رادرمجلس حفظ نمود لیکن اکثریت را ازدست داد و عناصر چپ آنرا بدست آوردند وقانون انتخابات مصوب سال ۱۹۱۹ که اجرای آن بنفع جبهه ملی تمام شده بود اینبار موفقیت احزاب چپ را تامین نموداز این قرار که سوسیالیستها ورادیکال سوسیالیستها ۳٫۳۹۴۴۱۶ رأی و کمونیستها ۸۷۵۸۱۲ رأی و احزاب مخالف

۱- Quotidien ۲- Le Progrès Civique .

آنان رویهرفته ۴۵۳۹۰۶۳ رأی داشتند و **ماندل**[۱] و **تاردیو** و **فنك**[۲] (شخص اول دوران جنك)و **لئون‌دوده**،**اندره‌لفور**[۳]و**مونوری**و**ژنرال‌دوگاستلنو**[۴]و**دولاستیری** از رجال سیاسی و رهبران جبهه ملی و احزاب دست راست از انتخاب مجدد محروم ماندند. بالاخره درپایان انتخابات ، احزاب دست راست ۱۵، جمهوریخواهان مؤتلف ۱۱۸،جمهوریخواهان‌جناح چپ ۱۳۰، رادیکال سوسیالیستها ۱۳۸ ، سوسیالیستها۱۰۸، جمهوریخواهان‌سوسیالیست۳۰ و کمونیستها ۲۷ کرسی بدست آوردند.

کابینهٔمارسال‌وعزل میلران

پوانکاره طبق معمول بمناسبت افتتاح مجلسین از روز اول ژوئن استعفای خود را اعلام نمود ولی نمایندگان دست چپ که در انتخابات پیروزی بزرگی بدست آورده بودند خواستار کناره‌گیری میلران ازریاست جمهوری بودند و او را متهم کردند باینکه از اصول حکومت پارلمانی تخطی‌نموده و در موارد عدیده و از جمله در مورد سقوط کابینه **لیك** و احضار **بریان** از کنفرانس **کان** ازحدوداختیارات خود که مستلزم حکومت دموکراسی است خارج گردیده و درمورد اشغال روهر سیاست مستقل شخصی اتخاذ کرده و ضمن‌مذاکرات خود در **اورو**[۵] (۱۴اکتبر۱۹۲۳) ضمن مخالفت با انتخابات ایالتی روح محافظه‌کاری شدیدی از خودنشان داده است. روز اول ژوئن که بنابود رئیس جمهوردر مراسم افتتاح مجلس شرکت کند طبق پیشنهاد آکامبرای[۶] حضور میلران موجب جریحه‌دار شدن وجدان جمهوریت فرانسه‌تلقی گردیدومردودشناخته‌شد. نمایندگان دست چپ بآن پیشنهاد رای دادند و اعتدالیون حوادث مزبور را بعنوان یك سوءقصد نسبت به قوانین جمهوری‌تلقی کردند.

میلران ، **هریو** را به تشکیل کابینه دعوت کرد ولی وی که حساب کار خود و مقتضیات و اوضاع زمان رامی کرد زیر بارنرفت و چون میلران میخواست‌تاآخرین حد

۱- Mandel ۲- Fonck ۳- André Lefèvre
۴- G. de Castelnau ۵- E reux ۶- Acambray

امکان با مخالفین خود مبارزه کند **فرانسوا ـ مارسال** را به‌نخست وزیری برگزید واو میبایستی ضمن معرفی کابینهٔ خود به مجلس، پیام رسمی رئیس جمهوری را که جنبه‌دفاع از سیاست وی نیز داشت قرائت کند. روز ۱۰ ژوئن پس از قرائت پیام میلران که در آن از سیاست ملی‌و اجتماعی صحیح خود دفاع وتصریح‌نموده بود که‌دربرابرسمپاشی و مقاصد انقلابی مخالفین ایستادگی کرده و همچنان مقاومت خواهد ورزید، مجلس بنا به پیشنهاد **هریو ولئون‌بلوم** ودو نماینده دیگر هرگونه مذاکرات و مشاوره را تا تشکیل دولتی بروفق آمال و افکار عمومی، بتعویق انداخت و مجلس سنا نیز بااکثریت ۱۵٤ رأی دربرابر ۱٤٤ رای هرگونه‌شورومذاکره راموکول به رسمیت یافتن مجلس مبعوثان نمود.

روز ۱۱ ژوئن میلران ضمن‌پیامی که‌برای ملت فرانسه فرستاد ازریاست‌جمهوری استعفا کرد. سران ولیدرهای فرقه های چپ در الیزه برای تعیین کاندیدای خود گرد آمدند، به **پنلوه** [1] رئیس مجلس مبعوثان و کاندیدای رسمی احزاب چپ ۳۰٦ رأی و به **گاستن‌دومرگ** [2] که از۲۲ فوریه ۱۹۲۳ ریاست مجلس سنارا داشت ۱٤۹ رأی تمایل داده شد وچون دومرگ حاضرنشد که بنفع رقیب از کاندیدا بودن صرفنظر کند درجلسه مشترک‌سنا و مبعوثان، روز ۱۳ ژوئن بااکثریت ۵۱۵رأی در برابر ۳۰۹ رأی که‌به **پنلوه** داده شد بریاست جمهوری‌انتخاب گردید زیرا عده‌ای از رادیکالها از بیم آنکه پنلوه سیاست سوسیالیستی افراطی‌درپیش گیرد به‌رقیب اودومرگ‌رأی‌دادند. در انتخابات داخلی‌مجلسین، یکی‌ازاعتدالیون بنام **دوسلو** [3] بریاست‌سناو **ماژینو** (٤) بریاست کیمسیون نظام مجلس مبعوثان انتخاب شدند.

قدرت‌در دست احزاب چپ

روز ۱٤ژوئن هریومأمور تشکیل کابینه‌شد وروز ۱۵ ژوئن هیئت دولت را تشکیل داد وروز ۱۷ ژوئن ضمن معرفی دولت جدید

۱ـ Painlevé ۲ـ Gaston Doumergue ۳ـ de Selves

٤ـ Maginot

برنامه خودرا به مجلس ارائه نمود ، دربرنامه دولت هریو ، احترام کامل نسبت به قوه مقننه ، تأمین منافع کامل فرانسه درروابط باآلمان ودر روابط بین‌المللی بخصوص در مسئله خلع سلاح عمومی وحکمیت‌های بین‌المللی ، تجدید روابط عادی باروسیه ، حذف سفارت فرانسه درواتیکان وحفظ واجرای کامل قوانین عرفی، گنجانده‌شده بودو دولت هریو ۳۱۳ رأی اعتماد درمجلس بدست آورد . سوسیالیستهای متحد برهبری لئون بلوم که از شرکت درکابینه هریو خود داری کرده بودند پشتیبانی خودرا از دولت در مورد تصویب بودجه اعلام نمودند . اقلیت مخالف مرکب بوداز نمایندگان دست‌راست و۲۷ نماینده کمونیست که سوسیالیستها را به خیانت نسبت بمنافع طبقه کارگر متهم می کردند و جامعه ملل‌را یك جامعه کاپیتالیستی وآنرا مظهر روح سرمایه‌داری میدانستند .

در میان مأمورین عالیرتبه دولت درفرانسه‌ومستعمرات تغییرات زیادی بنفع عناصر دست چپ داده شد ، ژنرال **ویگان** که اندکی قبل از این تاریخ بجای **گورود**[1] بسمت کمیسر عالی فرانسه در سوریه منصوب شده بود احضار و ژنرال **سارای**[2] در ۲۸ نوامبر ۱۹۲٤ بآن سمت برگزیده‌شد . درمجلس مبعوثان کمیسیونی برای تجدید نظر و اصلاح قانون انتخابات بریاست **رنودل**[3] نماینده سوسیالیست تشکیل و تصمیماتی برعلیه اتحادیه کار فرمایان وسرمایه‌داران اتخاذ گردید ولی در اجرای آن تصمیمات اهمال بکار رفت ونتیجه‌ای بدست‌نیامد .

ازروز۲۲ژوئن ۱۹۲٤ ، هریو برای ملاقات‌ومذاکره با **ماکدونالد**[4] بانگلستان رفت‌واین‌ملاقات که‌درمحیط بسیار صمیمانه ودوستانه انجام گرفت سوء تفاهمی درازهان عمومی ایجاد نمود وموجب آن گردید که‌ماکدونالد برای‌رفع سوء تفاهم در ۸ژوییه بپاریس بیاید . کنفرانس **لندن** که‌از۱٦ ژوییه تا ۱٦اوت ادامه داشت سیاست فرانسه

۱- Gouraud ۲- G. Sarrail ۳- Renaudel

٤- J. R. Macdonalo نخست وزیرانگلستان درسال‌های۱۹۲٤ و ۱۹۲۹ و ۱۹۳۱- مترجم.

را درباره روهر تأیید نمود ونیزقبول کرد که طرح پیشنهادی **داوس** [1] امریکائی را در باره تقسیط غرامات جنگ بپذیرد وآلمان غرامات راباقساط سالیانه بپردازد . تصمیمات کنفرانس لندن بااکثریت ۳۳۶ رای درمجلس مبعوثان وبا اکثریت ۲۰۴ رای در سنا بتصویب رسید . در تاریخ ۲ اکتبر ، براثر پافشاری هریو ، پروتوکل **ژنو** [2] در باره واگذاری دعاوی واختلافات قضائی بین‌المللی به **دیوان‌داوری** لاهه و ارجاع دعاوی غیرقضائی به‌حکمیت بتصویب‌رسید.درپروتوکل‌ژنو برای‌اجرای‌رای دیوان لاهه‌مجازاتهای اقتصادی دردرجه‌اول‌ونظامی‌دردرجه‌دوم پیش‌بینی شده بود ولی این پروتوکل هیچوقت چنانکه باید اجرانشد .

روز ۲۸ اکتبر ۱۹۲٤، دولت‌هریوحکومت‌روسیه‌شوروی رابا مرزهای‌سابق آن کشوروفقط در مناطقی ازروسیه‌قدیم که‌مردم‌آن‌رژیم‌جدیدراپذیرفته‌بودندبرسمیت‌شناخت وشوروی نیز کلیه‌حقوق وامتیازات اتباع فرانسه‌وشرکتهای فرانسوی ساکن روسیه‌را که‌دردوره تساری بدست آورده‌بودند - برسمیت پذیرفت. دولت شوروی که اعلام نموده بود ، در اموردا خلی‌سیاست‌بیطرفی‌کامل‌اتخاذخواهد کردبوسیله سفیر خود **راکوسکی** [3] که جانشین **کراسین** [4] گردید طرحی بفرانسه پیشنهاد کرد که بموجب آن وام خود را باین کشور باگشایش‌اعتبارات جدید باقساط طویل المده بپردازد ولی دولت فرانسه آنرا نپذیرفت .

فعالیت کمونیستها که روزبروز افزایش مییافت توجه دولت راکاملا بخود جلب کرده بود . روز ۲۳ نوامبر ۱۹۲٤ ، بمناسبت انتقال خاکستر جسد **ژورز** [5] به

۱- Dawes طرح داوس مبنی براین بود که با توجه به استطاعت ملت آلمان و قدرت مالی واقتصادی آندولت متفقین از وارد آوردن فشار فوق‌العاده برای دریافت غرامات خودداری وقبول کنند که غرامات جنك باقساط سالیانه پرداخت شود - مترجم

۲- Genève

۳- Rakowski ٤- Krassine ٥- J. Jauoès از رهبران حزب سوسیالیست که در۱۹۱٤ ترورشد .م

پانتئون کمونیستها با پرچمهای سرخ بتظاهرات پرداختند ولی دولت هریو بر کلیه سازمانهای فرقه کمونیست که از طرف **بین الملل سوم** [1] اداره میشد در کارخانجات و غیره دست یافت واین امر پس ازحوادث خونین مارسی [2] وپاریس هیجان شدیدی درمردم ایجادنمود. کمونیستها مدعی بودند که مخالفین آنان دسته‌های فاشیستی تشکیل داده‌اند تا از تظاهرات مشروع آنان با خونریزی و کشتار جلوگیری کنند.

مسائل مذهبی نیز جزو مسائل جاری ومورداعتنای عمومی بود. دولت میخواست در الزاس ولرن قوانین عرفی ومدنی فرانسه را کاملا اجرا وسفارت فرانسه‌را درواتیکان حذف کند، **اتحاد ملی کاتولیك** برهبری ژنرال کاستلنو، به تظاهرات و میتینگهای دامنه‌داری با شرکت ده‌ها هزار نفر دست زد ومبارزه‌شدیدی را برعلیه تصمیم دولت وحتی برعلیه‌قوانین عرفی ومدنی فرانسه آغازنمود، روز۲۶ سپتامبر۱۹۲٤،شش‌تن‌ازکاردینالهای فرانسوی وپس‌ازآنان‌عده کثیری‌از کشیشان کاتولیك اعلامیه انتقادی شدیدی‌امضاء و صادر کردند که حتی در بین اعتدالیون فرانسه نیز مؤثر واقعشد. معذالك مجلس مبعوثان روز ۲ فوریه۱۹۲۵ بااکثریت ۳۱٤رأی دربرابر۲۵۰ رأی‌مخالفت حذف سفارت فرانسه را دردربار پاپ تصویب کرد ولی بر اثر اعتراض شدید محافل الزاس ولرن و صدور اعلامیه دولت مبنی بر اینکه‌مقررات پیمانهای مذهبی منعقده با پاپ را در ادوار گذشته در مورد آلزاس ولرن اجرا خواهد کرد، مجلس‌سنالایحه حذف سفارت را معوق گذاشت و سفارت فرانسه در واتیکان باقی‌ماند.

روز سوم ژانویه ۱۹۲۵، پس از یك بحث طولانی و پر حرارت، قانون عفو عمومی بتصویب مجلس رسید و کایو و مالوی [3] که مجدداً بنمایندگی مجلس انتخاب شده‌بودند از آن‌استفاده کردندوچون براثر فرمان عفو عمومی، کارگران باز داشت شده راه آهن

---

۱ ــ مرکز سازمان بین‌الملل سوم یا کمینترن یعنی مرکز اطلاعات وارتباط کلیه احزاب کمونیست جهان درمسکو بود ــ م ۲ــ Marseille.

۳ــ Malxy.

نیز آزاد شدند اختلاف‌شدیدی بین مدیران وکارفرمایان شرکتهای راه آهن و دولت بوجود آمدولی دولت بادادن وعده‌هائی دایربرتامین‌نظر مدیران شرکت‌ها بآن‌اختلاف پایان داد.

درماه آوریل ۱۹۲۵، **فرانسوالبرت**[۱] شخصاً یکی از اساتید حقوق را بنام **ژرژسل**[۲] بجای **لوفور**[۳] که ازطرف دانشکده حقوق پیشنهاد شده بود باستادی آن دانشکده برگزید و براثر این اقدام دانشجویان دانشگاههادرسراسر فرانسه دست به اعتصاب و تظاهرات شدید زدند و چون**بارتلمی**[٤] رئیس دانشکده حقوق از ادامه‌کار خود داری نمود و استادان‌دانشکده نیز با او همکاری کردند تشنجات دانشگاه‌همچنان ادامه یافت .

دولت برای جلب رضایت کارمندان اعلام نمود که اتحادیه های صنفی کارمندان دولت را برسمیت‌می‌شناسدولی‌کارمندان‌دولت‌و بخصوص‌طبقه معلمین که‌درمبارزه‌انتخاباتی دخالت موثر و سهم‌بسزائی‌در موفقیت کاندیداهای ملی داشتند بنابوعده‌ای که در حین جریان‌انتخابات بآنان داده شده‌بود خواستار افزایش حقوق‌بودند، تحولاتی که دردوران جنگ درفرانسه حاصل‌شده بود وترقی‌فوق العاده‌بهای زندگی، تجدید نظردرسازمانهای دولت ووضع استخدامی کارمندان و افزایش حقوق آنان را ایجاب میکرد ، لیکن انجام این تقاضاها از وزارت دارائی فرانسه که بارسنگینی رابردوش داشت و گرفتارمشکلات عظیم‌مالی بودبعید بنظرمی‌آمد.

کلمانتل[٥] وزیردارائی ازبدوتصدی خوددرکابینه‌هریو پس ازتهیه **بحران‌مالی‌و‌سقوط هریو** صورت جامعی ازدارائی کشور بودجه‌ای تنظیم کرد که در آن هزینه‌های ضروری دربرابر درآمدها وعوائدتقریباً قطعی و قابل وصول،ازجمله‌اقساط غرامات‌جنگ که‌طبق‌طرح «داوس»میبایستی

۱- Albert Français. ۲- Georges Scelle.
۳- le Fur ٤- Barthélemy.
٥- Clementel

ازآلمان دریافت شود، برآوردشده‌بود. علیرغم دسته‌های چپ ، که در مبارزه انتخاباتی افزایش مالیاتی راوسیله‌مخالفت ومستمسك وصول بمقصود قرار داده‌و باسیاست مالی‌دولتها در موردوامخواهی کاملا مخالفت کرده‌بودند، اضافه‌نرخ عوارض‌هنوز دریافت میشدودولت اوراق‌قرضه‌جدیدی باده سال مدت پرداخت و نرخ ۵٪ انتشار دادولی پنج میلیارد پولی که ازآن قرضه بدست آمد بیشتر صرف باز خرید اسناد خزانه دوره جنك گردید و خزانه ازآن قرضه استفاده‌ای‌نبرد زیرا بر اثرترقی روزافزون‌بهای‌زندگی‌اغلب‌دارندگان اسناد خزانه سعی می کردند که‌اسناد را به‌پول تبدیل کنند.

مشکلات خزانه‌داری در آغاز سال ۱۹۲۵ که مصادف‌با موعد پرداخت۲۳میلیارد بهای اوراق قرضه ملی‌بودبحد کمال رسید و درحقیقت خزانه‌فرانسه‌بصورت یك مؤسسه صرافی امانت دار درآمده بود که هر لحظه ممکن بود باتقاضای پرداخت مبالغ‌هنگفت از طرف مردم و امانت دهندگان (خریداران اوراق قرضه ملی واسناد خزانه) مواجه شود. وزیردارائی طی اعلامیه‌ای که ناشیانه تنظیم شده بود مشکلات مالی را گوشزد نمودو درعین حال، ببهانه جلوگیری از تاثیر وخامت اوضاع مالی در زندگی عمومی و اذهان مردم ، سیاست استتار پیش گرفت‌و از تشریح‌حقیقت‌اوضاع مالی خودداری نمود. وی، بعنوان آنکه حجم اسکناس نبایدازحد معین قانونی یعنی۴۱ میلیارد ومساعده های بانك فرانسه به خزانه از حد نصاب قانونی یعنی ۲۲ میلیارد تجاوز کند ، از تقاضای انتشار اسکناس جدید و دریافت مساعده ازبانك فرانسه خودداری و مبلغی ازموسسات صرافی و بانکهای خصوصی وام گرفت در حالیکه هم حجم اسکناس از حد معین و هم پرداخت بانك بدولت از حد قانونی تجاوز کرده بود،حجم اسکناس به ۴۲۲۹۵ میلیون و مجموع پرداخت بانك بدولت به ۲۳۵۹۵ میلیون بالغ بود.

کمیسیون دارائی‌مجلس مبعوثان بریاست یکی‌ازنمایندگان سوسیالیست هنگام شوردرلایحه بودجه مقررات تازه‌ای برای افزایش نرخ مالیات برسرمایه‌های بزرك وضع نمود ولی کمیسیون دارائی سنامقررات مزبوررا رد کرد وبر اثرانتشار این خبر مبارزه

شدیدی ازطرف اتحادیه‌جمهوریخواهان ملی، که بوسیله میلران درنوامبر ۱۹۲٤ تأسیس شده‌بود برعلیه سوسیالیستها آغاز گردیدودسته‌های‌چپ‌دراین مبارزه ، که درحقیقت یك مانور ماهرانه‌ای از طرف عناصر دست راست و بانکداران وسرمایه‌داران بزرك برضد دولت بود وحتی رؤسا ومدیران بانك فرانسه نیزدرآن شرکت داشتند ، سرگردان وبلاتکلیف بودند .

وزیر دارائی بنابه مصلحت وقت ، دریافت عوارض از سود اسناد خزانه دوران جنگ وعوارض کوپنهای سودسهام را لغو کردودر۲۸فوریه ۱۹۲۵ مقررداشت که برای مؤدیان مالیاتی چك و حواله مخصوصی ترتیب داده شود تا هرمودی بخواهد زودتر از موعد مالیات‌خودرابپردازد ازمزایای چکها که درتقلیل میزان مالیات مؤدیان مؤثر بود استفاده کند ولی این تصمیمات هیچیك‌برای رفع مشکلات مالی مفید نبود و **کلمانتل** ناچاربایستی بدون جلب موافقت پارلمان‌مساعده جدیدی ازبانك فرانسه دریافت کند . مجلس مبعوثان درجلسه۲۵ آوریل۱۹۲۵ با تصمیمات وزارت‌دارائی مخالفت ورزید وهریو صریحاً اعلام داشت که خزانه فرانسه تهی‌واسکناس درجریان درحدود ۳میلیارد بیش ازحد نصاب قانونی است .

روز٤آوریل **دومنزی** [۱] بوزارت دارائی منصوب گردید. وی طرحی بمجلس تقدیم نمود که بموجب آن مالیات جدیدی برثروت های شخصی وضع وحد اکثر٤ میلیارد برحد نصاب قانونی نشراسکناس ومساعده بانك افزوده میشدومجلس با اکثریت طرح وزیرجدید دارائی را تصویب نمود ولی‌سنارأی اعتمادکافی بدولت نداد وکابینه هریوسقوط کرد . روز۱۵ آوریل مجلسین برای تثبیت وضع‌مالی، تصویب کردند که حد نصاب نشر اسکناس از٤۱ بـه٤۵ میلیارد واعتبار مساعده بانك‌فرانسه بدولت از ۲۲ به۲٦میلیاردافزایش یابد .

۱- de Monzie

پنلوه‌وکایو، مسائل مربوط به مراکش و سوریه وپیمان لوکارنو(۱)

پس‌ازآنکه بریان درجلب موافقت سوسیالیستها برای شرکت در کابینه نتیجه‌ای بدست نیاورد ، **پنلوه** رئیس مجلس مبعوثان باسمت نخست وزیری و وزیرجنگ‌کابینه خودرا در ۱۷ آوریل‌تشکیل داد وهریوبلافاصله بریاست مجلس‌مبعوثان انتخاب شد . انتخاب **کایو** بوزارت دارائی موجب اعتراض نمایندگان دست راست گردید لیکن وکلای دست چپ و محافل مالی واقتصادی ، که کایورا یکنفرمتخصص درفن‌خود میدانستند ، ازاوپشتیبانی کردند ودولت ۳۰٤رأی‌اعتماد درمجلس بدست‌آورد. دولت جدید مسائل مربوط به واتیکان وامورمذهبی را رها کرد و تصمیم گرفت که تشنجات دانشکده حقوق وموضوع انتصاب **لوفور** رابمقام‌استادی هر چه زودتر خاتمه بدهد زیرامسائل مهمتری درپیش داشت .

امیر**عبدالکریم** سردارقبایل **ریف** درمراکش برعلیه‌استعمار فرانسه قیام کرده وبه پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای نائل گردیده بود، تلفات فرانسه درجنگهای مراکش‌به چندین هزارتن بالغ میشد . **مارشال پتن** درراس ۱۰۰٫۰۰۰ سرباز با تدارکات و تجهیزات‌کامل بمراکش اعزام گردید ودر بهارسال ۱۹۲٦ برسردار ریف فایق آمد ، امیرعبدالکریم ناچار تسلیم شد (۲۷مه۱۹۲۸) وحکومت فرانسه میبایستی برای اعاده اوضاع مراکش بحالت اول اقدامات لازم رابعمل‌آورد .

مقارن قیام سرداریف ، قیام دلیرانه قبایل **دروز**[۲] درسوریه مشکلات دیگری برای فرانسه بوجودآورد، **سارای** کمیسرعالی فرانسه درسوریه که با بمباران بیمورد دمشق وضع‌ناگواری برای دولت فراهم ساخته‌بود احضارشدودرتاریخ ۲دسامبر۱۹۲۵، **هانری دوژووونل**[۳] بجای اوبسوریه اعزام گردید وضمناً پنلوه طرحهای لازم برای

۱ـ Locarno شهر کوچکی‌است در دامنه‌آلپهای سویس کناردریاچه ماژور ـ م.

۲ـ دروز Deruses نام طوایف ساکن منطقه کوهستانی سوریه که بهمین نام وگاهی بنام «جبل دروز» خوانده میشود ـ م .

۳ـ Henri de Jouvenel

ترمیم و تجدید سازمان ارتش که براثر عملیات یکساله بآن احتیاج داشت تهیه نمود.

امور مالی فرانسه همچنان با مشکلات گوناگون مواجه بود . پارلمان در ژوئن ۱۹۲۵ اجازه انتشار قرضه جدیدی را باسود ٤٪ و باقید تضمین مبادله و افزایش حد نصاب اسکناس در جریان را از ٤٥ تا ٥١ میلیارد صادر نمود، کایو وزیر دارائی شخصاً با **رابینو**[1] مدیر کل بانك فرانسه تماس گرفت و با وعده حمایت از او موافقت وی را برای انتشار اسکناس و قرضه جدید جلب کرد. ارزش اعتباری لیره تا ۱۰٤ فرانك ترقی کرد و قرضه جدید ، چنانکه انتظار میرفت، مورد استقبال کامل قرار نگرفت و هرچند که توازن صادرات و واردات نسبت بسنوات گذشته بیشتر و برعده جهانگردان در فرانسه افزوده شده و محصولات فلاحتی رو بافزایش گذاشته بود، بعلت خروج سرمایه از کشور و یا عدم اعاده قیمت صادرات به کشور ، در برابر توازن معاملات تجارتی ، عدم توازن پولی همچنان برقرار بود .

از مسائل مهم سیاسی در پائیز سال ۱۹۲۵ امضای پیمان **لوکارنو** برای تضمین صلح و تحکیم اساس آن بود . روز ۱٦ اکتبر ۱۹۲۵ در لوکارنو پیمانی با مضای نمایندگان انگلستان ، ایتالیا، فرانسه و آلمان رسید و بموجب آن پیمان کشورهای چهارگانه مرزهای موقت آلمان را با فرانسه که طبق پیمان ورسای برقرار گردیده بود برسمیت شناختند و تعهد آلمان و فرانسه را درمورد تخلیه کامل منطقه واقع درساحل چپ رود **راین**[2] از قوای نظامی تضمین نمودند و ضمن پیمان لوکارنو دول امضا کننده مقرراتی در باره عدم تهاجم و قبول حکمیت و امنیت دسته جمعی و خود داری از هر گونه حمله بخاك دیگری، جز درموردیکه درمعرض حمله قرار بگیرند و یادر مورد اجرای تصمیمات جامعه ملل ، تدوین و اجرای آن مقررات را تعهد نمودند و بر اثر انتشار پیمان نامه مزبور بود که امیدواری به صلح پایدار درمردم اروپا تقویت گردید .

در سیاست داخلی ، دولت پنلوه اقتدار بسیار محدود و همکاری کمتر ازسابق داشت

۱- M.Robineau ۲- Rhin رود راین یارن در آلمان غربی - م.

و در ائتلاف دسته‌های‌چپ نیزتزلزلی ایجاد شده بود. در اکتبر ۱۹۲۵ ، کنگره رادیکال سوسیالیست در شهر **نیس**[1] طرحی‌مبنی بر لزوم دریافت مالیات از ارث و دارائی تهیه و بدولت پیشنهاد کرد. کایو که با آن‌طرح ونیز درسیاست عمومی کشور با همکاران‌خود مخالف بود استعفا کرد وروز ۲۷ اکتبر قبل از تشکیل دوره اجلاسیه مجلسین ، هیئت دولت بطور دسته‌جمعی استعفا کردند. کایو موفق‌شده‌بود که موافقت انگلستان را برای پرداخت قرضه بفرانسه‌جلب کند ولی‌درمسافرتی که‌برای‌جلب‌نظر کشورهای‌متحد امریکا درهمین زمینه بآن کشورنمودباعدم کامیابی‌مواجه‌شد وبه‌حیثیت سیاسی اولطمه‌واردآمد.

کابینه جدیدپنلوه

دولت جدید پنلوه پس از آنکه روز۳ نوامبر در جلسه‌ای که سوسیالیستها از دادن رأی امتناع ورزیدند با اکثریت ضعیفی (۲۲۱ رأی در برابر ۱۸۹ مخالف)رأی اعتماد ازمجلس‌مبعوثان گرفت، طرح تازه‌ای برای تنظیم امور مالی به مجلس تقدیم کرد. طرح مزبور ترکیبی بود از طرح کایو وزیر دارائی سابق مبنی برافزایش مالیات‌بردرآمد با طرح سوسیالیستها مبنی بردریافت عوارض از سرمایه ، بعلاوه در طرح جدید عوارضی بر کلیه دارائی و اموال منقول وغیر منقول پیش بینی شده بود که میبایستی در آمد حاصله از آن به صندوق مستقل استهلاك دیون‌عمومی در خزانه‌داری کل‌تحویل گردد . چون در طرح مالی جدید ماده‌ای درباره‌تبدیل اجباری اسناد خزانه گنجانده شده بود ، مجلس ۲۷۸ رأی مخالف در برابر ۲۷۵ موافق (عده‌ای ازعناصر چپ و سلطنت طلبان رای مخالف دادند) بدولت دادوکابینه پنلوه ازکار افتاد. روز۲۳نوامبر مجلسین‌اجازه دادند که بانك فرانسه مساعده جدیدی بمبلغ ۱۸۰۰ میلیون‌بدولت‌بدهد.

هشتمین و نهمین و دهمین کابینه بریان

کوشش بریان برای تشکیل کابینه‌در مرحله اول ، بعلت توقعات بیحد وحصر سوسیالیستها به نتیجه نرسید وچون **دومر**[2] و**هریو** به ترتیب مأمور تشکیل هیئت دولت گردیدند و بهمان علت از

۱- Nice ۲- Doumer

عهده آن برنیامدند سرانجام بریان، که براثر اقدامات و مذاکرات کنفرانس لوکارنو بیش ازدیگران موردتوجه بود، هشتمین کابینه خودرا روز ۲۸ نوامبر تشکیل داد وچون بلافاصله برای امضای پیمان لوکارنو بلندن رفت کابینه وی‌روز ۲ دسامبر بـه مجلس معرفی و۲۵۷ رأی اعتماد در برابر ۲۲۹ مخالف بدست‌آورد.

لوشور [1] وزیردارائی متوجه شد که حدنصاب نشراسکناس،علیرغم اعتراضات محافل مخالف تورم اسکناس، از۵۲٫۵ به۵۸٫۵ میلیارد ترقی‌و نرخهای مالیاتی‌درحدود ۵۰٪ نسبت بسال ۱۹۲۵ افزایش حاصل کرده و این مالیاتها بـر اثـر چاپ و انتشار لیستهای مالیاتی متضمن نام مودیان و مبلغ پرداختنی آنان لازم الاجرا گردیده است. وی برای رفع مشکلات مالی طرحهائی به مجلس تقدیم کرد که در کمیسیون دارائی مجلس با مخالفت نمایندگان مواجه شد و بهمین علت روز ۱۵ دسامبر از شغل خـود کناره گیری کرد و **دومر** رئیس کمیسیون دارائی مجلس سنا بوزارت دارائی منصوب گردید. دومر در نظر داشت طبق طرح کایو صندوق خاصـی برای استهـلاك دیـون عمومی تاسیس کند و هرچه زودتر و بیشتر قروض دولت رابه بانك فـرانسه بپردازد. مجلس بنا به پیشنهاد دولت، چندین میلیارد عوارض جدید مالیاتی تصویب و سنانیز چند میلیارد دیگر برآنها اضافه کرد و بعداً دومر عوارض‌جدیدی برپرداخت‌های‌دولتی باشخاص و شرکتها (یکنوع‌مالیات بردرآمدهای اتفاقی ـم) پیشنهاد کردولی مجلس‌با ۲۷۴ رای مخالـف در برابر ۲۲۱ موافق آنرا رد کرد ودولت در۶مارس ۱۹۲۶ از کار افتاد.

بریان نهمین کابینه خود را روز ۹ مارس تشکیل داد و در جلسهٔ مورخ ۱۸مارس، پس از معرفی اعضای دولت جدید،موج‌شدید اعتراضات برعلیه **مالوی** وزیر کشور ـ که سابقاً در دادگاه عالی کشور محکوم گردیده‌بود ـ در فضای مجلس برخاست‌لیکن بالاخره کابینهٔ جدید ۳۴۱ رای اعتماد دربرابر ۱۶۵ مخالف بدست آورد و باآنکه‌این

۱ـ Loucheur

رأی اعتماد کاملا بنفع مالوی بود مشارالیه ازکابینه خارج‌و **ژان‌دوران**[1] بوزارت کشور منصوب شد. **رائول‌پره** ششمین وزیر دارائی فرانسه در ۱۲ ماه اخیر دربودجه کشور کسر خرجی بمبلغ ۵ میلیارد ملاحظه کرد که میبایستی آنرا پر کند. درین موقع که بریان درژنو مشغول مذاکره درباره عضویت آلمان در مجمع اتفاق ملل بود، مجلس برای آنکه مبادا مخالفت با لوایح مالی بمنزله اخلال در تشکیل دولت تلقی گردد طرحهای پیشنهادی **رائول‌پره** را که تقریبا همان طرحهای سابق دومر بود پذیرفت و بودجه سال ۱۹۲۶ را که از لحاظ ارقام تعادل داشت در۲۹ آوریل تصویب کرد. در همین تاریخ موافقت نامه‌ای که قبلا بتصویب **هوور**[2] رئیس جمهورممالك متحده‌امریکا رسیده‌بوددرواشینگتن‌بامضای **ملون**[3] سفیرفرانسه‌رسیدو بموجب آن موافقت نامه، فرانسه میبایستی مبلغ ۳۵ میلیارد بدهی خودرا طی ۶۲ سال باقساط از ۳۰ تا۱۲۵ میلیون‌فرانك طلا بافرع تدریجی از۱تا ۳٫۵ درصد بآن دولت‌بپردازد.

روز ۳۰ مه کمیته‌ای مرکب ازکارشناسان امورمالی تشکیل گردیدتاراه حلهای مؤثری برای ترمیم و تثبیت اوضاع مالی کشور بدست آورد، در حالیکه فرانك مرتباً در حال تنزل و ارزش برابری آن‌بالیره به۱۷۴فرانك در۱۴ژوئن رسیده وارزش‌کالای‌خارجی درحال‌افزایش بود، سفته‌بازی و معاملات‌ارزی روزبروز بیشترو برتعداد بانکها وعملیات تردیدآمیز و مظنون آنها افزوده میشد و ثروتها و سرمایه‌های کوچك متراکم و متمرکز می‌گردید تا روزی در طوفان حوادث بحرانهای مالی و سیاسی که وقوع آنها پیش‌بینی میشد نیست و نابود گردد.

رائول‌پره که میبایستی باهمکاری صمیمانه و کمکهای‌عمده بانك فرانسه درتقلیل نرخ برابری فرانك و تثبیت قیمت پول فرانسه در مقابل ارزهای خارجی بکوشد چون از اقدامات خود نتیجه‌ای‌نگرفت مستعفی شد و بدنبال او کابینه نهم بریان نیز سقوط کرد (۱۵ ژوئن ۱۹۲۶). بریان تصمیم گرفت که یك کابینه ائتلافی بدون شرکت

۱- Jean Durand ۲- Hoover ۳- M. Melon

سوسیالیستها تشکیل دهد ، پوانکاره‌دعوت اورا برای شرکت درکابینه پذیرفت ولی‌هریو امتناع ورزید و خود او مامور تشکیل دولت شد . هریو پس از مشورت با کارشناسان امورمالی ، پست وزارت ومعاونت دارائی‌رابدونفرازنمایندگان معتدل (**لوسین رومیر**[1] مدیر روزنامه **فیگارو**[2] و **شانتیه دوریب**[3] دموکرات)واگذاشت‌وچون‌ازقبول‌شغل خودداری کردند ، خود اونیز کناره گیری نمود و بار دیگر بریان به نخست وزیری منصوب شد. وی‌چندتن از رجال سرشناس را برای معاونت و اداره‌امور وزارت دارائی و **خزانه داری** و امورمالی‌دیگردرکابینه خودشرکت‌داد و سرانجام دهمین کابینه بریان‌روز ۲۳ ژوئن تشکیل گردید .

کایو وزیردارائی درکابینه جدید ، کوشش خودرا برای عزل‌رابینو ازمدیریت کل بانك وانتصاب **مورو**[4] بآن سمت بکاربردوطرح جدیدمالی خودرابراساس تصمیمات کمیته کارشناسان مالی تنظیم نمود . درآن طرح، تعادل بودجه وتغییرو اصلاح نرخ **مالیات** برمعاملات ، صرفه‌جوئی درحقوق ومستمری ودستمزد، تأسیس‌صندوق مخصوصی برای اداره‌اسناد خزانه دوران جنگ ، تجدید در نرخ گمرکات وعوارض‌آن ، تثبیت پول وتسهیل و ساده کردن امورمحاسباتی و خزانه وتهیه‌وام ازخارج پس‌ازحل مسائل مربوط بقروض دوران جنگ، پیش‌بینی وتدوین شده بود.

کایو، روز۱۲ژوییه ۱۹۲۶موافقت نامه‌ای با **چرچیل**[5] امضا کرد که بموجب‌آن فرانسه میبایستی مبلغ۶۵۳ میلیون‌لیره وام خودرادرمدت ۶۲سال باقساط از۴هزار تا ۱۴۰۰۰لیره بانگلستان بپردازد ودرصورت عدم وصول غرامت ازآلمان‌حق داشته باشد که ازپرداخت اقساط وام خودبانگلستان خودداری کند .

روز۱۷ ژوییه بهای لیره به۲۰۲ فرانك رسید وکایو ازمجلس تقاضا کرد که باو اختیارات‌کامل برای اداره امورمالی تاپایان دسامبراعطاشود ، هریورئیس مجلس شخصاً

۱- Lucien Romier ۲- Figaro ۳- Champtier de Ribes
۴- Moreau ۵- Churchill

ازپشت میزریاست برخاست ووزیردارائی رامورد انتقاد قرارداد و لایحه کایو با۲۸۸رأی مخالف دربرابر۲۰۳رأی موافق (مخالفین عبارت بودند ازکمونیستها وسوسیالیستها و رادیکال سوسیالیستها واکثریت جبهه ملی) ردوکابینه بریان ساقط شد .

بازگشت هریو بکار

هریو که مأمورتشکیل کابینه شده بودروز۱۹ژوییه دولت جدید را تشکیل داد ولی ایندولت بعلت متوقف ساختن اقدامات کمیته‌کارشناسان امورمالی درمحافل اقتصادی‌ومالی موردانتقاد قرار گرفت ، لیره هنوزترقی می کردو به۲۴۳فرانك رسید ومساعده های بانك ازحد نصاب قانونی تجاوزنموده وصندوق های عمومی بانك تهی‌شده بود. بقایای دیون مؤسسه مرگان[1] صرف هزینه‌های بسیار ضروری میشد وبراثرسقوط پی‌درپی دولتها، انزجار و تنفر عمومی افزایش می‌یافت ونگرانی واضطراب درسیمای مردم خوانده میشد.درچنان وضعی، روز۲۱ژوییه، هنگامیکه جمعیت کثیری ازمردم پاریس درپشت دیوارهای مجلس فریادمیکشیدند، اعضای‌دولت هریو بمجلس‌رفتند و مجلس بادادن ۲۹۰رأی مخالف در برابر ۲۳۷موافق ازهمانجاوزرا رابخانه های خود بازگردانید ودولت دو روزه هریو سقوط کرد.

پوانکاره و جبهه ملی

دومرگ رئیس جمهوری فرانسه از پوانکاره درخواست کرد که‌کابینه ای تشکیل بدهدواوضاع بقدری وخیم بود که درکابینه پوانکاره عده‌ای ازنخست‌وزیران‌سابق‌شرکت کردند[2] وسوسیالیست‌هانیزازمخالفت خودکاستندوکابینه پوانکاره با۱۳ وزیر-یعنی باعده‌اعضاء کمترازکابینه‌های‌سابق-تشکیل گردید .

بازگشت پوانکاره، که ازاحزاب وفرقه‌های سیاسی درخواست کرد ازمبارزه سیاسی خود تاحدی چشم‌پوشی کنند، موجب‌آرامش اذهان ورفع نگرانی عمومی‌ومزیداطمینان

۱- Morgan ۲- درکابینه پوانکاره ازنخست وزیران سابق، بریان وپنلوه ولیگ و هریوشرکت داشتند.

واعتماد مردم بامورمالی گردید، در۲٤ژوییه قیمت لیره تا۱۹۹فرانك تنزل یافت ومجلس درظرف دوهفته با آنچه مورد درخواست پوانکاره بود موافقت کرد واجازه داد که نخست وزیرلوایح قانونی وضع واجرا کند ومجوز آنرا بعداًازمجلسین تحصیل نماید (قانون اعطای اختیارات مصوب۳اوت۱۹۲٦). بیش از٦ میلیاردمالیاتهای جدیدمستقیم وغیرمستقیم بتصویب مجلس رسید ونرخ کرایه وحمل ونقل افزایش یافت وبهمان نسبت دستمزد وحقوق کارمندان دولت اضافه شد، قانون اعطای اجازه خرید وفروش طلاونقره ببانك فرانسه بمنظور تثبیت فرانك، قانون تأسیس «صندوق مخصوص اسناد خزانه دوران جنگ واستهلاك دیون عمومی» بتصویب رسید وروز ۱۰اوت مجلسین درورسای جلسه مشترکی تشکیل دادندتا به تشکیل صندوق اسنادخزانه واستهلاك دیون که میبایستی بصورت یك واحد مستقل اداره شود جنبه قانونی بدهند، طبق تصمیم مجلسین علاوه براستقلال، صندوق مزبور ممر عوائدی ازمحل توتون ومیراث ومانندآنها راداراشد ودرقانون استقلال صندوق تصریح گردید که قوانین و مقررات قانونی که بعداً بتصویب میرسد ناسخ قانون مزبور نمی‌تواند باشد.

دوروز پس‌ازتشکیل جلسه مشترك، دوره تعطیل تابستانی مجلسین آغاز گردید. درمدت‌تابستان‌تدابیری برای‌صرفه‌جوئی‌درامورمالی اتخاذ گردید که‌هرچندزیاده‌مؤثر نبود ولی تاحدی دراصلاح وضع بحرانی‌فرانسه تأثیرداشت، ازجمله درسازمان حکمرانی ایالات وولایات تغییراتی وارد گردید وقسمتی ازسازمان های‌مزبورحذف گردید، برای جلوگیری ازتمرکز وتراکم اموردرمراکز استانها، حدود اختیارات قضائی انجمنهای ولایتی وشهرداریها، مانند دادگاههای صلح، بسط داده شد. باوجودآنکه حذف بعضی سازمانهای اداری، دربعضی ازشهرستانهای کوچك موجب نارضایتی گردید، اعتماد عمومی بدستگاه حکومت بحدی‌رسید که طلبکاران درتعویض اوراق قرضه‌واسناد خزانه، برخلاف سابق، اصراری بکارنمی‌بردندومودیان مالیاتی درپرداخت بدهی خود پیشدستی میکردند وطبقات‌کارگری از بیم تورم پول. درخواستها وادعاهای خودرا تعدیل نمودند،

لیره درحال تنزل (در نوامبر به۱٤۱فرانك رسید) و ذخیره‌های پولی کشور درحال افزایش بود .

روز۲۳دسامبر، براثر اقدامات بانك فرانسه وتدابیری که مستقلا درباره ارزهای خارجی اتخاذ کرده بود بهای لیره به۱۱۲٫۵فرانك رسید وتثبیت شد. سرمایه‌های کشور که بیا کهای خارجی انتقال یافته بود مجدداً بفرانسه منتقل گردید و چندفقره اوراق قرضه داخلی بامدت کم ومتوسط که درسالهای ۱۹۲٦ و۱۹۲۷ انتشاریافت مورداستقبال عمومی قرار گرفت ومساعده‌های بانك بدولت از۳۷٫۵ میلیارد (اول آوریل ۱۹۲٦) به ۱۷٫۹میلیارد (۲۱ژوئن ۱۹۲٦) تنزل یافت وازممرقرضه‌های کم مدت مبلغ ۱۸میلیارد عاید خزانه گردید . براثر آرامش و تثبیت اوضاع ، دولت میتوانست بافراغ خاطر باقدامات خود ادامه دهد و بودجه مملکت با۱۱میلیارد افزایش مالیاتی نسبت ببودجه گذشته درموقع خودبتصویب مجلسین رسید .

روز۱۰سپتامبر، عضویت آلمان درمجمع اتفاق ملل به‌تصویب مجمع‌رسیدو بلافاصله درشورای جامعه ملل (نظیر شورای امنیت فعلی - م)درردیف ممالك‌معظم به‌عضویت دائمی انتخاب گردید ودرین جریان ،بریان نماینده فرانسه سهم‌بسزائی داشت‌و کوشش میکرد که جریان انتخابات بعدی مجمع درباره عضویت دول دیگرطوری باشد که موجب رنجش آلمان که عضویت آن درجامعه ملل‌حساسیت سیاسی‌کامل داشت ، نگردد زیراقبول عضویت، آلمان‌درحقیقت فصل‌تازه‌ای درمناسبات بین‌المللی بازمی کرد وبیش از پیش برامیدواری‌عمومی بصلح پایدارمی افزود .

روز ۱۷ سپتامبر درشهر **توآری** [1] بریان وزیر امورخارجه با **اشترزمان**صدراعظم آلمان ناهارصرف کرد، وی که براثر اقدامات وتجربیات پوانکاره نسبت باوصمیمتی پیدا کرده بود ، کوشش‌زیادی بکاربرد تا اشترزمان‌را به پرداخت یك میلیاردمارك بابت غرامات بفرانسه برانگیزد واشترزمان درمقابل، تمایلات آلمانهارا دایر برتخلیه نواحی اشغال

۱- Thoiry از بلاد کوچك فرانسه .

شده روهر وسار[1] بوسیله قوای نظامی فرانسه گوشزد و انجام آن تمایلات را تقاضا نمود ولی طرح مذاکرات بریان ـ اشترزمان در محافل رسمی پاریس و لندن با بی اعتنائی و خونسردی مواجه شد و قبل‌ازآنکه درمعرض افکارعمومی قرار گیرد بکلی متروك ماند.

انتخابات سال ۱۹۲۸

در ژوئیه۱۹۲۷ براثراصرارفرقه رادیکال، مجلسین قانون‌جدید انتخابات‌رالغووقانون‌سابق‌را، که‌اساس آن برأی‌انفرادی‌وشرط اکثریت مطلق برای‌نمایندگی درهرحوزه انتخاباتی بود، جانشین قانون‌جدید ساختند. مبارزه وفعالیت انتخاباتی برای روزهای ۲۲ و۲۹ آوریل ۱۹۲۸ آغاز گردید، پوانکاره شخصاً درآن مبارزه شرکت نکردولی به‌وزرای خوداجازه داد که بروفق‌میل ودلخواه خویش‌عمل کنند، درمیان احزاب سیاسی، حزب کمونیست رأساًواردمبارزه‌شدولی سوسیالیستهادر بعضی ازحوزه‌ها باحزب‌رادیکال ـ سوسیالیست برای انتخابات درجه دوم ائتلاف کردند واحزاب دست‌راست افراطی، که روز۸ژانویه ۱۹۲۷ بعلت انتشاربعضی‌ازمقالات درروزنامه **اکسیون فرانسز**[2] بقلم **شارل موراس**[3] مدیرآن روزنامه‌ـ که برخلاف نظر وعقیده پاپ بود ـ موردانتقاد شدید واتیکان قرار گرفته بودند،درانتخابات امیدواری کمتری بموفقیت خود داشتند لیکن حمایت‌آنان از سیاست مالی پوانکاره، که‌باوجود ترقی‌بهای زندگی موردتأیید عمومی قرار گرفته بود، تاحدی زمینه‌رابرای موفقیت احزاب مزبورآماده می کرد. درپایان‌انتخابات، کمونیستها ۱۰۶۳۹۴۳رأی وسوسیالیستها ورادیکالها ۳۸۴۶۲۸۷ رأی واعتدالیون ۴۴۴۱۲۴۹ رأی بدست آوردند.

موفقیت بی‌نظیراعتدالیون‌درتحصیل‌اکثریت آراء نتیجه مداراو گذشت کمونیستها

۱ـ Sarre بآلمانی زاره خوانده‌میشودم‌ـ ۲ـ Action Francaise

۳ـ Charles Maurras (۱۸۶۸ـ۱۹۴۵) از نویسندگان فرانسه ومدیر روزنامه‌اکسیون فرانسز ـم

در انتخابات درجه دوم بود زیرا دسته های معتدل درین انتخابات فعالیت اطمینان‌بخشی از خود بروز نمی‌دادند و محافل دولتی بهمکاری و موفقیت دسته های مزبور خوش‌بین نبودند[1].

تثبیت فرانك

انتخابات جدید وترکیب مجلسین دلیل برآن بود که افکار عمومی سیاست دولت پوانکاره را تاییدوتصویب کرده است،وی بااستفاده ازموقعیت برای تکمیل‌اقدامات مربوط باصلاح مالیه مملکت لایحه‌ای درباب تثبیت پول به‌مجلسین تقدیم کرد که درمجلس مبعوثان با کثریت ٤٤٨رأی دربرابر١٨ مخالف ودرمجلس سنا بااکثریت ٢٥٦ رأی دربرابر٦مخالف بتصویب رسید وبلافاصله انتشاریافت (٢٥ژوئن ١٩٢٧) . طبق قانون مزبورپول فرانسه مجدداً برپایه طلا وهر فرانك معادل ٥ر٦٥میلیگرام طلا بعیار ٠/٩٠٠ استوار ودر نتیجه نرخ برابری فرانك با لیره هرلیره٢١ر١٢٤فرانك ونسبت به‌دلار، هردلار٥٢ر٢٥فرانك تعیین گردید. پس‌از تجدید تقویم فلزات قیمتی (پشتوانه) موجود دربانك فرانسه براساس برابری جدید ، کلیه وام‌دولت ببانك‌مستهلك‌ومبلغ ٢٠٨٠ملیون‌فرانك‌نیزخزانه‌داری‌ازبانك طلبکارشد که بلافاصله‌به‌خزانه‌داری پرداخت گردید وبانك توانست بدون نگرانی مبلغ ٣٢٠٠میلیون فرانك نیزمساعده به خزانه بپردازد . بعلاوه خرید وفروش طلاوتعویض اسکناس باطلا نیزمحدود ومنحصر به شمشهائی بااندازه قانونی گردید که ارزش رسمی آن ٢١٥٠٠٠ فرانك بود .

تثبیت‌فرانك کارتنظیم‌یك بودجه‌دقیق واقعی‌را تسهیل کرد بخصوص که‌ازسال ١٩٢٦

١ــ درانتخابات کمونیستها ١١ ، فرقه S.F.I.O (سوسیالیست)١٠٢،رادیکال ــ سوسیالیست١١٧، جمهوریخواهان سوسیالیست٣٢، فرقه مستقل‌دست چپ ١٥،فرقه دست چپ٥٢ ، فرقه سوسیالیست‌دست‌چپ ١٧، جمهوریخواهان دست چپ ٦٥، فرقه‌دموکرات سوسیال٢٩،دموکرات ملی١٨، اتحادجمهوریخواهان‌دموکرات١٠٠ومنفردین‌امثال آنان ٤٥ کرسی بدست‌آوردند .

ببعد ، براثـر توسعه و رونق یافتن اقتصادیات مرتباً برمیزان وصولی‌مالیاتها و عوارض افزوده میشد .

دردوران‌تعطیل‌معمولی‌پارلمان، پیمان‌تحریم جنگ بنام پیمان **بریان-کلوگ**[1] در۲۷اوت۱۹۲۸میان فرانسه و کشورهای متحده‌امریکا پاراف شد و **اشترزمان** نخست وزیر آلمان برای اولین بار بعدازجنگ، بطوررسمی برای امضای پیمان مزبور بپاریس آمد و در۲۶سپتامبر۱۹۲۸مجمع اتفاق‌ملل،موضوع حکمیت رارسماً تصویب کرد .

ترمیم کابینه

روز۲سپتامبر **بکانوسکی**[2] وزیـربازرگانـی دریك سانحه هواپیما کشته شد و از ۱٤ سپتامبر **هانری شرن**[3] بوزارت بازرگانی‌منصوب ویك وزارتخانه جدید بنام وزارت هواپیمائی زیر نظر **لوران‌اینك**[4] تأسیس گردید .

رادیکالها ، که درتعطیل تابستان طی‌جلسات متعدد درباره موقعیت و مقام خود در جبهه ملی بحث و مذاکره مفصل بعمل آورده و عده‌ای از آنان سیاست محافظه کارانه‌و مذهبی دسته رادیکال‌را موردحمله قرار داده‌و آنرا برای انتخابات آینده مجلسین‌ازلحاظ منافع خویش‌مضرمی‌دانستند، فعالیت‌تازه‌ای را آغاز وچون بحران مالی واقتصادی‌رفـع شده بود مبارزه شدیدسیاسی را تجدید کـردند . کنگره رادیکالهادر **آنژر**[5] قطعنامه‌ای صادر و اعلام کرد که وزرای رادیکال مانند **هریو، کوی**[6] ، **پریه**[7] **وسارو** که روز ٦ نوامبر ۱۹۲۸ استعفا کرده بودند باید مجدداً بکار دعوت شوند ولی پـوانکاره روز ۱۱ نوامبر کابینه جدید خود را بدون شرکت رادیکالها تشکیل دادو در مجلس مبعوثان۳۳۰

۱- Frank Billings Kellogg (ازرجال سیاسی کشورهای متحده‌امریکا (۱۸٦۵-۱۹۳۷) - م ۲- Bokanowski ۳- Henri Chéron

٤- Laurent-Eynac .

٥- Angers ٦- Queuille ۷- Perrier

رأی اعتماد در برابر ۱۹۲ مخالف بدست آورد و رادیکالها از دادن رای امتناع ورزیدند. اندکی پس از این تاریخ واقعهٔ **لاگازت دوفرانس**[۱] افکار عمومی را به خود متوجه ساخت.

مادام هانو[۲]

روزنامه لاگازت دوفرانس در سال ۱۹۲۵ تاسیس شد و درمیان موسسین آن روزنامه عده‌ای از افراد مؤمن و باعقیده وجودداشتند. مادام هانو ازموسسین آن روزنامه کوشش و فعالیت بی‌نظیری برای ترقی روزنامه آغاز کرد و بابدست آوردن مقالات و مصاحبه‌هائی از رجال وشخصیتهای برجسته فرانسه و سایرممالك اروپا مانند: **پوانکاره، موسولینی**[۳] **اشترزمان، ادوارد گری**[۴] **اوستن چمبرلین**[۵] **استانلی بالدوین**[۶] **واندروولد**[۷] ومانند آنان گازت را در سراسر اروپا مشهور ساخت، هریو وزیر فرهنك فرانسه اجازه داد که نسخه‌هائی از شماره مخصوص گازت که حاوی بحث وتفسیر درباره پیمان برزیان ـ کلوگ بود بکلیه آموزشگاههای فرانسه فرستاده شود.

توجه رجال و شخصیت‌های سیاسی فرانسه به گازت، که موسسین آنرا مردمی وطن پرست و بی‌طرف میدانستند، حیثیت‌سیاسی آن روزنامه را در سراسر اروپا بالابرد. مادام هانونخست یك صفحه از روزنامه را به بحث‌های اقتصادی و مالی اختصاص داد و مرتباً طرحهائی درباره معاملات ارزی و فوائد صندوقهای پس‌اندازو امثال آن درروزنامه منعکس میساخت. بعداً وی چند موسسه صرافی دایر کرد وضمناً ستونهای مخصوص به‌بحث اقتصادی اغلب جراید پاریس و شهرستانهاو از جمله روزنامه مشهور ارگان احزاب دسته چپرا بنام **کوتیدین**[۸] تحت اختیار خوددرآورد و بتدریج با جلب اعتمادعمومی،

۱ـ Gazette du France et des nations

۲ـ Mm. Hanau ۳ـ Mussolini ۴ـ Edward Grey

۵ـ Austen Chamberlain ۶ـ Stanley Baldwin

۷ـ Vandervelde ۸ـ Quotidien

که پس انداز خودرا به موسسات صرافی گازت می‌سپردند، سرمایه‌های هنگفتی نصیب مادام‌هانو وهمکاران وی گردید و باپول مردم و بکمك عده‌ای از عناصر استفاده طلب دست به معاملات ارزی وسفته بازی‌های کلان که برخلاف مصلحت مالی کشور بودزدند حکومت فرانسه ناچار بمداخله شد و مادام هانو و شوهرش **لازار بلوش**[1] را بازداشت نمود (٤ دسامبر).

توقیف مادام‌هانو ازروی اعمال خیانت آمیزی که با کمال بی‌پروائی و در زیر نقاب خدعه و تزویر انجام می گرفت پرده برداشت و در سراسر فرانسه انعکاس یافت و چشم مردم را بحقایقی باز کرد که از آن‌جمله ارتباط محافل سیاسی با منافع سرشار اقتصادی و مالی بود. بعد ازماه‌دسامبر دولت‌با استفاده از واقعه مربوط به گازت‌دوفرانس قوانینی بتصویب مجلس رسانید که بموجب آنهااشتغال نمایندگان‌وشخصیت‌های‌پارلمانی را ببعضی‌ازکارها بخصوص امورمالی دردوره نمایندگی ممنوع ساخت ، (براثر تصویب این‌قانون **استیگ**[2] نماینده‌مجلس وفرمانروای‌فرانسه درمراکش‌مجبور شد از شغل اخیر استعفا بدهد) ونیز طرحهای‌قانونی‌برای تاسیس و حفظ صندوقهای پس انداز عمومی و حمایت از آنها بمجلس تقدیم نمود .

پس از توقیف‌مادام هانوحوادث ناگوار دیگری‌پیش‌آمد که چندان مهم نبودولی مشتریان صندوق پس انداز مادام هانو اتحادیه‌ای بمنظورحفظ منافع خود تشکیل‌دادند و جداً از مشارالیها هوا داری کردندو هنگامیکه وی از زندان نجات یافت بکمك ایشان عملیات صرافی خود را تجدید نمود تازمانیکه برای دومین بار توقیف شد وسرانجام‌خودکشی کرد.

مشکلات‌دولت پوانکاره

مجلس مبعوثان قبل از پایان سال افزایش حقوق نمایندگان‌را تا ٦٠٠٠٠ فرانك تصویب نمود و پوانکاره ، هرچندکه اصولا با آن افزایش مخالف بود، خود را از کشمکش پارلمانی دورنگاه

١- Lazare Bloch ٢- Steeg .

داشت. بودجه سال ۱۹۲۹ در جلسه ۳۱ دسامبر پس از بحث طولانی بتصویب مجلس رسید. بودجه جدید ۴۵۴۳۰ میلیون درآمد و ۴۵۳۶۶ میلیون هزینه نشان میداد و این توازن بودجه نتیجه ترقی اقتصادیات و بالا رفتن سطح درآمد عمومی و افزایش در آمد مالیاتی بمبلغ ٤ میلیارد نسبت بسال گذشته بود.

پوانکاره که درحقیقت ماموریت خودرا درباره تثبیت وضع اقتصادی کشور انجام شده میدانست و در صدد استعفا بود بر اثر تقاضای اکثریت در مقام خود باقی ماند ولی روز بروز برمخالفت اقلیت بخصوص نمایندگان دست چپ باحکومت وی افزوده میشد. در مجلسی که از روز ۸ ژانویه ۱۹۲۹ وارد عمل شد. رادیکالها بعلت شرکت **تاردیو** در کابینه بسمت وزیر کشورو درمورد مسائل مربوط به انجمنهاو تشکیلات مذهبی وبیهانه سهل انگاری دولت درباره تعمیم و اجرای بیمه‌های اجتماعی با دولت پوانکاره مخالفت میورزیدند . مجلس در ۸ نوامبر ۱۹۲۸ اعتبارنامه دوتن از نمایندگان استقلال طلب آلزاس‌ولرن (ریکلن[1] وروسه[2]) را که باتهام ضدیت باحکومت فرانسه در دادگاه **کلمار**[3] محکوم شده بودندرد کرده بود ولی در انتخابات مجدد ژانویه ۱۹۲۹ ، نواحی التکیرخ[4] و **کلمار** دو تن نماینده دیگر با اکثریت هنگفت انتخاب کردند وهردوطرفداراستقلال الزاس ولرن بودند . ازروز ۲٤ ژانویه بحث و مجادله در باره الزاس‌ولرن در مجلس آغاز گردید و پوانکاره نطق بسیار مؤثر و متألم کننده‌ای در مجلس ایراد نمود و در پایان نطق او موضوع مخالفت با نمایندگان الزاس و لرن تبدیل به بحث درباره سرزمینهای کلیسائی گردید. سرانجام پس ازچند جلسه مجادله و گفتگو اعتبارنامه **تومسون**[5] نماینده الزاس‌ولرن ـ بدون آنکه وی هیچگونه تعهدی برای پشتیبانی از دولت بدهد و در حالیکه اطمینان وطن پرستان الزاسی را کاملا بخود جلب کرده بود ـ با ٤٦١ رأی موافق در برابر ۱۷ مخالف بتصویب رسید.

۱ـ Ricklin ۲ـ Rossé ۳ـ Colmar ٤ـ Altkirch

۵ـ Thomson

دولت پوانکاره‌درمجلس فقط با اکثریت ضعیفی درمسائلی‌ازقبیل مسئله عفوعمومی طرح سوسیالیستهاومسئله بهداشت سربازان فرانسه مقیم رن وسیاست فلاحتی وتجدید و احیاءِ کرسی‌های ایالتی وولایتی ومانند آنها موفق ومسئله‌ای که طرح آن در مجلس بیش‌ازمسائل دیگرموجب مخالفت بادولت وحمله وانتقاد نمایندگان گردید موضوع محدودیت هیئتهای تبلیغی واعزام مبلغین مذهبی بخارج ازکشوربود زیراعده زیادی از دانشمندان غیرکاتولیك‌ازپیروان‌آئین پرتستان ویهودبرای شناساندن فرهنگ و تمدن فرانسه درخارج کوشش میکردند وهر کدام دراشاعه زبان وآئین وتمدن‌فرانسوی‌سهمی داشتند وفعالیت این اشخاص که درداخل کشورطبق مقررات خاصی محدودبوددر کشورهای بیگانه بطورآزاد انجام می گرفت در حالیکه سهم پیروان مذاهب فرانسه در هیئتهای تبلیغی درظرف ۱۵سال ۷۵درصد تنزل وحد نصاب سن‌مبلغین از۳۰سال به۵۰ سال افزایش یافته بود .

پوانکاره وبریان وتاردیو ازلایحه دولت درمجلس دفاع کردند وسرانجام طرح پیشنهادی‌رادیکالهامبنی برمسکوت گذاشتن لایحه دولت باکثریت ۳۰۱رأی دربرابر۲۴۹ رأی ردشد ولی تا۲۷مارس که لوایح دولت درمجلس بتصویب رسید بیش‌ازده بار پوانکاره ازمجلس تقاضای رأی اعتماد کرد . مجلس مبعوثان بمسئله انجمنها وتشکیلات مذهبی درداخل کشورنیزرسیدگی کرد ومقررداشت که عوائد حاصله‌ازموقوفات‌بوسیله سازمانهای قدیم دینی صرف اجرای مراسم وشعائر مذهبی‌شود.

تصویب موافقتنامه قروض

طرح **داوس** درباره غرامات جنگ که‌ازاول سپتامبر۱۹۲۴ بمرحله اجرا درآمدیکطرح موقت بود ، کمیته کارشناسان بریاست **اون‌یونگ** [1] کارشناس امورمالی کشورهای متحده امریکا در۱۱فوریه۱۹۲۹درپاریس تشکیل‌جلسه داد وپس‌ازتقلیل سهم فرانسه ازغرامات جنگ میزان قطعی آنرا درطرح جدیدتثبیت‌نمود درحالیکه وام جنگی‌فرانسه بامریکا

۱- Owen young

که طبق موافقتنامه **ملون- برانژه**[1] تثبیت شده بود هنوز بتصویب مجلس فرانسه نرسیده وطبق آن موافقتنامه دولت فرانسه میبایستی دراول اوت ۱۹۲۹ بنابر قرارداد های سابق ۱۰ میلیارد بابت بهای ذخائر کالا واجناس آمریکائی موجود درانبارهای فرانسه در دوران جنگ بپردازد.

افکارعمومی فرانسویان نسبت بسیاست دولت امریکا درمورد رفتار بافرانسه آمیخته باسوءِ ظن و بدبینی کامل بود چه دولت مزبور که در دوران جنگ متفق فرانسه ودشمن آلمان بود بوسیله کارشناسان مالی خود درمسئلهٔ حل وتسویه غرامات جنگ کاملا بنفع آلمان (که اقتصادیات آن روبه بهبودمیرفت) وبضررفرانسه (که بیش ازهر کشورمصائب جنگ راتحمل کرده بود) مداخله می کرد ودر همان حال که ازمیزان سهم فرانسه از غرامات جنگ آلمان می کاست بهیچوجه حاضر نبود ازمطالبات خود که بعنوان قروض جنگ ازفرانسه ادعامیکرد بکاهد.

پوانکاره لایحه مربوط بموافقتنامه قروض جنگی رابمجلس تقدیم کرد ودربرابر اعتراض و سرزنش شدید نمایندگان وازروی یأس ونومیدی قول داد که بار دیگربا زمامداران امریکادرباره تعدیل قروض فرانسه بآندولت مذاکره کند. بحث ومذاکره در باره لایحهٔ قروض تاماه ژوییه ادامه یافت وسرانجام مجلس با اکثریت ۲۴۷ رأی دربرابر ۲۳۹ رأی مخالف آنرا تصویب کرد بااین شرط که مجموع پرداختی دولت فرانسه بامریکا ازمجموع غرامات دریافتی ازآلمان درهرسال تجاوزنکند.

بریان جانشین پوانکاره

چون بیماری پوانکاره مانع ازادامه زمامداری وی بودروز ۲۷ ژوییه استعفا کرد درحالیکه کنفرانس لاهه که میبایستی تصمیم قطعی درباره نقشه **یونگ** بگیرد درشرف تشکیل بود. بریان که مأمور تشکیل کابنیه شد نخست بانمایندگان رادیکال مشورت و چند پست مهم کابینه رابآنان پیشنهاد کرد ولی چون رادیکالها دراشغال مقام وزارت کشوراصرار ورزیدند بریان،

۱- Mellon-Bérenger

که نمیخواست وزارت کشور را به رادیکالها بسپارد ، وزرای کابینه پوانکاره رامجدداً بکار دعوت کردوبدان سبب رادیکالها ازدادن رأی بکابینه بریان امتناع ورزیدند و بریان پس از بدست آوردن رأی اعتماد ازمجلس تقاضا کرد که تا خاتمه کار کنفرانس لاهه از کشمکشها و مبارزات سیاسی خودداری شود . در همان ایام کمونیستها برای روز اول اوت مقدمات تظاهرات دامنه‌داری رابرعلیه امپریالیسم وجنك فراهم میکردندولی تاردیو وزیر کشور سران کمونیست‌رابازداشت‌وازانتشارروزنامه **لومانیته**[1] ارگان احزاب دست‌چپ که برعلیه امنیت فرانسه توطئه میکرد جلوگیری نمود .

وضع خزانه رو به بهبود گذاشته بود واعتبارات دولت دربانك ۲۷میلیارد نسبت بسال قبل افزایش نشان میداد، وزیردارائی بهبودوضع مالی رابحساب خودمی گذاشت در حالیکه ملت فرانسه بیش‌ازهرزمان سنگینی بارمالیاتها و عوارض گوناگون رابردوش خود حس میکرد .

هنگامیکه بریان در کنفرانس ژنوطرح تشکیل دولت اروپای واحدرا بکنفرانس تقدیم می کرد ، موضوع سهم فرانسه ازغرامات جنگ آلمان در کنفرانس لاهه مورد بحث بود وهرچند که انتظارمیرفت طرح یونك موضوع سهمیه فرانسه‌راتعدیل وتثبیت نمایدلیکن فرانسه میبایستی زودتر ازموعد مقررنواحی صنعتی وپربرکت ساحل چپ رود رن را تخلیه وتسلیم آلمان نماید . مسئله جریان کنفرانس لاهه، که بریان ترك مشاجرات سیاسی را بسبب تشکیل آن ازمجلس فرانسه تقاضا کرده بود، برخلاف انتظاروی درجلسه روز ۲۲ اکتبر مجلس بهانه استیضاح دولت گردید وکابینه بریان بارأی مخالف اکثریت سقوط کرد.

کابینه‌های تاردیو و شوتان[2]

دومرگ رئیس جمهورفرانسه. والادیه رهبرجدید رادیکالها را بکار دعوت کرد وچون وی بسبب نزدیك شدن رادیکالها به احزاب سوسیالیست تقاضای رئیس جمهوررانپذیرفت تاردیو مأمورتشکیل کابینه شدوی کابینه خودرا باشرکت چندتن از

۱- L. Humanité . ۲- Chautemps

رادیکالها تشکیل داد ودرطی نطق مستدل ومستند بارقام و آمارقطعی، ضمن بدست آوردن رأی اعتماد ازمجلس، طرح مبنی برتخصیص ۵ میلیارد اعتبار برای بهبود وضع مالی و اعتبارساختمان استحکامات نظامی مشرق (خط معروف به ماژینو[1]) راعلیرغم مخالفت شدید نمایندگان و احزاب دست چپ بتصویب مجلس رسانید. دراین موقع که دومین دوره اجلاسیه کنفرانس لاهه از ۲ تا ۲۰ ژانویه افتتاح شده ودر لندن کنفرانسی از تاریخ ۲۰ ژانویه برای تجدید نظر درقراردادهای بحرپیمائی، که درسال ۱۹۲۲ درواشنگتن منعقدشده بود، تشکیل میبافت مجلس فرانسه در برابر تقاضای رأی اعتماد وزیر دارائی که میخواست ازلحاظ تعادل بودجه کشور مقرراتی را درباره سود بازرگانی وعملیات بازرگانان بمورد اجرا بگذارد، با رأی عدم اعتماد کابینه را ازکار انداخت. شوتان جانشین تاردیو نیز که اعضای کابینه خود را از میان نمایندگان دست چپ و به پشتیبانی سوسیالیستها انتخاب کرد نتوانست رأی اعتماد ازمجلس بدست آورد (۲۵ فوریه) وتاردیو مجدداً مأمور تشکیل دولت گردید وکابینه‌ای مرکب از ۱۸ وزیر و ۱۶ معاون تشکیل وبا اطمینانهائی که درباره اصلاح وضع کشاورزی وصنعتی وبالابردن سطح درآمد عمومی به مجلس داد رای اعتماد بدست آورد. درآن اوقات کنفرانس لاهه طرح یونگ را درباره غرامات وقروض جنگی تصویب نمود و آن طرح درمجلسین مبعوثان وسنای فرانسه با اکثریت قابل ملاحظه‌ای تصویب شد (آوریل ۱۹۲۹) وروز ۳۰ ژوئن آخرین سرباز فرانسوی ازمنطقه رنانی در خاك آلمان خارج گردید و کنفرانس لندن با تدوین و انعقاد یك قرارداد جدید بحرپیمائی خاتمه یافت ومجلس بنا بتقاضای دولت وبمنظور تأمین فرصت کافی برای اصلاح بودجه آغازسال مالی را از ژانویه به اول آوریل (چنانکه درانگلستان معمول است) تغییر داد.

مسئله بانك اوستریك[2]

کمی پس از شروع فعالیت مجلس، بانك اوستریك بسته شد و بر اثر رسیدگی معلوم شد که، علاوه برغیرمشروع بودن عملیات بانك، عده‌ای ازنمایندگان مجلسین با کمك مامورین مالی ودولتی درسوء استفاده‌های کلان

۱- Maginot ۲- Oustric

بانك شرکت داشته‌اند . دربرابر افتضاح بانك رائول پره وزیر دادگستری استعفا کرد و کمیسیونی با ٤٤ عضو از نمایندگان بریاست **لوی‌مارن**[1] مامورر سیدگی بآن امر گردید. دوتن از معاونین وزارتخانه‌ها که متهم بودند اسعفا کردند وتحقیقات کمیسیون مجلس به‌نتیجه قطعی نرسید وسرانجام کابینه تاردیو باتهام ایجاد تشنجات دروضع سیاسی ومالی کشور درمجلس سنامورد استیضاح قرار گرفت و سقوط کرد (٤دسامبر) .

کابینه‌های استیگ و لاوال[2]

پس از امتناع پوانکاره و **بارتو**[3] ولاوال از قبول مسئولیت ، **تئودر استیگ** فرمانروای سابق فرانسه درمراکش وعضو حزب رادیکال‌سوسیالیست کابینه‌ای باشرکت عده‌ای ازنمایندگان دست چپ تشکیل داد ولی قبل ازمعرفی به‌مجلس ٥تن از اعضای کابینه وی ازکار کناره گیری نمودند ووی نیز درمجلس مورد استیضاح قرار گرفت و دولت او سقوط کرد . بریان که ازژنو بازگشته‌بود مامور تشکیل کابینه شد وچون نتوانست همکاری رادیکالهاراجلب کندسرانجام لاوال ازدسته سوسیالیست که قبلا درچندین کابینه شرکت کرده‌بودبه نخست وزیری منصوب گردید وبرای‌اولین بار یکی‌ازسیاه پوستان سنگالی تابع فرانسه را بنام **دیانی**[4] در هیئت دولت شرکت و پست معاونت وزارت مستعمرات وابوی داد ورأی اعتماد ازمجلس بدست‌آورد (٣٠ژانویه ١٩٣٠) در١١مارس براثر بحران مالی کمپانی پست هوائی فرانسه[5] وسه بانك ازبانکهای فرانسه دچاروضع مالی‌وخیمی شدند. سوسیالیستها درمجلس برهبری **رنودل**[6] حملات شدیدی را برعلیه فلاندن[7] وزیردارائی که قبلا در کمپانی مزبورسمت مشاورحقوقی داشت آغاز کردندولی مدافعات فلاندن واتهاماتی که وی برچندتن ازنمایندگان سوسیالیست وارد آورد وضع دولت را تثبیت ومجلس راوادار بدادن رای اعتماد نمود.

مجلس بودجه سال ١٩٣١ را که متضمن‌اعتبارات برای‌بازگشت‌سربازان‌فرانسوی

١- Louis Marin ٢- Laval ٣- Barthou ٤- Diagne
٥- L.Aéropostale ٦- Renaudel ٧- Flandin

ازمنطقه رنانی بود دراول آوریل تصویب کرد و سیاست خارجی دولت لاوال که بوسیله بریان وزیرخارجه درمجلس ابراز گردید مورد تائید مجلس قرار گرفت . سیاست بریان مماشات ومدارا باجمهوری جدیدآلمان وبرقراری روابط مستقیم باآندولت بود. بریان، علیرغم ظهور ونمو افکار نازیسم و قوت یافتن پیروان هیتلر و بروز احساسات شدید انتقامجوئی درمیان ملت آلمان واصرار آندولت به‌احیای تشکیلات لشکری وتقویت‌بینه نظامی وتدارکات‌جنگی؛ همواره امیدواربود که درآلمان دولتی روی‌کاربیاید که‌بافرانسه وسایر دول اروپا صمیمانه همکاری کند، مرورزمان اشتباه بریان را ثابت کردلیکن‌درآن هنگام که فرانسه ازبندوبستهای سیاسی دور ودرجامعه اروپایکه وتنها مانده بودپیروی ازیک‌سیاست خشن وخصمانه دربرابرآلمان هرگز به‌صلاح فرانسه نبود وبریان‌ازمجلس خواست که رویه ومشی سیاسی اورا دربرابرآلمان تایید نمایدومجلس فرانسه همواره‌با اکثریت قابل ملاحظه‌ای از سیاست خارجی بریان‌ودولت لاوال پشتیبانی کرد.

مجلس سنا دادگاه عالی برای محاکمه چهارتن از متهمین بانك اوستریك واز آنجمله رائول‌پره وزیر سابق دادگستری تشکیل داد و درتاریخ ۲۳ ژوئیه حکم تبرئه آنان را صادر نمود.

انتخاب دومرگ[۱] به ریاست جمهوری

چون دوره ریاست جمهوری **دومرگ**[۲] روز ۳۰ مه ۱۹۳۱ پایان می‌یافت. جلسه مشترك‌مجلسین سناومبعوثان روز۱۳مه درورسای برای انتخاب رئیس جمهورجدید تشکیل گردید وچون درنوبت اول بعلت کاندیدا بودن بریان اکثریت بدست نیامدوی به نفع رئیس مجلس سنا ازکاندیدا بودن صرفنظر کرد و پل‌دومر رئیس مجلس‌سنا با اکثریت‌قاطع بریاست جمهوری انتخاب شد.

پل‌دومر

پل‌دومر رئیس مجلس سنا و فرماندار کل سابق فرانسه درهندوچین‌مردی فعال وبا اراده و وظیفه شناس‌بود، وی پس‌ازانتخاب شدن وملاقات تشریفاتی با دومرگ‌رئیس

۱- Paul Doumer ۲- Doumergue

جمهور سابق بلافاصله برسرمزار چهار پسر خود که‌در راه دفاع ازخاك فـرانسه درجنك بین‌الملل اول شرافتمدانه جان سپرده بودند حضور یـافت وچون روز ۱۳ ژوئن مقـام ریاست جمهوری را رسماً اشغال کرد **آلبرت لبـرون** [۱] سناتور ناحیه **موز** [۲] بریاست مجلس سنا انتخاب گردید.

بریان که درمجلس‌همواره‌باحملات شدیدرقیب سرسختی‌مانند **فرانکلن بوییون** [۳] مواجه بود یکبار در ۱۴ مه از وزارت استعفا ولی بدستور لاوال با سمت وزیر خارجه فرانسه در کنفرانس ژنو(۱۵ مه) شرکت کرد وچون‌بفرانسه بازگشت پس ازاستیضاحی که بوسیله فرانکلن از او درمجلس بعمل آمد بار دیگر با اکثریت قابل توجهی مورد تأیید مجلس قرار گرفت و چون طبق‌معمول پس از انتخاب رئیس جمهوری جدید لاوال استعفا داد و مجدداً مأمور تشکیل کابینه شد بریان و سایر وزرای کابینه در دولت جدید شرکت کردند .

امور مالی و بحران اقتصادی

وضع مالی تاسال ۱۹۳۱ رضایت بخش و اسناد دولتی وخزانه‌رو به ترقی وصندوق استهلاك دیون عمومی توانسته بود بیش از ٤ میلیارد از سهام قروض را خریداری کند ، نرخ تنزیل بروات‌در بانك فرانسه تا ۲ درصد تقلیل یافته و بر ذخیرهٔ سیم وزر بـانك نسبت بسال ۱۹۳۰ درحدود ۱۲ میلیارد افزوده شده بود . لاوال میخواست بـا استفاده از بهبود وضع مالی و افزایش موقت ثروت عمومی و درآمد دولت در نرخ‌تنزیل و مرابحه تغییراتی بدهد ولی نظریه او مورد حسن استقبال قرارنگرفت وبیدوام بودن بهبود وضع مالی بزودی آشکار گردید زیرا خطر بحران اقتصادی که از سال ۱۹۲۹ متوجه غـالب کشورهای جهان و از جمله فرانسه بود در سال ۱۹۳۱ کاملا محسوس و قبل از همه کشور های متحد امریکا با بحران اقتصادی بعد از جنك مواجـه گـردید . فعالیت منابع کشاورزی و صنعتی کشورها در سالهای اولیه بعداز جنك‌بسبب افزایش فوق‌العاده

۱- Albert Lebrun ۲- Meuse ۳- Franklin-Bouillou

احتیاجات عمومی و لزوم تجدید حیات اقتصادی باسرعت روز افزون افزایش یافته و سطح تولید بحدی رسیده بود که علاوه برتأمین احتیاجات عمومی مقادیر هنگفتی کالا و اجناس گوناگون در انبارها بدون خریدار باقی مانده واین امر موجب رکود ناگهانی سرمایه‌ها و کاهش بی‌سابقه در آمد مالیاتی و کسادی بازار کسب و تجارت گردیده بود. کاهش درآمد دولت ولزوم ادامه‌پرداخت حقوق ایام تعطیل کارگران که‌مرتباً برمیزان آن افزوده میشد و سایر مخارج ضروری، تنظیم بودجه و تعدیل حقیقی دخل و خرج کشور را غیر مقدور ساخته بود. غالب دول برای مبارزه بارکود بازار تجارت و حفظ تعادل صادرات وواردات و جلوگیری از افزایش عده بیکاران از طرفی در داخله کشور خودبا وضع عوارض سنگین گمرکی برواردات بحمایت از مصنوعات و محصولات داخلی برخاسته و ازطرف دیگر برای تأمین بازار فروش محصولات فوق‌العاده خود در سایر ممالك روش اقتصادی **دمپینگ**[1] را اتخاذ کرده بودند و براثر حمایت ازمصنوعات داخلی و افزایش نرخ گمرك واردات مرتباً بهای اجناس بالامیرفت و دولتها مجبور بودند برمیزان دستمزدها وحقوق کارگران وکارمندان بیفزایند و افزایش دستمزدها خود موجب بالارفتن مجدد قیمت‌اجناس میشد و تأثیر متقابل این دوعامل‌دریکدیگردولتهای اروپا و ازجمله فرانسه را دربن‌بست عجیبی قرارداده بود. عدم تعادل بودجه موجب خروج ارز از کشور میشد و ناتوانی آلمان در پرداخت غرامات جنك، تأدیه قروض فرانسه را به ممالك متحده امریکا ـ که خود دچاربحران شدید اقتصادی گردیده بود ـ روز بروز مشکلتر میساخت و در برابر این مشکلات، فرانسه‌درمقابل آلمان، که علیرغم معاهدات صلح‌ونظارت دوازده ساله متفقین بر آن کشور روزبروز قوی‌تر وزورمندتر میشد، نمی‌توانست از بودجه دفاعی وتسلیحات خودبکاهد.

لاوال که خطر بحران را نزدیك میدانست تصمیم گرفت که‌برای مبارزه با

۱ـ Dumping فروش کالا را بوسیله کشوری درداخله کشور دیگر ارزان‌تر ازکالای داخلی کشورخریدار دمپینك می‌گویند ـ م

بیکاری از ۱۹ مارس ۱۹۳۱ قسمتی ازبرنامه عمران و آبادی کشور راکه موجب اشتغال عده کثیری از کارگران بکار میشد اجرا کند و مبلغ ۶۷۰ میلیون برای ساختمان راهها و بنادر و ترعه‌ها و مدارس و تامین برق شهرها منظور نمود. در این موقع فعالیت سیاسی زمامداران اروپا برای تنظیم قطعی قرار دادها و پیمانهای صلح بخصوص با ممالك حوضه دانوب (ممالك شمالی شبه جزیره بالکان) افزایش یافت و فرانسه موضوع طرح پیمان‌اقتصادی اطریش-آلمان مشهوربه طرح **آنشلوس** [1] راکه‌مخالف منافع سیاسی خود می‌دانست‌به دادگاه بین‌المللی لاهه کشانید. طرح **هوور** [2] دایر بر تمدید مدت استهلاك غرامات جنك مجدداً مسئله خسارات و قروض جنك رابرسر زبانها انداخت و در مجلس فرانسه نیزمنعکس شدمشکلات مالی واقتصادی آلمان‌ملاقات سران کشورهای بزرك اروپا و امریکا را ایجاب میکرد، **برونینگ** [3] صدراعظم و **کورتیوس** [4] از وزرای آلمان بپاریس آمدند (۲۰ ژوئیه) کنفرانس‌لندن در ۲۰سپتامبر تشکیل گردید و در ۲۶ سپتامبر لاوال و بریان به برلین رفتند و در ۲۲ اکتبر لاوال عازم امریکا گردید.

چون دولت انگلستان در ۲۱ سپتامبر، پس از مبارزه شدیدی با مخالفین، پشتوانه طلا را در موردلیره رها کرد و از تثبیت نرخ لیره‌صرفنظر نمود در روابط‌تجارتی و قراردادهای بین‌المللی برای فرانسه، که هنوز پشتوانه زر را در برابر فرانك حفظ کرده بود، مشکلات تازه‌ای پیش‌آمد بخصوص که بعلت کاهش سی در صد ازبهای ذخیره ارزی بانك فرانسه در انگلستان خزانه فرانسه مجبور گردید که در۷ دسامبر ۲ میلیارد ونیم فرانك ببانك فرانسه بپردازد.

بموجب یك‌لایحه قانونی سال مالی مجدداً بصورت قبلی در آمد و برای تأمین

۱- Anschluss ۲- Herbert Charles Hoover رئیس جمهوری کشورهای متحد امریکای شمالی ازسال ۱۹۲۹ تا۱۹۳۳-م

۳- Bruning ٤- Curtius

عوائد جدید یك سازمان بخت آزمائی ملی ایجاد گردید و وزارت پست وتلگراف و تلفن در فوریه ۱۹۳۲ مبلغ ۲۶۰۰ میلیون از راه قرضه جدید بدست آورد.

تغییرات کابینه

چون **ماژینو** وزیر جنك ـ که نام او به استحکامات نظامی شمال شرقی فرانسه داده شد ـ روز ۷ ژانویه ۱۹۳۲ وفات یافت و بریان که ۱۲ بار به‌نخست وزیری و ۲۷ بار به وزارت رسیده بود بر اثر بیماری ازکابینه خارج شد ، لاوال ناگزیر استعفاداد و مجدداً مامور تشکیل کابینه گردید و طرحی بمجلس تقدیم کرد ومورد شورقرار گرفت که بموجب آن دادن رأی در مجلس (موافق یا مخالف) اجباری میشد ونیز اخذ رأی دونوبتی راحذف میکرد و بزنان فرانسه مانند مردان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن داده میشد . این طرح پس از مخالفت شدید **هریو** و اقلیت تصویب شد ولی روز دهم فوریه مجلس سنا دولت را استیضاح کرد و بادادن رأی عدم اعتماد کابینه لاوال سقوط نمود .

پنلوه مأمور تشکیل کابینه گردید ولی بعلت اختلاف سیاسی با لاوال موفق نشد و تاردیو باردیگر به‌نخست وزیری منصوب گردید . وی نخست برای تشکیل کابینه از نمایندگان دست چپ دعوت کرد وچون به‌همکاری با او حاضر نشدند وزرای خود را از میان نمایندگان دست راست بر گزید وازلحاظ صرفه جوئی هرچند وزارتخانه را به‌یکنفر سپرد و ازجمله وزارتخانه‌های جنك و بحریه و نیروی هوائی را که قبلا با سه‌وزیر اداره میشد باهم یکی کرد و همین مسئله موجب اعتراضات شدید بخصوص درمحافل نیروی دریائی گردید. ازلحاظ سیاست خارجی ، تاردیو خود را طرفدارجدی تشکیل یك ارتش بین‌المللی بوسیله جامعه ملل معرفی نمودو طرحی درینباب تقدیم و طرح دیگری در زمینه عقدقراردادهای اقتصادی با کشورهای اروپای غربی بمنظور مقابله باطرح اقتصادی اطریش و آلمان تهیه نمود و درمجلس رأی اعتماد بدست آورد.

انتخابات سال ۱۹۳۲ و قتل رئیس جمهوری

مشکلات اقتصادی بخصوص شکست فرانسه درمورد غرامات جنگ و بی نتیجه ماندن نقشه اصلاحات کشاورزی کابینه تاردیو، ترقی روز افزون هزینه زندگی و توسعه سازمانهای اداری کشور و کسر درآمد خزانه و امثال آن محیط سیاسی فرانسه را برای پیشرفت تمایلات چپ آماده نموده بود وموفقیت احزاب دست چپ در انتخابات مجلسین که میبایستی درماه مه انجام گیرد پیش بینی میشد.

در فاصله مابین نوبت اول ونوبت دوم انتخابات عمومی ، درروز ۶ ماه مه ۱۹۳۱ هنگامیکه پل دومر رئیس جمهوری فرانسه برای شرکت در مراسم روز انتشار کتاب «**نویسندگان جنگجو**» عازم هتل روچیلد[1] بود بدست یکنفر روسی بنام **گورگولف**[2] بضرب گلوله ازپای درآمد و فردای آنروز دربیمارستان جان سپرد. دومرسومین رئیس جمهوری فرانسه بود که نتوانست دوره ریاست جمهوری را بپایان برساند ودچارسرنوشت غم انگیزی گردید. قتل رئیس جمهوری انعکاسی شدید آمیخته با بهت وحیرت در میان مردم فرانسه ایجاد کرد و جنازه او با شرکت میلیونها نفر وباتجلیل فراوان بخاك سپرده شد . لیکن درجریان انتخابات عمومی چندان تأثیری نداشت، روز دهم ماه مه جلسه مشترك مجلسین سناو مبعوثان در ورسای تشکیل گردید و **البرت لبرون** رئیس مجلس سنا با اکثریت قابل توجهی بریاست جمهوری فرانسه برگزیده شد و قبل از آن تاریخ در روز ۸ مه انتخابات عمومی مجلس مبعوثان انجام گرفت و بیشتر کرسیهای مجلس را رادیکال سوسیالیستها و جمهوریخواهان دست چپ وسوسیالیستها بدست آوردند.

سومین کابینه هریو

هریو لیدر حزب رادیکال سوسیالیست مأمورتشکیل دولت شد وازحزب سوسیالیست برای شرکت درکابینه دعوت کرد ولی حزب سوسیالیست درصورتی حاضر بهمکاری باهریو بود که وی مسائلی از قبیل مبارزه شدید باقدرت روزافزون سرمایه و

۱- Rothschild ۲- Gorguloff

سرمایه داران، تامین تعادل بودجه بدون کسرحقوق ودستمزد ومستمری شهدای جنگ وجنگجویان قدیم واعتبارات فرهنگی و کشاورزی ، نظارت دقیق بربانکها، ملی کردن کلیه دستگاههای راه‌آهن‌وبیمه وصنایع تسلیحاتی و جلوگیری ازتجارت اسلحه، ایجاد انحصار مواد غذائی و گندم وتقلیل بودجه‌های نظامی وبالاخره کوشش درتامین صلح عمومی ازطریق همکاری باملل‌دیگررادربرنامه کارخود بگنجاند . هریو که بسبب‌مضیقه مالی کشورخودرا بانجام برنامه سوسیالیستها قادرنمیدید وبا احزاب معتدل نیز نظر خوبی نداشت ناچارکابینه خودرا ازحزب رادیکال سوسیالیست تشکیل داد وازمجلسین رأی‌اعتماد گرفت (۷ژوئن۱۹۳۲). وی میبایستی‌مسائل فوری وضروری ازجمله برقراری توازن بودجه وتهیه مقدمات کنفرانس **لوزان** [1] (درباره غرامات جنك) و کنفرانس **ژنو** درباره خلع سلاح عمومی رامورد توجه قراردهد ولی مشکلات مالی‌همچنان در رأس مسائل‌مهم روزقرار داشت .

بحران اقتصادی روبشدت بود، درآمدهای مالیاتی روزبروز کمتروهزینه های کشور ازقبیل هزینه بیمه‌های اجتماعی وهزینه بازگشت سربازان ومخارج توسعه تشکیلات اداری (درسال ۱۹۱٤عده‌کارمندان‌دولت۶۱۹۰۰۰ ودرسال ۱۹۳۲به۵۸۵۰۰۰ نفررسیده بود) زیادترمیشد ، ناچارطبق قوانین مصوب مجلس ۵درصد ازکلیه مخارج دستگاههای دولتی درفرانسه ومستعمرات‌کاسته و برمیزان مالیات بردرآمد وسرمایه و اموال منقول افزوده شد ودولت درعین حال که باتقلیل بودجه های دفاعی موافقت کرد از تقلیل دوره خدمت زیر پرچم خود داری نمود . قوانین دیگری درباره تقلیل نرخ بهره سهام قرضه ملی ونیزنرخ تنزیل بروات تجارتی ونحوه عمل بانکها از تصویب مجلسین گذشت ولی چون تقلیل نرخ بهره سهام قرضه توأم باتقلیل نرخ مالیاتها نبود این اصلاحات مورد حسن استقبال عمومی قرارنگرفت .

کنفرانسهای لوزان (ژوئن ـ ژویه ۱۹۳۲) و **استرزا** [2] (درباره ترمیم وضع

۱ـ **Lausanne** ۲ـ **Stresa** از شهرهای کوچك شمال ایتالیا ـ م

اقتصادی اروپای مرکزی و شرقی) و کنفرانس خلع سلاح عمومی ، که مظاهری از همکاریهای بین‌المللی شمرده میشد وفرانسه میبایستی نقش مؤثری درآنها داشته باشد ، مانند غالب کنفرانسها وانجمنهای بین‌المللی نتایج مطلوب را دربرنداشت ، کنفرانس خلع سلاح ژنوبه نتیجه نرسید وباردیگر درکنفرانس لوزان سهم فرانسه ازغرامات جنك تقلیل یافت وداد گاه لاهه ادعای‌فرانسه رادرباره‌مناطق آزاد شده مجاورمرزسویس رد کرد ولی درهمان اوقات (۲۹ نوامبر) درمسکو یك پیمان عدم تعرض وعدم دخالت درامورداخلی بین فرانسه وروسیه شوروی بامضارسید .

سیاست عمومی دولت هریو بااکثریت قابل توجهی درمجلس مبعوثان تأیید شد ولی خبط وی درباره پرداخت قروض دوران جنگ به امریکا دولت اورا بسقوط کشانید در حالیکه طرح هوورد‌ر کنفرانس لوزان مورد شور وبحث بود و دولت کشورهای متحد امریکا ازقبول تقاضای فرانسه درباب تمدید مهلت پرداخت وام خود بآندولت امتناع ورزید ، علیرغم مضیقه مالی،هریواز مجلس‌اجازه‌خواست که‌قسط وام راباآمریکا بپردازد و این مسئله علاوه برتولید جاروجنجال درمحیط پارلمان ، موجب تظاهرات شدیدی از طرف مردم بخصوص سوسیالیستها گردید وروز۱۴دسامبر براثرمخالفت شدیدنمایندگان سوسیالیست دولت هریوسقوط کرد .

کابینه پل بنکور [1]

پل بنکور، سوسیالیست سابق که مدتی ازسیاست کناره‌گیری کرده‌بود ، در۱۸ دسامبرکابینه‌ایکه اکثریت‌آن از رادیکال سوسیالیستها بود تشکیل داد . وی معتقدبود که وضع مالی فرانسه هنوز برای رفورمهای سوسیالیستی مساعدنیست وبیشتر باید به سازمانهای سندیکائی توجه شود ، مجلس پس‌ازاعطای رأی اعتماد بکابینه قوانین مالی جدیدی تصویب نمود وازجمله‌اجازه انتشار۵ میلیارداسناد جدید خزانه راصادر کرد. شرون [2]

۱- Paul Boncour ۲- Chéron

وزیردارائی کمیته‌ای ازکارشناسان امورمالی واقتصادی بریاست **فورنیه** [1] نایب‌رئیس بانك فرانسه تشکیل داد تابا رسیدگی دقیق بوضع مالی کشور و اتخاذ تدابیر فوری توازن بودجه رابرقرار سازد . درنتیجه رسیدگی کمیته مالی کسر بودجه‌تا مبلغ ۱،۳۱۱،۰۰۰ فرانك روشن گردیدوشرون به‌مجلس خاطرنشان‌ساخت که‌برای جلوگیری‌از کسر بودجه باید طرحهای مالی هرچه زودتر بتصویب برسد .

طرحهای کمیسیون متضمن اجازه افزایش مبلغ ۵۴۵۳میلیون مالیات جدید و ۵۳۲۶میلیون صرفه جوئی درهزینه‌هاویك قرضه جدید بمنظورتقویت بنیه‌مالی‌دولت‌بود ولی ارقام پیش بینی شده برای تعدیل بودجه مانند گذشته پایه ومبنای‌صحیحی نداشت

بنابرطرح شرون میبایستی ازحقوق ودستمزد ها کسرشود ولی سوسیالیستها از کمیسیون مالی درخواست کردند که افسانهٔ توازن بودجه برای همیشه فراموش واز کسرحقوقها ودستمزدها خودداری شود ودرعوض طرحی دایربرافزایش تصاعدی نرخ مالیاتی به‌مجلس پیشنهاد نمودند و مورد مخالفت شدید نمایندگان دست راست قرار گرفت ، درهمان حال دهقانان برای مخالفت با افزایش مالیاتها بتظاهرات دامنه‌داری دست زدند واز دولت میخواستند که تدابیری برای بالا بردن قوه خرید مردم و تسهیل فروش محصولات کشاورزی اتخاذ کند . روز ۲۸ ژانویه ۱۹۳۳ که شرون طرح افزایش پنج‌درصدنرخ‌مالیاتهای‌مستقیم‌را بمجلس برد،مجلس بارأی‌مخالف اکثریت‌کابینه‌راازکارانداخت.

کابینه دالادیه و انشعاب در حزب سوسیالیست

دالادیه‌کابینه جدید را ازرادیکال سوسیالیستها تشکیل‌داد وازمجلس رأی اعتماد گرفت (۳ فوریه ۱۹۳۳) . درین موقع اختلاف رأی شدیدی‌برسرشرکت یاعدم‌شرکت سوسیالیستها دردستگاه حکومت بین سران حزب سوسیالیست در کنگره عمومی **آوینیون** [2] بروز کرد، **رنودل** [3] شرکت‌سوسیالیستها

۱- Fournier ۲- Avignon (ازشهرهای فرانسه واقع‌درجنوب شرقی پاریس کنار رود رن Rhone - م .) ۳- Renaudel

رادردستگاه دولت بمنظورتهیه زمینه رفورمهای مترقی لازم میدانست درحالیکه **لئون بلوم** رهبر دیگر حزب سوسیالیست بانظریه وی سخت مخالف بود . رنودل با عده‌ای از طرفداران خودازحزب سوسیالیست خارج گردید وحزب جدید « سوسیالیست فرانسه » راتشکیل‌داد . کنگره عمومی سوسیالیستها درماه ژوئیه انشعابیون رامورد ملامت قرارداد. سپس کنگره بین‌المللی احزاب سوسیالیست که در ماه اوت درپاریس تشکیل گردید با اکثریت قابل توجهی رنودل و هواداران اورا تقبیح کرد (قطعنامه معروف به اعلامیه **اوتوبوئر - بلوم - واندرولد**[1])وآنانرا بداشتن عقایدفاشیستی متهم ساخت .

رنودل‌معتقد بود که عدم‌شرکت سوسیالیستها درکابینه وروش کناره گیری ازقبول مسئولیت‌دلیل بر بیعلاقگی بسرنوشت‌مملکت وخودداری ازدفاع کشوردرموقع‌هجوم‌خارجی است ، کنگره حزب جدید سوسیالیست فرانسه برهبری رنودل در آ**نگولم**[2] تشکیل شد وروز۵ نوامبر شورای ملی حزب سوسیالیست۷۰تن نمایندگان‌اقلیت و ازجمله رنودل را از عضویت آن حزب محروم ساخت .

چون دالادیه برای تأمین کسر بودجه نظارت بسیار دقیق درتقلیل مخارج رالازم میدانست ، باتصویب مجلس ازاول مارس ۱۹۳۳ از۲ تا۸درصد حق تقاعد درباره حقوق ودستمزدکارکنان دولت برقرار کرد وضمناً درحدود ۵هزارنفر از عده‌کارکنان دولت و مؤسسات ملی‌تابع‌دولت ومقداری‌ازمزایاوفوق‌العاده‌های آنان‌راکاست وسهام قرضه‌جدیدی بمبلغ ۱۰میلیارد انتشار داد و۳۰۰ میلیون لیره بمدت ٦ماه از انگلستان وام گرفت (مارس۱۹۳۳).

در عرصه سیاست خارجی ، دولت تمام کوشش خودرا در کنفرانس‌واشینگتن (درباره وامهای دوران جنگ که هریودرآن شرکت کرد) و کنفرانس اقتصادی وپولی لندن بکار برد تا حقوق و حیثیت فرانسه را حفظ کند و در همان زمان که **هیتلر** در

۱- Otto Bauer–Blum–Vaudervelde

۲- Angoulême از بلاد فرانسه واقع درشمال غربی پاریس -م.

آلمان زمام قدرت وحکومت رادردست گرفته بود (از۲۸ژانویه ۱۹۳۳) مجلس فرانسه پیمان عدم تعرض فرانسه ـ شوروی را با اکثریت۵۵٤ رأی موافق دربرابر یك مخالف (تاردیو) تصویب کرد ودرپائیز آنسال هریو وسپس **کت**[1] به‌مسکورفتند .

دراواخرماه‌اوت **ژرژلیگ**[2] وزیردفاع ملی که درتجدید وتقویت نیروی دریائی فرانسه تا حدود تعیین شده درقرارداد بحری واشینگتن کوشش بسیاربکار برده ودرظرف یکسال ۳۰۰۰۰۰تن برظرفیت نیروی دریائی افزوده بود وفات یافت .

کسربودجه که مرتباً روبافزایش ویکی‌ازمهمترین‌سلاحهای مبارزه مخالفین با دولتها بود کابینه دالادیه رانیزمانندکابینه های قبلی بسقوط کشانید ودرجلسه ۲۳اکتبر که موضوع افزایش نرخ تقاعد درباره کارکنان دولت درمجلس مطرح ودالادیه تقاضای رأی اعتماد کرده بود مجلس‌با اکثریت مرکب‌ازنمایندگان دست راست وسوسیالیستها و کمونیستها رأی مخالف داد و فقط دسته رنودل (ازسوسیالیستها) رأی موافق دادند و بدین ترتیب‌کابینه دالادیه نیزبسرنوشت‌کابینه‌های دیگردچار گردید .

کابینه سارو و بحران مالی

البرت سارو[3] رادیکال سوسیالیست‌کابینه‌ای شبیه بکابینه دالادیه تشکیل‌داد وبرای‌ترمیم وضع‌مالی‌خزانه ، که‌میبایستی روزانه۱۰۰میلیون فرانك بابت‌سهام‌قرضه‌ملی‌بپردازد ، درطرح مالی‌خود، حذف سازمانها و ادارات زائد دولتی ومبارزه‌جدی باقاچاق و استفاده از منابع ثروت عمومی وملی‌راپیش‌بینی نمود، ولی درآن اوقات که خزانه فرانسه وضع رقت باری داشت و خطربحران شدید اقتصادی کشوررا تهدید می کرد مبارزهٔ غیرمنصفانه نمایندگان مجلس با دولتها کماکان ادامه یافت وهنگام بحث در باره لایحه بودجه‌کابینه سارو بارأی مخالف مجلس ازکار افتاد . (۲٤نوامبر ۱۹۳۳).

۱ـ Cot ۲ـ G. Leygue ۳ـ Albrt Sarraut

دومین کابینهٔ شوتان

شوتان کابینهٔ خود را که ترکیب آن مانند سایردولتها بود بمجلس معرفی کرد وبرای جلوگیری از سقوط کابینهٔ او سوسیالیستها این باردرمبارزه با دولت شرکت نکردند (۲۶ نوامبر۱۹۳۳) . شوتان طرح جدیدی دربارهٔکاهش مخارج وافزایش بعضی عوارض و مالیاتها بمجلس داد وسرانجام طرح برقراری کسر تقاعد درموردکارکنان دولت بتصویب مجلس رسید وسنای فرانسه درلایحه بودجه رقم صرفه جوئی راتا ٤٫٥ میلیارد رسانید . دولت قسمتی ازسهام قرضه ملی‌را که قبلا تصویب شده بود بمبلغ ۱۵۰۰ میلیون انتشار دادولی قبل‌ازشوردرباره‌لایحه بودجه دوره تعطیل‌جلسات پارلمان‌از۲۳دسامبر آغاز گردید درحالیکه مشکلات زیادی‌رژیم پارلمانی ودولت فرانسه راتهدیدمیکرد .

مسئله استاویسکی[1]

هنگامیکه براثر واقعه تصادف دوقطار راه‌آهن فرانسه و کشته شدن ۲۰۰ نفر مقارن باعید نوئل وآغازسال جدیدافکار عمومی‌مضطرب ونگران‌بود.خبر کلاه برداری‌ماهرانه شخصی بنام استاویسکی یا الکساندر بهمدستی شهردار **بایون**[2] بمبلغ چندین صد میلیون در پاریس انتشاریافت .

استاویسکی که معلوم شد یکی‌ازشیادان ماهربین‌المللی است بوسیله انتشاراوراق بهادار وسهام بدون عوارض و مالیات مبالغ هنگفتی بعنوان تأسیس وبنای‌کلیسا ومعابد درشهر بایون ازمردم بدست آورده بود ، وی درسال۱۹۲٦ دستگیر وسپس‌آزادشده و۱۹ بار جلسه محاکمه او بتعویق افتاده‌بود. هنگامیکه پلیس فرانسه برای دستگیری استاویسکی تلاش میکرد جسد اورادرحالیکه مغزوی بوسیله‌گلوله متلاشی شده بود در **شامونی**[3] پیدا کرد و معلوم شد که خودکشی کرده است . چنین شهرت یافت که عده زیادی ازمأمورین ومقامات عالیرتبه ومتنفذ دولت با استاویسکی همدست بوده اند . وزیرکار که متهم بود فروش سهام استاویسکی راتسهیل‌نموده ازکابینه خارج شد (۸ژانویه

۱- Stavisky ۲- Bayonne ۳- Chamonix

۱۹۳٤) وازطرفی خودکشی استاویسکی درمیان مردم شایعاتی بوجودآورد وافکارعمومی را سخت متزلزل ساخت .

مردم چنین می‌پنداشتند که دستگاه پلیس برای جلوگیری ازرسوائی مأمورین عالیرتبهٔ دولت استاویسکی‌را بقتل رسانده ومرگ او را بر اثر خودکشی قامداد کرده است. استاویسکی که برنامه وسیعی برای عملیات بزرگ آینده خود تهیه دیده وانتشار اوراق سهام قسمتی ازآن برنامه بوده بابسیاری ازرجال وسیاسیون ومتنفذین ازقبیل وزراء ونمایندگان وسفرای سابق وحکمرانان واستانداران فرانسه ارتباط داشته وکسانی مانند **هودلو**[۱] رئیس پلیس سابق و ژنرال باردی دوفورتو[۲] و امثال آنان با اوهمدست بوده‌اند . براثر تشنج افکار عمومی وانتظار کشف حقیقت از طرف مردم ، دولت بزودی مدیران جرایدلا **ولونته**[۳] و**لالیبرته**[٤] و**میدی**[٥] و نیز **بونور**[٦] نمایندهرادیکال سوسیالیست پاریس را که مجلس ازاوسلب مصونیت کرده بود بازداشت نمود وبرای تسکین اضطراب عمومی عده‌ای ازکارمندان عالیرتبه دولت رابعلت مسامحه درانجام وظیفه‌اخراج وبعضی ازمقامات پلیس را توبیخ کرد . دراین موقع که‌کابینه شوتان در مجلس مورد استیضاح قرار گرفته بود (۱۱ژانویه ۱۹۳٤) حوادث نامطلوب دیگری ازقبیل ربوده شدن اسناد وپرونده های‌دادگستری ، خودکشی های پی‌درپی، دوئلهای متعدد وتظاهرات دسته‌های سیاسی درکوچه هاوخیابانها روی میداد وحوادث دیگرازقبیل‌ورشکستگی‌بانك تعاونی کارمندان دولت واتهام **فرانسوامارسال**[۷] ازنخست وزیران سابق بکلاه برداری و سناتور **سر**[۸] بسوء استفاده از منابع زغال سنگ ومانند آنها برتشنج افکارمردم‌میافزود ودامنه شایعات را توسعه میداد .

سرانجام ، پس از استعفای وزیر دادگستری که اورا بهمدستی با مدیر بانك

۱- Hudelo ۲- Bardi de Eourtou ۳- La Volonté
٤- la Liberté ٥- Midi ٦- Bonnaure ۷- F.Mareal
۸- Serre

ساکازان[1] درعملیات خلاف قانون وقاچاق ارزمتهم کرده بودند ودرحالیکه صدهاهزار مردم پاریس درخیابانها بتظاهرات پرداخته بودند شوتان از نخست وزیری استعفا کرد (۲۷ژانویه ۱۹۳٤).

دولت جدید دالادیه

ملت فرانسه سقوط پی‌درپی‌دولتها رانتیجه غرض ورزی‌نمایندگان مجلس‌ومبارزه‌آنان رافقط‌بخاطرحفظ منافع‌شخصی‌میدانست ویقین حاصل کرده بود که نطقهای پرحرارت و انتقادات اکثرنمایندگان برای حفظ مصالح عمومی کشورنیست و از این بابت سخت آزرده خاطر بود. در همان حال کشف کلاه‌برداریها و سوءِ استفاده‌هائی کـه دردستگاه‌دولت میشد بمراتب بیش از کـلاهبرداری استاویسکی و امثال‌او، افکارعمومی را متشنج میساخت وحس بـدبینی و سوء ظـن را نسبت بدولت در میان مردم قوت می‌بخشید. افکار عمومـی طالب سلامت نفس و تقوای اخلاقی مأمورین دولت و رفورم دردستگاههای دولتی و تعویض‌کادر سیاسی کشور وتوجه کامل بمنافع ومصالح‌عمومی بود.

در چنان موقعیت حساسی هیچیك از نخست وزیران سابق برای قبول مسئولیت زمامداری حاضر نشدند و سرانجام دالادیه باردیگر زمام امور کشور را دردست گرفت‌و دولت خودرا که بادولتهای گذشته چندان تفاوتی نداشت بمجلس‌معرفی کرد(۳۰ژانویه ۱۹۳٤) تأسیس وزارتخانه جدید**ماوراء دریا**[2] موجب اعتراض سربـازان فـرانسوی در متصرفات شمال‌افریقا گردید. سهم رادیکالها دردولت جدید برای‌احتراز ازمواجه شدن‌با مخاطرات بسیار کم بود و سوسیالیستهای جدید[3] نیز از همکاری بادالادیه‌امتناع‌ورزیدند

۱- Sacazan ۲- Outre-mer این وزارت برای اداره امور مستعمرات فرانسه درافریقاوآسیای جنوب شرقی واقیانوسیه تاسیس گردید ـ م.

۳- منظوراز سوسیالیستهای جدید درین‌مورد وموارد نظیرآن دسته انشعابیون طرفدار رنودل است ـ م.

ولی سوسیالیستها مایل‌بودند که‌برای نجات جمهوری فرانسه از خطر قدرت وحکومت را در دست‌بگیرند.

حوادث ناگوار ٦فوریه

دولت دالادیه برای تسکین افکار عمومی تصمیم گرفت بعضی از مشاغل مهم دولتی را باشخاص خوشنام و مورد اعتماد عمومی واگذار کند ولی بر خلاف انتظار دالادیه این تصمیم در میان مأمورین عالیرتبه دولت نارضایتی شدیدی تولید کرد وعده‌ای‌از آنان ازجمله فرماندار کل فرانسه در مراکش و حکمران ایالت سن [1] و سه تن ازمعاونین نخست‌وزیر کناره گیری کردند (٤ فوریه١٩٣٤) اکثر طرفداران عقاید دست راست و اکثریت دست‌چپ نیز با انتصاباتی که‌در دستگاه حکومت بعمل آمده بود مخالفت ورزیدند.

دولت دالادیه میبایستی روز ٦ فوریه به مجلس معرفی‌شود. روز٥ فوریه‌تظاهراتی از طرف اتحادیه احزاب دست‌راست در پاریس صورت گرفت و جرایـد صبح روزششم فوریه وقوع تظاهرات دسته جمعی دامنه داری را باقید محل ونام‌احزاب شرکت کننده و جهت سیاسی وهدف و منظور آنها برای عصر همان روزاعلام نمودند. صدها هزارمردم پاریس بنا برحس کنجکاوی ویابرای شرکت در تظاهرات عصر روز ٦ فوریه میدانها و خیابانهای اطراف مجلس را پر کردند. جلسه پارلمان بر اثر هیاهو و جنجال تظاهرکنندگان متشنج گردید و در خلال شعارهای احزاب مختلف آهنك سرود بین‌الملل کمونیستها نیز بگوش میرسید. مجلس میخواست رای عدم اعتماد بدولت جدید بدهد لیکن لئون بلوم رهبرسوسیالیستها به‌حمایت از دولت برخاست و سر انجام رأی اعتماد بدولت داده شد ولی تظاهرات مردم از راست و چپ با کمال شدت در خارج از پارلمان ادامه داشت و صفیر گلوله توأم بافریاد شعار دهندگان‌در محوطه پارلمان منعکس‌میشد، نیروی شهربانی و گارد سیار پاریس که بتازگی وارد پایتخت شده بود و از نیرنگهـا و خدعه‌های احزاب سیاسی اطلاع نداشت دربرابر هجوم تظاهر کنندگان دست بـاسلحه

١- Seine

آتشین بردند، در آنمیان کسانی بودند که برای استفاده ازپاکدلی وسادگی مردم بنفع سیاستهای مختلف جمعیت را به سوزاندن اتوبوسها وعمارت وزارت دریاداری و مانند آنها تحریك میکردند. درپایان آن صحنه پرهیاهوجسد ۱۲ مقتول وچندین صد نفر مجروح که اکثر آنان جراحات خطرناك داشتند بوسیله مامورین انتظامی ازمیدان **کنکورد**[1] واطراف پارلمان و نقاط دیگر پایتخت جمع آوری گردید. وزیران درعمارت وزارت کشورجلسه فوق‌العاده‌ای تشکیل دادند و درحالیکه بعضی از اعضای انجمن شهر پاریس بهانه تسکین افکارعمومی و جلوگیری از خونریزی خواستار استعفای دالادیه بودند، هیئت دولت اعلامیه‌ای صادر و بمردم پاریس اخطار کرد که چون دستهای مرموزی برعلیه امنیت و استقلال فرانسه درکاراست دولت بامنتهای قدرت از هر گونه اغتشاش جلوگیری خواهد کرد و کلیه وسائل ممکنه را در اختیار وزیر کشور برای انجام این منظور قرار خواهد داد ولی روز هفتم فوریه هنگامیکه دالادیه از کاخ الیزه[2] خارج میشد صریحاً اعلام نمود که کناره گیری اززمامداری رابر گلوله باران کردن افرادملت بدست سربازان ترجیح میدهد و بلافاصله استعفا کرد. شب آنروز آرامش درپایتخت برقرار بود وفقط بعضی تظاهرات کوچك بوسیله کسانیکه تازه از حومه وارد پایتخت شده بودند صورت گرفت.

حوادث ششم فوریه و نظایر آن و سقوط پی‌درپی دولتها و بی‌اعتباری افکار عمومی حقیقی در برابر نیرنگها و تحریکات سیاسی افراد و دسه های مختلف اعلام خطر برای رژیم پارلمانی جمهوری فرانسه شمرده میشد و اینگونه تظاهرات بی‌هدف مقارن با زمانی بود که رژیم حکومت‌های یك حزبی[3] در بعضی ازممالك اروپا استقرارمی‌یافت.

۱- Concorde ۲- Elysée

۳- منظور از رژیم حکومت یك حزبی یا توتالیتر Totalitaire حکومت هائی است که‌قدرت‌دردست یك حزب متمرکز و فعالیت سیاسی افراد و احزاب دیگر یا بکلی سلب و یا لااقل بسیار محدود میشود مانند رژیم حکومت نازیها در آلمان و فاشیستهای ایتالیا ورژیم کمونیستی - م.

کابینهٔ دومرگ

دومرگ رئیس جمهور سابق بدرخواست لبرون رئیس جمهور فرانسه کابینه جدیدی مرکب ازنمایندگان جبهه ملی وبعضی از نخست وزیران سابق مانند لاوال وهریوو تاردیو وسارو وچندتن از افسران عالیرتبه وازجمله مارشال پتن[1] فاتح جنگهای بین‌الملل اول تشکیل داد (۹ فوریه ۱۹۳٤)وعصر آن‌روز تظاهراتی ازطرف احزاب دست چپ« کمونیستها- سوسیالیستها و رادیکال سوسیالیستها» درپاریس صورت گرفت و در پایان عده‌ای کشته ومجروح برجای گذاشتند . چون احزاب چپ حوادث ٦ فوریه را توطئه ناقصی ازطرف احزاب دست راست برای تضعیف قدرت کمونیستها و در عین حال بمنظور برانداختن رژیم جمهوری و استقرار حکومت فاشیستی تلقی کرده‌بودند در مورد اعلام‌یك اعتصاب‌عمومی ۱٤ ساعته که‌روز ۱۲ فوریه در سراسر فرانسه صورت گرفت بایکدیگر ائتلاف‌نمودند، اعتصاب مزبور بدون حوادث مهمی پایان یافت وروز ۱۵ فوریه دومرگ رای اعتماداز مجلس گرفت ومجلس بوی‌اختیارات‌کافی برای تدوین‌وتنظیم‌بودجه وهر گونه صرفه جوئی درمخارج اعطا کرد. وی‌بمجلس اطمینان داد که درجریان رسیدگی‌به مسئله‌استاویسکی نهایت دقت‌ومراقبت‌را بعمل‌آورد. .

کمیسیونهای تحقیق و مسئله پرنس[2]

مجلس برای رسیدگی به مسئله استاویسکی و حوادث روز ٦ فوریه ورسیدگی به جرائم مأمورین‌وکارمندان‌دولت‌سه کمیسیون تشکیل داد و پرنس رئیس دایره حقوقی دادگاه شهرستان‌پاریس ماموریت یافت که‌بارسیدگی دقیق پرده ازروی اسرار پرونده استاویسکی و اعمال او بردارد ولی یکروز قبل از موعدی که پرنس میبایستی گزارش‌خودرا به دادستان‌تقدیم

۱- Pétain غیر از پتن که بوزارت جنك منصوب شد ژنرال دنن Denain بوزارت نیروی‌هوائی وژرژ ریوله G Rivolet دبیر اتحادیه جنگجویان قدیم فرانسه بوزارت مستعمریها منصوب گردیدند. ۲- Prince

کند جسد متلاشی شده اورا در روی خط آهن ناحیه **دیژون**[1] یافتند و بلافاصله بعد از انتشار خبرمزبور در محافل مختلف موضوع تیرگی روابط و مناسبات شخصی پرنس با دادستان پاریس مورد گفتگو قرار گرفت «۲۱فوریه ۱۹۳٤» و متعاقب آن حادثه‌خبر خودکشی یا تصمیم به خودکشی عده‌ای از کسانی که بمناسباتی در قضیه استاویسکی وارد بودند بگوش رسید. کمیسیونهای تحقیق علیرغم انتظار افکار عمومی و حساسیت موقع نتیجه‌صحیحی ازرسیدگی خود بدست نیاوردند وهمه‌جادرجریان رسیدگی بااظهارات متضاد و نظریه های متناقض مواجه شدند زیرا اعضای کمیسیونها که باحزاب مختلف بستگی داشتند از همان بدو امر عقائد سیاسی حزب‌متبوع خود رادرجریان‌رسیدگی دخالت دادند.

روز ۱۳ مارس کنگره حزب رادیکال در **کلرمن‌فران**[2] تشکیل گردید وشش تن از نمایندگان مجلس عضوحزب را ازآن حزب اخراج نمود.

اقدامات اصلاحی و تزلزل کابینه

بارتو[3] وزیر خارجه فرانسه برای مذاکره با سران کشورهای اروپای مرکزی و شرقی‌درباب پیمان اتحاد ودوستی، که‌آلمان از قبول آن امتناع‌ورزیده ورزسیه شوروی‌مایل بوددرآن‌شرکت کند، عازم اروپای شرقی گردید و روز ۱۷ آوریل ۱۹۳٤مقاوله نامه‌ایرا امضا کرد که بموجب‌آن درمسئله تقلیل سلاح درآلمان با تضمین انگلستان تجدید نظرولی حدود تسلیحات آلمان‌ازآنچه طبق قرار دادورسای‌تعیین‌شده‌بودوسیعتر گردیددرحالیکه‌آلمان قبل‌ازتنظیم‌آن مقاوله نامه از حدودعهد نامه ورسای عملا تجاوز کرده‌بود.

طی پیامی که‌روز ۲۱ آوریل از رادیو بوسیله دومرگ خطاب‌به مردم صادر گردید تدابیری که دولت برای اصلاح وضع مالی و اقتصادی ازقبیل تقلیل عده کارمندان دولت و ممنوعیت ارجاع چند شغل بیکنفر کارمند و تجدید نظردروضع مستمریها اتخاذ کرده بود باطلاع عامه رسید. در این موقع باآنکه براثر تثبیت وضع سیاسی کشور سرمایه-

۱- Dijon ۲- Clermont-Ferrand ۳- Barthou

های خارج شده از فرانسه بتدریج بآن کشور برمیگشت و ذخیره طلای بانك فرانسه به ۸۰ میلیارد رسیده بود و باوجودتشبث دولت به انتشاراوراق قرضه‌جدیدبه‌مدت‌طویل‌و متوسط ، بحران مالی همچنان ادامه داشت بخصوص کـه نشر سهـام قرضه فقط مضیقه آنی دولت را رفع میکرد و درعوض برمیزان ربح‌پول وبهای زندگی‌می‌افزود.

نارضایتی عمومی ازطرز کار کمیسیونهای تحقیق (مربوط به استاویسکی‌وغیره)و تجدید مبارزه سیاسی تاردیو با شوتان محیطمتزلزلی درکابینه ایجاد کرده بـود کـه بـا مراجعت دومرگ‌ازمرخصی اثر آن ظاهراً زایل گردید ولـی دومرگ در جلسه هیئت وزیران مورخ۳۰ اوت ۱۹۳٤ طرحی بهیئت داد که درصورت تصویب مجلسین، بموجب آن‌طرح‌نخست وزیرحق انحلال مجلسین را بدون مراجعه به‌سنادارامی‌شد، مسئله تفکیك قوای ثلاثه (قوه قانون گزاری، قوه‌قضائیه،قوه‌مجریه) کاملا روشن می گردید و دولت که اختیارات کامل در امور مالی بدست می‌آورد میتوانست بودجه هرسال را ، درصورت‌عدم آمادگی مجلسین برای تصویب بودجه جدید، تا یکسال دیگر اجـرا کندو کارکنان دولت بموجب اساسنامه جدیدی اداره میشدند.

طرح دومرگ که اختیارات و قدرت دولت را تأمین‌میکرد بامخالفت‌شدیدمحافل و نمایندگان دست‌چپ مواجه شد و ازطرف دیگر روز۱۹ اکتبر ۱۹۳٤ **الکساندر اول** پادشاه یوگسلاوی که بمنظور مسافرت رسمی در فرانسه وارد بندر **مارسی** شده بود بدست یکی از تروریستهای یوگسلاوی بنام **کالمن**[1] بقتل رسید و قاتل بلافاصله کشته شد وچنین‌شهرت یافت که اشخاص و سیاستهای زورمندی حامی و محرك قاتل بوده‌اند .

حادثه مارسی موجب بر کناری وزیر کشور از کابینه گردید واز **زوال‌دولت دومرگ** طرف دیگر بر اثر اصرار وپافشاری مارشال پتن‌وزیرداد گستری نیز استعفا کرد و درجلسه سنا ومبعوثان دومرگ طرح رفورم

۱- **Kalemen** در آن حادثه وزیرخارجه فرانسه بسختی مجروح وژنرال ژرژ افسر محافظ پادشاه نیز زخمی شدند.

سیاسی مصوب هیئت وزیران را به مجلس تقدیم کرد و بشدت مورد حمله و انتقاد قرار گرفت، نخست وزرای رادیکال کابینه دسته جمعی استعفا کردند و دومرگ نیز از ادامه کار امتناع ورزید(۸ نوامبر ۱۹۳٤)

کابینه فلاندن[۱]

لاوال و چند نفر دیگر از رجال فرانسه از قبول نخست وزیری خود داری کردند و سرانجام فلاندن دولت جدیدرا تشکیل داد و از مجلس رأی اعتماد گرفت (۱۳ نوامبر ۱۹۳٤) و بودجه کل که ظاهراً تعادل داشت برای اولین بار بعد ازجنگ بدون جار وجنجال بتصویب مجلس رسید درحالیکه کسر در آمد نسبت بهزینه در حقیقت بالغ بر ۸۸۰۰ میلیون فرانك بود.

لاوال وزیرخارجه طی ملاقات با **موسولینی**[۲] نخست‌وزیر ایتالیا پیمانی درباره تعیین سرحدات مشترك متصرفات دو دولت در افریقا امضا کرد (۷ژانویه ۱۹۳۵) ولی پیمان مزبور تصویب واجرا نشد. سه‌ماه بعد کنفرانسی ازرجال سیاسی فرانسه وانگلستان و اطریش و ایتالیا در **استرزا** «از بلادشمالی ایتالیا» باحضور موسولینی تشکیل شدتا موافقتنامه‌هائی درباره امنیت اروپای غربی و استقلال اطریش تدوین نماید «۱۱ آوریل ۱۹۳۵». رود ۱۳ ژانویه در **زاره**[۳] زیر نظر نیروی نظامی بین‌المللی وطبق پیمانهای صلح مراجعه بآراء عمومی بعمل آمد و براثر لیاقت و کاردانی لاوال هیچگونه حادثه ـ سوئی‌روی ندادلیکن نتیجه بضرر فرانسه و بنفع آلمان بود.

مذاکرات سیاسی فرانسه وانگلیس به عقدپیمان مودت بین آن دو دولت‌منجر گردید «۳ فوریه ۱۹۳۵» و از طرف دیگر فرانسه که ناظر بند وبستهای سیاسی و

۱ـ Pierre-Etienne Flandin ۲ـ Mussolini

۳ـ Sarre زاره‌یاسار ناحیه معدنی مغرب آلمان که طبق پیمان ورسای بتصرف قوای فرانسه درآمد ومقرر گردید که پس از ۱۵ سال درباره تعیین وضع آن ناحیه بآراء عمومی مردم آن مراجعه شود ـ م.

صف‌آرائی دولتها بود وحس میکرد که ممالك بزرك به گرداب جنك دیگری نزدیك میشوند روابط خود را با روسیه شوروی توسعه دادو پیمان فرانسه و شوروی مورخ ۲مه ۱۹۳۵ حدود همکاری مشترك آن دودولت را در سازمانهای وابسته به‌جامعه ملل روشن ساخت. در ژنو شکایت یوگسلاوی از مجارستان «هنگری» مبنی برحمایت دولت اخیر از تروریستهای بین‌المللی ودخالت این‌دولت درواقعه قتل‌الکساندراول درمارسی‌درجلسات جامعه ملل مورد بحث‌قرار گرفت.

ژنرال **گاملن**[۱] که بجای ژنرال **ویگان**[۲] به معاونت شورای عالی جنك منصوب شده بود «۲۱ ژانونه ۱۹۳۵» باتصویب مجلس اجازه یافت که هنگام لزوم مدت خدمت زیر پرچم بعضی از طبقات مشمولین نظام‌وظیفه راتمدید کند و نیزحد نصاب مشمولیت به ۲۰ سال تقلیل یافت و این تدابیر نظامی موقعی اتخاذ میشد که **هیتلر** با استفاده از محیط سیاسی اروپا خدمت‌نظام وظیفه را در سراسر آلمان برقرارمیساخت .

دولت فلاندن مانند دولتهای گذشته گرفتار وضع بحرانی خزانه وامورمالی بود . بر کسر در آمد نسبت به هزینه دربودجه کل روز بروز افزوده میشد در حالیکه هزینه تدارکات نظامی و هزینه‌های اجتماعی و عمرانی افزایش می‌یافت . میزان دیون دولت به ۳۳۰ میلیارد رسیده و سفته بازی و معاملات صرافی ازحد اعتدال خارج شده بود. دولت برای جلوگیری از سقوط فرانك مقدار زیادی سکه طلای ۱۰۰ فرانکی به جریان انداخت و از مجلس برای رفع بحران مالی اختیارات کامل خواست ولی دولت فلاندن نیز مانند سایر کابینه‌ها فدای امور مالی مملکت شد زیرا اصولا بعد از جنك بین‌الملل محیط سیاسی و پارلمانی فرانسه تحت‌تأثیر مسائل مالی از قبیل«تعادل بودجه» و «تثبیت پول» و مانند آنهاقرار گرفته و وقت دولت‌ها و مجلسها صرف بحث ومجادله در باره مسائل مزبور میشد و هیچگاه مسائل مهم و ضروری از قبیل‌اصلاحات فرهنگی و تعلیم و تربیتی و بسط فلاحت و اصلاحات اجتماعی مورد توجه قرار نمیگرفت.

۱- Gamelin ۱- Weygand

کابینه کوتاه بویسن[1]

پس از سقوط دولت فلاندن «۳۱ مه ۱۹۳۵» فرناندبویسن رئیس مجلس کابینه ائتلافی از احزاب تشکیل داد ولی نتواست همکاری افراطیون چپ را جلب کنـد . این کابینه از مجلس تقاضـای اختیارات مالی تا اکتبر ۱۹۳۵ نمود مشروط براینکه لوایح قانونی موضوعه را قبل از اول ژانویه ۱۹۳۶ به مجلس تقدیم کند. اکثریت و از جمله نمایندگان سوسیالیست مخالفت کردند وکابینه بویسن در همان آغاز تشکیل ازکار افتاد.

دولت جدید لاوال و مسئله تقلیل اسکناس و موضوع جلسه

لاوال که کابینه خودرا روز ۷ ژوئن ۱۹۳۵ تشکیل داد برخلاف سلف خود اختیارات مالی بااکثریت هنگفتی در مجلس بدست آورد و بلافاصله شروع به تدوین لوایح قـانونی نمود . لـوایح مزبور متضمن تقلیل مستمریها وحقوق و دستمزد و فوق العاده و مانند آنها و مبارزه با بیکاری و رفـورم در سازمانهـای کشوری و اداری وبرقراری روش ساده و مطمئن در بیمه‌های اجتماعی بود .

بودجه کل متضمن اعتبارات هنگفت برای تجهیزات جنگی وتدارکات عمومی و ۱۲ میلیارد صرفه‌جوئی درهزینه ها بـاسرعت بی‌سابقه‌ای بتصویب مجلس رسید، ولی تقلیل اسکناس از طریـق تقلیل حقوق ودستمزد وهمچنین تقلیل اجباری مال الاجاره ها تا ۱۰ درصد که تاحدی درتنزل بهای زندگی مؤثر بود موجب بروز نـارضایتی درمیان طبقات ذینفع گردید و ازطرف دیگر، کابینه لاوال بامشکلات سیاسی درخارج و داخل مملکت مواجه شد، ازجمله مسئله بندوبستهای سیاسی در اروپا وموضوع لشکر کشی ایتالیا به حبشه وظهورسازمانها وفرقه‌های جدیدسیاسی درداخل کشورومتحدشدن ومسلح شدن افراد دسته‌های مزبور بود. ازفرقه های دست راست « **صلیب آتش** » و« جوانان میهن پرست» و « هواداران شاه»و «فرانسیست ها»ومانند آنها و از پیروان عقاید دست چپ « جوانان سوسیالیست » و«جوانان کمونیست » و« شاهین سرخ » وغیره کم وبیش حالت سازمانهای

۱ـ Fernaud Bouisson

نظامی رابخود گرفته بودند وبعداز حوادث فوریه ۱۹۳٤ تمایل شدیدی به مسلح شدن درمیان احزاب وفرقه‌های سیاسی پدیدار شده بود. در۱٦ نوامبر۱۹۳۵ در **لیموژ**[۱] بین سازمانهای چپ وراست زدو خوردی در گرفت وعده‌ای کشته شدند. افکارعمومی که سازمانهای دست راست رامتهم به عقاید فاشیستی می کرد درمجلس نیزمنعکس وبتصویب قانون مجازات برای حمل کنندگان اسلحه منجر گردید وطبق قانون مزبور (۱۰ ژانویه۱۹۳٦) سازمانهای مزبور که‌ازهرجهت شبیه به‌سازمانهای نظامی بودند غیرقانونی اعلام ودولت مکلف شد که‌آنهارا منحل سازد. دولت هیچیك ازسازمانها رامنحل نکرد لیکن بنابرموافقتی که بین رهبر سازمان « صلیب آتش »[۲] **وبلوم** رهبر سازمانهای سوسیالیستی و **تورز**[۳] رهبر کمونیستها بعمل آمد قرارشد احزاب مزبور دست ازمبارزه بکشند وسازمانهای نیمه مسلح خود را منحل سازند ولی‌این سازش وآشتی‌بین فرقه‌های سیاسی موقت وبیدوام بود.

اشغال خاك حبشه بوسیله ارتش ایتالیا وانعکاس‌آن درجامعهٔ ملل‌وتیرگی روابط ایتالیا وانگلیس برسرحبشه ونواحی سرچشمه علیای نیل وراههای دریائی هند اروپارا با خطرجنگ مواجه ساخته بود. کنفرانس **لاوال ـ ایدن**[٤] **ـ الوازی**[٥] درپاریس به ـ نتیجه نرسیده واجرای مجازات درباره ایتالیا (طبق ماه ۱٦میثاق ملل) بربحران سیاسی اروپا افزوده بود.

احزاب دست چپ درفرانسه وانگلستان طرفدارجدی اجرای مجازات در باره ایتالیا ودولتهای فرانسه وانگلیس وسایر ممالك بعلل سیاسی دراجرای مجازاتهاطرفدار تعدیل آن‌بودند.

در تاریخ ۹دسامبر ۱۹۳۵ مقاوله نامه‌ای بوسیله **سرساموئل هور**[٦] معاون

---

۱ ـ Limoges ۲ ـ کلنل روك C. Ro que رهبر سازمان صلیب آتش بود.

۳ ـ Thorez ٤ ـ Eden ٥ ـ Aloisi ٦ ـ Sir Samuel Hoare

وزارت امور خارجه انگلیس ولاوال تهیه و موافقت شده بود که در حبشه به ایتالیا پاره‌ای امتیازات داده شود و **نجاشی**[1] (امپراطور) حبشه نیز به سلطنت خود ادامه دهد وهنگامی که طرح مزبور مورد مطالعه موسولینی و نجاشی وشورای جامعه ملل بود و احتمال میرفت که مورد مخالفت قرار گیرد ساموئل هور از شغل خود بر کنار شد ومجلس فرانسه کابینه لاوال را مورد استیضاح قرار داد و تظاهرات شدیدی در قسمتی از محلات پاریس بخصوص در اطراف دانشکده حقوق برعلیه پرفسور **ژز**[2] مشاور مخصوص نجاشی بعمل آمد و منجر بتعطیل دانشکده حقوق گردید و باردیگر لاوال مورد استیضاح مجلس قرار گرفت و نمایندگان دست چپ اورا به هواداری از ایتالیا متهم نمودند .

هریو از کابینه کناره گیری کرد و فرا کسیون رادیکال سوسیالیست مجلس طی ابلاغیه‌ای وزرای وابسته بآن حزب را بخروج از کابینه دعوت نمود . سرانجام لاوال بدون تقاضای رأی اعتماد از مجلس مقام نخست وزیری را ترك گفت (۲۲ ژانویه ۱۹۳۶)

دومین کابینه البرت سارو

دولت سارو که بیشتر اعضای آن از نمایندگان معتدل بودند پس از کسب رأی اعتماد مجلس باسوء قصد افراد سازمان هواداران شاه نسبت به لئون بلوم رهبر سوسیالیستها مواجه شد ومجلس بتقاضای دولت دریك جلسه فوری و فوق العاده انحلال سازمانهای سلطنت طلب را تصویب نمود .

شارل موراس[3] از سران سازمانهای سلطنت طلب باتهام تحریك افراد بقتل و کشتار به ۸ ماه زندان محکوم شد وروز ۱۶ فوریه ۱۹۳۶ دولت برای آن که بعقیدهٔ خود از فشار نارضایتی و عصبانیت احزاب دست چپ کاسته باشد اجازه تظاهرات به آنان داد و تظاهرات دامنه داری باشرکت ۱۵۰ هزار نفر از احزاب دست چپ در پاریس بعمل آمد .

جامعه ملل پس از اشغال کامل حبشه بوسیله نیروی ایتالیا و فرار امپراطور بفلسطین در برابر عمل انجام شده فقط به مجازاتهای اقتصادی درباره ایتالیا اکتفا کرد و بحران

۱ - Négus ۲ - Jez ۳ - Ch. Maurras .

سیاسی اروپا تا حدی برطرف و ازنگرانی فرانسه کاسته شد . پیمان فرانسه ـ شوروی نیز بتصویب مجلسین فرانسه رسید (۱۲ مارس ۱۹۳۶) لیکن اشغال ناحیه **رنانی** بوسیله نیروهای مسلح آلمان مشکل تازه‌ای برای دولت فرانسه ایجاد کرد.

مسلح کردن ناحیه رنانی

آلمان کـه طبق پیمان **لوکارنو** متعهد شده بود ازاستقرار نیروهای مسلح درمغرب رنانی (مرز آلمان وفرانسه) تاعمق ۲۰ کیلومتر خودداری کندو آن ناحیه‌رادراختیارارتش بین‌المللی بگذارد به بهانه پیمان فرانسه ـ شوروی در ۷ مارس ۱۹۳۶ سراسر رنانی را بوسیله نیروی مسلح خود اشغال کـرد . فـرانسه نخست مضطرب شد و نخست وزیرطی پیام رادیوئی خود نزدیکی خطررا اعلام نمود و گفت « ما هرگز تحمل نخواهیم کرد که **استراسبورك** در معرض گلوله توپهای آلمانی قرار گیرد » سپس از جامعه ملل خواست که دراین امرمداخله کند و از سران کشورهای امضا کننده پیمان لوکارنو دعوت نمود که چاره‌ای برای این مسئله بیاندیشند ولی نمایندگان انگلیس و بلـژیك وایتالیا وفرانسه طی کنفرانس پاریس و لندن (۱۹مـارس ۱۹۳۶) فقط بصدور اعلامیه‌ای مبنی برسرزنش آلمان ازعمل خلاف پیمان لوکارنو اکتفا وازدولت آلمـان به دادگاه بین‌المللی لاهه شکایت کردند ولی‌موسولینی که خودمشمول مجازاتهای جامعه ملل گردیده بود ازاقدام مخالفت‌آمیز نسبت به‌آلمان خودداری نمود و انـگلستان نیز که درمسئله حبشه ولزوم برقراری مجازات درباره ایتالیا پافشاری عجیبی نشان میداد نسبت به‌مسئله رنانی علاقه‌ای نداشت وهیتلر به‌پیشنهاد انجمن امضاء کنندگان پیمان لوکارنو اعتنا نکرد و خود طرحهای متقابلی بانجمن داد . روز ٦ آوریل دولت فرانسه طرحی بمنظور تأمین صلح اروپا وهمکاری اقتصادی بین کلیه دول اروپائی وجلوگیری ازایجاد بلوکهای سیاسی‌تهیه ودرانجمن امضا کنندگان‌پیمان لوکارنو که روز۱۰آوریل در ژنو تشکیل گردید پیشنهاد کرد ولی کنفرانس مزبور فقط قسمت مربوط به‌همکاری

ستاد ارتش ممالك امضا کننده‌را مورد مطالعه قرارداد وازطرف ایدن پرسشنامه‌ای برای پیشوای آلمان ارسال گردید وتقاضاشد که آلمان مقاصد ونیات خودرا ابراز دارد.

انتخابات سال ۱۹۳۶

احزاب دست چپ که بعد از حوادث فوریه ۱۹۳٤ و ظهور سازمانها واحزاب سلطنت طلب بیشتر به‌لزوم‌اتحاد وهمکاری‌با یکدیگرواقف شده وفعالیت خودرا برای شرکت درانتخابات جدید متمرکز ساخته بودند پس‌از صدور بیانیه‌ای مبنی بر ائتلاف دربرابر دستجات فاشیستی جبهه واحدی تشکیل دادند که احزاب سوسیالیست و کمونیست و کمونیست ـ سوسیالیست وجبهه اجتماعی و شورای مرکزی‌کارگران و طرفداران حقوق بشر وجمعیت جمهوریخواه جنگجویان قدیم راشامل بود و کمونیستها آنرا **جبهه مردم** خواندند.

جبهه متحد احزاب چپ براثر مبارزه باسیاست خارجی دولت لاوال که در مورد برقراری مجازات درباره‌ایتالیا تعلل ورزیده بود وبادادن شعارهائی ازقبیل « نان ـ صلح آزادی برای همه » و مبارزه با ۲۰۰ خانواده فرانسه[1] که بعقیده آنان کلیه امتیازات اجتماعی وسیاسی رابخودانحصار داده بودند، روزبروز متمرکزتر ونیرومندتر می‌شد. تظاهرات دامنه دار احزاب دست چپ در روز ۱٤ ژوییه ۱۹۳۵ و تصمیم دولت بانحلال سازمانهای متهم بداشتن افکار فاشیستی موجب تقویت **جبهه مردم** گردید و سیاست دولت در تقلیل حقوق و دستمزد و اجـرت مردم نـاراضی را بسوی احـزاب چپ متمایل ساخت.

درحالیکه رهبران احزاب مجازبودند که از رادیوبرای تبلیغات انتخاباتی‌استفاده کنند مبارزه انتخاباتی باشدت آغاز گردیدو برخلاف انتظاربدون بروزحوادث نامطلوب

۱ـ منظوراحزاب دست چپ از ۲۰۰ خانواده سهامداران عمده بانك فرانسه بودندکه همیشه درانتخابات مجلسین کرسی‌های خودرا بدست می‌آوردند وثروت هنگفت اندوخته و بتدریج ۲۰۰ خانواده ثروتمند درجه اول درکشور بوجودآورده بودند.

بپایان رسید وجبهه مردم ۳۷۰ کرسی که اکثریت مجلس مبعوثان را شامل بود بدست آورد واز جمله حزب کمونیست که درسال ۱۹۳۲فقط ۱۰ کرسی درمجلس داشت دراین انتخابات۷۲ کرسی بدست‌آورد .

حزب سوسیالیست برهبری لئون بلوم کـه درجبهه مردم اکثریت کـرسی‌ها را بدست آورده بود(۱٤٦ کرسی از۳۷۰ کرسی) ازکلیه احزاب متشکل در جبهه بـرای تشکیل‌کابینه‌ای بریاست بلوم دعوت کرد . حزب کمونیست وشورای متحده مرکـزی کارگران‌ازشرکت درکابینه امتناع‌ورزیدند ولی‌اطمینان دادند که ازدولت بلوم پشتیبانی خواهند کرد. فرانسه درمعرض یك تحول‌سیاسی بـزرگی بود ولی حوادث بعدی ازآن تحول جلوگیری کرد .

اعتصابات و اشغال‌کارخانه‌ها

ازروز۲٦مه‌درغالب معادن وکارخانه‌ها ومؤسسات بزرك صنعتی ازقبیل کارخانجات سیتروئن (۱) وفرمان (۲) و گودریخ (۳) وفیات (٤) وبیش‌از٦۰ موسسه بزرك تجارتی‌اعتصاب‌کارگران وکارکنان مؤسسات مزبورآغاز وعده اعتصاب کنندگان بـه ٦۰ هزار بالغ گردید . خواسته های اعتصابیون عبارت بود ازبرقراری مقررات جدید برای مزداضافه‌کار، پرداخت مزدایام تعطیل ، تثبیت حداقل دستمزدوافزایش عمومی دستمزدها ووادارکردن‌کارفرمایان به‌قبول نمایندگان انتخابی کارگـران وتصویب قانون ٤۰ساعت کاردرهفته . بعداز شروع اعتصاب ، کارگران برای جلوگیری ازتعطیل وبستن‌کارخانه‌ها بوسیله کارفرمایان (٥) معادن وکارخـانجات را علیرغم قوانین مالکیت شخصی اشغال کردند .

اعتصاب کارگران هنگامیکه مردم انتظار روی کارآمدن کابینه‌متمایل‌باحزاب

---

۱ – Citroen ۲ – Farman ۳ – Goodrich ٤ – Fiat ٥ – تهدیدکارگـران ازطرف کارفرما به تعطیل‌کارخانه در اصطلاح‌بین‌المللی Lock – out که یك اصطلاح انگلیسی است‌گفته میشود ــ مترجم .

دست چپ داداشتند در افکارعمومی تأثیرخاصی بخشید و این انعکاس بروسعت دامنه اعتصابات نیز افزود وبتدریج بکارخانجات فلز کاری و صنایع مکانیکی وساختمانی و صنایع شیمیائی و حتی مغازه های بزرك و چاپخانه ها و مؤسسات خصوصی حمل و نقل ومهمانخانه هاو کافه‌هاورستورانهادرسراسر ایالت پاریس سرایت کردوعده اعتصابیون به ۱۵۰۰۰۰۰ نفررسید. هرچند که بعضی‌ازخواسته‌های‌کارگران مانند مسئله‌دستمزد و حق ایام تعطیل وبهداشت مورد قبول افکارعمومی بود لیکن بتدریج پرده‌ها بالارفت و معلوم شد که عده‌زیادی از اعتصابیون بهیچوجه دارای طرح وپیشنهاد معینی نیستند و حتی ازقبول نصایح ودستورات سران ورهبران خود نیز امتناع میورزند ورویهمرفته در پشت پرده اعتصابات صنعتی جریانهای سیاسی دیگری وجوددارد که دروضع حکومت آینده بلوم تأثیرخواهد داشت.

کابینهٔ لئون بلوم

مجلس جدید درمحیط سیاسی متشنجی روزاول ژوئن ۱۹۳۶ رسمیت یافت و یکصدمین کابینه فرانسه در جمهوری سوم[1] بریاست‌بلوم مرکب‌از۲۱وزیرو۱٤معاون‌ازنمایندگان‌احزاب رادیکال سوسیالیست و سوسیالیستهای جمهوریخواه و سوسیالیستهای متحد فرانسه (حزب بلوم) تشکیل گردید و شرکت سه نفرزن نیزدر کابینه جنبه خاصی‌بآن داده بود[2]. در برنامه دولت که بمجلس تقدیم شد مسئلهٔ عفو عمومی و قانون ٤۰ساعت کار درهفته وپرداخت مزدایام تعطیل کارگران در مؤسسات صنعتی وتجارتی وتعیین حدود مناسبات بین‌کارگر وکارفرما، ملی کردن صنایع اسلحه‌

۱ــ جمهوری اول فرانسه درسال۱۷۹۲ پس‌ازمحاکمه واعدام لوئی۱٦ پادشاه بوربن فرانسه برقرارگردید وباروی‌کارآمدن حکومت‌کنسولی وسپس امپراطوری ناپلئون اول از میان رفت. باردوم پس‌ازانقلاب فوریه‌سال۱۸٤۸ وسقوط سلطنت لوئی‌فیلیپ رژیم جمهوری درفرانسه برقرارولوئی ناپلئون بریاست جمهوری انتخاب شد. وی باکودتا و زورسرنیزه و بوسیله رفراندم اجباری جمهوری رابه‌سلطنت مبدل‌ساخت.

جمهوری سوم ازسال ۱۸۷۱ پس‌ازشکست فرانسه ازپروس وسقوط سلطنت لوئی ناپلئون (ناپلئون سوم) استقرار وهمچنان ادامه یافت ـ مترجم

۲ــ معاونت وزارت فرهنك و معاونت سازمان تحقیقات علمی ومعاونت سازمان حمایت اطفال درکابینه جدیدبه زنان واگذارشد.

سازی وجنگی وایجاد سازمان جدید برای جمع‌آوری غله، توسعه مدارس وتعلیمات عمومی و رفورم درسازمان بانك فرانسه ، تجدیدنظردرلوایح قانونی دولت لاوال مربوط به‌حقوق ووضع مستخدمین دولت وبازنشستگان تصریح ونیز پیش‌بینی شده بود که تدابیر لازم برای بسط فلاحت و متقاعد ساختن مستخدمین کهنسال و ترمیم واحیای اقتصادیات کشور اتخاذ خواهد گردید . سیاست داخلی دولت متکی براحترام و رعایت کامل قوانین جمهوریت فرانسه وسیاست خارجی عبارت بوداز ایجاد زمینه همکاری بین کلیه ملل بمنظور رفع بحرانهای سیاسی اروپا وجلوگیری ازمسابقه تسلیحاتی که دربین ممالك بزرك بوجودآمده بود. مجلس با اکثریت ۳۸٤رأی دربرابر ۲۱۰ مخالف بدولت بلوم و برنامه او رأی اعتماد داد و ازآن پس دولت هم خود را به‌حل مسائل مربوط به اعتصابات‌کارگران وامثال آنهامصروف نمود .

موافقتنامه‌های ماتینیون[1]

بدعوت‌دولت‌نمایندگان‌کارگران‌وکارفرمایان‌درهتل **ماتینیون** باحضور بلوم ووزیر کشور جلسه مشاوره ای تشکیل دادند و با میانجیگری دولت سرانجام خواسته‌های اساسی‌کارگران یعنی ٤۰ساعت‌کار و پرداخت مزد ایام تعطیل وحدود روابط کارگر با کارفرما باقید انتخاب نمایندگان صنعتی و حق تشکیل سندیکا وافزایش دستمزد تا۱۵درصد برای اطفال کارگروتا۷درصد برای دیگران مورد موافقت‌کارفرمایان قرار گرفت .

مجازات اعتصاب کارگران لغوولی حق اشغال کارگاهها وکارخانه‌ها ازآنان سلب گردید (۷ژوئن ۱۹۳٦)

طبق موافقت های **ماتینیون** میبایستی کارگران فوراً سرکارخود بروند ودامنه اعتصابات بتدریج برچیده شود لیکن نارضایتی‌کارفرمایان کوچك ازموافقت های مزبور

۱ – **Matignan** مقر نخست وزیر.

که برای اجرای آنها خودرا برخلاف صاحبان مؤسسات بزرك صنعتی بامشکلات مالی مواجه میدیدند وتصمیمات مزبور را منافی بامنافع تجارتی خود می‌دانستند واضطراب وتشویش افکارعمومی و شاید تأثیر ونفوذ سیاستهای پشت پرده ، مانع ازانجام مقاصد دولت گردید .

کم کم اعتصابات آرام ومنظم به‌خرابکاری در کوچه‌وخیابان وشکستن دروپنجره وغارت مغازه‌ها وشکستن اتومبیلها و کتك‌زدن رانندگان مبدل شد وکار اغتشاش وهرج ومرج بالا گرفت .

رهبران اتحادیه مرکزی کارگران بوسیله اعلامیه و وزیر کشور و نخست وزیر طی پیام خود درجلسه عمومی مجلس(۱۲ژوئن)کارگران را ازدامی که سیاستهای‌خارجی برای لکه دار ساختن حیثیت آنان گسترده بودند آگاه ساختند و **تورز** رهبر فرقه کمونیست شخصاً ازکارگران درخواست نمود که باعتصاب خود پایان دهند . اعتصاب عظیم‌کارگران فرانسه که افکارعمومی‌را بشدت تحت‌تأثیرقرارداده بود بدون کوچکترین حادثه وخونریزی پایان می‌یافت وفرانسویان بخوبی درك میکردند که اعتصابات مزبور نشانه یك تحول اجتماعی عمیقی است که متناسب بازمان پیش میرود و بهمین جهت کارفرمایان نیز درقبال این مسئله تقریباًحالت تسلیم ورضابخود گرفته بودند .

فعالیت پارلمانی ومسائل مالی

پارلمان طی چند جلسه طرح قانونی متضمن موافقت های ماتینیون را تصویب (از۲۰تا۲٤ ژوئن) ولوایح قانونی مربوط به افزایش کسور تقاعد مستخدمین و تمدید مدت توقف در پایه‌های رسمی ومانند آنهارا لغووتا۱٤ اوت بیش از۷۰فقره قانون مختلف را تصویب نمود.

دولت بلوم بدون توجه به‌مسئله « توازن بودجه » که باعث ادبارکابینه های قبلی

گردیده بود تدابیری برای بالابردن قدرت خرید توده مردم که موجب افزایش فعالیت اقتصادی ودرآمد دولت میگردید اتخاذ نمود. **ونسال اوریول** وزیر دارائی با ارقام واعداد دقیق وضع عمومی مالیه مملکت وشکست سیاست تقلیل‌اسکناس راکه دولت لاوال تعقیب نموده بود اثبات ودر گزارش خود بهدیون عمومی دولت که درژوئیه۱۹۳۶ جمعاً به ۳۵۷ میلیارد بالغ شده بود و به۳۰ میلیارد کاهش ذخیره طلای بانك فرانسه اشاره و تصریح کرد که طی چند سال بعد از جنك ۲۶ میلیارد مسکوك طلا از فرانسه خارج و ۶ میلیارد مسکوك و در حدود ۳۰ میلیارد اسکناس نزد اشخاص احتکار شده است. وی و نخست وزیر ازمجلس خواستند که دولت را درراه مبارزه بابحران و فقر مالی کشور، بدون تقلیل اسکناس وارزیابی جدید پشتوانه و تقلیل بودجه دفاع ملی پشتیبانی کند.

مجلس طی‌یك جلسه شبانه سازمان جدید بانك فرانسه‌راتصویب ودولت رامجاز نموده‌بود که علاوه براحتساب ۱۴میلیارد اسناد خزانه موجوددربانك تا۱۰میلیارد دیگر اعتبار ازبانك دریافت کند و بلوم تصریح نموده بود که از قدرت دولت برای مبارزه با سفته بازی وقاچاق وخروج سرمایه از کشور استفاده و درصورت لزوم روش جابرانه‌ای برای رسیدن بمقصود خود اتخاذ خواهد کرد.

سازمان بانك فرانسه طبق قانون‌مصوب مجلس تغییر کرد و۲۰۰نفرسهامداران بزرك بانك ازشرکت درشورای هیئت مدیره ممنوع شدند وهیئت مدیره جدید مرکب از۲۰نفر (۲نفرنماینده پارلمان و۹نفرمشاوربرای حفظ مصالح اقتصادی واجتماعی کشور و۹ نفربرای‌حفظ منافع مخصوص بانك) انتخاب گردیدند. مدیر کل ومعاونین بانك ازاظهارنظر درباره قسمتی ازسهام ومعاملات بانك ونیزمیانجیگری وحکمیت در مورد معاملات خصوصی ومشتریان بانك فرانسه ممنوع شدند ومقرر گردید که از آن پس مجمع عمومی باشرکت‌کلیه سهامداران فرانسوی (۴۸۰۰۰ نفر)تشکیل گردد وصاحب

یك سهم نیز حق رأی داشته باشد . در همان اوقات سازمان جدید غله تقریباً انحصار خرید و فروش غله را درسراسر کشور دردست گرفت تا ازترقی قیمت غله جلوگیری و بهای آنرا تثبیت نماید.

ادوارد دالادیه وزیردفاع ملی که باتمدید دوره خدمت زیرپرچم مخالف بودطبق قانون مصوب ٦ژوئن سازمانهای نیروی هوائی و نیروی دریائی راتوسعه داد ویك کمیته دائمی‌دفاع ملی ویك‌دانشگاه عالی‌نظامی برای ایجاد وحدت وهم‌آهنگی بین‌سازمانهای مختلف‌ارتش وستادنیروهای زمینی ودربائی‌وهوائی ایجاد کرد. کارخانه‌های اسلحه‌سازی بخصوص‌کارخانه‌های وابسته به‌نیروی هوائی متدرجاًتحت‌اختیاردولت قرار گرفت‌وصنایع تسلیحاتی کشور ملی‌شد.

تشنجات جدید

دولت بلوم بنابدرخواست حزب کمونیست قانون مورخ ۱۰ژانویه دایر براشغال سازمانهای نیمه نظامی متهم به‌عقاید فاشیستی را بمورد اجرا گذاشت (۱۸ژوئن) دربرابر تظاهرات ۲۰هزار نفرافراد سازمانهای منحل شده وابسته باحزاب دست راست (۵ژویه) تظاهرات دامنه داری بوسیله احزاب دست چپ باشرکت بلوم و عده‌ای ازوزیران در خیابانهای پایتخت صورت گرفت (۱٤ژویه) واین تظاهرات ببهانه‌های گوناگون تکرارشد.

مجلس سنا که قیافه مساعدی در برابرکابینه بلوم نشان داده وکلیه لوایح قانونی دولت او را تصویب نموده بود از وزیر کشور و نخست وزیر درخواست کرد که برای جلوگیری از اشغال کارخانه‌ها بوسیله کارگران و همچنین ممانعت از تظاهرات مکرر تدابیر لازم اتخاذ کنند .

نخست وزیرپاسخ داد که وی مذاکرات دوستانه و حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین طبقات را با وساطت نمایندگان سندیکا ها وبزرگان قوم وامثال آنان برهر اقدام دیگری ترجیح میدهد وفقط زمانی‌به قوه قهریه متوسل خواهد شد که ازاقدامات مزبور

نتیجه‌ای بدست نیاورد .

تدابیر بلوم برای جلوگیری‌ازتشنجات جدیددروهله اول‌مؤثرواقع نشد ودرهفته‌دوم سپتامبر علاوه بربروز اعتصابات جدید درمراکز صنایع نساجی شمال ومشرق فرانسه تصادفاتی نیزبین اعتصابیون وکارگران مخالف اعتصاب روی داد و مجدداً قسمتی از کارخانه‌ها بوسیله اعتصابیون اشغال گردید ، بلوم وزیر کشور راه حل مسالمت‌آمیز را انتخاب ودر جلسه مشترك نمایندگان کارگران وکارفرمایان درپاریس افزایش ٦درصد دستمزدکارگران ورسمیت نمایندگان انتخابی‌کارگران معادن رابکارفرمایان قبولاندند (۱۷ سپتامبر۱۹۳٦) و درنتیجه کارخانه‌های‌شمال ومشرق و ازجمله ٦٥کارخانه نساجی که بسته شده بودند مجدداً شروع بکار کردند .

سیاست خارجی و موضوع دفاع ملی

براثر پیروی دولت فرانسه از انگلستان در مسئله امتناع از اجرای مجازاتهای اقتصادی درباره ایتالیا حزب کمونیست فرانسه پس‌ازاعلام یك‌اعتصاب یکساعته‌درمراکز صنایع فلزی حوضه پاریس با دولت بلوم ـ که اطمینان داده بود ازآن پشتیبانی خواهد کرد ـ بنای مخالفت راگذشت و چون دولت فرانسه اعلام کرد در مسئله اسپانیا و مبارزه و جنگ داخلی آن کشور که بر اثرقیام **ژنرال فرانکو**[1] آغاز شده بود کاملا بیطرف خواهد ماند ، حزب کمونیست که طرفدار کمك به نیروهای ضدفرانکو (قوای دولتی اسپانیا) بود سیاست خارجی دولت را مورد انتقاد شدید قرارداد (اول‌اوت ۱۹۳٦) . مقارن با افزایش بودجه دفاع ملی بمبلغ ۱٤میلیارد برای تدارکات وتجهیزات جنگی درمدت ٤سال ، دولت بلوم از

۱- Franco ژنرال فرانکو رهبر و فرمانده شورشیان اسپانیا متهم به پیروی از عقاید فاشیستی و بدین‌علت مورد تنفرشدید احزاب‌کمونیست‌اروپا بود ــ مترجم.

ژنرال **ریدز اسمیگلی**[1] جانشین ژنرال **پیلسودسکی**[2] رئیس دولت لهستان رسماً پذیرائی کرد و اختیارات فوق‌العاده بفرماندار جدید فرانسه در مراکش داد و فرماندار سابق را که مورد بغض و نفرت حزب کمونیست بود بسفارت فرانسه در آرژانتین منصوب کرد. دربرابر این اقدامات، حزب کمونیست ازدولت بلوم خواستار یك تصفیه دامنه‌دار درکلیه سازمانهای لشکری و کشوری وطرد کسانی بود که بعقیده کمونیستها ازاصول وقوانین جمهوریت فرانسه منحرف میشدند.

تجدید نظر در قیمت فرانك

بانك فرانسه ، برخلاف نظریه **جبهه مردم** بعلت خروج طلا از کشور نرخ تنزیل ومرابحه را از ۳ درصد به ۵ درصد ترقی داد وروز ۲۵ سپتامبر ۱۹۳۶ اعلامیه‌ای از طرف دولت صادر گردید مبنی براینکه طی مذاکرات وموافقت های مالی بادولتهای انگلستان واتازونی درقیمت فرانك فرانسه تجدید نظر بعمل آمده و قیمت فرانك از آن پس برابرخواهد بود با ۴۳ تا ۴۹ میلیگرام طلا بعیار ۹۰۰ هزارم . یك سازمان جدید برای تعدیل وتثبیت نرخ مبادلات اسناد و موازنه تجارتی ازطرف دولت تأسیس گردید ودول انگلیس واتازونی اعلام کردند که باسیاست دولت فرانسه درباره تعدیل قیمت فرانك کاملا موافق هستند .

طرح مالی دولت متضمن ارزیابی مجدد فرانك ومقررات مربوط بجلوگیری از سفته‌بازی وموادی متضمن جبران کسر حقوق کارمندان ومستخدمین دولت برای تصویب به مجلس تقدیم گردید .

کمونیستها با تعیین اشل متحرك برای حقوق مستخدمین موافق و رادیکالها مخالف آن بودند و عده‌ای ازنمایندگان ازاینکه تجدید ارزیابی فرانك مانند کشورهای

---

۱ – Rydz - Smigly ۲ – Pilsudski پیلسودسکی مورد حمایت روسیه شوروی و ریدز اسمیگلی مخالف کمونیسم بود – مترجم.

انگلیس و بلژیك وممالك دیگر نتیجه مطلوب را در برداشته باشد اظهار یأس میکردند : سرانجام طی یك جلسه ۲۶ ساعته لایحه دولت بتصویب مجلس مبعوثان رسید وپس از حذف بعضی مواد با اکثریت ضعیفی ازتصویب سنا گذشت (۲۸سپتامبر۱۹۳۶) مبلغی که از تجدید ارزیابی پشتوانه فرانك عاید دولت گردید برای راه بردن سازمان تعدیل نرخ مبادلات و استهلاك قسمتی ازدیون دولت ببانك فرانسه اختصاص داده شد وخزانه دولت نتوانست ازآن استفاده کند .

نظیراین تجدید ارزیابی در کشورهای دیگراروپا مانند سویس وهلند و شوروی وایتالیا وترکیه ویونان نیز بعمل آمد وبعضی از کشورهای مزبور ایره استرلینك را بجای فرانك فرانسه پایه معاملات خودقراردادند .

خودکشی وزیر کشور

بعضی از جراید ، **روژر سالنگرو**[1] وزیر کشور را متهم کردند باینکه هنگام خدمت در ارتش فرانسه روز ۷ اکتبر ۱۹۱۵ محل خدمت خود را ترك گفته و فرار کرده است وعده‌ای ازسربازان همردیف اوباین امرشهادت داده‌اند .

سالنگرو مدعی بود که درآن تاریخ برای پیدا کردن جسد یکی ازرفقای سرباز خود بمیدان جنگ رفته و بلافاصله زندانی شده‌است . با آنکه در حین جنگ اول شورای جنگ با اکثریت ۳رأی دربرابر ۲ رأی اقلیت سالنگرو را از اتهام مزبور تبرئه کرده بود (ژانویه ۱۹۱۶) کمیسیون دیگری باعضویت ژنرال **گاملن** ودوتن از سربازان قدیم فرانسه تشکیل شد و برله متهم رأی دادومجلس مبعوثان نیز بااکثریت قابل توجهی اورا ازاتهام منتسبه مبرادانست(۱۳نوامبر۱۹۳۶) .

لیکن روز ۱۸ نوامبر وزیر کشور فرانسه بوسیله گاز چراغ در لیل[2] (که قبلا شهردار آنجا بود) خود کشی کرده. علت خود کشی وزیر کشور حملات شدید حزب -

۱- Roger Salengro ۲- Lille

کمونیست در سالهای ۱۹۲۳تا ۱۹۲۷ وحملات اخیرجراید فرانسه برعلیه خود او و حملات جراید کمونیست برعلیه زندگی خصوصی همسراو بود . جنازه وزیر کشور با تجلیل‌فراوان وطی‌تظاهرات پرشورمردم بخاك سپرده شدواین مسئله نظر دولت رابوضع مطبوعات متوجه ساخت و موجب تصویب لایحه جدیدی درباره مطبوعات در مجلس مبعوثان گردید ولی‌لایحه‌مزبوردرمجلس سنارد‌شد .

مشکلات اقتصادی ومالی

بودجه کل روز۲ژانویه ۱۹۳۷ با ٤٤۹۰ میلیون کسر درآمد نسبت به هزینه بتصویب مجلس رسید و دولت امیدوار بود که بااصلاحات‌اقتصادی‌ومالی که بعمل‌آمده کسر بودجه‌را جبران کند لیکن مشکلات مالی و اقتصادی همچنان باقی بود .

از تدابیری که دولتهای هلند وسویس وبعضی از کشورهای دیگر برای تقویم مجدد پول‌واصلاح وضع مالی‌خود اتخاذ کرده وبه نتیجه مطلوب رسیده بودند درفرانسه نتایج رضایت بخشی بدست نیامد زیرا اصلاح پول مصادف شد با زمانیکه براثر اجرای سریع قانون٤۰ساعت‌کاردرهفته وافزایش دستمزد واجرت‌کارگران سطح تولیدمحصولات معدنی (بخصوص زغال‌سنك) وصنعتی‌درحال تنزل بود وانجام خواسته های‌کارگران که مستلزم تحمیلات‌جدیدی برعهده‌کارفرمایان بود، کارفرمایان کم بضاعت‌را ازپادرآورده و در روح‌کارفرمایان بزرگ حس‌عدم اعتماد نسبت بدولت وبدبینی نسبت بوضع سیاسی‌و اجتماعی کشورایجاد نموده بود .

اعمال وزیران با گفتارآنان غالباًتطبیق نمیکرد وحتی دراجرای سیاست مشترك دولت‌نیز بین‌وزیران اختلاف نظروتفاوت سلیقه وجودداشت. سرمایه‌ها بسرعت ازفرانسه خارج وبیشتر بکشورهائی مانند اتازونی و انگلستان که تحت تأثیر احزاب کمونیست قرارنگرفته بودند منتقل میشد .

احتکارپول متدرجاً توسعه مییافت وعلاوه بربازرگانان وصاحبان صنایع بزرگ مردم عادی نیزسکه های طلای فرانسه وسایر کشورها را احتکار میکردند . فزونی وارادت برصادرات بمبلغ ۹۹٤٤ میلیون رسیده بودوروزبروز برعده بیکاران افزوده میشد . دولت دربرابر این وضع بحرانی ، سهامداران بانك وسایر مؤسسات اقتصادی را بهصبرو آرامش دعوت ودرخواست کرد که بمنظور حصول نتیجه از اصلاحات مالی دولت ، از طرح پیشنهاد های جدید مالی و اقتصادی خودداری نمایند وضمناً برای رفع نگرانی سرمایه‌داران طبق قانون مصوب ۱۰مارس ۱۹۳۷ تضییقاتی راکه برای صاحبان سرمایه براثر اجرای قوانین گذشته پیش‌آمده بودلغو کرد .

نرخ تعرفه راه‌آهن رابالابرد وقسمتی‌از قیود تجارت رابرداشت. دربانك فرانسه، متخصصینی رابرای همکاری با مدیر کل بانك‌درمورد اداره سازمان تعدیل نرخ مبادلات برواتی وتثبیت فرانك برگماشت واین اقدامات احتیاط‌آمیز درمیان محافل اقتصادی‌و اکثریت مردم ، بغیراز افراطیون دست چپ ، حسن اثربخشید ودولت با استفاده ازاین محیط مساعد ازمجلسین اجازه انتشار قرضه جدیدی را خواست وپس‌ازتصویب مجلسین و سخنرانیهای مؤثرتبلیغاتی لبرون ورؤسای مجلسین ووزرای جنگ و دارائی قسمت اول سهام قرضه را بمبلغ ٥ میلیاردانتشارداد ، سهام مزبور که بهای رسمی آن ۹۸فرانك باسود ٤ر٥ درصد برای مدت ٦۰سال وقابل تبدیل به اسکناس بود درظرف چند ساعت بوسیله مردم و بانکها خریداری شد ودومین قسمت قرضه بمبلغ ۳ر٥ میلیارد نیز تا۱٦ مارس ۱۹۳۷ بفروش رسید.

حادثهٔ کلیشی[1] و سقوط‌دولت بلوم

عصرروز۱٦مارس براثرزدوخورد شدیدی که دراطراف سینمای شهر **کلیشی** بین دار و دسته **کلنل دولارك[2]** موسوم به‌حزب**سوسیال‌فرانسه** وافراد کمونیست، که‌بدعوت شهردار کمونیست آن‌شهر دست بتظاهرات زده بودند، اتفاق

پاورقی درصفحه بعد

افتاد ۵ نفر کشته و ۳۰۰ نفر زخمی شدند وازروز ۱۷ مارس اعتصابات آغاز گردید. اتحادیه های صنعتی حوضه پاریس دستور اعتصاب عمومی صادر کردند واجساد مقتولین درمیان سیل جمعیت بخاك سپرده شد .

دولت ازطرف رادیکالهاموردداستیضاح قرار گرفت ولی‌چون بلوم صریحاًاطمینان داد که هیچیك ازمسئولین‌امور که مورد اتهام کمونیستهاقرار گرفته‌اند مجازات‌نخواهند شد رادیکالها استیضاح خودرا پس گرفتند ودولت‌بکارخود ادامه داد .

بلوم برای مبارزه بافرار سرمایه از کشور وتنزل فرانك ورفع مشکلات مالی و اقتصادی‌ازمجلسین بمنظورطرح واجرای لوایح قانونی وتصویبنامه هیئت دولت‌اختیارات خواست . مجلس مبعوثان با اکثریت قابل توجهی طرح اعطای اختیارات را تصویب نمود (۱۶ژوئن ۱۹۳۷) ولی کمیسیون قوانین دارائی مجلس‌سنا قسمتی از اختیارات مصوب را حذف وباتصویب بقیه‌آن موافقت کرد. بلوم زیربار نرفت و بدون درخواست رای اعتماد ازمجلسین استعفا کرد (۲۱ژوئن).

سومین کابینه شوتان

بلوم پس‌از استعفا ، مردم‌را بآرامش‌دعوت وباتشکیل کنگره ملی حزب سوسیالیست رهبران حزب را راضی نمود که در کابینه کامیل شوتان نمایندهٔ رادیکال که مورد تمایل مجلس قرار گرفته بود شرکت کنند و سرانجام دولت شوتان با شرکت بلوم وونسان اریول و **پل فور**[۱] (از رهبران حزب سوسیالیست) و رجال دیگرمانند دالادیه وسارو مرکب از۲۱وزیر و۱۴معاون و رئیس اداره مستقل تشکیل

۱- Paul Faure

پاورقی‌صفحه قبل

۱- Clicby ازشهرهای ایالت‌سن درشمال‌شرقی‌فرانسه ــ مترجم. ۲- C.dela Rocque حزب سوسیال فرانسه جانشین «سازمان صلیب آتشین» سابق‌گردیده و متهم بعقاید فاشیستی و در زمره دستجات متمایل بافکاراحزاب دست راست فرانسه بود.

گردید و به مجلس مبعوثان معرفی شد(۲۹ ژوئن ۱۹۳۷) ولی برخلاف سنت ، لئون بلوم معاون نخست‌وزیر از قرائت برنامه دولت در مجلس سنا امتناع ورزید وجراید سوسیالیست حملات شدیدی‌را برعلیه سنا آغاز کردند. وزیرسوسیالیست پست وتلگراف نیز نطقی درلیل ایرادنمود که درمحافل پارلمانی‌منافی باشئون مجلس‌سنا تلقی‌شد بهمین علل نخست وزیر جدید نامه‌ای بمجلس سنا فرستاد وطی آن حفظ شئون و احترامات مجلس عالی سناراتعهد نمود.

دولت شوتان پس از اخذ رأی اعتماد برای استقرار وضع ثابتی درامورمالی و اقتصادی ورفع مشکلات ازمجلس اختیارات قانونی خواست . وزیردارائی جدید متذکر شد که کسردرآمد دولت به۱۸میلیارد بالغ شده ودرحالیکه برای پرداخت مخارج‌ضروری درششماهه دوم سال۱۹۳۷ خزانه به۲۷میلیاردفرانك احتیاج دارد فقط ۲۰میلیون‌فرانك درخزانه موجوداست .

لایحه اعطای اختیارات قانونی بدولت شوتان در هردو مجلس تصویب شد ولی ضمن بحث درباره لایحه درمجلس سنا بنابه پیشنهاد یکی‌از سناتورهای مجلس سنایك اعلامیه رسمی دایربرتوبیخ وانتقادوزیردارائی‌کابینه باوم‌تصویب‌وچون وزرای‌سوسیالیست بعلت تصویب اعلامیه تصمیم به خروج دسته جمعی از کابینه گرفتند مجلس اعلامیه را نسخ کرد .

دولت شوتان ، بموجب لوایح قانونی ، حدنصاب مساعده بانك فرانسه را بدولت تا۱۵میلیارد بالابرد ونرخ فرانك‌را که طبق‌قانون مورخ اول‌اکتبر۱۹۳۶ بین ۴۳ و۴۹ میلیگرام طلا متغیربود تثبیت و۸میلیارد منابع جدیددرآمد برای‌خزانه پیش‌بینی نمود. درآخرین روزهای مدت اختیارات قانونی دولت (۳۱ اوت۱۹۳۷)**شرکت‌ملی راه‌آهن های‌فرانسه**، که مذاکرات مقدماتی آن‌ازسال۱۹۳۳ شروع شده بود، تشکیل‌وجانشین کلیه کمپانی های راه‌آهن ومصمم گردید که باتوحید سازمانها وصرفه جوئی درهزینه و

افزایش درآمد کسرخرج دولت را تأمین کند .

سیاست دولت شوتان درباره تحولات سیاسی اسپانیا همان سیاست عدم مداخله‌و حفظ بیطرفی فـرانسه بود . امـاچون آلمان و ایتالیا علناً با پیاده کـردن سربازان و داوطلبان متفرقه بخاك اسپانیا بـه ملیون (طرفداران فـرانکو) کمك میکردند کنترل مرزی فرانسه واسپانیا ازتاریخ ۱۳ژوییه ۱۹۳۷ برداشته شدو کمیته عدم مداخله در ۱٤ ژوییه طرحی‌راتصویب کرد که بموجب‌آن حقوق داوطلبان متفرقه که از فرانسه باسپانیا برای شرکت درجنگهای داخلی‌آنکشور میرفتند پس‌ازبازگشت بفرانسه محفوظ باشد ولی محیط سیاسی برای اجرای طرح مزبورمساعد نبود .

فعالیت دزدان دریائـی و وقوع سوانح و حوادث ناگوار در دریانوردی حوضه مدیترانه سرانجام ممالك فرانسه و انگلیس و ایتالیا را به تشکیل کنفرانس **نیون**[1] واداشت وسه‌دولت‌موافقت کردند که نیروهای‌دریائی آنان‌هریك درقلمروخودهرزیردریائی راکه ازحدود مقررات بین‌المللی دریانوردی تجاوز کند غرق نمایند.

درمشی‌سیاسی حزب کمونیست فرانسه تحولاتی حاصل شده‌بود که محافل‌سیاسی آنرا باتحول سیاست داخلی‌وخارجی شوروی بی‌ارتباط نمیدانستند ازجمله حزب مزبور طرفدار بازگذاشتن مرزهای فرانسه واسپانیا برای عبورداوطلبان فرانسوی وطالب یك ارتش نیرومند و حفظ حدود امپراطوری فرانسه[2] تثبیت بهای فرانك و تقویت جامعه ملل بود وبرخلاف سابق درتظاهرات خود پرچم سه‌رنگ فرانسه رابا پرچم سرخ توأم می کرد معذلك خواسته‌های سابق مانند برقراری اشل‌متحرك حقوق و بازنشسته کردن مستخدمین کهنسال وملی کـردن‌کلیه صنایع ومعادن ومانند آن‌ها راتـکرار و کوشش می کرد که اعضا وپیروان حزب سوسیالیت رابخود جلب کند .

۱ – Nyon از شهرهای‌کوچك سویس‌ـ مترجم. ۲ ـ منظور از امپراطوری درین مورد مستعمرات وتحت‌الحمایه های فرانسه درافریقا وآسیا واقیانوسیه است ـ مترجم.

روز ۲۳ ژوییه حزب کمونیست به حزب سوسیالیست فرانسه طرفدار بلوم پیشنهاد ائتلاف داد ولی سوسیالیست‌ها بدان علت که حزب کمونیست درمشق سیاسی‌خود دچار نوسانها وتبدلات روزمره می گردد وسران آن حزب ، **تورز** و **کاشن**[۱] نخواسته و یانتوانسته‌اند در برابر مسکوسیاست مستقلی اتخاذ کنند از ائتلاف با آن حزب امتناع ورزیدند .

مقارن آن اوقات یکی‌ازنمایندگان سابق کمونیست درمجلس بنام **دو ریو**[۲] که اینك حالت ضد کمونیسم بخود گرفته بود فرقه جدیدی بنام حزب مردم فرانسه تشکیل‌داد وبا بعضی ازاحزاب دست راست ـغیرازحزب سوسیال فرانسه طرفدار کلنل دولارك ـ جبهه واحدی زیرعنوان **جبهه آزادی** برای مبارزه با **جبهه مردم** وابسته باحزاب چپ بوجودآورد ولی این‌ائتلاف براساس محکمی استوار نبود .

روز۱۱ سپتامبر دومرکز اتحادیه صنفی‌کارفرمایان درپاریس بوسیله بمب منفجر گردید ودوپاسبان کشته شدند . درنتیجه رسیدگی و تحقیقاتی که بعمل‌آمد معلوم شد خرابکاری بوسیله تروریستهای منتسب به**کمیته مخفی نهضت انقلابی** انجام گرفته واندکی بعد ازمراکز وابسته بآن کمیته مقداری مهمات جنگی واسلحه بدست‌آمد و بازداشت شدگان اظهارداشتند که کمیته را برای جلوگیری ازانقلاب یا خرابکاری احتمالی‌حزب کمونیست تشکیل داده‌اند. عده‌ای ازرجال سرشناس وازجمله افسرنیروی هوائی‌ژنرال **دو سینیور**[۳] **ودوك پوزودی بورگو**[۴] (نایب رئیس سابق سازمان صلیب‌آتش)وعدهٔ دیگر که تصور میرفت دراعمال کمیته مخفی دست داشته‌اند دستگیر شدند، لیکن چون مدارك‌کافی برای‌اثبات مجرمیت بازداشت‌شدگان دردست نبودعلیرغم اعتراض شدید افراطیون دست چپ بزودی‌آزاد شدند.

اعلامیه رامبویه[۵]

انتخابات انجمنهای محلی درایالات وولایات نشان‌داد که هنوز **جبهه مردم** وابسته باحزاب چپ اکثریت را دربردارد لیکن این انتخابات برای افراطیون چپ چندان رضایت بخش نبود. هیئت دولت پس‌ازجلسه مشاوره‌ای که در

۱- Cachin ۲- Doriot ۳- G. Duseigneur
۴- Duc pozzo di Borgo ۵- Rambouillet

قصر رامبویه تشکیل‌داد اعلامیه‌ای صادر ونیات ومقاصد خودرا بدین شرح برای عامه تشریح نمود (۱۲ اکتبر ۱۹۳۷): «دولت تدابیر احتیاطی وتضییقاتی‌را که برای جلوگیری ازبحران احتمالی اقتصادیات سابقاً بمرحله اجرا درآمده است رها وازمداخله درامور معاملاتی‌وتجارت خودداری وهر گونه سوء قصد نسبت به‌مالکیت شخصی وآزادی شغل وپیشه را محکوم میکند وتصمیمات کمیسیون مشترك نمایندگان‌کارگر وکارفرمارا ، که طبق لایحه قانونی ازتاریخ ۲۵ اوت تشکیل گردیده‌است ، درباره تولیدات صنعتی بمرحله اجرا میگذارد».

درپایان اعلامیه دولت بافزایش تولیدات فلاحتی‌وصنعتی درممالك بلژیك وهلند وایتالیا وحتی آلمان وکاهش و تنزل سطح تولید درفرانسه نسبت بسال ۱۹۲۹اشاره و یادآورشده بود که بایدسطح تولید بالابرود وازبهای‌محصولات داخلی‌کاسته‌شود وصادرات کشور افزایش یابد و کارگران نظر خود را نسبت به‌اجرای‌کامل قانون ۴۰ ساعت‌کار درهفته تاحدی تعدیل نمایند .

بیگانگان مقیم فرانسه

مسئلهٔ دیگری که توجه حکومت فرانسه رابخودجلب کرد افزایش غیرعادی عده خارجیان مقیم کشور بود . آمار ۱۹۳۷ نشان‌میداد که عده مهاجرین‌درفرانسه به ۳ میلیون‌نفر (تقریباً ۷ الی۸ درصد جمعیت فرانسه) رسیده وازسال ۱۹۳۵ ببعد هرسال درحدود ۱۰۰هزار نفرخارجی تابعیت فرانسه راپذیرفته‌اند ودولت بطور متوسط هرسال درحدود۸۰میلیون فرانك بکارگران بیکارخارجی می‌پردازد ، علاوه بر آن آمار دستگاههای قضائی وانتظامی نشان میداد که ۲۱درصد قتلها و ۱۸درصد سرقتهای مهم و ۲۷ در صد جرائم عادی مستوجب زندانی موقت بوسیله مهاجرین خارجی انجام گرفته و۱۵درصد دیوانگان را مهاجرین تشکیل داده‌اند ونیز بسیاری ازمشاغل آزاد و بخصوص طبابت در دست مهاجرین قرار گرفته و بسیاری از خرابکاریها و اغتشاشات بتحریك واغوای مهاجرین بیگانه روی داده‌است.

اعتصابات جدید

براثر اخراج یك‌کارگر کمونیست روسی ازکارخانه گودریخ اعتصابات جدیدی مقارن باعید نوئل‌درحوضه پاریس آغاز گردید وبمؤسسات حمل ونقل پاریس سرایت کرد ولی دولت، بوسیله سربازان، قسمت حمل‌ونقل وپست جراید را اداره نمود.

از روز ۲۹ دسامبر در مؤسسات خصوصی پاریس نیز بهانه اینکه کارفرمایان از پرداخت اضافه دستمزدکارگران طبق قانون جدیدکارخودداری کرده‌انداعتصابات شروع شد. شوتان از پذیرائی نمایندگان اعتصابیون امتناع ورزید واظهار داشت که برای تأمین و استقرار نظم باید قانون جدیدی برای‌کار تدوین واجرا شود وازنمایندگان اتحادیهٔ مرکزی‌کارگران‌وکارفرمایان‌برای‌تشکیل کنفرانس‌بمنظورمطالعه درقانون‌کاردر محل هتل ماتینیون دعوت کرد لیکن کار فرمایان بعذر اینکه نمایندگان «اتحادیه مرکزی‌کارگران» وابسته باحزاب چپ رانماینده رسمی‌کلیه‌کارگران فرانسه نمیدانند ازشرکت در کنفرانس خودداری نمودند (۱۲ ژانویه ۱۹۳۸).

استعفا و بازگشت شوتان

شوتان ازکلیه احزاب درخواست کرد که از تشدید بحران مالی براثراعتصابات وایجاد اغتشاش خودداری‌نمایند. سوسیالیستها طرفدار برقراری نظارت شدید برمعاملات و احزاب دست راست ومیانه باآن مخالف بودند. فراکسیون کمونیست درمجلس ضمن انتقاد ازسیاست شوتان و مسامحه دراجرای منویات **جبهه مردم** طرحی متضمن خواسته‌های حزب کمونیست درمورد امورمالی واقتصادی قرائت کرد که اجرای‌آن با وضعیت مالی دولت غیرمقدور بود وچون وزرای سوسیالیست از ادامه همکاری باشوتان امتناع ورزیدند وی ازمقام خود کناره گیری کرد.

دالادیه وسپس لئون بلوم برای تشکیل دولت انتخاب شدند. دالادیه امتناع

ورزید ولئون بلوم مصمم شدکابینه‌ای مرکب ازسران‌کلیه احزاب فرانسه وازجمله حزب کمونیست تشکیل‌دهد ولی‌چون باشرکت بعضی فرقه‌ها وسازمانهای جدیدالولاده در کابینه مخالف بود کوشش اوبجائی نرسید وسرانجام باردیگر شوتان بنخست وزیری منصوب وکابینه جدید بدون شرکت سوسیالیستها تشکیل گردید (۱۸ژانویه) کابینه جدید شوتان با اکثریت بیسابقه‌ای (۵۰۱رأی دربرابر۱ مخالف) ازمجلس رأی اعتماد گرفت وروز بعد طرح جدید قانون‌کار متضمن شرایط استخدام‌کارگر وروابط‌کارگرو کارفرماوموادی راجع به چگونگی سازش وحکمیت وشرایط اعتصاب ومقررات انتخاب نماینده، به مجلس تقدیم کرد واین قانون که روز٤ مارس۱۹۳۸ بتصویب‌رسید جانشین قانون کار قبلی که براساس موافقت های هتل ماتینیون (ژویه ۱۹۳٦) تدوین شده بود گردید و در جریان تصویب آن دولت ناگزیرشد که چندین‌بار از مجلس رأی اعتماد بگیرد.

طبق تصویبنامه مورخ۲۱ژانویه سازمان‌دفاع ملی‌تقویت وژنرال گاملن بریاست‌ستاد دفاع‌ملی‌منصوب وبرای‌تأمین‌اعتباراتی برای تقویت دفاع ملی **صندوق مستقل‌دفاع‌ملی** زیرنظر وباهمکاری متخصصین اموراقتصادی ومالی تشکیل گردید تابرای تهیه زمینه تأمین اعتبار ازطریق‌وامخواهی وبدست‌آوردن اعتبار ازخزانه و امثال آن اقدام کند. وضع مالی فرانسه همچنان وخیم‌و کسردرآمد روبافزایش وذخیره طلای بانك فرانسه رو بکاهش (٤٦٦۲ تن درسال ۱۹۳۵ و۲۵۳٤ تن درنوامبر ۱۹۳۷) بود ودولت برای ترمیم وضع مالی وجلوگیری ازبحران اقتصادی ، ازمجلس اختیارات خواست وچون نمایندگان افراطی چپ مخالفت کردندکابینه سقوط کرد (۱۰مارس۱۹۳۸) .

کابینه دوم بلوم

کابینه دوم بلوم مرکب ازنمایندگان **جبهه مردم** هنگامی تشکیل شد که وضع بین‌المللی رو به بحران میرفت ونیروهای‌آلمان هیتلری سراسرخاك اطریش را اشغال وطرح

آنشلوس (الحاق اطریش بآلمان) راعملی کردند .کابینه بلوم ، علیرغم بحران‌سیاسی که فرانسه راسخت تهدید میکرد با اکثریت متوسطی (۳۶۹رأی موافق دربرابر ۱۹۶ مخالف) مورد اعتماد مجلس قرار گرفت (۱۷مارس۱۹۳۸) وچون آلمان صریحاً قسمتی ازمناطق‌چکسلواکیا یعنی ناحیه **زودت** [۱] را مطالبه میکرد **پل‌بنکور** وزیرخارجه فرانسه بوسیله سفیر چکسلواکیا بآن دولت اطلاع داد که فرانسه طبق پیمان اتحاد فرانسه ـ چکسلواکیا کلیه تعهدات خودرانسبت بآن کشور انجام خواهدداد . دولت از یکطرف طی مذاکرات دوستانه باکارگران‌وصاحبان‌صنایع فلزکاری موافقت‌آنانرابرای کمك باجرای برنامه تسلیحاتی بمنظور تقویت بنیه دفاع ملی تحصیل نمود و ازطرف دیگر بااعتصاب پردامنه‌کارگران درکاخانه‌های اتومبیل سازی سیتروئن مواجه گردید. علیرغم کوشش بلوم برای تماس مستقیم باکارگران ورفع اعتصاب ، روز بروز برعده اعتصابیون افزوده میشد چنانکه از ۲٤ مارس تا ۷آوریل عده‌کارگران اعتصابی از ۲۰۰ر۰۰۰ به ۵۰ر۰۰۰ نفر رسید و قسمتی از کارخانه‌ها و کارگاهها بخصوص مؤسسات وابسته بهواپیمائی بوسیله‌کارگران اشغال شد .

بلوم طرح مالی واقتصادی جدیدی به‌هیئت وزیران‌داد (٤آوریل) که طی آن پس‌از ذکرارقام تعهدات خزانه (۶۰میلیارد فرانك) وعدم توازن بودجه ومشکلات مالی دیگر، برقراری مالیات برسرمایه از۱۵۰هزار فرانك ببالا بانسبت تصاعدی از ٤ درصد تا ۱۷درصد وتقویم جدید ذخیره طلای بانك فرانسه ومبارزه با تورم اسکناس ومانند آنها را پیش‌بینی نموده بود .

دالادیه معاون نخست‌وزیر ووزیر دفاع ملی و وزرای رادیکال‌کابینه ازامضای طرح مالی‌جدید خودداری کردند واظهارداشتند که برقراری مالیات برسرمایه موجب سقوط مؤسسات صنعتی ور کودامور فلاحتی کشور خواهد شد . مجلس مبعوثان طرح بلوم را تصویب (٦آوریل) ولی‌سنا آنرا رد کرد وکابینه بلوم سقوط نمود .

۱-Sudètes ناحیه شمال غربی چکسلواکیاکه قسمتی ازسکنهٔ آن آلمانی‌بودند و هیتلر طالب‌الحاق آن به‌آلمان بود- مترجم .

دولت جدید دالادیه

سقوط دولت بلوم که مظهر قدرت قسمتی از احزاب فرانسه شمرده میشد حیالت انتباه درپاره‌ای ازمحافل سیاسی وعلمی کشور، که خطر جنگ را درپشت دروازه های مملکت میدیدند، بوجود آورد و ۱۶۹ تن ازاستادان واعضای انستیتوی پاریس نامه‌ای خطاب به البرت لبرون رئیس جمهوری فرانسه نوشته از اوتقاضا کردند که دولتی خارج ازکادر احزاب مختلف تشکیل دهد.

دالادیه برای تشکیل کابینه دعوت و حاضر شد که ۵ پست وزارت را به‌حزب سوسیالیست و از جمله وزارت امور خارجه را به لئون بلوم واگذارد ولی سوسیالیستها امتناع ورزیدند ودالادیه قسمتی ازپست‌های کابینه رابه نمایندگان میانه [۱] واگذاشت.

درین‌موقع دامنه‌اعتصاب بکارخانه‌های صنایع‌فلزی کشیده‌شده‌وعده‌اعتصابیون به ۱۵۷۰۰۰ تن رسیده وبیش از۲۱۳کارخانه بوسیله‌کارگران اشغال شده بود (۱۲آوریل) بازرس کل ارتش **ژاکومه** [۲] که ازطرف دولت بعنوان میانجی بین‌کارگران ومدیران صنایع ارتش مأموریت یافته بود چنین نظر داد که باید کارگران هفته‌ای ۴۵ ساعت کار کنند وبرای ۵ساعت‌اضافی، دستمزد اضافی به نسبت ۰/۷۵ فرانك برای هرساعت‌علاوه برمزد اصلی دریافت نمایند. درمورد کارخانه‌های خصوصی اسلحه سازی نیز کمیسیون حکمیت نظریه بازرس کل ارتش‌را تأیید وپرداخت اضافه دستمزد را توصیه نمود. کارگران از روز ۱۶ آوریل کارخانه‌ها را تخلیه و از روز ۱۹ آوریل شروع بکار کردند.

مجلس مبعوثان با اکثریت قابل توجه (۵۱۴ موافق در برابر ۸ مخالف) و

۱ــ درمجلس فرانسه ازآغاز استقرار مشروطیت درآن کشور. معمولا نمایندگان طرفدار سلطنت درسمت‌راست و نمایندگان جمهوریخواه درسمت چپ و نمایندگان معتدل در وسط می نشستند وازآن زمان اصطلاح «دست راست» برای نمایندگان واحزاب محافظه‌کار واصطلاح دست چپ برای نمایندگان واحزاب اصلاح طلب ورفورمیست بکاررفت وبتدریج عمومیت یافت ــ مترجم.

۲ــ Jacomet

سنا باتفـاق‌آراءِ لایحه اعطای اختیارات وسیع مالی را بدولت دالادیه تصویب کـردند (۱۳ آوریل) وازاوائل ماه مه اصلاحات مالی بوسیله تصویب لوایح قانونی ازطرف‌دولت آغاز گردید وازجمله بطورمتوسط۸درصد برنرخ‌کلیه مالیاتها وعوارض افزوده شد وطبق پیمان پولی سه‌جانبه ای که بین فرانسه وانگلیس واتازونی در تاریخ ۲۶سپتامبر۱۹۳۶ بسته شده بود نسبت بنرخ برابری فرانك بالیره تجدیدنظر بعمل‌آمد و نـرخ لیره در ۱۷۹فرانك تثبیت گردید .

وزیـر دارائی سهام جدید قـرضه ملی بمبلغ ۵میلیارد بـا سود ۵ درصد انتشار داد که براثر تبلیغات شدید هواخواهان دولت و باکمك بـانکها و مؤسسات تجارتی با سرعت بفروش رسید .

مسائل خارجی

سیاست بیطرفی فرانسه در اسپانیا بعلت امتناع ایتالیا از احضارسربازان خود ازآن کشور ، برای فرانسه اگـرچه بظاهرمفید بودلیکن کم کم جنبه فریب واغفال بخودمیگرفت.

دولت باب‌مذاکرات سیاسی‌را باایتالیا برای‌انعقادپیمانی نظیرپیمان‌فرانسه ـ انگلیس بازکرد ولی چون موسولینی پیشوای ایتالیا در کنفرانس **جنوآ** [۱] بـه نمایندگان فرانسه خاطرنشان‌ساخت که ایتالیاوفرانسه درقبال‌مسائل‌مربوط به‌تحولات اسپانیادارای وضع مشابهی نیستند ، مذاکرات رسمی نماینده فرانسه با **کنت چیانو** [۲] وزیـر خارجه ایتالیاقطع شد (۱۴مه ۱۹۳۸) . حوادث مرزی چکسلواکیا وآلمان که ممکن بود به مداخله قوای مسلح‌آلمان منجرشود فرانسه را دچارنگرانی ساخته بود و دولت میبایستی تصمیمات جدی و فوری برای مقابله باحوادث احتمالی اتخاذ کند .

مسافرت رسمی پادشاه وملکه انگلیس بفرانسه علیرغم نگرانی بعضی محافل از بروز حوادث وتظاهرات نامطلوب ، بر اثر مراقبت جدی مأمورین دولت بدون حادثه

۱- Genoá یاژن Genes بزرگترین بندرایتالیا در دریای مدیترانه‌ـمترجم .

۲- Comte Ciano

انجام گرفت (۲۶ تا ۲۹ ژوییه) ومردم بخصوص اهالی پاریس مهمانان انگلیسی را با گرمی پذیرفتند .

در روابط میان فرانسه وترکیه نیزبهبود محسوس حاصل شد وسرانجام فرانسه با استقلال ناحیه اطراف خلیج اسکندرونه[1] مجاور مرز سوریه (که طبق فرمان ۹ سپتامبر ۱۹۳۶ از قیمومت فرانسه آزاد و دارای استقلال شده بود) طبق نظر دولت ترکیه موافقت ودرتاریخ اول ژوییه۱۹۳۸ موافقتنامه‌ای در باب امنیت واداره مشترك ناحیه اسکندرونه و تضمین تمامیت خاك آن ناحیه از طرف فرانسه و ترکیه بین دولتین مبادله شد.

آراء مختلف در مسائل اقتصادی

مسائل مالی واقتصادی فرانسه که بعدازجنك‌اول‌همواره محور اصلی‌مذاکرات ومباحثات‌احزاب ومبنای‌موافقتها ومخالفتهای دسته‌های سیاسی و افراد ذینفع شمرده میشد درین موقع نیز توجه دولت را بخود جلب نموده ومورد بحث محافل پارلمانی و مطبوعاتی واقتصادی کشور بود .

مسئولین امور کشور دربرابر تنزل مداوم فرانك واعتصاب روزافزون کارگران و سایرمشکلات مالی وبحران سیاسی اروپا نمیتوانستند اضطراب ونگرانی خاطرخودرا مخفی‌سازند. براثراعتصاب عملجات بندر **مارسی** دولت‌ناچارشد که سربازان **سنگالی** (سربازان مستعمراتی) را درآن بندر بکاربگمارد .

دالادیه روز۲۱ اوت ۱۹۳۸طی پیامی به ملت فرانسه خاطرنشان کرد که در دنیائی که ملتها باتمام نیروی‌خود وتاحدامکان‌کارمی کنند ، مکزیك‌وفرانسه‌تنها کشور هائی هستند که به قانون ۴۰ساعت‌کار درهفته وفادار مانده‌اند وناچار باید درین قانون

۱ـ اسکندرون یا اسکندرونه (Alexandrette) نام خلیج وبندریست درانتهای شمال غربی‌خاك سوریه که پس‌ازامضای موافقتنامه فرانسه و ترکیه بصورت جمهوری مستقلی درآمد ودر سال۱۹۳۹ به‌ترکیه ملحق‌گردید. مترجم .

تعدیل بعمل‌آید تا سطح تولید محصولات کشور بالابرود . وزرای‌کار وفواید عامه که با هر گونه اصلاح وتجدید نظردرقانون ٤٠ ساعت‌کار مخالف بودند ازکابینه خارج شدند، احزاب دست چپ واتحادیه مرکزی‌کارگران علیرغم‌کاهش محسوس تولیدات صنعتی و افزایش‌عده بیکاران، همچنان طرفدارقانون‌کاربودندومخالفین‌ایشان چنین‌استدلال‌میکردند که‌برای تأمین مواد اولیه صنایع مصرفی در٤٠ ساعت‌کار هنگفت ، صنایع سنگین یا تولیدی [1] کشور باید بیش‌از٤٠ ساعت‌کار کنند .

بعقیدهٔ این دسته، اجرای قانون کار عده بیکاران را افزایش داده است ولی این بیکاران غالباً مردان وزنان سالخورده وعلیل وازکارافتاده هستند وفقط عده قلیلی ازآنانرا میتوان مجدداً بکار گماشت و حال آنکه فرانسه از لحاظ نیروی‌کار گری ضعیف است و احتیاج بکارگران متخصص و آزموده دارد و در چنین وضعی تعطیل‌کارخانه‌ها در دوروز ازهفته بهیچوجه باسیاست اقتصادی عاقلانه سازگارنیست .

بحث در قانون کار ومشاجره احزاب و دسته‌های مختلف وطرحها و پیشنهادها و نظر های اقتصادی دامنه وسیعی داشت ولی بحران سیاسی اروپا ومسائل بین‌المللی که روز بروز بر اهمیت آن افزوده میشد بتدریج مسائل داخلی را تحت الشعاع خود و در درجه دوم اهمیت قرار داد .

مسئله زودت و موافقت مونیخ

آلمانیهای مقیم‌ناحیه زودت درشمال غربی‌چکسلواکیا باتکاء پشتیبانی هیتلر وحکومت آلمان تقاضای الحاق بخاك آلمان را داشتند و هنگامیکه مذاکرات بین اولیای امور چکسلواکیا ورهبران نهضت‌آلمانی زودت‌درجریان بوددولت فرانسه درعین حال که میخواست صلح راحفظ کند راضی‌نبود

۱ــ صنایع مصرفی‌ازقبیل صنایع شیمیائی‌وغذائی‌ونساجی ومانندآن مواداولیه مورداحتیاج خودرا یا ازطریق فلاحت ویاازمحصول صنایع سنگین یاتولیدی تأمین می‌کنند و صنایع تولیدی‌که دراصطلاح‌صنعت‌آن را صنعت مادر می‌گویند مانند صنایع استخراجی و ذوب فلزات وصنایع عظیم مکانیکی و فلزکاری درحقیقت پایه واساس صنایع دیگرمحسوب میشود ــ مترجم .

که متحد خود چکسلواکیا را در برابر آلمان تنها بگذارد بخصوص که سرزمین چکسلواکیا درجنك احتمالی آینده از نظر سوق‌الجیشی برای فرانسه اهمیت داشت. برای استحکام موقعیت دربرابر حوادث احتمالی دولت فرانسه متخصصین نظامی و کارشناسان امور جنگی را دعوت کرد و بمشاوره وتهیه مقدمات کار بر گماشت. ازطرفی سیاستمداران فرانسه در لندن برای حصول اطمینان از هم آهنگی سیاست دو کشور در مورد مسئله زودت بامقامات انگلیسی تماس گرفتند وازطرف دیگر دربرلین دیپلماتهای فرانسوی برای اطلاع ازادعاهای آلمان با مقامات آلمانی ودر **پراك** [1] با مقامات چکسلواکیا برای جلوگیری ازهر عملی که ممکن بود تحریك بجنك تلقی شود وارد مذاکره شدند وچون افق سیاسی اروپا بعداز نطق پیشوا (**فوهرر**)[2] در **نورنبرگ**[3] که دعاوی آلمان را تصریح کرده بود روبتاریکی میرفت، دالادیه وچمبرلین موافقت کردند که با پیشوا تماس بگیرند وچمبرلین روز ۱۵ سپتامبر ۱۹۳۸ باهواپیما به **برچسگادن** [4] رفت وپس ازملاقات و مذاکره با هیتلر در ملاقاتی که با دالادیه وزیرخارجه فرانسه در لندن بعمل آورد سیاستمداران فرانسوی را بلزوم اتخاذ تصمیم فوری درباره زودت وپایان دادن به اختلاف آلمان وچك متقاعد ساخت ونقشه دولت انگلستان رادرباره واگذاری آن قسمت از نواحی شمالی چکسلواکیا که بیش از پنجاه درصد ازجمعیت آن آلمانی بودند، بدولت آلمان فاش نمود. موضوع طرح انگلستان درهیئت دولت فرانسه پذیرفته شد ووزیرخارجه فرانسه برای قبولاندن آن بدولت چکسلواکیا عازم پراگ گردید.

انعکاس مذاکرات وموافقت‌های فرانسه وانگلیس درباره زودت دونظر مختلف درمیان ملت فرانسه ایجاد کرد. احزاب دست راست ومیانه وعده کمی ازسوسیالیستها معتقد بودند که

۱- Praha یا Prague پایتخت چکسلواکیا ۲- Fuhrer منظوراز پیشوا، هیتلر است
۳- Nurnberg ٤ - Berchtesgaden مقرهیتلر در برلین- مترجم.

بهرقیمت‌بایداز بروز جنك کهویرانی‌اروپارا درپی‌خواهدداشت جلوگیری‌شودودسته‌دیگر با این سیاست مخالف ومعتقد بودند که ثبات وپایداری فرانسه دربرابر دعاوی‌آلمان سیاست هیتلررا سرانجام بهشکست خواهد کشانید.

کمونیستها نیز همچنان با سیاست مبارزه برعلیه فاشیسم سرگرم بودند. چون دولت چك ازقبول طرح انگلستان امتناع ورزید درملاقات دیگری که بین چمبرلین و هیتلر در۲۲سپتامبر در **گدسبرگ**[۱] دست داد هیتلر دعاوی آلمان راصریح و تقریباً بصورت اتمام حجت به چمبرلین اظهارنمود.

فرانسه وانگلیس بدولت چك اطلاع دادند که دیگردرباره خودداری این کشور ازتجهیزقوای نظامی نظری ندارند ومسئولیتی را برعهده نمیگیرند وپس‌ازاین‌مذاکرات روز۲٤سپتامبردولت فرانسه افراد ذخیره طبقه دوم وسوم را برای خدمت زیرپرچم فرا خواند وبمردم پاریس دستور داد که حتی‌المقدور برای تشکیل جبهه مقاومت منفی از پایتخت خارج شوند.

ملت فرانسه ازاین تناقض درگفتارو کردار دولت سخت درتعجب بود زیراپس‌از آن که دولت صریحاً اعلام کرده بود که با انگلستان درباره واگذاری زودت بآلمان موافقت کرده اینك درمورد چگونگی اجرای‌آن مردم را بجنك باآلمان دعوت میکرد اقلیت مجلسین نیزنسبت به مندرجات بعضی جراید که جنك‌را غیرقابل اجتناب قلمداد میکردند سخت بدولت اعتراض نمودند. تاروز۲۸سپتامبر افراد ذخیره تا طبقه هشتم بخدمت احضاروبیش‌ازیك میلیون سرباز زیر پرچم گردآمده بودند ولی درعین حال‌دولت فرانسه، بوسیله مقامات لندن از موسولینی پیشوای ایتالیا درخواست نمود که هیتلر را به تشکیل کنفرانسی راضی کند وبوسیله سفیرخود دربرلین نیزپیشنهادهای صریح وقطعی به پیشوای آلمان تسلیم کرد سرانجام با موافقت هیتلر روزهای ۲۹و۳۰سپتامبر چمبرلین ودالادیه و موسولینی در **مونیخ**[۲] گرد آمدند و باالحاق قسمتی از خاك

۱ – Godesberg ۲– Munich یا Munchen از بلادآلمان جنوبی‌است – مترجم.

چکسلواکیا، که مورد ادعای هیتلر بود، با آلمان موافقت و موافقتنامه را امضا کردند. عده‌ای از مردم فرانسه سیاست دالادیه را درحفظ صلح می‌ستودند ولی ازخود می‌پرسیدند، صلحی که با این گرانی بدست آمده چه‌مدت دوام خواهدداشت؟ عقیده عمومی این بود که با این عمل حکومتهای دموکرات ضعف و سستی خود را آشکار ساختند.

اختیارات مالی دولت و حوادث داخلی

مجلس مبعوثان با تأیید سیاست دولت درباره مسائل خارجی پس‌ازمشاجره سختی با اعطای اختیارات به دولت دالادیه برای ترمیم وضع مالی کشور موافقت ومجلس سنانیز با اکثریت هنگفتی آنرا تصویب نمود. در انتخابات جدید سنا (۲۳ اکتبر) ده کرسی ازاحزاب دست چپ به‌احزاب‌دست راست و میانه منتقل گردید ودالادیه در کنگرهٔ رادیکال - سوسیالیست در **مارسی** سیاست غیرمشروع و خرابکاریهای حزب کمونیست را مورد انتقاد شدید قرارداد وبا شکست بزرگی که براثرعقد پیمان مونیخ وبروز اختلاف درمیان احزاب دست چپ باین احزاب واردآمد رشته الفت **جبهه مردم** ازهم گسست واین جبهه وحدت وقدرت پارلمانی خودرا ازدست داد.

دالادیه طی پیامی بملت فرانسه اعلام داشت که براثر وخامت اوضاع سیاسی بین‌المللی همه افراد باید خودرا درحالت جنك تصور کنند و طبق لوایح قانونی جدید برای مدت سه‌سال درپرداخت مالیات بدولت گذشت های بیشتری‌ازخود نشان بدهند. قانون ۴۰ساعت‌کار بقوت خودباقی ماند ولی اضافه دستمزد میبایستی به نسبت ۱۰الی ۲۵ درصد مزد ساعات عادی پرداخت شود وتعطیل دوروز درهفته باید با اجازه مخصوص دولت باشد و استراحت ۱۵روزه‌کارگران در سال نباید موجب وقفه ورکودکار مؤسسات اقتصادی وتولیدی گردد.

عده‌ای ازکارگران راه‌آهن‌ازنظرتقلیل هزینه بمشاغل‌مربوط بدفاع ملی گماشته شدند . دولت سربازان و افسران قدیمی فرانسه را بیاری طلبید و پس‌از ارزیابی مجدد ذخیره طلای بانك فرانسه وتثبیت نرخ فرانك دربرابر لیره (هرلیره انگلیسی برابربا ۱۷۰ فرانك) مبلغ ۳۵ میلیارد فرانکی راکه از این طریق بدست‌آورد بحساب اعتبار خزانه ومساعده بانك بدولت منظور واعلام نمود که تا ٦ماه دیگر اقدام به وامخواهی جدید نخواهد کرد .

اتحادیه سربازان قدیمی در باره قسمتی از گذشتهائی که مورد درخواست دولت بود مخالفت واحزاب کمونیست وسوسیالیست واتحادیه عمومی‌کار لوایح قانونی دولت را موجب فلاکت و بدبختی قلمداد کردند ودر جراید وابسته بخود کناره گیری‌دالادیه را جداًخواستارشدند وکارگران از روز۲۲نوامبر دست باعتصاب زدند و دامنه اعتصاب از معادن شمال فرانسه بکارخانه‌های حوزه پاریس سرایت کرد . نیروی پلیس با گاز اشك‌آور هزاران‌کارگراعتصابی را از کارخانه‌ها بیرون راند و نیروی نظامی کارخانه‌ها را اشغال نمود .

اتحادیه عمومی‌کار روز۳۰ نوامبررا روزاعتصاب عمومی اعلام کرده بود ولی‌دولت قبلاکلیه مراکزکارگران ازقبیل مؤسسات حمل ونقل وراه‌آهن ومترو وسایر مؤسسات عمومی پاریس را بوسیله قوای ارتش اشغال و از اختلال امورجلوگیری کرد . براثر سرپیچی‌کارگران ازفرمان‌اتحادیه عمومی‌کار، هزاران کارگرازاتحادیه اخراج گردیدند ودبیرکل اتحادیه نیزازتمام‌مشاغل خود منفصل شد. ازطرف دیگر صدهاکارگر باتهام سوءِ قصد برعایه‌آزادی کار وپیشه توقیف و زندانی شدند . سیاست دولت درین مورد مقارن گردید بابازگشت سرمایه‌ها بکشوروتنزل‌قیمت هاوشاخص زندگی وباصرفه‌جوئی دردستگاه راه‌آهن مبلغی‌ازوام راه‌آهن پرداخت گردید .

مسائل خارجی

افکار عمومی در باره مبارزه دولت با اعتصاب دسته‌های چپ چنین قضاوت میکرد که اعتصابات مزبور باید نشانه ای از مخالفت جدی عناصر دست چپ باسیاست خارجی دولت دالادیه شمرده شودزیرا احزاب چپ ، دولت را باتخاذ سیاست مماشات باحکومتهای دیکتاتوری متهم میکردند .

فرانسه با اعزام سفیرجدید بایتالیا وتقدیم استوارنامه سفیر پادشاه ایتالیا ، که با سمت رسمی امپراطورحبشه اورا پذیرفت ، درواقع تسلط ایتالیا را برحبشه برسمیت پذیرفته بود . (۱۹نوامبر) مذاکره درباره عقد پیمان مشترك فرانسه وآلمان ومسافرت **فن ریبن تروپ** [۱] وزیرامور خارجه‌آلمان بپاریس (که بعلت بروزاعتصابات از ۲۹ نوامبر به ۶ دسامبر موکول گردید) نزدیکی حکومت فرانسه بحکومتهای دیکتاتوری تعبیر میشد ، درین پیمان دولتین تصدیق کرده بودند که هیچگونه اختلاف مرزی بین دو کشوروجود ندارد ومرز کنونی حدود قطعی طرفین شناخته می‌شود .

مذاکره درباره ایجاد سازمان مشترك همکاری نظامی فرانسه وانگلیس درپاریس بین سیاستمداران فرانسه وچمبرلین ولرد **هاکیفاکس** [۲] از۲۳ تا۲۵ نوامبر ادامه یافت ودر باره مسائل‌آسیائی وحوزه دریای‌مدیترانه متضمن‌منافع طرفین‌نیز بحث‌شد . در ایتالیا تظاهراتی صورت گرفت و شعار دهندگان الحاق **نیس** [۳] و جزیره **کرس** [۴] و سرزمین تونس را بایتالیا خواستار شدند و در پاریس دانشجویان و دانش‌آموزان فرانسوی طی تظاهرات متقابلی دعاوی ایتالیا را بباد استهزا و مسخره گرفتند ودولت نیزاعلام نمود که باالحاق یك وجب‌ازخاك فرانسه ومستملکات‌آن بایتالیاموافقت نخواهد

۱- von Ribbentrop .

۲- Halifax .

۳- Nice ایالت واقع درجنوب شرقی فرانسه درکنار دریای مدیترانه مترجم .

٤ - Corse

کرد. در بازدیدی که از اول تا ۸ ژانویه ۱۹۳۹ دالادیه ازمتصرفات فرانسه در شمال افریقا و جزیره کرس بعمل آورد طبقات مختلف ساکنین آن نواحی وفاداری خودرا بحکومت فرانسه اعلام کردند.

براثر ورود نیروی ملیون اسپانیا به شهر **بارسلون** [۱] بیش از ۴۰۰ هزار تن از جمهوریخواهان واز جمله **ازانا** [۲] رئیس جمهوری اسپانیا بخاك فرانسه پناهنده شدند ودولت فرانسه حاضرشد که تجهیزات جنگی آنان راخریداری واز آن راه بآنان کمك کند. اندکی بعد نیروی ملیون سراسر اسپانیا راتامرز آن کشور با فرانسه اشغال کرد (۱۱ فوریه ۱۹۳۹) و باوساطت انگلستان جزیره **مینورك** [۳] را بفرانسه باز داد و درتاریخ ۲۵ فوریه پیمان مودت بین فرانسه واسپانیا بامضارسید وطی آن دولت فرانسه حکومت جدید ملیون رابریاست فرانکو برسمیت شناخت وتعهد نمود که کلیه کشتی‌های تجارتی وناوهای جنگی اسپانیا راکه بآب های فرانسه پناهنده شده وکلیه مهمات و اسلحه ایکه مهاجرین جمهوریخواه بفرانسه برده بودند و نیز ذخائر ومسکوکات طلای اسپانیا راکه در فرانسه بامانت گذاشته شده بود بدولت ملیون تسلیم نماید. دولت انگلستان نیزحکومت فرانکو را برسمیت شناخت وبلافاصله مجلس فرانسه نیز اقدام دالادیه را در شناسائی حکومت ملیون اسپانیا تأیید نمود وروز ۳ مارس **مارشال پتن** بسفارت فرانسه در **بورگس** [۴] منصوب گردید.

اشغال خاك چکسلواکیا ازطرف نیروی نظامی آلمان بقدری سریع وناگهانی بود که دموکراسیهای غرب اروپا مجال وفرصت برای جلوگیری ازآن واقعه رانیافتند. در پاریس ولندن عقیده سیاستمداران براین بود که طی یادداشتی بدولت آلمان اعتراض و گوشزد نمایند که انگلیس و فرانسه عمل انجام شده‌را برسمیت نخواهند شناخت و

---

۱ – Barcelone ۲ – Azana ۳ – Minorque از جزایر بالئار واقع درمشرق اسپانیا ـ مترجم.

۴ – Burgos پایتخت اولیه فرانکو ـ مترجم.

سفرای خودرا برای ادای توضیحات لازم ازبرلین احضار کنند .

فن ویسزاکر[1] معاون وزارت امور خارجه آلمان بسفیر فرانسه در برلین اظهار داشته بود که طی مذاکراتی که به‌عقدپیمان فرانسه ـ آلمان در ۶ دسامبر ۱۹۳۸ منتهی گردید اولیای فرانسه دست آلمان را دراروپای مرکزی و شرقی باز گذاشتند تا بهرنحو که منافع آلمان اقتضاداشته باشد عمل کند .

مجلس فرانسه در ۱۸ مارس ۱۹۳۹ بااعطای اختیارات کامل بدولت دالادیه موافقت کرد ودولت بلافاصله تدابیرلازم برای تجیزقوای جنگی اتخاذ و سربازان ذخیره و احتیاط رابخدمت احضارنمود .

انتخابات ریاست جمهوری

البرت لبرون رئیس جمهوری فرانسه که از ۱۸ تا ۲۴ مارس برای بازدید شاه وملکه انگلستان بآن کشورعزیمت کرده بود پس‌از بازگشت ازسفرعدم تمایل خودرا بقبول‌مجدد مسئولیت اداره کشورابرازداشت ولی موقعیت حساس وبحرانی کشور که براثراوضاع بین‌المللی پیش‌آمده بود طبقات مختلف محافل پارلمانی را در مورد انتخاب رئیس جمهوری بیکدیگر نزدیك ساخت وسرانجام روز ۵ آوریل ۱۹۳۹ **البرت لبرون** برای دومین بار بریاست جمهوری انتخاب گردید ومجلس مبعوثان نیز از موقعیت استفاده کرده شانزدهمین دوره مجلس راکه در آوریل ۱۹۴۰ پایان می یافت برای مدت دوسال تا اول ژوئن ۱۹۴۲ تمدید نمود .

---

۲ - Von Weizsäcker

فصل دوم - فرانسه در جنك جهانی دوم

(۳سپتامبر ۱۹۳۹ـ۲۲ژوئن ۱۹٤۰)

مقدمه

اشغال کشور آلبانی(درشبه‌جزیره بالکان) بوسیله ایتالیا وعقد پیمان اتحاد آلمان و ایتالیا دولت فرانسه را وادار نمود که با همکاری نگلستان تمامیت ارضی و استقلال کشورهای رومانی و یونان را در صورتیکه مورد حمله قرار گیرند و در صدد دفاع بر آیند تضمین نماید(۱۳ آوریل ۱۹۳۹) در این موقع **فرانکلین روزولت** رئیس جمهوری کشورهای متحد امریکای شمالی طرح مبنی بر عقد پیمان مشترك در باره مرزها میان کلیه ممالك اروپا را با ولیای آلمان و ایتالیا پیشنهاد کرد و فرانسه از آن پشتیبانی نمود ولی در عین حال با تمام قوا خود را برای دفاع آماده میکرد. تدارکات جنگی از قبیل تکمیل سلاحها وافزودن گنجایش وتعداد ناوهای جنگی و تکمیل کادر نیروی هوائی وساختن هواپیما وخریداری هواپیماهای جنگی از خارجه در رأس برنامه کار دولت قرار گرفت . بموجب لایحه قانونی مورخ ۱۵ ژوئیه بودجه عادی دفاع ملی تا ۱٤٫٦ میلیارد و بودجه اختصاصی دوران جنك تا ۳۷ میلیارد وطبق لوایح دیگر ساعات کار به ٤٥ ساعت در هفته افزایش یافت و بر نرخ مالیاتها افزوده شد و درهزینه‌های اداری صرفه‌جوئی جدید بعمل آمد . کوششی که دولت برای تدارکات جنگی بکار برد موجب بکار افتادن نیروهای اقتصادی کشور و بالارفتن شاخص تولید محصول وتثبیت فرانك گردید. سهام جدید قرضه ملی بمبلغ ۱۰ میلیارد انتشار یافت ودر همان اوقات بر ذخیره صندوق پس‌انداز و ذخیره طلای سازمان

تعدیل معاملات افزوده‌میشد چنانکه ذخیره طلا که‌در ۱۹۳۸ فقط ٥٤ تن‌بود در مارس ۱۹۳۹ به ٥۰۰ تن (بیش از ذخیره طلای انگلستان) رسید و ارزش ذخیره فلزی بانك فرانسه‌نیز به۹۲ میلیارد ترقی کرد.

دولت انگلیس در ۱۲ مه ۱۹۳۹ پیمان‌مودت با ترکیه امضا کرد و متعاقب آن فرانسه در ژوئن ۱۹۳۹ دو پیمان با ترکیه منعقد ساخت. بموجب پیمان اولی که در پاریس بامضارسید طرفین تعاون‌مشترك رادرمسائل موردعلاقه خودقبول کردند و فرانسه متعهد شد که‌حق قیمومت خود را بر سوریه و لبنان بهیچ کشور ثالثی واگذار نکندو بموجب‌پیمان دوم که در آنکارا منعقد گردید فرانسه ناحیه اسکندرونه (اسکندرون) رابه‌ترکیه واگذاشت.

انگلیس وفرانسه برای تکمیل‌دفاع وامنیت‌مشترك‌حوضه مدیترانه، که‌پیمانهای مذکوررابوجودآورد، مایل‌بودند که با روسیه شوروی نیز پیمانی منعقد سازند و بدین ترتیب حلقه دفاعی در برابر تهاجم فاشیست‌ها ایجاد کنند برای انجام این طرح علاوه برجلب موافقت شوروی‌میبایستی موافقت کشورهای‌لهستان و رومانی وجمهوریهای کنار بالتیك (لتونی‌ولیتوانی واستونی) نیز برای عبور ارتش شوروی‌از خاك آنان جلب شود.مذاکرات درباره پیمان مزبور هفته‌ها بطول‌انجامید وعلیرغم مشکلاتی که‌در پیش بود زمینه عقد پیمان آماده‌شدهیئتهای نمایندگان رسمی‌فرانسه وانگلستان برای‌تدوین وامضای‌پیمان‌عازم‌مسکوشدند[1] (۱۸اوت۱۹۳۹) لیکن‌چندروز پس‌از ورودنمایندگان، دولت‌شوروی نخست یك‌پیمان تجارتی (۱۹ اوت ۱۹۳۹) وسپس یك‌عهد نامه سیاسی با دولت آلمان منعقد ساخت (۲۳ اوت) و نمایندگان اعزامی فرانسه و انگلیس دست خالی ازمسکو باز گشتند.

۱ــ هیئت اعزامی فرانسه بریاست ژنرال دومان Doumenc و عضویت ژنرال نیروی هوائی والن Valin.

ورود بجنك

هنگامی که افق مناسبات لهستان و آلمان رو به تیرگی میرفت. فرانسه، که با حکومت لهستان از یکطرف و با دولت انگلیس از طرف دیگر در تماس مستقیم بود، حکومت لهستان را باتخاذ رویه عاقلانه واحتیاط آمیز دربرابر هیتلر واحتراز ازهر عملی که بهانه بدست آلمان بدهد دعوت مینمود ولی بعد ازعقد پیمان شوروی و آلمان وضع سیاسی تا حدی روشن گردید. کابینه فرانسه که روز ۲۳ اوت تشکیل جلسه داد بار دیگر لزوم اجرای تعهداتی را که فرانسه درقبال لهستان بگردن گرفته بود تأیید نمود. ضمناً گزارش اولیای امور ارتش نشان میداد که دروضع تدارکات جنگی ونیروی دفاعی فرانسه بهبود کامل پدید آمده ونیروی هوائی بخصوص کادر هواپیماهای شکاری کاملا تقویت شده و دولت میتواند به نیروی ارتش تکیه و تصمیمات قطعی خود را اجرا کند. ژنرال گاملن و دریاسالار **دارلان**[1] معتقد بودند که لهستان تا آخرین نفس دربرابر حمله احتمالی آلمان مقاومت ومقاومت ارتش لهستان لااقل تا بهار آینده ازحمله آلمان به فرانسه جلوگیری خواهد کرد. بدستور دولت، سفیر فرانسه در ایتالیا بامقامات ایتالیائی ومقامات فرانسوی باسفیر ایتالیا در پاریس برای جلب بیطرفی ایتالیا درمسئله لهستان واردمذاکره و ازطرف دیگر افراد ذخیره طبقه اول ودوم احضارشدند و دالاديه دستور داد که هرچه زودتر آرایش نظامی در مرزها ومراکز مهم سوق‌الجیشی تکمیل شود.

کمونیستهای فرانسه با پیمان شوروی و آلمان موافق بودند لیکن اتحادیه عمومی کار سیاست شوروی را یك خیانت بارز وغیرقابل گذشت میدانست که کشور شوراها نسبت به طبقات زحمتکشی که شوروی آنانرا باتخاذ روش آشتی ناپذیر باحکومتهای فاشیستی دعوت کرده مرتکب شده بود. دولت براثر انتشارات منافی مصالح کشور، جرايد کمونیست را از ۲۶ اوت توقیف کرد وطی یادداشتی به هیتلر گوشزد نمود که فرانسه نسبت به تعهدات بین‌المللی و

۱- Amrial Darlan

پیمانهائی که با کشورهای دیگر منعقد ساخته همچنان وفادار است و با ادامه سیاست فعلی از طرف آلمان، انجام تعهدات فرانسه ویرانی و کشتار و خونریزی ناشی از یك جنك جدید را در بر خواهد داشت. فعالیت سیاسی بعلت خرابی وضع ارتباط تلفنی و تلگرافی بین ورشو و پایتخت‌های اروپای غربی دچار وقفه و کندی گردیده وریبن تروپ وزیر خارجه آلمان طی یادداشت مورخ ۲۹ اوت بوسیله سفیر انگلستان لزوم اعزام یك نماینده فوق العاده ازطرف دولت لهستان را به برلین گوشزد و قید نموده بود که دولت آلمان فقط تانیمه شب ۳۰ اوت برای پذیرفتن نماینده مزبور حاضر است. عصر روز ۳۱ اوت رادیو برلین امتناع لهستان را ازقبول پیشنهادهای آلمان (که کاملا یکطرفه بود) اعلام نمود **وصبح روز اول سپتامبر ۷۰ لشگر آلمانی ازمرز لهستان گذشتند.**

دولت فرانسه فرمان تجهیز عمومی را برای روز دوم سپتامبر صادر کرد، البرت لبرون رئیس جمهوری ودالادیه نخست وزیر فرانسه طی پیامهائی که به پا لمان فرستادند خاطر نشان کردند که «اگر فرانسه در برابر هجوم آلمان به لهستان در مقام دفاع برنیاید. در آینده کشوری منفور و بی‌اعتبار وتنها وبدون متحد خواهد بود و بزودی خودنیز در معرض حمله مهیب آلمان قرار خواهد گرفت» ، مبادله تلگرافات بین لندن وپاریس و رم و برلین برای جلوگیری از عملیات جنگی بدون نتیجه ماند حکومت فرانسه با تشکیل کنفرانس بین المللی باشرکت نماینده لهستان موافق و دولت انگلیس مایل بود که قوای آلمان فوراً ازخاك لهستان خارج شوند.

روز اول سپتامبر **کولوندر**[1] سفیر کبیر فرانسه در برلین بدولت آلمان خاطر نشان ساخت که «اگر آلمان به فرانسه اطمینان ندهد که از هر گونه عملیات جنگی در لهستان خودداری خواهد کرد و حاضر نباشد که فوراً نیروهای خود را ازمرز لهستان خارج سازد حکومت فرانسه طبق تعهداتی که در باره تضمین تمامیت و استقلال لهستان بر عهده گرفته است

۱- Coulondre ساعت ۱۲ر۵ روز سوم سپتامبر باوزیر امور خارجه آلمان ملاقات و همان ساعت اتمام حجت فرانسه را بوزیر امور خارجه تسلیم کرد.

عمل خواهد کرد» . فن ریبن تروپ وزیر امور خارجه آلمان روز سوم سپتامبر به سفیرفرانسه پاسخ داد که« موسولینی بدولت آلمان اطلاع داده است که انگلستان پیشنهاد سازش دولت ایتالیا رارد کرده ودولت مزبور بااتخاذ روش خصمانه نسبت بآلمان اتمام‌حجت برای دولت اخیر فرستاده‌وازطرف آلمان ردشده است .» . سفیر کبیرفرانسه فوراً اتمام حجت کتبی بحکومت آلمان تسلیم و انقضای‌مدت آنـرا ساعت ۱۷ روز ۳ سپتامبر ۱۹۳۹ تعیین نمود و چون‌حکومت آلمان‌بآن‌اتمام‌حجت‌وقعی نگذاشت‌ازساعت ۱۷ روزسوم‌سپتامبر فرانسه با آلمان‌درحال‌جنگ‌بود .

پارلمان فرانسه علناًبه‌ورود فرانسه‌بجنگ رأی‌نداد لیکن روز ۲ سپتامبر با لایحه دولت مبنی‌بر اختصاص ۶۹ میلیارد هزینه جنگ موافقت کردوروز ٤ سپتامبر پروتوکلی میان فرانسه و لهستان نظیر موافقتنامه مورخ ۲۵ اوت ۱۹۳۹ انگلیس و لهستان در پاریس‌بامضارسید ودولتین‌متعهدشدند که هیچیك جداگانه قرارداد خلع‌سلاح‌یاصلح با آلمان امضا نکنند .

ماههای اولیه جنگ

اعلان جنگ فرانسه بآلمان ، بخاطر لهستان ، که فاقد جنبه دفاع‌از میهن بوددرافکار عمومی ملت‌فرانسه باشور وعلاقه‌کامل مواجه نشد وهنوزعده زیادی ازعناصرو محافل خوشبین و صلح دوست کامل‌العیار، که اکثر در احزاب دست راست ، قرار داشتند سازش با آلمان را بر جنگ با آن دولت ترجیح میدادند ولی احزاب دست چپ بخصوص کمونیستها پس از مداخله شوروی در مسئله لهستان وسازش باآلمان‌سخت درکارخود حیران مانده بودندودولت‌فرانسه روز۲٦ سپتامبر سازمان‌حزب کمونیست‌رامنحل‌ساخت .

روز ۱۳ سپتامبر در کابینه فرانسه تغییراتی روی داد و از آنجمله دالادیه پست وزارت‌امور خارجه راشخصاً بعهده گرفت و **بونه**[۱] وزیرخارجه را که‌طرفدارمذاکرات سیاسی وتماس مستقیم با حکومتهـای آلمان وایتالیا بود بوزارت دادگستری منصوب

۱- Bonnet

وعده‌ای ازسران احزاب میانه‌را بکابینه واردنمود ولی احزاب دست راست وسوسیالیستها و نمایندگان کمونیست هیچیك در کابینه شرکت نکردند. مستعمرات وتحت‌الحمایه‌های فرانسه باردیگر وفاداری خودرا نسبت بحکومت فرانسه ابراز داشتند وسلطان مراکش ابلاغیه‌های رسمی صادر کرد ودرمساجد آن کشور خوانده شد.

بین فرانسه وسفیر چکسلواکی در پاریس ونیز بین فرانسه وحکومت مهاجر لهستان در پاریس موافقتنامه‌هائی بامضا رسید که طبق آنها واحدهائی از افراد مهاجر چك و لهستانی در خاك فرانسه تشکیل و در اختیار ارتش فرانسه گذاشته شود (۲ و۶ اکتبر).

هنگامیکه جنك در لهستان ادامه داشت فرانسه تجهیزات خود را تکمیل می‌کرد. واحدهای بزرك و توپخانه سنگین فرانسه را رود راین ازمرز سویس تا بلژیك از واحدهای آلمانی جدا کرده بود. استحکامات خط ماژینو بسیار قوی ولی کم عمق وخط دفاعی زیگفرید[1] درآلمان غربی ازلحاظ استحکامات ضعیفتر از خط ماژینو ودرعوض دارای عمق بیشتر ورشته‌های متعدد بود ودرهرصورت عبور ازاین دوخط دفاعی جز با قربانی کردن صدها هزار فرد انسانی امکان نداشت. واحدهای فرانسه دراوائل سپتامبر به سار بروك[2] نفوذ وچند قصبه را که از طرف آلمانها مین گذاری شده بود اشغال نمودند ولی بعد از پایان مقاومت لهستان و از کار افتادن ارتش آن کشور چون حفظ پایگاههای جنوب سار بروك برای فرانسه لزومی نداشت واحدهای فرانسه ازسار عقب‌نشینی کردندودرطول زمستان جبهه فرانسه ثابت ماند.

نظریات ونقشه‌های سوق‌الجیشی فرانسه بر اثر نداشتن متحد وپشتیبان قوی ارزش خودرا ازدست داده بود و سیاست تضمین استقلال و دفاع از تمامیت کشورهای کوچك اروپای شرقی وجنوبی باسیاست تمرکز نیرو دریك جبهه فشرده قابل دفاع متباین بود درهم‌شکستن قدرت تهاجمی آلمان ازراه محاصره اقتصادی وسیاسی باوجود بسط فوق‌العاده

۱- Siegfried ۲- Sarrebruck

اقتصادیات آلمان وعقد پیمان دوستی آن کشور با روسیه شوروی امکان ناپذیر و تنها وسیله سرکوبی آلمان توسل به عملیات جنگی بود . بدین سبب فرانسه و انگلستان که پیشنهاد پیشوای آلمان دایر بر مذاکرات سیاسی و میانجیگری هلند و بلژیك را رد کرده بودند مصمم شدند که مشترکا با رژیم نازیسم آلمان مبارزه و آنرا سرکوب کنند .

روز ۱۹ اکتبر پس از آنکه مذاکرات سیاسی شوروی و ترکیه بی‌نتیجه ماند ، موافقتنامه‌ای میان سه‌دولت انگلیس وفرانسه‌وترکیه‌در آنکارا دایر برهمکاری‌مشترك بامضا رسید وبموجب آن موافقتنامه فرانسه‌وانگلیس دفاع ازترکیه‌را درصورتیکه مورد حمله کشورهای اروپائی قرار گیرد بر عهده گرفتند و ترکیه متعهد شد که‌بیطرفی خود را درهرجنگی که‌برعلیه انگلیس وفرانسه درمدیترانه یا بالکان صورت بگیرد حفظ کند مگر آنکه حفظ بیطرفی موجب بروز جنك بین ترکیه و شوروی گردد و بدین صورت ترکیه‌ازانجام تعهدات‌خودمعاف‌خواهدبود .

روز ۱۷ نوامبر چمبرلین ودالادیه . پس‌ازمذاکرات‌خود درلندن اعلامیه‌ای مبنی بر تشکیل فرماندهی واحد نیروهای انگلیس و فرانسه صادر کردند و در ۱۲ دسامبر موافقتنامه‌هائی درلندن بامضای **پل رینو**[۱] و **سرجان‌سیمون**[۲] رسید که بموجب آن $\frac{1}{3}$ هزینه‌جنك برعهده‌فرانسه و $\frac{2}{3}$ آن برعهده‌انگلیس محول گردید[۳]

مخارجهای جنك

جلسه مشترك مجلسین روز ۳۰ نوامبر تشکیل شد و دالادیه اختیارات کامل برای دوران جنك از مجلسین بدست آورد .

طبق اعلامیه مندرج درروز نامه رسمی کشور[۴] مورخ ۲۷ سپتامبر حزب کمونیست غیر قانونی ومنحل اعلام گردید، مجلس مبعوثان در ۲۰ ژانویه ۱۹۴۰ اعتبارنامه نمایندگان

۱- P. Reynaud ۲- Sir John Simon ۳- در ۱۸ مارس ۱۹۴۰ دولتین فرانسه و انگلیس متعهدشده بودند که هیچیك به تنهائی اقدام به خلع سلاح یا عقد پیمان صلح نکنند .

۴- Journal Officiel

کمونیست را (باستثنای ۷ نفر که‌قبل‌از ۲۶ اکتبر ۱۹۳۹ ازحزب کناره‌گیری کرده و ۷ نفردیگر که‌بلافاصله پس‌از امضای پیمان دوستی آلمان وشوروی از حزب خارج وحزب انشعابی‌جدیدی بوجودآورده‌بودند)لغوومجلس سنا باتفاق آراء با تصمیم مجلس مبعوثان موافقت کرد، بدین ترتیب ۶۰ نماینده مبعوثان و یکنفر سناتور کمونیست از مجلسین اخراج شدند که ۳۴ نفر آنان زندانی و ۱۰ نفرمتواری و ۲ نفرآزاد موقت و۱۴تن‌مأمورخدمت‌درارتش گردیدند ودوتن‌ازآنان، موریس‌تورز وآندره‌مارتی[1]، ازملیت وتابعیت فرانسه محروم شدند .

حوادث فوق که نشانه‌ای از عدم وحدت و هماهنگی در میان ملت فرانسه بود درموقعیت پشت جبهه‌جنك فرانسه تاثیرزیادداشت روز۲۹ژانویه دالادیه بوسیله رادیواز مردم‌درخواست کرد که‌مشترکادربرابرتبلیغات سوء عناصرداخلی وخارجی مقاومت کنند زیرا رادیو **اشتوتگارت**[2] با برنامه منظمی برای متزلزل ساختن روحیه ملت فرانسه وتوسعه اختلافات‌داخلی‌این کشور میکوشید .

پس‌ازورود نیروی شوروی به‌خاك‌فنلاند و کناره گیری شوروی از عضویت جامعه ملل روز ۱۱ دسامبر فرانسه وانگلیس تصمیم گرفتند که‌یك‌ستون سرباز با تجهیزات لازم‌برای کمك‌به‌فنلاند بآن کشوربفرستند ولی ممالك سوئدونروژباعبورستون‌اعزامی ازخاك‌خود مخالفت ورزیدند وروز۱۲ مارس فنلاند ناگزیرشدشرایط پیشنهادی شوروی راپذیرد واین واقعه برای‌انگلیس وفرانسه علاوه بر شکست سیاسی یك شکست نظامی محسوب‌میشد زیرا استقرار نیروهای‌این‌دودولت درشبه جزیره اسکاندیناویا(سوئدونروژ ودانمارك) برای تعقیب‌جنك برعلیه آلمان‌مفیدودرپیشرفت‌متفقین مؤثربود .

جنك درجبهه غرب به شوخی و مسخرگی بیشتر شباهت داشت‌تا بجنك واقعی ، گاهی سربازان فرانسه و آلمان درمرزهای فرانسه و بلژیك و جبهه رن‌ولوکزامبورك.

۱- André Marty و Maurice Thorez ۲- Stuttgart ازشهرهای‌آلمان جنوبی -مترجم .

بایکدیگر گلاویزمی‌شدندو گاهی هواپیماهای اکتشافی برفرازمواضع یکدیگرپرواز می کردند وزمانی بمب‌افکن‌ها چند بمب‌فرومیریختند. بلندگوهای طرفین مشغول‌پخش گفتارهای تبلیغاتی بودند واین حالت که آنرا باید دوران « مسخرگی‌های جنگ » نام نهاد درتمام مدت زمستان کـه میزان‌الحراره ۳۰درجه زیرصفر را نشان‌می‌داد ادامه یافت .

اما درتجهیزات وطرزاستقرارنیروهای فرانسه نواقصی‌وجود داشت که موردانتقاد مطبوعات و محافل مختلف قرارگرفته بود . قسمت اعظم سربازان زبده و کارآزموده را درجبهه غرب‌وحتی‌درجبهه‌های‌مقدم‌جای‌داده بودندودرعین‌حال که‌تجهیزات‌واحدهاکامل نبود یك سلسله عملیات ومانورهای جنگی بیفایده انجام می گرفت،وحدت وهماهنگی درمیان واحدهای ارتش وارتباط بین‌آنان رضایت بخش نبود و کارشناسان نظامی نسبت به‌قابلیت‌دفاع‌استحکامات‌ماژینو بدان علت که‌خط مزبورازشمال‌تا کناردریای‌مانش امتداد نداشت چندان خوشبین نبودند. محصول‌کارخانجات صنایع جنگی بخصوص‌کارخانه‌های هواپیما سازی احتیاجات ارتش‌را تأمین نمیکرد. همه میدانستند که بین **ژنرال گاملن** سرفرماندهی‌ارتش‌فرانسه (که ستادخود رادر **ونسن**[1] مستقر کرده بود) و **ژنرال ژرژ** فرمانده‌نیروهای فرانسه‌درشمال‌شرق (که مرکزستاداودر **فرته سوژوار**[2] بود)اختلاف نظروجود داردواز آن می‌ترسیدند که ژنرال گاملن- که ازسرداران فرانسه درجنك اول بین‌الملل‌وجزوفاتحین جنك‌بود - همچنان بعقاید ونظریات پیشین خود باقی‌مانده باشد واقتضای زمان و گذشت ایام وتحولات سریع نظامی وسیاسی دوران بعد از جنك اول و نتایج حاصله ازحوادث اخیرلهستان را درنظرنگیرد.

۱- Vincennes

۲- Ferté – sous – Jouarre

مسائل فوق الذکر و تأثیر عقاید محافل صلحدوست که خواهان صلح فوری با آلمان بودند و تبلیغات پاره‌ای از محافل زمامداران فرانسه و تمرکز چند شغل مهم در دست نخست‌وزیر (نخست وزیری و وزارت دفاع ملی و وزارت امور خارجه) و انعکاس شکست فنلاند و احتمال استقرار رژیم‌های توتالیتر در اروپای جنوب شرقی محیط سیاسی فرانسه را متزلزل ساخته بود و احتمال آن میرفت که قربانی سوء سیاست و نقص تجهیزات جنگی خود گردد.

براثر وخامت اوضاع سیاسی. مجلسین جلسه سری تشکیل دادند (۱۰ فوریه ۱۹۴۰) و دولت دالادیه پس از دادن توضیحات لازم رای اعتماد از مجلسین بدست آورد لیکن این رأی اعتماد براثر اطلاع مجلسین از نواقص نیروی هوائی و سرفرماندهی عالی جنگ و سرویسهای اخبار و اطلاعات و تبلیغات و مانند آنها دوام نکرد و سرانجام در ۲۱ مارس ۱۹۴۰ کابینه دالادیه سقوط کرد و **پل رینو** به نخست وزیری منصوب گردید و او دولت جدید را، که نمایندگان احزاب مختلف جمهوریخواه از شرکت در آن امتناع ورزیدند روز ۲۲ مارس به مجلس معرفی نمود و رأی اعتماد با اکثریت ضعیفی بدست آورد.

مسئله نروژ

دولت جدید، معتقد بود که با دستیاری انگلستان باید ابتکار عملیات جنگی را در دست بگیرد و اگر نتوانند بوسیله نیروهای فرانسوی و انگلیسی مقیم سوریه و فلسطین و مصر به منابع نفت شوروی در قفقازیه و منابع نفت رومانی در مصب رود دانوب حمله کنند لااقل بایستی برای جلوگیری از واردات کشور آلمان سواحل ممالک اسکاندیناویا را بدست آورند و در جبهه رود راین ضربت شدید به آلمان وارد و در صورتیکه بتوانند با موافقت بلژیك خاك آن کشور را مبداء حمله بر علیه آلمان قرار دهند. برای انجام این منظور روز ۸ آوریل ۱۹۴۰ متفقین[1] اعلام

۱ــ منظور از متفقین در این مورد انگلیس و فرانسه و در موارد آینده کلیه دولی هستند که با آلمان و ایتالیا وژاپن وارد جنك شده‌اند ــ مترجم.

کردند که برای جلوگیری ازعملیات جنگی نیروی دریائی آلمان درآبهای نروژمین‌گذاری کرده‌اند ولی روز۹ آوریل آلمان پیشدستی و به‌دانمارك ونروژحمله کرد. دانمارك بدون مقاومت بوسیله نیروی آلمان اشغال گردید ولی نروژدرصدد مقاومت برآمد و از متفقین کمك‌خواست. عده کمی ازنیروهای انگلیسی روز ۱۴ آوریل دربنادر **نارویك**[۱] **آندالنس**[۲] **ونامسوس**[۳] باتجهیزات ناقص پیاده‌شدندوروز۱۹ آوریل چند واحدازنیروی فرانسه نیزدربندرنامسوس به نیروی انگلیسی پیوستند، نیروی متفقین دربرابرنیروی آلمان که ازحیث عده‌نفرات ونیروی هوائی وتجهیزات‌جنگی‌کاملا برآنان تفوق‌داشتند نتوانستند کاری انجام دهند. خط جبهه‌نیروی متفقین در **لیلهامر**[۴] شکافته شد. شورای عالی جنك متفقین تصمیم‌به تخلیه خاك‌نروژ گرفت‌وانجام‌این امرباتحمل صدمات بسیار تا ماه ژوئن ۱۹۴۰ بطول‌انجامید.

شکست‌جبهه‌نروژپل‌رینورا بوضع‌سرفرماندهی عالی‌جنك‌متفقین متوجه‌ساخت‌وطی جلسه‌هیئت‌وزیران‌مورخ۹مه کناره گیری‌ژنرال گاملن‌وانتصاب‌ژنرال ژرژرا بجای‌اوبسر فرماندهی آرتش‌فرانسه‌خواستارشدولی‌دالادیه که‌درین‌کابینه پست‌وزارت‌دفاع‌ملی‌را داشت زیربارنرفت ورینوبه رئیس جمهوری اطلاع داد که ازمقام خود کنار گیری خواهد کرد لیکن روز۱۱مه حمله بزرك نیروی آلمان درجبهه غرب آغازشد ورینوناگزیر از کناره‌گیری صرفنظر کرد.

جنك در فلاندر[۶]

ساعت ٤ بعدازنیمه شب۱۰مه۱۹٤۰ بمب افکنهای آلمانی‌فرود‌گاههای مهم هلند و بلژیك و لوکزامبورك و فرانسه را مورد حمله قراردادند ونیروی زمینی آلمان وارد خاك هلند وبلژیك و

---

۱ – Narvik ۲ – Andalness ۳ – Namsos ٤ – Lillehammer

۵ – درهمین تاریخ چمبرلین نخست وزیرانگلستان نیز از شغل خودکناره‌گیری‌کرد.

٦ – Flandres ناحیه شمال شرقی‌فرانسه مجاورمرزبلژیك وبلژیك جنوبی فلاندر خوانده میشود ودرین‌مورد منظور از جنگهای فلاندر جنگهائی است‌که در بلژیك وهلند ولوکزامبورك روی داده‌است – مترجم.

لوکزامبورك شدند، تاکتیك جنگی آلمانها که یکبار دیگر در سال ۱۹۱٤ آنرا بکار بردند عبارت بود از اشغال سریع بنادر فرانسه در دریای مانش و تصرف پاریس و دور زدن استحکامات شمال شرقی فرانسه . لئوپلد سوم پادشاه بلژیك مردم را بمقاومت دعوت نمود و از متفقین یاری خواست . نقشه اشغال بلژیك و هلند دوبار در نوامبر ۱۹۳۹ و آوریل ۱۹٤۰ مورد توجه و علاقه سرفرماندهی آرتش متفقین قرار گرفت لیکن هردوبار موضوع جلب موافقت قبلی حکومتهای این دو کشور برای اشغال خاك آنان بمیان آمد و بدیهی است که هرگز با چنین امری موافقت نشد ، لیکن هیتلر روز ۱۰ مه اتمام حجتی برای حکومتهای هلند و بلژیك فرستاد و در ریشستاگ[1] طی نطقی اظهار داشت که چون خاك هلند و بلژیك را متفقین مبدء حمله بر علیه آلمان قرار داده اند ناچار نیروی آلمان باید بیطرفی این دو کشور را نادیده بگیرد و بدین ترتیب آلمانها درین مورد نیز مانند نروژ پیشدستی کردند و ابتکار عملیات جنگی را در دست گرفتند.

نقشه فرماندهی متفقین این بود که بجای پیشروی جناح چپ نیروی فرانسه بطرف رود خانه اسکو[2] در بلژیك جبهه طولانی و عمیق تری در خاك بلژیك برابر نیروی مهاجم آلمان تشکیل شود . در آن موقع رویهمرفته ۹۱ تیپ فرانسوی و ۱۰ تیپ انگلیسی و یك تیپ لهستانی در سراسر جبهه مشرق و شمال شرقی فرانسه متمرکز و این جبهه بعلت استقرار قسمتی از نیروهای فرانسوی در سوریه و افریقای شمالی و مرزهای سویس و ایتالیا چندان اطمینان بخش نبود معذلك سپاه اول فرانسه ویك ستون از قوای انگلیس با بهترین سلاحها و تجهیزات با سرعت وارد خاك بلژیك شدند. ارتش آلمان تاکتیك آزمایش شده در جنگهای لهستان را در این جبهه بکار میبرد و آن تاکتیك عبارت بود از توام کردن عملیات واحدهای زره پوش با عملیات نیروی هوائی که باموفقیت بپایان رسید. نیروهای هلند و بلژیك نتوانستند

۱- Reichstag پارلمان آلمان . ۲- Escaut

مقاومت ثمربخشی نشان بدهند وچتربازان آلمانی درپشت جبهه هلند وبلژیك فرود آمدند وپلهای رود موز[1] بتصرف آلمانها درآمد وروز ۱۵مه ابتدا رتردام[2] (که براثر بمباران شدید بکلی ویران شده بود) وسپس لاهه[3] بدست نیروی آلمان افتاد. ملکه هلند به انگلستان گریخت وفرماندهی ارتش هلند فرمان ترك مقاومت صادر نمود. در بلژیك نیروی متفقین فقط تا حدی پیشرفت آلمانها را بعقب انداخت ونتوانست در راه نیروی زرهی آلمان موانع مهمی ایجاد کند سپاه آلمان درطی سه روز سراسر لوکزامبورك را اشغال کردند ودرجبهه بلژیك نیروهای بلژیك را از کناره رود موز عقب راندند، نیروی بلژیك جبهه موز را رها کرده در لیس[4] متمرکز شد ونیروی انگلیسی نیز عقب نشینی کرد. در روز ۱۷مه عمق جبهه آلمانها در ناحیهٔ سدان[5] به ۱۰۰ کیلومتر رسید.

ژرال گاملن طی پیامی به سربازان فرانسه فرمان داد که «حتی یك بند انگشت ازخاك فرانسه را نباید بدشمن تسلیم کنند واگر قادر به پیشروی نباشند باید تاجان در بدن دارند درمواضع خود باقی بمانند» روز ۱۸مه ژنرال ژیرو[6] بدست آلمانها اسیر شد وروز ۱۹مه پل رینو، ژنرال ویگان را ازسوریه احضار وبجای گاملن بسرفرماندهی آرتش متفقین منصوب نمود ونیزدالادیه را ازپست وزارت دفاع ملی به وزارت امورخارجه منتقل ساخت وخودزمام وزارت دفاع ملی را دردست گرفت ومارشال پتن را به سمت وزیرمشاور ومعاونت نخست وزیر برگزید.

گاملن ماموریت یافت که حمله متقابلی را برعلیه قوای آلمان تدارك کند ولی ویگان درجلسه مشورتی سران آرتش متفقین که در ایپر[1] تشکیل شد (۲۱مه) اقدام به حمله متقابله را باوجود ضعف تجهیزات وکمی نفرات وخستگی سربازان وتلفات سنگینی که

---

۱ – Meuse ۲ – Rotterdam (از شهرهای هلند) ۳ – la Haye ٤ – Lys

٥ – Sedan ٦ – G. Giraud

۱ – Ypres ازشهرهای بلژیك ـ مترجم.

وارد آمده بود بیفایده دانست درصورتیکه نیروی آلمان روز۱۹مه به **ابویل**[۱] رسیده و نیروی متفقین درشمال فرانسه درخطر محاصره افتاده بود. روز۲۲مه ، چرچیل وپل‌رینو نخست وزیران انگلیس وفرانسه در **رونس** مرکزستادفرماندهی متفقین وضع جبهه را که ساعت بساعت وخیمترمیشد موردبررسی قراردادند . تنهاواحدی از آرتش متفقین که توانست از پیشرفت آلمانهاجلوگیری کندتیپ زرهی بفرماندهی کلنل **دوگل**[۲] بود که‌درناحیه **لائون**[۳] باآلمانها بسختی می‌جنگید . نیروی آلمان روز۲۳مه به **بولونی**[٤] وروز ۲۵مه به بندر **کاله**[٥] رسیدندواز آنروز کمیته‌جنك بریاست‌البرت لبرون رئیس‌جمهوری وضع‌وخیم نیرو های فرانسه‌رادرشمال که‌اززبده‌ترین‌سربازان‌فرانسه‌تشکیل‌یافته‌واکنون‌درخطرمحاصره قرارگرفته بودند موردبحث قرارداد وحتی‌ازترك مقاومت دربرابرآلمان سخن بمیان‌آمد و مارشال پتن صریحاً اظهار داشت که در چنین موقعیتی فرانسه و انگلیس در صورتی بایدتعهدات‌خود رانسبت‌بیکدیگرانجام‌دهند که بنسبت مساوی ومشابه درتحمل‌خسارات وصدمات وتلفات جنك‌شرکت‌داشته‌باشند[٦] پل‌رینوبرای مذاکره بااولیای انگلستان و آگاه ساختن‌آنان ازتصمیم کمیته جنك عازم لندن گردید.

روز۲٤مه ، لئوپلدسوم که مقاومت را دربرابرآلمانها بیفایده‌دید علیرغم **پیرلو**[۷] نخست وزیرخود که با ادامه جنك‌موافق بود یکی‌ازنمایندگان مجلس را برای‌مذاکره درباره ترك مخاصمه بمرکزستاد نیروهای‌آلمان فرستاد وروز۲۸مه درحالیکه حکومت

۱–Abbeville ازشهرهای‌فرانسه‌کناردریای مانش–م. ۲–C. de Gaule ۳– Laon

٤–Boulogne ازبنادر شمالی‌فرانسه –م. ٥–Calais بندرشمال‌فرانسه دردریای مانش و مدخل دریای‌شمال –م.

٦– منظور پتن اشاره به‌عدم تناسبی بودکه بین‌نیروهای‌فرانسه وانگلیس ازلحاظ تعداد وتجهیزات جنگی دیده میشد وانگلستان علیرغم وضع و خیم فرانسه فقط باعزام چند ستون سرباز بخاك فرانسه اکتفاکرده بود .

۷ - Pierlot

بلژیك میخواست بجنك ادامه دهد موافقتنامه ترك مخاصمه براساس «خلع سلاح بلاشرط قوای بلژیك» بامضای نماینده پادشاه بلژیك ومقامات آلمانی رسید.

نیروی آلمان حلقه محاصره را درشمال فرانسه روزبروز تنگتر میکرد سرانجام روز ۳۰ ماه مه به نیروی متفقین تحت محاصره آلمانها دستورداده شد که ازطریق بندر **دونکرك**[1] بخاك انگلستان عقب نشینی کنند. ازروز ۳۰مه تاسوم ژوئن ۱۹٤۰ ، ۲۳۵۰۰۰ تن ازسربازان انگلیسی و ۱۱۵۰۰۰ نفرازنیروی فرانسه زیر بمباران شدید هواپیماهای آلمانی وباازدست دادن کلیه مهمات وتجهیزات جنگی خود ازبندردونکرك خارج شدند ودرین عقب نشینی نیز قوای انگلیسی برسربازان فرانسوی مقدم بودند.

جنك در خاك فرانسه

کابینه فرانسه روز ۵ ژوئن ترمیم وژنرال دوگل ، متخصص ارابه‌های جنگی بمعاونت وزارت جنك و **پرووست**[2] مدیر روزنامه **پاری سوار**[3] بوزارت اطلاعات منصوب شدند. درین موقع آرامش موقت جبهه مشرق که براثر توجه نیروی آلمان بشمال پیش آمده بود پایان یافت و ۱۵۰ تیپ پیاده نظام و ۱۱ تیپ زرهی باپشتیبانی نیروی هوائی بحمله خود را برعلیه ٦۰ تیپ فرانسوی که ازلحاظ اسلحه ونیروی هوائی ضعیف بودند آغاز کردند ژنرال ویگان طی پیامی ازسربازان درخواست نمود که « **خودرا بخاك میهن بچسبانند وهرگز به پشت سر نگاه نکنند**». روز ۵ ژوئن نیروی زرهی آلمان درفاصله رود سم[4] وان[5] بخط دفاعی معروف به «خط ویگان» حمله ورشدند وآنرا بزودی درهم شکستند وروز نهم به شهر **روان**[6] وروز دهم به **ویلر کترت**[7] رسیدند. مرکز ستاد فرماندهی ارتش فرانسه به **شاریته سورلوار**[8] ومرکز حکومت ازپاریس به تور[9] منتقل گردید.

۱- Dunkerque بندر فرانسه در کنار دریای شمال ـ م. ۲- Prouvost ۳- Paris – Soir
٤- Somme – ۵ Aisne – ٦ Rouen – ۷ Villers – Cotterets
۸- Charité – Sur – Loire ۹- Tours

رینو به‌روزولت رئیس جمهوری‌اتازونی اطلاع داد که فرانسه درصورت لزوم‌جنك را درشمال‌افریقا ومستملکات خود درقاره امریکا ادامه خواهد داد . درین‌موقع اکثرواحد های آرتش فرانسه درتنگنای‌محاصره دشمن‌قرارداشتندو کندی‌حرکات آنان‌وسرعت‌انتقال نیروی‌آلمان فرصت عقب نشینی‌را ازآنان ربوده‌بود. بعضی ازدستجات زیر بمباران شدید ور گبارمسلسل هواپیماهای **اشتوکا**[1] آلمانی‌بحال تفرقه‌بمواضع‌جدید عقب‌می‌نشستند ، واحدهای جدید باعجله از سربازان مقیم شمال افریقا و عناصرداوطلب تشکیل میشد . میلیونها زن‌ومرد وبچه بابارو‌بنه درطول جاده‌هائی که فرانسه‌را به‌بلژیك ولوکزامبورك اتصال‌داده است درحال‌حرکت‌بطرف جنوب وجنوب غربی بودند وازاین لحاظ‌مشکلات زیادی برای نقل وانتقال واحدهای‌آرتش‌فراهم میکردند.

روزدهم ژوئن دولت‌ایتالیا بفرانسه وانگلیس اعلان جنك داد و بلافاصله نیروی هوائی‌ایتالیاشهرهاوقصبات‌بیدفاع‌فرانسه وستونهای‌مهاجرین‌ومردم بی‌سلاح‌رامورد‌بمباران شدید قرار داد . دسته‌ای‌ازسپاه‌آلمانی‌**فن رو نشتد**[2] مجهز بهزاران‌ارابه‌جنگی‌بفرماندهی **گودریان**[3] و **فن لیست**[4] مقاومت پیاده نظام فرانسه را درمشرق جبهه درهم‌شکستند و درمغرب‌جبهه‌سپاه‌**فن بوك**[5] ازرودسن گذشت‌وروز۱۲ژوئن‌راه‌پاریس بروی‌سربازان آلمانی باز شد .

روز۱۱ ژوئیه ، جلسه مشاوره با حضوررینو، ویگان ، چرچیل ، ایدن و اتلی[6] در محل **بریار**[7] تشکیل گردید وروز۱۲ژوئیه ویگان‌درتوراظهارداشت که هیچ راه‌دیگری برای نجات فرانسه جزتقاضای تسلیم نیست، پتن‌با نظریه ویگان موافق ورینووماندل[8] وزیرمستعمرات باآن مخالف بودند معذالك فرمان عقب نشینی عمومی بتمام واحدهای

۱- Stuka ۲- Von Rundstedt ۳- Gudrian ۴- Von kleist ۵- Von Bock

۶- Attlee ۷- Briare شهرکوچکی است درجنوب شرقی اورلئان وجنوب پاریس- م.

۸- Mandel

فرانسه ابلاغ گردید . روز۱۳ ژوئن چرچیل ولردهالیفاکس ولرد بیوربروك[1] به تورو ارد شدند و چرچیل اظهارداشت که «**اگرحوادثجنك فرانسه را به‌تسلیم وادارسازد انگلستان درین باب متحد خود را تحت فشارنخواهدگذاشت** »وباطرح موضوع کشتی‌های جنگی اضافه نمود که « **دولت انگلیس حق هرگونه تصمیمی رادرباره نیروی دریائی متفقین برای‌خود حفظ خواهدکرد**».

رینوپیام تلگرافی جدیدی برای روزولت فرستاد وتقاضا کرد که دولت اتازونی‌از کمك معنوی به متفقین وارسال‌مهمات وتدارکات جنگی‌برای آنان ـ غیرازاعزام‌سرباز ـ دریغ‌نورزد وهیئت وزیران‌تصمیم گرفت که منتظرپاسخ روزولت باشدوضمناً مرکزدولت را ازتور به‌**بردو**[2] انتقال دهد وپاریس را شهربیدفاع اعلام کند . روز ۱٤ ژوئن جناح چپ سپاه فن بوك وارد پاریس شد ونیروی زرهی فن‌لیست بطرف حـوضه **لوار**[3] و سپاه گودریان بجانب مرزسویس پیشروی وسپاه فرانسه را درشمال شرق محاصره وسربازان فرانسه طبق فرمـان ستاد آرتش شروع بعقب نشینی کردند و هـرچندکـه شجاعانه می‌جنگیدند ولی کوشش آنان بیفایده‌بود . روز۱۵ ژوئن دربردو (پایتخت موقت جدید) رینو به ویگان دستور داد که فرمان «آتش بس» صادر کند ولی ویگان امتناع ورزید وچندتن ازوزرا پیشنهاد کردند که قبل ازصدورفرمان آتش بس ، ازشرایط آلمان بـرای ترك مخاصمه‌استفسارشود واگرشرایط قابل تحمل نبودبجنگ ادامه داده شود. سپاهیان آلمان‌روز ۱٦ژوئن ازرود سن گذشته به‌**دیژون**[4] رسیدندوسپاه دیگرآلمان خط ماژینو را دردونقطه شکافت وبمشرق فرانسه رسید ، درین موقع که‌آخرین سرباز انگلیسی خاك فرانسه را از راه بندر **سن نازر**[5] ترك گفت و انگلیسی‌ها فقط ۸۰ هواپیما برای فرانسه

---

۱ – **Beaverbrook** ۲ – **Bordeaux** بندرغربی‌فرانسه در کنار اقیانوس اطلس ـ م .

۳–**Loire** رودبزرك‌فرانسه که باقیانوس‌اطلس‌میریزد ـ م. ٤– **Dijon** از شهرهای مشرق فرانسه درمسیرراه‌آهن پاریس به‌سویس ـ م. ٥ – **St Nazaire** بندرفرانسه درکنار اقیانوس اطلس ـ م.

برجای گذاشتند میلیونها مرد وزن فرانسوی برای یافتن مأمن وپناهگاه بطرف مرکز وجنوب، فرانسه درحرکت بودند .

رئیس جمهوری امریکا[1] پاسخ داد که وی متیواندمهمات وخواربارومانندآن بفرانسه بفرستد ولی هرنوع کمك نظامی بسته بموافقت کنگره امریکاست . ژنرال دوگل که برای مذاکره بااولیای انگلستان به لندن رفته بودپیشنهادهای چرچیل را درباب وحدت کامل فرانسه وانگلیس وتشکیل فرماندهی واحد وپارلمان واحد دو کشور باطلاع پل رینو رسانیدولی پتن اظهارداشت که اگر باتقاضای خلع سلاح موافقت نشود ازشغل خود کناره گیری خواهد کرد. چون اختلاف نظردرهیئت وزیران بمرحله‌ای رسید که سیاست نخست وزیردرجلسه هیئت با ۱۴ رای مخالف دربرابر ۱۰ رای موافق مردود شناخته شد وی ازنخست وزیری استعفا وکابینه سقوط کرد (۱۶ ژوئن)

تقاضای خلع سلاح

کابینه جدیدفرانسه ۱۵ ساعت پس ازسقوط دولت پل رینو، بریاست مارشال پتن تشکیل شد، ویگان بوزارت دفاع ملی ودارلان بوزارت نیروی دریائی وژنرال **پوژو**[2] بوزارت نیروی هوائی منصوب شدند (۱۶ ژوئن) ویکساعت پس ازتشکیل دولت، **بودوئن**[3] وزیر امورخارجه بوسیله سفیرفرانسه درمادرید ازدولت اسپانیادرخواست کرد که طی یادداشتی شرایط خلع سلاح وترك مخاصمه راازدولت آلمان استفسار کند وازدربارپاپ درواتیکان نیزتقاضا شد که برای استفسار ازشرایط ترك مخاصمه بادولت ایتالیا وارد مذاکره شود .

ضمناً جریان امرباطلاع سفیرانگلستان و **بیدل**[4] کاردار سفارت امریکا در فرانسه

۱ــ باآنکه امریکا نام قاره جدید وخود شامل چندین کشوراست چون کشور های متحد ــ امریکای شمالی یعنی اتازونی ازدیرباز مقتدرترین و پهناورترین ممالك قاره امریکا بوده معمولا امریکا بجای اتازونی بکار برده میشود ومؤلف این کتاب نیز غالباً ازاین سنت پیروی نموده‌است ــم.

۲- Pujo ۳- Baudoin ٤- Biddle

نیزرسید. روز۱۷ژوئن مارشال پتن بوسیله رادیوطی پیامی بملت فرانسه خاطرنشان ساخت که « **وی ازدشمن سئوال کرده که آیا حاضر است با فرانسه دریافتن راه حل شرافتمندانه برای پایان دادن بجنك همکاری کند یا نه ؟** »

آرتش آلمان همچنان به پیشروی درخاك فرانسه ادامه میداد. شهرهای **متز** و **دیژون** و **کروزو** و **اورلئان**[1] وسپس **کلمار** ، **نور** ،**مان** ، **کائن** ، **شربور**[2] تا ۱۸ ژوئن بدست دشمن افتاد و دیگر انتظار وقوع یك معجزه برای رهائی فرانسه بیفایده و مقاومتهای کوچك بعضی از دستجات نیروی فرانسه فقط برای حفظ شرافت سربازی بود.

درجلسه ۱۸ ژوئن هیئت وزیران تصمیم گرفته شد که بهیچقیمت ناوگان فرانسه بدشمن تسلیم نشود وژنرال دوگل ازلندن پیامی بملت فرانسه فرستاد ودرخواست کرد که «**ازترك مخاصمه خوداری کنند**» و متذکرشد که(**نبرد فرانسه پایان نیافته است اگر فرانسه امروز بر اثر ضعف مکانیسم جنگی خود مغلوب شده فردا برتری وتفوق خودرا بردشمن بدست خواهد آورد..... بهرصورت شعله‌های مقاومت وپایداری ملت فرانسه دربرابردشمن نباید خاموش گردد و هرگز خاموش نخواهدشد**».

دوگل طی پیام خود از کلیه سربازان و کارگران فرانسوی درخواست نمود که با اوهمکاری کنند . درهمین روزهیتلروموسولینی درمونیخ پیمان تعاون مشترك و اتحاد سیاست واحدی رادرجنك امضا کردندوروز۱۹هیتلرازدولت فرانسه‌خواست که‌نمایندگان فوق‌العاده خود را برای اطلاع ازشرایط ترك مخاصمه به نزد اوبفرستد وهمین رویه را دربرابر موسولینی نیزاتخاذ کند . هیئت نمایندگی فرانسه ازژنرال **هنتزیگر**[3] وافسر

۱- Mtz ، Dijon ، Creusot ، Orléans ، Colmar ، Nevers ، Mans ، Caen ،

۲- Cherbourg ، ۳ - Huntziger

نیروی دریائی **لوئوك**[1] وژنرال **پاریزو**[2] وافسر نیروی هوائی ژنرال **برژره**[3] و**نوئل**[4] باسمت وزیر مختار تعیین گردید.

باوجود طرح موضوع ترك مخاصمه پیشروی نیروی دشمن ادامه داشت ، روزهای ۱۹ و ۲۰ ژوئن **نانسی** ، **روان** ، **ویشی** ، **رنس** ، **تیر** ، **نوفشاتو** ، **تور** ، **برست** ، و **استراسبورك** بتصرف آلمانها در آمد ولی مدرسه سواره نظام **سومور**[5] هنوز دلیرانه مقاومت می کرد، هنگامیکه سربازان آلمانی به بردونزدیك شدند، رئیس جمهوری ورئیس مجلس سنا وهم رئیس مجلس مبعوثان تصمیم گرفتند که بشمال افریقا بروند وبا کمك ناوگان امپراطوری فرانسه جنك را برعلیه دشمن ادامه دهند ولی مارشال پتن اظهار داشت که «بهرصورت درخاك فرانسه باقی خواهدماند» وی ولاوال و**مارکه**[6] شهردار بردو سعی می کردند که ازمهاجرت شخصیت های برجسته فرانسه وصاحبان مقامات رسمی جلوگیری کنند ولی سرانجام عده ای ازرجال با کشتی مسافری فرانسه **ماسیلیا**[7] بطرف **کازابلانکا**[8] حرکت کردند. چمبرلن وزیر سابق مستعمرات بامید آنکه درکازابلانکا با **دف کوپر**[9] و **لرد گورت**[10] اولیای دولت انگلیس ملاقات کند از فرانسه خارج شد ولی موفق بملاقات آنان نگردید .

از ۲۱ تا ۲۴ ژوئن مراکز مهم صنعتی وشهرهای بزرگ فرانسه ومرکز ومغرب بتصرف قوای آلمان درآمد و ۱۹ تیپ ایتالیائی به ۳ تیپ فرانسه درمنطقه آلپ حمله کردند ولی ازحمله آنان جلوگیری شد . روز ۲۱ ژوئن در **رتوند**[11] در همان واگونی که موافقتنامه ترك مخاصمه درسال ۱۹۱۸ با آلمان مغلوب تنظیم شده بود ، شرایط ترك

۱- Le luc ۲- Pariset ۳- Bergeret ۴- Noel ۵- Saumur ۶- Marquet روز ۲۱ ژوئن مارکه ولاوال بسمت وزیر مشاور انتخاب شدند. ۷- Massilia ۸- Casablanca یا دارالبیضاء بندر مهم مراکش در ساحل اقیانوس اطلس. ۹- Duff Cooper ۱۰- Lord Gort ۱۱- Rethondes دهکده ایست در ناحیه شمال شرقی فرانسه کنار رود Aisne .

مخاصمه بوسیله اولیای آلمان به‌هیئت نمایندگی فرانسه تسلیم گردید و قرارداد ترک مخاصمه و خلع سلاح روز ۲۲ ژوئن بامضای ژنرال هنتزیگر و مارشال **کیتل**[۱] رسید و روز ۲۴ ژوئن نیز قرارداد ترک مخاصمه بین فرانسه و ایتالیا بوسیله هنتزیگر و مارشال **بادوگلیو**[۲] امضا شد و هردو قرارداد از ساعت یك و ۳۵ دقیقه صبح روز ۲۵ ژوئن ۱۹۴۰ بمرحله اجرا در آمد ولی استحکامات خط ماژینو زیر نظر کمیسیون خلع سلاح روز ۳۰ ژوئن تسلیم آلمانها گردید.

ازتاریخ ۱۰ مه تا اجرای قرارداد خلع سلاح رویهمرفته آرتش فرانسه ۱۰۰ هـزار کشته و ۳۰۰ هزار زخمی داده بود. علاوه بر آن ۸۰ هزار از مردم غیر نظامی قربانی شده بودند. نیروی هوائی فرانسه عملا ازکارافتاده بود و کلیه سربازانی که درمحاصره نیروی آلمان قرارداشتند پس ازامضای قرارداد ترك مخاصمه اسیرجنگی تلقی وبکشور آلمان اعزام شدند

مقرارت عمده قرارداد ترك مخاصمه باآلمان ازاینقرار بود:

مقرارت ترك مخاصمه

خاك فرانسه بدومنطقه اشغالی وآزاد تقسیم شودوخطی که در امتداد جاده ژنوازشهرهای دل[۳] **مولن**[۴]، **بورژ**[۵]، و ۲۰ کیلومتری جاده توربه **انگولم**[۶] و سپس از **مون دومارسان**[۷] میگذشت و بمرزفرانسه‌واسپانیا منتهی میشد دومنطقه را مشخص‌می‌نماید. منطقه اشغالی درتصرف نیروی آلمان‌وتابع‌مقررات مقامات اشغال کننده ومنطقه آزاد دراختیارحکومت فرانسه خواهدبود. کلیه‌قوای‌مسلح فرانسه (غیرازقوای محاصره یا اسیرشده) خلع‌سلاح شوند وفقط عدم‌معدودی سربازبرای حفظ امنیت داخلی با تشخیص مقامات آلمانی در اختیارحکومت فرانسه باقی بماند. آنچه ازوسائل و مواد جنگی موجود درهردومنطقه

۱- Keitel ۲- Badoglio ۳- Dole ۴- Moulins ۵- Bourges ۶- Angoulême ۷- Mont - de - Marsan

مورد لزوم باشد بایدبمقامات آلمانی تسلیم وبقیه مواد ووسائل مزبورتحت نظارت آلمان قرارداده شود.

ناوگان فرانسه ، بغیرازچندواحد که برای حفظ مستعمرات فرانسه لازم باشد، دربنادرغیرنظامی خلع سلاح خواهد شد وحکومت آلمان ناوگان مزبوررا درجنك بکار نخواهد برد وتا عقد پیمان قطعی صلح هیچگونه ادعائی نسبت بآنها نخواهد داشت.

حکومت فرانسه بهیچگونه عمل خصمانه‌ای نسبت بآلمان دست نخواهد زد واز خروج سربازان ومهمات جنگی ازخاك فرانسه جلوگیری وهرگونه مبارزه با آلمان را برای کلیه اتباع فرانسه درسراسرجهان غدغن خواهد کرد ووسایل حمل ونقل بین منطقه اشغالی وخاك ایتالیا را ازطریق منطقه آزاد فراهم خواهد ساخت . کلیه اسرای جنگی آلمانی را بمقامات آلمانی تسلیم و کلیه اتباع آلمان‌را درفرانسه‌ومستملکات خود که توقیف ویا تحت‌نظر بوده‌اند آزاد خواهد نمود.

اسرای فرانسوی تاپایان جنك‌وعقد پیمان صلح همچنان دراسارت باقی خواهند ماندو کلیه هزینه‌های آلمان درمنطقه اشغال شده برعهده فرانسه خواهد بود.

قرارداد ترك مخاصمه باایتالیا براساس‌قرارداد فرانسه وآلمان استواربود ونیروی ایتالیا قسمتی از نواحی جنوب شرقی فرانسه راکه تاآغازاجرای قرارداد اشغال کرده بودند متصرف شدند . علاوه برآن حکومت فرانسه متعهد شد که مناطق واقع بین مستعمرات‌فرانسه وایتالیا را درافریقای شمالی‌خلع‌سلاح وتخلیه کند وشهرهای **تولون**[1] **بیرزت**[2] ، **آژاکسیو**[3] و **اوران**[4] درتمام مدت‌ترك‌مخاصمه بلادفاع بماندوایتالیا حق

۱– Toulon بندر نظامی‌وتجارتی‌فرانسه دردریای مدیترانه ـ م. ۲– Bizerte بندرتونس ویکی‌ازبنادرمهم نظامی مدیترانه‌ـ م.

۳– Ajaccio مرکزحکومت فرانسه درجزیره کرس ـ م. ٤– Oran بندر مهم الجزایرو نیز نام‌یکی ازایالات شمالی الجزایراست‌ـ م.

استفاده ازبندر **جیبوتی**[1] وراه آهن بین آن بندر و **ادیس آبابا**[2] (پـایتخت حبشه) را داشته باشد.

عکس العمل خلع سلاح در فرانسه

ترك مخاصمه بفجایع جنك وآوارگی میلیونها مردوزن واشغال تمامی خاك فرانسه وکلیه عملیات جنگی از قبیل بمبارانهای هوائی وحملات شدیدزره پوشهاومانندآن وبسیاری ازبدبختی‌های ناشی ازجنك پایان بخشید ولی ممکن بود که بدبختی‌های دیگری درپی‌داشته باشد. ملت فرانسه که باخاطرات افتخارآمیزسال ۱۹۱۸ (سال غلبه متفقین بر آلمان) سر گرم ودلخوش بود براثرشکفتی‌های جنك جدید وسرعت وعظمت حوادث آن سست وناتوان شده بود فرانسویان دربرابرچشم خود سرعت ووحدت حرکت وانضباط بی‌نظیرواحدهای دشمن را دیده وآنرا با حرکت نامنظم واحد های پراکنده پیاده نظام کشورخود مقایسه می کردند. اکثرمردم انتقاداتی نسبت به رویه سهل‌انگاری بلژیك وانگلستان دربرابردشمن داشتند ولی درعین حال ترك مخاصمه با آلمان‌را تاحدی برخلاف قول‌وپیمان با انگلیس می‌دانستند. موضوع ستون پنجم‌دشمن بیش ازآنچه باید درنظرمردم با اهمیت جلوه کرده بود.

عده زیادی ازمردم به مارشال پتن‌اعتماد داشتند وبه بلند همتی وبزرگواری‌فاتح جنك اول امیدواربودند ولی ازقضاوت درباره سیاست واعمال او خودداری می کردند. یك اقلیتی ازمردم مآل اندیش فرانسه هدف خود را با پشتیبانی اززنرال دوگل و سعی درتحصیل وسایل‌مبارزه باآلمان مشخص کرده واقلیت دیگری ازافراد حریص وجاه‌طلب مایل بودند که ترتیب هیرارشی[3] درحکومت فرانسه‌ازهم پاشیده شود ولوآنکه انجام‌این

۱- Djibouti بندرسومالی فرانسه درافریقای شرقی- ۲- Addisababa ۳- هیرارشی Hiérarchie جانشینی درمقام بصورت وراثت که ازمختصات حکومتهای قـرون وسطی وقرون جدید تاقبل‌از انقلاب کبیرفرانسه بوده ، هنوزهم‌درپاره‌ای ازممالك مشاغل‌ومناصب دولتی‌مختص به خانواده‌های معدودی است و بدین ترتیب‌درماهیت‌هیئت‌حاکمه هیچوقت تغییری‌روی نمیدهـد.

منظورمستلزم همکاری بادشمن باشد.

حکومت‌فرانسه قبل‌ازامضای پیمان ترك مخاصمه مکرریادآوری کرد بود که حاضرنیست بهیچ قیمت ناوگان فرانسه را تسلیم دشمن کند. سفیر انگلیس به پل رینو نخست وزیر سابق گفته بود که دولت انگلیس حاضر است با پیمان ترك مخاصمه فرانسه و آلمان موافقت کند مشروط بر اینکه ناوگان فرانسه عموماً به یکی از بنادر بریتانیا اعزام شوند و روز ۱۸ ژوئن کار دار سفارت امریکا از دولت فرانسه درخواست کرده‌بود بدولت‌امریکااطمینان بدهد که هرگزناوگان‌فرانسه‌راتسلیم آلمان نخواهد کرد ودرصورتیکه بچنین عملی مبادرت نماید برای همیشه باید ازدوستی‌ومحبت دولت ومردم امریکا نسبت بفرانسه چشم‌بپوشد.

مسئله ناوگان فرانسه

پیمان‌ترك مخاصمه مقرر داشته‌بود که ناوگان فرانسه زیرنظرمقامات‌آلمانی یا ایتالیائی دربنادرغیرنظامی خلع سلاح شوند ولی قول و وعده‌آلمان مبنی براینکه از ناوگان فرانسه‌استفاده نخواهد کرد اطمینان بخش نبود. روز ۲۳ ژوئن پادشاه انگلیس نامه‌ای به مارشال پتن توشته وقول حکومت‌فرانسه را درباره ناوگان این کشورمتذکر شده بود ومارشال پتن باردیگربانگلستان‌اطمینان داد که هرگزناوگان فرانسه برضد انگلیس بکارنخواهدافتاد. چرچیل‌درنطق‌روز۲۵ژوئن‌مراتب تاثرخاطر وحیرت خود را از پیمان‌ترك‌مخاصمه‌فرانسه‌باآلمان صریحاً ابرازنمود وچون‌لاوال بوزارت‌منصوب‌شد. بیش از پیش براضطراب‌ونگرانی انگلستان که دربرابرفاشیسم‌آلمان وایتالیا دراروپا یکه‌و تنها مانده بود افزوده شد[1] حکومت انگلیس مصمم شد که ازبازگشت ناوگان فرانسه به پایگاههای خود دربنادراین کشورجلوگیری کند. یکدسته بزرك ازناوگان جنگی فرانسه بفرماندهی ژنسول[2] درخلیج مرس‌الکبیر(نزدیك بندراوران) متمرکزشده بود.

۱– لاوال یکی‌ازطرفداران جدی‌دوستی‌وهمکاری‌فرانسه باآلمان بود-م. ۲– Gensoul

روز ۳ ژوئیه ۱۹٤۰ یکدسته ازناوهای جنگی انگلیس به اورلان نزدیك شدند و یکی از افسران ناوجنگی **فاکسوند**[۱] اتمام‌حجت **سامرویل**[۲] فرمانده ناوگان انگلیس درمدیترانه را به‌رئسول تسلیم‌نمود. سامرویل فرمانده ناوگان فرانسوی را درانتخاب یکی‌ازطرق ذیل مخیرساخته بود:

۱ـ ناوگان‌فرانسه فوراً به‌ناوگان انگلیس ملحق‌شود۲ـ پس ازتقلیل‌تجهیزات به بنادرانگلستان رهسپارشود. ۳ـ بدون تقلیل تجهیزات بیکی‌ازبنادرفرانسه در دریای آنتیلها یایکی‌ازبنادرامریکابرود. ٤ـ اگرهیچیك‌ازطرق‌سه گانه‌را اتخاذ نکندناگزیر باید کلیه ناوگان را غرق نماید.

درخبری که بحکومت‌فرانسه درویشی[۳] رسید بجای«ملحق شدن» دربند اول‌اتمام حجت «تسلیم شدن» قید شده بود وباآنکه ناوگان فرانسه نمی‌توانست دفاع ثمربخشی از خود بکند دولت اتمام حجت مزبور را رد نمود . ساعت ۱۷ و ٤۰ دقیقه روز ۳ ژوئیه آتش توپخانه ناوگان‌انگلیس بروی ناوگان فرانسه بازشد، ناو زرهدار **برتانی**[٤] غرق شدوزره‌دارهای **پرووانس**[٥] و **دو نکرك**[٦] بسختی‌آسیب دیدندو۱۲۰۰تن ازنیروی‌دریائی فرانسه کشته‌شدند. درهمین روزمقامات‌انگلیسی کلیه کشتی‌های فرانسه را دربنادرخود توقیف کردند و روز ٤ ژوئیه حکومت فرانسه روابط سیاسی خود را با دولت انگلیس قطع کرد. ازناوگان‌محصوردرخلیج‌مرس‌الکبیر، زره‌داراستراسبورك‌با۲۵ ناوچه‌توانستند حلقه محاصره را شکافته خود را به بندرتولون درجنوب فرانسه برسانند (۵ ژوئیه) روز۷ ژوئیه بین‌دریادارفرانسوی **گودفروی**[۷] فرمانده ناوگان‌فرانسه‌دربندراسکندریه ودریادار **کنینگهام**[۸] فرمانده ناوگان انگلیسی‌موافقتنامه‌ای درباره وضع ناوگان فرانسه که‌از تاریخ۳ژوئیه‌در آن‌بندرمحصورشده بودند بامضارسید. روز۸ ژوئیه بین‌ناوهواپیمابرانگلیسی

۱- Foxhound ۲- Sommerville ۳- Vichy ٤- Bretagne ۵- Provence
٦- Dunkerque ۷- Codfroy ۸- Cunningham

بنام **هرمس**[1] وزره‌دارفرانسه **ریشلیو**[2] دربندر **داکار**[3] جنگی‌روی‌داد وریشلیو آسیب دید. چندی بعداز ۲۳تا۲۵ سپتامبر ۱۹٤۰ ناوگان فرانسه درداکاربانا‌وگان انگلیس مواجه شدند، ژنرال دوگل که‌برای‌دعوت فرانسویان مقیم‌متصرفات افریقای غربی بجنك بر علیه آلمان بانا‌وگان انگلیس‌همراه‌شده‌بودسربازان‌وافسران‌فرانسوی‌را بسوی‌خودخواند ولی‌فرماندارفرانسوی‌داکار ژنرال **بواسون**[4] ازالحاق‌سربازان‌بسازمان«فرانسه‌مبارز»[5] که دوگل آنرا بوجود آورده‌بودجلوگیری‌نمودناوگان‌انگلیسی پس‌ازردوبدل‌شدن‌چندشلیك توپخانه داکاررا ترك گفتند.

---

۱ – Hermés ۲ – Richelieu ۳ – Dakar مرکزمهم متصرفات‌فرانسه درافریقای غربی وبندرناحیه سنگال ـ م. ٤ – Boisson ٥ – دوگل راکه اندکی قبل ازشکست قطعی نیروی فرانسه بانگلستان رفته وسازمان فرانسه آزاد و«فرانسه مبارز» La France Combattante راتشکیل داد بعضی ازفرانسویان «مظهریا روح مبارزه واستقلال طلبی فرانسه» میدانند ـ م.

فصل سوم ـ حکومت مارشال پتن

(۱۹۴۰ـ۱۹۴۴)

استقرار رژیم جدید

دولت پتن تا ۱۵ روز بعد ازامضای پیمان ترك مخاصمه سر گرم اموردا خلی وتهیه مقدمات استقرار رژیم جدید حکومت درفرانسه بود ، پایتخت پس ازاشغال برود بوسیله نیروی آلمان ابتدا بـه **کلرمن ـ فران**[1] وسپس به **ویشی** (ازشهرهای مرکزی فرانسه) انتقال داده شد (۲ژویه ۱۹۴۰). مارکه بوزارت کشورمنصوب گردید ولاوال باعده‌ای از نمایندگان مجلسین برای تغییرژریم حکومت ازدموکراسی پارلمانی به حکومت مقتدر که برپایه ملیت فرانسه استواروداراى جنبه سوسیالیستی باشد وارد مذاکره شد و سر انجام مجلسین طرح تغییررژیم وتجدید نظر درقوانین اساسی جمهوری را تصویب نمودند وروز ۱۰ ژویه درجلسه مشترکی طی یك طرح قانونی به مارشال پتن برای استقرار رژیم جدید حکومتی که حافظ حقوق فردی واجتماعی افراد باشد اختیارات کامل دادندمشروط براینکه برای استقرارآن بآراء عمومی مراجعه شود. درحقیقت قوه قانونگزاری فرانسه حق وضع وتدوین واجرای قانون اساسی جدیدی به شخص مارشال پتن اعطا کرد.

روز ۱۱ ژویه بموجب اصل اول ودوم قانون اساسی جدید مارشال پتن کلیه اقتدارات

۱ـ Clermont – Ferrand

واختیارات رئیس کشور را دردست میگرفت ومانند سلاطین حق تعیین جانشین خود را داشت . مقام اوقابل تفویض بدیگری نبود . عزل ونصب وزیران کـه فقط مسئول وی بودند دراختیاراو بود. حق وضع واجرای قوانین مالی واداری درغیاب مجلسین ودرمواقع بحرانهای داخلی ویاخارجی با بودن مجلسین وحق وضع واجرای هر گونه قانون دیگر ، عزل ونصب کلیه کارکنان کشوری ولشگری جزدرمواردیکه قانون ترتیب خاصی برای آن تعیین کرده باشد ، بخشودن مجرمین وعفوعمومی ، ریاست عالیه برارتش، قبول یارد نمایندگان سیاسی خارجی وعقدهر گونه پیمان وقرارداد باممالك دیگر، برقراری حکومت نظامی دریك یاچندناحیه ، توقیف کارمندان یاانحلال سازمانهای دولتی ازلحاظ حفظ امنیت کشور ، ازحقوق واختیاراتی بود که به مارشال اعطا گردید وجزاعلان جنك که بایستی با تأیید و موافقت مجلسین انجام گیرد ، تقریباً کلیه اختیارات قوای مجریه ومقننه وقضائیه دردست مارشال پتن متمرکز گردید . بخصوص که بموجب اصل سوم قانون اساسی جدید تشکیل مجلسین بتعویق افتاد . طبق اصل چهارم درمواقعیکه مارشال پتن ازادامه کارمعذور بود مقام و اختیارات او به لاوال تفویض میشد .

مراحل اولیه رژیم جدید

برای استقرار نظم اجتماعی، حکومت جدید میبایستی مقدمات بازگشت ونقل وانتقال ٤میلیون نفر از مردم فرانسه را که دردوره حمله آلمانها آواره وسرگردان شده بودند فراهم سازد. باوجود کوشش دولت درین زمینه درتاریخ اول اکتبر ۱۹٤۰ هنوز ٤۰۰ هزار نفر ازمردم فرانسه بی خانمان بودند . پس ازمرخص کردن سربازان زیر پرچم و رسیدگی دقیق بآمار دوره جنك معلوم شد که ۱٫۸۰۰٫۰۰۰ نفر نظامی وغیرنظامی دراسارت آلمان و۱٤۹٫۰۰۰ نفر دراسارت ایتالیاهستند . آخرین دسته سربازان فرانسوی بعده ۳۰٫۰۰۰ نفر که هنگام جنك بخاك سویس پناهنده شده بودند تا ۱۹٤۱ بفرانسه باز گشتند برای نظارت درنگهداری واسرای جنك که حکومت فرانسه در برابر آلمان آنرا تعهد

نموده بود سازمانی بریاست **اسکاپینی**[1] نماینده نابینای مجلس تأسیس گردید و برای حصول اطمینان ازهمکاری مامورین دولت باحکومت جدید تصفیه دامنه‌داری درسازمانهای دولتی بعمل آمد هر گونه انجمن یاتشکیلات سری درفرانسه ممنوع و لیستی از اسامی شخصیت‌های برجسته قدیم وجدید فراماسون تهیه ومقرراتی نظیرمقررات جاریه آلمان درباره یهود تدوین وتصویب گردید .

وضع مالی واقتصادیات فرانسه بهیچوجه خوب نبود، حملات شدید آلمانها ومهاجرتهای دسته‌جمعی مردم صنایع فرانسه‌را ازکارانداخته‌بود و اکنون که دولت میخواست صنایع دوران جنك‌را به‌صنایع زمان‌صلح برگرداندبا کمبودکارگر وزغال‌سنك وسایر مواد مولد حرارت‌مواجه وعلاوه برآن‌تقسیم‌فرانسه بدومنطقه‌وازبین‌رفتن هزاران‌لکوموتیو وویرانی صدهاپل وخرابی راهها درامر تجارت وحمل‌ونقل‌مشکلاتی بوجودآورده‌بود.

حکومت ویشی‌برای تجدید سازمانهای‌اجتماعی واقتصادی اصل‌تمرکزاختیارات واقتدارات‌را که خودحکومت‌نیز برآن‌استواربود پیش گرفت . یك کمیته سازمانی‌صنعتی ویك‌اداره مرکزی توزیع محصولات تاسیس وسازمانهای صنعتی‌کارگران وکارفرمایان‌را ـ که بعقیده‌دولت باروش جدیدحکومت‌فرانسه ومقتضای‌زمان‌هم‌آهنگی نداشتند ـ منحل کرد(۹ نوامبر ۱۹٤۰)وتصمیم گرفت که‌یك‌سازمان‌ملی کشاورزی برای‌روستائیان‌بوجود آورد .

بموجب اصل‌پنجم قانون اساسی‌جدید موزخ ۳۰ اوت ۱۹٤۰ بجای دیوان عالی تمیز یك‌دادگاه عالی قضائی برای رسیدگی بجرائم و تخلفات وزرای شاغل خدمت و وزرای قدیم ومامورین عالیرتبه دولت در **ریوم**[2] تشکیل‌شد وعده‌ای ازرجال فرانسه از قبیل دالادیه ، رینو ، ماندل ، لئون بلوم وژنرال گاملن ومانندآنان محکوم باقامت در محل‌معین‌شدند. طبق قانون‌موزخ ۲٤ سپتامبر ۱۹٤۰ یك‌دادگاه نظامی برای رسیدگی

۱- Scapini ۲-Rion

به‌جرائم کسانی که برعلیه امنیت واقتدارات دولت‌اقدام ویادیگران را باقدام درین‌زمینه تحریك کنند در گانا[1] بوجودآمد. ژنرال دوگل که بدادگاه دعوت وازحضوردردادگاه امتناع کرده‌بود درتاریخ ۲ اوت از طرف دادگاه نظامی استان سیزدهم فرانسه بجرم «خیانت وسوء قصدبرعلیه امنیت کشوروعزیمت بخارجه درهنگام‌جنگ» غیاباً محکوم باعدام شد.

دستجات واحزاب‌سیاسی. درحقیقت‌وجود خارجی نداشتند، کسانی ازهرحزب و دسته‌سیاسی (بغیراز کمونیستها) دراطراف مارشال پتن گرد آمده بودند این جماعت که‌هیچگونه تناسب وهیچ‌نوع‌اشتراك درعقیده سیاسی‌بایکدیگرنداشتند سعی‌می کردند که درگفتار ورفتارخود رضایت مقامات آلمانی را جلب نمایند وبدان وسیله در مقام خود باقی بمانند. ولی حکومت جدید کم کم بارزش وقابلیت نمایندگان قدیم مجلس پی‌برد وازمیان ایندسته کسانی‌را که‌کاملا مورداطمینان بودند بمقامات مهمی‌درمستعمرات ومستملکات‌ونمایندگیهای‌سیاسی‌فرانسه‌درخارج‌برگماشت. روز۲۹اوت کلیه‌سازمان‌های وابسته به جنگجویان قدیم منحل و سازمان جدیدی بنام لژیون جنگجویان[2] در جنوب فرانسه تاسیس گردید.

سیاست خارجی فرانسه طبق نظریه لاوال عبارت بود از « نجات فرانسه بوسیله متحدشدن با کشورهای بری اروپا [3] و همکاری صمیمانه با آلمان وایتالیا » از مظاهر همکاری‌صمیمانه‌با آلمان‌این‌بود که‌برخلاف‌پیمان ترك‌مخاصمه‌ازیکطرف‌اداره قسمت‌اعظم منطقه اشغالی باولیای‌حکومت‌ویشی‌سپرده‌شد وازطرف دیگر درآن ناحیه آلمانها مردم

---

۱ – Gannat ۲- Légion des Combattans این عنوان را میتوان «فوج مبارزان» یا «گروه مبارزان» وامثال‌آن تعبیر نمود، ولی‌چون‌کلمه لژیون درفارسی معادلی ندارد وعلاوه‌بر آن یك‌اصطلاح‌قدیمی و بین‌المللی‌است عین‌آنرا درمتن‌کتاب‌آوردیم–م.

۳ – منظور لاوال از اروپای بری جداساختن انگلستان از اتحاد اروپائی بود – م.

را غارت می کردند وسربازمی گرفتند، الزاس ولرن عملا ازخاك فرانسه مجزا وسکنه آن مجبور شده بودند که یا تابعیت حکومت آلمان را بپذیرند ویا دست از هستی و مسکن خود کشیده پیاده وبدون هیچگونه توشه سفرازآن ایالت خارج شوند. درملاقاتی که بین لاوال وهیتلر هنگام بازدید هیتلر ازمنطقه اشغالی دست داد (۲۳ اکتبر) وملاقات پتن وهیتلر در دهکده **مونتوار**[۱] (۲۴ اکتبر) درباره همکاری فرانسه وآلمان وحتی درمورد اتحاد و همکاری نظامی دو کشور وجنگ برعلیه انگلستان مذاکره شد وپس از آنکه لاوال روز ۲۸ اکتبر بوزارت امورخارجه منصوب گردید، مارشال پتن طی پیام رادیوئی خود گفت : « **این سیاست من است و تاریخ دربارهٔ من قضاوت خواهد کرد** » . **دوبرینون**[۲] بنمایندگی فرانسه در آلمان منصوب و تماس مستقیم بین متخصصین و اهل فن آلمان و فرانسه برقرار گردید وروز ۱۰ نوامبر ۱۹۴۰ ملاقات ومذاکره بین لاوال و گورینگ[۳] بعمل آمد.

رانده شده لاوال از کابینه وضع سیاسی وروحی

بعضی از اطرافیان پتن همکاری کامل با آلمان را دور از عقل واحتیاط میدانستند واکثریت افکار عمومی ملت فرانسه از ملاقات ومذاکرات دوستانه پتن باهیتلر دردهکده **مونتوار** ناراضی بود ومتصرفات استوائی فرانسه درافریقا ازفرمان حکومت مرکزی سرپیچی می کردند. آلمان جنگ با انگلستان را باخته وآمریکا به تقویت نیروهای خود مشغول ومارشال پتن باسیاست امریکا موافق بود. وی باین نکته پی برده بود که لاوال قدرت زیادی بدست آورده وبدون مشورت با اوکارها را انجام میدهد. درین موقع پتن از طرف هیتلر برای شرکت در یکی ازمراسم تشریفاتی که

۱- Montoire ۲- de Brinon ، سفارت آلمان درفرانسه با Abetz بود. ۳- Goering وزیر تبلیغات آلمان.

آلمانها درپاریس ترتیب داده‌بودند بپاریس دعوت شد ولی‌چون باو فهماندند که‌دامی در راه وی گسترده‌اند ازقبول دعوت هیتلر امتناع ورزید وروز ۱۳ دسامبر در جلسه هیئت وزیران‌همکاران‌خودراوادار به‌استعفای دسته‌جمعی نمودو بلافاصله‌کابینه‌جدیدی از وزرای قبلی‌بغیرازلاوال و ریپر[۱] تشکیل‌داد، لاوال‌به‌ملك‌خوددر شاتلدن[۲] تبعیدشدودر آنجاتحت نظر قرار گرفت. دوبرینون‌سفیرسابق‌فرانسه‌درآلمان نیز دریکی‌ازاطاقهای مهمانخانه‌ای که پس‌از ورود بدویشی درآنجا اقامت گزیده بود بازداشت گردید وبدستور ژنرال دولالورنسی[۳] نماینده‌حکومت فرانسه درپاریس مارسل‌دآ[۴] ازطرفداران ومبتکرین طرح همکاری با آلمان دستگیر شد ولی هیتلر بوسیله ابتز سفیر خود در ویشی مراتب نارضایتی خودرا ازسیاست جدید پتن‌بوی گوشزد کرد. پتن باآزادی لاوال، ودوبرینون و دآموافقت ودولالورنسی‌را ازپاریس‌احضار وروز ۱۷ دسامبر بالاوال ملاقات و فلاندن[۵] را بوزارت امور خارجه منصوب و از شرکت دادن لاوال در دستگاه حکومت خودداری نمود.

فعالیت‌دوگل وطرفدارانش‌نهضت‌تازه‌ای درافکار عمومی ایجاد کرده بود، دوگل طی‌پیام خود ازلندن گفت «این نبرد، تنها جنگ فرانسه وآلمان نیست که بایك صحنه عملیات پایان پذیرد بلکه یك‌جنگ جهانی است. هیچکس نمی‌تواند اطمینان بدهد که مللی که‌امروز بیطرف هستند همچنان‌بیطرف ومتحدین کنونی‌آلمان همچنان متحدوی باقی‌بمانند ... تنهاهدف من این‌است که فرانسه حتی یك‌لحظه دست ازمبارزه برندارد زیرا درفتح نهائی نیروی فرانسه باید شرکت داشته باشد ... ». روز ۲۸ ژوئن ۱۹٤۰ دولت انگلیس ژنرال دوگل را بعنوان رئیس فرانسه آزاد برسمیت شناخت و

---

۱ RiPert وزیر فرهنگ بود. ۲ Chateldon - ۳ Gle · de la Laurencie -
۴ Marcel Déat - ۵ P-E· Flandin -

روز ۷ اوت ۱۹٤۰ بین او وچرچیل موافقتنامه‌ای درباب همکاری نیروی فرانسه آزاد باانگلستان بامضارسید. اغلب مستعمرات وتحت‌الحمایه‌های فرانسه مانند **هبریدجدید**، **ساحل عاج**، **کامرون**، چاد، تائی‌تی، کالدونی جدید، گابن[1] وبنادرمتصرفی فرانسه در سواحل هند به دوگل پیوستند (ژوییه ۱۹٤۰) روز ۲۷ اکتبردوگل فرمانی برای تشکیل شورای دفاع امپراطوری (مستعمرات فرانسه ـ م.) وروز ۱٦ دسامبر فرمان دیگری درباره ترتیب و شرایط پیوستن افراد فرانسوی به «فرانسه آزاد» صادر نمود. این حوادث در رانسه انعکاس شدیدی داشت وباآنکه فرانسویان ازابرازاحساسات و عکس‌العمل بنفع دوگل ممنوع بودند روز ۱۱ نوامبر ۱۹٤۰ دانش‌آموزان ودانشجویان پاریس در برابر **آرك دوتریمف**[2] وچند نقطه دیگرشهردست بتظاهرات زدند ومقامات آلمانی کلیه دانشکده‌هاومدارس عالیه پاریس را تعطیل کردندواین تعطیل تاسوم ژانویه ۱۹٤۱ ادامه یافت.

آلمانها دربرابرسیاست دوگل سیاست ایجاد تفرقه را پیش گرفتند. شمال فرانسه رادرقلمروحکومت آلمانی بروکسل (پایتخت بلژیك) قراردادندو با تشکیل کمیته جدیدی ناحیه **برتانی** فرانسه را خود مختارقلمدادوازفرستنده بندر **لیل** اخباروا طلاعات را بدو زبان فرانسوی وفلامان (زبان عده‌ای ازمردم بلژیك ـ م.) پخش می کردند. خط مرزی موقت بین دومنطقه اشغالی وآزاد را بصورت یك مرزحقیقی بین دوممملکت مستقل درآوردند ولی این اقدامات که هدف آن تجزیه فرانسه بود برای آلمان نتیجه‌ای نداشت واین سیاست با اشغال تمامی خاك فرانسه در نوامبر ۱۹٤۲ عملا منتفی شد. درآلزانس ولرن

---

۱ ـ Nouvelles – Hébrides ، Cote d'ivoire ، Cameroun ، Tchad ، Tahiti ، Gabon ، N. Caledonie

۲ ـ Arc de riomPhe de l'étoile طاق نصرت مشهور پاریس که بدستور ناپلئون اول بنا ودرسال ۱۸۳٦ افتتاح شد طاق نصرت دیگر بنام Carrousel نیز درپاریس وجوددارد که از لحاظ عظمت بنا بپای طاق نصرت اولی نمیرسد ـ م.

هم که در آغازکار، بین مردم آن درطرز فکر و عقیده سیاسی اختلافاتی وجود داشت، براثر سیاست خشونت آمیز آلمانها، آن اختلافات بوحدت فکر و عقیده مبدل شد .

انقلاب ملی

لاوال که ازدستگاه حکومت رانده شد باردیگر در آوریل ۱۹٤۲ بقدرت وشوکت میرسد و ایندوره رامیتوان درحقیقت دوران انقلاب یانهضت ملی فرانسه نامید زیرا کم کم عده‌ای معتقدشده بودند باینکه رژیم منسوخ دموکراسی پارلمانی موجب بدبختی و تباهی بوده و کشوررا به بزرگترین شکستهای دوره تاریخ خود کشانیده است و اکنون ملت فرانسه مصائب ناشی از آن حکومت را تحمل میکند برای آنکه دوران درخشانی درپیش دارد. رژیم منسوخ گذشته اصل برتری فرد برجامعه یا «اصالت فرد»[1] را درفرانسه رواج داده بودواینك بایداصل برتری جامعه برفرد کـه رژیم جدید برآن استوار گردیده استاجراشود. نسل جوان را باید با ورزشهای بدنی نیرومند ساخت. افراد باید خود را ملزم به پیروی ازدستورات واوامر حکومتی نمایند که افراد آن ازمؤمنین رژیم جدیدوطرفداراصل برتری جامعه برفرد وپرورش یـافته دوره انقلاب ملی و برگزیده ازطرف مارشال پتن ودولتوی باشند. مردم نباید انتظارداشته باشند که درمسائل سیاسی مورد شورقرار گیرند. اعضای انجمنهای بلدی فقط دردهستانهائی که کمتر از ۲هزار نفرسکنه دارد ازطرف مردم ودرسایر نواحی ازطرف دولت انتخاب خواهندشد.

درژانویه ۱۹٤۱ شورائی بنام «مجمع شورای ملی» تشکیل گردید تا درغیاب مجلسین امورمربوط به پارلمان را اداره کند و این شورا ازدانشمندان و اعضای آکادمی فرانسه ، افسران ارشد، مامورین عالیرتبه دولت و کشیشان واعضای سابق سندیکاهای صنفی که همگی ازطرفداران رژیم جدید بودند بوجودآمد و بهشعب متعددی تقسیم گردید و هر

۱ـ اصالت فردیا individualisme فردرا باتمام مختصات و ایدآلهاوعواطف اوعنصر اصلی وتشکیل‌دهنده اجتماع میداند و باوحق میدهدکه عقاید شخصی ومنافع خصوصی وآراء وافکار فردی خودراولومخالف بامنافع جامعه باشدهمچنان حفظ کند ـ م.

شعبه‌مأمورحل‌وفصل واظهارعقیده درباره قسمتی ازاموروسائل مربوط به رژیم جدید بود. شعارقدیمی ومشهورفرانسه یعنی «**آزادی،برابری، برادری و الحاد**[۲]»منسوخ‌وشعار جدید یعنی«**کار ، خانواده ، میهن**» جایگزین آن شد ، آداب وسنن ملی ومذهبی تجدید واحیا و کلیساجزوعناصراصلی حکومت وبرای مدارس ملی اعانه و کمك برقرار گردید، سازمان لژیون جنگجویان منحل و بجای آن سازمان «گروه جنگجویان و داوطلبان انقلاب‌ملی» تأسیس‌شد ودرین سازمان طرفداران انقلاب ملی ورژیم جدید از طبقات مختلف اجتماعی حق شرکت داشتند. برای‌دهقانان منشور جدیدی وضع ومقرر گردید که‌امورروستائی باتعاون اجباری‌انجام گیرد. کارگران‌حرف وصنایع ضروری از انجام خدمت نظام وظیفه معاف شدند ولی آئین نامه جدیدی برای اعتصاب وعملیات مخالفت‌آمیزکارگران تدوین گردید . مراکز تعلیم وتربیت ازساختمان‌های کوچك و کم وسعت به محوطه‌های بازوهوای‌آزاد مبدل ومیدانهای بسیاروسیع به‌ورزش وبازی جوانان تخصیص داده شد .

پیش‌بردن انقلاب ملی وابسته به‌رژیم جدید درجامعه‌فرانسه، که بیش‌ازدومیلیون نفرآن خارج ازمیهن خود بسرمیبردند ودرمحیط اجبار واضطرار که براثر تسلط نازیها درمنطقهٔ اشغالی وبعلت سانسورشدید درمنطقه‌آزاد فرانسه بوجودآمده‌بود ، آسان‌بنظر نمیرسید . ورود روزنامه‌های سویس ازتاریخ مه ۱۹٤۱ ممنوع شد و گروه جنگجویان وداوطلبان انقلاب ملی شور وهیجان اولیه خودرا ازدست داد و بسیاری از مردم فرانسه بتدریج ازروش وسیاست حکومت جدید خسته شده بودند و آنرا یکنوع افراط در سیر قهقرائی وبمنزلهٔ تحقیرملت فرانسه تلقی‌می کردند . مذاکرات رسمی که بعداً بعمل‌آمد

۱ــ شعارآزادی وبرابری‌وبرادری از دوره‌انقلاب‌کبیر فرانسه ۱۷۸۹ــ۱۷۹۳ معمول گردیدــ م.

انعکاس تحول افکار عمومی بود .

دارلان و مسئلهٔ سوریه

مسئلهٔ همکاری با آلمان همچنان در رأس مسائل جاریه قرار داشت. فلاندن، که بعلت ارتباط شخصی با بعضی از مقامات آلمانی و انگلیسی میخواست رویه مدارا و باصطلاح رویه کج دار و مریز را ادامه دهد، از کار بر کنار و دریاسالار دارلان روز ۲۵ فوریه ۱۹٤۱ به نیابت ریاست وزرا منصوب و وزارتهای کشور و بحریه و امور خارجه و تبلیغات و اطلاعات بوی سپرده شد وطبق اصل چهارم جدید جانشینی رئیس حکومت نیز باو تفویض گردید . وی میخواست از نارضایتی آلمانها که بعلت رانده شدن لاوال از دستگاه حکومت حاصل شده بود بکاهد. هرچند که مقاومت عمومی اورا از انجام تقاضای آلمانها در باره مناطق بیزرت و داکار باز داشت. ولی طی ملاقات باهیتلر در برچسگادن در تاریخ ۱۱ مه ۱۹٤۱ با استفاده آلمانها از پایگاههای هوائی فرانسه در سوریه و ارسال مهمات جنگی از سوریه بعراق برای کمك به نهضت ضد انگلیس آن کشور موافقت کرد و مارشال پتن که گفته بود : «شرافت ما اجازه نمیدهد که بر ضد متحد قدیم خود اقدام کنیم» اقدامات دارلان را تصویب نمود .

پس از آنکه ۸۰ هواپیمای آلمانی در فرودگاههای سوریه بر زمین نشستند روزهای ۱٤ تا ۱٦ مه ۱۹٤۱ نیروی هوائی انگلیس فرودگاههای بیروت در لبنان و سایر مراکز سوریه را بمباران کرد و ایدن پیامی برای حکومت ویشی فرستاد، روز ۲۰ مه ژنرال **دانتز**[۱] کمیسر عالی فرانسه در سوریه کنسول انگلیس را از سوریه اخراج کرد و روز ۸ ژوئن ستونهائی از نیروی انگلیس و نیروی فرانسه آزاد بفرماندهی ژنرال **کاترو**[۲] وارد سوریه و با نیروی فرانسوی سوریه مواجه شدند و بر اثر زد و خورد تلفاتی بطرفین وارد آمد دسته دیگری از نیروی انگلیس روز ۲۱ ژوئن وارد دمشق گردیدند و پایگاه **پالمیر**[۳] تسلیم انگلسیها

۱- Dentz ۲- Catroux ۳- Palmyre یا تدمر از بلاد بزرگ قدیم سوریه بوده و اکنون قصبه کوچکی است.

شد وقرارداد متارکه جنگ بامضارسید، ژنرال کاترو روز ۸ ژوئن اعلام کرده بود که بسوریه ولبنان استقلال اعطا خواهد کرد وبه‌قیمومت فرانسه براین‌دو کشورپایان خواهدداداما روز ۲۴ ژوئن که بدستور ژنرال دوگل بنمایندگی فرانسه آزاد درشرق‌نزدیک منصوب گردید باو دستور داده‌شد که ضمن‌عقدقراردادهای لازم باسوریه ولبنان درمورد استقلال این کشورها باید منافع فرانسه‌کاملا محفوظ بماند واین ممالک اتحاد خودرا با فرانسه حفظ کنند. روز ۲۵ ژوییه ۱۹۴۱ بین‌ژنرال دوگل و**لیتلتون**[۱] نمایندهٔ انگلیس در خاور نزدیک قرار دادی دربارهٔ مناسبات وهمکاری نظامی انگلیس وفرانسه آزاد درخاور نزدیک بامضارسید وحق‌تقدم فرانسه درسوریه ولبنان درقرارداد منظور گردید. چرچیل طی‌نطق خوددرمجلس عوام تصریح کرد که انگلیس بهیچوجه قصدنداردجای‌فرانسه‌رادر سوریه بگیرد ولی‌استقلال این‌دو کشور قبل‌ازپایان جنگ باید عملی شود، ژنرال کاترو روز ۲۷ سپتامبر استقلال سوریه وروز ۲۷ نوامبر استقلال لبنان را اعلام‌نمود.

فرمانبرداری از آلمان

پس ازحمله‌قوای آلمان بخاک شوروی (۲۲ژوئن ۱۹۴۱)فرانسه روابط سیاسی خود را باشوروی قطع کرد و حزب کمونیست فرانسه که‌سخت درمحظورافتاده‌بود تشکیلات علنی‌خودرا به تشکیلات‌سری ومخفی مبدل‌ساخت‌و برفعالیت خود افزود. برای مبارزه با کمونیستها، لژیون ضد بلشویك درجنوب فرانسه تشکیل‌شد وروز ۱۲ اکتبر سوگند وفاداری‌نسبت به‌هیتلریاد کرد وطبق قانون جدید مورخ ۱۴ اوت برای کسانیکه باقدامات کمونیستی یاهرج ومرج طلبی دست‌میزدندمجازاتهای‌شدیدمقرر و قبل ازپایان ماه اوت تعقیب و دستگیری‌واجرای مجازات طبق‌قانون‌جدید آغازشد. آلمانها تقاضا کردند که‌نمایندگی

۱- Lyttleton

فرانسه‌درمستملکات افریقائی حذف‌وژنرال ویگان بفرانسه احضارشود و نیزحق باستفاده ازتونس وعبورسربازان خودرا بمنظور همکاری و کمك‌به‌ارتش متحد آلمان وایتالیا که در **لیبی**[1] مشغول نبرد بودند بدست آوردند. سیاست تسلیم فرانسه در برابر آلمان مورد اعتراض‌شدید دولت امریکا قرار گرفت زیرا در برابر یکی دو گذشت کوچك که‌آلمانها خارج از مقررات ترك مخاصمه درمورد آزاد کردن قسمتی ازاسرای فرانسه دربرابر این دولت کردندحکومت‌ویشی گذشت‌های سیاسی‌و نظامی‌فوق‌العاده‌وخارج ازحدودپیمان‌ترك مخاصمه نسبت به‌آلمان‌نمود بخصوص که درقسمت‌فرانسه‌اشغال‌شده سازمانهاوتشکیلات کشوری‌کاملا بدست فرمانداری‌نظامی‌آلمان و گشتاپو[2] اداره‌میشد.

تبلیغات‌ومقاومت

اقتدارات پتن بتدریج مخالفت افکار عمومی را برمی‌انگیخت و طرفداران او معتقد بودند که مارشال باید نقش دو جانبه‌ای را درسیاست بکاربرد. تبلیغات حکومت بوسیله رادیو وآگهی وپخش‌اعلامیه ونشررسالات متضمن دعوت‌مردم به پشتیبانی ازمارشال بشدت ادامه داشت وغالباً پیامها وسخنرانی‌های مارشال که بوسیله خود اویا مشاورین وی. بخصوص **لوسین رومیه**[3] تهیه‌میشد بوسیله‌رادیوانتشارمی‌یافت. درپاریس‌دستجات سیاسی طرفدارهمکاری باآلمان برهبری **دآو دوریو**[4] بوسیله‌آلمانها تقویت‌میشدند وشعارها وفورمولهای‌رژیم نازی را بکارمیبردند وحکومت ویشی را یك حکومت اشرافی قلمداد و پتن را بعلت سکوت و دودلی وتردید درانتخاب سیاست روشن مورد حمله وانتقادقرارمیدادندومعتقد بودند که بحکم ضرورت تاریخی، آلمان دراروپای بعد ازجنك یکه‌تاز میدان سیاست و

---

۱ – Lybie یا لوبیاکه بنام‌طرابلس نیزخوانده‌شده ناحیه واقع درامتداد دریای مدیترانه بین‌مصر وتونس است که بعدازجنگ‌دوم‌استقلال یافت ـم. ۲ـ Gestapo ، پلیس نظامی آلمان ـم.

۳ – Lucien Romier ٤ Doriot –

قدرت خواهد بود وبساسیاست پتن، فرانسه مقامی راکه شایسته اوست در اروپای جدید بدست نخواهدآورد ولی علیرغم اینگونه تبلیغات ، لاوال ودآ درورسای موردسوء قصد قرارگرفتندولاوال که بسختی زخمی شده بود بزودی شفا یافت (۲۷ اوت ۱۹٤۱) .ازطرفی رادیوی فرانسه آزاددرلندن و برازاویل[۱] وازطرف دیگرنهضت مقاومت درفرانسه بوسیله اعلامیه‌ها و انتشارات مخفی تبلیغات شدیدی‌را برعلیه سیاست پتن وهمکاری اوباآلمان آغازنمودند وبعضی ازاعمال ورفتاراورا درجنك اول جهانی ودوران وزارت جنك وی در سالهای بعداز جنك اول مورد بحث و انتقاد شدید قراردادند وچنین وانمود کردند که مارشال باهر گونه تقویت نیروهای دفاعی فرانسه‌بخصوص باایجاد واحدهای موتوری و زرهی وامتدادخط ماژینو مخالفت ورزیده ودشمنی‌خودرا بارژیم دموکراسی‌بثبوت‌رسانیده است . حکومت ویشی دربرابراین تبلیغات مقررات جدیدی وضع نمود . طبق اصول۸و ۹قانون اساسی جدید مورخ ۱٤ اوت ۱۹٤۱ واصل ۱۰مورخ ۱٤ اکتبرمأمورین عالیرتبه دولت بایستی سوگندوفاداری نسبت به‌رئیس‌مملکت یاد کنند. سیاست دوجانبه‌بهیچوجه موردتأیید حکومت نیست وهیچکس حق ندارد ارادهٔ مارشال را مورد تفسیرقراردهد ویا دربارهٔ آن اظهارعقیده کند .

نهضت مقاومت علاوه برانتقاد ازحکومت ویشی مبارزه‌بانیروی‌اشغال کننده آلمان را توسعه داد . درپاریس وسایرنواحی‌اشغال‌شده روزبروزبرتعداد سوءقصد نسبت‌به‌نیروی آلمان و سازمانهای‌آلمانی افزوده میشد ومقامات‌آلمانی نیزباشدیدترین صورت ازمیهن پرستان فرانسه انتقام می کشیدند وکاربجائی رسید که ازهرخانواده فرانسوی که مورد سوءظن‌آلمانهاقرارمی گرفتندآلمانهایك‌یادونفررا بعنوان گروگان‌دستگیر وبرای‌ارعاب نهضت کنندگان دستگیرشدگان را بطور دسته‌جمعی اعدام‌می کردند (۲۱ اوت۱۹٤۱)

۱ – Brazzaville شهرمهم کنگوی فرانسه درافریقای...

چنانکه تاقبل از روز ۱۹ اکتبر ۱۲۳ نفر و روز ۲۲ اکتبر ۹۹ نفر تیرباران شدند. این کشتار وخونریزی بر اثر اعتراض شدید امریکا و شیلی بطور موقت تخفیف یافت لیکن عملیات تخریبی نهضت آتش کینه توزی آلمانها را دامن میزد و هر روز عده کثیری از افراد طبقات مختلف، بهانه کمونیست یا تروریست بودن، بوسیله پلیس آلمان یا پلیس حکومت ویشی دستگیر می شدند. دارلان و پتن مردم را به ترك مقاومت دعوت می کردند و پتن ضمن ابراز تأسف از این پیشآمدها به هیتلر نسبت باعزام افراد یهود فرانسه باروپای شرقی نیز اظهار تاسف نمود. روز ۱۵ دسامبر ۱۹۴۱ گابریل پری[1] نماینده کمونیست فرانسه که بوسیلهٔ پلیس ویشی تسلیم گشتاپو شده بود اعدام گردید.

حکومت ویشی برای جلب رضایت ژاپن نیز گذشتهائی درهندوچین نشان داد و با استقلال هندوچین فرانسه موافقت کرد ولی دوگل اعلام نمود که تصمیمات حکومت ویشی بهیچوجه ارزش ندارد. وی کمیته‌ای بنام کمیته ملی شامل یك کمیته عالی نظامی درلندن تشکیل داد (۲۴ سپتامبر ۱۹۴۱). دولت شوروی روز ۲۶ سپتامبر دوگل را بعنوان رئیس دولت فرانسه برسمیت شناخت و امریکا این دولت را مشمول مقررات وام و اجاره قرارداد (۱۱ نوامبر ۱۹۴۱) و دوگل روز ۹ دسامبر بژاپن اعلان جنك داد.

وضع اقتصادیات

آلمانها بطرق مختلف دارائی فرانسه را غارت می کردند. با تنزل دادن فرانك و تسعیر ۲۰ فرانك دربرابر یك مارك[2] قوه خرید خودرا بالابرده بودند و با اینکه منطقه آزاد (اشغال نشده) از نظر اقتصادی نسبت بمنطقه اشغالی دردرجه دوم قرارداشت و بمنابع و محصولات منطقه اشغالی نیازمند بود، آلمانها بهانه کمبود ارزاق در منطقه اشغالی، بوسیله کمیسیونهای مخصوص خرید هرچه می‌-

---

۱- Gabriel Péri ۲ - Mark واحد پول آلمان.

توانستند از محصولات منطقه آزاد و واردات بندر مارسی را که اکثر از افریقای شمالی میرسید خریداری می کردند . اقتصاد فرانسه بخصوص صنایع اتومبیل سازی و صنایع شیمیائی ونساجی مواد نسجی مصنوعی (مانند ابریشم مصنوعی) ومانند آن دردست آلمانها بود . زغال سنگ شمال وسایر مواد اولیه صنعتی رادرکارخانجاتی که برای گردانیدن ماشین عظیم جنگی خود لازم داشتند مصرف می کردند . ازسال ۱۹۴۰ ببعد تقریباً تمام ذخیره ارزی فرانسه دربانکها بوسیله آلمانها ربوده شده بود . دکتر شیفر[1] مدیر کل آلمانی بانك فرانسه وهمکار فرانسوی آن بانك بر کلیه بانکهای فرانسه نظارت داشتند. اضمحلال اقتصاد فرانسه با پرداخت ۱۴۵ میلیارد خراج بآلمان و ۴۰۰ میلیون هزینه روزانه حکومت ویشی در قبال حد اکثر سالی ۳۰۰ میلیارد درآمد کشور قطعی بنظر میرسید دولت باتکاء تقویت زارعین وبالا بردن سطح محصولات کشاورزی وبرقرار کردن جیره بندی وتثبیت قیمتها میخواست از این سقوط اقتصادی جلوگیری کند ولی یك میلیون زارع فرانسوی در اسارت آلمان و زارعین دیگر فاقد ماشینهای کشاورزی وبذر و کودهای شیمیائی بودند. برای تقلیل عده کار گران بیکار برنامه‌های عمرانی و ساختمانی در مورد راه آهن وبنادر وراههای شوسه با همکاری آلمانها بمورد اجرا گذاشته شد . دولت نوید میداد که تحولات اساسی دروضع اقتصادی واجتماعی فرانسه بوجودخواهد آورد . ایجاد سازمانهای تعاونی حتی برای اطباء ومهندسین ومعماران نمونه‌ای ازرژیم اجتماعی جدید دربرابر رژیم انفرادی قدیم بود . براثرخریدفوق العاده آلمانها گشایش ظاهری درتجارت وپول پدید آمد ولی این گشایش که درحقیقت مقدمه تورم پول وسقوط اقتصادی فرانسه بود بازارسیاه را که باید مقدمه هر گونه فساد اقتصادی وتباهی کشوردانست رونق بخشید .

۱- Dr Schaefer

دادگاه ریوم

طبق اصل هفتم قانون اساسی جدید مارشال پتن حق رسیدگی به تقصیرات و تعیین مجازات کلیه وزراء ومأمورین عالیرتبه دولت را در مدت ۱۰ سال اخیر (که خود او نیز جزء آنان بود) بدون محاکمه بخود اختصاص داده بود (۲۷ ژوئن ۱۹۴۱) وفقط شورائی که بیشتر افراد آن از سیاستمداران بودند وجنبه سیاسی آن بر جنبه قضائی برتری داشت در باره نوع و کیفیت مجازات به مارشال نظر میداد. طبق این اختیارات، پتن روز ۱۶ اکتبر ۱۹۴۱ لئون بلوم و دالادیه وژنرال گاملن را به حبس ابد محکوم نمود. چون این عمل برخلاف افکار عمومی بود دادگاه شهر **ریوم**[1] که در تاریخ ۱۹ فوریه ۱۹۴۲ تشکیل شد رجال فوق الذکر و **گی لاشامبر**[2] و **ژاکومه**[3] بازرس کل ارتش را بجرم کشانیدن فرانسه بجنگ در سال ۱۹۳۹ به محاکمه خواند. باید بخاطر آورد که حکومت جمهوری آلمان بعداز جنگ اول وشکست از متفقین زیر بار تشکیل دادگاه ومحاکمه تبهکاران و مسئولین جنگ نرفت واینك پتن حتی قبل از پایان جنگ رجال فرانسه را بجرم ورود بجنگ محاکمه می کرد. متهمین بامنطق قوی از خود دفاع کردند وموضوع اتهام از «شرکت درجنگ» به «شکست درجنگ» تبدیل ومتهمین مسئول شکست فرانسه قلمداد شدند. ولی در جریان محاکمه موضوع سهل انگاری و مسامحه اولیای ارتش و رجال سیاسی و مسئولین امور کشور در باره تقویت نیروی دفاعی کشور بمیان آمد و این اتهامات دامن خود مارشال را نیز آلوده می ساخت. از طرف دیگر مقاومت عمومی در برابر رژیم جدید بمنظور دفاع از اصول دموکراسی وحملات شدید به اختیارات پتن موجبات نارضایتی و تشویق خاطر وی و مقامات آلمانی را فراهم ساخت و دادگاه ریوم، بهانه تکمیل پرونده در تاریخ ۱۳ آوریل ۱۹۴۲ تعطیل و بعداً بکلی منحل گردید.

۱- Riom ۲- Guy la chambre ۳- Jacomet

دریاسالار دارلان درسیاست دو جانبهٔ خود شکست خورد زیرا با تظاهرشدید بضدیت با انگلستان که مورد پسند آلمانها بود هر چه بیشترفرانسه را درسیاست همکاری با نیروی فاتح وارد ساختولی نتوانست رضایت کامل پیشوا راجلب کند. پیشوا ناراضی بود وازملاقات پتن و گورینگ نیز نتیجه‌ای بدست نیامد «۱ دسامبر ۱۹۴۱». سربازان آلمانی باسرمای شدید زمستان ۴۲-۱۹۴۱ روسیه مواجه بودند و زمزمه پیاده شدن نیروی انگلیس بسواحل فرانسه بگوش میرسید و آلمانها میتوانستند بهر صورت وضع اقتصاد جنگی خود را از آنچه دراروپا بدست می‌آمد تثبیت و نیز جبهه سیاسی خود را تقویت کنند. درشب‌های ۲۷ و ۲۸ مارس ۱۹۴۲ انگلیسها یك حملهٔ آزمایشی را به‌تأسیسات بندرنظامی **سن نازر** فرانسه انجام‌دادند. ساکنین بندربانیروی مهاجم همکاری کردند وآلمانها انتقام شدیدی ازآنان کشیدند وپتن را تهدید کردند که اگر لاوال برسرکار نیاید اداره‌منطقه اشغال‌نشده‌را خود دردست خواهند گرفت. روز ۲۶ مارس، پتن شخصاً بدیدار لاوال‌رفت ووی پس‌ازگرفتن قول و پیمان وتضمینات‌کافی ازمارشال برای ریاست دولت نامزد گردید. روز ۱۷ آوریل ۱۹۴۲ امیرال دارلان بسر فرماندهی کلیه نیروهای زمینی وهوائی ودریائی فرانسه زیرنظارت مستقیم مارشال منصوب و طبق اصل ۱۱ قانون اساسی جدید مورخ ۱۸ آوریل کلیه اختیارات رئیس دولت به‌لاوال تفویض گردید ومارشال ازآن‌پس فقط عنوان‌ریاست کشور راداشت. لاوال کابینه خودراتشکیل داد ووزارت کشورو امورخارجه‌را نیز شخصاً برعهده گرفت.

بازگشت لاوال بقدرت

بازگشت لاوال بدوره انقلاب ملی پایان بخشید. وی چندان بآینده آن انقلاب‌خوشبین‌نبود وفقط‌ازسیاست «وحدت‌اروپائی» آلمان پیروی می کرد وآلمانها همواره می کوشیدند تاطرح

همکاری صمیمانه با آلمان

شرکت کامل فرانسه را در همکاری باخود ازنظر اجرای سیاست خارجی آلمان دراروپا برای‌فرانسویان مفید وامید بخش جلوه‌دهند .

لاوال برای‌اینکه موافقت ملت فرانسه را باچنان سیاستی جلب کند مجبور شد علیرغم افکارعمومی سیاست جابرانه راپیش گیرد ، سازمان لژیون جنگجویان بموجب قانون ٤ ژوئن ۱۹٤۲ تغییر و به سازمانی شبیه دستگاه اس ـ اس (SS) آلمان تبدیل یافت و **ژزف‌دارنان**[۱] بریاست آن‌سازمان منصوب گردید . روز ۲۲ ژوئن سازمان‌ضد بلشویکی فرانسه بـه لژیون جدیدی بمنظور تصرف و تسخیر مجدد مستملکات فرانسه تبدیل گردید و در سراسر فرانسه شعب این سازمـان شروع به‌سرباز گیری‌نمود . افراد این سازمـان عموماً به اونیفورم آلمانی ملبس‌بودند ودرعین‌حال نشانهای جدیدفرانسه ونیز نشان **لژیون‌دونور**[۲] را بکار میبردند .

چون آلمان میدانست که‌هرگز نمی‌تواند بکمك‌نظامی فرانسه امیدوار باشداز لاوال‌کار گرمیخواست. درژوئن ۱۹٤۲ لاوال ازملت‌فرانسه‌درخواست کرد که برای رهائی هموطنان‌اسیرخودازدست آلمانهاداوطلبانه برای‌کار کردن در آلمان آماده‌شوندولی آلمانها دربرابر هرسه نفرکارگر فقط یك اسیر فرانسوی را آزاد می کردند ولاوال نتوانست از اقدامات خودنتیجه‌ای بدست‌آورد ، فقط عده معدودی از کارگران بیکار بطمع دستمزد زیادی که‌بآنان پیشنهاد می‌شد بآلمان رفتند . لاوال روز ٤ سپتامبر ۱۹٤۲ قانونی‌وضع نمود که‌برخلاف کلیه‌موازین بین‌المللی، متضمن برقراری کار اجباری بنفع آلمـان در فرانسه ودرین قانون‌خاطرنشان شده بود که‌کارگرانی که‌نامزدکار درآلمان میشوندا گر ازرفتن امتناع ورزند دیگراز حقوق ایام بیکاری استفاده نخواهند کرد . پتن بیهوده‌سعی می کرد که‌اعمال لاوال را پرده‌پوشی ومردم‌را بقبول سیاست دولت دعوت کند ولی خود

۱– Joseph Darnand ۲– Légion d'honneur

او نیز میدانست که گفته‌ها و پیامهایش تأثیری ندارد . همکاران صمیمی و قدیمی مارشال ازدور اوپراکنده شده ومشتی مردم طماع وسودپرست اوراا حاطه کرده بودند وفقط یك اقلیت ناچیز از مردم هنوز به مارشال ـ آنهم تنها بخاطر «سیمای موقر و واجب‌الاحترام او» دلبستگی داشتند . علاوه براین زمام قدرت دیگر دردست پتن نبود ولاوال همه‌کاره کشور و«آرزومند فتح نهائی برای آلمان» بود[1] .

مردم‌فرانسه دربرابر سیاست‌دولت‌لاوال مقاومت شدیدی نشان‌میدادند . آگهی‌ها واعلامیه‌های‌دولت‌پاره میشد . در کلیه کارخانجات کارگران بکندی کار می کردند و تخلف ازمقررات و دستورات حکومت یك امر عادی شده‌بود ، درعین حال خرابکاری در مؤسسات آلمانها روزبروز فزونی میبافت وبا انتقام بیرحمانه و خونین مقامات آلمانی مواجه می‌شد . آلمانها اعلام کردند که‌زن و فرزندان کسانی که‌عامل یامحرك هر ـ گونه خرابکاری شناخته شوند دستگیر و در صورت اقتضا اعدام خواهندشد . روز ۱۹ اوت ۱۹۴۲ یکدسته قوی از **کوماندوهای**[2] کانادائی‌باارابه‌های جنگی در بندر **دیپ**[3] پیاده شدند ودربرابر عکس‌العمل وحمله شدید وسریع آلمانها مدت ۹ ساعت درساحل ایستادگی کردند ولی‌بادادن تلفات سنگین به‌پایگاه خود برگشتند . این حمله‌برای متفقین ازلحاظ آزمایش قوامفید بود ولی‌تبلیغات آلمانها درفرانسه عدم موفقیت متفقین راخیلی بیش‌از آنچه بودمهم‌جلوه‌داد .

روز۵مه۱۹۴۲. نیروی‌انگلیس به‌پایگاه دریائی **دیگوسوارز**[4] **درماداگاسکار**[5] پیاده وآنجارا متصرف شد وسه‌روز بعد جزیره **مایوت**[6] را نیز بتصرف خود درآورد .

۱- لاوال درپیام رادیوئی‌خود روز۲۲ ژوئن ۱۹۴۲ گفته‌بود که«من آرزومند پیروزی آلمان هستم» . ۲- Commando ۳- Dieppe بندر فرانسه در ساحل دریای مانش- م.
۴- Diego Suarez ۵- Madagascar ۶- Mayotte از جزایرمتعلق بفرانسه در اقیانوس هند ـ م.

این عملیات که ابتدا بسیار محدود بود پس از مشاهده زیردریائی‌های ژاپن در سواحل ماداگاسکار به عملیات دامنه داری در آن جزیره مبدل گردید و در ۵ نوامبر ۱۹۴۲ پس از زدوخوردهائی پیمان ترك مخاصمه بین فرماندهی نیروی انگلیس وحکمران فرانسوی ماداگاسکار بامضا رسید و این واقعه درمطبوعات فرانسه وابسته به حکومت ویشی زیرعنوان «دزدی جدید انگلیسها از مستملکات فرانسه» مورد بحث قرار گرفت . اندکی بعد اداره امور ماداگاسکار بحکومت دوگل واگذار شد (۱۴ دسامبر ۱۹۴۲) ، جزیره **رئونیون**[1] نیز قبلا بتصرف نیروی افریقای جنوبی انگلیس درآمده بود .

پیاده شدن نیروی متفقین در افریقای شمالی

از نوامبر ۱۹۴۰ ببعد بین مقامات امریکائی و انگلیسی و بعضی ازرجال و شخصیت‌های فرانسه برای تشکیل پایگاههای جدید دفاعی و تعرضی درشمال افریقا مذاکراتی صورت میگرفت ونقشه کار این بود که مستملکات فرانسه درشمال افریقا ازحکومت مرکزی فرانسه مجزا و باحکومت واحدی که بیکی ازشخصیت‌های مبرز فرانسوی سپرده خواهد شد اداره شود و **مورفی**[2] بیش از سایر اولیای متفقین درین زمینه پافشاری می کرد .

ژنرال ویگان دربرابر نقشه متفقین سکوت اختیار کرد ولی دوگل نظریه خود را صریحاً ابرازداشت وسرانجام پس ازفرار ژنرال **ژیرو**[3] اززندان آلمانها، وی نیز برای شرکت در اجرای نقشه مزبور دعوت شد و روز ۱۸ ژوئیه ۱۹۴۲ در باره اجرای نقشه موافقتنامه‌ای بین او و مورفی بامضارسید . ژنرال **ماست**[4] که دراوت ۱۹۴۲ بفرماندهی نیروی فرانسه درالجزیره منصوب شده بود و ژنرال **بتوارد**[5] فرمانده نیروی فرانسه در

---

۱ – Réunion از جزایر متعلق بفرانسه در نزدیکی سواحل شرقی افریقا در اقیانوس هندـم. ۲ – Murphy ۳ – Giraud ۴ – Mast ۵ – Bethouard

رباط[1] (مراکش‌فرانسه) نیزموافقت خود را با اجرای نقشه متفقین اعلام داشتند ولی فرماندارافریقای‌شرقی فرانسه **بواسون** امتناع‌ورزید. روز۲۳اکتبردریکی‌ازدهکده‌های نزدیك **شرشل**[2] ملاقاتی بین افسران‌انگلیسی وآمریکائی باحضور ژنرال ماست وژنرال **کلارك**[3] برای‌شور واخذ تصمیم نهائی درباره اجرای نقشهٔ متفقین‌روی داد. در مراکش والجزایردستجاتی برای همکاری بانیروهای متفقین‌آماده شده بودند و ژنرال ژیرو شب ششم نوامبر بوسیلهٔ یك‌زیردریائی به‌جبل‌الطارق رفت وبا **ایزنهاور**[4] که اداره عملیات جنگی متفقین درشمال افریقا برعهده‌او محول بود ملاقات کرد. درهمین‌ضمن‌دریاسالاردارلان بعنوان عیادت فرزند بیمارخود به‌الجزایر واردشد (۵نوامبر).

ساعت ۳صبح روز۸ نوامبر که نیروی متفقین حمله خود را بشمال افریقا بمنظور پیاده‌شدن بساحل آغازنمود وضع‌سیاسی‌شمال افریقا بشدت متشنج ومبهم‌بود. درمراکش دریاسالار **میشله**[5] به‌نیروی‌دریائی‌فرانسه درکازابلانکادستور مقاومت‌داد ونیروی مهاجم امریکائی آتش‌توپخانه‌را بروی‌آنان باز کرد. بدستور **نوگس**[6] فرماندارکل فرانسه در مراکش،ژنرال بتواردوهمکاران‌اودستگیرشدندولی‌سربازان‌فرانسوی‌درساحل‌ازمقاومت‌در برابرنیروی متفقین‌امتناع ورزیدند. درالجزیره دارلان که بوسیله‌عده‌ای ازقوای‌طرفدار حکومت ویشی حفاظت می‌شد دستورمقاومت صادر کرد،نیروی دریائی‌اوران دستوراو را اجرانمودولی‌نیروی‌زمینی‌ازمقاومت دست کشید ونیروی مهاجم پیروزشد. دارلان که بازداشت شده‌بود طی‌ملاقات با مورفی دستور ترك‌مقاومت صادرنمود. روز۱۱ نوامبر نبرد درشمال‌افریقا رسماً پایان‌یافت، از نیروی فرانسوی مقیم آن‌ناحیه ۵۰۰نفر کشته و۲۰۰۰

---

۱ – Rabat پایتخت مراکش فرانسه که در حدود ۱۶۰ هزار نفر جمعیت دارد و یکی از مهمترین مراکز تمدن اسلامی درافریقای شمالی بوده‌است.م. ۲ – Cherchel از بلادالجزایر، ۳ – Clark ٤ – Eisenhower ۵ – Michelet ٦ – Nogués

نفرزخمی‌شده بودند .

پتن درپاسخ پیام روزولت رئیس جمهوری امریکا گفت که « ما مورد حمله قرار گرفته‌ایم وازخود دفاع خواهیم کرد واین‌است آنچه من فرمان‌میدهم» سپس فرماندهی کل‌قوای بری و بحری وهوائی‌فرانسه‌را دردست گرفت وروابط‌سیاسی خودرا باامریکاقطع کرد . دارلان روز ۱۱ نوامبر ، پس ازپایان‌نبرد ، اظهار داشت که بنام مارشال پتن اداره امورمستملکات فرانسه‌رادرشمال افریقا برعهده خواهد گرفت ولی پتن اورا متهم کرد که ازفرمان اوسرپیچی کرده‌است معذلك دارلان بعنوان اینکه آلمانهاکلیه وسائل مخابراتی فرانسه را تحت نظارت خود قرار داده‌اند ، اظهار داشت که دستورات او باید بمنزلهٔ دستورات مارشال تلقی‌شود ، آنگاه ژنرال ژیرو را به‌سرفرماندهی‌کلیه‌نیروهای‌فرانسه‌در شمال افریقا منصوب‌نمود . پتن طی پیامی سربازان فرانسه را به‌سرپیچی از فرمان ژیرو دعوت کرد ولی ژیرو سربازان‌را مخاطب قرارداد و گفت : «همه بامارشال متحد هستیم ویك هدف بیشتر نداریم وآن انجام وظیفه‌است» . روز ۱۲ نوامبرپتن ، دریا سالاردارلان راازکلیه‌مناصب‌ومشاغلی که‌داشت‌عزل کرد،معذلك‌موافقت‌های‌قبلی که‌بین‌مقامات‌امریکائی ومقامات‌فرانسوی‌درشمال افریقا بعمل آمده‌وبامضارسیده‌بود پس‌از ترك مخاصمه‌کان لم‌یکن شد ومتوافقتنامه‌جدیدی‌درتاریخ ۲۲ نوامبر بین کلارك ودارلان بامضارسید وطی‌آن حدود مناسبات مقامات فرانسوی وامریکائی درشمال افریقا تعیین گردید . ضمناً دولت‌امریکا از تاریخ ۱۳ نوامبر شمال افریقا را مشمول‌قانون وام واجاره قرار داده بود .

عکس‌العمل آلمان

عکس‌العمل آلمان درشمال افریقا بسیار سریع بود . چتر بازان آلمانی ازراه هوا ونیروی زمینی از راه دریا به‌تونس‌واردشدند .

دریاسالاراستوا[1] فرماندار کل فرانسه در تونس هیچگونه

۱ - Steva

اعتراضی نکرد ولی اکثر واحد های فرانسوی بدستور ژنرال **باره**[1] که اتمام حجت آلمانها را برای ترك مقاومت رد کرده‌بود، جبهه مقاومت جدیدی در مرزهای تونس و الجزایر تشکیل‌دادند وعلیرغم قلت‌عده‌و کمی اسلحه آنقدر دربرابر فشار نیروی آلمان مقاومت کردند تاواحدهای انگلیس وامریکا برای استقرار دربرابر نیروی مهاجم آماده شدند .

هیتلر، به‌بهانه ورود نیروی‌متفقین‌بشمال‌افریقاولزوم‌تجدید نظردرپیمان‌ترك‌مخاصمه که شرایط و مقتضیات آن‌تغییر کرده‌بود ، دستور اشغال تمامی خاك‌فرانسه‌را صادر کرد (۱۱نوامبر ۱۹٤۲)، فرمان‌پیشوا بدون‌حوادث مهم‌انجام گرفت، ایتالیائیها روز۱۲نوامبر جزیره کرس وناحیه جنوب شرقی فرانسه را تصرف کردند وهیتلر برای‌آنکه تعهدات خودرا در باره ناوگان فرانسه طبق پیمان ترك مخاصمه انجام داده باشد اجازه داد که بندرتولون دردست مقامات فرانسوی‌باقی‌بماند وپتن فقط به‌ارسال‌یك یادداشت اعتراض‌آمیز به‌برلین‌اکتفا کرد . واحدهای ارتش فرانسه که طبق پیمان باقی مانده‌بودندخلع سلاح ومرخص‌شدند . روز۲۷نوامبر ، هیتلر ببهانه فعالیت‌دستجات‌میهن‌پرستان‌فرانسوی برعلیه‌آلمان وسیاست‌اروپائی‌پیشوادستوراشغال‌تولون‌رانیزصادر کرد،مدخل‌بندرقبلابوسیله مین‌های مغناطیسی مسدود گردیده‌بود وتانکهای‌آلمانی سراسر بندر و لنگرگاه تولون را اشغال‌نمودند . طبق‌دستورحکومت فرانسه که‌به دریاسالار **دولابرد**[2] درتولون ابلاغ شد ناوگان فرانسه ، بغیرازچند ناو کوچك وسبك که بشمال افریقا حرکت کردندخود را غرق کردند ورویهمرفته ٦۱ کشتی بظرفیت۲۲۵ هزارتن وازجمله‌زره‌داراستراسبورك نابود گردید .

فرانسه اشغال‌شده‌وفاقد سرباز واسلحه ، فرانسه‌ای که‌هم نیروی دریائی و هم

---

۱ – Barré ۲ – Amiral de Laborde

مستعمرات خودرا ازدست‌داده وزیرنظارت مستقیم آلمان قرار گرفته‌بود میبایستی روزی ۵۰۰ میلیون فرانك خراج بآلمان بپردازد . پیمان ترك مخاصمه عملا لغو شده و هر فرانسوی باین نکته پی برده‌بود که درچنان‌شرایطی دیگر همکاری باآلمان‌معنی ومفهوم خارجی‌نداردومعتقدبودند که‌پتن‌میتوانست بااستفاده‌ازموقع‌خاك‌فرانسه‌راترك‌وخودرا ازقید تبعیت آلمانها آزادنماید . حکومت فرانسه تنهاکاری که انجام‌داد این‌بود که چند تن از رجال فرانسه مانند دالادیه و بلوم و رینوو گاملن را بمنظور نجات از کینه‌توزی دشمن بمرز اسپانیا فرستاد ولی دولت مزبور پناهندگان را باژنرال ویگان بمقامات آلمانی تسلیم‌نمود .

لاوال روز ۹نوامبر دربرچسگادن فرامین‌واوامر پیشوا را یادداشت‌می کردوچون بفرانسه بازگشت طبق‌اصل ۱۲ قانون‌اساسی جدید ریاست فرانسه بااختیارات مطلقه و کامل برای وضع و اجرای هرنوع قانون ولایحه قانونی بشخص‌او تفویض‌وبدین‌ترتیب اختیارات پتن‌به‌لاوال منتقل گردید .

اختلاف و آشوب در افریقای شمالی

پیاده شدن نیروی متفقین به مراکش والجزایردرنظرعناصر مخالف حکومت ویشی وفرانسویانی که نتایج‌فداکاری ومبارزه آنانرا دارلان ربوده بود یکنوع اغفال تلقی شد . روز٤ دسامبر طبق یك لایحه قانونی‌دارلان بریاست‌حکومت وفرماندهی کلیه قوای‌فرانسه‌درشمال افریقامنصوب وشورای امپراطوری (منظور مستعمرات است- م.) مرکب ازافسران عالیرتبه فرانسه: **نوگس، باره، برژره،** و فرمانداران فرانسوی : **بودسون، شاتل،** (که روز۸ نوامبر مردم الجزایررا بمقاومت در برابرنیروی‌مهاجم‌امریکادعوت کرده‌بود)تشکیل گردید. ازطرفی‌عده‌ای ازسلطنت‌طلبان میخواستند با استفاده ازشرایط مساعد زمان واختلافات‌سیاسی موجودکاندیدای‌خود

کنت دوپاری[1] را بمقام ومنصب برسانند،شایعه توطئه و بندوبست‌های سیاسی متعدد در الجزایر بگوش میرسید.روز۲۴ دسامبر دریاسالاردارلان بدست یکی ازطرفداران دوگل بقتل رسید و درتشییع باشکوه جنازه اوافسران امریکائی شرکت کردند، قاتل دارلان[2] پس ازمحاکمه درداد گاه نظامی لشکر۱۹ فرانسه محکوم بمرگ وروز۲۶ دسامبر اعدام شد. عده زیادی ازافراد سازمان مقاومت که ورودنیروهای امریکائی را بشمال افریقا تسهیل کرده بودند بزندان افتادند وروز۲۶ دسامبرژنرال ژیرو بجای دارلان، بریاست‌حکومت وژنرال **ژوئن**[3] بفرماندهی کل نیروی فرانسه درشمال افریقا منصوب شدند.

وضع بحرانی شمال افریقا، دوگل رابرآن داشت که بوسیله مذاکره‌مستقیم باژیزو مشکلات‌راحل کند.ملاقات‌دوافسرعالیرتبه فرانسه‌درکازابلانکا درتاریخ۲۴ژانویه۱۹۴۳ صورت گرفت‌ودرهمان روزها روزولت‌وچرچیل‌درمراکش کنفرانسی تشکیل‌داده بودند (این کنفرانسی از ۱۴ ژانویه ۱۹۴۳ آغازشده بود). کلیه مسائل‌مربوط به تمایلات سیاسی اشخاص ودستجات ومردود شناختن رژیم ویشی وبرقراری روابط جدید سیاسی باحکومتهای انگلیس وامریکا بین دوگل وژیرومورد بحث قرار گرفت‌واین‌مذاکرات ازتاثیرسیاستهای‌خارجی بر کنارنبود. نتیجه‌این‌ملاقات درملاقات دیگری که روز۳۱مه ۱۹۴۳ بین‌این دوفرمانده روی‌داد بدست‌آمدوسرانجام درسوم ژوئن۱۹۴۳حکومت واحد مرکزی**وکمیتهٔ ملی فرانسه‌آزاد**[4] بوجودآمد.

فرانسه‌آزاد در میدان‌نبرد

شکست مذاکرات سیاسی درباب تأمین وحدت فرانسه قبل‌از حصول موافقت سوم ژوئن ۱۹۴۳ مانع ازشرکت فرانسه‌آزاددر جنگ برعلیه‌آلمان وایتالیانگردید.واحدهای‌سربازان‌داوطلب فرانسوی درشدیدترین‌نبردهای متفقین برای آزادکردن حبشه

---

۱ – Comte de Paris ۲– قاتل‌دارلان شخصی بنام Bonnier de la chapelle بود.

۳ – Juin ٤ – عنوان این کمیته که باعلامت‌اختصاری C. F. N. L ذکرشده– Comité Francais De Liberation nationale–است.

ازقید تسلط ایتالیاشرکت کردند،چهارهزار سربازفرانسوی بدستور ژنرال **کونیك** در جنك **بئرالحکیم** (درلیبی) پایداری دلیرانه‌ای دربرابرنیروی آلمان که میخواست نیروهای مهاجم انگلیسی را درساحل مورد حمله قراردهد ازخودنشان دادند (مه وژوئن۱۹۴۳) و دستهٔ دیگرازنیروی‌فرانسه‌آزاد بفرماندهی ژنرال **لکلرك** که‌ازپایگاه خود **درچاد**[۲] حرکت کرده بود نیروی ایتالیا رادر**فزان**[۳] شکست داد ودر۱۳ ژانوایه۱۹۴۳ارتباط‌خود را با سپاه **منگمری**[۴] در**طرابلس**[۵] برقرارساخت . درنواحی مرزی تونس والجزایر هنگام‌پیاده‌شدن‌نیروی‌متفقین بشمال‌افریقاسربازان فرانسوی دربرابرنیروی عظیم آلمان مقاومت‌وکارمتفقین‌راآسان کردندنیروی‌دریائی‌فرانسه آزاددوش‌بدوش‌متفقین درجنك بازیر دریائیهای دشمن فعالیت میکرد و$\frac{1}{4}$ازبحریه تجارتی فرانسه دراختیارانگلستان گذاشته شده بود . درجبهه شوروی نیزدسته **نورماندی**[۶] ازنیروی هوائی فرانسه بانیروی هوائی شوروی درجنك باآلمان همکاری می کردند .

اعزام کارگر به آلمان و ماکی‌ها

لاوال جزاطاعت ازاوامرپیشوا راه دیگری نداشت و درعین حال که کلیه منابع‌اقتصادی‌فرانسه را برای پیشرفت سیاست جنگی آلمان بکارانداخته‌بود چنین تصورمی کرد که میخواهد فرانسه را ازخطرنجات‌بدهد.سیاست همکاری‌اجباری باآلمان زیرسایه سرنیزه‌پلیس‌ویشی‌اجرامیشد .تعطیل‌روزافزون‌کارگاههای‌صنعتی ومؤسسات‌بازرگانی‌فرانسه‌وجلوگیری‌ازافزایش دستمزدکارگران‌بمنظوربالابردن ارزش مارك دربرابرفرانك ونتایج دیگری که از سیاست لاوال بدست آمد کاملا مطابق‌میل‌و

---

۱ – Koenig ۲– Tchad درافریقای مرکزی فرانسه مجاور نیجریا–م. ۳–Fezzan یکی‌از شهرهای مرکزی‌لیبی–م. ٤– Montgomery ٥– Tripolitaine قسمت‌شمال‌غربی لیبی درساحل‌مدیترانه–م. ٦– Normandie

آرزوی **سوکل**[1] مدیر آلمانی امور کارگری در فرانسه بود. آلمانها علیرغم وعده‌ای که برای مبادله اسرای جنگی فرانسه با کارگران فرانسوی داده بودند فقط عده قلیلی از اسرا را که سخت بیمار بودند آزاد کردند و از طرف دیگر طبق موافقت حکومت ویشی اسرای جنگی فرانسه در آلمان بصورت کارگران عادی در آمدند و بدستور مقامات آلمانی در معادن و کارخانه‌ها به کار گماشته شدند .

سوکل در آغاز سال ۱۹۴۳ از حکومت ویشی ۲۵۰ هزار نفر کارگر که ۱۵۰ هزار نفر از کارگران ورزیده و متخصص بودند و در آوریل آن سال مجدداً ۲۲۰ هزار کارگر برای آلمان و ۱۸۰ هزار نفر برای موسسات صنعتی آلمان در فرانسه خواست . لاوال تصمیم گرفت که جوانان فرانسوی را برای خدمت بآلمان مجهز و آماده کار کند و از ۳۱ مه ۱۹۴۳ ببعد طبقات مشمولین ۱۹۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و قسمتی از مشمولین ۱۹۳۹ و سپس کلیه مشمولین ۱۹۴۳ را احضار کرد و طبق قانون مورخ ۲۰ اکتبر نام نویسی برای خدمت زنان و دختران فرانسوی نیز آغاز گردید و این اقدامات هنگامی صورت میگرفت که جریان نبرد در جبهه شوروی و ایتالیا پیروزی سریع متفقین را نوید میداد و در عین حال بمبارانهای مدمش نیروی هوائی متفقین در آلمان خطرات عظیمی برای کلیه کارگران فراهم ساخته بود . از میان جوانان فرانسوی که برای همکاری با آلمان تجهیز میشدند عده زیادی با استفاده از فرصت بنواحی جنگلی کوهستانی فرانسه گریخته هسته‌های اصلی، ولی متفرق و متشتت، مبارزه برعلیه نیروی آلمان و ایتالیا را فراهم ساختند و این افراد و دستجات که در پناه جنگلها و کوهها خود را از نظر دشمن مخفی و بجنگ پارتیزانی قیام کرده

۱- Sauckel

بودند وبنام **ماکی**[1] خوانده میشدند پیوسته تحت تعقیب پلیس لاوال بودند.

چریکها و لژیونها

بموجب قانون مورخ ۳۰ ژانویه ۱۹۴۳ عنوان جدیدی برای سازمان لژیونهای فرانسه که قبلا بصورت دستگاهی نظیر دستگاه اس-اس آلمان درآمده بود **وژزف دارنان** دررأس آن قرار داشت انتخاب وسازمان مزبور که بایستی ازرژیم جدید دفاع کند بنام «چریك فرانسه» نامیده شد وتشکیلات آن بصورت نیمه نظامی درآمد. افراد این سازمان که بااجازه آلمانها در سراسر خاك فرانسه بسط یافت دوش بدوش دستگاه گشتاپوی آلمان و باهمان روش بیرحمانه وغیرانسانی قربانیان خودرا که هموطنان آنان بودند زجر وشکنجه میدادند. ژزف دارنان از ۳۰ دسامبر ۱۹۴۳ بدبیری کل سازمان چریك فرانسه منصوب شد و بموجب قانون مورخ ۲۰ ژانویه ۱۹۴۴ یك دادگاه نظامی برای محاکمه افراد نهضت مقاومت باعضویت چریکهائی که دارنان انتخاب کرد تشکیل شد و این دادگاه بدون احتیاج به قانون مجازات عمومی ومانند یك دادگاه صحرائی متهمین به قیام برعلیه مصالح حکومت را محاکمه وفی المجلس اعدام میکرد.

حکومت لاوال از نظر تبلیغات برله خود طبق قانون ۱۵ ژویه ۱۹۴۳ با اجازه آلمانها اولین دسته ارتش فرانسه خلع سلاح شده را تشکیل داد وقبلا در نوامبر ۱۹۴۳ فالانژ افریقائی را برای بیرون راندن متفقین ازمستملکات فرانسه در شمال افریقا ترتیب داده بودولی از تاریخ ۱۷ ژانویه ۱۹۴۳ این فالانژ با لژیون مدافع امپراطوری ترکیب وازمجموع آنها

---

۱ - Maquis درلغت به بیشه وجنگل‌های مخصوص جزیره کرس گفته میشود که غالبا شکارگاه واحیانا کمینگاه راهزنان است ودرمتن کتاب این اصطلاح درمورد افراد ودستجات مبارز فرانسوی ودر حقیقت اصطلاح ظرف برای مظروف بکار برده شده است - م.

«لژیون داوطلبان فرانسه[1]» بوجود آمد و میتوانست در تمام جبهه‌های جنگ شرکت کند و این لژیون مدتی در جبهه شوروی با اونیفورم آلمانی با آلمانها همکاری می کرد. روز ۲۳ ژوییه ۱۹۴۳ لاوال جوانان فرانسوی را به نام نویسی در واحدهائی که آلمانها طبق مقررات خاص برای داوطلبان غیر آلمانی تشکیل داده بودند دعوت نمود[2]. داوطلبان میبایستی هنگام ثبت نام سوگند وفاداری به دارنان و دوریو یاد کنند. در مه ۱۹۴۳ طبق موافقتنامه‌ای که بین حکومت ویشی و ژنرال **یودل**[3] رئیس رکن عملیات جنگی در ستاد ارتش آلمان بامضا رسید هوانوردان واحد نورماندی فرانسه که در جبهه جنگ شوروی بدست آلمانها اسیر شده بودند برای محاکمه و مجازات بحکومت ویشی سپرده شدند.

فشار روزافزون حکومت پلیسی ویشی و هزینه هنگفت قوای آلمان و کمبود خوار و بار و مواد ضروری زندگی که حتی از میزان سالهای محنت بار ۱۹۱۴-۱۸ هم پائین تر رسیده بود، ویرانی مؤسسات صنعتی و طرق ارتباطیه بر اثر بمبارانهای شدید انگلیس و امریکا و صدها مصائب و آلام طاقت فرسای دیگر بار سنگینی بر دوش ملت فرانسه تحمیل نموده بود و با اینهمه فرانسویان با شجاعت بی نظیری این مصائب را تحمل می کردند و بامید آینده دامن صبر و شکیبائی را از دست نمیدادند.

توسعه نهضت مقاومت

غیر از چند هزار نفر از چریکها و افراد معدود لژیون داوطلبان فرانسه و دار و دسته‌ٔ **دآ ودوریو ودولنکل**[4] و **لوشر**[5] که باوجود قلت عده سر و صدای زیادی در مطبوعات وابسته بخود براه انداخته بودند و عده‌ای از وزیران و مامورین عالیرتبه دولت که فقط طالب حفظ مقام خویش بودند در میان فرانسویان کسی طرفدار سیاست همکاری با آلمان نبود. از

۱- Légion des volontaires Francais (L . V . F).

۲- این واحدها در اصلاح آلمانی، وافن اس-اس WaffenS-S خوانده میشدند.

۳- Jodl ۴- Doloncle ۵- Luchaire

طبقه‌سرمایه‌دار که‌در آغاز کار بمناسبت‌سوابق پتن‌و نیز علیرغم‌خطر کمونیسم‌و بعلت‌تمایلات مذهبی‌حکومت‌پتن‌ازاوپشتیبانی‌می کردندعده‌ای‌دست‌ازحمایت‌دولت کشیدندوعده‌دیگری به‌نهضت مقاومت پیوستند، هیئت روحانیون فرانسه که پتن‌را احیا کنندهٔ کلیسامیدانست ومدتها نام اورادرردیف خدمتگزاران‌صدیق‌جامعه روحانی قرارداده‌بود دربرابر تضییقاتی که به‌اقلیت مذهبی یهودواردمی‌شدورفتار غیرانسانی وبیرحمانه‌ای که نسبت‌به‌کارگران مردوزن‌اعزامی‌بآلمان‌بعمل‌می آمدازپشیبانی‌حکومت‌پتن‌دست کشیده‌و بسیاست آن‌حکومت معترض‌بود. دولت ویشی در برابر بیداری افکار عمومی رژیم حکومت پلیس‌را روز بروز توسعه‌میداد وهرچه بیشتر انجمنهای بلدی‌را منحل‌می کرد وضمناً برای ترضیه‌خاطرمردم درتابستان ۱۹۴۳ درصدد برآمد که ازنمایندگان سابق پارلمان کسانیرا که کمترمورد اتهام و رسوائی‌قرار گرفته‌بودند دورهم‌جمع وپارلمان فرانسه‌را احیا کند. موضوع‌عفو عمومی‌نیز برسرزبانها افتاده‌بود.

مسئله‌احتمال‌پیاده‌شدن‌نیروی متفقین‌درخاك فرانسه آلمانهارابوضع سیاسی‌فرانسه سخت متوجه‌ساخته بود. دستجات نهضت مقاومت روزبروز فشرده‌تر وبرای مبارزه قطعی آماده‌تر می‌شدند، انگلیسها بوسیله چتربازان خوداسلحه‌ومهمات برای آنان می‌فرستادند وپیکهای مخفی‌مرتباً بین‌انگلستان وفرانسه‌دررفت وآمد بودند. بتدریج شبکه‌های‌نهضت مقاومت تشکیل وتنظیم وسازمانهای آن مرتب وروساءورهبران نهضت برای‌تامین‌ارتباط دستجات‌بایکدیگر تعیین گردیدند وکمیته‌ای بنام «**کمیته ملی مقاومت**[۱]» تشکیل شد. رئیس این کمیته **ژان‌مولن**[۲] مشهوربه **ماکس**[۳] بدست گشتاپو گرفتار وبعداززجر وشکنجه اعدام‌شد وریاست کمیته به‌**ژرژ بیدو**[۴] محول گردید.

۱- (C.N.R) Comité National de la Résistance ۲- J. Moulin ۳- Max

۴- Georges Bidault

نهضت مقاومت پتن را نیز تحت تأثیر قرارداد. وی بکسانیکه مخالف با سیاست همکاری با آلمان بودند نزدیکتر شدو از اکتبر ۱۹۴۳ ببعد بلترمیم کابینه که مورد علاقه لاوال ومنظور از آن تأمین همکاری کامل با آلمان بود مخالفت می‌ورزید. روز ۱۳ نوامبر، پتن خطابه‌ای نوشت و آلمانها از درج آن درجراید جلوگیری کردند لیکن آن خطابه در **ژورنال دوژنو**[۱] انتشاریافت. پتن در آن خطابه اصل چهارم اصلاحی قانون اساسی جدید را درباره تشکیل جلسه مشترک مجلسین سناو مبعوثان مورد تفسیر قرارداده وخاطر نشان ساخته بود که فقط مجلسین میتوانند اختیارات قانونی وی را دردست بگیرند و کلیه لوایح قوانین و تصمیماتی که از ۱۸ ژوییه ۱۹٤۰ ببعد وضع و یا اتخاذ گردیده و بنحوی از انحاء در تضعیف یا سلب اختیارات مجلسین مؤثر بوده است از این پس منسوخ خواهد بود. پس از انتشار این خطابه پتن برای آنکه مجال گفتگو به مخالفین نداده باشد از استفاده از اختیارات خود صرفنظر کرد ولی چون **آبتس** نماینده آلمان در ویشی او را تهدید نمود که یکنفر فرماندار آلمانی بجای او منصوب خواهدشد وی مجدداً زمام امور را در دست گرفت و ضمناً در روژنال دوژنو اعلام نمود که اصل چهارم اصلاحی همچنان بقوت خود باقی است. کمیته ملی مقاومت باختیارات قانونی پتن اعتراض وخاطر نشان کرد که چون با وجود نیروی دشمن انجام وظیفه بطور آزاد برای مجلسین امکان ندارد نمایندگان مجلسین نباید دعوت دولت را برای تشکیل جلسه بپذیرند معذلك درحدود یکصد نفر از نمایندگان سنا ومبعوثان بدعوت دولت اجتماع کردند ومارشال را بعلت اتخاذ تصمیم درباره احیای قوه قانونگذاری تبریك گفتند وبه مندرجات اعلامیه کمیته الجزایر مبنی بر طرد نمایندگانی که قبلا با اعطای اختیارات کامل به مارشال موافقت کرده بودند اعتراض نمودند.

۱- J . de Genève

حکومت لاوال ـ دارنان

لاوال باوجود آنکه‌ازجانشینی پتن‌محروم گردید. هنوز زمامدار مطلق‌العنان فرانسه بود وبا قبضه کردن امور پلیس وژاندارمری وگارد سیار وچریکها واردوگاههای اسیران جنگی و نظارت برخواروبار وجیره‌بندی و مانندآن قدرت کافی دردست داشت.

دارنان درحقیقت‌فقط مامور اجرای دستورات گشتاپو بشمار می‌آمدوخود پتن‌نیز تحت نظرمستقیم مامورسیاسی آلمان **رنت فینك**[1] قرار گرفته‌وهرگونه اجتماعاتی که‌ممکن بودوسیله یامرکز نهضت ومبارزه‌بادولت قرارگیرد مانندپرورشگاههای جوانان‌ولژیون مبارزین وامثال آنها منع گردید.

از آغاز سال ۱۹٤٤ **سوکل** مجدداً ازفرانسه‌کارگرخواست ومنظورآلمانها ازاعزام کارگران فرانسوی بآلمان ، درحالیکه براثـر بمبارانهای شدیـد متفقین غالب مراکز صنعتی آلمان ازکار افتاده و۱۰میلیون نفراسیر وکارگر خارجی در آن کشوربیکارمانده بودند تهی کردن این کشور ازطبقه جوان وفلج ساختن منابع حیاتی فرانسه بود . لاوال درفرمان (یا قانون)مورخ اول فوریه ۱۹٤٤ اعلادنمود که کلیه مردان بین۱٦ و٦٥سال وزنان بین ۱۸ و٤٥ سال ممکن است بآلمان اعزام شوند وهرکارگری که بعذر بیماری ازرفتن امتناع ورزدو هرپزشکی که گواهی بیماری برای این گونه کارگران صادر کند بسختی مجازات خواهند شد. ضمناً سازمان‌جدیدی برای دستگیری افراد نهضت مقاومت مرکب‌از اعضای آلمانی وفرانسوی‌وابسته بسازمان‌نظارت برکار بوجود آمد و روز ۱٦ مارس ۱۹٤٤ تـ آ باسمت وزیرمشاور بریاست سازمان‌کار وتعاون‌فرانسه منصوب گردید. وی بـرای افزایش عده‌کارگران اعزامی به آلمان کوشش زیـاد بکار برد واندك زمانی

۱- Renthe -Fink

نگذشت که عده‌اسیران جنگی فرانسه‌در آلمان که‌بکار گری گماشته شده بودند به‌یك میلیون نفر و عده کارگران اعزامی به ۸۰۰٫۰۰۰ نفر و تعداد کارگرانی که در مؤسسات آلمانی در فرانسه‌کار می کردند به ۷۵۰ هزار نفررسید درصورتیکه قریب به ۲۰۰٫۰۰۰ نفر فرانسوی بجرائم سیاسی دستگیر و بآلمان اعزام وعده‌زیادی از مردم آلزاس ولرن باجبار وارد ارتش آلمان شده بودند.

در بهار ۱۹٤٤، پس‌از آنکه احتمال‌پیاده شدن نیروی‌متفقین بشمال فرانسه‌بوسیله رادیو لندن اعلام گردید، فعالیت ماکی‌ها، که هنوزکاملامتحد نشده ولی دارای‌تشکیلات منظم‌بودند، جنبه‌نظامی بخود گرفت ومقامات آلمانی راچنان مضطرب ومتوحش‌ساخت که مجبورشدند عده زیادی ازسربازان خودرا برای جلوگیری ازخرابکاری وضربه‌های ماکی‌ها درنواحی مختلف‌فرانسه مستقرسازند. اینزنهاور سعی‌می کرد که نیروهای‌داخلی فرانسه‌را بصورت‌ارتش منظم‌ونیرومندی درآورد ورسمیت‌ارتش مزبوررا بآلمانها بقبولاند. ولی آلمانها باشدت هرچه‌تمامتر بسرکوبی‌آنان اقدام نمودند و ازهیچگونه خشونت و انتقام‌جوئی ازقبیل‌آتش‌زدن‌دهکده‌هاواعدام دسته‌جمعی ومانندآن خودداری‌نکردند. افراد نهضت مقاومت‌دلیرانه در برابر فشارشدید پلیس‌آلمان وحکومت ویشی ایستادگی می کردند ولی متأسفانه عناصرمشکوك ودسته‌هائی ازافراد خائن‌و مخالف نهضت برای متزلزل ساختن اساس این نهضت عمداً دست بیك سلسله خرابکاریها وسوءقصدهای ناروا زدند تا بدان وسیله‌آتش‌غضب‌آلمانها راتیزتروفشارپلیس را برافراد نهضت‌شدیدتر سازند. روز۲۹ آوریل۱۹٤٤ لاوال ازهیتلردیدن کردوموضوع مذاکره آنان‌امکان‌حمله قوای متفقین بشمال فرانسه (وباصطلاح گشایش جبهه دوم - م.) بود.

کمیته ملی فرانسه آزاد سوم ژوئن ۱۹۴۳ با دو رئیس، دوگل و

فعالیت کمیته ملی فرانسه آزاد

ژیرو و عضویت رنه ماسیگلی، آندره فیلیپ، ژان مونه و ژنرال کاترو[1] تشکیل و بعداً بر عده اعضای آن افزوده شد. روز ۲۳ اوت ۱۹۴۳. امریکا وانگلیس وشوروی کمیته ملی آزادی فرانسه را بعنوان تنها مقام رسمی کشورفرانسه شناختند وشرکت آنرا در مذاکرات سیاسی ونظامی متفقین تأییدنمودند. ونمایندگان کمیته درمذاکرات متفقین درلندن(۳۱ اوت۱۹۴۳)و کنفرانس **کبك**[2] و کنفرانس مسکو(اول نوامبر)شرکت کردند.روز۱۷سپتامبر ۱۹۴۳ یك پارلمان موقت مرکب از۶۱ نفرازطرف کمتیه تأسیس و**فلیکس گوئن**[3] بریاست آن مجلس انتخاب گردید. سپس برای تفکیك مسائل سیاسی ونظامی ازیکدیگر کمیته جدیدی روز۹ نوامبربوجودآمد وژنرال ژیرو، باحفظ سمت فرماندهی کل قوای فرانسه بریاست مشترك کمیته جدید منصوب شد. این اقدامات دول بزرك را برآن داشت که باتعین واعزام نمایندگان سیاسی رسمی مناسبات خود را با کمیته ملی برقرار سازند. روز۸ فوریه۱۹۴۴ طبق موافقتنامه‌ای که بین کمیته ودولت انگلیس بامضارسید. لیره انگلیسی در افریقای شمالی به ۲۰۰ فرانك تسعیرشد.

درافریقای شمالی، کمیته ملی فرمان تجهیز عمومی صادروضمن اقدامات اصلاحی درباره تصفیه دستگاههای اداری ونظامی عده‌ای ازوزیران ومامورین عالیرتبه فرانسه راکه مدتی با حکومت ویشی همکاری کرده بودند توقیف نمود ویکی ازآنان بنام **پوشو**[4] بجرم همکاری صمیمانه بادشمن محاکمه واعدام شد (۲۰ مارس۱۹۴۴) کمیته برای اینکه پس

۱- Rene Massigli ، A . PhiliP ، J. Monnet ، Catroux . ۲- québec ازشهرهای مهم کانادا. ۳- Félix gouin ۴- Puchu

از آغاز عملیات نظامی درشمال فرانسه واشتغال به امور جنگی بتواند وظایف خود را بخوبی انجام دهد ژنرال ژیرورا ببازرسی کل نیروهای فرانسه وژنرال کونیگ را بسمت وابسته نظامی وهمکاری باسران متفقین درعملیات شمال فرانسه منصوب کرد ولی ژیرو ازقبول شغل جدید استنکاف ورزید و کماکان درپست فرماندهی کل نیروهای فرانسه باقی ماند و کوینگ بلندن رفت تاترتیب اداره و فرماندهی نیروهای داخل فرانسه را بدهد (۱۰ آوریل ۱۹۴۴) .

فعالیت دلیرانه یك واحدفرانسوی، که زیرفرمان ژنرال ژوئن درجنگهای ایتالیا با نیروهای امریکا وانگلیس همکاری می کرد ، درپیشرفت متفقین بطرف رم کاملا مؤثر بود. روز ۱۰ سپتامبر ۱۹۴۳ چند دسته ازنیروهای فرانسه بساحل جزیره کرس پیاده شده بکمك افراد نهضت مقاومت محلی نیروی ایتالیا را ازجزیره بکلی خارج نموده بودند. روزسوم ژوئن ۱۹۴۴ طبق اعلامیه رسمی بعنوان کمیته به «حکومت موقت جمهوری فرانسه» مبدل گردید وروز ۶ ژوئن نیروهای امریکا وانگلیس درساحل نرماندی درشمال فرانسه بخشکی پیاده شدند.

حوادث ووقایع ژوئن ۱۹۴۴

هنگامیکه یك دسته ازچتربازان وچند تیپ از کماندوها وچهار واحدارابه جنگی و چند واحد نیروی دریائی فرانسه درعملیات پیاده شدن نیروی متفقین بشمال فرانسه بانیروهای امریکا و انگلیس همکاری می کردند (۶ ژوئن ۱۹۴۴) واحدزیرفرمان ژنرال لکلرك نیزجزویك لشکرامریکائی بسواحل فرانسه پیاده شد ودرداخل کشور دسته‌های نهضت مقاومت بدستورفرماندهی نیروهای متفقین بیکدیگر پیوسته فعالیت خود را توسعه دادند، وبراثرفعالیت شدید دستجات مقاومت داخلی واحدهای بزرگی ازنیروی آلمان درداخل فرانسه معطل ماندند ونیزبعضی ازنواحی بتصرف نیروهای داخل فرانسه

درآمد . عکس‌العمل آلمانها دربرابرفعالیت مردم فرانسه بسیار شدید بود . آلمانها یك دهکده را درنزدیکی **لیموژ**[1] آتش زدند و ۷۰۰ نفرسکنه آنرا که ۲۵۰ نفر آنها طفل بودند قتل عام کردند و این قساوت وبیرحمی را میتوان نمونه‌ای از انتقام جوئی و کینه توزی آلمانها درفرانسه دانست .

روز ۱۵ ژوئن ژنرال دوگل به شهر **بایو**[2] که اولین ناحیه آزاد شده ازشمال فرانسه بود وارد وروز ۲۵ ژوئن ژنرال **کونیگ** بفرماندهی کل نیروهای داخل فرانسه منصوب گردید وایزنهاورهرچند کوشید تابفرماندهی قوای آلمان ثابت کند که نیروهای داخلی فرانسه بمنزله یك ارتش مسلح ومنظم است وباید مشمول مقررات بین‌المللی جنك گردد موفق نشد . حکومت ویشی بنوبه خود فعالیت نشان میداد . دارنان بوزارت کشور منصوب وسرویسهای مخصوص برای حفظ انتظامات داخلی برقرار گردید . چریکها دوش بدوش اس ـ اس آلمان با افراد نهضت مقاومت و نیروهای داخل فرانسه بمبارزه برخاستند وروزاول ژوئیه **ماندل** از رهبران نهضت درجنگلهای **فونتن بلو**[3] بدست آنان کشته شد و یکهفته بعد **فیلیپ هانریو**[4] وزیر اطلاعات ویشی بدست افراد نهضت در پاریس مقتول گردید .

درنرماندی . نیروی آلمان سخت پایداری می کرد ولی بندر **شربور** در ۲۷ ژوئن و **کائن** در ۹ ژوئیه آزاد وباورود سپاه **پاتون**[5] دردهانه **آورانش**[6] راه پیشرفت متفقین بازو عملیات جنگی تسهیل گردید .

---

۱ ـ Limoges ۲ ـ Bayeux ۳ ـ Fontainebleau ٤ ـ PhiliPPe Henriot

٥ ـ Patton ٦ ـ Avranches

روز ۸ اوت لاوال با چندتن ازوزیران خود بپاریس آمد وسعی کرد باشرکت دادن عده جدیدی درکابینه، حکومت خود را درنظرمتفقین قانونی ورسمی جلوه دهد ولی کوشش او بیفایده بود. نماینده‌ای ازطرف مارشال پتن بادو گل ملاقات وباو پیشنهاد کرد که برای جلوگیری ازجنگ داخلی با مارشال همکاری وتصمیمی درین باب اتخاذ کنند ولی چون نه دو گل و نه سران متفقین هیچیك بروزجنگ داخلی راممتمل نمیدانستند به پیام مارشال وقعی نگذاشتند. روز ۱۵ اوت سپاه اول فرانسه بفرماندهی ژنرال **دولاتردوتاسینیی** وسپاه امریکائی **پاچ**[1] در **کوت دازور**[2] بخاك فرانسه پیاده شدند وبسرعت ازدهانه رود **رن**[3] ودامنه آلپها بجانب مرکزومشرق فرانسه پیشروی کردند.

روز ۱۷ اوت، آلمانها انتقال دولت را ازویشی به **بلفر**[4] خواستارشدند ولی لاوال ازریاست دولت استعفا کرد وآلمانها روز ۲۰ اوت در ویشی ازمارشال پتن تقاضا کردند که ریاست دولت را برعهده بگیرد وباواطمینان دادند که بیهچوجه ازخاك فرانسه اوراخارج نخواهند کرد واو در تعیین محل حکومت وجابجا کردن آن کاملا مختار خواهد بود ولی پتن امتناع ورزید ومراتب امتناع خود را به سفیر کبیر پاپ و سفارت سویس در فرانسه اطلاع داد. آلمانها پتن را به محل **موروپار**[5] نزدیك بلفر بردند واو توانست پیامی بملت فرانسه بفرستد. پتن درآن پیام شکست جبهه انقلاب ملی را تایید وازعموم مردم فرانسه درخواست کرد متفقاً ازحکومتی که وحدت فرانسه را تأمین نماید اطاعت کنند. **دوبرینون** باشرکت دارنان ودآ ولوشر و **بریدو**[6] روز ۵ سپتامبر یك هیئت موقت حکومت برای

---

۱ – Patch ۲ – Cote d'Azur درکنار دریای مدیترانه. ۳ – Rhone رود جنوبی فرانسه که بدریای مدیترانه میریزد – م. ٤ – Belfort ٥ – Morvillars

٦ – Bridoux

حفظ منافع ومصالح فرانسه دربرابر مقامات آلمانی تشکیل‌داد ولی اندکی بعد براثر پیشرفت متفقین‌افرادهیئت‌باعده‌ای ازچریکها و هواخواهان‌آلمان به‌**سیگمارینگن**[1] در داخل خاك آلمان اعزام شدند و بدین ترتیب عمر حکومت مارشال پتن به پایان رسید .

---

۱ - Sigmaringen

فصل چهارم

حکومت دو گل وجمهوری چهارم فرانسه

۱۹۴۴ - ۱۹۴۷

آزادشدن پاریس چند واحد ازارابه‌ای‌جنگی متفقین ازدهانه‌رود **لوار** (درمغرب فرانسه) بطرف‌پاریس‌درحرکت‌وپایتخت‌فرانسه از روز۱۰ اوت برعلیه نیروی‌آلمان قیام کرده بود . ابتداکارگران‌راه‌آهن وسپس‌پلیس‌فرانسه‌وسرانجام کلیه‌کارگران‌وکارکنان‌سازمانهای‌عمومی‌دست‌ازکار کشیدند (۱۷و۱۸اوت) دستگاههای پخش اخباررادیووسرویس‌مترو و کلیه‌مطابع‌ومطبوعات تعطیل‌شد . ستاد نیروهای داخل فرانسه‌دستورتجهیزعمومی‌صادرنمودوروز۱۹اوت‌سه‌هزارنفرازافراد این‌نیرو شهربانی کل رااشغال کردند .حمله‌متقابله‌آلمانهاباشکست‌مواجه‌شدوآلمانها باوساطت کنسول‌سوئددر پاریس ازمتفقین‌تقاضای‌متارکه‌جنك کردندولی چون‌موضوع‌متارکه‌کاملاروشن‌نبودمتفقین بجنك،ادامه‌دادند روز۲۱اوت غالب مؤسسات عمومی‌بتصرف نیروی داخلی درآمد وجنك بین سربازان فرانسوی ونیروی آلمان که مجهزبارابه‌های جنگی بودند در خیابانها و کوچه‌های پاریس باشدت ادامه یافت . بنابه تقاضای دوگل و بدستور ایزنهاور نیروی

زیرفرمان **لکرك** باسرعت بجانب پاریس پیشروی کرد وعصرروز ۲۴ اوت وارد پاریس شد . پایگاههای معدودی که دردست آلمانها باقی مانده بود یکی بعد ازدیگری بتصرف نیروی فرانسه درآمد ، روز۲۵ اوت ، درساعت ۱۵ بوقت پاریس ، ژنرال فن **شولتیتز** [۱] فرمانده پادگان آلمانی درپاریس که ازاجرای دستورسرفرماندهی ارتش آلمان مبنی برویران ساختن قسمت اعظم پایتخت وازجمله پلها وخطوط ارتباطیه خودداری نموده بود تسلیم شد وقرارداد ترك مخاصمه رادراداره شهربانی امضا کرد . درطی این عملیات نیروهای فرانسوی هزارنفر تلفات دادندو ۱۰ هزارنفر اسیر ازآلمانها گرفتندولی پایتخت تقریباً دست نخورده و سالم باقی مانده بود . دوگل شب ۲۵ اوت وارد پاریس شد ودر **هتل دوویل** [۲] نطقی ایراد کرد و روز ۲۶ اوت در بازدید از **شانزالیزه** [۳] بااستقبال گرم مردم پایتخت مواجه شد .

لشکر **پاتون** [۴] روز ۲ سپتامبر به **وردن** [۵] ونیروی انگلیس روز۵ به **لیل** ولشکر امریکائی پاچ روز ۲۳ اوت به **گرنوبل** ولشکر دولاتر روز ۴ سپتامبر به **لیون** رسیدند و روز ۱۳ سپتامبر نیروی متفقین که ازشمال و جنوب بساحل فرانسه پیاده شده بودند در **سومبرنون** [۶] بایکدیگر ارتباط حاصل کردند وروز۱۴ سپتامبر تیپ **لکلرك** با لشکر اول فرانسه در **شاتیون سورسن** [۷] مربوط شدند نیروی آلمان باسرعت ازمناطق جنوب غربی درجهت شمال شرقی عقب نشینی میکرد ونیروی داخل فرانسه علیرغم انتقام شدید آلمانها نیروی دشمن را بستوه آورده بود . شهرهای فرانسه یکی پس ازدیگری بتصرف دسته‌های نهضت مقاومت درمی‌آمد ، واحدهای بزرك ازارتش آلمان به بنادر جنوب فرانسه میگریختند .

---

۱ – Gl von Choltitz ۲ – Hotel de ville . ۳ – Champs – Elysées

۴ – Patton ۵ – Verdun در مشرق فرانسه که محل وقوع جنگهای بسیار خونین در نیمه دوم قرن ۱۹ و نیمه قرن بیستم بوده است – م . ۶ – Sombernon ۷ – Chatillon-sur-seine

بندر **لوهاور** روز ۱۲ سپتامبر و **برست** روز ۱۷ آزاد شدند وسایر بنادرتا پایان زمستان مقاومت نشان دادند وسپاهیان آلمان برای تدارك خواروباروملزومات خوددرپایگاههائی که هنوز در دست داشتند بجنگهای شدید تن بتن مبادرت می کردند . بطور کلی در ماه سپتامبر حملات تعرضی متفقین محدود و در ناحیه **لرن** پیشرفت آنان کند و آهسته بود.

اوضاع داخلی

درمناطق آزاد شده ، کمیته‌های محلی آزادی فرانسه زمام‌امور را بجای مامورین‌دولت ویشی دردست می گرفتند وبدستور کمیته‌ها کسانی که متهم یامظنون به همکاری مستقیم بامقامات آلمانی یا کمك بدسته‌های وابسته بمقامات مزبور بودند بسرعت دستگیرمی‌شدند واین‌سرعت‌عمل که احیاناً اعدام متهمین ومقصرین را درپی داشت درپاره‌ای موارد بعلت نبودن قوانین و مقررات خاص ویاتحت تأثیر بعضی تعصبات ازجریان اصلی خودمنحرف میشد،امافرانسه براثرمحاصره اقتصادی ووجودنیروی آلمان ومقاومت‌ها وفعل‌وانفعالات‌سیاسی ونظامی، ازکارافتادن هزاران وسائط نقلیه وویرانی پلها وراهها وخطوط آهن بوسیله بمبارانهای هوائی ، فعالیت هزاران افراد مبارزودسته‌های‌مخفی‌وسری‌وخرابکاریهای دسته‌های‌مزبور بمنظورازکارانداختن نیروی دشمن ، چنان دچارفقر اقتصادی شده‌بود که‌ترمیم و اصلاح آن وبرگرداندن وضع بحال عادی مدتها وقت لازم داشت . فعالیت‌اقتصادی واجتماعی ازشهرستانها آغاز گردید ودربعضی موارد نیز از سازمانهای اقتصادی دولت ویشی استفاده میشد ولی‌حساسیت‌موقع‌لزوم‌اجرای‌نقشه‌ها وطرحهای جدید را برای بنیان گزاردن‌یك اقتصاد ملی و یك سیستم اجتماعی قابل اطمینان ایجاب میکرد ، روز ۲۷ اوت ۱۶ نفر اعضای شورای نهضت مقاومت که هریك نماینده یکی از دسته‌ها و احزاب مؤتلف در نهضت مقاومت بودند بریاست ژرژبیدوبا ژنرال دوگل ملاقات کردند و بتدریج وزیران

کابینه موقت دوگل جای خود را بوزرای پاریسی دادند . اولین جلسه هیئت وزیران روز۲ سپتامبر۱۹٤٤ درپاریس تشکیل شد وطبق تصمیم جلسه مزبورعده‌دیگری بکابینه دعوت شدندوروز۹سپتامبردولت جدیدبوجودآمد.طبق اعلامیه‌رسمی‌دولت‌دوگل ، حقوق وآزادیهای پیش‌بینی شده درجمهوریت فرانسه‌مجدداً برقراروکلیه قوانین دولت ویشی لغوگردید ولی درحقیقت قوانین ومقررات مزبور عملا وجود داشت وبرقراری اصول جمهوریت وعدالت اجتماعی که‌مستلزم‌تجدید حیات‌قوه قضائیه‌بودبطول زمان وباکندی صورت میگرفت . نخستین اثرصدوراعلامیه دولت تجدیدحیات احزاب‌سیاسی‌وازجمله «اتحادیه عمومی‌کار» بود که رهبرآن **لوییسایان** [1] بجای ژرژبیدو که‌بوزارت امورخارجه منصوب شده بود بریاست شورای نهضت ملی مقاومت انتخاب گردید .

دولت دوگل بامسائل ومشکلاتی مواجه بود که بایستی بدون فوت وقت درباره آنها تصمیم بگیرد . یکی ازآن مسائل . جلوگیری ازاقدامات محلی درموضوع‌توقیف و دستیگری و مجازات اشخاص بود و این مسئله با تأسیس دادگاههای جدید تا حدی فیصله یافت .

اما موضوع مهمتراین بود که فرانسه بایستی جنك برعلیه‌آلمان را دوش بدوش متفقین تعقیب کند وبرای‌تسهیل‌کارمتفقین‌خطوط‌ارتباط ووسائل نقلیه ووسایل مخابراتی کافی در اختیار آنان بگذارد در صورتیکه باویرانی‌ها وخرابی‌های وارده ، شبکه های ارتباطی کشوربرای اجرای این منظور کافی وجزبامساعدت و همکاری متفقین ترمیم و اصلاح آنها ممکن نبود مشکل دیگر که حل‌آن احتیاج بتدبیر واحتیاط کامل داشت مسئله دسته‌ها و افراد نهضت مقاومت ملی بود که دولت میخواست بپاداش فداکاریهائی

---

۱ – Louis Saillant

که کرده بودند عده‌ای از آنان را درارتش و پلیس وارد و بقیه را خلع سلاح کند ولی شورای نهضت برعلیه این تصمیم اعتراض کرد ومعتقد بود که چون هنوز عناصر مشکوك ومتهم به‌همکاری با آلمان وجاسوسان دشمن درفرانسه بخصوص درپاریس باقی هستند و امکان فرود آمدن چتربازان دشمن در اکثر مناطق کشور وجود دارد افراد نهضت نباید اسلحه خود را برزمین بگذارند .

روزنامه‌های وابسته بحکومت ویشی تعطیل و برای تصفیه مطبوعات از عناصر طرفدار آلمان تصمیمات لازم اتخاذ گردید و در کارخانه ها و صنایع نیز تصفیه بعمل آمد. کارخاهای **رنو** [1] بتصرف دولت درآمد و صنایع استخراج زغال سنك در شمال فرانسه ملی اعلام شد وروز ۱۴ دسامبر «سازمان صنایع ملی زغال شمال **وپادوکاله** [2]» تأسیس گردید .

سیاست خارجی

دولت دوگل وشخص اودورماندن فرانسه رااز تصمیماتی که بوسیلهٔ دول بزرك متفق برای رهبری جنك وتهیه وسائل ومقدمات صلح اتخاذ میشدباتلخکامی ومرارت تحمل ودرعین حال سعی میکردند مقام شایسته فرانسه را درجریان جنك وحوادث آینده بدست آورند . در ژوییه ۱۹۴۴ ژنرال دوگل در کنفرانس واشینگتن که باحضورروزولت تشکیل شد ودر کنفرانس کانادا باحضور **ماکنزی کینگ** [3] شرکت کرده بودروز ۲۴ اکتبر سه دولت بزرك متفق یعنی امریکا وانگلیس وشوروی مشترکاً حکومت فرانسه رابعنوان حکومت موقت برسمیت شناختند وروز ۱۱ نوامبر فرانسه را برای شرکت در کنفرانسی که بمنظور بحث درباره مسائل اروپا در

---

۱ – Renault ۲ - Pas-de-Calais در شمال شرقی فرانسه و یکی از معتبرترین حوضه‌های زغال آن کشوراست ـ م . ۴ – Makenzie King نخست وزیر کانادا ازسال ۱۹۲۱ تا ۱۹۴۸ ـ م.

لندن تشکیل شد دعوت کردند .

ژنرال دوگل چندین بارضمن اظهارنظردرباره آلمان وایتالیا ابرازنموده بود که بهیچوجه طالب جدا کردن قسمتی ازخاك آلمان ومنضم ساختن آن بفرانسه نیست ولی طبق سوابق تاریخی ومقتضیات جغرافیائی سواحل چپ وقسمتی ازنواحی صنعتی ساحل راست رودراین(رن) بمنظورحفظ امنیت فرانسه واروپای غربی بایستی جزو خاك فرانسه باشد . درباره ایتالیا نیزفرانسه هیچگونه دعاوی ارضی ندارد وفقط مایل است که در تحدید حدود ناحیه آلپها باایتالیا همکارن کند و آن دولت منافع مردم فرانسوی زبان یافرانسوی نژاد دره‌های آلپها راکه جزوخاك آن کشورویا مجاور خاك آن کشور است محترم بشمارد وموافقت خود را بالغوپیمان ۱۸۹۶ مربوط بتونس اعلام نماید ، دوگل ضمناً اظهارنموده بود که ازصمیم قلب طالب برقرار کردن روابط دوستانه بایك ایتالیای دموکرات است .

فرانسه خود را شایسته آن میدانست که دراشغال قسمتی ازخاك آلمان و دریافت غرامات جنك وتدوین وتنظیم پیمانهای صلح ودر کلیه تصمیماتی که برای جنك باژاپن اتخاذمیشود شرکت داشته باشد. این کشوردر برابر کمك امریکاوانگلیس ،آنچه ازوسایل ارتباطیه وحمل ونقل ونیروی کارگری خود را که ازآسیب جنك محفوظ مانده بودند دراختیارمتفقین گذاشته بود وباموادا ولیه‌ای که از متفقین می گرفت برای انگلستان ماشینهای تخلیه هوا وبرای امریکا اونیفورم نظامی وسایروسائل راتدارك میکرد .

ملت فرانسه درعین حال که نسبت بکمك امریکا وانگلیس برای نجات فرانسه از دست دشمن حق شناسی می کرد نقش عمدهٔ شوروی را در منهدم ساختن ماشین عظیم جنگی آلمان که بقیمت خون میلیونها افراد ملل شوروی انجام گرفته بود از نظر دور

نمیداشت . شوروی ، که اینك در نظر مردم فرانسه یك کشور بزرك و نیرومند جلوه میکرد ، اولین کشوری بود که حکومت موقت فرانسه آزاد را در الجزایر برسمیت شناخت و بدین جهات دو گل مایل بود که با شوروی روابط دوستانه محکمی که بر اثر سیاست دولت ویشی ازهم گسیخته شده بود برقرار سازد . روز ۲۴ نوامبر ۱۹۴۴ ، ژنرال دول وژرژ بیدو از طریق قاهره و تهران و باکو و استالینگراد عازم مسکو شدند و مذاکرات آنان با استالین و مولوتف[1] وزیر خارجه شوروی که از ۲ تا ۱۰ دسامبر ادامه داشت بعقد پیمان مودت و اتحاد و تعاون مشترك منجر و پیمان مزبور روز ۱۰ دسامبر برای مدت ۲۰ سال در **کرملین**[2] بامضا رسید . دو کشور متعهد شدند که از مذاکره و عقد هر گونه قرارداد خلع سلاح یا صلح جداگانه با آلمان و از شرکت در هر اتحاد و پیمانی که بر علیه یکی از طرفین باشد خود داری و هنگام مذاکره یا عقد هر گونه قرار داد با کشور ثالثی مقررات و تعهدات این پیمان و منافع یکدیگر را رعایت کنند و ضمن همکاری مشترك در امور اقتصادی و تجاری در کلیه تصمیماتی که بعداً درباره آلمان و یا برای جلوگیری از تهاجمات آینده آلمان ممکن است اتخاذ گردد هم آهنگی داشته باشند .

روز ۲۱ دسامبر مجلس مقنن ، که روز ۷ نوامبر در پاریس تشکیل و **گوئن** را بریاست برگزیده بود ، پیمان فرانسه و شوروی را تأیید کرد و آن پیمان در مجالس هر دو کشور روز ۲۶ دسامبر بتصویب رسید و ژنرال **کاترو** بسمت سفیر کبیر فرانسه در مسکو منصوب شد .

مقارن آن اوقات ، دولت دو گل نماینده‌ای نیز به **لوبلین**[3] که مقر حکومت موقت لهستان آزاد بود فرستاد و با انگلستان برای عقد پیمان اتحاد وارد مذاکره شد تا پس از

---

۱ - Molotov ۲ - Kremlin کاخ کرملین در مسکو از کاخهای با شکوه دوران فرمانروائی تسارهاست ـ م . ۳ - Lubllin از شهرهای صنعتی و مهم لهستان ـ م .

حل‌مسائل مربوط بشرق‌دور وموضوع امنیت فرانسه درحوضه رود راین (رن) بعقدپیمان مبادرت ورزد وهم چنین روابط سیاسی خود را با کلیه ممالکی که جزومتحدین آلمان نبودند تجدید نمود .

حصول نتایج‌مطلوب ازاستقراررروابط سیاسی‌بادول بزرگ وسایرممالك، که‌عظمت مقام فرانسه را تجدیدواحیامی کرد ، مستلزم بهبودکامل وضع‌اقتصادی ومالی‌این کشور بود وهرچند که امریکا روز٤ نوامبر ١٩٤٤ مبلغ ٢٢٥ میلیون دلار بلوکه فرانسه را بمنظورتهیه ملزومات ومواد مورد احتیاج این کشورآزاد نمود ، خرابی‌هاوصدمات وارده درطی ٥ سال جنگ واشغال خاك فرانسه اتخاذ تدابیرفوری و عاجلی را برای احیای اقتصاد فرانسه‌ایجاب میکرد . روز٦ نوامبرازمردم تقاضاشد که برای‌حصول‌پیروزی‌قطعی بادولت درترمیم‌وتثبیت وضع‌مالی‌واقتصادی‌همکاری کنندوبلافاصله قرضه‌ای بعنوان قرضه آزادی فرانسه انتشاریافت وازاین راه ١٦٤ میلیارد فرانك عاید دولت گردید . روز١٧ نوامبر یك‌برنامه جدید اقتصادی بمنظورتثبیت قیمتها واصلاح پول وترمیم‌فوری راهها ووسائل نقلیه وبکارانداختن‌کارخانه‌هاوبعضی ازصنایع بوسیله دولت بمورد اجرا گذاشته شد . درین موقع غالب بنادرفرانسه ویران وقسمت‌اعظم‌راهها‌وخطوط‌آهن ووسایل‌نقلیه برای ادامه جنك دراختیارمتفقین‌ووارد کردن‌کالای مورد احتیاج عمومی‌تقریباً غیرممکن بود ، دومیلیون ازافرادملت‌فرانسه بعنوان اسارت یابرای‌کارگری بآلمان منتقل شده و یك میلیون نفردرفرانسه ومستعمرات تحت سلاح بودندوبااین وضع اجرای برنامه‌های اقتصادی بامشکلات فراوان مواجه می‌شد . دولت برای جبران ترقی نرخها وقیمت‌ها اجازه داد که بردستمزدها بمیزان‌قابل ملاحظه‌ای افزوده شود وچون افزایش‌دستمزدها

خود موجب بالا رفتن قیمت ها بود مسابقه صعودی بین قیمت‌ها و دستمزد قهراً ادامه یافت .

جنگ درزمستان ۴۵ ـ ۱۹۴۴

حملات تعرضی متفقین از پائیز ۱۹۴۴ آغاز گردید ، شهرهای **لونویل** ، **بولونی** ، **مانتون**[1] در۲۲ سپتامبر و **مودان**[2] در۱۹ سپتامبر و **اپینال**[3] در سوم اکتبر آزاد شدند در **لرن** مقاومت آلمانها بسیار شدید بود و هنگام عقب نشینی دهات و مزارع و آبادیها را آتش می‌زدند وساکنین آنها راهمراه می‌بردند ، درماه اکتبر وضع جنك‌براثر حملات متقابله آلمانها مبهم بود ولی‌در۸ نوامبر نیروی امریکا درلرن حملات‌شدیدی را آغاز کردونیروی فرانسه نیزطی‌چندجنك‌متوالی **منبلیار**[4] را در۱۷ نوامبر تصرف کردند وروز۲۰ به **بلفور** وساحل‌رود راین درشمال **بال**[5] رسیدند و**مولهوز**[6] روز ۲۱ بتصرف آنان در آمد . در همین تاریخ نیروی امریکائی شهرهای**مس**[7] و **ساربروگ** و روز بعد شهر **ساورن**[8] را متصرف شدند و لشکر لکرك پس از حمله بسیار شدیدی **استراسبورگ** را اشغال‌نمود (۲۳ نوامبر) درالزاس ولرن ودامنه کوههای **وژ**[9] پیشروی نیروهای متفقین ادامه یافت وشهرهای **ژرارمر**، **رتورنمر**، **سن دین** و **هونك**[10] آزاد شدند (۶ دسامبر) . روز۱۷ دسامبر که نیروهای امریکائی به**ویسمبورگ**[11] رسیدند. غیراز **کلمار** (در کناریکی ازشعب علیای راین وچند تکیه گاه دریائی درمغرب‌فرانسه ،

---

۱ – Luneville ، Boulogne ، Menton ۲ – Modane ۳ – Epinal

۴ – Montbeliard ۵ – Bale از بلاد پاریس ۶ – Molhouse ۷ – Metz ۸ – Saverne

۹ – vosges کوهستان‌مشرق‌فرانسه‌م. ۱۰ – Gerardmer، Retournemer، St Die، Honeck

۱۱ – Vissemoburg

بقیه خاك این کشور ازتصرف آلمانها خارج شده بود . درهمین روز مارشال فن **رونشتد**[1] حمله متقابل خود را درشمال شرقی فرانسه آغاز کرد ولی طی چند روز بمحاصره نیروهای امریکائی درآمد ، حمله متقابل دیگر آلمانها درلرن و آلزاس با موفقیت انجام گرفت آلمانها دوباره ازرود راین گذشتند وشهرویسمبورك را بتصرف درآوردند واستراسبورك موردتهدیدقرار گرفت . مقامات آمریکائی معتقدبه تخلیه استراسبورگ بودند ولی دوگل مخالفت ورزید و نیروی فرانسه درین شهر به پایداری خود ادامه داد . از طرف دیگر علیرغم برف شدید سپاه اول فرانسه نیروی آلمان را درشمال مولهوزتاروماروکلماررا پس ازیك نبرد شدید تصرف کرد ، سپس درشمال استراسبورگ بطرف ساحل راین پیش راند وتهدید نیروی آلمان را درشمال استراسبورك مرتفع ساخت . درین موقع فقط دسته‌هامتفرق نیروی آلمان در بعضی ازپایگاههای دریائی مغرب فرانسه باقی مانده وتحت محاصره نیروهای فرانسوی زیرفرمان ژنرال **لارمینا**[2] درآمده بودند وازلحاظ اغتنام فرصت برای ترمیم وضع خود بجنگهای تن بتن مبادرت میکردند .

نارضایتی فرانسه ازمتفقین

در کنفرانس **یالتا**[3] که درآغازفوریه ۱۹۴۵ از سران سه دولت انگلیس وامریکاوشوروی تشکیل گردید ازفرانسه دعوت بعمل نیامد و ژنرال دوگل روز ۵ فوریه با اشاره بکنفرانس مزبور اظهارداشت که فرانسه هرگز نسبت بمقررات وتصمیماتی که وی درتعیین وتصویب آنها دخالت نداشته تعهدی بگردن نخواهد گرفت وازقبول هرتصمیمی که منافی باامنیت فرانسه درحوزه رود راین باشد امتناع خواهد ورزید .

روز ۱۲ فوریه روزولت طی پیامی تأسف خود را ازاینکه هنگام مراجعت از یالتا

---

۱ - Von Rundstedt ۲ - Larminat ۳ - Yalta بندر شوروی در جنوب شبه جزیره کریمه در دریای سیاه که روزولت و چرچیل و استالین در آنجا باهم ملاقات و مذاکره کردند — م .

نتوانسته است بپاریس بیاید به دوگل ابراز و از او دعوت کرد که به قاهره برود و با روزولت که درقاهره بافاروق اول پادشاه مصر و نجاشی سلطان حبشه و ابن سعود پادشاه کشورعربی سعودی قرارملاقات داشت مذاکره کند ولی دوگل به روزولت پاسخ داد که بعلت تراکم امور کشور نمی‌تواند از پاریس خارج شود وعلاوه برآن چون فرانسه در کنفرانس یالتا شرکت نداشته و از چگونگی مذاکرات آن کنفرانس بی‌اطلاع است ملاقات وی بارئیس جمهورامریکا فایده‌ای نخواهد داشت و این پاسخ روزولت را غرق حیرت ساخت . ضمناً حکومت فرانسه تأیید نمود که دعوتنامه رئیس جمهور امریکا ٤ ساعت پس از وصول اولین تلگراف مربوط به کنفرانس یالتا بهیئت دولت فرانسه رسیده است .

ازفرانسه دعوت شده بود که دوش بدوش ممالك دول امریکا وشوروی وانگلیس وچین دردعوت ازسایردول برای تشکیل کنفرانس ملل متحددرسان فرانسیسکوشرکت کندولی حکومت فرانسه معتقد بود که درتشکیل کنفرانس یالتا وتصمیمات متخذه درآن کنفرانس درباره تشکیل سازمان ملل متحدتبعیض بعمل آمده واختلاف نظرهائی درآن باره وجوددارد وچون حکومت فرانسه برای اظهارنظر واصلاحات لازم دراصول ومقررات مربوط به‌این امروقت کافی نداشته ازاینکه جزودول دعوت کننده قرار گیرد معذوراست .

هرچند که‌دولت امریکا چند کشتی مسلح برای حمل ونقل خواروبار ومواد لازم دراختیارفرانسه گذاشته بود ، واردات مواد غذائی از ۱۵۰ هزارتن درماه تجاوزنمیکرد. درصوتیکه‌واردات غلات ومواد غذائی وملزومات دیگر بانگلستان ، که بمراتب کمتر از فرانسه آسیب‌دیده بود، از۲ میلیون تن درماده تجاوزمیکرد .تدارك موادلازم زندگی ازداخله فرانسه وتوزیع آن درسراسر کشوربعلت نفوذ مقامات محلی در شهرستانها و جلوگیری آنها ازصدورمواد بسیارمشکل شده بود . غالب کانالها وترعه‌های داخلی براثرسرمای شدید

زمستان یخ بسته و خطوط آهن کلا بحمل و نقل سربازان و مواد جنگی اختصاص یافته بود .

ارتباط با آلمان عملاقطع‌شده وخانواده‌دومیلیون‌نفر اسیران‌وکارگران فرانسوی مقیم آلمان ، هنگامیکه آن کشورشبانه روززیربمباران شدید نیروی هوائی متفقین قرار داشت، ازحال بستگان‌خودبی‌اطلاع‌مانده‌بودندوارسال‌نامه‌ولوازم‌اولیه‌مورداحتیاج‌اسیران جنگی ازطرف خانواده‌آنان بآلمان غیرمقدوربود .

درفوریه ۱۹۴۵ عده سربازان زیرپرچم به ۱٫۲۰۰٫۰۰۰ نفررسید ولی برخلاف برنامه تجهیزات و تدارکات جنگی قسمت اعظم سربازان فاقد تجهیزات و اسلحه کافی بودند ، ازطرف دیگرتوسعه جنك دراقیانوس‌آرام وافزایش دامنه حملات تعرضی‌متفقین برپایگاههای‌ژاپن‌طبعاً ازتعداد وحجم کشتی‌هائی که به‌بنادرفرانسه‌رفت وآمد میکردند کاست وازین بابت فرانسه بامشکلات جدیدی مواجه شد .

پیروزی ۷ مه ۱۹۴۵

شکسته شدن‌جبهه جنك‌آلمان درناحیه راین راه‌پیشرفت متفقین را بداخله آلمان باز کرد . نیروی امریکائی به رود راین‌رسید و پیشروی سریع سپاه پاتون، سپاه اول فرانسه را به اشغال و تصرف سراسرساحل غربی‌رود راین موفق ساخت . روز۳۱ مارس سپاه مزبورازرود راین درنزدیکی **اسپیر** [۱] گذشت **واشتوتکارت** [۲] وسپس **کنستانس** [۳] را متصرف شد (۲۲ و۲۶ آوریل) ویك ستون از این سپاه از ناحیه جنگلهای سیاه (در جنوب‌غربی‌آلمان) گذشته‌روز۲۴ آوریل به **اولم** [۴] رسیده اولین‌دسته ازنیروهای متفقین بود که به‌رود **دانوب** رسید . روز۴ مه ۱۹۴۵ سربازان فرانسوی زیرفرمان لکرك پرچم

۱- Spire ۲- Stuttgart ۳- Conctance ۴ – Ulm

سه‌رنك فرانسه را بر فرازخرابه‌های نیمسوخته «آشیانه عقاب»[1] دربرچسگادن باهتزاز درآوردند .

روز۷ مه نمایندگان فوق‌العاده آلمان‌درشهر **رنس**[2] پیمان متارکه جنك وتسلیم آلمان را امضا کردند وژنرال **سوز**[3] ازطرف فرانسه درآن جلسه حضورداشت و روز ۸ مه دربرلین‌ژنرال دولاتردوتاسیینیی درامضای‌پیمان تسلیم بلاشرط کلیه نیروهای‌آلمان که باتشریفات رسمی‌انجام گرفت شرکت نمود . درین تکیه گاههای معدودآلمان‌هادر بنادر غربی فرانسه دست ازمقاومت کشیده تسلیم شدند و پادگانهای‌آلمانی این نواحی باسارت فرانسه درآمدند .

بااین ترتیب پیروزی بدست آمد وثابت شد که حق بافرانسویانی بوده است که هرگزقلباً شکست فرانسه ونکبت خودرا نپذیرفته وزیربار بردگی اجنبی نرفتند واز سال ۱۹٤۰ ببعد درسراسرجبهه‌های جنك به‌پیکاربرعلیه دشمن ادامه دادند ، میلیونها فرانسوی بزیرضربات چکمه دشمن‌ازآلام‌ومصائب‌جنك رنج میبردند ویادراردوگاههای اسیران جنگی ناکامی ها را تحمل میکردند ، همه آرام ولی مغرور در انتظار این پیروزی بودند واینك غلبه بردشمن مصائب ورنجهای طولانی آنان را جبران می کرد .

بازگشت اسیران و کارگران اعزامی

پیشرفت سریع متفقین درآلمان باعث شد که اسرا و بازداشت‌شدگان سیاسی وکارگران اعزامی‌فرانسه درآلمان که عده آنان به۲۸ میلیون نفرمیرسید وایام تلخی را در انتظار آزادی خویش بسر برده بودند متدرجاً آزادشوند . این افراد که خود درشکست آلمان سهمی نداشتند اینك محافظین آلمانی خود را باسارت

---

۱ ــ منظوراز آشیانه عقاب مقرهیتلر پیشوای آلمان است که دربرچسگادن نزدیك برلین قرارداشت وتصویرعقاب آرم رسمی آلمان‌بود ــ م.

۲ ــ Reims ازشهرهای شمال شرقی فرانسه نزدیك مرزبلژیك وفرانسه ــ م.

۳ ــ Sevez

میگرفتند ولی ازطرف دیگرهزاران اسیر جنگی و بازداشتی و کارگرفرانسوی بر اثر فقدان غذای‌کافی یاکارهای‌شاق وطاقت فرسا درآلمان‌جان سپرده بودند چنانکه‌احصائیه ۱۰ آوریل ۱۹٤٦ درحدود ۳۰۰۰ هزارنفرمفقود الاثرنشان میداد که ۲۵۰ هزارنفرآنان کارگران اعزامی یابازداشتی‌های سیاسی بودند .

آزادشدگان باسرعت غیر مترقبه ای بوسیله هواپیماهای انگلیسی وامریکائی و قطارهای راه‌آهن و کشتی بوطن‌خود بازگشتند وفقط‌عده‌ای ازاسیرانی که بوسیله‌نیروی شوروی‌آزاد شده بودند (درحدود ۳۰۰هزارنفر) بعلت کمی وسائل نقلیه و دوری راه پس ازچندین بارتعویض و تبدیل وسیله سفردیرتراز سایر اسیران بفرانسه رسیدند ولی‌پیدا کردن اسیران‌آلزاس ولرن که زیرفشارآلمانها وارد ارتش‌آلمان شده بودند با اشکال فراوان مواجه گردید وچند ماه وقت کمیسونهای مأمورانتقال‌اسیران درین‌کارصرف‌شد. هریو ،بلوم ، دالادیه و رینو ازنخست وزیران سابق و گاملن وویگان افسران عالیرتبه فرانسه جزو آزاد شدگان بفرانسه بازگشتند . اما از هیئت دولت ویشی کـه بوسیله آلمانها به **سیگمارینگن** منتقل شده بودند ، لاوال خود را باسپانیا رسانید ، دآ مخفی ودارنان دستگیرشد . مارشال پتن که تقاضا کرده بود اجازه ورود بفرانسه باوداده شود روز۲۱ آوریل بهمراهی ژنرال **دنبی**[1] به **زل**[2] منتقل وروز۲٤ آوریل حفاظت اوبه یکی ازمامورین دولت سویس واگذار گردید و همینکه بمرزفرانسه رسید بوسیله مأمورین دولت بازداشت شد (۲٦ آوریل) واورا بقلعه **منروژ**[3] فرستادند . ژنرال ویگان‌نیزروز ۹ مه بمحض ورود بفرانسه بازداشت شده بود .

بیلان جنگ

فرانسه‌در کنارفاتحین‌جنك را بپایان رسانید قیام دوگل ونهضت مقاومت و فداکاری فرانسویان آزاد و دلاوری سپاه اول فرانسه خطایای اخلاقی‌ناشی‌ازسیاست‌همکاری باآلمان‌راجبران نمود .

ضایعات‌فرانسه‌درین‌جنك‌نسبت‌بجنك‌اول‌جهانی کمترولی درعین حال قابل‌ملاحظه بود :

۱ - Denebey ۲- Zell درمرزاطریش وسویس - م

۳ - Montrouge درایالت سن‌فرانسه - م

۱۵٫۰۰۰ سرباز و ۴۵۰٫۰۰۰ از افراد غیرنظامی بر اثر بمباران و یا اعدام دسته جمعی و یا زجر و شکنجه آلمانها نابود و صدها هزار نفر علیل و بیمار و مجروح برجای مانده بودند. نقصان مواد غذائی (که در شهرستانها به ۱۰۰۰ تا ۱۳۰۰ کالری در روز میرسید) روز بروز بر عده متوفیات، بخصوص در میان اطفال، می‌افزود و هرچه بیشتر افراد را برای ابتلای بامراض آماده و زمینه را برای بوجود آوردن نسل ناتوان آینده فراهم می‌ساخت و از طرف دیگر کاسته شدن تعداد نوزادان که نتیجه انتقال دو میلیون از مردان فرانسوی بآلمان بود ملت فرانسه را تهدید میکرد[1].

ازلحاظ خسارات مادی ۴۵۲٫۰۰۰ خانه بکلی ویران و ۱٫۴۳۶٫۰۰۰ خانه آسیب دید و رویهمرفته به ۷۵۰٫۰۰۰ فرانسوی خسارت کلی و به ۲٫۱۰۰٫۰۰۰ نفر خسارت کمتر وارد آمده، ۳۰۰٫۰۰۰ هکتار از مزارع مین گذاری و ۳٫۷۰۰ کیلومتر راه آهن، ۶٫۰۰۰ پل راههای شوسه، بخصوص پلهای حوضه رودسن و کنار دریای مانش و حوضه رود لوار و قسمتی از حوضه رود رن. ویران و تمام ذخایر مواد اولیه و خوار و بار فرانسه در مدت ۵ سال بوسیله آلمانها و یا وابستگان بآلمان مصرف شده بود. بطور کلی میزان خسارات وارده به ۴۸۹۷ میلیون فرانک بالغ و فرانسه تقریباً ۴۵ درصد از ثروت ملی خود را نسبت بسال ۱۹۳۹ از دست داده بود.

اشغال آلمان

پس از امضای پیمان تسلیم آلمان، نیروهای متفقین سراسر خاک آن کشور را اشغال کردند سپس منطقه اشغالی هریک از دول متفق در آلمان و اطریش تعیین گردید منطقه اشغالی فرانسه در آلمان ناحیه زار (سار) و کناره چپ رود راین تا شهر بن[2] و از آنجا در امتداد دو خط، یکی از

۱ ـ فرانسه جزو ممالک قلیل التناسل و برخلاف آلمان و ایتالیا افزایش جمعیت آن بسیار کند و غیرمحسوس و از این بابت پیوسته درمعرض تهدید بوده است ـ م

۲ ـ Bonn در کنار رود راین و پایتخت فعلی آلمان غربی ـ م.

کناره راست رود راین درمشرق **کبلانس** [1] ودیگری درمسیر ناحیهٔ جنگلهای سیاه تا حدود شهر **اولم** ودراطریش ناحیه **تیرول** [2] و **وورارلبرگ** [3] تعیین گردید و نیزشهرهای وینه وبرلین بین چهاردولت متفق تقسیم شد . یك ژنرال فرانسوی بعضویت کمیته نظارت متفقین بر آلمان که مرکز آن در برلین بود منصوب گردید وژنرال دوگل وسلطان مراکش وبای تونس ازمنطقه اشغالی فرانسه بازدید کردند .

علیرغم مشکلات فراوان سیاست مبارزه برعلیه نازیها وتصفیه دستگاههای دولتی آلمان ازطرفداران هیتلر باشدت تعقیب شد ودرمنطقه اشغالی فرانسه هیچگونه اغتشاش یاسوء قصدی ازطرف مردم آلمان مشاهده نگردید . مقامات اشغالی برای جبران آنچه آلمانها ازفرانسه ربوده ومالیاتها وعوارضی که بمردم تحصیل کرده بودند مالیاتها وعوارض جدیدی بردرآمد مردم آلمان وضع کردند وپس ازچند ماه اجازه دادند که سازمانهای ادرای دایر گردد ویك حزب ضد نازی درآلمان فعالیت خود را آغاز کند دراطریش ازعده سربازان اطریشی بحدکافی کاسته ویك دارالفنون فرانسوی در شهر **اینسبروك** [1] تأسیس گردید ودرپاریس یك کمیساریای جدید برای اداره امور مربوط بآلمان بوجود آمد .

نقشه فرانسه در خاورمیانه

مقامات نظامی ژاپن براثرسوءظنی که نسبت به مأمورین عالیرتبه کشوری ولشکری فرانسه درهندوچین داشتند روز ۶ مارس ۱۹۴۵ اکثرمامورین نامبرده رادستگیر کردند وعده‌ای رانیزتحت نظر قراردادندو بعضی ازپادگانهای فرانسوی رانیزخلع سلاح کردند وپادگانهای دیگردرصدد مقاومت ویاجنگ پارتیزانی بانیروی

۱ – Coblence ۲ – Tyrol منطقه کوهستانی جنوب اطریش مجاورمرزایتالیا – م .

۳ – Vorarlberg ٤ – Innsbruck

ژاپن برآمدند. دسته‌های زیرفرمان ژنرال **الساندری**[1] مواضع جدیدی درشمال هندوچین بدست آورده ودرحال تماس با نیروهای چین (که دوش بدوش متفقین بـادول محور در امجنك بودند ـ م .) دولت فرانسه لشکر جدیدی برای اعـزام بـه خـاور دور تجهیز و کشتی‌های نیروبری که متفقین دراختیارفرانسه گذاشتند بهندوچین اعزام نمودولی روز ۱۰ اوت ۱۹٤۵ ژاپن ازپا درآمد وتسلیم شد وژنرال لکلرك فرمانده نیروی اعزامی درمراسم امضای پیمان تسلیم ژاپن که روز ۲ سپتامبردرخلیج توکیو در کشتی زرهدار **میسوری**[2] انجام گرفت بعنوان نماینده فرانسه شرکت کرد .

قبل ازرسیدن نیروهای اعزامی فرانسه به هندوچین، نیروهای انگلیسی وچینی هندوچین را اشغال ونیروهای ژاپن را خلع سلاح کرده بودند .

انگلیسها بدون گفتگوازهندوچین خارج شدندولی اخراج نیروهای چینی پس ازوقوع حوادث ناگوار و مدتها مذاکره درماههای اولیه سال ۱۹٤٦ انجام گرفت . ازطرف دیگر حزب ناسیونالیست **ویت نام**[3] باتسلط مجدد فرانسه برهند وچین مخالف وفرانسه حاضر بود که درمحیط آرام وبدون جنجال امتیازاتی به ویت‌نام بدهد وسرانجام پس ازیکسلسله مذاکرات روز اول ماه مه ۱۹٤٦ در **هانوئی**[4] موافقتنامه‌ای بین فرانسه وویت‌نام تنظیم وامضاشد که بموجب آن ویت‌نام دارای حکومت مستقل خودمختار وجزو کشورهای مشترك‌المنافع فرانسه ومقرر گردید که دفاع خارجی ویت‌نام همچنان برعهده فرانسه باشد وآنعده از نیروی فرانسه که بمنظور دفاع ازامنیت داخلی درهندوچین استقراریافته‌اند درظرف پنج

۱- Alessandrie ۲- Missouri ۳- Viet-Nam حکومت قسمتی ازهندوچین فرانسه که درجهت مخالف حکومت کمونیستهای هندوچین یعنی ویت‌مین قرار گرفته وتاکنون نسبت به فرانسه وفادار مانده است ـ م.

٤- Hanoi از بلاد مهم هندوچین.

سال (هرسالی $\frac{1}{5}$ عده آنان)ازهندوچین خارج شوند. ضمناً حکومت فرانسه به‌تصمیمات متخذه درباره خاوردور در کنفرانس مسکو (دسامبر ۱۹۴۵) که‌حل مسائل مربوطه‌به‌خاور دور را بیك کمیته‌ای از نمایندگان متفقین بدون عضویت فرانسه‌واگذاشته بود شدیداً اعتراض کرد.

روز ۲۸ فوریه ۱۹۴۶ موافقتنامه‌ای بین فرانسه‌وچین بامضارسید و بموجب آن دولت چین متعهدشد که نیروی‌های‌خودرا ازهندوچین خارج کندونیزطرفین‌اصول پیمان سال ۱۹۴۳ منعقده بین حکومت‌ویشی وحکومت‌نانکینگ را که‌هردو ازمیان‌رفته بودند، تایید نمودند، بموجب پیمان مزبورحکومت فرانسه ازحقوق وامتیازات قضائی‌خود در **شانگهائی، تین‌تسن، هانکئو و کانتون**[1] صرفنظر کرده‌بود. پس‌ازامضای‌موافقتنامه وتایید پیمان سابق یك‌منطقه‌آزاد در **هائیفونگ**[2] (بندر معتبر ویت نام درشمال مجاور مرزچین) تعیین و اعلام و مقرر گردید که دولت چین خطوط راه آهن **یونان**[3] را که فرانسویان بخرج خود کشیده‌بودند خریداری کند.

اوضاع‌داخلی‌درسال ۱۹۴۵

لیستهای متعدد انتخابات انجمنهای شهرداری که میبایستی در ۳۰ آوریل‌انجام‌شود پیشرفت وتوسعه محسوس حزب کمونیست فرانسه‌را نشان میدادودرانتخابات انجمنهای عمومی‌نظارت‌درماه مه این مسئله بصورت قطعی‌تری‌درآمد. درسیاست داخلی‌فرانسه هنوزموضوع تصفیه ادارات وموسسات، اصلاح وترمیم وضع مالی، تثبیت اوضاع‌اقتصادی وترمیم وتجدید ساختمان خطوط ارتباطیه وتهیه وتدارك‌آذوقه وملزومات کشوردرراس

۱- Changh i، Tientsin، Hankéou، Canton بلادمهم‌چین-م. ۲ Haiphong

۳- Yunn n

مسائل مورد توجه دولت ومردم قرارداشت

موضوع محاکمه ومجازات اعضا وطرفداران حکومت ویشی نیز یکی‌ازمسائل مهم روزبود . دادگاه‌های قضائی‌پاریس وایالات فرانسه‌میبایستی بهزاران پرونده‌متهمین رسیدگی کنند.تعدد دادگاهها وفقدان قانون محاکمات جزائی مورد قبول‌عامه،قضاوت دادگاهها‌را گاهی از مجرای‌عدالت منحرف میساخت ویاموجب صدور احکام‌مستبدانه وبدون مجوزقانونی‌می گردید. محاکمه‌مارشال‌پتن روز ۲۳ژوئیه۱۹٤٦ آغاز گردیدووی که حاضرنشد درداد گاه ازخود دفاع کند ، محکوم به‌محرومیت ازحقوق مدنی‌واستفاده ازاموال خود وسرانجام محکوم بمرك گردید ولی دوگل باتکای اظهار نظردادگاه که اعدام پتن‌را جایزنمیدانست محکومیت‌اورا از اعدام‌به‌حبس‌ابد تبدیل‌نمود. پتن‌رانخست درقلعه **پورتاله**[1] وسپس درجزیره **یو**[2] زندانی کردند .

لاوال که بوسیله مقامات امریکائی دستگیر و تصمیم نیروی فرانسه در اطریش گردیده‌بود روز ۱۹ اکتبرطی محاکمهٔ پرشوری محکوم بمرك وروز ۱۵ اکتبر تیرباران شد . دریاسالار **استوا**[3] بزندان ابد و ژنرال **دنتز**[4] محکوم بمرك وپس‌ازیکدرجه‌تخفیف محکوم‌بحبس‌ابد گردید. **دوریو** دریکی‌ازبمبارانیهای‌هوائی آلمان کشته‌شده،**دآ** هنوز متواری، **بونار** دراسپانی، وژنرال ویگان وفلاندن همچنان‌درتوقیف‌بودند. **دارنان** نیز محکوم بمرك وتیرباران‌شد . **شوتان** که‌درسال۱۹٤۰ بامریکارفته‌بود هنوز درآن کشور بسرمیبرد وبطور کلی‌عضویت درحکومت ویشی مستلزم محاکمه‌ومجازات‌بود ولی‌تصفیه دستگاههای کشوری‌ولشکری ازعناصر وابسته بحکومت‌ویشی وسیاست همکاری‌باآلمان

---

۱ – Pourtalet ۲ – Yeu یکی‌از جزایرکوچك ساحلی فرانسه دراقیانوس اطلس که‌درحدود پنجهزارنفر جمعیت دارد–م. ۳– Steva ٤– Dentz

چنانکه انتظارمیرفت و آرزوی اکثریت مردم بود ازروی صفا وایمان وحقیقت‌جوئی انجام نمیگرفت زیرا نهضت مقاومت ملی سنگر بزرگی بود که پس‌ازپیروزی فرانسه بر آلمان بسیاری از هواخواهان وطرفداران حکومت ویشی بدان پناه برده بودند وسنك نهضت را بسینه میزدند و چه‌بسا کسانی که در آخرین لحظه درصف نهضت‌مقاومت‌قرار گرفته‌واینك ازفداکاریها ومحرومیت‌های دیگران بهره‌مندمیشدند .

بودجه سال ۱۹۴۵ که‌درمارس به‌تصویب پارلمان‌رسید ودرحدود ۲۰۰ میلیارد کسر رآمدنسبت به‌هزینه‌داشت‌نمونه‌ای‌ازوضع ناگوارامورمالی‌واقتصادی کشور بود. دولت‌درماه‌ژوئن اقدام به‌تعویض‌اسکناس و بامبلغ ۱۵۰ میلیارد که‌ازاین‌راه بدست آورد قسمتی ازمساعده‌های دریافتی از بانك فرانسه‌را مستهلك‌نمود ولی بموضوع جلوگیری ازترقی‌غیرعادی قیمتها و مسئله ارزاق وملزومات عمومی چندان اعتنائی نکرد . هنوز روش بوروکراسی دوره حکومت ویشی باتمام مظاهرخود درفرانسه باقی وسهل‌انگاری و بی‌اطلاعی سازمانها و سرویسهای مربوط به‌ارزاق‌واحتیاجات عمومی علت اساسی‌وقوع حوادث ناگوار وبروز مشکلات گوناگون‌بود. بازارسیاه‌چنان رواج‌داشت که‌دولت‌باذخیره‌های ناچیزخواروبار واحتیاجات‌تحت‌اختیار خود بهیچوجه نمیتوانست باآن مبارزه کند ودعوت دولت برای کار وفعالیت ازمردمی که ازراه دوساعت دوندگی‌دربازارسیاه معادل یك‌هفته‌کاربرای‌دولت ارزاق‌واحتیاجات خودراتأمین‌می کردندودرغیراینصورت‌برای‌خوراك‌وپوشاك‌وگرم کردن مسکن‌خویش سرگردان ودرمانده‌میشدند بیفایده وبی‌اثربود . معذالك باکندی و تانی تصمیمات دولت بمورد اجرا گذاشته‌میشد ومتدرجاً آرامش وانضباط جایگزین بی‌نظمی ولجام گسیختگی ، که یادگاردوران‌تسلط آلمانهابود می گردید کارتعمیر بنادروخطوط راه‌آهن ولکوموتیوها ووسائط نقلیه دیگر بتدریج پیش‌میرفت بطوریکه تاپایان‌سال ۱۹۴۵ درحدود ۹۰ درصد راه‌آهنهای فرانسه تعمیر وقابل‌استفاده و لکوموتیوهای متعدد آماده

کارشد ومقدارزیادی ازواگنهای فرانسه که آلمانها بکشورخود برده بودند مسترد گردید وحمل ونقل داخلی وخارجی فرانسه تاحدی روبراه شد .

مسائل مربوط بسیاست خارجی درسال ۱۹۴۵

حکومت فرانسه درمسائل خارجی همچنان ازنظریات خوددفاع ونسبت بعدم شرکت فرانسه در کنفرانس **پوتسدام**[۱] اعتراض می کردودرعین حال که باشرکت در کمیته دائمی وزرای امورخارجه پنج کشور بزرگ (انگلیس، فرانسه، شوروی، امریکا، چین) موافقت نمود حق مداخله واظهارنظردرباره عقد قراردادهای صلح با دول فنلاند ، رومانیا، بلغارستان ومجارستان (هنگری) را برای خود خواستار بود. در کمیسیون نظارت بین المللی دربرلین نماینده فرانسه با تصمیمات کمیسیون درباره سازمان اداره امورآلمان مخالفت ورزید زیرا کمیسیون نظارت علیرغم ادعای فرانسه نسبت به **روهر ورنانی** این دوناحیه را داخل خاك آلمان قرارداده بودوتصمیمات کمیسیون درباره مرزهای غربی آلمان صراحت وقطعیت نداشت وحال آنکه مسئله مرزهای جدید مشرق آلمان در کنفرانس پوتسدام بصورت قطعی درآمده بود . دولت فرانسه همچنین با تشکیل احزاب جدید سیاسی وسندیکاها درآلمان مخالفت میورزید .

فرانسه در کنفرانس مالی **برتن وودز**[۲] که بمنظور ایجاد واحد بین المللی پول تشکیل گردید ونیز در کنفرانس **سانفرنسیسکو**[۳] برای تدوین وتصویب «منشورملل متحد» شرکت در کنفرانس اخیرازحقوق ملل کوچك وحق انعقادقراردادها وموافقتنامه های مودت و حسن همجواری برای کلیه ملل جهان در حدود مقررات و منشور ملل متحد

۱ــ Potsdam کاخ پوتسدام از بلاد آلمان نزدیك برلین درسال ۱۹٤٥ محل کنفرانس ترومن واستالین وچرچیل سران کشورهای متفق بود ــم. ۲ــ Bretton- Woods.

۳ــ San -Francisco بندرمهم ممالك متحدامریکای شمالی درکناز اقیانوس کبیر ــم.

دفاع کرد .

میان فرانسه وانگلیس برسر وضع سیاسی ونظامی سوریه ولبنان کشمکش شدیدی درگرفت. فرانسه چنانکه پیشتر گفته شد، بااستقلال سوریه ولبنان بشرط حفظ حق تقدم وامتیازات سیاسی دیگر برای فرانسه درآن ممالك، موافقت کرده بود وطبق آن موافقتنامه نیروی فرانسه درزمان جنك میبایستی درسوریه ولبنان باقی بماند . درماه مه ۱۹۴۵ براثر نقل وانتقالاتی که درپادگان فرانسوی سوریه ولبنان حاصل گردید دردنبال ابراز احساسات شدید بر علیه فرانسه، ناگهان شورش و اعتصاب درآن ممالك بسختی آغاز ومنجر به حمله شورشیان به افراد نظامی وغیر نظامی فرانسه گردید و پادگانهای فرانسوی ازطرف شورشیان که دارای اسلحه انگلیسی بودند محاصره شدند . روز ۳۰ مه شهر دمشق بوسیله یك هوا پیمای بمب افکن ویك آتشبار توپخانه بمباران شد وروز ۳۱ مه حکومت انگلستان باین بهانه که شورش واغتشاشات سوریه ارتباط انگلستان را باخاور نزدیك وهندوستان که هنوز درحال جنك هستند بمخاطره انداخته ، اتمام حجتی برای حکومت فرانسه فرستاد که قبلا باطلاع مجلس عوام آن کشور رسیده بود . انگلستان از فرانسه خواسته بود که فرمان آتش بس درسوریه ولبنان صادر کند ونیز یادآور شده بود که اگر نیروی فرانسه نتواند نظم وآرامش را درآن ناحیه برقرار سازد نیروی مسلح انگلیس مستقیماً مداخله و اقدام خواهد کرد . فرانسه در برابر اتمام حجت انگلستان بآن دولت اطلاع داد که قبلا فرمان آتش بس را درسوریه ولبنان صادر کرده ولی بخوبی براین امر واقف است که از مدتها پیش حکومت بریتانیا بوسیله عوامل وایادی خود درسوریه ولبنان به تحریکاتی علیه فرانسه ست زده وهمیشه ازاین ممر تضییقات ومشکلاتی برای مامورین کشوری ولشکری فرانسه درسرزمین مزبور فراهم ساخته واین رفتار کاملا باموافقتنامه **لیتلتن ـ دوگل**[۱] که درسال ۱۹۴۱ بین دو دولت

۱ـ Lyttleton-de Gaule

برقرار گردیده‌است مغایرت‌دارد . تحریکات ضدفرانسه بوسیله عناصر مختلف و بخصوص بوسیله «اتحادیه عرب» که‌خود ساخته و پرداخته انگلستان بود بشدت ادامه داشت ، مدارس و بیمارستانهای‌فرانسوی یابکلی تعطیل شدندو یا محل خودراتغییر دادند و کارکنان موسسات مزبور بفرانسه منتقل گردیدند . فرانسه‌بدولت انگلیس‌پیشنهاد کرد که مسئله سوریه ولبنان‌به‌شورای پنج‌دولت بزرگ ارجاع‌شود ، انگلیس‌خواستارمذاکرات دوجانبه بود و فرانسه آنرا رد کرد ولی چون هردو دولت به لزوم حل مسالمت‌آمیز اختلافات خودواقف بودند وفرانسه‌براثرضعف‌نیروی‌نظامی خود نسبت‌به‌نیروی‌انگلیس درسوریه خودرا قادر به‌مقابله‌با آن‌دولت نمیدیدسرانجام‌روز ۱۳ دسامبر ۱۹۴۵ موافقتنامه‌ای بین‌دودولت‌تنظیم وامضاشد وهردو دولت‌متعهدشدند که‌تامدت‌معین‌نیروهای نظامی‌خودرا ازسوریه‌ولبنان خارج‌سازند .

درروابط سیاسی فرانسه و اسپانیا نیز تیرگیهائی وجود داشت و پارلمان فرانسه چندین بارتمایل خودرا بقطع روابط سیاسی بااسپانیاابراز نمود ولی‌سرانجام‌بین‌دودولت درماه اوت ۱۹۴۵ موافقتنامه‌ای‌درپاریس‌بامضارسید واسپانیا نیروهای‌نظامی‌خود را کداز سال ۱۹۴۰ دربندرآزاد طنجه[1] مستقرساخته‌بود ازآن‌بندر خارج کرد .

رفراندوم و انتخابات ۱۹۴۵

حکومت‌فرانسه ، علیرغم‌میل‌پارلمان‌واحزاب‌چپ ، دوپرسش زیررادرمعرض آراء عمومی(رفراندوم)قرارداد :

۱ـ آیامجلس مبعوثان‌جدید بایدقانون‌اساسی تازه‌ای برای‌فرانسه‌تدوین کندیانه ؟

۲ـ آیا با نظریه دولت در باب این مسئله که‌مجلس

۱ـ بندرطنجه Tanger مرکز ناحیه‌طنجه درشمال‌مراکش کنارتنگه‌جبل‌الطارق بندر آزاد بین‌المللی واداره‌آن برعهده‌جامعه ملل‌سابق بوده‌است واکنون نیز سازمان ملل متفق برآن ناحیه نظارت دارد ـ م.

مؤسسان موقت باید درظرف هفت ماه کار خودرا درباره وضع وتدوین قانون اساسی جدید پایان دهدومنحل شودموافقت دارید یانه ؟

انتخابات مجلس مبعوثان مقارن رفراندوم صورت می گرفت ، اگر اکثریت مردم به پرسش اول جواب منفی میدادند ناچار بایستی انتخابات سنا نیز انجام گیردورئیس جمهوری بوسیله مجلسین انتخاب شود . ژنرال دوگل و کمونیستها طرفدارتدوین قانون اساسی جدید بودند ولی کمونیستها باتشکیل مجلس موسسان مخالف و معتقد بودند که مجلس مبعوثان جدید بدون هیچگونه قیدوشرط وبااختیارات کامل درباره تدوین قانون اساسی جدید اقدام کند و بنابراین به پرسش اول رفراندوم جواب مثبت و به سؤال دوم پاسخ منفی میدادند . سوسیالیستها بهردو پرسش جواب «آری» ورادیکالها که همچنان به قانون اساسی سال ۱۸۷۵[1] وفادارمانده بودند بهر دوسؤال جواب منفی میدادند. حزب جدید «نهضت جمهوری عامه» که باداشتن جنبه مذهبی کاتولیك طرفدار جدی رفورم و اصلاحات وسیع اجتماعی بود بهر دو سؤال جواب مثبت میداد اما احزاب دست راست بکلی ازهم پاشیده وسایر احزاب نیز به نسبت تمایلات سیاسی خودبایکی از احزاب فوق الذکر ائتلاف کرده بودند.

انتخابات مجلس مبعوثان روز ۲۱ اکتبر در سراسر فرانسه ومستعمرات آغاز میشد وبه زنان نیز (که اولین باردر انتخابات انجمنهای شهرداری درآوریل ۱۹٤٥ حق رای بدست آورده بودند) حق انتخاب کردن داده شد ولی نمایندگان سابق پارلمان که با حکومت پتن درسال ۱۹٤۰ ورژیم جدید اوموافقت کرده بودند ازحق شرکت درانتخابات

۱ــ قانون اساسی سال ۱۸۷۵ پس ازسقوط امپراطوری ناپلئون سوم وشکست فرانسه از پروس تدوین و به قانون اساسی جمهوری سوم فرانسه مشهور گردید وتاسال ۱۹٤٦ ، که ذکر آن خواهد آمد، درفرانسه نافذبودم.

محروم شدند و فقط یك هیئت منصفه میتوانست برای بعضی از آنان که بعداً به نهضت مقاومت فرانسه خدماتی انجام داده بودند اعاده حیثیت کند وحق شرکت در انتخابات را بدین طریق بدست آورند .

نتیجه رفراندوم بدینقرار وموافق نظریه دولت بود :

	جواب موافق	جواب منفی
سئوال اول	۱۸۵۹۷۰۱۰ رأی	۶۹۷۸۹۴ رأی
سئوال دوم	۱۲۸۰۴۵۴۵ »	۶۴۵۰۴۸۰ »

از نتیجه انتخابات مجلس مبعوثان معلوم شد که در فرانسه سه حزب نیرومند وجود دارد که در مبارزه انتخاباتی تقریباً بطور مشابه کرسیهای نمایندگی را بدست آورده‌اند و این سه حزب عبارت بودند از حزب کمونیست ، حزب سوسیالیست و حزب جدید «نهضت جمهوری عامه». حزب رادیکال شکست خورد و دالادیه رهبر آن حزب که پیمان مونیخ را امضا کرده بود انتخاب نشد و نتیجه نهائی انتخابات بدینقرار اعلام گردید : حزب کمونیست ۱۵۱ کرسی . جمهوریخواهان و افراد نهضت وابسته به کمونیستها ۸، سوسیالیستها ۱۳۹ ، مسلمین الجزایر وابسته به سوسیالیستها ۷ ، نهضت دموکراتیك وسوسیال ۲۷ ودسته‌های وابسته بآن حزب ۱۵ ، رادیکال سوسیالیست ۲۳ وافراد وابسته بآن ۵ ، نهضت جمهوری عامه ۱۴۸ ، جمهوریخواهان مستقل ۱۴ ، گروه وحدت جمهوری وعناصر وابسته بآن ۲۸ کرسی . درمیان انتخاب شدگان فقط ۱۰۷ نفر از نمایندگان قبل ازجنك فرانسه انتخاب شده بودند و ۶۴ کرسی به نمایندگان مستعمرات و تحت الحمایه‌های فرانسه اختصاص یافته بود .

ازسه حزب نیرومندی که رویهمرفته $\frac{3}{4}$ کرسیهای قوه مقننه را بدست آورده بودند ،

حزب کمونیست که‌چند کرسی بیش از رقبای‌خودداشت مایل‌بود که یازمام حکومت را به‌تنهائی دردست بگیرد ویاحکومت ائتلافی ازدوحزب کمونیست وسوسیالیست تشکیل گردد . ولی سوسیالیستها و نهضت جمهوری عامه طرفدار حکومت ائتلافی سه حزب بودند . **فلیکس گوئن** ازنمایندگان سوسیالیست با اکثریت قابل ملاحظه‌ای بریاست مجلس‌انتخاب شد وبنا بتمایل عمومی مبنی‌بر اعاده اقتدارات واختیارات قانونی‌پارلمان که ضمن رفراندوم ابراز گردیده بود ژنرال دوگل استعفای خود را بـه مجلس تقدیم کرد (٦ نوامبر ١٩٤٥) وروز ١٤ نوامبر باتفاق آراء مجلس مجدداً مـامور تشکیل کابینه گردید .

دوگل برای تشکیل کابینه خود با مشکلات جدیدی مواجه شد زیرا وی باواگذاری وزارت امور خارجه و ارتش وپلیس به حزب کمونیست مخالف بود وحزب مزبور بعنوان آنکه قوی ترین حزب‌سیاسی و دارای نیرومندترین فراکسیون پارلمانی بود اصرارداشت که ، ضمن‌واگذاری‌چندپست کابینه، یکی‌ازسه‌پست وزارت امورخارجه وداخله‌وجنگ‌بآن‌حزب‌واگذارشود. دوگل که‌میخواست‌قدرت واختیارات‌قوه‌مجریه از تأثیر نفوذ پارلمان بر کنار بماند از تشکیل کابینه صرفنظر نمود ولی مجلس با اصرار اورامجدداً برسر کارآورد وپس‌ازیك‌سلسله مذاکرات ومشورت بارهبران احزاب‌مختلف سرانجام کابینه‌دوگل روز ٢١ نوامبرتشکیل‌شدوروز ٢٤ نوامبر باتفاق آراء موردتأیید واعتماد مجلس‌قرار گرفت ١ .

١ــ درین‌کابینه پنج وزیرازحزب کمونیست وشش‌وزیر سوسیالیست وپنج وزیر از حزب نهضت جمهوری عامه‌شرکت داشتند ودوگل‌علاوه برمقام نخست وزیری ریاست کل‌ارتش‌وسرپرستی وزارت دفاع‌ملی‌را نیز برعهده گرفت .

مؤسسان سال ۱۹۴۵

مجلس جدید که نقش مؤسس را بر عهده داشت از نمایندگان بی‌تجربه وتازه‌کار تشکیل شده بودو بی‌تجربگی نمایندگان در امورسیاسی ممکن بودعلیرغم حسن‌نیت آنان مانع ازوصول مجلس بهدفهای اساسی خود گردد. غیراز **ادوارد هریو**، رهبرراديكالها که‌حزب‌اودرانتخابات‌شکست‌خورد، ازرجال‌سیاسی‌ورزیده قبل ازجنك‌فرانسه کسی‌درین مجلس‌راه نیافته‌بود. مجلسی که آرزوداشت باروش‌عاقلانه‌جدیدی برای بهبودواصلاح کشور اقدام کندخود گرفتاررقابت شدیدسه فراکسیون قوی‌ازسه حزب‌نیرومندفرانسه وپیوسته درجستجوی راه حلی بود که بتواند مابین این سه حزب را کـه حوادث جنك وظهور نهضت مقاومت واشتراك هدف‌دریکدوره محدودآنانرا بهم نزدیك ساخته‌بود هم آهنگی ووحدت نظردرمسائل پارلمانی بوجودآورد. بعلت نبودن یك اکثریت غالباً مجلس به ائتلافهای موقت وبند وبست های‌زودگذر، که فاقد ارزش معنوی‌وزمینهٔ‌اساسی‌بود، خودرا دلخوش میداشت وسعی می کرد که‌به‌آهنك پـرشور **مارسیز**[1] کـه ازقلب نمایندگـان برمیخاست ولی در گلوی آنان خاموش میشد جان‌تازه‌ای بدهد. این ضعف باطنی وروحی درقلب هیئت‌حاکمه که آثار آن‌دردستگاه قوه‌مجریه نیزپدیداربود درروحیه‌وافکارعمومی انعکاس شدیدی داشت ودر کلیه فعالیت‌های مجامع ومحافل ملی‌واجتماعی کاملا مؤثر بود. ژنرال دوگل که ذاتاًخود خواه ومغرور وتاحدی مستبدبرأی بود ونمیتوانست‌هم‌آهنگی وهمکاری احزاب ودستجات را برای حل بسیاری‌ازمسائل‌وبخصوص مسئله تدارك آذوقه وملزومات عمومی‌جلب کندمیدید که برای‌اعاده عظمت‌فرانسه وحفظ آن‌وسائل‌وامکانات

۱– Marseillaise سرودملی فرانسه ویادگاردوران انقلاب کبیرسال ۱۷۸۹ که درمواقع مقتضی بوسیله کلیه نمایندگان مجلس‌مبعوثان‌فرانسه باصدای‌بلندخوانده میشد، سازنده آهنك وگفتار سرودیکی‌از افسران‌فرانسوی‌بنام Rouget de Lisle بوده‌است–م.

بحدکافی وجود ندارد، پس از مطالعه اوضاع سیاسی کشور و محیط قوه مقننه و ابهام واحیاناً تضادهائی که در مسائل و امور کشور وجود داشت، روز ۲۰ ژانویه ۱۹٤٦ ناگهان جلسه فوق‌العاده هیئت وزیران را تشکیل داد وپس ازذکرخدمات‌خود واین نکته که وی وظایف خود را نسبت بکشورازسال ۱۹٤۰ تا این تاریخ انجام داده وازاین‌پس نیزباید بقیه مأموریت خودرا ازطرق دیگری بپایان برساند ازنخست‌وزیری استعفا کرد واستعفا نامه‌خود را برای رئیس مجلس فرستاد واین‌استعفا نشانه‌سوءسیاست ووجوداختلافات عمیق سیاسی وحزبی بود که ازرفراندوم ببعدآثارآن کم‌وبیش‌درفرانسه مشاهده میشد . پس ازمذاکرات طولانی که بین سه فراکسیون بزرك مجلس صورت گرفت روز۲۳ ژانویه۱۹٤٦ **فلیکس گوئن** رئیس مجلس بعنوان رئیس دولت انتخاب گردید وپس از کوشش فراوان کابینه ائتلافی از سه‌حزب نیرومند فرانسه را تشکیل داد و روز ۲۹ ژانویه از مجلس رأی اعتماد گرفت و چون به‌پشتیبانی مجلس ازدولت چندان امیدوارنبود هیچگونه اختیارات یا امتیازاتی ازمجلس نخواست .

ونسان اوریول بریاست مجلس انتخاب شد ومجلس کمیسیونی بنام کمیسیون تقنینیه ازنمایندگان رامأمورنمود که قانون‌اساسی جدیدی تدوین وبرای تصویب بمجلس تقدیم کند وهنگامیکه کمیسیون‌مزبور بکارخود اشتغال داشت مجلس ودولت‌بامشکلات ومسائل‌پیچیده مالی‌واقتصادی وسیاسی‌مواجه‌بودند. مسئله تدارك‌خواروبار، وضع‌خزانه وامورمالی‌دولت،تقلیل نیروهای نظامی‌وموضوع امنیت فرانسه در حوضه رودراین دردرجه اول مسائل‌روزقرارداشت.

ملت فرانسه با گرسنگی و کمبود خوراك دست بگریبان بود وبرعده متوفیات بخصوص‌درمیان‌اطفال‌ونوزادان روز بروزافزوده میشد وهنگامیکه‌پس ازباز گشت‌میلیونها

سرباز اسیر و غیره میبایستی سطح توالد وتناسل در کشوربالا رود عده متوفیات برقم وحشتانگیزی رسیده بود . وضع بهداشت جسمانی ملت فرانسه رو بوخامت میرفت (٤٥ درصد ازمشمولین نظام وظیفه بعلت ناتوانی جسمانی وضعف بنیه ازخدمت معاف میشدند). مواد مولد حرارت کم و بعلت کمبود زغال سنك لازم بود که ازمیزان تولید برق وروشنائی کاسته شود . جیره بندی نان که از روی بی‌احتیاطی درنوامبر ١٩٤٥ لغوشده بودمجدداً ازاول ژانویه ١٩٤٦ برقرار گردیدولی از کلیه منابع غذائی کشورفقط ١٥ در صد آن بزحمت تحت اختیارسازمانهای تدارك آذوقه قرارمی گرفت. موقعیت حساس کشوراتخاذ تصمیمات قاطعی رابرای برقراری بعضی محدودیت‌ها ایجاب مینمودلیکن تشتت آراء واختلاف نظر بین قوای مقننه ومجریه ودستگاههای اداری کشورهویدا ومانع ازاجرای چنان تصمیماتی بود . بازارسیاه که بعلت عدم نظارت دولت درنرخها روزبروز توسعه مییافت و یك منبع مهم درآمد برای عده‌ای ازمردم بشمارمیرفت آینده وخیم ونکبت باری را دراقتصادیات کشورتدارك می‌نمود . صادرات کشورازبرنامه پیش بینی شده کمتر بود . اتازونی از اول مارس ١٩٤٥ تا ٢٠ آوریل ١٩٤٦ معادل ٧ میلیون تن کالای گوناگون وزغال سنك ونفت ومواد فلزی وپنبه وغلات وغیره بفرانسه ومستملکات فرانسه صادر کرده وشوروی اعلام نموده بود که ازمارس ١٩٤٦ ببعد درظرف چندماه ٥ میلیون کنتال غلات بفرانسه خواهدفرستاد. دولت کوشش می کرد که درتقسیم منابع زغال سنك ناحیه **روهر** (مغرب آلمان) برای فرانسه سهم بیشتری تعیین گردد (دربرابرهرتن زغال میبایستی ٢٠ دلار بهای آن پرداخت شود) . فرانسه میبایستی بحد کافی مواد صادراتی تهیه وصادر کند تا بتواند ارز و اعتبار لازم برای خریداری و وارد کردن مواد بسیار ضروری زندگانی مردم بدست آورد.

احتیاج روزافزون فرانسه به واردات یکی ازبزرگترین مشکلات مالی واقتصادی

فرانسه بود. نرخ غیرعادی فرانك که درسالهای قبل برای برقراری موازنه پولی باانگلستان واتازونی تعیین شد امرصادرات را مختل نموده بود حکومت دوگل در ۲۶ دسامبر ۱۹۴۵ ارزش فرانك را معادل ۷٫۴۶ میلیگرام طلاقرارداد . نرخ لیره انگلیسی به ۴۸۰ ودلاربه ۱۱۹ فرانك رسیده بود. درهمان اوقات که موافقتنامه پولی **برتن‌وودز** بین متفقین تدوین میشد مجلس ارزیابی جدید فرانك را تصویب نمود ومقارن آن زمان بانك صادرات وواردات امریکا [1] طبق قرار دادی که با دولت فرانسه منعقد کرد اعتباری بمبلغ ۵۰۰ میلیون دلار مربوط به قانون وام و اجاره اتازونی در اختیار فرانسه گذاشت بانك فرانسه نیز با ارزیابی جدید ذخیره طلای خود (پشتوانه) بر اساس پایه جدید فرانك درحدود ۵۳ میلیارد بدست آورد ولی فرانسه ۴۵ درصد ازذخیره طلای خودرا دردوسال اخیرازدست داده بود وروز بروز بر میزان قرضه‌های دولت ببانك و مردم و کشورهای خارجی افزوده میشد .

وزیردارائی دولت دوگل کسربودجه ۱۹۴۶ رادرحدود ۱۸۰ میلیارد برآورد نموده بود ولی دولت جدید آنرا بمبلغ ۳۲۰ میلیارد برآورد کرد و میخواست آن کسررا به ۱۸۵ میلیارد تقلیل دهد ، ازاین رودولت تصمیم گرفت که قسمت عمده اعانه‌ها ومساعده‌های دولتی رابموسسات اقتصادی حذف کند وازهزینه ارتش ومخارج کشوری بکاهد وازافزایش دستمزدها جلوگیری نماید وضمن دعوت مردم به صرفه جوئی در مصرف مواد ضروری برنرخ بعضی از مالیاتها و تعرفه راه‌آهن و عوارض دخانیات ومواد الکلی و امثال آن بیفزاید . این تصمیمات که مردم را بیادسیاست اقتصادی پوانکاره می‌انداخت ، هرچند که درنوشتن وگفتن آسان بود ولی درعمل با موانع و مشکلات زیاد مواجه میشد . دولت دد پیوسته ازبانك فرانسه مساعده می گرفت وتورم اسکناس یك امر قطعی وغیرقابل انکار گردیده ، برمیزان اسکناس درجریان ازاوت ۱۹۴۵ تاآوریل ۱۹۴۶ مبلغ ۶۰ میلیارد

۱- The Export ، import Bank .

اضافه وبمبلغ ۶۲۰ میلیارد رسیده و درازاء این افزایش ، ذخیره طلا به ۷۰۰ تن تقلیل یافته‌بود و در عین حال فرانسه هم برای ارتزاق عمومی و هم برای مرمت خرابی‌ها وتجدید وتقویت سازمانهای اقتصادی ونظامی کشور به‌پول احتیاج داشت. بهمین علت بود که **لئون بلوم** بعنوان سفیر فوق‌العاده برای جلب توجه دولت امریکابوضع مالی‌و احتیاجات ضروری فرانسه درمارس ۱۹۴۶ عازم‌واشینگتن گردید

تقلیل اعتبارات ارتش مستلزم تقلیل سربازان واین امروسیله مناسبی بود برای تجدیدسازمانهای‌ارتش. لیکن‌تقلیل نیروهای نظامی باوجود اشغال قسمتی ازخاك آلمان واطریش ولزوم حفظ امنیت فرانسه درمستعمرات وبخصوص درخاوردور ، خالی‌از اشکال نبود و دولت برای رفع این محظور از تاریخ اول ژوئن ۱۹۴۶ خاتمه حالت جنك را بین‌فرانسه‌و کشورهای متخاصم رسماً اعلام‌نمود . اماوظیفه‌مجلس‌دربرابرمسائل مختلف مالی وسیاسی ومشکلات گوناگون بسیارسنگین بود .

لایحه‌دولت‌درباب‌ملی کردن‌موسسات‌بزرك‌صرافی دردسامبر ۱۹۴۵ولایحه‌ملی‌شدن صنایع‌زغال‌سنك‌ومؤسسات‌بیمه‌در آوریل۱۹۴۶ بتصویب‌مجلس‌رسید. ازلحاظ‌سیاست‌خارجی، دولت که بهیچوجه‌ازنظریات‌سابق‌خودعدول‌نکرده‌وهمچنان‌درمقام‌دفاع‌ازحقوق‌فرانسه‌بود باتفاق‌آراء مورد پشتیبانی‌مجلس‌قرار گرفت. فرانسه‌به‌عدم‌شرکت‌خوددر کنفرانس‌وزرای امور خارجه‌متفقین درمسکو(دسامبر ۱۹۴۵) رسماًاعتراض واز دولت‌شوروی خواسته بود که طبق پیمان و موافقتنامه های منعقده بین دو کشور حق‌فرانسه‌را در مورد هر گونه مذاکرات و تصمیمات مربوط به صلح با متحدین آلمان محفوظ دارد . همچنین برای قبولاندن نظریه خود به‌متفقین درباره بین‌المللی کردن ناحیه **روهر** (آلمان)**ورنانی** (حوضه صنعتی مغرب آلمان ـم.) وواگذاری‌معادن زار(سار) به‌فرانسه وتابعیت‌آن‌ناحیه بفرانسه از لحاظ اقتصادی و پولی وسلب‌حق نظارت برسار از کمیته نظارت‌متفقین ، پافشاری می کرد . دولت قسمتی ازغرامات جنك‌را از آلمان در یافت نمود و نمایندگان

فرانسه درداد گاه **نورنبرگ**[1] فجایع آلمانهارا درفرانسه وبلژیك باطلاع داد گاه‌رساندند ودرجلسه کنفرانس ملل متحد که‌درژانویه ۱۹٤٦ درلندن تشکیل‌شد نمایند گان‌فرانسه به‌بیانات نماینده‌شوروی، که گفته‌بودوجود ۱۵۰۰ سربازفرانسوی درلبنان‌صلح جهانی‌را بمخاطره‌خواهدانداخت، پاسخ‌دادند.

نیروهای فرانسه وانگلیس قبل‌ازموعد مقررخاك سوریه راتخلیه کردند ولبنان‌نیز پیش‌از انقضای مهلت از نیروهای دو کشور تخلیه می شد . بنا بر اصرار مجلس ، دولت فرانسه علیرغم امریکا و انگلیس که وجود حکومت فاشیستی فرانکو را در اسپانیا منافی با استقرار صلح جهانی و مداخله در امور مربوطبه‌آن کشور را لازم‌نمیدانستند ، روابط اقتصادی خودرا بااسپانیا قطع کرد . مرزهای فرانسه واسپانیا ازتاریخ اول مارس ۱۹٤٦ بسته‌شد وحکومت فرانسه ازپیشنهاد لهستان مبنی براینکه مسئله اسپانیادردستور کارمجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گیرد پشتیبانی کرد (آوریل ۱۹٤٦) . [2] بسیاری‌ازمواردنمایند گان‌فرانسه‌نقش‌میانجی‌رادرروابط بین نمایند گان شوروی‌و کشور های‌انگلوساکسن (انگلیس‌وامریکا) درمسائل‌ومجامع بین‌المللی برعهده‌داشتند .

طرح‌جدید قانون‌اساسی و رفراندوم‌۵مه ۱۹۴٦

کمیسیون تقنینیه مجلس که‌مأمور تدوین طرح جدید قانون اساسی بود نخست اعلامیه جدیدی درباره حقوق بشر که‌مکمل **اعلامیه‌حقوق‌بشر**[2] مصوب دوره انقلاب کبیر فرانسه (سال ۱۷۸۹) بود تدوین کرد ، دراعلامیه‌جدید ، موادی درباره

۱- Nurnberg از بلاد آلمان جنوبی که اکنون تابع حکومت آلمان غربی است ــ م.

۲- Déclaration des Droits de l'Homme این‌اعلامیه یکی‌از نفیس‌ترین‌و پربهاترین‌اعلامیه‌ها ئی‌است که‌ملل جهان پس‌از قیام‌برعلیه حکومتهای جابر مستبد برای نشان دادن و تامین حریت‌و حقوق طبیعی هر انسانی وضع‌و تدوین کرده‌اند ــ م .

حقوق اقتصادی و اجتماعی افراد و حق مالکیت فردی و آزادی مطبوعات تدوین‌شده‌ولی چون مواد اعلامیه درمورد تعلیم وتربیت وفرهنك نارسا وتاحدی مبهم بود مورداعتراض شدید حزب جمهوری عامه وعناصر دست‌راست . که‌ازحال تفرقه‌خارج ودرجبهه‌واحدی زیرعنوان حزب‌جمهوریخواه آزادی‌فرانسه متشکل شده‌بودند ، قرار گرفت .

هریك ازاحزاب نیرومند فرانسه وفراکسیونهای پارلمانی وابسته‌بآن احزاب‌در باره‌طرح جدید قانون اساسی ، که‌فرانسه ومستملکات آنرادرحکم یك کشور واحد قرار میداد ومرکزیت ووحدت حکومت‌را درفرانسه ومتصرفات وتحت‌الحمایه‌های آن کشور برقرار می‌ساخت ، نظریات خاصی داشتند وفقطدره‌ورد حذف مجلس‌سنا وتشکیل‌شورائی بنام **«شورای‌عالی وحدت فرانسه»**[1] بایکدیگرهمعقیده‌بودند . حزب‌جمهوری‌عامه‌و حزب‌جدیدجمهوریخواه آزادی‌فرانسه(ائتلاف‌عناصردست‌راست)بااعطای‌حق‌قانونگزاری به‌شورای عالی وحدت فرانسه موافق واحزاب سوسیالیست و کمونیست مخالف و معتقد بودند که قوه مقننه فقط به یك مجلس مقنن که بارأی آزاد عموم مردم انتخاب خواهد شدباید سپرده‌شود . در مورد طرز انتخاب و اختیارات رئیس جمهوری نیز بین احزاب اختلاف‌نظر وجود داشت و اختلاف برسراین بود که‌رئیس‌جمهوری ازطرف مجلس‌مقنن ویا با رأی عامه مردم انتخاب‌شود ؟ نخست وزیر ووزیران راشخصاً ویا بامشورت‌مجلس انتخاب نماید وهیئت‌دولت دربرابر اومسئول باشند یادربرابرمجلس ؟ حق‌انحلال‌مجلس به‌رئیس جمهوری داده‌شود یانه ؟ این‌مسائل ومسائل دیگر از قبیل تفکیك کامل قوای ثلاثه کشورازیکدیگر وعدم دخالت کارمندان دولت در سیاست وامور سیاسی ، مورد بحث بود . حزب جمهوری عامه و ائتلاف دست راست و رادیکالها در برابر دو حزب

---

۱ – Conseil Supérieur de l'union Francaise

دوحزب نیرومند دست‌چپ (کمونیست وسوسیالیست) صف‌آرائی کرده و معتقد بودند که‌اعمال‌نظریات حزب کمونیست ، فرانسه‌را به‌دیکتاتوری فردی یاحزبی سوق‌خواهد داد واین‌حزب وسوسیالیستها اصرارداشتند که اتخاذ هر تصمیمی در باره رژیم حکومت آینده فرانسه باید بارأی عامه‌مردم‌باشد . مجلس ازروز ۱۰ آوریل بحث دربارهٔ گزارش کمیسیون تقنینیه راآغاز کرد وعلیرغم تمایل کلیه دستجات پارلمانی به اتخاذ رویه مشترك وباوجود تلاش و کوشش رئیس مجلس برای ایجاد حسن تفاهم بین‌فراکسیونها، جاروجنجال وتشنجات وبی نظمی مجلس تایکهفته ادامه‌یافت. سرانجام روز ۱۹ آوریل طرح فراکسیونهای کمونیست و سوسیالیست که نظریات فراکسیون حزب جمهوری عامه نیز تاحدی درآن گنجانده شده‌بودبااکثریت ضعیفی (۳۰۹ رأی‌در برابر۲۴۹رای مخالف) بتصویب رسید واین‌طرح طبق‌رأی مجلس‌بایستی درتاریخ ۵ مه ۱۹۴۶ ازطریق رفراندوم درمعرض آراء عامه‌قرار گیرد . ازطرفی‌احزاب کمونیست وسوسیالیست‌هریك جداگانه برای‌جلب‌آراء موافق و حزب جمهوری عامه و ائتلاف عناصر دست راست و یك‌دسته از رادیکالها وبعضی از احزاب درجه دوم از طرف دیگر برای بدست آوردن رأی مخالف دست بکار مبارزه تبلیغاتی شدند ، رقبای احزاب چپ در تبلیغات خود خطرروی کار آمدن کمونیستها رادر صورت تصویب طرح جدید وجنبه‌های بین‌المللی حزب مزبوررا بمردم گوشزد می کردند . رفراندوم روز ۵ مه بعمل‌آمد وطرح جدید با اکثریت ۱۰ میلیون و کسری رأی مخالف در برابر ۹ میلیون و کسری موافق رد شد[1] ملت فرانسه برای اولین‌بار در تاریخ حیات خود قانون جدیدی راکه دولت برأی عامه عرضه نموده بود رد کردوبدین ترتیب میبایستی مجلس‌موسس‌جدیدی روز ۲ژوئن۱۹۴۶ انتخاب‌شودوتکلیف‌قطعی‌قانون‌اساسی‌جمهوری‌راتعیین کند.

۱ــ مخالف ۱۰۵۸۴۳۵۹ وموافق ۹۴۵۴۰۳۴ ، قریب‌به ۲۰ در صد ازکسانیکه حق‌رای داشتندازدادن رأی‌امتناع‌ورزیدند .

کنفرانس اول پاریس و موافقتنامه فرانسه وامریکا

کنفرانس صلح میبایستی روز اول مـه ۱۹٤٦ در پاریس تشکیل شود و برای اینکه زمینه مذاکرات قبلا آماده شده باشد از روز ۲۵ آوریل کنفرانسی ازوزرای امورخارجه امریکا و انگلیس وشوروی و فرانسه تشکیل ومذاکره درباب قراردادهای صلح باایتالیا واقمار سیاسی آلمان آغاز گردیدوفرانسه دراین کنفرانس حق شرکت درمذاکرات مربوط به کشورهای اخیرالذکررا بدست آورد. هر چند که ازاین کنفرانس نتیجه قطعی برای حل مسائل مربوط به کنفرانس صلح بدست نیامد و توافق نظر کامل بین شرکت کنندگان در کنفرانس حاصل نشد لیکن وزرای امور خارجه توانستند عقاید و نظریات کشورهای متبوعه خودرا دربارهٔ مسائل مورد بحث صریحاً بیان کنند. ژرژ بیدو وزیرخارجه فرانسه برای نزدیك کردن نظریات **بیرنس**[1] و **بوین**[2] با نظریات مولوتف وزیرخارجه شوروی کوشش بسیار بکاربرد اما چون کنفرانس مدت زیادی بطول انجامید (تا ۱٦ مه ۱۹٤٦) وتوافق قطعی حاصل نگردید وزرای امور خارجه ادامه مذاکرات رابه معاونین خود سپردند وقرار براین شد که معاونین مزبور زمینه‌های مساعدی برای توافق وزرای امور خارجه تدارك کنند و کنفرانس وزرا مجدداً در ۱۵ ژوئن تشکیل شود. ولی مندرجات مطبوعات اروپائی و امریکا در فاصله دو کنفرانس وزیران امور خارجه حاوی مطالبی که احتمال توافق بین دول متفق را درمسائل مربوط به آلمان وایتالیا در برداشته باشد ، نبود .

روز ۲۸ مامه درواشینگتن موافقتنامه‌ای ، که لئون بلوم مأمور مذاکره در بارهٔ آن شده بود، بین فرانسه واتازونی بامضا رسید وبموجب آن امریکا متعهدشد که ۱۳۷۰

۱- Byrnes وزیرخارجه امریکا ۲- Bevin وزیرخارجه انگلیس

میلیون دلاردراختیار فرانسه‌قرار دهد بدین ترتیب که ۶۵۰ میلیون‌بوسیله بانك‌صادرات و واردات‌امریکا با فرع صدی‌سه و بمدت ۲۵ سال و ۷۲۰ میلیون از طرف دولت امریکا با فرع صدی دو و بمدت ۳۵ سال و در صورتیکه دولت فرانسه مایل باشد ۳۰۰ میلیون دلار از قرضه دولت امریکا بمصرف خریداری ذخیره‌ها و مازاد ملزومات ارتش امریکا درفرانسه برسدو ۴۰۰ میلیون دیگر برای تهیه‌موادضروری مورد احتیاج‌فرانسه از امریکا پس‌ازقطع اعتبارات وام واجاره مصرف شود، طبق این موافقتنامه وام فرانسه بامریکا بمبلغ ۱۵۰۰ میلیون دلار که‌بموجب قانون وام و اجاره در یافت نموده بود مستهلك گردید. مقارن همین اوقات فرانسه تقاضای وام دیگری بملغ ۵۰۰ میلیون دلار بمنظور تجدید ساختمان ومرمت خرابی‌های دوره‌جنك که‌انجام آن‌مستلزم ۲۲۰۰ میلیون دلار بود برای امریکافرستاد ونیز ازبانك بین‌المللی که بتازگی در **برتن‌وودز** تشکیل شده بود ۵۰۰ میلیون دلار اعتبار خواست. این اعتبارات بدولت فرانسه مهلت میداد که بتدریج وضع اقتصادی کشور را بهبود بخشد و در آینده بوسیله تجدید فعالیت موسسات صنعتی و تجارتی و افزایش تولید و صادرات بنیه مالی فرانسه را تقویت کند.

انتخابات دوم ژوئن و دومین مجلس مؤسس

پنج حزب بزرك: کمونیست، سوسیالیست، گروه دست چپ (که‌در اطراف حزب رادیکال جمع‌شده بودند)، حزب جمهوری عامه وحزب جمهوریخواه آزادی فرانسه (گروه‌دست راست) خود را برای مبارزه انتخاباتی آماده کرده و سه حزب اخیردرمورد مبارزه‌برعلیه کمونیسم باهمدیگرهمداستان‌بودند. حزب‌سوسیالیست نیز، برخلاف گذشته، متدرجاً ازهمکاری باحزب کمونیست بدان علت که‌حزب‌مزبور

را وابسته به‌مسکو تشخیص داده بود ، دست‌می کشید . برخلاف آنچه پیش بینی شده بود ، حزب‌جمهوری عامه به‌تنهائی ۲۲ر۲۸ درصد آراء انتخاباتی را در فرانسه بدست آورد و این‌مقدار مساوی بود بامجموع آراء دوحزب‌سوسیالیست و کمونسیت . حزب کمونیست آراء بیشتری دردهستانها بدست آورد ولی چند کرسی خودراازدست داد ، سوسیالیستها درسراشیبی سقوط افتاده بودندورادیکالها و گروه دست‌راست وضع ثابتی داشتند . ازنخست وزیران قبل‌ازجنك فرانسه ، **دالادیه** و **پل‌رینو** انتخاب‌شدند . درمستعمرات بخصوص الجزایروماداگاسکار نتیجه انتخابات‌تمایل‌شدید مردم رابه‌ناسیونالیسم وحکومت‌مستقل وخود مختار نشان میداد . سرانجام مجلس موسس جدید باین صورت تشکیل گردید : حزب کمونیست وموتلفین آن حزب ۱۵۰ کرسی ، سوسیالیست‌ها ۱۲۸ ، گروه دست چپ ۴۸ ، حزب‌جمهوری عامه ۱۶۵ ، حزب جمهوریخواه آزادی فرانسه وموتلفین آن حزب ۶۵ ، **اونیون‌مانیفست**[1] الجزایر ۱۱ کرسی .

مجلس جدید روز ۱۱ ژوئن ۱۹۴۶ اولین جلسه خود را تشکیل داد و بلافاصله موضوع قانون اساسی جدید جمهوری رامورد بحث‌قرار داد[2] . مقارن‌آن اوقات وزرای

---

۱ – Union Manifeste ۲– برای‌مزید اطلاع خوانندگان درینجا اصولی راکه‌مجلس موسس جدید برای حکومت جمهوری فرانسه اتخاذ و تصویب نمود و به‌قانون اساسی جمهوری چهارم فرانسه مشهور است می‌افزائیم : قوه مقننه که قبلا بوسیله دو مجلس مبعوثان و سنا اعمال می‌شد به دو مجلس واگذار گردید : یکی مجلس ملی که در حقیقت جانشین مجلس مبعوثان سابق گردید ودارای اختیارات مطلق قانونگزاری است . دیگر شورای جمهوری که بجای مجلس‌سنا ودارای اختیارات قانونی کمتر ازمجلس ملی است نمایندگان شورای جمهوری باانتخات دو درجه بوسیله انجمنهای‌ایالتی وولایتی تعیین میشوند . رئیس‌جمهوری بوسیله پارلمان (جلسه مشترك‌مجلسین) بمقام ریاست جمهوری برگزیده میشود واوشخصاً نخست‌وزیرراکه عنوان رئیس‌قوه مجریه‌را دارد انتخاب‌میکند . درسازمانهای‌اداری‌و تقسیمات کشور به‌استانها وشهرستانها وغیره وهمچنین‌در تشکیلات قوه‌قضائیه به‌تناسب مقتضیات زمان تغییراتی نسبت به‌دوره قبل ازجنك جهانی وارد گردید وبطور کلی‌منظور وهدف تقسیمات جدید و تحولاتی که‌درسازمانهای کشوری و لشکری پدید آمد براساس وحدت فرانسه یعنی‌ترضیه خاطرمردم مستملکات و تحت‌الحمایه‌هاو اعطای امتیازات حقوقی و مدنی بآنان‌و متحدو متشکل ساختن‌فرانسه بامستعمرات آن‌کشور بود– م.

امور خارجه چهار دولت متفق در پاریس مذاکرات خود را در باره عقد پیمانهای صلح از سر گرفتند [1].

۱– درحین چاپ این ترجمه یعنی در اواخر سپتامبر ۱۹۵۸ (اوائل مهرماه ۱۳۳۷ شمسی) ژنرال دوگل که باردیگر به‌زمامداری فرانسه رسیدطرح قانون‌اساسی جدیدی‌را به‌رفراندوم گذاشت واکثریت ملت‌فرانسه وسکنه مستعمرات‌فرانسه به‌آن‌رای موافق دادند و بدین‌ترتیب جمهوری‌چهارم فرانسه نیزپایان یافت وجمهوری پنجم آغاز گردید . درقانون اساسی جمهوری‌پنجم رویهمرفته‌رئیس جمهوری قدرت‌واختیاراتی بمراتب بیش‌از روسای جمهوری گذشته‌دارد وحتی در مواقع غیر عادی میتواند برحسب مقتضیات‌زمان‌تصویبنامه‌های قانونی‌تنظیم‌واجرا کند. درقانون‌اساسی‌جدید، جمهوری فرانسه بنام جمهوری سوسیال دموکرات خوانده شده و انتخاب رئیس جمهوری به‌هیئتی منتخب ازنمایندگان مجلس‌ملی وسنا و نمایندگان شورای‌شهرستانها واگذار گردیده‌است– م.

بخش دوم - آلمان

فصل اول

وضع سیاسی آلمان از ۱۹۱۸ تا ۱۹۳۳

ترك مخاصمه و انقلاب ۱۹ـ۱۹۱۸

روز ۵ اکتبر ۱۹۱۸، **ماکس دو باد**[۱] بجای کنت **هرتلینگ**[۲] صدراعظم آلمان شدودرکابینه او ازجبهه‌کاتولیك ، **ارزبرگر**[۳] و ازسوسیالیستها ، **شیدمان**[۴] و **بااور**[۵] شرکت کردند ، روز ۲۶ اکتبر **نوسکه**[۶] نماینده سوسیال دموکرات به کمیسری جنگ وژنرال **گروئنر**[۷] متخصص عملیات پشت جبهه بجای **لودندورف**[۸] بریاست ستادارتش منصوب شدند . براثـر طغیان روحی سربـازان و احساس خطرشکست وناکامی درجنگ وپیش‌بینی تضییقات ومحرومیت‌های آینده علائم نارضایتی درغالب محافل نظامی هویدا گـردید و شیدمان روز ۳۰ اکتبر از گیوم دوم (ویلهلم دوم) امپراطورآلمـان استعفای او را از سلطنت خواستار شد ولی امپراطور به شهر کوچك **اسپا**[۹] مرکزستادارتش متفقین گریخت .

۱- Max de Bade (به آلمانی Max von Baden ـم) ۲- Comte Hertling

۳- Erzberger ۴- Scheidemann ۵- Bauer ۶- Noske ۷- Groener ۸- Ludendorff

۹- Spa قصبه کوچکی است درنزدیکی شهرلیژ Liège دربلژیك ـم .

افراد نیروی دریائی آلمان که برای جنگ باناوگان انگلیسی عازم حرکت بودند روز۲۸ اکتبر در **کیل**[۱] طغیان وازاجرای‌دستور فرماندهان خودسرپیچی کردند ومقارن آن‌زمان در کیل وبلاد دیگر آلمان‌مانند **لوبك**[۲] ، **هامبورگ** ، **هانور**[۳] ، **برونسویک**[٤] ، و **کلن**[٥] شوراهای[٦] ملوانان وسربازان تشکیل گردید .

روز ۷ نوامبر در برلین، شیدمان به صدراعظم آلمان اتمام حجت کرد که باید امپراطور رسماً استعفا کند وحکومتی بدستیاری وشرکت اکثریت نمایندگان‌سوسیال دموکرات‌مجلس(ریشستاگ[۷]) تشکیل‌شود، درهمین‌روز در شهرمونیخ حکومت دیگری باشرکت افرادسوسیالیست ازطبقات‌زارعین‌وکارگران وسربازان بریاست **کورت‌ایسنر**[۸] ازسوسیالیستهای مبارز قدیمی بوجودآمد .

روز۸نوامبردر **درسدن**[۹] **ولیپزیگ**[۱۰] نیزساویت‌های کارگری و سربازان تشکیل شد وروز ۹نوامبر اعتصاب عمومی وشورش دربرلین ظاهر گردید وعده‌ای از سربازان پادگان برلین باعتصاب کنندگان ملحق شدند . ستاد ارتش متفقین در اسپا پس از مطالعه اوضاع آلمان ، خلع سلاح فوری نیروی آلمان و استعفای گیوم دوم را لازم شمرد ، امپراطور با اکراه و اجبار استعفا داد و با ولیعهد خود به‌هلند پناهنده شد. ساعت ۱٤همین‌روزپس‌ازآنکه‌شیدمان ازایوان‌کاخ ریشستاگ برقراری‌رژیم‌جمهوری آلمان رابمردم پایتخت اعلام نمود . پرچم سرخ بوسیله **کارل لیبنخت**[۱۱] رئیس ورهبر فرقه انقلابی **اسپارتاکوس**[۱۲] برفرازکاخ امپراطوری افراشته شد. کابینه ماکس سقوط

۱– Kiel بندرآلمان درکنار ترعه‌ای بهمین نام‌که دو دریای بالتیك‌و شمال‌را بیکدیگر اتصال داده است – م. ۲– Lubek ۳– Hänover ٤– Brunswick ٥– Koln

٦– شوراهای‌محلی سربازان‌و ملوانان که بنام ساویت Soviets خوانده‌میشد و نظیر ساویت‌های روسیه بود– م. ۷– Reichstag ۸– Kurt Eisner ۹– Dresden ۱۰– Leipzig

۱۱– Karl Leibknecht ۱۲– فرقه اسپارتاکوس Spartacus درسال۱۹۱٦ ازسوسیالیستهای تندرو بوجودآمدو درسال ۱۹۱۸ مرام‌کمونیسم رااختیارکرد .

گرد **ابرت**[۱] (سوسیال‌دموکرات) بدستیاری شیدمان و باهمکاری **لاندسبرگ**[۲] (سوسیال دموکرات) وشرکت سه‌تن از نمایندگان سوسیالیست مستقل : هاس[۳] و **بارت**[٤] و **دیفمان**[٥] کابینه جدیدی تشکیل‌داد. لیبنخت‌ازشرکت درکابینه امتناع‌ورزیدولی‌شورای کارگران‌وسربازان‌برلین‌موافقت‌خودرا با کابینه‌جدیداعلام‌نمود. ابرت که‌مدتها بشغل‌سراجی وخیاطی بسر برده‌ودرسال ۱۹۱۳ بنمایندگی‌ریشستاگ‌انتخاب گردیده‌ودرسال ۱۹۱۷ بریاست حزب‌سوسیالیست‌اعتدالی‌رسیده‌بود باوجودایمان راسخی که به سوسیالیسم‌داشت یکنفر بورژوا و دشمن سرسخت بلشویسم بود . وی **هیندنبورگ**[٦] را در مقام خود باقی گذاشت واز ژنرال گروئنردرخواست کرد که تدابیرلازم برای جلوگیری از یك‌انقلاب احتمالی احزاب افراطی‌چپ اتخاذ کند .

نیروی متفقین باسرعت بجانب رود راین (رن) پیش میراند ، روز ۱۰ نوامبر **ارزبرگر** رئیس هیئت اعزامی آلمان به ستادارتش مارشال **فوش**[۷] رسید وروز ۱۱ نوامبر در **رتوند**[۸] پیمان متارکه جنگ را امضا کرد. روز ۱۲ نوامبر ابرت فرمان عفوعمومی صادر وباطرح ۸ ساعت‌کار درروز برای کارگران موافقت ونیزاعلام نمود که‌کلیه مردان وزنان‌آلمانی از ۲۰ ساله ببالاحق شرکت در انتخابات دارند .

بحران سیاسی‌آلمان روبشدت گذاشته وتحریکات واعتصابات عمومی و نافرمانی سربازان بروخامت اوضاع افزوده بود . واحدهای ارتش‌آلمان درسربازخانه ها خود اسلحه جنگ رابرزمین گذاشته دسته دسته بشورشیان واعتصاب کنندگان می‌پیوستند. **هافمان** سوسیالیست ، کمیسرعامه درشورای مذهبی پروس احساسات تجزیه طلبی مردم کاتولیك مذهب رنانی راتهییج می کرد ونهضت هائی از این قبیل درسایر مناطق

۱- Ebert ۲- Landsberg ۳- Haase بوزارت امور خارجه منصوب شد
٤- Barth ٥- Diffmann ٦- Hindenburg ۷- Foch ۸- Rethondes

آلمان ظهور کرده بود . هیچگونه هم آهنگی و ارتباطی بین ساویت ها و شوراهای شهرستانها وجود نداشت و بطورکلی امپراطوری واحد آلمان در شرف تجزیه و انهدام بود.

از روز٦ دسامبر ۱۹۱۸ کارل لیبنخت با گروهی از سربازان فراری قدیم وعناصر ماجراجو بمبارزه باپلیس آلمان برخاست. روزهای ۲۳ و۲٤دسامبر، نیروهای انتظامی و واحدهای مرکب ازسربازان دوره امپراطوری بقصد بیرون راندن عناصر اسپارتاکوس (کمونیست) ازکاخ امپراطوری وارد عمل شدند لیکن سیل جمعیت که کاخ رامحاصره کرده بود مانع ازاجرای منظور دولت گردید وبراثر مداخله نیروهای انتظامی وابسته بدوره امپراطوری ، سه‌تن از وزرای سوسیالیست کابینه استعفا کردند وابرت سه‌تن از نمایندگان سوسیال دموکرات و از جمله نوسکه راوارد کابینه ونیز از ژنرال گروئنر درخواست نمود که واحدهائی ازسربازان مورد اعتماد برای مبارزه جدی با کمونیستهای داخلی ودفاع ازمرزهای شرقی دربرابر نفوذ انقلابیون روسیه تدارك کند از۱۲تا۱۵ژانویه ۱۹۱۹ ، نوسکه که از٤ ژانویه بوزارت دفاع ملی وفرمانداری برلین منصوب شده بود بادسته‌های افراطی چپ وارد مبارزه‌جدی گردیدوطی زدو خورد خونینی که در کوچه‌ها وخیابانهای برلین روی داد صدهانفر بقتل رسیدند ، ازجمله کارل لیبنخت رهبر کمونیستها و **روزالوکزمبورگ**[۱] از زنان مبارز سوسیالیست بدست سربازان ناسیونالیست کشته شدند . در شهرستانها نیز سربازان طرفدار دولت فعالیت و قیامهای دسته‌های اسپارتاکوس راخنثی کردند وخطر انقلاب کمونیستی ظاهراً مرتفع گردید .

۱- Rosa Luxembourg

مجلس جدید ویمار[1] و اغتشاشات باویر[2] وامضای قرارداد ورسای

انتخابات عمومی برای تشکیل مجلس مؤسس روز ۱۹ ژانویه ۱۹۱۹ با شرکت زنان انجام گرفت[3] دراین انتخابات دسته‌های افراطی چپ (سوسیالیستهای مستقل) شکست خوردند و کمونیستها بهیچوجه کرسی بدست نیاوردندوحزب سوسیال دموکرات پیروز شد. این حزب که ۱۶۳ کرسی از۴۲۱ کرسی مجلس‌را بدست آورده بود با حزب دموکرات‌وجبهه‌کاتولیك که درعین‌طرفداری اززژیم جمهوری پای‌بند عقایددینی‌وجنبه بورژوازی‌حکومت‌بودائتلاف کردویك اکثریت ۳۲۶ نفری در برابر دو اقلیت (۶۳نماینده دست راست و ۲۲نماینده دست چپ) در مجلس جدید بوجودآمد. نخستین جلسه مجلس بمنظور اجتناب از حوادث و بی‌نظمی های ممکن‌الوقوع پایتخت و احساسات ضدپروسی[4] که کم وبیش ابراز میشد درشهر **ویمار** روز۶ فوریه ۱۹۱۹ تشکیل شد واصول ومبانی یك حکومت موقت را تصویب وابرت را بریاست حکومت آلمان (**ریش**[5]) منصوب کرد (۱۱فوریه). روز ۱۲ فوریه شیدمان نخست وزیرجدید آلمان کابینه خودرا باشرکت‌نوسکه و ارزبرگر تشکیل داد و روز ۱۴ فوریه **فهرنباخ**[6] ازجبهه‌کاتولیك بریاست مجلس‌انتخاب شد.

۱- Weimar ازشهرهای‌آلمان‌مرکزی-م. ۲- Bavière یا باواریا یکی‌ازممالك‌متحده آلمان مجاورمرزآلمان باچکوسلواکیا و اطریش - م.

۳- درمجلس جدید ۳۹۰ کرسی نصیب‌زنان‌گردید وکرسیهای هردسته سیاسی ازینقرار بود: حزب‌ناسیونال‌آلمان ۴۲، حزب پوپولیست (لیبرال ناسیونال) ۲۲، جبهه کاتولیك ۸۸، دموکرات ۷۵، سوسیال دموکرات ۱۶۳، سوسیالیست مستقل۲۲و متفرقه ۹ نفر.

۴- برلین‌مرکزکشورپروس‌است‌وحکومت این‌کشور بانی و مؤسس امپراطوری واحدآلمان درسال۱۸۷۱ بود-م.

۵- Reich معادل کلمه Royaume و اصطلاح معمول امپرا طوری آلمان بوده است - م.

۶- Fehrenbach

نوسکه بدستیاری واحدهای جدید، جنبشها و قیامهای دسته‌های اسپارتاکوس را درغالب شهرها سرکوبی نمود وپس‌از انتخابات جدید، که سوسیالیستها ۶۲ کرسی و جبهه کاتولیك ۶۶ کرسی بدست‌آوردند، چنین بنظرمی‌آمد که اوضاع داخلی استقرار خواهد یافت ولی‌کابینه جدیدآلمان بنخست وزیری **کورت ایسنر** نتوانست رأی‌اعتماد ازمجلس بدست‌آورد وسقوط کردوخوداو بدست یکنفر ناسیونالیست متعصب کشته شد (۲۱فوریه ۱۹۱۹) . انتخاب هافمان (سوسیالیست) به نخست وزیری مجدداً جنبش و نهضت های کارگری راتشدید کرد و وی از ادامه‌کار امتناع ورزید . روز ۶ آوریل حکومت جمهوری جدیدی تشکیل گردید ولی براثر قیام دامنه دار بلشویکها سقوط کرد (۱۱آوریل). نوسکه مجدداً واردکار شدو بوسیله واحدهای زیر فرمان ژنرال **فن اون**[1] به‌باویر که‌کانون عمده فعالیت کمونیستها بودحمله برد وشهرمونیخ (مرکز باویر) را اشغال وعده کثیری از کمونیستها را تیرباران کرد وروز ۳۱مه هافمان مجدداً مامورتشکیل کابینه گردید .

روز۷مه ۱۹۱۹، پس از آنکه متفقین پیشنهادهای خود را در باره پیمان صلح بحکومت‌آلمان ابلاغ کردند ، ابرت و شیدمان و فهرنباخ و ارزبرگر و کنت **دوبرو-کدورف رانتزاو**[2] (وزیر امورخارجه) وبعضی دیگر از رجال سیاسی وزمامداران آلمان باین عنوان که ارتش آلمان در حقیقت مغلوب نشده و شکست آلمان نتیجه خیانت وجاسوسی یهود وعناصرانقلابی داخل‌آلمان و ضربت ناجوانمرانه‌ای که ازقفا براو واردآمده بوده‌است ، بشرایط صلح متفقین شدیداً اعتراض کردند. حکومت‌آلمان پیشنهادهای متقابلی بمتفقین داد ومتفقین نیزشرایط اولیه خودرا تاحدی جرح وتعدیل کردند ولی روز ۱۸ ژوئن اتمام حجتی بمدت ۵ روز برای حکومت آلمان فرستادند .

۱- Comte de BrocKdorff – Rantzau ۲- Von Oven

هیئت وزیران بعلت تساوی آراء موافق و مخالف (۷ موافق و۷ مخالف[۱]) با پیشنهادهای متفقین نتوانستند دربارهٔ آن تصمیم بگیرند و ناچاره کناره گیری کردند . (۱۹ ژوئن) **گوستاو باور**[۲] (سوسیالیست) کابینه جدیدی باشرکت ۷ وزیرسوسیال دموکرات و٤ وزیر ازجبهه کاتولیك (دسته معتدل یااعتدالیون مجلس) تشکیل داد و نوسکه رابوزارت دفاع ملی منصوب کرد .

روز۲۲ ژوئن مجلس ویمار قرارداد صلح را با اکثریت ۲۳۷ رأی موافق دربرابر ۱۳۸مخالف و٥ ممتنع تصویب وضمناً تصریح کرد که آلمان بهیچوجه مسئولیت جنك را برعهده نمیگیرد وهیچ فردآلمانی راتحت عنوان مجرم یامقصرجنگ برای محاکمه تسلیم متفقین نخواهد کرد .

گارد پروسی کلیه پرچمهای فرانسه را که در جنگ سال ۱۸۷۰ بدست آورده بودند و میبایستی بفرانسه تسلیم کنند در برابر مجسمه **فردریك کبیر**[۳] آتش زدند و روز۲۱ژوئن**فون تیرپیتز**[٤] دریاسالارآلمانی ناوگان آلمان رادر **اسکاپا فلو**[٥] غرق کرد.درین موقع که یکصد لشکرمتفقین برای اشغال خاك آلمان آماده بودند ، هرمان **مولر**[٦] صدراعظم آلمان پیمان صلح راپذیرفت و پس از استعفای هیندنبورگ از ارتش روز۲۸ ژوئن هرمان مولر (سوسیال دموکرات) و **بل**[۷] (وزیر کاتولیك مذهب) از طرف

۱ــ وزرای معتدل وسوسیال دموکرات موافق ووزیران دموکرات وسوسیالیست مخالف باقبول پیشنهادات متفقین بودند . ۲- Gustave Bauer ۳ــ فردریك کبیراز پادشاهان پروس درقــرن ۱۸ درراه اعتلاو عظمت وتهیه مقدمــات وحدت آلمان و تقویت ارتش آن کشور کوشش فراوان بکار برد ــ م. ٤- von Tirpitz دریا سالار مشهوری که نام اورا بعداً بیکی از نیرومندترین کشتی های جنگی آلمان دادند - م. ٥- Sca a - Flow تنگه دریائی بین جزایر Orkney درشمال اسکاتلند(بریتانیای کبیر) -م . ٦- Muler ۷- Bell

حکومت آلمان قرار داد صلح را در ورسای امضا کردند. مفاد قرار داد صلح ورسای و تعهدات آلمان بدینقرار بود :

۱ـ آلمان بایستی الزاس و لرن را بفرانسه ، **اوپن و مالمدی**[۱] را به بلژیك و **شلسویگ شمالی**[۲] را به‌دانمارك وایالت **پزنانی**[۳] را با یك‌دالان تاساحل دریای بالتیك وبمنظور دسترسی لهستان به‌بندر **دانتسیك**[۴] (که ازآن پس بندر آزاد شناخته میشد) به‌لهستان واگذارد. بدین ترتیب ناحیه پروس شرقی ازبقیه خاك آلمان جدا می‌ماند .

۲ـ معادن ناحیه **زار** (سار) بملکیت فرانسه درآید و مراجعه بآراء عمومی در بعضی‌از نواحی، از جمله در **سیلزی**[۵] علیا وساز بمنظور تعیین تکلیف آن نواحی بعمل خواهدآمد .

۳ـ مستعمرات آلمان تحت عنوان تحت‌الحمایگی به‌ممالك دیگر (متفقین) سپرده خواهد شد .

۴ـ ساحل چپ رودراین (رن) ولنگر گاههای ساحل راست آن رود تا تاریخ معینی درتصرف‌نیروهای متفقین‌خواهد ماندوتخلیه آنها منوط باجرای کامل‌سایرمقررات این پیمان خواهد بود .

۵ـ کلیه‌استحکامات نظامی وصنایع‌جنگی آلمان زیرنظر کمیسیون نظارت متفقین ویران وارتش آلمان بغیرازیك عده صدهزارنفری که‌دارای اسلحه سبك‌خواهند بود خلع سلاح خواهندشد وآلمان نیروی هوائی و دریائی نخواهد داشت‌و کشتی‌های متفقین در کلیه ترعه‌ها ورودهای آلمان‌درشرایط مساوی با کشتی‌های آلمانی رفت وآمد خواهند کرد وهمچنین متفقین با پرداخت کرایه‌ای‌مشابه آنچه‌ازموسسات آلمانی‌دریافت

۱- Eupen ، Malmedy ۲- Schlesvig ۳- Posnie ۴- Dantzig ۵- Silésie

میشود حق استفاده ازراه‌آهنهای آلمان را خواهند داشت .

۶ـ آلمان‌باید به متفقین خسارت جنك را بمبلغ وشرایطی که خود متفقین‌تعیین خواهند کرد بپردازد ونیزمتهمین به جنایات دوران جنك را برای محاکمه تسلیم کند. آلمان بعنوان مقصرجنگی شناخته میشود وبهمین‌علت حق عضویت درجامعه ملل را نخواهد داشت‌مگرهنگامیکه حسن نیت کاملی برای اجرای تعهدات‌خودابرازوتضمین کافی برای این‌منظوربه‌متفقین‌بدهد .

طرح‌جدید حکومت، که بوسیله **هوگوپروس**[۱] استاد حقوق دربرلین از یهود آلمان تهیه‌شده وترکیبی اززرژیم قبل ازجنك و بعدازجنك آلمان‌بود، درجلسه مورخ۳۱ ژوییه ۱۹۱۹ مجلس‌بتصویب رسید وابرت روز۱۱اوت آنرا رسماً انتشارداد . بموجب‌طرح مزبورمجلس مؤسس‌جانشین‌ریشستاگ گردید وحکومت آلمان که برسردوراهی رژیم «مرکزیت» ورژیم (**فدرال**[۲]) قرار گرفته بود بهمان نام امپراطوری آلمان «ریش» خوانده شد وپرچمهای رسمی مملکت بصورت پرچم سه رنك (سیاه و قرمز و طلائی) درآمدولی‌پرچمهای نیروی دریائی بهمان حالت دوره امپراطوری باقی ماند .نمایندگان مجلس ازطرف عامه مردم برای مدت۴سال انتخاب میشدند وکلیه زنان ومردان از۲۰ ساله بالاحق شرکت درانتخابات‌داشتند. رئیس مملکت آلمان(قائم‌مقام‌رئیس‌جمهوری-م .) نیز بارأی‌عامه برای مدت‌هفت‌سال برگزیده میشد وحق انحلال‌ریشستاگ‌را داشت ولی

۱- ugo Preus ۲ – فدرال Fédéral یا Fédértif حکومتی است که از اتحاد و ائتلاف جمهوریهای خود مختار بایکدیگر بوجودمی‌آید و جمهوریهای فدرال درعین حال که استقلال داخلی دارند درمسائل خارجی ودفاع ملی تابع اصل واحد هستند مانند حکومت‌جمهوریهای متحده امریکای شمالی وشوروی وامثال آنها اما دررژیم مرکزیت‌هیچگونه خود مختاری بایالات یاممالك تابعه داده‌نمیشود ورژیم‌مرکزیت بتدریج ازمیان میرود وجای خود را به رژیم‌های فدرال که با مقتضیات عصرمناسبتراست‌می‌سپارد - م.

وزرا مسئول ریشستاگ بودند. به ایالات وولایات فقط درمورد بعضی ازامورمحلی اختیاراتی داده شد . مالکیت‌های خصوصی تحت حمایت قانون قرار گرفت مشروط بر آنکه شوراهای کارگری درامورکارگاهها و کارخانه‌ها ومؤسسات صنعتی وابسته بخود نظارت وشرکت داشته باشند . سندیکاهای کارگران و کارفرمایان قانونی و رسمی شمرده شد ولی استقراررژیم حقیقی سوسیالیسم دراموراقتصادی بعلت فقدان اعتبارات مالی لازم خیلی دیر انجام گرفت .

تشنجات سیاسی وتظاهرات همچنان ادامه‌داشت، روز۱۳ ژانویه۱۹۲۰، درحدود ۱۰۰هزار نفر ازتظاهر کنندگان به‌ریشستاگ حمله بردندوافرادریشس وهر[1](سپاه‌جدید آلمان که باحداقل سلاح طبق قرارداد ورسای تشکیل شده‌بود) بامسلسل وسرنیزه تظاهر کنندگان را متفرق ساختند . روز۲۶ ژانویه ارزبرگر، براثرسوء قصد بسختی زخمی شد، این مرد که بصورت بدنام‌ترین رجل سیاسی آلمان درآمده بود چون در زمان جنك باپاپ وارد مذاکره شده[2] و اولین کسی بود که علیرغم احساسات عمومی شرایط ترك مخاصمه را پذیرفته و برای امضا و تصویب قرارداد صلح کوشش بکار برده بود ، مورد نفرت اکثریت مردم و ازطرف دیگر بسبب تمایلات سوسیالیستی که‌نشان داده‌و با هلفریخ[3] وزیردارائی ناسیونالیست آلمان‌واردمبارزه‌سیاسی‌شده‌واو رامتهم به‌ارتشانموده بود موردبغض‌و کینه احزاب‌دست‌راست‌قرارداشت .

متفقین طبق مفاد قرارداد سیاسی روز ۷ فوریه ۱۹۲۰ ، تسلیم ۸۹۵ نفر از افراد

---

۱ – eichswehr ۲ – مذاکره باپاپ بمنظور مداخله دادن وی درحکمیت بین آلمان ومتفقین‌واین امرمنافی با احساسات وغرورملی آلمانها بود – م. ۳ – Helfferich

نظامی وغیرنظامی آلمان رابعنوان متهمین جنگ وازجمله هیندنبورگ وفن‌تیرپیتز و لودندورف و **بتمان‌هلوگ**[۱] وامثال آنان‌را ازدولت آلمان‌خواستند. هیندنبورگ‌وبتمان‌هلوگ‌اظهارداشتند که‌حاضرند خود را بجای امپراطور ویلهلم دوم (که‌از طرف متفقین جزوتبهکاران جنگ قلمداد شده‌بود) تسلیم کنند. دربرابر سیل‌احساسات مخالفت‌آمیز ملت آلمان، متفقین از منظور خود منصرف و حاضر شدند که یك دادگاه قضائی آلمانی باتهام مقصرین جنگ رسیدگی کند ولی موضوع دادرسی اندکی بعد بکلی منتفی شد.

کودتای‌فن‌کاپ[۲]

واحدهائی که از سربازان داوطلب آلمانی بفرماندهی ژنرال **فن‌درگلتز**[۳] و **اهرهارت**[۴] و امثال آنان برای مبارزه با بلشویکهای روسیه در **کورلاند**[۵] تشکیل‌شده بود بفکرافتادند که‌آن ناحیه را برای آلمان تصرف واستعمار کنند، ولی بنا به تقاضای متفقین، حکومت آلمان واحدهای مزبور را بآلمان فراخواند وطبق پیمان‌ورسای درصدد‌خلع‌سلاح قسمتی ازسربازان‌مزبور برآمد. ولی‌قبل‌ازاقدام دولت باین‌کار، عده‌ای ازافراد ودسته‌های ناسیونالیست متعصب بریاست **فن‌کاپ** بفکرافتادند که ازنارضایتی واحدهای‌مزبور در برابر خلع‌سلاح‌برای کودتای‌نظامی و دردست گرفتن قدرت درآلمان استفاده کنند. اطلاعاتی درین زمینه به نوسکه رسید و به فرماندهان واحدهای داوطلب دستورداد که‌آنهارا منحل سازندلیکن روز ۱۰ مارس اهرهارت و **فن‌لوتویتز**[۶] فرماندهان واحدهای مزبور از اجرای دستور خودداری وشب‌های ۱۲ و ۱۳ مارس نیروهای مزبور بجانب برلین حرکت کردند تا

۱- Bethmann-Hollweg یکی‌از سرداران مشهور آلمان درجنك اول جهانی — م.

۲- von Kapp ۳- von der Goltz ٤- Ehrhardt ٥- Courlande ناحیه اطراف خلیج‌ریگا Riga (درکناردریای‌بالتیك) ازخاك‌لتونی—م. ٦- von Luttwitz

بقول خودشان «دموکراسی آلمان را درنطفه سرکوب کنند». پادگان برلین ازفرمان نوسکه سرپیچید و فن‌کاپ بر برلین مسلط شد وباسمت صدراعظمی زمام امور را دردست گرفت وفن‌لوتویتز را بوزارت جنك منصوب کرد .

ابـرت (رئیس جمهوری) ، بوئر، مولر و نوسکه ابتدا به درسدن و سپس بـه اشتوتگارت گریختند . اما ازروز ۱۴مارس دسته‌های چپ متشکل شدند وبر اثر اعتصاب عمومی دامنه‌داری که در برلین صورت گرفت عده‌ای ازهمکاران فن‌کاپ ازهمکاری با او کناره گیری کـردند ، دولت مستعجل فن‌کاپ ازکار افتاد وصدراعظم و وزیر جنك او خودرا مخفی کردند .

بوئـر مجدداً بصدارت عظمی منصوب گردید ولی چون ارزبرگـر و نوسکه همکاران او اندکی بعد استعفا کردند (۱۹مارس) وی نیز کنار رفت و درین موقع کـه احزاب سوسیالیست براثرشکست کودتای فن‌کاپ بیش ازسابق قوی‌وبانفوذ شده بودند مولـر (سوسیال دموکرات) روز ۲۸ مارس کابینه‌ای متمایل به‌چپ تشکیل داد ولـی سوسیالیستهای مستقل‌درآن شرکت نکردند.

کابینهٔ مولر و انتخابات و تشنجات جدید ۱۹۲۰

سیاست سازشکارانه‌دولت مولرهردوجناح‌راست و چپ افـراطی را برعلیه دولت بـرانگیخت ، شوراهای کارگری وسربازان از ۱۷ مارس ببعد درصدد قبضه کردن زمام امور برآمده بودند ولی اقدامات آنان ، بخصوص درناحیه روهربامداخله «ریشس‌وهر » خنثی‌شده‌بود. چـون‌هنگامیکه واحدهـای ریشسوهر برای‌سرکوبی قیام کارگران وارد روهر شدند بمنطقه خلع‌سلاح شده روهر نیز تجاوز کردند ، نیروهای

فرانسه و بلژیک علیرغم اعتراضات لوید جرج نواحی **فرانکفورت سورماین** و **دارمشتاد**[۱] را در آن منطقه اشغال نمودند (۶ آوریل) سپس در ۲۰ آوریل که نظم و آرامش مجدداً برقرار گردید نیروهای متفقین نواحی مزبور را تخلیه کردند و واحدهای ریشسوهر نیز روز ۱۷ مه ۱۹۲۰ از آنجا خارج شدند .

تشنجات سیاسی بر اثر تورم پول و بحران مالی همچنان ادامه داشت . حجم اسکناس در ظرف یکسال از ۳۴ به ۵۱ میلیارد رسید، بهای زندگی مضاعف شده و قیمت دلار از ۴٫۲ مارك (قبل از جنك) به ۸۴ مارك ترقی کرده بود وچون پس از انحلال ریشستاگ ویمار انتخابات جدید در ۶ ژوئن ۱۹۲۰ صورت گرفت جناح‌های افراطی راست وچپ در انتخابات پیروز شدند و کابینه مولر نیز استعفا کرد.

کابینه‌های فهرنباخ و ویرت[۲] و حوادث سیلزی و ترورهای سیاسی

مولر وچندتن دیگر از رجال سیاسی موفق به تشکیل کابینه نشدند ، سرانجام فهرنباخ رئیس سابق مجلس دوره امپراطوری ورئیس مجلس ملی ویمار دولت جدید را تشکیل داد و **لب**[۳] (سوسیالیست) بریاست مجلس جدید انتخاب شد (۲۸ ژوئن ۱۹۲۰). دولت جدید مورد پشتیبانی جبهه اعتدالیون مجلس که دارای نمایندگان مبرز ومتنفذ و قدرت سیاسی بود قرار گرفت، سوسیال دموکراتها در برابر دولت جدید رویه انتظار پیش گرفته و جناح افراطی راست نسبت بدولت بدبین بودند ، دولت از یکطرف با تقاضاهای متفقین و از طرف دیگر با توقعات جناح‌های افراطی راست وچپ و وضع بحرانی خزانه سروکار داشت .

۱- Darmstadt ۲- Wirth ۳- Loebe

مراجعه بآراء عمومی درسیلزی علیا برای الحاق بآلمان یا لهستان بنفع آلمان تمام شد (۲۱ مه ۱۹۲۰) ومتفقین تصمیم گرفتند که‌سیلزی علیا را بین‌آلمان و لهستان تقسیم کنند لیکن لهستان نپذیرفت و نیروی آن کشور سیلزی را تصرف کرد و جنك بین‌دو کشور آغاز گردید ، سرانجام واحدهای داوطلب آلمانی نیروی لهستان‌را در هم شکستند وازسیلزی علیا بیرون راندند (۵ مه تا ۲۰ ژوئن ۱۹۲۱) وبلافاصله‌دولت آلمان واحدهای‌مزبور رامنحل‌ساخت ، این‌امر واحدهای مزبور راکه‌از مرزهای آلمان دفاع کرده بودند برسرغیظ آورد وچون‌معتقد بودند که‌سربازان فرانسوی به لهستان کمك کرده‌اندعده‌ای‌از آنان‌رادرشهر **کاتوویتس**[۱] بقتل‌رساندندوجمعی‌را زخمی کردند (۱۸ اوت) چندروزبعد کنسولگریهای‌فرانسه‌ولهستان درشهر **برسلو**[۲] بدست‌تظاهر کنندگان ویران شد . در همان حال که حکومت آلمان از مقامات متفقین در مورد حوادث سیلزی عذر خواهی می کرد و وعده‌میداد که‌محرکین‌را مجازات کند بردامنه تظاهرات ونهضت ناسیونالیستی ضداجنبی آلمان افزوده میشد ، ژنرال‌فن **سیکت**[۳] فرمانده‌جدید ریشسوهر ازطرفی ببهانه‌های گوناگون ازخلع سلاح واحدهای آلمان که‌مورد تقاضای متفقین بود خودداری می کرد و از طرف دیگر زیر عنوان سازمان پلیسی ویا تشکیل دسته‌های مدافع میهن ، افراد و عناصر ضداجنبی را متشکل ومتحد می‌ساخت و در این اقدامات ازپشتیبانی کامل‌جمعیت جنگجویان قدیم‌مشهوربه ، کلاه‌فولادین ، (اشتالهم[۴]) که در۲۵ دسامبر ۱۹۱۸ درشهر **ماگدبورگ**[۵] بوسیله **فرانتس‌سلت**[۶] افسر متخصص مواد شیمیائی تأسیس گردید برخوردار بود واین‌جمعیت بعدها هسته اصلی نهضت‌مقاومت

۱- **Katowitz** این‌شهراکنون جزو لهستان‌است‌ـم. ۲- **Breslau** این شهرکه امروز بنام‌وروتسلاو خوانده‌میشود پس‌از جنك‌دوم‌جهانی بتصرف لهستان‌درآمده‌است‌ـم. ۳- **von Seeckt**
۴- **Stahlhelm** ۵- **Magdebourg** ۶- **Frantz Seldte** این‌افسر فقط‌یك‌دست داشت .

وروح ارتش جدید آلمان گردید . کمیسیون نظارت متفقین جریانات مزبور را بدقت مطالعه می کرد ولی دربرابر مشکلات ومحظورات فراوان قادر بانجام کاری نبود و هنگامیکه متفقین پس از کنفرانسهای پاریس (۲۳ ژانویه ۱۹۲۱)ولندن (۲۷ فوریه و ۷ مارس ۱۹۲۱) دعاوی قطعی خودرا درباب غرامات جنك بحکومت آلمان ابلاغ کردند تظاهرات اعتراض آمیز سراسر کشور آلمان را فرا گرفت و چون دکتر سیمون وزیر امورخارجه آلمان پیشنهاد متفقین رارد کرد و نیروهای فرانسوی شهرهای دوسلدرف ، دویسبورگ[۲] وروهرورت[۳] را اشغال نمودند، بهانه جدیدی برای تظاهرات وتحریکات بدست ناسیونالیستها و کمونیستها افتادودر تظاهرات بندرهامبورگ وشهرستانهای مرکزی آلمان کمونیستها کهسهم بسزائی داشتندقریب به صدنفر کشته دادند .

کابینهٔ فهرنباخ که علیرغم توصیه ارزبرگر نخواست در برابر پیشنهاد متفقین و اتمام حجت انگلستان در باره غرامات جنك تسلیم شود سقوط کرد وروز ۸ مه ۱۹۲۱ ویرت ازجبههکاتولیك (اعتدالیون) کابینه جدیدی متمایل بهچپ باشرکتسوسیالیستها کهجبهه ائتلافی واحدی بوجودآورده بودند تشکیل داد و پوپولیستها در جبهه مخالف دولت قرار گرفتند . ویرت به پیشنهادهای متفقین تسلیم شدو بهمین علت جناح راست مجلس بمخالفت برخاستند ومبارزه شدیدی را آغاز کردند کهمنجر بهترور شخصیتهاو رجال سیاسی گردید وازجمله ارزبرگرروز ۲۶ اوت درناحیهجنگلسیاه(جنوب آلمان) ترورشدواغتشاشات سراسر آلمان را فرا گرفت .

یکی از همکاران صمیمی صدراعظم آلمان ، **راتنائو**[۴] فرزند یکنفر یهودی صنعتگر

۱- Dusseldorf ، ۲- Duisbourg ۳- Ruhrort ۴- Rathenau این مرد هنگامیکه در کابینه عضویت نداشت دست از فعالیت سیاسی نکشید وطی مسافرت به لندن و مذاکره با بانکداران انگلیسی و آلمانی مقدمات اخذامتیاز استخراج معادن روسیه را فراهم آورد و درین باب موافقت لنین را نیز جلب نمود.

بود . وی که ریاست یکی‌ازنیرومندترین مؤسسات صنعتی الکتریکی آلمان[1] راداشت و بوزارت عمران وساختمان منصوب گردیده و از هواخواهان سیاست دوستی با فرانسه بود وروز۲۷ژوییه ۱۹۲۱ در **ویسبادن**[2] موافقتنامه‌ای‌درباره‌تسهیل‌مبادلات‌جنسی‌براساس استهلاك‌غرامات‌جنك‌با **لوشور**[3] نماینده فرانسه امضا کرد .

ویرت بعنوان اعتراض به‌تصمیمات جامعه ملل در باره تقسیم‌سیلزی‌ازکار کناره‌گیری کرد ومجدداً مأمور تشکیل دولت‌شد (۲۵ اکتبر۱۹۲۱) درکابینه‌جدید راتنائو بوزارت امور خارجه منصوب گردید و ضمن انجام مـاموریت از طرف دولت آلمان در کنفرانس **کان**[4]و کنفرانس **ژن**ه با هیئت نمایندگی روسیه شوروی وارد مذاکره شد و قرارداد مشهور **راپالو**[6] راباشوروی منعقد ساخت . بموجب قرار داد راپالو مورخ ۱۶ آوریل ۱۹۲۲ آلمان باجلب‌اعتماد کامل روسیه شوروی تقریباً خریدمواد اولیه وبکار انداختن صنایع‌جدید رادرروسیه بخوداختصاص داد . راتنائوروز۲۴ژوئن ۱۹۲۲دربرلین ترورشد وتروریستهای‌ناسیونالیست همچنان‌به‌ترورزجال ادامه دادند .

تورم‌پول

کشته‌شدن راتنائو بر وخامت اوضاع مـالی افزود وتورم پولی تشدید گردید. حجم‌اسکناس‌از ۷۹میلیاردمارك(ژانویه ۱۹۲۱) به ۱۸۰ میلیارد در۳۰ ژوئن ۱۹۲۲ رسید و ارزش دلار از ۸۴ مارك(مارس ۱۹۲۰) بـه ۴۰۰ مارك دراول ژوییه ۱۹۲۲ ترقی کرد . بازار سفته بازی رواج یافت و شاخص بهای زندگی درحال‌صعود ومارك روزانه درحال نوسان وتغییر بود .آلمانها اسعارخارجی می‌خریدندند و خارجیان مارکهای خودرا می‌فروختند . حکومت ویرت دربرابر مشکلات

۱- Elektrizitatsgesellschaft ۲ - Wiesbaden ۳- Loucheur ۴ - Cannes
ازشهرهای‌جنوب‌شرقی‌فرانسه‌ـم. ۵-Genes بندرمعتبرایتالیا دردریای مدیترانه ـم. ۶-Rapallo
ازشهرهای‌ایتالیا و بندرکوچکی‌است‌درمشرق‌ژن‌ـم

مالی ضعف وناتوانی نشان میداد ومعتقدبود که، در چنان وضع ناگوارمالی ، متفقین در باره‌غرامات جنك آلمان را تحت فشارقرارنخواهند داد. سوسیالیستهاطرفدار استقراررژیم مالیات تصاعدی برسرمایه وسرمایه‌داران جداً مخالف آن بودند. بعلاوه طبقه سرمایه‌دارو بخصوص صاحبان صنایع بزرك افزایش حجم پول راکه موجب توسعه صادرات و بازرگانی بودبرتثبیت نرخ پول وتقلیل اسکناس ، که بعقیده این طبقه باعث خطر اقتصادی ورکود بازارمیشد ، ترجیح میدادند ولی دستمزدها به نسبت ترقی شاخص زندگی بالا نمیرفت وطبقات متوسط و رنجبر متدرجاً به‌فقرو بدبختی دچارمیشدند وکاراکثرآنان بخودکشی میرسید . تورم‌پولی که‌موجب‌ورشکستگی عده‌ای وثروتمند شدن‌جمعی‌دیگر بود علاوه‌برخطراقتصادی باعث تزلزل اطمینان عمومی نسبت باوضاع اجتماعی و روش حکومت می گردید . چون‌طبقات زیان دیده‌تورم پولی‌رانتیجه‌شکست آلمان‌می‌دانستند متفقین رامسئول و عامل بدبختی و محرومیت خویش می شمردند . ترقی حجم مبادلات تجارتی برتوانائی بازرگانان آلمانی‌درمسابقه برای‌بدست آوردن‌بازارهای‌خارجی‌افزوده‌بود ولی این گشایش درامر تجارت موقت وناپایدار بود زیرا درآمدوسود بازرگانی به پول کاغذی (مارك‌کاغذی) عاید می‌شد ودر حالیکه ذخیره‌های موادروبکاهش میرفت موادمورد لزوم میبایستی با پول طلا از خارج خریداری شود . بدین ترتیب تهیه مواد از خارج بسیار مشکل گردیده بود ومؤسسات کوچك‌بازرگانی بتدریج‌ازطرف سرمایه‌داران‌عمده خریداری‌می‌شد و **ترست**[۱] های عظیم بوجود می آمد . از جمله مؤسسه عظیم متعلق به **هوگواستینس**[۲] بود که بتدریج هزاران موسسه بازرگانی وصنعتی را در آلمان وخارج آلمان خرید و رشته‌های مختلف صنعت آلمان را بخود اختصاص داد و از آن پس این

---

۱ – Trust. موسسه صنعتی یاتجارتی‌عظیمی که‌ازمتحدو متمرکزشدن چندین‌شرکت و مؤسسه بوجود می‌آید.م. ۲ – Hugo Stinnes

مؤسسه و چند مؤسسه نظیر آن در حقیقت مـالك‌الرقاب آلمان و دارای چنان قدرت و توانائی شدند که‌دستگاه حکومت وهیئت حاکمه کشوررا زیر نفوذ خویش قراردادند[1] . براثرفقروفاقه عمومی ، سوسیالیستها که درکابینه ویرت شرکت داشتند وترقی سرسام‌آور بهـای زندگی‌را ، کـه‌بسود سرمـایـه داران بزرك و بزیـان طبقـات زحمتکش (پرولتاریا)بود ، و ناتوانی حکومت را در برابر مشکلات مالی بچشم می‌دیدند برای فرار از مسئولیت ادامه کار را جـایز ندیدند و کابینه ویرت روز ۱٤ نـوامبر ۱۹۲۲ سقوط کرد.

دولت کونو[2] و اشغال‌روهر

روز ۲۱ نوامبر ۱۹۲۲ ویلهم کونو رئیس شرکت کشتی‌رانی هامبورگ‌ـ امریکا[3] کابینه‌ای متمایل به راست تشکیل دادو **فن‌روزنبرگ[4]** را بوزارت‌امور خارجه‌منصوب نمود. سوسیال دموکراتها درین کابینه شرکت نداشتند ودولت جدید بسبب شرکت رجـال مبرز وکار آمد اولین کابینه‌ای بود کـه بعداز جنك مورد پشتیبانی افراد و دسته‌های ناسیونالیست قرار گرفت . دولت کونو بـا استفاده از اختلافاتی که‌بین آراء ونظریات متفقین وجود داشت وبا اتکا باین نظریه که وضع مالی فرانسه برای واردآوردن فشار بآلمان وپیش بردن نظریات خودمساعدنیست بیش از حکومت ویرت در برابر ادعاها و پیشنهادهای متفقین ایستادگی نشان داد و از قبول واجرای اتمام حجت انگلستان صریحاً امتناع ورزید ، بدین‌سبب نیروهای فرانسه

۱ـ هوگو هنگامیکه درسن ٥٤ سالگی براثر تدابیر حکومت آلمان‌درباره‌تثبیت‌پول خطر ورشکستگی مؤسسات عظیم‌اقتصادی خودرا حس‌می‌کرد بدرود حیات گفت (۱۰ آوریل ۱۹۲٤).

۲ـ Wilhelm Cuno ۳ـ Hamburg Amerika Line ٤ـ von Rosenberg .

و بلژیك بدستور پوانکاره روز ۱۱ ژانویه ۱۹۲۳ نـاحیه روهر را اشغال کردند . کونو سفیر آلمان را ازپاریس فراخواند وفرمان مقاومت منفی در روهر صادر نمود . ازآن‌پس میلیونها کارگر درروهر دست از کار کشیدند وهزاران مؤسسه صنعتی وتجارتی تعطیل شدوحکومت آلمان میبایستی دستمزد کارگران وهزینه‌های جاری مؤسسات مزبور را بپردازد امـا بنیه مـالی دولت برای ادامه مقاومت توانـائی کافی نداشت . دلاراز ٤۰۰ مارك (درژوییه ۱۹۲۲) به ۳۵۰،۰۰۰ مارك‌درژوییه ۱۹۲۳ ترقی کرد .

اشغال روهر کـه دسته‌های مختلف سیاسی آلمان را در برابر خطر خارجی قرار داده‌بود برفع اختلافات سیاسی و ایجاد وحدت بعضی ازعناصر ودسته‌های ناسیونالیست آلمان کمك کرد . احزاب دست‌راست باهم متحد شدند و باریشسوهرروابط محرمانه بر قرارساختند ودسته‌های مجهزی‌برای مبارزه بادموکراسی آلمان تشکیل دادند واحزاب چپ‌ازاین‌بابت سخت‌دچارتشویش‌و اضطراب‌شدند .

کونو دوبار (اول وهفتم ژوئن) پیشنهاد تعدیل درادعاهای متفقین بآنان داد ولی نتیجه‌ای نگرفت . تبلیغات سوسیالیستها توام باعدم تناسب دستمزدها با افزایش بهای زندگی در روحیه‌مردم تأثیر داشت . تورم‌پولی همچنان قوس صعودی را می‌پیمود و کار بجائی رسیده بود که بی ارزش ترین اشیاء را بایستی با پرداخت میلیونها مارك‌خریداری کنند. فقروتنگدستی طبقات زحمتکش بحدی‌رسید که‌مغازه‌ها درمعرض غارت و چپاول قرار گرفت وجنبشهای هرج‌ومرج طلبی درسراسر آلمان روبشدت گذاشت. کونو که درمورد سنجش نیروی مالی فرانسه بخطا رفته و تصور کرده بود که فرانسه و بلژیك از وارد آوردن فشار به‌آلمان چشم خواهند پوشید درسیاست خودشکست‌خورد وآلمان رابا بحران‌مالی بی‌سابقه‌ای مواجه‌ساخت .

دولت استرزمان[1] و سقوط مارك و پایان مقاومت منفی

پس از سقوط کابینه کونو (۱۰ اوت ۱۹۲۳) استرزمان کابینه ائتلافی با شرکت سوسیال دموکراتها[2] و پوپولیستها تشکیل داد (۱۲ اوت ۱۹۲۳) ومهمترین مسئله در برنامه اقدامات دولت ترمیم و بهبود وضع مالی و اقتصادی بود . ارزش دلار از ۳۵٤۰۰۰ مارك (در ژوییه ۱۹۳۲) به رقم عجیب ٤۲۰۰ میلیارد مارك در دسامبر ۱۹۲۳ وحجم اسکناس به ٤۰۰ میلیارد مارك رسیده وارزش یك مارك طلا با هزار میلیارد مارك کاغذی برابر گردید. هرج ومرج بنهایت رسیده و تجارت غیر مقدور گردیده بود . کارخانه‌ها پی درپی تعطیل وبرعده بیکاران افزوده میشد ، زارعین و بازرگانان و کسبه ناچار برای حفظ محصول و کالای خود ازدستبرد غارتگران مسلح شدند .

استرزمان چون مطمئن شد که نباید ازجانب کارگران روهر انتظار کمکی داشت روز ۲٦ سپتامبر ۱۹۲۳ پایان مقاومت منفی را در روهر اعلام کرد . ناسیونالیستها با ارائه آمار تلفات روهر در حادثه اشغال آن ناحیه بدست قوای فرانسه وبلژیك (۱۲۱ مقتول ، ۱۵۰۰ زندانی ، ٥ نفر محکوم بزندان ابد بااعمال شاقه و ۱٤٥٦۰٤ نفر تبعیدی) به تصمیم دولت اعتراض وتقاضا کردند که ملت آلمان بمقاومت مثبت علیه فرانسه وبلژیك دعوت شود . درین موقع که مارك با سرعت رو بسقوط میرفت و جنبشهای تجزیه طلبی درممالك متحده امپراطوری، وحدت سیاسی آلمان را بشدت تهدید می کرد دولت درسراسر کشور حکومت نظامی برقرار (۲۷ سپتامبر ۱۹۲۳) وباترمیم کابینه خودرا برای مبارزه جدی بادسته‌ها وعناصر تجزیه طلب راست و چپ افراطی آماده نمود .

۱– Stresemann ۲– سوسیال دموکراتها برای نخستین بار در کابینه شرکت کردند .

نهضت استقلال طلبی و فعالیت هیتلر

یکروزپس‌از کودتای کاپ‌دربرلین (روز۱۴مارس۱۹۲۰) درباویرحکومت ناسیونالیسی جدید برهبری**فن کاهر**[۱] تشکیل گردید و حکومت دموکرات هافمان در آن ایالت سقوط کرد . فن کاهر دربرابر اعلام ترك مقاومت در روهر از فرمان استر زمان سر پیچید و خود نیروی مستقلی ازمردم استقلال‌طلب باویر تشکیل‌داد . **فن لوسوو**[۲] که‌ازطرف استرزمان‌مأمور سرکوبی حکومت باویر گردیده بود از انجام مـأموریت امتناع ورزید و از فرماندهی نیروی اعزامی معزول شد . وضع سیاسی باویر روزبروز وخیم‌تر می گردید . روزهای ۸ و۹ نوامبر ۱۹۲۳ لوندورف‌ژنرالیسیم‌دوره‌امپراتوری‌بدستیاری شخصی بنام**ادولف‌هیتلر**[۳] رئیس گروه ناسیونال سوسیالیست‌باویر درصددانحلال حکومت‌فن کاهر برآمد ولی‌براثر پایداری‌ناسیونالیستهای‌طرفدارآن‌حکومت‌بمقصودنرسیدند.برای اولین‌بارنام‌ادولف‌هیتلر درتاریخ آلمان ظاهر گردید.

ادولف هیتلر فرزند یکنفر کارمند کم‌بضاعت گمرك ، روز ۳۰ آوریل ۱۸۸۹ درشهر**براونائو**[۴](ازشهرهای اطریش واقع درنزدیکی مرز آلمان) متولدشد . تحصیلات ابتدائی‌را در **لامباخ**[۵] گذرانید و در کلیسای آن شهر جزو بهترین خوانندگان سرود بشمار می‌آمد وعلامات ونقشهای صلیب مخصوص راکه یادگار **هاگن**[۶] مؤسس و بانی کلیسا بود کشف کرد . هنگام تحصیل در **لینتس**[۷] و **وینه**[۸] تمایل‌زیادی به‌نقاشی‌نشان میداد وپس‌ازمرگ پدرومادر ، چون سرمایه‌ای برای ادامه تحصیل نداشت برای امرار معاش درمحلات مختلف وینه مشغول‌کارشد وبادسته‌های کارگران تماس گرفت . کتاب

۱- von Kahr ۲- von Lossou ۳- Adolf Hitler ۴- Braunau

۵- Lambach ۶- Père Hagen ۷- Linz ۸- Vienne

زیاد خواند و بااندوخته‌های اجتماعی بـه‌مونیخ رفت و بکار نقاشی ورنگرزی عمـارات پرداخت وسرانجام درسال ۱۹۱٤ وارد ارتش آلمان گردید . پس‌از تحمل صدمات‌بسیار وبرداشتن زخم ومسمومیت از گازهای جنگی بدرجه سرجوخگی رسید وروز اول آوریل ۱۹۲۰ بعضویت کمیسیون‌ریشسوهر برای‌رسیدگی به‌خواسته‌های انقلابیون‌مونیخ انتخاب گردید وازهمین تاریخ‌بود که فرمانروای‌آینده آلمان فعالیت سیاسی خودرا آغاز کرد. روز ۱٦سپتامبر۱۹۱۹ بعضویت « حزب کارگری آلمـان[۱] » کـه‌بوسیله یکنفر کارگر بنام **آنتون‌درکسلر**[۲] در ٥ ژانویه ۱۹۱۹، بدستیاری‌دوتن ازشخصیت‌های برجسته‌علمی وروشنفکر بنام **دیتریخ اکهارت**[۳] **و گتفرید فدر**[٤] تأسیس شده‌بود پذیرفته شداین حزب که‌هیتلر هفتمین عضو آن‌بود تبلیغات دامنه‌داری رادر زمینه سوسیالیسم وباجنبه ناسیونالیستی آغاز کرد . روز ۱٦ اکتبر ۱۹۱۹ برای اولین بار هیتلر دربرابر یکعده صد نفری و روز ۲٤ فوریه ۱۹۲۰ در برابر ۲۰۰۰ نفر سخنرانی کرد . تبلیغات هیتلر مهیج ومؤثربود وپس‌ازطرد درکسلر، بزودی‌برنامه ناسیونال سوسیالیستی وی‌مشتمل‌بر ۲٥ماده درمیان افرادحزب ، انتشاریافت، مرکزحزب‌درمونیخ وشعب آن‌درشهرهای‌دیگر باویرتأسیس‌و واردفعالیت‌سیاسی گردیدوعده‌اعضای‌حزب‌تاژانویه۱۹۲۱ به۳۰۰۰نفررسید. انحلال واحدهای داوطلب درباویر وبروز تشنجات سیاسی آلمان وترورارزبرگربه‌هیتلر فرصت‌داد که‌حزب خودرا توسعه دهد. وی روز ۳اوت ۱۹۲۱ دسته‌های حمله (**استورم ابتیلونگن**[٥]) درحزب تشکیل‌داد وریاست آنرا به **روهم**[٦] افسر آجودان سابق ژنرال **فن‌اپ**[۷] سپرد . دسته‌های حمله آشوب و تشنجات شدیدی بوجود آوردند وطی تبلیغات حزبی و تظاهرات آنان تعداد اعضای حزب هیتلر از ٦۰۰۰ نفر در ژانویه ۱۹۲۲

۱- Parti ouvrier allemande ۲- Anton Drexler ۳- Dietrich Eckhart
٤- Gottfried Feder ٥- Sturn Abteilungen ٦- Rohm ۷- von Epp

به ۱۵۰۰۰ تن دردسامبر آن‌سال رسید ودرتظاهرات روز۲ سپتامبر ۱۹۲۳ در نورنبرگ که‌لودندورف‌نیز حضورداشت ۷۰ هزارنفرشرکت کردندوروزنامه‌ارگان حزب، **ولیکشر بئوباختر** [۱]، ازروز ۸ فوریه۱۹۲۳ بطوریومیه انتشاریافت.

چون‌هدف سیاسی هیتلر درمورد وحدت آلمان‌وتسلط نژاد آلمانی برسایراقوام (**پان‌ژرمانیسم**[۲]) بامنظور وروش تجزیه طلبی حکومت‌فن کاهر درباویر مغایرت‌داشت. هیتلر و همکاران او عصر روز ۸ نوامبر ۱۹۲۳ در آبجوسازی مونیخ فن کاهر و وزرای اورا مورد حمله قراردادند واورامجبور ساختند که‌حکومت‌را به‌هیتلر واگذارد. روز بعد فن کاهر قول وامضای خودرا، که‌به‌جبر ازاو گرفته‌بودند، انکار کرد وبزوروقوای پلیس تظاهرات حزب هیتلر رامتفرق ساخت، درزد وخورد حزب هیتلر ونیروی پلیس که هیتلر و **گورینگ**[۳] ولودندورف‌شرکت‌داشتند، هیتلر که‌ازشانه‌زخمی شده‌و گورینگ که‌اونیز مجروح گردیده بود فرار کردند و لودندورف دستگیر وبقید التزام آزادشد. دوروزبعد هیتلروروهم‌و **رودلف‌هس**[۴] توقیف و به‌محاکمه دعوت شدند. دادگاه هیتلررا به ۵ سال‌حبس‌درقلعهٔ **لاندسبرگ سورلانخ**[۵] محکوم گردید (۶ فوریه ۱۹۲۴). در ماه ژوئن هیتلر ازرهبری حزب‌استعفا نمود ودر زندان کتاب مشهور خود بنام **جهادمن**[۶] را، که حاوی‌عقاید وآرزوهای هیتلر در باب تشکیل آلمان کبیر و الغای قرارداد

۱- Volkischer Beobachter ۲- Pangermanisme ۳- Goering

۴- Rudolf Hess ۵- Landsberg sur-la-Lech ۶- Mein kampf هیتلر تحت تاثیر آراءوعقاید نیچه Nierzsche(۱۸۴۴-۱۹۰۰م.)قرارداشت، نیچه‌معتقدبود که نژادها دائم در حال مبارزه‌هستند ودرطی‌این مبارزات نژادی‌بسیارقوی بوجودمی‌آید وطبعاً واخلاقا حق‌تسلط‌وحکومت بر سایر نژادها را خواهد داشت. هیتلر نژاد خالص آلمانی را شایسته حکومت برسایر نژادها میدانست- م.

ورسای و گـردآوردن کلیه افراد آلمانی نژاد در زیر یك پرچم وبسط مرزهای آلمان درمشرق است ، تالیف کرد.

حکومت فن کاهر کهظاهراً برحکومت برلین وحزب هیتلر پیروز شده بودهمچنان برسرکار ماند . **درساکسن**[1] یك حکومت چپ افراطی بریاست **زیگنر**[2] بوجود آمد ولی استرزمان بزور سرنیزه آنرا سرنگون ساخت وانقلاب کمونیستی هامبورگ نیز بوسیله ریشسوهرسر کوبی شد(۲۲ اکتبر ۱۹۲٤) .

نهضت تجزیه طلبی در رنانی

درماههای نوامبر و دسامبر ۱۹۱۹ . **ادنائر**[3] شهردارشهر **کلن**[4] دررنانی سعی کرد کهموافقت متفقین را برای تشکیل حکومت مستقلی در رنانی بدست آورد ودرفوریه ۱۹۱۹ توطئه جدیدی بمنظور جدا کردن رنانی از آلمان وفرانسه بوسیله **دکتر دورتن**[5] دادستان سابق شهر دوسلدورف انجام گرفت ودر ۹ ژوئن آن سال استقلال جمهوری رنانی اعلام شد . شهر کلن بپایتختی جمهوری انتخـاب و شهر ویسبادن برای مرکز حکومت موقت و شهرهای آخن (اکسلاشاپل[6]) ، **مایانس**[7] ، **اسپیر**[8] و مانند آن برای محل تشکیل کمیته‌های اجرائی تعیین گردید . متفقین علیرغم اعلامیه ۱٤ ماده‌ای ویلسن ، ازپشتیبانی حکومت مستقل رنانی چشم پوشیدند وحکومت آلمان دکتردورتن را توقیف کردو ژنرال **مانژن**[9] فرمانده نیروهای فرانسه درمنطقه اشغالی رنانی کهمتهم به حمایت ازحکومت مستقل رنانی گردیده بودازشغل خود بر کنارشد .

دکتردورتن ویکی از دوستانش بنام **مات**[10] پس از استخلاص از توقیف بااستفاده

۱- Saxon (Saxe) ۲- Seigner ۳- Adenauer ٤- Koln (Cologne)

٥- Dorten ٦- Akhen (Aix-la-Chapelle) ۷- Mayence ۸- Spire ۹- Mnigin

۱۰- Mathes

از بحران سیاسی و مالی آلمان بفکر توطئه جدیدی افتادند لیکن معاونین آنان یعنی **گوتارد**[۱] و **دکرز**[۲] پیشدستی کردندوروز ۲۱ اکتبر ۱۹۲۳ دراکسلاشاپل‌حکومت جدیدی تشکیل وطی‌یادداشتی مراتب را بمقامات متفقین اطلاع دادند لیکن متفقین بـا این‌دولت خودمختاز نیزمخالفت ورزیدند، مات بوسیله بلژیکی‌ها ازاکسلاشاپل وسران دیگر حکومت جدید بوسیله انگلیسیها از کلن راندەشدند ومیان‌بقیه توطئه کنندگان اختلاف وتفرقه افتاد .

روز۱۱ نوامبر ۱۹۲۳ درشهر **پالاتینا**[۳] یك‌حکومت‌جمهوری‌مستقل بوسیله‌**هینز**[٤] اعلام‌و کمیسیون‌عالی متفقین حاضرشد که آنرا برسمیت بشناسد ولی انگلستان‌جداًمخالفت ورزید و فرانسه را به‌حمایت ازتوطئه‌های ارتجاعی و تجزیه طلبی آلمان و بمنظور بسط امپریالیسم‌خود متهم ساخت . سرانجام طی‌یکسلسه حوادث خونین این‌حکومت مستقل نیز بوسیله دولت مرکزی آلمان سرنگون شد ، هینز و عده‌ای از افراد مبارز استقلال‌ـ طلب بقتل رسیدند ، در بعضی از شهرهای رنـانی حکومت نظامی از طرف. متفقین برقرار گردید و دکنردورتن بامریکا پناهنده وسایر سران حکومت مستقل تسلیم‌شدند. (فوریه ۹۲٤) .

صدارت‌مارکس[٥] **و بهبودوضع‌مالی**

دولت استرزمان ، علیرغم متفقین ، بازگشت ولیعهد آلمان‌را بآن کشورخواستار بود . این دولت برای اصلاح امور مالی از ریشستاگ اختیاراتی گرفت وبجای مـارك پول جدیدی بنام **رنتمارك**[٦] باعتبار درآمد املاك مزروعی ومالیات بر اراضی

۱- Guthards ۲- Deckers

۳- Palatina ٤- Heinz ٥- Marx ٦- Rentenmark

و امثال آن بوجود آورد و بانك آلمـان (ریشس بانك[1]) هریك رنتنمارك را جانشین هزار میلیارد مارك کاغذی معمولی نمود (در آن موقع ارزش یك‌مارك کاغذی برابر بود با یك میلیاردیم از یك چهارهزارم‌یك‌دلار) دولت‌استرزمان میخواست تدابیر جدی برای ترمیم وضع اقتصاد آلمان و جلوگیری از تمرکز سرمایه‌ها اتخاذ کند ولی روز ۲۳ نوامبر ۱۹۲۳ بارای مخالف اکثریت ریشستاگ سقوط کرد. درین موقع‌دوتن ازرجال سیاسی آلمان[2] بنمایندگی‌دولت قرادادهای خصوصی تجارتی‌بافرانسه وبلژیك در روهر منعقدساختند و **مارکس** ازنمایندگان جبهه اعتدالی روز ۳۰ نوامبر کابینه‌ای باشرکت پوپولیست‌ها و دموکراتها و جبهه اعتدالی، تشکیل‌داد و از جمله **لوتر**[3] شهردار سابق شهرصنعتی **اسن**[4] رابوزارت دارائی‌منصوب‌نمود.

لوتربکمك دکتر **شاخت**[5] مدیرکل جدید بانك آلمان باتدوین لوایح قانونی طبق‌اختیارات مصوب ریشستاگ وضع مالیه را بهبود بخشید، باصرفه‌جوئی درهزینه‌ها و تقلیل حقوق ودستمزد وتثبیت نرخ‌پول‌جدید (هردلار برابربا ۴٫۲ رنتنمارك) ودریافت مالیاتها به‌مارك‌طلا وتجدیدنظر درسازمان‌های اداری وتقلیل عده مستخدمین و اجرای طرح **داوس**[6] درباره تقسیط غرامات جنك وایجاد تسهیلات جدید برای پرداخت آن واقدامات دیگری که‌بعمل آمد بنیه‌مالی آلمان تقویت شد و سرمایه‌های مخفی مجدداً بکارافتاد. دوران اختیارات مالی دولت در ۱۵ سپتامبر ۱۹۲۴ پایان یافت و احتیاجی به تجدیداعطای‌اختیارات‌نبود. نهضت‌های تجزیه‌طلبی سرکوب و حکومت نظامی برداشته شد و استقرار وضع سیاسی در تثبیت و بهبود وضع اقتصادی تاثیر کرد. بانك آلمان

---

۱ - Reichsbank ۲ - Stinnes و Thyssen ۳ - Luther ۴ - Essen از مهمترین مراکز صنایع فلزی واسلحه سازی‌آلمان‌واقع درناحیه‌کناررودراین ـم. ۵ - Schacht

۶ - Daws کارشناس اقتصادی امریکائی ـم.

که عملا نرخ برابری مارك را ثابت نموده بود رسماً نیز نرخ جدید را اعلام کرد و از ۱۱ اکتبر ۱۹۲٤ پول آلمان بنام **ریشمارك**[۱] خوانده شد. سیاست دولت در تقلیل اسکناس وتثبیت نرخ پول و نظارت بانك درمبادله اسعار وتجارت خارجی دستجات افراطی راست وچپ را بر علیه دولت برانگیخت و اکثریت طرفدار دولت درریشستاگ متزلزل شد، مارکس روز ۱۳ مارس ۱۹۲۳ بافرمان رئیس جمهوری مجلس را که روز ٦ ژوئن ۱۹۲۰ تشکیل گردیده بودمنحل وروز ٤ مه را برای انتخابات جدید تعیین نمود.

انتخابات جدید سال ۱۹۲۴

مجلسی که پس از انتخابات جدید تشکیل شد، مانند مجلس قبلی، نمی توانست اکثریت ثابتی برای پشتیبانی از دولت بوجود آوردزیرا بین جبهه اعتدالیون وحزب ناسیونال که هریك بیش ازصد کرسی درمجلس بدست آورده بودندبرسر سیاست مالی دولت وطرح داوس ومسائل مالی دیگر اختلاف نظر وجود داشت، و بهمین سبب با آنکه طرح داوس روز ۲۹ اوت ۱۹۲٤ درریشستاگ بتصویب رسید. مارکس که اکثریت ثابتی رابرای اتکای دولت درمجلس نمیدید باردیگر اجازه انحلال مجلس را ازرئیس جمهوری بدست آورد (۲۰ اکتبر ۱۹۲٤) و روز ۷ دسامبر را برای انتخابات مجدد تعیین کرد.

انتخابات مجددریشستاگ مصادف باایامی بود که نتایج بعضی ازاقدامات مالی ظاهر شده وخواه و ناخواه زیان بعضی ازطبقات ومؤسسات صنعتی وتجارتی رادربرداشت. تأثیر متقابلی که تقلیل اسکناس پس ازیکدوره ممتد تورم پول در کارتجارت ودادوستد داخلی ومعاملات بزرك خارجی باقی گذاشت و در بعضی موارد موجب ورشکستگی عده‌ای از مؤسسات تجارتی کوچك و کم سرمایه و افزایش عده بیکاران گردید دولت را باتخاذ

۱- Reichsmark

تدابیر جدیدی مانند چشم‌پوشی از اجرای قانون ۸ ساعت کار در روز و بکار گماشتن بیکاران برای اجرای برنامه‌های عمرانی و تجدید ساختمان راه آهن و پلها و کانالها و امثال آنان، وادار نمود و این اقدامات نیز در بهبود وضع مالی آینده آلمان کاملا مؤثر بود.

درانتخابات مجدد ۷ دسامبردسته‌های افراطی عده‌ای از کرسیهای‌سابق را ازدست دادند وجبهه اعتدالی نیزنتوانست اکثریت قبلی‌رادرمجلس بدست آورد. مارکس برطبق معمول‌پس‌ازتشکیل‌ریشستاگ‌استعفا کرد (۱۵دسامبر) ولوتر وزیر دارائی سابق روز ۱۵ ژانویه ۱۹۲۵ کابینه‌ای‌باشرکت‌جبهه‌اعتدالی وپوپولیستهاوناسیونالها(این‌دسته‌اخیربرای اولین‌بار درکابینه آلمان شرکت کردند) تشکیل‌داد.

ریاست‌جمهوری هیندنبورگ

ابرت‌رئیس جمهوری آلمان روز ۲۸ فوریه ۱۹۲۵ وفات یافت ومقدمات انتخاب رئیس‌جمهوری جدید فراهم گردید. درنوبت اول اکثریت بدست‌نیامد(۲۹ مارس ۱۹۲۵) ولی‌چون احزاب دست‌راست‌تمایل خود را به مارشال‌هیندنبورگ که دارای وجهه ملی بود ابراز وعلیرغم‌کاندیدای کمونیستها برای‌مارشال‌فعالیت‌نمودند درنوبت‌دوم وی با اکثریت ۱۴میلیون و کسری‌رأی‌عامه بریاست‌جمهوری‌انتخاب‌شد[1]. (۲۶ آوریل۱۹۲۵).

انتقال ریاست جمهوری ازابرت، نماینده سوسیال دموکرات‌آلمان ومظهر روش دسته‌های‌اعتدالی‌ریشستاگ‌به‌هیندنبورگ‌ژنرالیسیم دوران‌امپراطوری‌آلمان‌نشان‌تحولی بود که‌درسیاست آلمان‌پدیدمی‌آمد.

۱ــ درنوبت دوم‌آراءکاندیداها بدینقرار بود: هیندنبورگ۱۴۶۳۹۳۹۹ رای، مارکس (از جبهه اعتدالی) ۱۳۷۵۲۶۴۰ رأی، تــالمان Thaelman کاندیدای کمونیستهــا ۱۹۳۴۵۹ رأی.

سیاست خارجی آلمان و تحولات کابینه

سال ۱۹۲۵ برای آلمان هم‌ازنظر مالی‌واقتصادی‌وهم از جنبه‌سیاست خارجی‌سال پر برکتی بود . درین‌سال‌ناحیه اشغال‌شده روهر بتدریج ازقوای متفقین تخلیه ومرزهای غربی آلمان تثبیت‌شد ومقدمات عقدقرارداد **لوکارنو**[1] فراهم گردید ، موضوع حکمیت درباره اختلافات‌مرزی آلمان درشرق مورد قبول‌وتصویب قرار گرفت . چون‌سیاست خارجی استرزمان وزیرامور خارجه آلمان مورد اعتراض وزرای ناسیونال بوددسته‌جمعی استعفا کردند ولی‌استرزمان باپشتیبانی نمایندگان سوسیال دموکرات روز ۲۷ نوامبر ۱۹۲۵ طرح قرارداد لوکارنو وعضویت‌آلمان‌را درجامعه ملل‌بتصویب ریشستاگ‌رسانید . ملت آلمان قرارداد لوکارنو وشرکت درجامعه ملل راحسن‌استقبال نکرد وناسیونالیست‌ها[2] نارضایتی عمومی‌راوسیله تبلیغات خود علیه دولت قرار دادند[3] . انتخابات انجمن ایالتی در پروس وجود ائتلاف نیرومندی‌را بین‌دسته‌های‌راست نشان‌داد(نوامبر ۱۹۲۵) ولوتر روز ۲ دسامبر استعفانمود و مجدداً بصدارت‌منصوب‌شد .

کابینه‌جدید لوتر اکثریت‌ثابتی‌نداشت ولی‌سیاست‌خارجی استرزمان(که‌همچنان در پست وزارت‌خارجه باقی‌مانده بود) مورد تأیید سوسیال دموکراتها بود . آلمان اسناد رسمی‌مربوط به‌عضویت‌درجامعه‌ملل‌را دریافت نمود وبعضویت‌دائمی شورای جامعه‌پذیرفته شدوازروز ۸ سپتامبر ۱۹۲۶ رسماً وارد جامعه گردیدوبلافاصله خواسته‌هاوادعاهای‌خود رابخصوص درموضوع‌تساوی‌حقوق‌اعضای‌جامعه برای‌طرح درشورا آماده‌نمود .

۱ــ درباره‌پیمان لوکارنو به بخش‌اول کتاب (فرانسه) مراجعه شود . ۲ــ ناسیونالیستها وابسته به‌هوگنبرگ Hugenberg وناسیونالیستها وابسته به‌لوندورف بودند . ۳ــ پیمان‌لوکارنو بعدها بوسیله عقد قرارداد آلمان‌وشوروی مورخ ۲۴ آوریل ۱۹۲۶ تعدیل‌گردید .

تخلیه منطقه صنعتی کلن (رنانی) ازقوای متفقین ، نمایندگان دست راست راقانع نساخت . لوتر برای‌جلب‌موافقت آنان بااجازه هیندنبورگ بنمایندگان سیاسی آلمان در کشورهای خارجی دستورداد که‌پرچم‌سه‌رنگ (سیاه وسفید وقرمز) را که‌پرچم‌تجارتی آلمان در دوران امپراطوری بود در کنار پرچم جدید جمهوری آلمان نصب کنند . بر اثراتخاذ این تصمیم فراکسیونهای دست چپ‌مجلس‌توبیخ‌نامه‌ای برای‌دولت فرستادند و کابینهٔ لوتر روز ۱۳ مه ۱۹۲۵ سقوط کرد .

کابینه جدید بریاست مارکس که‌درمجلس باقلیت جبهه اعتدالی تکیه داشت بادو مسئله مواجه‌شد: یکی‌جنبشهای‌ناشی‌از انتخاب پرچم دوره امپراطوری که‌اغلب دسته‌ها آنرانشانه انحراف حکومت‌جمهوری به‌سلطنت‌مستبده میدانستند . دیگرمسئله خلع‌ید شاهزادگان آلمانی از املاك غیرمنقول آنان که‌حکومت جمهوری آنرااجرانموده‌بود . هیندنبورگ باخلع‌یدکامل مخالف‌بودوموضوع‌بآراءعمومی‌مراجعه‌شد ، چون‌از ۳۹میلیون وکسری رأی‌دهنده فقط ۱۵ میلیون‌نفر به‌خلع‌ید رأی‌دادند مقرر گردید که‌شاهزادگان مالك‌حقیقی املاك خود شناخته شوند ودولت‌سالی ۱۵ میلیون‌مارك‌طلا درازاء درآمدآن املاك بنام‌مستمری بآنان بپردازد (۱۵اکتبر ۱۹۲۶) تمایلات‌سلطنت‌طلبی درریشسوهر نیز کم‌وبیش هویدا و بنا بدعوت ژنرال فن‌سیکت، ولیعهدسابق آلمان درمراسم مانور ریشسوهر شرکت کرده‌بود . فن‌سیکت معزول و ژنرال **ویلهم‌هی**[۱] (افسری که‌درسال ۱۹۱۸ پیام متفقین رادرباره لزوم استعفای‌ویلهم‌دوم امپراطورآلمان بوی‌ابلاغ کرده بود) بفرماندهی‌ریشسوهرمنصوب‌شد.

کابینه‌مارکس که‌متکی باقلیت‌جبهه‌اعتدالی ودرمجلس‌موردانتقاد وحمله‌هردوجناح راست وچپ بودسرانجام‌سقوط کرد(۱۷ دسامبر ۱۹۲۶)وپس‌ازمذاکرات‌طولانی‌ووساطت

۱- Wilhelm Heye

هیندنبورگ باردیگر مارکس مأمور تشکیل کابینه شد (۱۳ ژانویه ۱۹۲۷).

دوره ترقی اقتصادیات

کابینه جدید مارکس متمایل باحزاب دست راست با شرکت پوپولیست‌ها و ناسیونالیست‌ها واستر زمان درپست وزارت امور خارجه ازمجلس رأی اعتماد کافی بدست آورد (۵ فوریه ۱۹۲۷)

احزاب ودسته‌های مختلف راست ، میلیتاریست ها وسلطنت طلبان وطرفداران وحدت نژاد (**راسیست‌ها**[۱]) عرصه را برای فعالیت سیاسی مناسب دیدند و به تظاهرات دامنه داری دست زدند . جمعیت ناسیونالیست جنگجویان قدیم (کلاه فولادین) تظاهراتی باشرکت یکصد هزار نفر دربرلین براه انداخت ودرحین تظاهر افرادو احزاب دست چپ را موردحمله قرار داد. ریشستاگ عقدقراردادجدید باپاپ و تجدید فعالیت مدارس دینی کاتولیك را درآلمان تصویب نمود.

هیتلر که روز ۲۰ دسامبر ۱۹۲٤ مورد عفوقرار گرفته واز ۲۷ فوریه ۱۹۲۵ فعالیت سیاسی خودراتجدید نموده بود برخلاف گذشته روش طغیان وشورش را رها کردو ازطریق تبلیغات مؤثر و فعالیت مشروع به‌احیاوتجدید سازمان حزب خود پرداخت و برای آنکه بلافاصله پس از پیروزی زمام امور را در دست بگیرد و در اداره کشور مردان آزموده و کارآمدی داشته باشد عده‌ای از همکاران خود را برهبری و اداره شعب حزب برگماشت .

دکتر **گسلر**[۲] که‌ازسال ۱۹۲۰ وزارت دفاع‌ملی آلمان‌را برعهده داشت وبکمك ژنرال فن سیکت برای احیای ارتش آلمان کوشش بسیار بکار برده بود براثر اختلاف نظر با هیندنبورگ استعفا کرد.وژنرال گروئنر بجای او بوزارت دفاع ملی منصوب گردید (۱۷ ژانویه ۱۹۲۸) .

درسال ۱۹۲۷ وضع اقتصادی آلمان کاملا رضایت بخش بود . ذخیره مالی دولت

۱- Racistes ۲- Dr Gessler

براثراجرای نقشه داوس واستقراض ازشوروی، (مبلغ ۳۶۰میلیون) بکارافتادن میلیاردها سرمایه خارجي درآلمان وسرمایه‌های آلمانی در شوروی و کشورهای دیگر، مرتباً رو بافزایش میرفت . ذخیره طلای ریشبانک از ۵۰۰ میلیون درژویه ۱۹۲٤ به ۲ میلیارد درنوامبر۱۹۲٦ رسیده ونرخ بهره از۱۰ درصد به ۵ درصد تنزل کرده بود و صنعتگران وبازرگانان میتوانستند ازقدرت مالی بانك برای تجدید فعالیت خود استفاده کنند. کارتل‌هائی[1] که درهررشته‌ازصنایع تشکیل‌شده بود بتدریج به‌کارتلهای عظیم‌ترمرکب ازچند رشته صنایع مشابه تبدیل و کارتلهای نیرومند صنایع شیمیائی وصنایع فلزی و مانند آنها تشکیل گردیدوباقدرت‌مالی‌خود توانستند دامنه‌صنایع آلمان رادر کشورهای دیگرنیز بسط‌دهند، چنانکه کارتل فولاد سازی آلمان درممالك فرانسه وبلژیك وناحیه زار(سار) و کارتل‌پطاس در فرانسه و آلمان شعب متعدد دایر کردند . بحریه تجارتی آلمان دراندك‌مدتی درردیف چهارمین بحریه تجارتی دنیا (پس ازانگلیس واتازونی و ژاپن) قرار گرفت . بعلاوه اعتصاب‌کارگران‌معادن انگلیس درسال۱۹۲٦ بآلمان‌فرصت آنرا داد که بازارهای جدیدی برای فروش کالای خود بدست‌آورد .آلمان بزرگترین فروشنده‌کالای صنعتی ومواد دیگربروسیه‌شوروی بود که اولین نقشه اقتصادی پنجساله خود را اجرا می کرد . قدرت تولید صنعتی درآلمان‌به ۱۳۰درصد میزان قبل ازجنگ ترقی‌یافته بودو کارگران‌ازدستمزد کافی وشرایط‌مساعدتری درزندگی‌بهره‌مندمیشدند. شهرداریها با استفاده ازاوضاع مساعد اقتصادی برفعالیت عمرانی خویش افزوده بودند ،

۱ ــ شرکت ها یا ترستهائی که از اتحاد چند شرکت صنعتی دریکرشته مخصوص ازصنعت مثلا استخراج زغال سنك بوجود می‌آید ترست‌های قائم یا کارتل **Cartels** خوانده میشود وشرکتهائی‌که ازاتحادچند شرکت‌صنعتی‌دررشته‌های مشابه صنعت مثلا استخراج آهن وسایرفلزات تشکیل می‌شود ترستهای افقی نامیده میشود ــم .

عده بیکاران از ۲میلیون‌نفر به۳۲۹۰۰۰ نفردر۱۵ اکتبر۱۹۲۷ رسیدو براثر بهبودوضع اقتصادی تشنجات سیاسی واعتصابات وهرج ومرج درآلمان کمتروقوع می‌یافت .

صدراعظم آلمان بمنظورتثبیت وضع دولت که دربرابرفعالیت شدید ناسیونالیستها واحزاب‌چپ‌قرار گرفته‌بودریشستاگ‌را در۳۱مارس۱۹۲۸ منحل ساخت‌ولی‌درانتخابات جدید که در۲۰ مه۱۹۲۸ انجام گرفت، احزاب متعددی بمجلس راه یافتند ووضع‌سیاسی پیچیده تروحصول‌یك اکثریت قوی‌وثابت‌درمجلس دشوارترازسابق گردید[1] !

کابینه جدید مولر و طرح‌یونگ[2]

پس ازاستعفای **مارکس** (۱۱ ژوئن ۱۹۲۸) **مولر** سوسیالیست صدراعظم‌اسبق آلمان کابینه‌ای باشرکت‌دموکراتهاوسوسیالیستها وعده‌ای ازرجال برجسته پوپولیست و کاتولیك تشکیل داد ، استرزمان همچنان درمقام وزارت‌امورخارجه باقی‌ماند(۲۸ژوئن ۱۹۲۸) این دولت برخلاف دولتهای گذشته قریب به دو سال دوام‌یافت‌ودرین مدت که‌جمهوری آلمان‌ظاهراً روباستحکام‌واستقرارمیرفت‌واحزاب‌دست راست پیوسته به‌تبلیغات خودومخالفت باسیاست اجرای‌قراردادصلح ادامه‌میدادند. حزب ناسیونال سوسیالیست‌هیتلر روبه‌ترقی میرفت، کنت‌**وستارپ**[3] لیدر حزب ناسیونالیست رهبری‌حزب‌را به **هوگنبرگ** ازصنعتگران آلمان سپردورهبرجدیدتقویت حزب را از لحاظ کیفیت وجنبه‌های مبارزه حزبی وجلب شخصیت‌های مبارزبر افزایش تعداد اعضای

---

۱ ــ درانتخابات جدید ریشستاگ کرسیهای مجلس بین چهارده حزب و دسته سیاسی تقسیم گردید وعلاوه براحزاب قدیم مانند سوسیال دموکرات وپوپولیست و ناسیونال و ناسیونالیست و کمونیست‌دسته‌های تازه‌ای‌ازقبیل‌ناسیونال سوسیالیست‌ها، راسیست‌ها، مسیحیان‌روستائی، ناسیونالهای آلمان ، دهقانان باویر، دهقانان آلمان ، دست راستهای ملت ، اعتدالیون باویروامثال آنان‌هر کدام از۲ تا ۲۰ کرسی درمجلس بدست‌آوردند وسوسیال دموکراتهاکه۱۵۳ کرسی داشتندقویترین دسته پارلمانی را تشکیل داده بودند .

۲ ــ Young ۳ــ Gomte Westarp

آن ترجیح میداد و کم و بیش متمایل به عقاید دست راست بود . وی با سرمایه‌ای که در دوره تورم‌پول بچنگ آورده بود باتأسیس چند روزنامه موضوع مطبوعات وتبلیغات‌حزبی راتأمین کرد. اعتدالیون‌واحزاب‌میانه رو گرد **برونینگ**[1] و **مگرکاس**[2] گردآمده‌جبهه خود را فشرده ترومتحدترساختند . قسمت عمده فعالیت سیاست خارجی آلمان متوجه تقلیل یا حذف غرامات جنك‌وتخلیه کامل رنانی ازقوای متفقین بود و انتقاد واعتراض به کمیسیون غرامات‌متفقین‌و**پارکرژیلبر**[3] نماینده رسمی کمیسیون، که‌اوضاع اقتصادی آلمان را برای پرداخت غرامات مساعدمیدانست، ادامه داشت . ازطرفی فعالیت‌مؤسسات صنعتی دربالا بردن سطح تولید ، بدون توجه به احتیاجات بازارهای فروش که در سال ۱۹۲۸ موجب‌بهبود وضع اقتصادی شده بود درسال ۱۹۲۹ مقدمه بحران اقتصادی گردید وبراثرذخیره‌شدن کالاوتنزل قیمتها بیش‌از۱۲۰۰۰موسسه‌صنعتی‌وتجارتی‌ورشکست‌شدند وعده کارگران بیکارمجدداً به۱٫۲۷۲٫۰۰۰ نفر رسید[4] (اوت ۱۹۲۹)وباردیگرزمینه مساعدی‌برای تبلیغات‌وعوام فریبی دسته‌های مخالف یامغرض بوجودآمد .

مخالفت شدید احزاب دست راست با طرح‌یونگ درباره غرامات وقروض‌جنگی که‌جانشین‌طرح داوس بایستی‌بشود ، مولررابه‌ترمیم کابینه‌وتمایل بیشتری بجناح‌راست پارلمان وادارساخت، سه تن‌ازجناح راست وازجمله صدراعظم اسبق آلمان ویرت راوارد کابینه ومحیط پارلمان را برای تشکیل کمیسیونی ازمتخصصین امورمالی برای بررسی طرح یونگ آماده نمود . این تمایل به‌جناح راست، جناح چپ را بشدت تهییج کرد وبمناسبت روزاول ماه مه(۱۹۲۹)تظاهرات دامنه داری بوسیله کمونیستها صورت گرفت

۲- Mgr Kaas ۱- Bruning
۴ - ترست‌های آلمان‌که بنام Konzern خوانده میشدند برای فعالیت اقتصادی وتولیدی بیشتر بمعاملات صرافی و سفته‌بازی می‌پرداختند وبطورکلی سود ومنافع سرشارخود را برهم‌آهنگی بادولت درزمینه پیشرفت‌اقتصادیات ترجیح میدادند . ۳- Parker Gilbert

ومدت سه‌شبانه روز زدو خورد بسیارخونینی‌بین تظاهر کنندگان ونیروهای دولتی ادامه یافت ودولت برای تسکین افکارعمومی تصمیم گرفت که سازمانهای ارتجاعی (کلاه فولادین) را دروستفالن[1] اورنانی منحل کند .

روزدوم‌مه رفراندومی‌بوسیله **هوگنبرگ** رهبرحزب‌ناسیونالیست‌درباره‌مخالفت‌با طرح‌یونگ‌بعمل‌آمد ولی‌نتیجه‌ای ازآن حاصل نشد و ریشستاگ بااکثریت هنگفتی رفراندوم‌رامردودشمرد. باردیگر بآراءعمومی‌درباره‌طرح‌مزبورمراجعه‌شدوحدنصاب‌اکثریت بدست نیامد (۲۲ دسامبر۱۹۲۹) وچون تصویب طرح‌یونگ مستلزم‌مطالعه‌دقیق وتوجه بمسائل مالی کشوربود ، دکترشاخت ازمدیریت بانک‌آلمان‌استعفا کرد ولوتروزیردارائی اسبق‌آلمان بمدیریت‌بانک منصوب شد ، سرانجام روز۱۲ مارس طرح یونگ بتصویب ریشستاگ‌وروزبعدبتصویب وامضای هیندنبورگ رسید .

استرزمان وزیر امور خارجه روز ۳ اکتبر ۱۹۲۹ وفات یافت و **کورتیوس**[2] (پوپولیست) که‌درمسائل‌وامور مربوط به سیاست خارجی چندان بصیرتی نداشت بوزارت‌امور خارجه منصوب شد . مخالفت‌ها واختلافات مذکور وترمیم‌پی در پی کابینه وعزل و نصب‌های جدید دولت را ضعیف و کابینه مولر را هنگام طرح بودجه کشور در مجلس با مخالفت شدید جناح چپ مواجه ساخت وکابینه سقوط کرد (۲۸ مارس ۱۹۳۰) .

---

۱ – (Westphalie) WestPhalen

۲ – Curtius

صدارت برونینگ و محاکمه طرفداران هیتلر

برونینگ مرد عمل و دارای تقوای اخلاقی ، دوست صمیمی هیندنبورگ ودشمن سرسخت سوسیال دموکراتها کابینه‌ای متمایل بجناح معتدل دست راست تشکیل داد (۳۰ مارس ۱۹۳۰) واز مجلس رای اعتماد گرفت ، اندکی بعد روش مالی وسیاست خارجی برونینگ موجب اعتراض شدید کمونیستها وطرفداران هیتلر وجناح چپ مجلس گردید وچون $\frac{۳}{۵}$ نمایندگان باکابینه اومخالف بودند بااجازه هیندنبورگ مجلس رامنحل ساخت (۱۸ ژوییه ۱۹۳۰).

درانتخابات جدید، مبارزه بین احزاب ودسته‌های سیاسی بسیار شدید بود، حزب تازه نفس ناسیونال سوسیالیست که برهبری هیتلر موفقیت‌های شایان توجهی در انتخابات محلی **ساکسن** و **تورینگن**[۱] ودرمبارزه با **سورینگ**[۲] وزیرداخله سوسیالیست پروس ومبارزات دیگر بدست آورده بود درانتخابات جدید ریشستاگ نیز به پیروزی بزرگی نائل گردید . درماه مه ۱۹۳۰ هیتلر یکی ازرهبران حزب یعنی **اوتو استراسر**[۳] رابعلت داشتن تمایلات بلشویستی از حزب اخراج کرد ولی برادراوژرژستراسر اندکی بعد بجرگه اتباع ومریدان هیتلر در آمد . در زمانی که آخرین نیروهای متفقین روز ۳۰ ژوئن آنرا ترك کردند تظاهرات شدیدی برعلیه تجزیه طلبان از طرف ناسیونال سوسیالیستها صورت گرفت .

روز ۱۴ سپتامبر ۱۹۳۰ انتخابات عمومی ریشستاگ برطبق قانون جدید که عده نمایندگان را از ۴۹۰ به ۵۷۷ نفر ترقی داده بود انجام یافت و ناسیونال سوسیالیستها

۱- Thuringuen (Thuringe) یکی از ممالك متحده آلمان - م. ۲- Severing

۳- Otto Strasser

تقریباً ۹ برابر بیش‌از انتخابات سال۱۹۲۸ در ریشستاگ کرسی بدست‌آوردند[1] . نتیجه انتخابات جدید نموداری بود ازتفرقه شدید طبقات‌سرمایه‌دار واحزاب دست‌راست ، فقر وتهیدستی طبقات متوسط ، که‌براثرتورم پول‌و سپس تقلیل اسکناس از هستی ساقط شده بودند ، تشکیل یك توده وسیع ازطبقات زحمتکش متمایل‌بچپ وطبقه دیگری ازتوده متمایل براست ، ظهور آراءِ وعقاید تازه در میان طبقه‌جوان کشور که‌بانگرانی‌وتشویش بآینده‌خود می‌اندیشیدند ، افزایش سریع عده بیکاران(تعداد آنان که‌در ژوئن ۱۹۳۰ در حدود ۲٫۸۳۶٫۰۰۰ نفر بود در سپتامبر آن سال به ۷٫۹۰۰٫۰۰۰ نفر رسید) و این عوامل به‌ترقی سریع حزب نازی آلمان[2] که‌برپایه غرورملی‌و خصائص‌روحی‌ملت‌آلمان استوار گردیده‌بود کمك کرد .

درنخستین‌جلسه رسمی‌ریشستاگ۱۰۷ نفرنمایندگان نازی با اونیفورم مخصوص حزب شرکت کردند وکابینه برونینگ‌فقط با۸۲ رأی‌اکثریت (یعنی عده‌موافق ۸۲ نفر بیش‌از عده مخالف بود ـ م.) تثبیت شد. برونینگ که‌از همکاری باهیتلر در امر حکومت امتناع داشت به فراکسیون سوسیال دموکرات (که‌هنوز از لحاظ تعداد نمایندگان حزبی‌قوی‌ترین فراکسیون مجلس‌بود ـ م.) متمایل گردید و فراکسیون مزبور چون

۱ــ تعداد کرسیهای حزب ناسیونال سوسیالیست هیتلردر سال۱۹۲۸ درریشستاك ۱۲ بود وعده نمایندگان‌این حزب‌درانتخابات سپتامبر ۱۹۳۰ به ۱۰۷ نفررسیدورویهمرفته ۶٫۴۰۲٫۱۰ نفر به‌کاندیدهای این‌حزب رای دادند عده‌اعضای این حزب که‌در سال ۱۹۲۰ فقط ۷ نفر (هیتلر هفتمین‌نفر) بود درسال ۱۹۲۷ به ۱۷۰۰۰ ودرسال ۱۹۲۸ به‌یك میلیون نفررسید و ازآن پس با سرعت رو بافزایش گذاشت. ۲ــ کلمه نازی Na–zi مخفف‌ناسیونال‌سوسیالیست است‌باین‌معنی که Na ازاول‌کلمه National و zi از وسط‌کلمه سوسیالیست‌که درآلمانی باین شکل Sozialist نوشته وسوتسیالیست تلفظ‌میشود انتخاب شده‌است ــ م.

برونینگ را آخرین مرد میدان مبارزه با نازیسم میدانست از وی پشتیبانی کرد.

چون ریشستاگ درباره لوایح قانونی حکومت برونینگ اظهاری نکرد و وی جلب موافقت هیندنبورگ را بهر تقدیر برخشنودی ورضایت نمایندگان پارلمان ترجیح میداد، جلسات ریشستاگ را برای مدت چند ماه تا فوریه ۱۹۳۱ بتعویق انداخت و از آن پس با تصویب لوایح قانونی و اختیارات کافی آلمان را اداره می کرد بهمین علت درمیان مردم به «گور کن جمهوری» مشهور گردید. در نخستین جلسه ریشستاگ در فوریه ۱۹۳۱ نمایندگان ناسیونالیست و نازی جلسه را ترك کردند و از آن تاریخ زدوخورد و مبارزات شدید داخلی بین احزاب سیاسی ودسته‌های راست و چپ بشدت آغاز شد. نازیها فعالیت و کشیشها آنانرا تکفیر می کردند. رقبا و بعضی از همکاران سابق هیتلر که ترقی اورا بچشم حسرت و بغض می‌دیدند دسته‌های مخصوص حمله ومبارزه تشکیل داده در آلمان شرقی و برلین بمبارزه با هیتلر برخاستند. دسته‌های چپ سازمانهای نیمه‌مسلح بنام **ریشسبانر**[۱] مدافع جبهه ائتلافی، بنام «جبهه آهنین» تأسیس کردند و کمونیستها نیز «جبهه سرخ» خودرا توسعه دادند. روز ۳۱ مه ۱۹۳۱ در برسلو (آلمان شرقی) صدهزار نفر از افراد «کلاه فولادین» در برابر ولیعهد آلمان رژه رفتند.

وضع مالی آلمان بهتر از وضع سیاسی آن کشور نبود، اتازونی بر اثر بحران اقتصادی که از سال ۱۹۳۰ با آن مواجه شده بود نه تنها قادر به پرداخت وام بآلمان نبود بلکه سعی می کرد سرمایه‌های امریکائی را که در ممالك دیگر واز جمله آلمان (در آلمان بیش از ۳۰ میلیارد مارك سرمایه امریکائی بود) بکار افتاده بود به اتازونی باز گرداند. برونینگ به **به‌سرهراس همبلد**[۲] سفیر انگلستان در برلین اطلاع داد که با وضع وخیم مالی، آلمان نمیتواند قروض خودرا بابت غرامات جنگ بپردازد. پس از ملاقات برونینگ و کورتیوس (وزیر

۱- Reichsbanner ۲- Sir Horace Humbold

امورخارجه) با جرج پنجم پادشاه و **ماکدونالد**[1] نخست وزیر انگلیس وفشار و اصرار بانکهای مشترك آلمان و امریکا، سرانجام مستر هوور رئیس جمهوری امریکا روز ۲۰ ژوئن ۱۹۳۱ اعلام کرد که قروض سیاسی ممالك مانند قروض خصوصی و شخصی قابل تقسیط وتمدید است. ممالکی که از آلمان غرامت جنك می‌خواستند با اعلامیه رئیس جمهور امریکا دچار نگرانی شدند ولی روز ٦ ژوئیه ۱۹۳۱ به فرانسه اطمینان داده شد که سهمیه آندولت ازغرامات جنك محفوظ وقابل پرداخت خواهدبود. بانکهای انگلیس و امریکا که از نهضت‌های انقلابی آلمان مضطرب بودند برای باز گرداندن سرمایه‌ها و اعتبارات خود از آن کشور کوشش بکارمیبردند درحالیکه تمدیدمهلت وتقسیط قروض سیاسی وجنگی هیچگونه گشایشی درامورمالی آلمان پدیدنیاورد.

برونینگ که برای اجتناب ازاعتراضات ومخالفت جناحهای افراطی راست وچپ از افزایش نرخ مالیاتها وتدابیر مالی نظیر آن خودداری داشت سعی می کرد از طریق مذاکرات سیاسی باممالك دیگر چرخهای اقتصاد آلمان رادوباره بکاراندازد. لوتر مدیر کل بانك آلمان روز ۹ ژوئیه ۱۹۳۱ بپاریس رفت سپس برونینك و کورتیوس درپاریس با **هندرسن، استمسن، هایمان، گراندی، یوشیزاوا**،[2] لاوال وفلاندن مذاکره کردند (۱۹ ژوئیه ۱۹۳۱). نتیجه مذاکرات مزبور و کنفرانس دیگری که باحضور رجال نامبرده درلندن (در ۱۳ ژوئیه ۱۹۳۱) تشکیل شداین بود که بانکهای مرکزی ممالك وارد در کنفرانس مبلغ ۱۰۰ میلیون دلار وام جدید بآلمان دادند. آلمان در برابر استمداد ازدول غربی هیچگونه تعهدات سیاسی بگردن نگرفت وپیوسته شبح موهوم خطر بلشویسم را، که درصورت ضعف و ناتوانی

۱- Mac Donald لیدر حزب کارگر انگلیس که برای سومین بار در سال ۱۹۳۱ به نخست وزیری رسید ـ م.

۲- Henderson، Stimson، Haymans، Grandi، Yoshizawa رجال سیاسی امریکا و انگلیس و ایتالیا و ژاپن ـ م.

آلمان ممکن بود اروپا را تهدید کند، برخ دول غربی می کشید .

روز ۱۳ ژوییه ۱۹۳۱ نخست «بانك ملی دارمشتاد[1]» وسپس بانکهای دیگر از ترس حمله وغارت احتمالی بسته شدند ودرحالیکه اغلب آنها بورشکستگی میرفتند باحمایت دولت ونیروی انتظامی مجدداً بکار افتادند ودرحقیقت برونینگ طبق یکرشته لوایح قانونی که خارج ازحدود اختیارات اوبود بانکها ومؤسسات صرافی بزرگ را بصورت «ملی» وتحت اختیار دولت درآورد ولی کاهش سرمایه موجب تعطیل مؤسسات تجارتی وصنعتی گردید وتعداد بیکاران به ٥ر٤ میلیون نفر رسید و با احتساب خانواده آنان ٤٠ درصد جمعیت آلمان درمانده وناتوان وباهیولای فقروتهیدستی مواجه شدند و باردیگر زمینه مساعد برای تبلیغات مسموم کننده احزاب افراطی آماده گردید .

مذاکرات سیاسی

انتخابات وسقوط دولت برونینگ

هنگامیکه احزاب خود را برای مبارزه مجهز و روسای احزاب قوای خویش را آزمایش می کردند و برونینگ سرگرم ترمیم کابینه بود، کورتیوس که بشدت مورد حمله ناسیونالیستها قرار داشت امضای پیمان مالی بین آلمان و اطریش را که مقدمه **آنشلوس**[2] بود اعلام نمود (۲۱ مارس ۱۹۳۱) وچون متفقین به پیمان مزبور اعتراض کردند وفرانسه آنرا منافی بامقررات پیمان ورسای دانست و بدیوان داوری لاهه شکایت کرد حکومت آلمان امضای خودرا پس گرفت و کورتیوس استعفا داد برونینگ خود اداره وزارت امورخارجه را بعهده گرفت. ژنرال گروئنر بوزارت داخله ووزارت دفاع (ریاست کل ریشوهر) منصوب شد. بنابدعوت هوگنبرگ (رهبر ناسیونالیستها)

۱- Darmstadter und National Bank ۲ - Anschluss موضوع الحاق اطریش بآلمان که درسال ۱۹۳۸ بوسیله هیتلر و بدستیاری حزب ناسیونال سوسیالیست آلمان و اطریش انجام گرفت ــ م.

احزاب ناسیونالیست جبهه متحدی برای مبارزه با دولت برونینگ تشکیل دادند ولی صدراعظم آلمان جمهوری همچنان خود را فوق قوه مقننه میدانست و با تدوین و انتشار لوایح قانونی سلطه حکومت را بر کلیه شئون اقتصادی کشور مستقر ساخت.

دوران ریاست جمهوری هیندنبورگ در بهار ۱۹۳۲ پایان می‌یافت و انتخاب رئیس جمهوری پیش می‌آمد، هیندنبورگ که ترقی روزافزون حزب نازی را دریافته بود در ژانویه ۱۹۳۲ باوساطت ژنرال **شلیخر**[۱] مدیر کل وزارت جنگ به هیتلر پیشنهاد کرد که اگر باکاندیدای وی بریاست جمهوری موافقت کند، بلافاصله پس از انتخاب ریاست جمهوری هیتلر جانشین برونینگ صدراعظم آلمان خواهد شد ولی هیتلر از موافقت باهیندنبورگ امتناع ورزید زیرا خود را کاندید ریاست جمهوری میدانست[۲]. نتیجه انتخابات رئیس جمهوری که نوبت اول در ۱۳ مارس و نوبت دوم در ۱۰ آوریل ۱۹۳۲ بعمل آمد از ینقرار بود: هیندنبورگ ۱۹۳۶۷۶۸۸ رأی، هیتلر ۱۳۴۱۹۶۰۳ رأی، تالمان (کمونیست) ۳۷۰۵۸۹۸ رأی. بدین ترتیب هیندنبورگ مجدداً بریاست جمهوری انتخاب شد و حزب سوسیال دموکرات در موفقیت رئیس جمهوری سلطنت طلب آلمان نقش مؤثری برعهده داشت.

برونینگ و گروئنر از ۱۳ آوریل پوشیدن اونیفورم مخصوص را برای دستجات S.A و S.S حزب نازی وفعالیت سازمانهای مزبور را، مانند سازمانهای دست چپ نظیر آنها ممنوع کردند، این امر بر رؤسا و سران ریشسوهر که آینده امیدبخشی را برای ارتش آلمان در رشد و نمو سازمانهای نیمه مسلح حزب نازی جستجو می‌کردند گران آمد و چون حزب

---

۱ – Schleicher ۲ – با اینکه هیتلر اصلا اطریشی بود چون بعضویت شورای دولتی در برونسویگ از ایالات آلمان منصوب شد باهلیت و ملیت آلمانی درآمد و میتوانست در انتخابات ریاست جمهوری کاندید شود.

مزبور درانتخابات **دیت‌های**[1] ممالك متحده آلمان بخصوص درپروس پیروزی بی‌سابقه‌ای بدست آورد، به صدراعظم و وزیرجنگ خاطرنشان ساختند که اقدامات دولت برضد سازمانهای مبارزنازی اعتماد اکثریت افراد ریشسوهررا ازدولت سلب کرده‌است . با این مقدمات ژنرال گروئنر ازوزارت جنگ کناررفت ولی کابینه برونینگ درریشتاگ مورد حملات شدید مخالفین قرار گرفت و فراکسیون نیرومند سوسیال دموکرات که دولت را از لحاظ تمایلات سوسیالیستی ودشمنی ومبارزه با هیتلر حمایت کرده بودند ازپشتیبانی برونینگ دست کشیدند، وی ازهیندنبورگ انحلال مجلس راخواستارشد وجواب ردشنید، چون دیگر درمجلس ودستگاه ریاست جمهوری و میان اکثریت مردم طرفدارانی نداشت روز ۳۰ ۰۵ ۱۹۳۲ استعفا کرد .

کابینهٔ فن پاپن[2]

هیندنبورگ، دشمن سرسخت هیتلر علیرغم او، فن پاپن کاتولیك سلطنت طلب را به صدرات برگزید وباودستورداد که کابینه خود را از رجال مورد اطمینان ارتش انتخاب وروشی اتخاذ کند که برای حزب نازی قابل تحمل باشد. فن پاپن کابینه‌ای مرکب ازبارون‌ها (اشراف آلمانی) تشکیل داد وازعموم طبقات واحزاب ازجمله احزاب ناسیونال سوسیالیست تقاضا کرد که از کلیه نیروهای خود برای بهبود اقتصاد و وضع مالی آلمان استفاده کنند، موضوع ممنوعیت سازمانهای نیمه‌مسلح حزب نازی را نسخ واداره امور کلیه سازمانهای نظامی وشبه نظامی آلمان را به **فن گایل**[3] وزیر کشورسپرد ولی چون اکثراحزاب

---

۱ - Diétes نام عمومی پارلمانهائی است که درلهستان وممالك متحده آلمان وکشورهای جزو امپراطوری اطریش درقرن ۱۹ با اختیارات محدود تشکیل میشد وپس ازحصول وحدت آلمان در سال ۱۸۷۰ دیت‌ها همچنان درممالك تابعه آلمان باقی ماندند ــم.

۲ - Von Papen افسرسابق رستهٔ سوار نظام و درسال ۱۹۱۶ وابسته نظامی سفارت آلمان درواشینگتن بود. ۳-Von Gayl .

ودسته‌های پارلمانی، غیر از ناسیونالهای طرفدار هوگنبرگ از کابینه جدید حسن استقبال نکردند، فن پاپن با اجازه هیندنبورگ مجلس را منحل کرد.

کنفرانس لوزان که از ۱۶ ژوئن تا ۹ ژوییه ۱۹۳۲ تشکیل گردید و فن پاپن شخصاً در آن شرکت داشت آلمان را از کلیه دیون جنگی و غرامات جرائم دیر کرد و مانند آن معاف کرد و فقط مبلغ ۳ میلیارد از بدهی هنگفت آلمان را بابت بهای اشیاء و لوازمی که دریافت نموده بود برعهده آن کشور باقی گذاشت، حزب نازی که از کلیه جهات سیاسی و اقتصادی تساوی حقوق بین آلمان و سایر ممالک معظم را جداً خواستار بود تصمیمات کنفرانس لوزان را درباره ۳ میلیارد بدهی آلمان مورد اعتراض قرارداد.

فن پاپن که پیوسته درصدد بسط نفوذ خود در سراسر آلمان بود، باستناد عدم حصول اکثریت در انتخابات مجلس محلی پروس (۲۴ آوریل ۱۹۳۲) ادامه حکومت **براون-سورینگ**[1] را در آن مملکت، که مورد اعتراض شدید احزاب ناسیونال و نازی بود، غیرقانونی اعلام و خود بعنوان کمیسر ریش (حکومت واحد آلمان ـ م.) در پروس زمام امور آن ناحیه را در دست گرفت و براون سورینگ و سایر وزرای دولت پروس را بدون حدوث وقایع ناگوار، بکمك ریشبار وارتش و بعضی از اتحادیه‌های صنعتی از پروس بیرون راند و این اقدام موجب حیرت کلیه احزاب بخصوص احزاب چپ گردید. اعضای دولت پروس بدستیاری سایر دول محلی آلمان (باد، باویر، وورتمبرگ، هسن[2] و مانند آنها) که از سرنوشت دولت پروس دچار تشویش گردیده بودند از فن پاپن به دادگاه عالی لیپزیگ شکایت بردند. دادگاه درعین حال که اقدام دولت فن پاپن را تاحدی منطبق باموازین قانونی تشخیص داد علت اقدام را غیرموجه شمرد (۲۵ نوامبر ۱۹۳۲) اندکی بعد هیندنبورگ جلسات دادگاه را تعطیل نمود و باین ترتیب عملا به عمر دولت محلی پروس خاتمه داد.

۱- Braun-Severing ۲ - Hessen(Hesse) از ممالك متحده آلمان ـ م.

درانتخابات‌عمومی‌ریشتاگ که روز ۳۱ ژوییه ۱۹۳۲ انجام گرفت، حزب نازی با ۱۳٫۷ میلیون رای، ۱۲۳ کرسی بدست آوردواین موفقیت‌بی‌سابقه موجب ضعف حکومت فن پاپن ومایه حیرت احزاب دست راست فرانسه و بعضی ازدول اروپا گردید . فن‌پاپن ، هیتلر را به‌همکاری دعوت‌و بعضی‌مقامات‌حساس مانندنیابت‌صدارت‌عظمی‌و کمیساریای‌دولت درپروس ومانندآن را دراختیاراو گذاشت ولی هیتلرطی پاسخ موهنی پیشنهاد فن‌پاپن‌را رد واعلام نمود که درصورت واگذاری کلیه مقامات و وسایل فـرماندهی‌نیروهای‌آلمان بحزب نازی برای همکاری حاضراست، درنتیجه قطع‌مذاکرات‌مزبورهیتلر بیش‌ازپیش به‌مخالفت بافن‌پاپن کمربست. روز ۱۲ سپتامبرچون گورینگ‌معاون‌وهمکارصمیمی‌هیتلر که بریاست ریشتاگ‌انتخاب شده بود پیامی مبنی‌برابرازتنفرازحکومت فن پاپن برای مشارالیه فرستاد ، دولت باردیگر ریشتاگ را منحل ساخت و بین صدراعظم وفن گایل درباره حمایت ازدهقانان، اصلاح قانون انتخابات وایجاد یك مجلس عالـی جدید(نظیر سنا ـم .) تهیه زمینه برای وحدت بیشتر آلمان و برقراری رژیم سلطنت، قول وپیمانهائی ردوبدل‌شد.

درین‌موقع اقتصادآلمان باردیگر رو بـه‌انحطاط میرفت، تقلیل بهای محصولات کشاورزی‌و کاهش‌میزان‌تولیدات‌صنعتی (درسال۱۹۳۲میزان‌محصول‌چدن‌از۱۳٫٤میلیون تن که درسال۱۹۲۹ بود به ۳٫۹ میلیون تن ومحصول فولاد از۱٦٫۲ میلیون تن به ۷٫۵ میلیون تن رسید وتعداد کوره‌های‌مرتفعه ذوب‌آهن‌از۹۵ به ٤۲ تقلیل یافت)، عدم‌توازن صـادرات وواردات ، افزایش میزان کسر درآمد نسبت به هزینه دربودجـه مملکت و کاهش سریع ذخیره طلای بانك ودولت، ترقی‌عده بیکاران (که به ٦ میلیون‌نفررسیده بود)، جملگی نشانه وضع رقت بار اقتصادآلمان بود، طبقه تحصیل کـرده وروشنفکـر غالباً بیکاروبطور کلی نسل جوان نسبت بآینده خویش نگران وبدبین بودند . تدابیر دولت برای بهبود وضع مالی واقتصادی ازقبیل ایجاد کارهـای وسیع بـرای بیکاران

وقرضه داخلی ومعافیت بعضی طبقات ازمالیات ومانند آنها تأثیرفوری و قابل ملاحظه‌ای نبخشید. درین موقع که ازنفوذ وقدرت اصیلزادگان روستائی آلمان(یونکـرس[1])وطبقه نجیب‌زاده روستائی، که قشر اصلی ملت آلمان را تشکیل میدادند، کاسته میشد طبقات و احزاب افراطی نیز روبضعف میرفتند. کمونیستها از اعتصابات پی درپی وتکرارفرمولها و کلمات دیکته‌شده ازطرف سیاستهای‌خارجی وتلاش بیفایده‌خسته‌شده ونازیها ازامتناع هیتلر ازهمکاری بادولت ناراضی بودند و سیاست اورا ناشی از کثرت غروروخودپسندی وی میدانستند، صاحبان صنایع که حزب نازی را یك حزب سوسیالیست افـراطی و ناسیونالیست طرفدار پرولتاریا ودرعین‌حال دارای‌جنبه مبارزه منفی میشناختندوا کنون جهات تشابهی بین این‌حزب وحزب‌ناسیونال کمونیست(جبهه‌سیاه) اوتوشتراسرمییافتند از کمك‌مادی به‌نازی‌هاچشم‌پوشیدند. ازطرف دیگراحزاب‌سوسیال‌دمکرات واعتدالیون نیز بعلت‌تعلق‌خاطرشدیدبآداب‌وسنن‌قدیم وزندگی‌اشرافی، رویه‌مماشات‌وسازشکاری، بند وبستهای‌پارلمانی وتوطئه‌وشرکت‌دربحرانهای‌اقتصادی،خمودگی‌وبیحالی‌دراموراجتماعی دیگردرمیان مردم‌قرب ومنزلتی نداشتند. فن‌پاپن، عوامل‌مذکورووضع وحالت‌ریشتاگ راکه وقت خود را به‌پرحرفی ومنفی بافی می گذراند برای تثبیت مقام و ادامه حکومت خویش مفیدمیدانست.

درانتخابات جدیدریشتاگ (۶نوامبر۱۹۳۲)حزب‌نازی ازلحاظ تعداد رأی‌نسبت بانتخابات قبلی شکست خورد[1] وافزایش تعداد کرسیهای‌حزب کمونیست وضع دشواری

Junkers ، ازدیاد قدرت صنعتی در آلمان مانندسایرکشورهای مشابه‌آن، خواه و ناخواه ازارزش واهمیت اجتماعی طبقات زارع ومالك‌کاسته وبرارزش طبقه‌کارگرو نفوذ صاحبان صنایع افزوده بود—م.

۱ــ نتیجه انتخابات بدینقرار بود : حزب ناسیونال سوسیالیست(نازی) ۱۹۵، ناسیونالهای آلمان ۵۱، پوپولیست ۱۱، پوپولیست باویر ۱۸، جبهه‌اعتدالی مرکز ۷۰، سوسیال دموکرات ۱۲۱، کمیونیست ۱۰۰، متفرقه ۱۶ کرسی.

در ریشتاگ بوجود آوردواحزاب طرفداردولت باوجودحمایت مقامات دولتی فقط ۱۳ درصد آراء انتخاباتی را بدست آوردند . این انتخابات نموداری ازنارضایتی صاحبان صنایع واکثریت کارگران وتوده‌های شهرنشین ازدولت فن پاپن بود، معذلك وی که میخواست چنین بفهماند که تنها اوقادر باداره امور آلمان است و بتصور اینکه درصورت کناره گیری از کارمارشال هیندنبورگ مجدداً اورا بکاردعوت خواهد کرد ازصدارت استعفا کرد (۱۷ نوامبر ۱۹۳۲) ولی برخلاف انتظار فن پاپن، رئیس جمهوری ازانتخاب مجدد او بصدارت چشم پوشید وهیتلررا برای صدارت آلمان نامزد نمود .

رئیس جمهوری به هیتلرخاطرنشان کرد که یك کابینه پارلمانی (ازنمایندگان ریشتاگ) تشکیل دهد بشرط آنکه ماده ٤٨ قانون اساسی درباره حق تصویب لوایح قانونی برای ریاست جمهوری، بقوت خودباقی بماند ودر کابینه جدید **فن نورات**[1] به وزارت امورخارجه وشلیخر بوزارت جنگ منصوب ووضع سیاسی جدید پروس حفظ شود .

هیتلر بعذراینکه شرایط رئیس جمهوری با اصول حکومت قانونی وپارلمانی سازگار نیست ازقبول صدارت امتناع ورزید ودوستان اومانند دشمنانش معتقد شدند که هیتلر بهترین موقعیت مناسب راازدست داد . هیندنبورگ ژنرال شلیخررا بصدارت برگزید واوکابینه‌ای شبیه کابینه فن پاپن تشکیل داد (۳ دسامبر ۱۹۳۲).

کابینهٔ شلیخر

درکابینه شلیخر، صدارت وریاست کل ریشسوهرو کمیساریای دولت درپروس باخوداو ووزارت امورخارجه بافن نورات بود ووزارت دارائی به **شورین فن کروزیگ**[1] سپرده‌شد. شلیخر برای جلب موافقت احزاب مختلف بهریك ازآنها قولهائی داد. سوسیال دموکراتهارا مطمئن ساخت که از تقلیل دستمزدها وحقوق خودداری وضمن حفظ اساس جمهوریت تدابیرلازم بنفع کارگران

۱- Von Neurath ۲- Schwerin von krosigk

اتخاذ خواهد کرد . به‌احزاب میانه قول داد که تساوی‌حقوق بین‌المللی‌را برای آلمان در اروپاتأمین، ارتش‌را احیا وتقویت وبااجرای نقشهٔ برونینگ درباره اعطای‌مساعده‌و کمك به‌مالکین وزارعین آلمان شرقی(**اوست هیلفه**[۱]) برای‌مزروع کردن‌اراضی‌بایروضع‌مالی کشوررا‌ترمیم‌خواهدنمود بااین‌همه‌احزاب‌چپ‌باشلیخر مخالف واطرافیان‌رئیس‌جمهوری ازروش‌او ناراضی‌بودند .

شلیخر برای‌جلب‌همکاری‌حزب نازی‌بارهبر‌جناح‌چپ‌آن حزب، گر گورشتراسر وارد مذاکره‌شد وهیتلررا‌بهمکاری‌دعوت‌نمود ، هیتلرمردد ودرانتخابات محلی‌تورینگن تـاحدی شکست خورده بود . بحران وضع مالی حزب (۱۲میلیون مارك قرض داشت)و لزوم تقویت بنیه‌مادی هیتلررابچاره‌جوئی واداشت، گورینگ و**گوبلس**[۲]عده‌ای‌ازسران حزبی‌یعنی گر گورشتراسر،**گوتفرید فدر**[۳]و**فریك**[٤] را بارتباط محرمانه باشلیخر متهم ساختند، وی‌شتراسروفدرویکعده سی نفری ازافراد حزبی را ازحزب اخراج کرد ولی فریك باوامرهیتلر تسلیم گردید . درین موقع که حزب نازی درقدرت ونفوذ جناح چپ خود مستهلك میشدوهیتلردرفکر چاره‌بود بین‌او وفن‌پاپن درشهر کلن ملاقات‌محرمانه‌ای صورت گرفت (٤ژانویه۱۹۳۳)وطی آن‌ملاقات‌قرارشد که قروض حزب با کمك‌ودستیاری فن پاپن ویکنفرازبانکداران‌مشهوربنام **شرودر**[٥]پرداخته‌شود ، اندکی بعد هوگنبرگ نیز باهیتلر ائتلاف کرد وبدین ترتیب مخالفین دولت وصاحبان داعیه حکومت و قدرت طلبان، باوجود اختلاف‌سلیقه، بهم پیوستند .شلیخر که تقویت و تثبیت کابینه خود را فقط‌درانحلال‌ریشتاگ وتجدیدانتخابات‌میدانست ازرئیس‌جمهوری برای‌این‌اقدام‌استجازه کرد ، هیندنبورگ مخالفت ورزید وشلیخر، که ازمخالفت و کارشکنی رئیس جمهوری

۱- Ost- Hilfe ۲- Goebbls ۳- Gottfried Feder ٤- Frick
٥- Schroder

واطرافیان اوخسته و وامانده شده‌بود استعفا کرد (۲۸ژانویه۱۹۳۳) . فن‌پاپن بـه‌رئیس جمهوری چنین‌وانمود کرد که ریشسوهر ، بخصوص‌پادگان پوتسدام‌قصدداشت برلین را تصرف وشلیخر رابدیکتاتوری آلمان برقرار کند . رئیس جمهوری بدون‌هیچ قیدوشرطی هیتلررا مأمورتشکیل کابینه‌نمود واوعلیرغم هوگنبرگ بزودی‌انحلال‌مجلس‌را ازرئیس جمهوری خواستارشد .

فصل دوم- کابینهٔ هیتلر

۱۹۳۴-۱۹۳۳

هیتلر در مقام صدارت

روز ۳۰ ژانویه ۱۹۳۳، هیتلر دولت خودرا ازسه عضو نازی وعده‌ای از بارونها وسلت رهبر جبهه «کلاه فولادین» و هوگنبرگ از بزرگترین صاحبان صنایع سنگین تشکیل داد[1].

ترقی هیتلر مرهون رویه مبارزات مشروعی بود که وی بجای خرابکاری وعصیان وشورش انتخاب کرد. تبلیغات وروش سیاسی اودرمیان توده مردم که بوسیله مراجعات مکرر بآراء عمومی دائماً زیر نظارت هیتلر قرارداشتند کاملا مؤثر بود. علاوه برآن ضعف وانحطاط احزاب میانه وطبقات متوسط آلمان راه را برای پیشرفت مقاصد هیتلر بازوهموارنمود. در آن موقع چنین حدس زده میشد که درمیان ۶۵ میلیون جمعیت آلمان فقط ۱۰۰۰۰۰ نفر ثروتمند و ۴ میلیون نفرطبقه متوسط (آنهم متوسط کم سرمایه) ویك اکثریت ۶۰ میلیونی کم بضاعت ویا بی‌بضاعت وجود داشتند

---

۱ ــ نخستین کابینه هیتلر بدیقرار بود: صدراعظم (نخست وزیر)، هیتلر، معاون صدراعظم فن پاپن، وزارت کشاورزی هوگنبرگ، وزات امور خارجه فن نورات، جنگ فن بلومبرگ Von Blomberg، داخله فریك، دادگستری گورتنر Gurtner، کار سلت، دارائی شوریسن فن گروزیگ، هواپیمائی وکمیساریای پروس گورینگ.

واین وضع نتیجه منطقی جنگ و۱۵ سال سیاست حکومت ویماربود . طبقه سرمایه‌دار آلمان که یک زمان انحصار فلاحت وقسمت اعظم سرمایه کشور را داشت در اجتماع جدید آلمان مستهلك شده بود ودیگر نه سرمایه داشت و نه انحصارفلاحت وبدین‌ترتیب قدرت‌معنوی ونفوذمادی‌خودرا در کشورازدست‌داده بود.

عصرروز ۳۰ ژانویه طی تظاهرات باشکوهی، افراد حزب نازی ازتمام خیابانها و کوچه‌های برلین گذشتند وهنگام‌شب بامشعلهای فروزان بمراکز خود باز گشتند . روزاول فوریه ریشتاگ منحل وروز۵ مارس برای تجدید انتخابات تعیین گردید،هیتلر طی‌پیامی که درجراید انتشاریافت تأمین آزادی سیاسی و کوشش دراجرای برنامه مثبت اقتصادی واتخاذ سیاست استوارخارجی را وعده داد ولی درهمان زمان به تصفیه ادارات وسازمانهای کشوری‌ازعناصرمخالف‌دست‌زد. مأمورین‌عالیرتبه‌مجبورباستعفاشدند. مجلس ملی پروس (لاندتاگ[1]) منحل و آزادی جراید ومطبوعات واجتماعات محدود گردید، روز۲۲ فوریه، گورینگ دسته‌های جدیدی ازافراد حزب‌نازی وعده کمی ازافراد جبهه (کلاه فولادین) را برسازمان پلیس پروس افزود وروز۲٤ فوریه کلیه‌سازمانهای‌وابسته به حزب کمونیست، ببهانه کشف‌اسناد مهم خیانت سران آن‌حزب، بوسیله پلیس‌بازرسی شد وروز۲۵ فوریه پلیس اعلام نمود که بکشف توطئه‌ای بمنظورآتش زدن‌کاخ برلین موفق گردیده‌است سپس روز۲۷ فوریه حریق مهمی درمحل ریشتاگ روی داد و پلیس اعلام کرد که‌شخصی‌بنام**وان درلب**[2] ازهلندیهای مهاجررا درمحل‌حریق دستگیر نموده و وی وابسته به‌حزب کمونیست هلنداست[3]. هیتلر انتساب حریق ریشتاگ را به‌حزب

۱–Landtag نظیردیت‌هائی که‌درسایرممالك‌متحدآلمان‌وجودداشت–م. ۲–Van der Lubbe

۳– حریق ریشتاگ از حوادثی بود که حزب نازی بخصوص روهم‌و گورینگ‌بوجودآوردند تا برای اقدام برعلیه مخالفین خود مستمسکی بدست آورند.

کمونیست بهانه قرارداده مبارزه برعلیه آن حزب آغاز کرد، مصونیت پارلمانی از نمایندگان کمونیست سلب ، سازمانهای مربوط بآن حزب عملا منحل ومحاکمه واعدام سران و رهبران حزب مزبور بشدت تعقیب گردید .

حزب نازی درمبارزه انتخاباتی روز ۵ مارس ۱۹۳۳ احزاب چپ را بشدت کوبید واحزاب مزبور که جبهه واحد متحد دربرابر نازیها نداشتند شکست خوردند ، درنتیجه ٤٤درصد آراء را حزب نازی و ۸ درصد آنرا حزب ناسیونال (مؤتلف نازی) بدست آوردند ازاین تاریخ هیتلر که اکثریت آراء ریشتاگ را تحصیل نموده بود خود را ازپشتیبانی هیندنبورگ رئیس جمهوری بی نیازمیدید وروز ۱٤ مارس دکتر گوبلزرا بوزارت تبلیغات منصوب کرد .

گلیخ شالتورنگ[1] یا رهبری بسوی ناسیونال سوسیالیزم

هیتلر رهبری آلمان بسوی ناسیونال سوسیالیزم را آغاز نمود. دکتر شاخت که بیش از لوتر باین مسلک عقیده داشت بمدیریت کل ریشبانگ منصوب ولوتر مدیر بانک بسمت سفیر آلمان دراتازونی گماشته شدند . ریشتاگ روز ۲۱ مارس درپوتسدام اولین جلسه خودرا تشکیل داددرحالیکه تالارجلسه و کلیه راهروها واطراف ریشتاگ بوسیله افراد مسلح نازی محافظت میشد، گورینگ ۸۱ نماینده کمونیست و۹ نفر نماینده سوسیالیست را باتهام شرکت در حریق ریشتاگ بازداشت کرد و باین ترتیب اکثریت کامل طرفداران دولت درریشتاگ تامین گردید .

مجلس با اکثریت هنگفتی اختیارات کامل به هیتلرداد ودست اورا برای هر گونه عزل ونصب وتغییر سازمان وتجدید نظردر تشکیلات کشوری ولشکری باز گذاشت. نخستین

۱- Gleichschaltung

طبقه‌ای که پس از کمونیستها مورد تصفیه وتضییقات قرار گرفتند یهودیان آلمان بودند، احساسات ضد سامی (که یهودرا شامل است) حزب نازی روز اول آوریل ۱۹۳۳ مغازه‌های وابسته به یهود را مورد بایکوت[1] قرارداد و براثر تظاهرات افراد حزبی سایر مردم آلمان نیز برعلیه یهود تحریك شدند و کار بجائی رسید که دربعضی موارد مأمورین دولت برای حفظ جان یهود وجلوگیری ازافراط وزیاده روی مهاجمین مجبوربمداخله می‌شدند. در ممالك خارجی این اقدامات باتنفروانزجارتلقی گردید وهیتلر روز ۷ آوریل ناچار طی پیامی که بجرایدفرستاد موضوع واردآوردن تضییقات درموردیهودراتکذیب نمود وباپایان دادن به بایکوت یهود ظاهراً به مبارزه برعلیه آن قوم خاتمه بخشید. لیکن تظاهرات واقدامات ضد یهود همچنان ادامه یافت ،کارگران یهودی ازکاربرکناروارباب صنایع و بازرگانی یهود ازملکیت اموال ودارائی خود محروم شدند. عده یهود که دارای مشاغل آزاد بودند وشاید از ۲۵ تا ۸۵ درصد دارندگان مشاغل مزبور را تشکیل میدادند به ۱٫۵ درصد تقلیل یافت ، دانشمندان وهنرمندان یهودازطبقات مختلف مجبور به مهاجرت ازآلمان شدند وازجمله ۴۰ هزارنفربه فرانسه پناه بردند. جبران اخراج یهود وتهیه جانشین برای آنان کارچندان آسانی نبود، هنگامیکه **یولیوس شتریخر**[2] رئیس حزب نازی ایالت **فرانکونی**[3] باشدت باقدامات ضد یهود ادامه میداد دکترشاخت بسیاست

۱ – Boycot اصطلاحی است که برای تحریم معامله ومعاشرت با اشخاص بکاربرده میشود، نخستین بار مردم استقلال طلب ایرلند این نوع تحریم را در باره یك افسر انگلیسی بنام Boycot بکار بستند وازآنزمان بایکوت کردن(Boycottage یا Boycotter) درفرانسه وسایر زبانهای اروپائی معمول گردید – م.

۲ – Julius Streicher ۳- Franconie

دولت درین باب اعتراض می کرد زیرا اغلب بانکداران بزرگ جهان که بیشتر آنان یهودی بودند معاملات خود را با بانك آلمان قطع کردند، معذالك تظاهر به ضدیت با یهود همچنان وسیله مباهات وسرفرازی افراد درمیان مردم شمرده میشد .

سرکوبی احزاب دست چپ ادامه داشت، غالب سران سوسیالیست و کمونیست زندانی وازوزرای سابق ، برون، کسلر، سورینگ بمحاکمه دعوت شدند ، ادارات جراید وچاپخانه های وابسته باحزاب چپ غارت وویران گردید ، هیتلر برای منکوب کردن رجال سیاسی وابسته باحزاب میانه (اعتدالیون) نیز درپی بهانه می گشت . روز ۲۳ مارس **دکتر گرك**[۱] ناسیونالیست ووزیر سابق کاربجرم آنکه قبل از تصدی مقام وزارت دچار انحرافاتی ازعقاید کلی نازیها گردیده بوددستگیر وزندانی شد. روز ۳۰ مارس لیدر فراکسیون ناسیونالیست در ریشتاگ بنام **اوبرفوهرن**[۲] توقیف گردیدوچون آزاد شد خودکشی کرد.

دکتر اسر[۳] نایب رئیس سابق ریشتاگ و نیز یکی ازسران جبهه (کلاه فولادین) بازداشت شدندو کمی بعد سلت مؤسس اشتالهلم[٤] برای رهائی خود ازتوقیف وزندان به حزب نازی پیوست ومعاون خود کلنل **دوستربرگ**[٥] رابداشتن خون یهودی متهم کرد و بدین ترتیب کلیه سازمانهای وابسته به جبهه (کلاه فولادین) پاسداران سنن قدیم نظامی آلمان دربرابر قدرت طرفداران هیتلر نابود شدند .

روز اول ماه مه بمناسبت جشن بین المللی کارگری قریب یك میلون نفر کارگر بدستور هیتلر درتمپلهوف[٦] گردآمدند، این کارگران پس ازانحلال سندیکاهای کارگران دست چپ بتدریج بعضویت اتحادیه های نازی درآمده بودند. روز ۱۰ مه دریکی ازمیدانهای بزرك برلین مراسم کتاب سوزی برپا ودرحدود ۲۰ هزارجلد کتب مختلف که ازنظر

۱- Gereke ۲- Oberfohren ۳- Esser ٤ - به صفحات قبلی از بخش دوم (آلمان) مراجعه شود. ٥- Dusterberg ٦- Tempelhof

مقامات ناسیونال سوسیالیست مشکوك بنظر آمده بود سوخته شد . روز ۲۷ مه بیادبود **شلاگتر**[۱] افسرسابق ارتش آلمان که درحین جنگ بجرم خارج ساختن یك قطارمتفقین ازخط درناحیه روهر بوسیله آنان تیرباران‌شده‌بود تظاهرات باشکوهی درپایتخت‌صورت گرفت. از ۱۵ماه مه حزب سوسیال دموکرات منحل و کلیه دارائی واموال آن حزب مصادره گردید(۲۳ژوئن) . ازروز ۲۱ ژوئن سازمانهای حزب ناسیونال آلمان‌مورد بازجوئی قرار گرفت ونیزافراد سلطنت‌طلب طرفدار فن بیسمارك که پیراهن سبزمی‌پوشیدند مورد حمله وضرب وجرح‌قرار گرفته عده‌ای‌از آنان کشته‌شدندوازروز ۲۲ژوئن کلیه سازمانهای ناسیونالیست که افراد آنها دارای اونیفورم مخصوص بودند منحل شدند . هوگنبرگ وزیر کشاورزی روز ۲۷ ژوئن ازکاربرکناروحزب ناسیونالیست وابسته باو بلافاصله منحل و با تغییر و تبدیل چندتن از وزرا وکارکنان عالیرتبه دولت ، کابینه ترمیم گردید .

چون دبیرخانه حزب‌کاتولیك که ریاست‌آن ازمگرکاس به برونینگ انتقال یافته بود مورد بازجوئی افراد S.A نازی قرار گرفت، حزب مزبورنیزخود بخود منحل شد و بدین ترتیب تنها حزب ناسیونال سوسیالیست (نازی) باقی ماند وصمیمانه از دولت‌پشتیبانی‌می کرد (۲۲ ژوئن) سازمانهاواتحادیه‌های‌صنعتی‌وکارگری نیزمستقیماً زیر نظارت کمیساریاهای نازی قرار گرفتند و بتدریج این نظارت درباشگاهها ومؤسسات ورزشی وفرهنگی وسازمانهای‌دانش‌آموزان ودانشجویان مدارس نیز بسط یافت . دربارهٔ سینماهاونمایشگاهها، رادیو ومطبوعات سانسورشدید برقرار گردیدوتوده‌های انبوه‌هیزم درسوختن کتابها و کتابخانه‌هائی که وجودآنها منافی با مصالح حزب نازی تشخیص گردیده بود مصرف‌شد، مال‌وجان وشرف مخالفین رژیم نازی ازهرصنف وطبقه مورد

---

۱ - Schlageter

تهدید شدید قرار گرفت وعده زیادی از آنان دستگیر و به اردوگاههای کار اجباری اعزام و عده‌ای نیز کشته شدند . سلطه نازی چنان بسط یافت وچنان رعب وهراسی در دلها جای گرفت که هر گونه مقاومت بیهوده بنظر می آمد .

چون سیاست هیتلر در رهبری آلمان بسوی ناسیونال سوسیالیسم علاوه بر تصفیه دامنه‌داری که انجام گرفت متضمن توحید ممالک مختلفه آلمان و ایجاد وحدت آلمان کبیر بود، ازماه مارس ۱۹۳۳ ببعد کمیساریاهای دولت مرکزی آلمان به پایتختهای **باویر** ، **هسن** (هس)، **وورتمبرگ وساکسن** (ساکس) ومانند آنها اعزام شدند وسلطه دولت مرکزی را در آن نواحی برقرار ساختند، نمایندگی سیاسی دولت باویر در پایتختهای ممالک جهان حذف گردید وسرانجام بموجب قانون مورخ ۷ آوریل کلیه اختیارات قوه مجریه در هریك از ممالک تابعه آلمان بیکنفر فرماندار کل اعزامی ازطرف فوهرر (بمعنی پیشوا که لقب جدید هیتلر بود) محول گردید[1] وفرمانداران با اختیارات نامحدود اوامر وفرامین پیشوا را در قلمرو حکومت خود اجرا می کردند . روز ۳۱ مارس پارلمانهای محلی ممالک تابعه منحل وبنابر سنت ومشی سیاسی جدید در تجدید انتخاب پارلمانهای مزبور اعضای حزب کمونیست ازمجالس مقننه وهمچنین از انجمنهای ایالتی و ولایتی بکلی رانده شدند .

روز ۳۰ اوت، هیتلر در کنگره حزب ناسیونال سوسیالیست در نورنبرگ آغاز ریش

۱ــ این فرمانداران را اشتاتهالتر Statthalter می‌خواندند ومنظور هیتلر از اتخاذ سیاست اداری جدید از بین بردن کلیه آثار فئودالیته ومبارزه باتجزیه طلبی و بالاخره ایجاد وحدت سیاسی واقتصادی واقعی بین ممالک مختلفه آلمان بود ــم.

سوم (امپراطوری سوم آلمان) را اعلام نمود[1] وبـرای اینکه بمردم آلمان فـرصت اظهار نظر در باره رژیم جدید داده باشد تصمیم بـانحلال ریشتاك و کلیه پـارلمانهای محلی گرفت و روز ۱۲ نوامبر را بـرای انتخابات جدید و مـراجعه بآراء عمومی تعیین کرد.

سیاست خارجی ریش سوم و مسئله وحدت آلمان

سیاست خارجی هیتلر طبق آنچه در کتاب «جهادمن» تصریح کرده بود برالغای معاهدات ورسای وتساوی کامل بین آلمان وسایـر ممالك درتجدید سلاحها وتجهیزات جنگی، توحید کلیه ممالك آلمانی وسپس بسط آلمان ازجانب جنوب و مشرق بوسیله عقد قرارداد وهمکاری با ایتالیا وانگلستان استوار بـود ودرینصورت فرانسه درمعرض تهدید شدید ونابودی قرارمیگرفت ولی هیتلر درنطقهای خود تمایل به صلح ومسالمت نسبت بفرانسه را مکررا برازورروز ۱۷مه ضمن نطق خود ازصلح جهان طرفداری نمود . روز ٤مه قرارداد مودت آلمان وشوروی منعقده درسال سال ۱۹۲٦ تمدید و روز ۲۰ ژوییه ۱۹۳۳ موافقتنامه‌ای بین آلمان و دربار پاپ امضاشد .

هنگامیکه فرانسه وانگلیس نسبت به پرواز هواپیماهای آلمان برفراز سرحدات اطریش وحملات شدید رادیوی آلمان به **دلفوس**[2] صدراعظم اطریش اعتراض کردند فن نورات وزیرامورخارجه آلمان باعتراضات آنان وقعی نگذاشت، درخواست هیئت نمایندگی آلمان در کنفرانس خلع سلاح ژنو مبنی برشناسائی حقوق متساوی در مورد تسلیحات

۲ــ امپراطوری عظیم شارلمانی رادردوره قرون وسطی آلمانها ریش اول (امپراطوری اول) وآلمان واحد را که به تدبیر بیسمارك صدراعظم آن کشور درسال ۱۸۷۱ پس ازیك سلسله جنك بادانمارك واطریش وفرانسه بوجود آمد ریش دوم می‌خوانند ــ م.

۱- Dollfus

وتجهیزات جنگی برای آلمان چون بامخالفت نمایندگان متفقین مواجه شد هئیت آلمانی کنفرانس را ترك کردند وسپس آلمان ازعضویت جامعه ملل کناره گیری نمود (۱۴ اکتبر) واین عمل سریع وناگهانی آلمان اولین نشانه سیاست آلمان جدید یعنی همان سیاستی بود که بعدها به سیاست «دربرابرعمل انجام شده قراردادن» تعبیر گردید.

نتیجه مراجعه بآراء عمومی وانتخابات ریشتاگ که در ۱۲ نوامبر ۱۹۳۳ بعمل آمد ونشانه ترقی حیرت انگیز حزب نازی بود ازاینقرار بود: تعداد رای دهنده ۴۳۴۶۴۴۲۰، موافق بارژیم تازه ۴۰۱۸۹۱۴۷ (۹۳٫۴ درصد مجموع آراء) مخالف ۲۰۵۵۳۶۳ ممتنع ۷۹۰۹۱۰ .درانتخابات ریشتاگ از ۴۳۰۰۸۵۸۷ رأی، حزب نازی ۳۹۶۵۵۲۸۸ رأی (۹۲ درصد) بدست آورددرحالیکه تعداد آراءاین حزب درانتخابات سال ۱۹۲۸ فقط ۹٫۲ درصد آراء انتخاباتی بود.

ریشتاگ که اکثریت مطلقه آن بانمایندگان حزب نازی بودروز ۳۰ ژانویه ۱۹۳۴ بدون بحث و گفتگوقانونی تصویب نمود که بموجب آن حق هر گونه اصلاح وتغییر رژیم وتهیه وتدوین قوانین بدون مراجعه به قوه مقننه به رئیس دولت (پیشوا) واگذار گردیدونتیجه نهائی این اعطای اختیارات عبارت بود ازانحلال کامل حکومتها وپارلمانهای محلی ممالك تابعه وانحلال شورای اتحادیه (مجلس مرکب ازنمایندگان دولتهای مختلفه آلمان بنام ریشسرات[1]) و برقراری اصول جدید و تساوی برای ملیت و تابعیت کلیه افراد آلمانی. فرمانداران کل بنمایندگی پیشوا درسراسر آلمان تنها مقام مسئول ودارای اختیارات اجرائی شمرده می‌شدند وطرح جدید برای تقسیمات کشوری وسازمانهای مربوط بآن تهیه گردید.

درطی تظاهراتی که بمناسبت هفتاد وپنجمین سال تولد ویلهلم دوم امپراطورسابق

---

۱ - Reichsrat

آلمان صورت گرفت هیتلر طی نطقی مخالفت خودرا باباز گشت خاندان **هوهنتسولرن**[1] بسلطنت وباهر گونه افکاروتمایلات سلطنت خواهی ابـراز و کلیه سازمانهای سلطنت طلب را منحل شده اعلام نمود و درین موقع که فقط حزب نازی بـرجای مـانده بـود بتدریج لزوم تصفیه درحزب مزبورنیزاحساس میشد

اختلاف سلیقه ونارضایتی در حزب نازی بتدریج رخنه یافته بود،

۳۰ژوئن ۱۹۳۴ جناح چپ حزب به‌سوسیالیسم بیش از ناسیونالیسم ابرازتمایل می کرد وازطرف دیگرپاره‌ای ازسران حزب‌مانند فن‌پاپن‌وامثال اوبا سیاست هیتلروجناح راست حزب نازی ورویه افراطی پیشواو گوبلزو گورینگ در تصفیه نژادی مخالف بودند ودرمیان افراد ارتش ونیروهای انتظامی نیز کـم وبیش عدم رضایت ظاهرشده بود. هیتلر سازمان‌پلیس آلمان را منحل و کلیه نیروهای‌انتظامی پلیس را درسازمان جدید بنام گشتاپو [2] متمرکزساخت، و ریاست آنرا به هیملر[3] فرمانـده گروه حمله حزب نازی سپرد وداد گاه جدیدی برای مجازات جنایتکاران بوجود آورد .

روز ۳۰ ژوئن ۱۹۳٤ ، هیتلرباهواپیما بمونیخ رفت و بدستور او هفت نفرازسران گروه حمله مانند روهم، هاین[4] ارنست وامثال آنان که ازدوستان قدیم پیشوا بودند و کسان دیگری مانند کوسنر[5] وپروبس[6] و گرو گرشتراسر و فن کارو کاپیتن ارنهارت و امثال آنان اعدام‌شدند . دربرلین‌ژنرال شلیخر وهمسرش بقتل رسیدند وفن پاپن دستگیر شد .

۱- Hohenzollern ۲- Gestapo (علامت اختصاری Geheime Staats Polizei)
یعنی پلیس مخفی دولتی است- م.

۳- Himmler ٤- Hayn ٥- Kausener ٦- Probs

روزسوم ژوییه فن پاپن با وساطت هیندنبورگ رئیس جمهوری آلمان اززندان نجات یافت وروز ۱۳ ژوییه هیتلر طی نطقی که دریشتاگ ایراد نمود ازانحراف وخیانت بعضی از سران حزب نازی واقدام سریع دولت خود در کشف توطئه ومجازات خائنین سخن راند وعده محکومین باعدام را ۷۷ نفر اعلام کرد و حال آنکه متجاوز بر ۱۲۰۰ نفر نابود شده بودند ، ریشتاگ اقدامات دولت را تأیید و فن بلومبرگ بنام ارتش از خدمات پیشوا قدردانی کرد .

روز ۲۵ ژوییه، **دولفوس**[۱] صدراعظم اطریش درویننه بدست نازیها که **پلانتا**[۲] آنانرا رهبری می کرد کشته شدودوروز بعدفن پاپن باسمت سفارت فوق العاده بوینه اعزام گردید. تا پایان این سال، عمل تصفیه با توقیف وتبعید واعدامهای پی درپی درسراسر آلمان ادامه یافت وچندین توطئه درداخله ریشسوهر کشف وخنثی گردید . گروههای حمله نیزمشمول تصفیه قرار گرفتندوعده افراد گروه از ۲۵۰۰۰۰۰ نفر به ۷۰۰۰۰۰ تقلیل یافت .

فعالیت سیاسی و اقتصادی

علیرغم اغتشاشات داخلی، فعالیت آلمان درسیاست خارجی قابل قابل ملاحظه بود، قرارداد عدم تهاجم مورخ ۲۶ ژانویه ۱۹۳۴ بین آلمان ولهستان اضطراب ونگرانی دول اروپائی را ازلحاظ موضوع دالان دانتسیگ برطرف ساخت خاصه که روابط دوستانه این دو کشور یکرشته قراردادهای اقتصادی وتجارتی وخودداری ازجنگ اعصاب وتبدیل نمایندگی دو کشور بسفارت کبری درخاك یکدیگر ومسافرت گورینگ و گوبلز بلهستان وبازدید کلنل **بك**[۳] وزیر امورخارجه لهستان از آلمان ورجال آلمانی روز بروز محکمتر گردید .

مسافرت ایدن به برلین در ۲۰ فوریه ۱۹۳۴ ومسافرت فن ریبن تروپ بنمایندگی ازطرف پیشوا به لندن درتاریخ ۹ مه وملاقات پیشوا با موسولینی درونتسیا[۴] از ۱۴ تا ۱۶ ژوئن از مسائل قابل توجه بود، آلمان درهمان حال که برای بسط نفوذ سیاسی خود در بالکان

۱ - Dollfus ۲ - Planetta ۳ - C. Beck ۴ - Venezia (و نیز بندر ایتالیادرشمال غربی دریای آدریاتیك ـ م).

و تحریك غرور ملی مردم مجارستان می کوشید یکرشته قرار دادهای جدید تجارتی واقتصادی با غالب ممالك دنیا منعقد ویا درقراردادهای گذشته تجدید نظر نمود .

اصلاحات اقتصادی آلمان برخلاف اصلاحات سیاسی چندان آسان نبود، زیرا تئوریهای اقتصادی حزب نازی درباره اصلاحات وسیع اقتصادی ازقبیل حذف ربح وتنزیل پول و بورس معاملات ارضی ومالیات اراضی مزروع وملی کردن مؤسسات تجارتی عمومی ونظایر آنها بعلل مختلف و از آنجمله احتیاجات مالی دولت برای تسلیحات وتقویت ارتش و مانند آن و نیز رویه ضد سوسیالیستی دکتر شاخت متخصص اقتصادی آلمان بتدریج متروك شده بود .

اصالت کار بوسیله آگهیها وخطابه‌ها ونشریات متعدد مورد تأیید دولت قرار گرفت و برای کارگران جبهه کار که از ۱۱مه ۱۹۳۳ برهبری دکتر لی [۱] تأسیس شده بود و کشاورزان که از ۱۳ سپتامبر ۱۹۳۳ متشکل شده بودند روز ۱۶ ژانویه ۱۹۳٤ قانون جدید کار براساس تعاون واشتراك درمنافع تدوین گردید . روز اول ماه مه برای جشن کار و کارگران انتخاب و یکشنبه رویس کار اجباری شش ماهه برقرار گردید. بموجب مقررات مصوب ۱۹۳۵ اتحادیه‌های کارفرمایان منحل ودرجبهه کار متشکل وتهدید کارگران به تعطیل کارخانه ازطرف کارفرما مطلقاً ممنوع شد، جبهه‌ای بعنوان جبهه کار آلمان درممالك بیگانه بریاست **ارنست فن بول** [۲] تأسیس وبرنامه وسیعی برای مزروع کردن اراضی بایر وخشکاندن باطلاقها وراهسازی ومانند آنها بمرحله اجرا گذاشته شد. صنایع جنگی آلمان توسعه کافی بهمرسانید وعده بیکاران که درژانویه ۱۹۳۳ بالغ بر ٦ میلیون نفربود در دسامبر ۱۹۳٤ به ۲٫٦ میلیون نفر تقلیل یافت و سازمانهای جدیدی برای کمك به بیکاران بخصوص در زمستان بوجود آمد .

درامور کشاورزی بوسیله **دار** [۳] وزیر کشاورزی اصلاحاتی بعمل آمد وازجمله اصول تعاون وحصه خانواده [٤] وسیستم وراثت در مالکیت اراضی برای زارعین اختیار ومقرر شد

۱- Dr Ley ۲- Ernst Von Bohl ۳- Darre ٤- بهر خانواده زارع مقدار معین زمین داده میشد وحصه خانواده غیرقابل تقسیم وانتقال ومالکیت آن خانواده موروثی ودائمی بود.

که بعدازمرگ هرزارع ارشد اولاد او که قادربانجام امورفلاحتی باشد قائم‌مقام پدر در زمین مزروعی گردد ولی این طریقه که تاحدی ازمبادله آزاد کالا ومحصولات فلاحتی برای زارعین میکاست چندان مورد رضایت این طبقه واقع نشد .

صنایع آلمان با سرعت رو به ترقی گذاشته بود ولی احتیاجات مالی وارزی آلمان روزبروزبیشترمیشد. تصمیمات دولت آلمان وازجمله قانون مورخ۹ ژوئن ۱۹۳۳ درباره ممنوعیت انتقال پول وتمدیدمهلت پرداخت‌های ارزی بیش ازفرانسه برای‌ممالك متحده امریکا وانگلستان‌زیان‌آوربود ولی‌دولت آلمان درهمان‌حال ازهر گونه‌استقراض خارجی خودداری می کرد تا اقتصاد خود را نیرومند وبی‌نیازقلمداد کند .

فصل سوم .. زمامداری هیتلر

اوت ۱۹۳٤ـ آوریل ۱۹٤٥

هیندنبورگ روز دوم اوت ۱۹۳٤ درسن ۸۳ سالگی درمقر ریاست جانشین **هیندنبورگ** جمهوردی در **نودك**[۱] وفات یافت وهمان روز بموجب فرمان هیتلر، سیستم حکومت ویمارمنحل وصدارت و ریاست جمهوری آلمان هردو دردست هیتلر متمرکز ومقررشد که روز ۱۹ اوت درباره عمل انجام شده جدید بآراء عمومی ملت آلمان مراجعه شود. جنازهٔ هیندنبورگ پس ازدوروز عزاداری طی تشریفات باشکوهی در **تانبرگ**[۲] بخاك سپرده شد وارتش ونیروی دریائی آلمان به هیتلر که لقب **ریشس فوهرر**[۳] گرفته بودسوگندوفاداری یاد کردند ودکترشاخت بوزارت اقتصادملی منصوب گردید .

روز ۱۹ اوت پس ازیك سلسله تبلیغات دامنه‌دارمراجعه بآراء عمومی انجام گرفت

---

۱ – Neudeck ۲ – Tannenberg ۳ – Reichsfuhrer (پیشوای امپراطوری).

و از ۴۳۵۲۹۷۱۰ نفر رای دهنده ۳۸۶۳۲۷۶۰ نفر به رژیم جدید رای موافق دادند روز ٤ سپتامبر کنگره ناسیونال سوسیالیست باشکوه بسیار وجمعیت انبوه ازطبقات مختلف افتتاح شد ولی هنوزتمامی افراد ملت آلمان پشتیبان هیتلر نبودند وعدم رضایت از سیاست او بخصوص ازجنبه دینی درمیان ملت آلمان وجود داشت .

هیتلر و پرتستانها

هیتلر که ازآغازتشکیل دولت خود پیوسته درصدد دخالت در امورمذهبی وایجادوحدت وهماهنگی درسازمانهای پرتستان آلمان بود **مولر**[۱] یکی ازاسقفهای آلمان را برای انجام این منظورانتخاب نموده وباووعده داده بود که پس ازتصفیه کلیساها وتشکیل سازمان جدید مذهبی او را بمقام اسقفی اعظم یعنی بزرگترین مقام روحانی امپراطوری آلمان منصوب خواهد کرد ولی علیرغم هیتلر مجمع عمومی کشیشان پروتستان آلمان اسقف دیگری بنام **بودلشوینگ**[۲] را که باهر گونه مداخله دولت درامورمذهبی مخالف بودبآنمقام برگزیدند دولت برفشارخود نسبت به طبقه روحانی افزود وسرانجام باتمهید مقدماتی اکثریت کشیشان را باسیاست رفورم درمذهب و«ایجادمسیحیت مخصوص آلمان» همراساخت ودر مجمع روحانیون مورخ ۱۱ژوییه ۱۹۳۳ مولر بمقام اسقفی پروس انتخاب ودرسپتامبر همان سال بسمت اسقف اعظم امپراطوری منصوب گردید .

مولر طرفدارتوحید سیاست ومذهب ومداخله دولت درامور دینی بودوشخصاً درجشن ها وتشریفات غیرمذهبی حضورمی یافت . براثر رویه مولر وانتشار عقاید او که ازجمله رها کردن انجیل کتاب مقدس مسیحیان بود ازطرفی برمخالفت محافل روحانی بادولت واز طرف دیگربرفشاردولت نسبت بمحافل روحانی افزوده شد . **ژاگر**[۳] مشاور حقوقی سازمان

۱- Muller ۲- Bodelschwingh ۳- Jaeger

«کلیسای ملی آلمان» بکمك گشتاپو عده‌زیادی از روحانیون پرتستان را تهدید یادستگیر و باردو گاههای کار اجباری روانه ساخت وبدستور او **کارل بارت**[1] مشهورترین عالم وحکیم روحانی آلمان از آن کشور تبعید شد ودرخارج از وطن خود نهضت مخالف دسته‌های روحانی را اداره می کرد .

روز ۲۰ اکتبر ۱۹۳٤ مجمعی از کشیشان پروتستان در کوی **داهلم**[2] درحوالی برلین تشکیل گردید ودربرابر کلیسای ملی آلمان کلیسای قدیم پروتستان را احیا و **نیه‌مولر**[3] را بریاست انتخاب و وی کلیه روحانیون آلمانی را بمقاومت دربرابر دولت هیتلر دعوت نمود . این اقدامات هیتلر را بر آن داشت که تاحدی سیاست خود را تعدیل کند . درماه اکتبر ژاگرعده‌ای ازروحانیون طرفدار سیاست جدید را از کار بر کنار ساخت و بجای مولر، اسقف اعظم، یك کمیسیون عهده‌دار انجام وظایف او گردید و **کرل**[4] بمقام وزارت امور دینی منصوب شد .

دولت بمناسبت نزدیك شدن تاریخ مراجعه بآراء عمومی درناحیه زار (سار)[5] در صدد بود که تا حدامکان تمایلات طبقه روحانی را رعایت کند ولی، چون اکثریت روحانیون ازسازش با دولت امتناع ورزیدند، دولت دست با قدامات شدیدی زد ، درمارس ۱۹۳۵، درپروس ۵۳۰ نفر کشیش توقیف شدند ودرماه اوت سازمان مذهبی شلزین[6] بوسیله پلیس منحل گردید. روز ۳۰ اکتبر ۱۹۳۵ بدستور دولت، شورای مذهبی جدیدی بوجود آمد تا اختلافات دینی را برطرف ومنظور دولت را ازتوحید عقاید دینی وایجاد تشکیلات واحد

۱- Karl Barth ۲- Dahlem ۳- Niemoller ٤- Kerrl.

۵ - Sarre روز ۱۳ ژانویه ۱۹۳۵ تاریخ مراجعه بآراء عمومی درسار تعیین شده بود. ٦- شلزین یاسیلزی Silesie قسمتی ازمنطقه جنوب شرقی آلمان -م.

مذهب مخصوص آلمان انجام دهد. درحقیقت سازمانهای مذهبی پرتستان مانند سازمانهای سیاسی مخالف دولت روبزوال گذاشت ومدارس و جرایدو تأسیسات وابسته بسازمانهای مزبورتعطیل گردید .

هیتلر و کاتولیکها

با آنکه در ۲۰ ژویه ۱۹۳۳ با کوشش فن پاپن موافقتنامه‌ای بین آلمان ودرباریاپ درواتیکان درباره اقلیت کاتولیك آلمان بامضا رسیده واصولا کاتولیکها هیچگونه جنبه مخالفی نسبت بدولت نشان نداده بودند ، ولی پاره‌ای اززعمای دولت مایل بودند که بعقیدهٔ خود با رفورم در مذهب کاتولیك که اساس آن برمظلومیت عیسی ومصلوب شدن اوقرارداشت یك مسیح قهرمان برای ملت آلمان بسازند وآئین کاتولیك را بصورتی دربیاورند که دارای جنبه ملی و قهرمانی ومتناسب باشئون وحیثیات ملت بیداروزنده آلمان باشد . این افکارتازه جامعه روحانی کاتولیك آلمان‌را بمخالفت برانگیخت بخصوص که طرفداران اصلاحات مذهبی، پاپ را یکنفرجادوگروتشریفات آئین کاتولیك را نظیراعمال ونیرنگهای شعبده بازان میدانستند .

هیتلر برای وارد ساختن فشار بجامعه کاتولیك درب مدارس را برروی اطفال آنان بست، سازمانهای نیمه‌نظامی ناسیونال‌سوسیالیست وسازمانهای مخالف دیانت کاتولیك را جایگزین سازمانهای جوانان کاتولیك ساخت، کشیشان کاتولیك‌راازنقل وانتقال سرمایه وارزبخارج کشورممنوع وبدین بهانه وبهانه‌های دیگرعده زیادی از آنان را دستگیر و زندانی کرد . انتصاب **گرل** بوزارت اموردینی وتدبیر اوبرای ایجادآرامش وجلوگیری‌از تشنجات درمحافل مذهبی‌مؤثر نیفتاد ومخالفت کاتولیکها بخصوص بعد ازتصمیم دولت به عقیم ساختن مردان علیل وناسالم ، بدان علت که‌این عمل‌را مخالف شرع مسیحیت و

منافی با حریت و آزادی و خلاف وجدان میدانستند روزبروزافزایش یافت .

قانون عقیم ساختن مردان علیل ومبتلا بامراض ارثی مصوب ۱۴ ژوییه ۱۹۳۳ از روزاول ژانویه ۱۹۳۴ بوسیله ۱۷۰۰۰ سازمان اصلاح نژاد انسانی درسراسرآلمان بموقع اجرا گذاشته شد ودراندك مدتی ۵۶۲۴۴ عمل جراحی بمنظوراصلاح نسل آینده آلمان درمورد مردانی که آنانرا قابل تولید نسل تشخیص نداده بودند انجام گرفت . بطورکلی درسال ۱۹۳۴ نیزمانند سال قبل سیاست رفورم واصلاحات هیتلری درآلمان پیش میرفت ودرآغاز سال جدید طبق قوانین مصوب ۲۴ و ۳۰ ژانویه ۱۹۳۵ عنوان کشورهای متحده آلمان منسوخ وممالك تابعه آلمان به ایالات تبدیل ومقام فرمانروائی ممالك تابعه به فرمانداری مبدل گردید .

مراجعه بآراء عمومی در سار

روز ۱۳ ژانویه ۱۹۳۵ میبایستی درزار (سار) درباره بازگشت آن ناحیه بآلمان یاالحاق به فرانسه ویا خود مختاری آن ایالت بآراء عمومی مراجعه شود . برای جلوگیری ازهرگونه اشکالاتی طی موافقتنامه مورخ ۳ دسامبر ۱۹۳۴ که دررم بامضا رسید آلمان معتهد شد که درصورت الحاق زاربآن کشورحق مالکیت فرانسه را نسبت بمعادن زار محفوظ داردوخودحق داشته باشد که معادن مزبور را به بهای ۹۰۰ میلیون فرانك ازفرانسه خریداری وآن وجه را که ۹۵ در صدآن اسکناسهای فرانك فرانسه وقابل استرداد درزار باشد درمدت ۵ سال بفرانسه بپردازد . برای حفظ آرامش وامنیت زاردرایام مراجعه بآراء عمومی طبق تصمیم جامعه ملل واحدهائی ازسربازان کشورهای بیطرف مانند سویس و هلند وسوئد ونروژودانمارك وایتالیا آن ناحیه را اشغال کردند وسرانجام نتیجه مراجعه

بآراء عمومی درروزمقرر بنفع آلمان و عبارت بود از۹۰ر۳۶ در صد آراء (۴۷۷۱۱۹ رأی) موافق باز گشت زار بآلمان و۸ر۸۱ درصد(۴۶۵۱۳ رأی) خود مختاری وفقط ۰/۴ درصد (۲۱۲۴ رأی) موافق باالحاق بفرانسه .

باز گشت رسمی زار بآلمان روزاول ماه مارس ۱۹۳۵ انجام پذیرفت وروز۷ آوریل آن سال انتخابات درایالت دانتسیگ بعمل آمدواز۷۲ کرسی متعلق به آن ناحیه۴۴ کرسی را نازیها بدست آوردند .

برقراری مجدد نظام وظیفه

روز۱۴ فوریه۱۹۳۵ دولت آلمان اعلام نمود که مایل است پیمان جدیدی درباره هواپیمائی بافرانسه وسایرممالك اروپائی ببندد و ضمن آن پیمان حق احیای نیروی هوائی را که طبق پیمان ورسای ازدست داده بود مجدداً بدست آورد . روز۱۶ مارس آن سال مجلس فرانسه قانون دوسال خدمت زیرپرچم راتصویب ودرهمان روزهیتلر برقراری مجدد نظام وظیفه را رسماً اعلام وچنان وانمود کرد که عمل وی عکس العمل فرانسه وتجدید تسلیحات درروسیه شوروی است. طبق قانون جدید که روز۲۱مه بتصویب ریشتاگ رسید واز۷ اکتبر بمرحله اجرا درآمد، تسلیحات و تجهیزات آلمان الزامی وتشکیل۳۶سپاه مجهز پیش بینی شد وآکادمی آلمان مجدداً افتتاح وآماده کار گردید .

فرانسه و انگلیس و بلژیك و ممالك دیگر، جامعه ملل را بر آن داشتند که روز ۱۷ آوریل قطعنامه‌ای دررد تسلیحات وتجهیزات آلمان صادر کند ولی **سرجان سیمون**[1] ومستر ایدن علیرغم تصمیم جامعه ملل روز۲۴ مارس باهیتلر ملاقات کردند وروز۱۸ ژوئن دولت انگلیس بدون اطلاع جامعه ملل پیمانی با آلمان منعقد ساخت وبموجب آن

۱- Sir John Simon

موافقت نمود که آلمان ظرفیت ناوگان خود را تا ۳۵ درصد مجموع ظرفیت ناوگان انگلستان ترقی دهد. باآنکه هیتلر مکرر باموضوع امنیت دسته جمعی اروپا وشرکت مستقیم روسیه شوروی درسیاست عمومی اروپا مخالفت ورزیده بود، دولت آلمان اولین دولتی بود دراروپا که مبلغی معادل ۲۰۰ میلیون روبل ازشوروی وام گرفت وآنرا صرف خرید لوازم مورد احتیاج خود ازشوروی نمود.

سیاست تبلیغاتی وتسلیحاتی ورفورمهای هیتلری برای آلمان بسیار گران تمام میشد و ازطرفی فعالیت اقتصادی آلمان که یکچندی در مسیر ترقی افتاده بود تقلیل می‌یافت بطوریکه درپایان سال ۱۹۳۵ مجدداً عده بیکاران آن کشور به ۲/۵ میلیون نفر رسید، توازن بودجه متزلزل ودولت مجبوربود که مرتباً بر نرخ مالیات و عوارض برسرمایه‌ها و حسابهای پس اندازو شرکتهای بیمه بیفزاید. پشتوانه زروسیم ریشبانگ تا ۸۲ میلیون تنزل یافت (در ۳۱ دسامبر ۱۹۳۵). برای اجرای برنامه‌های تسلیحاتی واحیای ارتش آلمان در سالهای ۱۹۳۵-۳۶ درحدود ۵۴ میلیارد فرانك میبایستی بمصرف برسد. شاخص هزینه زندگی بالا رفت وفقروتهیدستی توسعه می‌یافت و دهقانان ازوضع زندگی خود ناراضی بودند ولی هیتلر همچنان سیاست عمل انجام شده را ادامه میداد.

تجهیزات نظامی در رنانی و تجهیزات کلی در آلمان

روز ۷ مارس ۱۹۳۶ برخلاف پیمان لوکارنو، واحدهای ارتش آلمان منطقه خلع سلاح شده رنانی را اشغال کردند وبهانه هیتلر برای اقدام خود این بود که پیمان جدیدفرانسه وشوروی باروح پیمان لوکارنوسازگار نیست[1] وتوأم بااشغال نظامی رنانی، هیتلر طرح جدیدی مبنی برعقد قرارداد عدم تهاجم بمدت ۲۵ سال بین فرانسه وبلژیك وآلمان باضمانت انگلستان وایتالیا وهلند (درصورتیکه

۱ــ به بخش اول کتاب (فرانسه) مراجعه شود.

مایل باشد) به رقبای خود پیشنهاد ونیز اعلام نمود که حاضر است بافرانسه وبلژیك درباره ایجاد مناطق خلع سلاح شده مرزی واردمذاکره شود وباکلیه همسایگان خود حتی کشورلیتوانی (بشرط آنکه ناحیه ممل[1] منطقه آزاد شناخته شود) پیمان عدم تهاجم ببندد. همچنین درصورتیکه جامعه ملل پیمان ورسای را غیرنافذ اعلام کند وتساوی کلیه حقوق بین‌المللی و ازجمله حقوق مستعراتی را برای آلمان وسایراعضای جامعه بپذیرد آلمان عضویت جامعه راخواهدپذیرفت.

پس ازآنکه فرانسه وانگلیس وبلژیك وایتالیا به دولت آلمان اعتراض کردند و جامعه ملل عمل هیتلررا رسماً تقبیح نمود سرانجام ناگزیرشدند که روز ۱۰ آوریل بوسیله مستر ایدن پرسشنامه‌ای برای آلمان بفرستند وازهیتلر تقاضا کنند که نیات ومقاصد خود را اعلام نماید ولی درهمان حال اشغال رنانی وتجهیز وتسلیحات آن منطقه پایان یافت و آلمان دربرابر استحکامات ماژینوی فرانسه ساختمان یك سلسله استحکامات وخط دفاعی بسیارمستحکم دررنانی را آغاز نمود وباکوشش بسیاردرتجهیزات جنگی خود پیش میرفت وملت آلمان روز ۲۹ مارس ۱۹۳۶ دررفراندومی که بعمل آمد سیاست هیتلر را تصویب نمود.[2]

روز ۲۱ آوریل ژنرال فن بلومبرگ ودریاسالارفرمانده ناوگان آلمان بوزارت منصوب شدند وازروز ۲۴ اوت ۱۹۳۶ دوره خدمت زیرپرچم بدوسال افزایش یافت، اعتبارات ارتش که درسال ۱۹۳۴، درحدود ۳ میلیارد مارك (درحدود ۳۲ درصد بودجه) بود تا سال ۱۹۳۷

۱ - Memel بندردریای بالتیك تاسال ۱۹۱۹ دردست آلمان وسپس مدتی دردست فرانسه بود وبعداً به لیتوانی بازداده شد.

۲ - از ۴۴۹۵۴۵۳۷ رأی ۴۴۴۱۱۹۱۱ رأی موافق اخذ گردیدو گوبلز آراء سفیدراهم بحساب آراء موافق گذاشت.

به ۱۳ میلیارد مارك (تقریباً ٦٧ درصدبودجه کل کشور) رسید [۱].

نقشه چهارساله

چون تصمیمات فوق‌العاده آلمان برای توسعه تسلیحات و افزایش نیروی نظامی بامضیقه‌مالی دولت ازلحاظ ارز و پشتوانه پول‌ساز گار نبود روز ۲۷ آوریل ۱۹۳٦ نظارت کامل بر ارز و مواد اولیه برعهده گورنیگ محول گردید وبعدازتشکیل کنگره حزب ناسیونال‌سوسیالیست درنورنبرگ روز ۹ سپتامبر هیتلر اعلام نمود که یك نقشه چهارساله اقتصادی بمورد اجرا گذاشته خواهدشد.

درسالهای ۱۹۳۳ـ۳٦ با انتقال بیکاران بسازمانهای حزب نازی وسازمانهای کارگری ازعده آنان کاسته شده واز ۲/۵ میلیون نفربه ۱/۰۳۵ میلیون تقلیل یافته‌بود. اساس نقشه چهارساله اقتصادی‌این بود که آلمان بوسیله بهره برداری‌از کلیه موادزیرزمینی واستعدادهای‌طبیعی‌وفلاحتی‌وصنعتی کشورخودرا ازمحصولات بیگانه بی‌نیازسازدوحداکثر کوشش‌را برای بالا بردن سطح تولیدوحجم صادرات و توسعه بازارهای مشتری بکاربرد وبدین ترتیب استقلال واقعی اقتصادی را بدست‌آورد. برای اجرای نقشه‌سازمان‌جدیدی بریاست ژنرال گورینگ تأسیس وبوی اختیارات مطلق درامورا‌قتصادی اعطا گردیدولی دکترشاخت وزیراقتصاد ملی و مدیر کل ریشسبانگ معتقد بود که باید هرچه بیشتر مبادلات آلمان با ممالك دیگر توسعه‌یابد تاازتقلیل اندوخته‌ارزی کشور، که‌روزبروزضعیفتر میشد، جلوگیری‌شود. بموجب‌قانون مورخ اول‌دسامبر ۱۹۳٦ کسانیکه‌مرتکب‌قاچاق‌یا تقلب‌دراجناس‌صادراتی میشدندمحکوم‌بمرگ بودند.

با اجرای‌نقشه چهارساله بحث‌وانتقاد درباره مسائل اقتصادی بتدریج کاهش‌یافت وژنرال گورینگ روز ۲۲ ژوییه ۱۹۳۷ از کلیه‌کارگاهها و کارخانجات صنایع فلزی و

۳ــ درین سال اعتبارات ارتشی فرانسه درحدود ۲۸ درصد بودجه کل آن کشور بود.

معادن فلزات آلمان سازمان واحدی بوجود آورد که بنام هرمان گورینگ نامیده شد و دولت حق داشت ازصاحبان کارخانجات ومعادن مزبور تقاضا کند که بنفع سازمان هرمان گورینگ ازحق مالکیت خود چشم بپوشند .

مسائل خارجی

پس ازاشغال نظامی رنانی پیمان مورخ ۱۱ ژوییه ۱۹۳۶ آلمان و اطریش کامیابی جدیدی درسیاست خارجی آلمان بود . دولت آلمان ظاهراً استقلال اطریش را برسمیت شناخت واطریش متعهد شد که بخواسته‌های احزاب ودستجاتی که دراطریش نسبت به ناسیونال سوسیالیسم آلمان وهیتلر ابرازتمایل می کنند ترتیب اثربدهد واین پیمان اولین قدم بسوی **انشلوس** بود . اما مسئله مهم درسیاست خارجی آلمان نزدیك شدن این دولت بایتالیا و تشکیل و تحکیم محور **رم ـ برلین** بود. پس ازملاقات ومذاکرات متعدد دولت آلمان درتعقیب پروتوکل‌های سال ۱۹۳۵، حق حاکمیت ایتالیارادرمستعمرات افریقائی آندولت بخصوص درحبشه برسمیت شناخت وهمکاری دامنه داری درامورسیاسی واقتصادی بین دو کشوردیکتاتوری بوجود آمد ودرعین حال هیتلرسیاست بسط نفوذاقتصادی وسیاسی خود رادربالکان واروپای مرکزی ادامه میداد .

روز ۱۴ ژوئن ۱۹۳۶، آلمان اعلام نمود که دیگر اقساط دیون جنگی راطبق طرح **داوس** و **یونگ** بمتفقین نخواهد پرداخت وروز ۱۴ نوامبر آن سال امتناع خودرا ازاجرای مواد ۳۲۱ و ۳۶۴ پیمان ورسای مربوط به ممنوعیت آلمان از کشتیرانی درروخانه‌های اروپا وترعه **کیل**[1] باطلاع دول اروپا رسانید .

۱ـ Kiel ترعه‌ایست که آلمانها درخاك خود کنده ودودریای بالتیك وشمال را بهم ربط داده‌اند ـم .

باآنکه آلمان روز ۲۴ اوت ۱۹۳۶ با پیشنهاد فرانسه مبنی برعدم مداخله درجنگهای داخلی اسپانیا وجلوگیری ازحمل مهمات بآن کشور موافقت کرده بود از کمك به فرانکو بوسیله ارسال مهمات واعزام داوطلبان جنگی ومتخصصین ومهندسین خودداری نداشت و روز ۱۸ نوامبر ۱۹۳۶ محور رم ـ برلین حکومت فرانکورا برسمیت شناخت. آلمان که در کمیته عدم مداخله درجنگهای اسپانیا نماینده داشت در نظارت کشتیرانی دردریای مدیترانه شرکت جست وچون روز ۲۹ مه ۱۹۳۷ کشتی زره‌دار آلمانی بنام **دویچلند**[۱] درنزدیکی جزایر **بالئار**[۲] مورد بمباران هواپیماهای جمهوریخواهان اسپانیا (مخالفین فرانکو ـ م.) قرار گرفت وقریب به ۲۰ تن ازسرنشینان آن کشته شدند، یکدسته ازبمب افکنهای آلمانی شهر **الحمراء**[۳] را دراسپانیا بمباران کردند. اندکی بعد آلمان وایتالیا ازعضویت در کمیته عدم مداخله کناره گیری نمودند و ازدول غربی خواستند که امنیت ناوگان آنان را در مدیترانه تضمین کنند، موافقتنامه‌ای دراین باب تدوین وامضاشد ودول محور مجدداً بکمیته داخل شدند (۱۲ ژوئن) لیکن روز ۱۹ ژوئن بیهانه اینکه اژدرانداز آلمانی بنام لیپزیگ در خلیج **اوران**[۴] مورد سوء قصد قرار گرفته است ازفرانسه وانگلستان تقاضا کردند که مانورمشترکی از ناوگان چهاردولت درآبهای مجاور بندر **والانس**[۵] اسپانیا انجام گیرد و چون انگلستان اصرارداشت که قبل ازمانوربازرسی دقیقی درناوگان چهاردولت بعمل آید دول محور ازشرکت درنظارت بردریای مدیترانه امتناع ورزیدند ولی درعضویت کمیته عدم مداخله باقی ماندند.

۱ـ Deutschland (نام اصلی کشور آلمان ـ م) ۲ـ Baléares ۳ـ Almeria ۴ـ Oran

۵ـ Valence.

دنباله کشمکشهای مذهبی

دراواخر دسامبر ۱۹۳۶ سازمان جوانان هیتلری تنها سازمان رسمی جوانان کشور شناخته شد وطبق لوایح قانونی جدید هر جوان آلمانی میتوانست بعضویت این سازمان پذیرفته شود و نیز کارمندان جدید الاستخدام دولت بایستی از اعضای سازمان جوانان هیتلری برگزیده شوند. چون جامعه کاتولیك آلمان این اقدام را نقض عمد وپیمان وتخطی از میثاق مذهبی با پاپ میدانست ومخالفت آغاز نمود، بدستور دولت نشریات ومطبوعات دینی از بحث درمسائل سیاسی ممنوع وعده زیادی از روحانیون بجرم تبلیغات وموعظه ضدنازی ویا ببهانه نقل وانتقال وقاچاق ارز توقیف شدند ومطبوعات طرفدار دولت جامعه روحانیون را از لحاظ اخلاقی مورد انتقاد شدید قراردادند. روز ۲۱ مارس ۱۹۳۷، دور از چشم مأمورین دولت، در کلیساهای کاتولیك سراسر آلمان نامه مورخ ۱۴ مارس پاپ مبنی بر نقض پیمان وتخطی دولت از میثاق مذهبی (**کنکوردا**[1]) قرائت شد ودر آن نامه پیشوای بزرگ مذهبی مسلك و کردار ناسیونال سوسیالیستها را مخالف شرع ونوعی از کفر والحاد قلمداد نموده بود. براثر این اقدام کشمکش شدیدی که بین برلین و وایتکان (دربار پاپ ـ م) آغاز شده بود شدت یافت. با آنکه بموجب لوایح قانونی مورخ ۲ دسامبر ۱۹۳۵ روحانیون از هر گونه تجمع وتشکیل سازمانهای مذهبی واداری محروم شده بودند وسازمانهای اداری کلیساها عملا منحل شده بود، روز ۱۷ فوریه ۱۹۳۶ که عده‌ای از کشیشان در محل **اوین هوزن**[2] گرد آمده بودند بعضی از آنان واز جمله اسقف **هانور**[3] پیشنهاد سازش و همکاری با کمیسیونهای مذهبی دولتی دادند ولی اکثریت که رهبری آنان با مارتین نیه مولر[4] اسقف **داهلم** بود بااین پیشنهاد جداً مخالفت ورزیدند، نیه مولر در تابستان ۱۹۳۷ دستگیر

۱- Concordat میثاق مذهبی که دول مسیحی با پاپ می بندند ـ م. ۲- Oeynhausen

۳- Hanovre ۴- Martin Niemoller

ودرفوریه۱۹۳۸ محاکمه وزندانی شد.

مشکلات اجتماعی و اقتصادی

ارکان حکومت دیکتاتوری روز بروز محکمتر و براقتدارات و اختیارات گشتاپو، رکن اعظم آن حکومت افزوده میشد. اززوز ۱۳ فوریه۱۹۳۶، سازمان گشتاپو از کلیه سازمانهای دولتی مجزا ومستقل ودربرابر اراده واقدامات این سازمان هرگونه شکایت ومراجعه بدادگاههای آلمان ممنوع گردید. روز۷ اکتبر کلیه کارمندان وافراد پلیس کشوربه گشتاپو که‌ریاست‌عالیه‌آن با هیملربود منتقل شدند. درین‌موقع‌علائم‌نارضایتی‌در میان‌کارگران‌روز بروز نمایان‌تر می‌شدزیرا حق انتخاب نماینده‌مورداعتماد که‌درسال۱۹۳٤ بکارگران‌اعطاوموجب‌پشتیبانی آنان‌ازهیتلروحزب‌نازی گردیده‌بوددرسال۱۹۳۵متزلزل ودرسالهای۱۹۳۶و۳۷بتدریج‌از کارگران‌سلب‌واین‌امر،علیرغم‌ممنوع‌بودن‌اعتصاب،موجب اعتصاب کارگران ودستگیری ومحاکمه ومجازات هزاران کارگرانشعابی ازسازمانهای کارگری دولتی گردید.

اجرای‌نقشه‌چهارساله‌بمنظورتأمین‌استقلال‌اقتصادی که‌مستلزم‌جلوگیری ازواردات بودآلمان‌رادچارکمبودموادغذائی‌و بخصوص‌موادغذائی‌حیوانی‌ولبنیات‌نمود و بقول‌ناراضی‌ها توپهای‌جنگی‌جانشین کره‌وورغن‌شد، دستمزدها ثابت مانده وقیمت ارزاق وهزینه‌زندگی بالارفته بود، دهقانان نیزازطریقه مزارع اشتراکی وتعاونی چندان دلخوشی نداشتند، باوجوداینها اولین نتایج اجرای نقشه چهارساله از بسیاری جهات برای آلمان رضایت‌بخش‌بود. آلمان‌درصنایع استخراج نفت مصنوعی ازلینییت وزغال‌سنگ، تهیه‌کائوچوی مصنوعی و پشم مصنوعی وامثال آن پیشرفت‌بسیار کردوباآنکه تهیه مواد مصنوعی‌مزبور ازمواد طبیعی نظیرآنها که‌ممکن بود از ممالك‌بیگانه واردکنند گرانتر تمام میشد، نتایج‌حاصله ازایجاد صنایع جدید قابل ملاحظه بود. برای تأمین‌آهن و فلزات دیگر

مورد احتیاج صنایع سنگین وسبك، دولت مصرف فلزات بخصوص آهن را درموارد عادی محدودساخت، بااینهمه آلمان همچنان به مواد غذائی احتیاج داشت و ۲۰ درصد مصرف کشور را میبایستی از بیگانگان خریداری کند.

براثر اجرای نقشه چهارساله چرخ عظیم صنعت آلمان بادست میلیونها کارگر بکار افتاد درحالیکه هنگام جنگ برای تکمیل کادر ارتشی آلمان که هنوز آنرا ناتمام میدانستند بوجود این افراد محتاج بودند بهمین علت، زنان آلمانی که قبلا بدستور هیتلر برای اداره خانه و کانون زندگی خانوادگی از کاردر کارخانه‌ها معاف گردیده بودند بتدریج به کارگاهها وکارخانجات فرا خوانده شدند.

توسعه صنایع وایجاد صنایع جدید وضع مالی آلمان را به بحران می کشانید وباوجود تدابیری که دولت درین مورد اتخاذ کرد (ازقبیل استقراض، کاراجباری، مالیاتها وعوارض جدید ومانند آنها) علائم بحران نمودار ومیزان قرضه بپایه‌ای رسیده بود که اعتبار پول آلمان را تهدید می کرد. استعفای دکتر شاخت ازوزارت اقتصادی ملی که مدتها بوددرقبول آن پافشاری می کرد در ۲۶ نوامبر ۱۹۳۷ موردموافقت پیشوا قرار گرفت. روز ۳۰ ژانویه ۱۹۳۸ هیتلر، برخلاف معمول بمناسبت سال زمامداری خود نطقی ایراد نکرد ودرآن موقع مسئله روزمورد بحث محافل موضوع ازدواج ژنرالیسیم فن بلومبرگ با یکدختر آلمانی ازطبقه متوسطه بودو گفته میشد که هیتلرو گورینگ بعنوان شهود در مراسم عقد شرکت جسته‌اند.

حوادث فوریه ۱۹۳۸

بعدازاعلام کناره گیری فن بلومبرگ و**فن فریچ**[۱] از وزارت دفاع وفرماندهی کل نیروی زمینی بعلت ضعف مزاج (٤فوریه ۱۹۳۸) وپس ازتصفیه دامنه داری که درارتش انجام گرفت و اخراج عده زیادی ازافسران ارشد، زمام فرماندهی کل قوای آلمان را هیتلر

۱- Von Fristch

شخصاً در دست گرفت وبطورموقت اختیارات فرماندهی را به ژنرال **فن کیتل**[1](با عنوان ژنرالیسیم) سپرد وژنرال فن **براوخیچ**[2] را بفرماندهی کل پیاده نظام منصوب وژنـرال گورینگ‌را درجه مارشالی اعطا کرد . درکادر سیاسی‌نیزتغییراتی بدستورپیشوا داده‌شد، فن‌نورات ازوزارت امورخارجه بر کناروفن‌ریبن تروپ سفیر کبیر آلمان درلندن بوزارت امورخارجه منصوب ونیزسفرای‌آلمان ازرم ووینه وتوکیو[3] احضارشدند . سازمـانهای اقتصادی نیزاصلاح ووزارت اقتصادملی که قبلا دردست دکترشاخت‌بود توسعه‌یافت وبه‌ چند وزارتخانه‌واداره مستقل تقسیم[4] واداره کلیه امورسازمانهای‌مزبوربه گورینگ‌سپرده شد . یك شورای خصوصی و غیر رسمی برای مشاوره و کمك بـه پیشوا بـریاست نورات تشکیل گردید که عملا هیچگونه نقش مؤثری در اداره امـور کشورنداشت . اقدامات اصلاحی درزمینه امور سیاسی واقتصادی ونظامـی و تصفیه دستگاههای کشوری ولشکری‌راازافرادمشکوك آخرین‌مرحله بسط‌نفوذوقدرت حزب ناسیونال‌سوسیالیست بر تمام شئون کشورآلمان باید دانست‌بخصوص که‌این حزب گرداننده چرخ عظیم صنعت واقتصاد ویگانه نیروی‌مؤثر در اجرای‌نقشه‌چهارساله و تأمین استقلال اقتصادی بمنظور بی‌نیاز کردن آلمان‌از کشورهای بیگانه‌شمرده‌میشد . مطلعین تحولات‌وتدارکات آغازفوریه رامقدمه حوادث‌مهم آینده می‌دانستند .

۱- Von Keitel ۲- Von Brauchitsch ۳- سفرای‌فراخوانده‌شده Von Hassel (ازرم) فن‌پاپن (ازوینه) و Von Dirksen (ازتوکیو) بودند . ٤- وزارت اقتصاد دردست والترفونك Walter Funk، اداره‌کل مواداولیه صنعتی بریاست‌ژنرال لیب Loeb واداره‌کل‌آهن وفولاد بریاست ژنرال‌فن‌هانکن Von Hanneken

درملاقاتی که روز۱۲ فوریه ۱۹۳۸، . بین هیتلرو **کورت فن شوشنیگ**[1] صدراعظم اتریش دربرچسگادن دست داد، پیشوای آلمان **آنشلوس** اظهارداشت که طبق عهدنامه آلمان واطریش مورخ ۱۱ژوییه ۱۹۳۶، حکومت اطریش باید درسیاست داخلی و خارجی خود خواسته‌ها وتمایلات ناسیونال ـ سوسیالیستهای اطریش وابسته بحزب نازی آلمان راکاملا رعایت کند، کلیه تبعیدیها و زندانیان سیاسی وابسته به فرقه ناسیونال سوسیالیست راکه متهم به شرکت درقتل دلفوس صدراعظم سابق اطریش هستند آزاد و **سیس اینکوارت**[2] از طرفداران جدی ناسیونال ـ سوسیالیسم را بوزارت داخله منصوب نماید. صدراعظم اطریش که امید هیچگونه مساعدت و کمکی از کشورهای خارجی نداشت ناگزیر در برابر خواسته‌های پیشوا تسلیم شد ولی پس ازمراجعت به وینه اظهار داشت که « پیشوا باید توقعات خود را بهمان جا ختم کند .»

هیتلر روز ۲۰ فوریه طی نطقی علاقه خودرا به دفاع ازحقوق کلیه افراد آلمانی در خارج ازمرزهای آلمان اظهارداشت ومقارن آن اوقات تشنجات واغتشاشاتی دراطریش بوقوع پیوست[3] که بعقیده بعضی ازمطلعین دست حزب نازی اطریش درایجاد آنها نمایان وهدف آن تظاهر بنفع آلمان بود. افراد واحزاب ضد نازی وجبهه وطن پرستان بهدایت شوشنیگ بر فعالیت خود افزودند و سرانجام صدراعظم اطریش اعلام داشت که روز ۱۳ مارس درباره استقلال اطریش یا الحاق آن بآلمان بآراء عمومی مراجعه خواهد شد و کلیه افراد از ۲۴ ساله ببالاحق رأی خواهند داشت .

---

۱ ـ Kurt Von Schuschnnig ۲ ـ Seyss – Inquart ۳ ـ تظاهرات حزب نازی اطریش بیشتر در بلاد صنعتی مانند لینتز Linz و گراتس graz صورت گرفت .

اولتیماتوم شدید هیتلر باطریش مورخ ۱۱مارس منجر به کناره گیری شوشنیگ از صدارت وانتصاب اینکوارت بآن مقام وتشکیل دولتی جدید ازافراد نازی گردید وهمان روزواحدهای بزرگی ازلشکرهای موتوریزه آلمان، ببهانهٔاینکه ازطرف اینکوارت برای برقرار کردن نظم وآرامش باطریش دعوت شده‌اند، از مرز اطریش وآلمان گذشته در ظرف چند ساعت سراسرخاك آن کشوررا ازشمال بجنوب طی کردندو بمرزاطریش وایتالیا (معبرمعروف برنر[۱]) رسیدند . هیتلر فاتحانه وارداطریش شدومورد استقبال شایان توجه اهالی شهرلینتزقرار گرفت، میکلاس[۲] رئیس جمهوری اطریش استعفا کرد وهیتلرپس از ورودبه‌وینه درمیان تظاهرات پرشوردومیلیون نفراطریشی روز ۱۴ مارس ۱۹۳۸ الحاق رسمی اطریش را به امپراطوری آلمان (آنشلوس) اعلام و طی یادداشت رسمی عمل انجام‌شده را روز ۱۵ مارس بدول جهان ابلاغ نمود. فرانسه‌وانگلستان تاریخ وصول یادداشت آلمان را روز ۲ آوریل ابراز و نسبت باقدام آلمان اعتراض کردند ولی هیتلر اعتراض آنانرا نپذیرفت. موسولینی که درسال ۱۹۳۴ برای جلوگیری ازالحاق احتمالی اطریش بآلمان دستور تجهیز سپاه داده بود درین موقع اعلام داشت که نمی‌خواهد از سرنوشت وجبر تاریخ ممانعت کند بدین ترتیب آلمان ۱۹۳۸ بمراتب از آلمان سال ۱۹۱۴ بزرگتر وقویتر گردید .

دکترسیس اینکوارت بفرمانروائی اطریش وژنرال فن بوك[۳] بانظارت عالیه‌پیشوا بفرماندهی کل ارتش آلمان دراطریش منصوب و کلیه‌واحدهای اطریشی بآلمان منتقل شدند. هیتلرطی نطق پرشوری در ۱۹ مارس ازالحاق اطریش بآلمان که آنرا یکی ازعالیترین هدفهای

---

۱ – Brenner ازمعابر کوهستان آلپ که دو کشوراطریش وایتالیا را بیکدیگر اتصال داده و از نظرسوق‌الجیشی اهمیت بسیاردارد ـم. ۲– Miklas ۳– Von Bock .

خودشمردابرازمسرت وضمناً اعلام کرد که ریشتاگ منحل وروز ۱۰ آوریل درباره این اقدام وتشکیل آلمان بزرك بآراء عمومی مراجعه خواهدشد.

الحاق اطریش بآلمان صحنه‌های قتل‌عام یهودوزجر وشکنجه مخالفین اوضاع جدید را که قبلا در آلمان پیش آمده بود در اطریش تجدید نمود. عده کثیری ازیهود وغالب رهبران جبهه میهن پرستان وسوسیالیستهای اطریش دستگیروزندانی ویا کشته شدندو عده‌ای خودکشی کردند. از حمله دستگیر شدگان شوشنیك صدراعظم سابق **اشمیتز**[۱] شهردار سابق وینه بودند، **پلانتا** قاتل دلفوس صدراعظم اسبق اطریش بعنوان **قهرمان ملی** خوانده شد.

برای تهیه زمینه مساعد آراء عمومی تبلیغات دامنه داری بوسیله سران حزب نازی آلمان واطریش صورت گرفت، مجمع روحانیون اطریش نیزدرین تبلیغات شرکت جستند وکاردینال **اینیتسر**[۲] اسقف اعظم اطریش نامه‌ای را که به **بورکل**[۳] مأمورتهیه مقدمات مراجعه بآراء عمومی نوشت با عبارت **هیل هیتلر**[٤] پایان داد وچون پاپ او را بهرم احضار کرد تسلیم در برابر هیتلر را با دلایل مختلف برای پاپ توجیه نمود.

نتیجه مراجعه بآراء عمومی که روز ۱۰ آوریل صورت گرفت بدینقرار بود:

در آلمان ٤٨٧٩٩٢٦٩ نفر موافق الحاق و ٤٥٢١٨٠ نفر مخالف ودراطریش ٤٤٤٣٢٠٨ رای موافق الحاق و ١١٨٠٧ رأی مخالف

---

۱ – Schmitz ۲ – Innitzer ۳ – Burckel این شخص درتهیه مقدمات مراجعه بآراء عمومی درزار نیز نقش مؤثری داشته

٤ – Heil Hitler

تمهید مقدمات حمله به چکسلواکیا

هرچند که پس از الحاق اطریش بآلمان، دولت آلمان بوسیله سفیر چکسلواکیا در برلین اطمینان داد که نظری نسبت بآن کشور ندارد ولی جراید آلمان همچنان درباره تمایلات وخواسته‌های هنلین[1] رهبر آلمانیهای ساکن نواحی **زودت**[2] بحث می‌کردند و درجریان انتخابات شهرداری درناحیه زودت حوادثی روی داد که باعث نقل وانتقال نیروهای آلمان درمرز چکسلواکیا ومنجر به‌مداخله و میانجیگری سفیر کبیر انگلیس در برلین گردید، وی درظرف یکروز (۲۱ مارس ۱۹۳۸) سه بار باوزیر امورخارجه آلمان ملاقات ومذاکره کرد. آلمانیهای زودت که‌فرقه‌سیاسی تشکیل داده‌ودرانتخابات شهرداریها از ۶۵ تا ۹۵ درصد آراء موافق را بدست آورده بودند باتجدید دعاوی وخواسته‌های پیشین روابط خود را باآلمان توسعه دادند وهیتلر که‌ازژوئن ۱۹۳۷ تصمیم به‌اشغال خاك چکسلواکیا داشت وبرحسب مقتضیات وپیشآمدهای سیاسی اجرای منظور خود را بتأخیر انداخته بود ازاین تاریخ درتصمیم خود راسختر شد.

در آغاز سال ۱۹۳۸، هیتلر که‌ازعدم مداخله دول انگلیس وفرانسه درمسئله چکسلواکیا مطمئن شده بود ومیدانست که‌دول مزبور ازلحاظ نظامی برای چنین مداخله‌ای آماده نیستند تصمیم خود را مبنی براشغال چکسلواکیا به‌ستاد ارتش آلمان اطلاع داد. بهانه حمله به‌چکسلواکیا که‌تهیه‌مقدمات آن روز ۳۰ ماه مه ۱۹۳۸ آغاز گردید قتل سفیر آلمان درپراگ طی تظاهرات ضدآلمانی مردم بود. هیتلر ازاحساسات تنفر آمیز چکها نسبت به **لرد رنسیمن**[3] میانجی انگلیسی درپراگ آگاه بود. موسولینی که قبل ازدیگران ازتصمیم حمله هیتلر به‌چکسلواکیا مطلع

---

۱ - Conrad Henlein ۲- Sudètes ناحیه واقع در شمال چکسلواکیا که منطقه‌ای کوهستانی وداری جنگلهای فراوان ومعادن گوناگون است ـم

۳- Lord Runciman

شده بود فقط تدابیر احتیاطی درمرزهای فرانسه وایتالیا اتخاذ نمود و **هورتی**[1] نایب السلطنه مجارستان، علیرغم مخالفتی که باسیاست هیتلر داشت، سرانجام باوعده‌های فریبنده پیشوا درباره تقسیم منافع حاصله ازاشغال چکسلواکیا با او ازدرسازش درآمد.

طبق فرمانهای صادره ازطرف گورینگ درروزهای ۲۳ و ۲۸ ژوئن کلیه مردان وزنان آلمانی مکلف شدند که برای تکمیل تجهیزات کشوری ولشکری روزی ۱۲ ساعت کار کنند، براثر تجهیزات نظامی عده بیکاران تقلیل وتعداد کارگران از ۱۱/۵ میلیون نفر (در ۱۹۳۳) به ۱۹/۹ میلیون نفر در ۱۹۳۸ افزایش یافت وتنها ۴۰۰۰۰۰ کارگر در استحکامات غربی آلمان بکار گماشته شده بودند. از روز ۱۵ اوت مانور بزرگ ارتش آلمان آغاز گردید و ۱۹۵۰۰۰ سرباززیر پرچم گرد آمدند ودرعین حال که آلمان بامشکلات مالی مواجه بود مقادیر هنگفتی موادغذائی واولیه صادرمی کرد وروز ۶ سپتامبر در نوزنبرك، هیتلر و گورینگ و گوبلز اعلام کردند که آلمان بهیچوجه از محاصره اقتصادی دشمنان احتمالی بیم و هراسی ندارد.

تصادماتی که درناحیه آلمانی نشین زودت بین مردم وپلیس چك روی دادوتدابیری که **بنش**[2] رئیس جمهوری چکسلواکیا برای برقراری نظم وآرامش در ۵ سپتامبر اتخاذ نمود بهانه ای بدست **کنراد هنلین** رهبر آلمانیهای زودت داد که درتجدید و عنوان دعاوی پیشین خود پافشاری کند، وی اعلام نمود که دولت چکسلواکیا دیگرمسلط براوضاع کشور نیست و ادامه مذاکرات سیاسی فایده‌ای ندارد. روز ۱۲ سپتامبر هنگام افتتاح کنگره نورنبرگ، هیتلر

انجمن سیاسی مونیخ

---

۱ - Horthy　۲ - Benès

صریحاً اعلام کرد که دیگر نمی‌تواند ناظر رفتار ناملایم ۶ میلیون چك نسبت بـه ۳ میلیون نفر آلمانی ساکن زودت باشد و اگر آلمانیهای زودت کمك او را طالب باشند بیدرنگ بیاری آنان خواهد شتافت.

بیانات هیتلر وقوع جنگ را اجتناب ناپذیر مینمود، چمبرلین نخست وزیر انگلستان روز ۱۵ سپتامبر به برچسگادن رفت و هیتلر ضمن مذاکرات بوی گفت که باید فوراً بآلمانیهای زودت حق خود مختاری داده شود، درهمین روز هنلین الحاق ناحیه زودت را بآلمان خواستار شد وچون حکومت چك حزب آلمانیهای زودت را منحل نمود وی و معاونین او بآلمان رفتند واعلام کردند که واحدهای نظامی از آلمانیهای زودت درچکسلواکیا و آلمان خود را برای جنك آماده می کنند. طرحی که بوسیله نمایندگان انگلیس وفرانسه درلندن برای جلوگیری از جنگ تهیه و بموجب آن پیش‌بینی شده بود که از ایالات آلمانی نشین چکسلواکیا هرجا که عده آلمانها از ۵۰ درصد جمعیت بالاتر باشد ضمیمه آلمان گردد مورد قبول حکومت چك قرار نگرفت و روزهای ۲۲ و ۲۳ سپتامبر ملاقات دیگری در محل **گودسب**[۱] (کنار رود راین) بین هیتلر و چمبرلین دست داد و پس ازمبادله چندنامه سرانجام روز ۲۴ سپتامبر هیتلر طی یادداشتی دعاوی ومقاصد خود را صریحاً اعلام نمود، طبق یادداشت مزبور میبایستی قسمتی ازناحیه زودت بلافاصله بآلمان ملحق ودرقسمت دیگر آن ناحیه برای تعیین تکلیف بآراء عمومی مراجعه شود. هیتلر ضمناً اعلام کرده بود که مقاصد او درباره زودت آخرین دعاوی ارضی آلمان دراروپاست ودره‌ورد مسائل مربوط بـه مستعمرات سابق آلمان وی اقدام به‌تجهیز سپاه وتوسل به‌قوه‌قهریه نخواهد کرد.

دولت جدید چك که به نخست وزیری **ژنرال سیروی**[۲] تشکیل گردید دعاوی هیتلر را رد کرد وهیتلر پس ازنطق شدیداللحنی طی التیماتومی به‌دولت چك برای قبول دعاوی

۱- Godesberg ۲- Sirovy

خودتااول ماه اکتبر مهلت دادواعلام نمود که پس ازحل مسئله اقلیت چک وتعیین مرزهای جدید، دولت آلمان تمامیت ارضی چکسلواکیارا تضمین خواهد کرد. براثر نزدیکی خطر جنگ و بنا بخواهش چمبرلین ودالادیه، و وساطت موسولینی، هیتلر حاضر شد که تجهیزات جنگی را برای مدت ۲۴ ساعت بتأخیر اندازد (۲۸ سپتامبر) وچمبرلین ودالادیه وموسولینی رابرای مذاکره به **مونیخ** دعوت کرد. سران چهاردولت روز ۲۹ سپتامبر قبل ازظهر درمونیخ گردآمدند. وبلافاصله مذاکرات شروع شد ویکساعت و ۳۵ دقیقه بعد ازنیمه شب ۳۰ سپتامبر ۱۹۳۸ موافقت نامه‌ای بامضا رسید که بموجب آن میبایستی اولا چهارایالت از ناحیه زودت ازاول تا ۷ اکتبر ازقوای نظامی چکسلواکیا تخلیه ودست نخورده باتمام مؤسسات آن تحویل آلمان گردد ثانیاً یك کمیسیون نظارت بین المللی حدود ایالت پنجم راکه باید از ۷ تا ۱۰ اکتبر تخلیه و تحویل شود تعیین نماید ثالثاً تا ۲۵ اکتبر در بقیه نواحی زودت بارعایت همان شرایطی که درمورد ناحیه زار(سار) تعیین شده بودمراجعه بآراء عمومی انجام گیرد. رابعاً فرانسه وانگلیس مرزهای جدید چکسلواکیا را پس از اجرای مواد ۱و۲و۳ تضمین می کنند ودول آلمان و ایتالیا برای حل مسائل مربوط به اقلیتهای لهستانی ومجارساکن چکسلواکیا بادولتهای متبوع آنها مذاکره ودرصورت عدم توافق موضوع را درانجمن مرکب ازچهاردولت تشکیل دهنده انجمن مونیخ مطرح و با موافقت انگلیس وفرانسه حل خواهند کرد.

دولت چك ناچار موافقت مونیخ راپذیرفت ولی بنش ازریاست جمهوری کناره گیری کرد. حدود پنجمین ایالت طوری تعیین شد که شامل ناحیه موضوع مراجعه بارای عمومی نیز گردید، قوای لهستان ناحیه لهستانی نشین **تسچن**[1] رارروز ۱۱ اکتبر اشغال کردند، ناحیه **اسلواکی**[2] وناحیه روس نشین **کارپات علیا**[3] دارای حکومت خود مختاردا خلی و درعین حال تابع

۱ - Teschen ۲ - Slovaquie ۳ - Subkarpathie

حکومت مرکزی چکسلواکیا شناخته شدند . دول ایتالیا و لهستان میخواستند با تشکیل مرزمشترك لهستان ـ ایتالیا در ناحیه کارپات علیا سدی برابر نفوذ بلشویزم روسیه ایجاد کنند ولی آلمان با ایجاد مرزمشترك مزبور بسبب آنکه وجود آنرا سدی در برابر نفوذ ژرمانیسم میدانست مخالفت ورزید . **فن ریبن تروپ** و **کنت چیانو** بدون آنکه طبق پیمان مونیخ از دول فرانسه و انگلیس دعوتی بعمل آورند مسائل مربوط به لهستان و مجارستان را از طریق حکمیت در وینه روز ۲ نوامبر حل کردند و بدون تشکیل مرزمشترك لهستان و مجارستان موجبات رضایت مجارستان را فراهم ساختند .

بیدادگری نازیها

قتل **ارنست فن رات** دبیر سفارت آلمان در پاریس بدست یك جوان یهودی لهستانی در ۷ نوامبر ۱۹۳۸ بهانه جدیدی برای اقدامات ضد یهود بدست نازیها داد، روز ۹ نوامبر مغازه‌های یهود بوسیله افراد نازی غارت و سوزانده شد و روز ۱۲ نوامبر دولت یهودیان را مجبور ساخت که خرابی‌های وارده را ترمیم کنند و نیز مبلغ یك میلیارد مارك خسارت بدولت بپردازند ، از اول ژانویه ۱۹۳۹ در حقیقت یهود از هر گونه فعالیت اقتصادی و فرهنگی در آلمان محروم شدند و این اقدامات در انگلیس و اتازونی نارضایتی ایجاد کرد و دولت اتازونی سفیر خود را برای دادن اطلاعات لازم به واشنگتن احضار نمود.

درباره کاتولیکها نیز اقدامات خصمانه‌ای بعمل آمد، کاردینال **اینیتسر** در وینه مورد توهین قرار گرفت، قسمتی از کاخ کاردینال نشین وینه ویران و کشیشی از پنجره عمارت بپائین پرتاب و زخمی شد و روز ۱۳ نوامبر کاخ **مونسنیور فول‌هاوبر**[۱] کاردینال آرشوك مونیخ نیز که از طرفداران دولت نازی بود سنگباران شد و همه‌جا افراد گشتاپو مخالفین

۱ - Monseigneur Faulhauber

را ازهرفرقه ودسته‌ای که بودند دستگیر می کردند وتعداد زندانیان دراردوگاههای کاراجباری روزبروز زیادترمی‌شد. دولت انگلیس کتاب‌سفیدی‌درباره‌مظالم‌حکومت آلمان نسبت به اتباع آلمانی انتشارداد.

مشکلات مالی

درحالیکه بیلان ریشبانگ در ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ ذخیره طلا را ۷۰/۷ میلیون و ذخیره ارزی را ۵/۱ میلیون مارک[۲] نشان‌میدادو مبادلات پایاپای آلمان از ۳ میلیارد بـه ۷ میلیارد مارك رسیده بود، صادرات آلمان که درسال ۱۹۳۸ درحدود ۴۰۰ میلیون نسبت‌به واردات افزایش‌داشت درسال ۱۹۳۸ درحدود ۴۰۰ میلیون کمترازواردات گردیده‌بود. دکترشاخت‌برای‌جلوگیری ازسقوط مارك وتورم پول که نتیجه مستقیم سیاست اقتصادی ناسیونال سوسیالیستها بود کوشش فراوان بکاربرد ولی از ۲۰ ژانویه وی‌ازریاست‌بانك‌بر کنار ودکترفونك[۳] بجای اومنصوب شد. مدیر کل جدید با انتشارمقدار هنگفتی اسکناس تازه و اسناد خزانه قابل تعویض ازرکود بازارتجارت جلوگیری کرد. روز ۳۰ ژانویه ۱۹۳۹ که جمعیت کثیری‌دربرابرریشتاگ گردآمده بودندهیتلرخطاب‌به‌ملت آلمان گفت«ملت آلمان‌یابایدکالا صادر کند ویاتن بمرگ بدهد»ودرحقیقت‌هیتلرمیخواست‌توجه ملت آلمان رابه‌مسئله فضای حیاتی که حیات وممات آلمان را وابسته بآن میدانست جلب کند.

پایان کارچکسلواکیا

فعالیت اقتصادی آلمان درتجارت خارجی بیشترمتوجـه اروپای مرکزی وشرقی وهمه جا این فعالیت‌با فعالیت سیاسی‌توام‌بود. روز ۱۳ ژانویه ۱۹۳۹ کشورمجاستان دریك پیمان‌ضد کمینترن[۳]

۱ـ درآنموقع‌ارزش مارك برابربا ۱۵ فرانك فرانسه بود. ۲ـ Funk ۳ـ Komintern اتحاد سیاسی‌احزاب کمونیست جهان‌که مرکز آن مسکوابود و به بین‌الملل‌دوم‌مشهورشده‌است ـ م.

شرکت کرد وروزهای ۲۵ و۲۶فن‌زیبن‌تروپ درورشوحکومت لهستان رابدوستی‌وحسن هجمواری‌آلمان امیدوارساخت. روز۲۱ ژانویه‌وی ازحکومت چکسلواکیا در خواست نمود که سیاست عمومی خود را باسیاست‌آلمان هم‌آهنگ سازد بدین ترتیب که مانند آلمان ازعضویت جامعه ملل استعفا کند، عده سربازان زیرپرچم خودرا بطورمحسوس تقلیل دهد، قسمتی ازذخیره‌طلای خودراباآلمان‌واگذارد،ازسیاست ضد یهودآلمان‌پیروی کند، بعضی ازمأمورین عالیرتبه خودرا بتقاضای‌آلمان ازکاربرکنارسازدو باقلیت آلمانی ساکن چکسلواکیااجازه دهد که پرچمهاوعلائم مخصوص حکومت نازی رابکاربرند. ازطرف دیگررادیوی وینه بدستور مقامات‌آلمانی فکر تجزیه طلبی را درمیان چکها واسلواکها واهالی‌روتنی[1] تبلیغ وتقویت‌می کرد.چون روز۹مارس پس‌ازکشف‌یك‌توطئه استقلال طلبی در اسلواکی، **هاشا**[2]رئیس‌دولت‌چکسلواکیا، **تیزو**[3] رئیس‌حکومت‌تجزیه‌طلب اسلواکی را ازشغل خود عزل کرد، هیتلرتیزورا به برلین خواست و از حکومت چکسلواکیا تجزیه و استقلال اسلواکی را خواستار شد(۱۳ مارس) و روز ۱٤ مارس دیت (پارلمان محلی اسلواکی ـ م.) اسلواکی استقلال آن ایالت را اعلام نمود و بلافاصله‌ارتش‌آلمان **براتیسلاوا**[4]را اشغال کردوبدین ترتیب‌اسلواکی‌تحت‌حمایت‌آلمان قرار گرفت .

درایالت روتنی نیز **ولوزن**[5] رئیس حکومت‌محلی روز۱۲استقلال روتنی رااعلام وروز۱٤ پشتیبانی‌آلمان را درخواست کردولی‌آلمان از حمایت روتنی چشم پوشیدواین امررادراختیار مجارستان قرار داد. ازروز دهم مارس ببعد مرتباً جراید آلمان از مظالم

۱- Ruthénie ۲- Hacha ۳- Tiso ٤- Bratislava مرکزحکومت محلی اسلواکی ـم.

۵- Volosin

چکها نسبت به اسلواکها و آلمانیهای ساکن چکسلواکیا سخن می‌راندند ولی کنسولهای ممالك دیگر درچکسلواکیا مندرجات مطبوعات آلمانی را تکذیب می کردند. روز ۱۳ مارس دولت آلمان بر کناری ژنرال **سیرووی**[۱] فرمانده ارتش وواگذاری یك سوم ذخیره طلا و بعضی ازمناطق مرزی چکسلواکیا رابه آلمان خواستارشد وروز ۱٤ مارس دسته‌های SS آلمان شهرهای، **ماهریش-استراو**[۲]، **ویتکویتز**[۳] را اشغال کردند. هاشا رئیس جمهوری چکسلواکیا و **شوالشوسکی**[٤] وزیرامورخارجه آن کشور به برلین احضارشدند وهیتلروفن ریبن تروپ بآنان گوشزد کردند که چهارده لشکرزره پوش آلمان دراطراف مرز **بوهم**[٥] متمرکز شده ونیروی هوائی آلمان نیز کاملا مجهزو آماده جنك است. سرانجام هاشا درساعت ٤ و ۳۰ دقیقه صبح ۱۵ مارس قراری امضا کردوبموجب آن« سرنوشت ملت و کشورچکسلواکیا را با نهایت اطمینان دراختیارپیشوای آلمان گذاشت »، همان روز سربازان آلمانی وارد **پراگ**(پایتخت چکسلواکیا)شدند وروز ۱٦ مارس طبق فرمان هیتلر ازاتحاد دو ایالت بوهم و **مراوی**[٦] تحت الحمایگی جدیدی تشکیل شد و **فن نورات** بسرپرستی تحت الحمایگی جدید منصوب گردید وبدین ترتیب برای اولین باریك ملت اروپائی تحت حمایت کشوردیگری قرار گرفت و آلمان بدون جنگ به عمردولت چکسلواکیا که درسال ۱۹۱۹ تأسیس گردیده بود خاتمه داد، منابع ثروت ودستگاههای تولید صنعتی آن کشور وازجمله کارخانجات عظیم **اشکودا**[۷] را تصرف و از منابع انسانی وطبیعی آن کشور برای اجرای سیاست تسلیحاتی واقتصادی خود استفاده نمود، ۱۸ میلیون لیره ذخیره خزانه چك و ۱۵۰۰ هواپیما ومقدار هنگفتی ذخائر جنگی بدست آورد وبا تسلط برچهار ضلعی

۱- Sirovy ۲- Mohrish–Ostrav ۳- Witkowitz ٤- Chvalchowsky

٥- Boheme ٦- Moravie ۷- Skoba

بوهم مرزهای خود را تحکیم و برتری سوق‌الجیشی خود را بر لهستان ورومانیا تـامین کرد وطی قراردادی که با رومانیا منعقد ساخت امتیازات تجارتی وازجمله امتیاز خرید نفت وغلات آن کشوررا بدست آورد . درجریان این حوادث آلمان مقررات پیمان مونیخ وقرارداد حکمیت وینه ووعده‌های‌خود را زیرپا گذاشت . روز۲۰مارس وزیرامورخارجه **لیتوانی** به برلین احضار واتمام‌حجتی بمدت۵ روزبرای واگذاری بندر **ممل**[1] بآلمان بوی تسلیم گردید وروز۲۱ مارس دیت لیتوانی باین امررضا دادوروز۲۳ مارس نیروهای آلمان شهرمزبوررا تصرف کردند .

تیرگی روابط آلمان‌ولهستان

پس از امضای‌پیمان‌ده‌ساله‌مورخ۲۶ژانویه۱۹۳٤ آلمان ولهستان پیشوای‌آلمان همواره ازدوستی وحسن همجواری لهستان اظهار مسرت می کردولی‌بعد از پیمان مونیخ‌نظریه‌پیشوا درباره‌لهستان تغییر کرد وموضوع اعاده بندردانتسیك بآلمان و ایجاد خطوط آهن وراههای شوسه دردالان **دانتسیگ** با حفظ حقوق برون مرزی برای‌آلمان وتمدید ۲۵ ساله پیمان سال ۱۹۳٤ وتثبیت‌وتضمین‌مرزهای دودولت وهمکاری لهستان باآلمان درمورد روابط این‌دودولت باروسیه‌شوروی‌وشرکت‌لهستان‌درپیمان ضد کمینترن را بمیان کشید وچون دولت لهستان ازقبول پیشنهادات‌آلمان سرباززد، هیتلر، کلنل بك[2] رئیس حکومت لهستان را به برلین دعوت ووی طی مذاکره با پیشوا عدم رضایت خود را از پیشنهادات‌اوابرازداشت.

دربرابر تحریکات اقلیت‌آلمانی ساکن لهستان ویادداشت فن ریبن‌تروپ به‌سفیر لهستان دربرلین حاوی‌اعتراض‌نسبت‌به مندرجات جرایدلهستانی، بك پیشنهاد انگلستان را دایر برتضمین استقلال لهستان پذیرفت‌وروز۳ آوریل به لندن رفت . روز٦ آوریل دولت

۱-Memel در کنار بالتیك که قبل از امضای‌پیمان ورسای درسال ۱۹۱۹ جزو خاك آلمان بود-م. ۲- Beck

انگلیس امضای پیمان دوجانبه انگلیس ولهستان رااعلام نمود ومطبوعات آلمان حملات خود را برعلیه پیمان مزبور آغاز کردند . روزولت رئیس جمهوری اتازونی طی پیامی از هیتلرو موسولینی درخواست کرد که پیمان همکاری مشترك اروپائی را برای مدت ۱۰ الی ۲۵ سال بپذیرند وبحث درباره تسلیحات بلافاصله آغازشود . هیتلر در ۱۸ آوریل از کلیه ملل کوچك اروپا استفسار کرد که آیا حکومت آلمان را برای خود تهدید آمیز میدانند یانه والبته همگی جواب منفی دادند ، سپس روز ۲۸ آوریل اعلام داشت که چون لهستان پیشنهادات آلمان را درباره دوستی وحسن همجواری نپذیرفته وبرای محصور کردن آلمان پیمانی با دولت انگلیس منعقد ساخته است وی خود را ملزم به اجرای قرارداد سال ۱۹۳٤ آلمان ولهستان وپیمان بحری مورخ ۱۸ ژوئن ۱۹۳۵ آلمان وانگلستان نمیداند و این اقدام بی‌اعتبار امضا وقول ووعده‌های هیتلررا برملل اروپا آشکارساخت. روز ۵ ماه مه کلنل بك اطلاع داد که حاضر است با آلمان درباره مسائل مشترك گفتگو کند ولی هرگز به پیشنهادهای یکجانبه تسلیم نخواهد شد. آلمان جواب رسمی به پیشنهاد لهستان نداد و جراید آلمان برشدت حملات خود نسبت به لهستان افزودند و گوبلز نهایت کوشش تبلیغاتی خود را برای متلاشی کردن پیمان لهستان وفرانسه وانگلیس وجدا ساختن آنان ازیکدیگر بکاربرد .

موفقیت آلمان در روابط سیاسی واقتصادی در اروپا

تلاش آلمان درین زمینه بود که یك بلوك قوی سیاسی و اقتصادی کـه بتواند در برابر هر گونه محاصره اقتصادی وسیاسی مقاومت کند تشکیل دهد .تصرف خزائن اطریش وچکسلواکیا فقط بطورموقت وضع مالی آلمان را بهبود بخشیده بود وهیتلر با اختیاری

که طبق لایحه قانونی مورخ۱۵ ژوئن۱۹۳۹ بوی داده شد میزان مساعده ریشبانك را بدولت بالا برد و بوسیله اجرای سیاست تجارتی پایاپای عملا مارك آلمان را از صورت پولی خارج ساخت ، هیئت‌های اقتصادی آلمان در عقد قرار دادهای پایاپای با رومانیا و بلغارستان ومجارستان ویوگسلاویا توفیق حاصل کردند ولی فن‌پاپن‌درترکیه نتوانست کاری ازپیش‌ببرد وترکیه روز۱۲ ماه مه۱۹۳۹ قرارداد تجارتی بـا انگلستان منعقد ساخت .

مذاکرات آلمان وایتالیامنجربه‌عقد پیمان سیاسی‌و اقتصادی‌ونظامی بین دودولت گردید که‌آنرا «پیمان فولادین» نام دادند . بموجب این پیمان کـه روز۲۲ ماه‌مه بـا تشریفات‌پرسروصدائی دربرلین بامضارسید ومدت‌آن نامحدود بود دودولت خود رامتحد سیاسی‌ونظامی‌یکدیگرشناختندومتعهدشدند که‌در کلیه‌مسائل‌وامور‌بین المللی ساسیت‌و مشی واحدی‌را تعقیب واز عقد هر گونه قرارداد جداگانه با هر کشور دیگر خودداری کنند . ضمناً برای اینکه درآینده هیچگونه خدشه‌ای در دوستی واتحاد دو کشوروارد نشود سکنه آلمانی نژاد ناحیه . **تیرول**[1] (در شمال شرقـی ایتالیا ـم) بآلمان کوچانده شدند .

روزششم ژوئن‌هنگامیکه‌هیتلروزمامداران نازی دررژه لژیون **کندر**[2] که‌درجنگ برعلیه بلشویسم دراسپانیا شرکت کرده بود حضوریافتند ، درعین حال که اولیای‌آلمان از کمکهای نظامی وفنی‌آن دولت به ملیون‌اسپانیاسخن میراندند،هیتلر برخلاف گذشته درنطق خود حتی کلمه‌ای‌درباره بلشویسم برزبان نیاورد .

۱- Tyrol ۲- Condor

پیمان آلمان و شوروی

کیتل رئیس کل ستاد ارتش آلمان روز سوم آوریل ۱۹۳۹ فرمان محرمانه هیتلر مبنی بر تهیه مقدمات حمله به لهستان را دریافت داشت و درجلسه مشترک روسای ستاد نیروهای زمینی و هوائی ودریائی که با حضور هیتلر دوروز پس ازامضای پیمان فولادین تشکیل گردید امکان جنگ با انگلیس فرانسه مطرح وتدابیر لازم برای این منظور اتخاذ گردید . تظاهرات واغتشاشات دردانتسیك همچنان ادامه داشت وروزهای ۱۷ و۱۸ ژوئن هنگامیکه گوبلز دراجرای عید مذهبی دردانتسیك حضور داشت صریحاً امپریالیسم لهستان را مورد انتقاد قرارداد . درروزهای ۱۲ و۱۳ اوت طی مذاکرات هیتلر وریبن تروپ با کنت چیانو در برچسگادن و **سالزبورگ**، هیتلر ایتالیارا بشرکت درجنك برعلیه لهستان دعوت کرد واطمینان داد که برای جلوگیری ازحمله احتمالی فرانسه صدلشکر درامتداد استحکامات زیگفرید متمرکز خواهد کرد ولی ایتالیا بعذراینکه هنوز آماده جنگ نیست ازقبول تقاضای هیتلر خودداری نمود .

روز ۱۹ اوت پیمان بازرگانی براساس پایاپای وافزایش حجم معاملات بین شوروی وآلمان دربرلین بامضا رسید وخبرگزاری رسمی آلمان (D.N.B) در تاریخ ۲۱ و۲۲ اوت خبر داد که اولیای دودولت آلمان وشوروی تصمیم به عقد پیمان عدم تهاجم دوجانبه اتخاذ نموده‌اند . روز ۲۲ اوت دکتر فونك رئیس کل سازمانهای اقتصادی آلمان به پیشوا اطلاع داد که کلیه تدارکات مالی واقتصادی لازم برای حمله به لهستان آماده شده است ودرهمین روز هیتلر روسای ستاد وفرماندهان ارتش آلمان را دردفتر کار خود احضار کرد وضمن تشریح نیات ومقاصد خود گفت که چون به همکاری ژاپنیها (نیمه میمونها) وایتالیا اطمینان ندارد ناگزیر است با استالین کنار بیاید ولازم است ملت آلمان اکنون که بیش ازهرزمان بخود اعتماد دارد اقدام کند زیرا براثر اجرای نقشه اقتصادی چهارساله دچارورشکستگی شده وازسال ۱۹٤۰ ببعد باید بافتح وپیروزی حیات خود را تامین نماید، هیتلر معتقد بود که

دموکراسیهای غربی (که روسای آنها را کرمهای خاکی می‌نامید) هرگز بکمك لهستان نخواهند آمد، ازمحاصره اقتصادی آلمان نیزسودی نخواهند برد زیـرا اروپای شرقـی احتیاجات آلمان را تامین خواهد کرد و اثرپیمان آلمان و شوروی درباره لهستان بسیار وحشتناك خواهد بود. هیتلراضافه کرد که وی فقط ازیك چیزوحشت‌دارد وآن‌پیشنهاد میانجیگری ازطرف چمبرلین (خوك) است. پیشوا ازارتش آلمان درخواست کرد که با سرعت وشدت هرچه تمامتر به‌لهستان حمله کنند وازهیچ نوع کشتاردسته جمعی زنان ومردان واطفال دریغ نورزند، وی گفت که چنگیزخان‌میلیونها افراد انسانی‌را کشت‌ولی تاریخ ازاوفقط بعنوان موجد و رهبریك امپراطوری عظیم نـام برده است، نیروهای SS بدون رحم وشفقت باید مردم لهستان را نابود سازند، چند واحد در اونیفورم لهستانی میلزی علیا وتحت‌الحمایگی بوهم ـ مراوی را اشغال خواهند کرد، سپس خط مرزی،از **روال**[1] به دهانه رود دانوب تعیین ونواحی‌واقع‌درمشرق آن خط را روسیه‌شوروی تصرف خواهد کرد ووقتی استالین مردحکومت‌شوروی را متلاشی خواهند کرد.

طبق‌پیمان آلمان‌وشوروی، که روز۲۳اوت ۱۹۳۹ باحضوراستالین درکاخ کرملین بوسیله ریبن‌تروپ‌بامضارسید، دولتین متعهد شدند که به‌اقدامات‌خصمانه‌برعلیه یکدیگر متوسل‌نشوند ودرهیچ اتحادیه‌ای برعلیه متحد دیگرشرکت نجویند وبـرای حل کلیه مسائل مشترك بخصوص‌مسائل‌مربوط به اختلاف مسلك‌وعقیده سیاسی پیوسته بایکدیگر درتماس ومشورت باشند. این پیمان که مدت‌آن ده‌سال بود روز۳۱ اوت۱۹۳۹بتصویب مقامات قانونی دو کشوررسید.

حمله به‌لهستان

درحالیکه‌فرانسه‌وانگلیس همچنان‌درتعهدات‌خودنسبت‌به‌لهستان وفادارمانده‌بودند هیتلرطی ملاقات با**سرنویل‌هندرسن**[2] سفیر انگلیس دربرلین بوی خاطرنشان‌ساخت که نمیتواند بیش‌ازآن

---

۱ – Reval ۲ – Sir Nevile Henderson

شاهداهانتها وشکنجه‌هائی باشد که لهستانیها به‌پشت گرمی انگلستان درباره آلمانیهای ساکن آن کشور رو امیدارند وپس از آنکه روز ۲۳ اوت، سنای دانتسیك حاکم آن شهر را بسمت فرماندار آلمانی انتخاب واورا تابع دولت آلمان اعلام نمود هیتلر یادداشتی برای سفیر انگلیس فرستادو پیشنهاد کرد که حاضر است تمامی نیرو وقدرت جنگی آلمان را در اختیار انگلیس قرار دهد بشرط آنکه این دولت دعاوی آلمان را درباره مستعمرات سابق آندولت بپذیرد واز این لحاظ رضایت آلمان را تامین کند ونیز قرارداد اتحاد آلمان وایتالیارا محترم بشمارد . هیتلر ضمن یادداشت مزبور اطمینان داده بود که هرگز دست اتحاد بطرف شوروی دراز نخواهد کرد ومرزهای فعلی مغرب آلمان را با فرانسه و کشورهای دیگر مرز دائمی آلمان می‌شناسد وهمینکه مسئله لهستان حل شود از مقام خود کناره گیری کرده بقیه عمر را صرف امور هنری خواهد کرد .

روز ۲۶ اوت، هیتلر طی ملاقات با کولوندر[1] سفیر فرانسه پس ازذکر مصائبی که بر آلمانیهای ساکن لهستان وارد می آمد مسئله جنگ احتمالی فرانسه وآلمان را بمیان کشیدو گفت «به دالادیه رئیس جمهوری خودتان بگوئید، من فکر میکنم که درین جنگ فاتح خواهم بود وشماهم همین تصوررا دارید. ولی آنچه مسلم بنظرمی آید این است که خون دوملت شجاع ورشید آلمان وفرانسه برزمین ریخته خواهدشد» منظورهیتلر ازایجاد شکاف دراتحاد فرانسه وانگلیس ولهستان با این پیام ونامه‌هائی که بین اوودالادیه مبادله شد تامین نگردید وازانگلستان برای مطالعه وبررسی جوابی که به یادداشت اوداده شده بودمهلت خواست. درین موقع که بنا به تقاضای مکرر تیزو قوای آلمان تمام ناحیه اسلواکی را اشغال کرده بودند مرزهای لهستان درمعرض تهدید قرار گرفته بود واز طرفی در دانتسیك مقامات آلمانی ذخائر تجارتی لهستانیها را توقیف و قطارهای باری ومسافربری

---

۱ - Coulondre

را دردالان دانتسیك بازرسی می کردند ومرتباً در مرزهای آلمان و لهستان تصادماتی روی میداد.

شب۲۶ اوت هیتلرطی جوابی که به یادداشت انگلستان داد ، با همان عبارات و جملاتی که در مورد شکوه ازتبهکاری چکسلواکیا نسبت بآلمانیهای ساکن آن کشور بکاربرده بود ، ازمظالم لهستان نسبت باقلیت آلمانی ونیز ازهرج و مرج دستگاه حکومت لهستان یاد کرد و متذکرشد که باید تا۳۰ اوت هیئت تام الاختیاری از طرف لهستان برای مذاکره به برلین اعزام شود . کلنل بك ازقبول تقاضای آلمان که تسلیم نسبت بآن او را همسنگ هاشا (رئیس دولت چکسلواکیا) قرارمیداد امتناع ورزید، فرانسه وانگلیس مجاهدت خود را درین زمینه بکاربردند ولی درتماس مستقیم با آلمان تردیدداشتند تا آنکه درشب ۳۰ اوت سرنویل هندرسن سفیرانگلیس طی ملاقات با هیتلرازاوخواست که ازهر گونه عملیات خصمانه خودداری ورزدو بلافاصله مذاکرات مستقیم برای حل اختلافات آغازشود . درحالیکه هنوزنماینده‌ای ازطرف لهستان بامقامات آلمانی تماس نگرفته بودفن ریبن تروپ متن آلمانی نامه‌ایراقرائت کرد که، بموجب آن دولت آلمان شرایط حل اختلاف را بدولت لهستان پیشنهاد کرده ودولت مزبورازقبول آن امتناع ورزیده است.

مقامات انگلیسی و فرانسوی بدولت لهستان فشار وارد آوردند که فوراً **لیپسکی**[۱] سفیر کبیرخود دربرلین را مامور مذاکره با دولت آلمان نماید ، وی ساعت شانزده و نیم روز ۳۱ اوت با ریبن تروپ ملاقات واعلام کرد که برای مذاکره آماده است ولی ریبن تروپ متذکرشد که چون سفیرلهستان چنانکه باید دارای اختیارات مطلق نیست هر اقدامی درین باب بی‌فایده خواهد بود . ساعت ۲۱ همان روز مطبوعات برلین خبر دایربرپیشنهادات آلمان را به‌لهستان بااشاره به امتناع لهستان ازقبول آن منتشرساختند.

۱- Lipsky

بنا بمندرجات جراید، پیشنهاد آلمان شامل اعاده دانتسیك بآلمان وشناسائی تسلط لهستان بربندر **گدینیا** ومراجعه بآراء عمومی دردالان دانتسیك وشناسائی حقوق برون مرزی در مورد طرق ارتباطیه دالان بود . سپیده‌دم روزاول سپتامبر ۱۹۳۹ سربازان آلمانی همه‌جا ازمرزلهستان عبور کردند وبدین‌ترتیب دومین جنگ خانمانسوزجهانی آغاز گردید.

ساعت ٤ بعدازنیمه‌شب اول سپتامبر پیشوای آلمان پیامی برای ارتش فرستادوساعت ۱۰ صبح آن روزطی نطق تاریخی خود در ریشستاگ چنین گفت : «شب گذشته درچند نقطه مرزی سربازان لهستانی ازمرزما گذشتندوارتش آلمان فقط به‌تجاوز آنان‌جواب‌داده است، من اینك مجدداً لباس سربازی را که برای‌من‌مقدس و گرامی‌است‌پوشیده‌ام و آنرا از خود دور نخواهم کرد مگرآنکه یا فتح و پیروزی نهائی آلمان را بچشم خود ببینم وپاپیش ازحصول نتیجه مرگ من فرا رسد» و درپایان نطق خود به ترتیب **گورینگ** و **هس** را بجا نشینی خود تعیین ومعرفی‌نمود .

چون توسل‌فرانسه وانگلیس به موسولینی برای‌وادار کردن‌هیتلر به‌ترك‌مخاصمه نتیجه نداد ، طی یادداشت مشترکی تعهدات خود را درقبال لهستان به‌آلمان گوشزد و تقاضا کردند که فوراً سربازان آلمانی ازخاك لهستان خارج شوند وچون آلمان جواب صریحی بیادداشت دولتین نداد انگلیس ساعت۱۱روزسوم سپتامبروفرانسه ساعت۱۷همان روز حالت جنگ باآلمان را اعلام نمودند .

صحنه نبرد لهستان

دربرابر ٦۰لشکرلهستان که ازلحاظ تسلیحات‌کاملا مجهز نبودند واحدهای زره‌پوش آلمان با سازوبرگ‌جدیدو کامل‌خودبسرعت تا عمق خطوط دفاعی لهستان نفوذ کردند .نیروی هوائی آلمان با بمباران شدید شهرها و مراکز صنعتی وراهها و طرق ارتباط

افراد غیرنظامی را دچاررعب‌ووحشت وروحیه سربازان لهستانی را متزلزل می‌ساخت . بعضی ازواحدهای آلمانی چنان بسرعت درخاك لهستان‌پیش رفتند که ارتباط واحدهای لهستانی را با پشت سربکلی قطع وراه وصول‌نیروی کمکی‌وآذوقه ومهمات را برآنان سد کردند . همکاری‌دقیق وباارزش نیروی‌هوائی باواحدهای‌موتوریزه و توپخانه‌آلمان یکی ازعلل پیشرفت سریع آلمانیها بود و گذشته‌ازآن‌دربرابرقوای لهستان که میبایستی ازمرزهای‌بازوبدون عوارض‌طبیعی‌درطول‌دوهزار کیلومتردفاع کنند آلمان تقریباسه‌چهارم ارتش خود را وارد میدان نبرد کرده بود وژنرال **فن براوخیچ**[۱] ازافسران ورزیده‌آلمان فرماندهی عملیات جنگی را برعهده داشت . واحدهای آلمان درجبهه شمال زیر فرمان **فن بوك**[۲] شامل لشکرهای **فن گلوگ**[۳] و **فن کوخلر**[٤] دردالان‌دانتسیك وپروس‌شرقی، واحدهای زیرفرمان **فن رونشتد**[٥] باکمك سپاهیان **فن ریخنائو**[٦] و **فن بلاسکوویتز**[۷] و **فن لیست**[۸] درجبهه‌جنوب ازفرانکفورت تا مرزاسلواکی بحملات‌شدیدخود ادامه‌دادند وفرماندهی عملیات نیروی‌هوائی با ژنرال **کسلرینگ**[۹] وژنرال **لون**[۱۰] بود .

دفاع‌متهورانه‌ارتش‌لهستان دربرابرقوای‌مهاجم بی‌نتیجه‌بود زیرا درظرف۴۸ساعت خط مقدم جبهه دفاعی لهستان که‌واحدهای ژنرال **رودسمیگلی**[۱۱] ازآن‌دفاع‌می کردند درهم شکسته شد وازدوم‌تا۱۷سپتامبر شهرهای مغرب و شمال لهستان وبعضی ازنواحی جنوبی پی در پی بتصرف ارتش آلمان درآمد و شهر ورشو محاصره شد . دستگاه دولت ازورشوبه شهرصنعتی **لوبلین**[۱۲] در مشرق انتقال یافت و سکنه پایتخت باطمینان حمله سربازان فرانسه ازقبول‌اتمام حجت‌فرماندهسپاه آلمان‌خودداری‌وخودرابرای دفاع ازپایتخت‌آماده کردند . در چند ناحیه واحدهای لهستانی محاصره واسیرشدند وازکار

۱- Von Brauchitsh ۲- Bock ۳- kluge ٤- kuchler ٥- Rundstedt

٦- Reichenau ۷- Blaskowitz ۸- Liszt ۹- Kesselring ۱۰- Loehn

۱۱- Rudz Smigly ۱۲- Lublin

افتادند، روز۱۷ سپتامبر که کمبود بنزین درنیروی هوائی وواحدهای موتوریزه آلمان درلهستان محسوس گردید ناگهان واحدهای ارتش سرخ شوروی نیزازمرزشرقی لهستان گذشته وارد میدان نبرد شدند وبدون مواجهه بامقاومت شدیدی باواحدهای آلمانی تماس گرفتند، ورشو که زیر آتش توپخانه وبمباران مداوم نیروی هوائی آلمان قرار گرفته بود تا روز۲۹ ستپامبر پایداری وسرانجام سقوط کرد.

روز۲۸ سپتامبر نقشه تقسیم لهستان بین آلمان وشوروی طرح وبتصویب مقامات نظامی وسیاسی دودولت رسید وبموجب این تقسیم که آنرا باید چهارمین تقسیم لهستان نامید[1] قسمتی ازلهستان شرقی بدولت شوروی واگذار گردید. روز۱۲ اکتبر دولت آلمان ایالت **پزنانی**[2] وناحیه **سووالکی**[3] رارسماً ضمیمه آلمان اعلام نمودواز بقیه نواحی تسخیر شده لهستان حوزه فرمانداری واحدی تشکیل داد.

تلاش در راه صلح

بیانیه مشترك مولوتف وفن ریبن تروپ وزرای امورخارجه شوروی وآلمان مورخ۲۹ سپتامبر تمایل دودولت را بـه جلـوگیری از جنگ با دول غرب ابرازومسئله لهستان را حل شده اعلام ونیز متذکر شده بود که درصورت امتناع فرانسه وانگلیس ازتایید بیانیه دول مزبور مسئول جنگ آینده خواهند بود. کنت چیانو که روز اول اکتبر برای مذاکره با هیتلر وریبن تروپ به برلین دعوت شدازقبول میانجیگری درزمینه استقرارصلح با دول غرب امتناع ورزید وازطرف دیگرشوروی علیرغم پیمان جدید اقتصادی که روز۲۹ سپتامبر با

---

۱ - درقرن هجدهم سه دولت نیرومند روسیه وپروس واطریش خاك لهستان را سه نوبت میان خود تقسیم وبارسوم هریك ازآن سه دولت سهم خود راتصرف کردندو نام لهستان ازفهرست ممالك مستقل اروپا حذف شد واین وضع تاپایان جنگ اول بین المللی دوام یافت ـم. ۲- Posnanie

۳- Suwalki

آلمان بست بانگلستان اطمینان داد که در جنگ بیطرف خواهد ماند . نطق مفصل هیتلر که طی آن ازدول غرب تقاضا کرد مسئله لهستان را عملی انجام‌شده تلقی و ازورود درجنگ خود داری وبا آلمان وارد مذاکره شوند ومستعمرات آلمان را بآندولت بازگردانند در تصمیم فرانسه وانگلیس تغییری‌نداد واین‌امر موجب بهت وحیرت‌مقامات آلمانی گردید.

روز۸ نوامبر، پس از آنکه هیتلرپیشنهاد میانجیگری بلژیك وهلند را رد کرددر یکی‌از آبجوفروشیهای شهرمونیخ نطقی ایرادوطی آن اعلام کرد که به گورینگ دستور لازم برای‌تدارك‌یك جنگ پنجساله‌رادادەاست. ده‌دقیقه پس‌ازخروج‌هیتلر از آبجوفروشی بمبی‌در آنجامنفجرشدو٦ نفرمقتول و٦٣ نفرزخمی شدند . یکنفر آلمانی را بعنوان سوء قصد کننده دستگیر ومطبوعات آلمان این‌توطئه را ازناحیه دستگاه جاسوسی‌انگلستان قلمداد کردند .

نخستین زمستان دورهٔ جنگ

انتقال ازحالت صلح به حالت جنگ برای آلمان که ازمدتها پیش خود راآماده ومجهزساخته بود چندان اشکالی نداشت .جیره بندی مواد از۲۵ سپتامبر آغازشده بود و جیره کافی بمردم داده میشد ، پیروزی سریع آلمان درلهستان براعتماد مردم نسبت به پیشوا افزوده بود ولی هنوزخاطره تلخ پایان جنگ اول بربدبینی عده‌ای ازمردم آلمان نسبت بآینده می‌افزود . حزب نازی فشرده‌تر وعملیات گشتاپودامنه دارترودایره فعالیت صنعتی، بخصوص‌صنایع‌تسلیحاتی، روزبروزوسیعترمی گردید. مخالفین‌یا در زندان ویادر اردوگاههای کاراجباری بسرمی‌بردند ویا باکراه اوا مرحزب نازی را اجرامی کردند . آلمان در ازاء امتیازات و گذشتهای سنگین وتحمل ناپذیر ازدولت شوروی مواد اولیه وخام دریافت می کردوازجمله ناگزیرشد عده زیادی‌ازمهاجرین آلمانی نژاد کشورهای

کناربالتیك را بتقاضای دولت شوروی بخاك خودبپذیرد .

هیتلر که دول غرب راقادربه حملات سنگین نمیدانست فقط به استقرارچند واحد دراستحکامات **وست وال**[1] درجبهه غرب اکتفا کرده بود ودرطول زمستان سخت ۱۹۴۰ سربازان آلمانی فقط به عملیات گشتی‌های فرانسه پاسخ دادند ولی رویهمرفته وضع آنان استوارترومساعدتر ازوضع سربازان فرانسه‌بود . نیروی هوائی ازعملیات مهم خودداری می کرد ولی نیروی‌دریائی ازسوم سپتامبر وارد فعالیت شد و **آتنیا**[2] کشتی تجارتی انگلیسی را که عده‌ای ازسرنشینانش امریکائی بودند غرق کرد ومطبوعات آلمان چنین وانمود کردند که غرق کشتی مزبوربدست خود انگلیسها و بمنظور کشانیدن اتازونی بجنگ برعلیه آلمان بوده است،روز ۱۴ اکتبردرخلیج **سکاپا-فلاو**[3] کشتی‌زره‌دار ۲۹۱۵۰ تنی انگلیسی بنام **رویال اوك**[4] بوسیله زیردریائی آلمانی غرق شد. کشتی‌زره‌دارده هزارتنی آلمان بنام **گراف فن شپی**[5] چندین بار کشتی‌های تجارتی انگلیسی وفرانسوی را توقیف ومحمولات آنهارا تصرف کرده‌بود وروز ۱۳ دسامبردرخلیج **ریودولاپلاتا**[6] با ناوشکنهای **اکستر، آژاکس** و **آشیل**[7] انگلیسی وارد جنگ شد وبسختی آسیب دید، زره‌دارمزبور بخلیج **مونته‌ویدئو**[8] پناه برد ولی ۱۷ دسامبر ناگزیرشد ازآبهای امریکا خارج شود، فرمانده کشتی چون ازغلبه برناوشکنهای انگلیسی مایوس بود کشتی را غرق کرد و سرنشینان آنرا که اسرای انگلیسی بودند با کشتی **آلتمارك**[9] بآبهای ساحلی نروژ که آلمانیها بدون‌پرواازآن‌استفاده‌می کردند رسانید ولی ناو جنگی انگلیسی بنام **کساك**[10] با کمك یکدسته ازناوهای انگلیسی دریکی ازخلیجهای ساحل نروژبه کشتی آلتمارك

۱- West Wall ۲- Athenia ۳- Scapa-flow ۴- Royal-oak

۵- Graf-von-Spee ۶- Rio de la plata ۷- Exeter ،Ajax ،Achilles

۸- Montevideo ۹- Altmark ۱۰- Cossak

حمله برد و۳۱٤ملوان اسیرانگلیسی را نجات داد .

اشغال نروژ

آلمان قسمتی ازآهن مورد احتیاج خود را ازسوئد خریداری و ازطریق بندر **نارویك**[1] نروژبآلمان حمل‌می کرد . ازاکتبرسال ۱۹۳۹ببعد دریاسالاران آلمانی، **رودر**[2] و**دونیتز**[3] اشغال‌نروژ وتاسیس ایستگاه‌زیردریائی‌درنارویك و**ترونجم**[4] ازبنادرنروژراضروری میدانستندوهیتلر روز۱٤دسامبر۱۹۳۹دستورتهیه مقدمات اشغال‌نروژرا صادرنمود وطبق فرمان اومیبایستی یك حکومت دست نشانده‌آلمان بوسیله **کیسلینگ**[5] درشهر **اسلو**[6] برقرارشود . چون کشتی‌های‌تجارتی‌آلمان هنگام حمل مواد اولیه ومواد غذائی بآلمان دربنادرنروژتوقف می کردند روز۸آوریل دولتهای فرانسه و انگلیس اعلام کردند که درآبهای سواحل نروژمین گذاری خواهند کرد،آلمان این امررا بهانه ساخت وروز۹آوریل اتمام حجتی برای دول دانمارك ونروژ ارسال و تقاضا کرد که تحت حمایت ارتش‌آلمان قرارگیرند ، دانمارك که نیروی کافی برای‌دفاع نداشت‌تسلیم شد وپادشاه‌آن کشوردرمقام‌خودباقی‌ماند ولی نروژاتمام حجت را رد کرد .

روز ۹ آوریل پس از بمباران شدید اسلو نیروی‌آلمان ابتدا دراسلو وسپس در **کریستیان ساند**[7] و**برگن**[8] وترونجم ونارویك پیاده شدند وهوا داران حکومت نازی که قبلا مجهزوآماده شده بودند بقوای مهاجم‌پیوستند، پس‌ازتماس مختصری که‌روز۱۰ آوریل بین انگلیس وآلمان‌روی داد، نیروی دریائی انگلیس روز ۱۳ آوریل به نروژ حمله برد وقسمتی‌ازپایگاههای ساحلی قوای‌آلمان را ویران نمود و قوای انگلیس و

۱- Narvik ۲- Roeder ۳- Doenitz ٤- Trondjhem ٥- Quisling

نروژی ازکسانی بودکه نسبت به عقاید ومرام حزب نازی علاقه نشان میداد -م .

٦- Oslo ۷- Cristiansand ۸- Bergen

فرانسه در نارویك و **نامسوس**[1] و **آندالنس**[2] پیاده شدند ، آلمانها، با استفاده از نواحی کوهستانی و دریافت کمك، پس از مقاومت سخت جبهه فرانسه و انگلیس را شکافتند و هنگامیکه جنگ در جبهه فرانسه بنفع آلمان ادامه داشت نیروهای فرانسه و انگلیس پایگاههای خود را در نروژ از دست دادند و آخرین دسته سپاه متفقین روز ۱۰ ژوئن نارویك را تخلیه کردند ، در برابر نیروی آلمان جز دستجاتی از جنگجویان غیر نظامی نروژ نیروی مقاوم دیگری باقی نماند و در حالیکه کیسلینگ رئیس دست نشانده دولت نروژ در اسلو جنگجویان غیر نظامی را دسته دسته اعدام می کرد روز ۲۴ آوریل یك کمیساریای آلمانی برای نظارت در امور داخلی نروژ تأسیس گردید .

در جبهه غرب

سپیده دم روز ۱۰ مه ۱۹۴۰، واحدهای آلمانی با سرعت هلند و بلژیك ولوکزامبورگ را مورد حمله قرار دادند و سفرای آلمان در سه کشور اتمام حجت متحداللحنی بدول مزبور تسلیم نمودند مبنی بر اینکه آلمان با ادامه سلطنت پادشاهان ممالك مذکور مخالفتی ندارد ولی حکومتهای هلند و بلژیك ولوکزامبورك که فقط ظاهراً بیطرفی را حفظ کرده و در باطن امتیازاتی به دشمنان آلمان داده اند باید از هر گونه مقاومت در برابر نیروی آلمان خودداری نمایند. هیتلر در ریشستاگ ضمن نطق خود اظهار داشت که تصمیم او در باره اشغال هلند و بلژیك نتیجه تصمیم متفقین باستفاده از خاك آن دو کشور بر علیه آلمان و در نظر بوده است که تصمیم دو دولت مزبور روزهای ۶ و ۷ مه بمرحله اجرا در آید و او پیشدستی کرده روز ۱۰ مه فرمان حمله را صادر کرده است و حال آنکه فکر حمله به هلند و بلژیك از مدتها پیش یعنی از ۲۳ مه ۱۹۳۹ که هیتلر ضمن نطقی گفته بود « بیطرفی هلند و بلژیك را نا دیده باید گرفت » وجود داشت و روز ۹ نوامبر ۱۹۳۹ برای انجام منظور تعیین شده بود و بعداً چندین بار تاریخ آن حمله تغییر کرد .

تا کتیك جنگی آلمان که قبلا در لهستان آزمایش شده و اساس آن بر همکاری کامل

۱- Namsos ۲- Andalness

نیروهای هوائی و زمینی وبمبارانهای شدید قبل ازحمله و ایجاد وحشت در میان مردم غیرنظامی بود چنان موفقیت سریعی برای ارتش آلمان فراهم ساخت که در اولین حمله نیروهای بلژیك وهلند ازپا درآمدند واندکی بعد ارتش متفقین (انگلیس وفرانسه) شکست خوردند وروز۱۴ ژوئن پس ازشکست ارتش فرانسه نیروی آلمان وارد پاریس شد[1] وروز۲۲ژوئن قراردادترك مخاصمه بین فرانسه وآلمان در **رتوند**[2] درهمان واگنی که پیمان ترك مخاصمه سال ۱۹۱۸ امضا شده بود با حضور هیتلر و گورینگ وریبن‌تروپ بامضا رسید واز ساعت۱و۳۵ دقیقه بعد از نیمه شب ۲۵ ژوئن بمرحله اجرا درآمد.

نبرد لندن

بعد ازتسلیم فرانسه فقط نیروی انگلستان دربرابرآلمان مانده بود که بایستی در هم شکسته شود وبا وجود دریای مانش هیتلر به نتایج حمله خود بانگلستان خوشبین بود وچنین می‌اندیشید که پس از منهدم ساختن نیروی‌هوائی انگلیس، نیروی زمینی آن کشور قدرت دفاع نخواهدداشت بعلاوه نیروی هوائی‌انگلیس یك سوم‌نیروی‌هوائی‌آلمان بود. بنظر هیتلر انهدام نیروی‌دریائی انگلیس دراطراف‌جزایرنیز بوسیله نیروی دریائی آلمان و با کمك شکاریهای مدل اشتوکاکارآسانی بودوبدین ترتیب باتمرکز نیروی‌آلمان‌درسواحل‌شمالی فرانسه نقشه حمله بجزایربریتانیا بمرحله اجرا درمی‌آمد. روز۸اوت گورینگ اولین حمله هوائی بانگستان راآغاز کرد[3] ومدت دوماه حملات شدید خود را ادامه داد ولی نیروی‌هوائی انگلیس‌مقاومت ورزیدوحملات هوائی آلمانها به نبردهای خونین هوائی

۱ــ برای‌اطلاع بر تفصیل‌فتح‌پاریس به بخش‌اول‌کتاب (فرانسه)مراجعه‌شود. ۲ــ Rethondes

۳ــ به بخش‌سوم‌کتاب (انگلستان)مراجعه‌شود.

بین نیروهای طرفین مبدل گردید وسرانجام سرفرماندهی ارتش آلمان ازپیاده کردن نیرو بخاك انگلستان صرفنظر کرد ولی حملات هوائی آلمان همچنان ادامه یافت وتنهادر یکماهه اکتبرده‌هزارودرماه نوامبر ۷۵۰۰ بمب برلندن فروریخته‌شد. ازدسامبر ۱۹۴۰تا مارس۱۹۴۱ گاهی نبردهای هـوائی بین نیروهای طرفین درمی گـرفت وبعضی ازآنها بسیارشدید بود وآلمانها مدعی شدند که‌شهر صنعتی **کاونتری** را درانگلستان باخاك یکسان کرده‌اند .

نظم نوین

انهدام ارتش فرانسه درمدت ٦هفته قشرهواخواهان‌هیتلروحزب نازی را فشرده‌ترساخت واگرچه‌هنوزبعضی ازمـردم آلمان در مخالفت خود باقی بودند ولی اکثریت قابل توجه ملت آلمان سیاست عالی هیتلررا تایید می کردند . هیتلریکباردر۱۹ ژوئیه‌حاضرشدباانگلستان‌صلح کند ولی رد این‌پیشنهاد و انصراف اجباری‌آلمان از تصرف جزایر بریتانیا در بعضی از محافل آلمان حسن بدبینی‌نسبت‌بآینده را بیدارساخت‌اما دربرابراین بدبینی‌هیتلراراضی وسیعی‌را درخارج آلمان بدست‌آورده وبرمنابع مهم‌مواداولیه‌ومواد‌صنعتی‌ازهرقبیل‌مسلط شده ومتصرفات مزبور بمنزله‌کارخانه عظیمی بود که احتیاجات آلمان را تامین می کرد وچنین‌بنظرمی آمد که‌درصورت‌طولانی‌شدن‌دوران‌جنگ آلمان‌هیچگاه درمضیقه‌موادمورد لزوم‌قرارنمیگرفت. بااین‌مقدمات آلمان میتوانست نظم نوینی در اروپا ایجاد کند که متضمن‌منافع آن کشور باشد.

دولت‌شوروی درخلال این‌احوال دعاوی‌ارضی خودرا درمورد رومانیا پیش کشید ودرژوئن ۱۹۴۱ واگذاری فوری ایالت **بسارابی**[۱] وقسمت شمالی ایالت **بوکووین**[۲] را

---

۱ - Bessarabie – این ایالت ازسال۱۸۱٤ مورد نظر و ادعای روسیه بود و طبق تصمیم کنگره وینه درسال۱۸۱۵ به‌آن کشورواگذارو بعدازشکست روسیه‌ازمتفقین درجنگهای کریمه مجدداً برومانی باز داده‌شد -م. ۲-Bukovine

بدولت شوروی خواستار ودر اوت همانسال کشورهای کنار دریای بالتیك[1] رامتصرف شد. ازطرف دیگر مجارستان و بلغارستان نیز هریك بقسمتی ازخاك رومانیا چشم طمع دوخته بودند وسرانجام روز ۲۹ اوت طبق تصمیم ریبن‌تروپ و کنت چیانو وزرای امورخارجه آلمان وایتالیا درجلسه حکمیت قسمت اعظم ایالت **ترانسیلوانیا**[2] ازرومانیا منتزع و به مجارستان ملحق گردید ودول آلمان وایتالیا مرزهای جدید رومانیا را تضمین کردند. روز ۵ سپتامبر **کارول**[3] پادشاه رومانیا بنفع فرزند خود **میشل**[4] ازسلطنت کناره گیری کرد وژنرال **آنتونسکو**[5] نخست وزیر جدید رومانیا حکومت مقتدری هم آهنگ باسیاست آلمان تشکیل داد وروز ۷ سپتامبر، براثر فشاردولت آلمان، قسمت جنوبی ایالت **دوبرجه**[6] راطبق قرارداد **کرائیوا**[7] به بلغارستان واگذاشت. روز ۱۷ اکتبر بهانه حفظ چاههای نفت وتعلیم ارتش رومانیا نیروی آلمان کلیه مراکز حساس نظامی وصنعتی آن کشوررا اشغال کردند. سپس کمیسیون بین‌الدول جدیدی برای نظارت بر کشتیرانی رود دانوب تشکیل دادند بدین ترتیب نفوذ آلمان جانشین نفوذ انگلیس وفرانسه درحوضه رودد انوب گردید

استقرار نظم نوینی که آلمان برای اروپا در نظر گرفته بود باعقد پیمان سه‌جانبه آلمان ـ ایتالیا ـ ژاپن درتاریخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۴۰ شامل قاره آسیانیز گردید. طبق پیمان مزبور که دربرلین بامضا رسید رهبری نظم نوین دراروپا برعهده آلمان وایتالیا ودرقاره آسیا برعهده ژاپن واگذارشد و هرسه دولت بخود حق دادند که فضای حیاتی متناسب باجمعیت واحتیاجات خود بدست آورند. پیمان برلین خطمشی مشترکی رادرامورسیاسی و

۱ـ شامل لیتوانیا، لتونیا و استونیا ۲- Transylania ۳- Carol ٤- Michel

۵- Antonesco ٦- Dobroudja ایالت ساحلی دریـای سیاه ـ م.

۷- Craiova

اقتصادی و نظامی برای مدت ده سال برای سه دولت امضا کننده، درصورتیکه یکی از آنان مورد حمله کشور ثالثی قرار گیرد، تامین نمود. مجارستان درتاریخ ۲۰ ورومانیا درتاریخ ۲۳ و اسلواکی درتاریخ ۲۴ نوامبر به پیمان برلین ملحق شدند و با امضای پیمان مزبور تبعیت ازسیاست آلمان را رسماً بگردن گرفتند ولی **بوریس**[۱] پادشاه بلغارستان امضای پیمان را بدفع الوقت گذراند. روز ۲۴ اکتبر در **مونتوار** هیتلر طی ملاقات ومذاکره بامارشال **پتن** اورا به تایید وتبعیت از نظم نوین قانع ساخت. اما شوروی نسبت به پیمان برلین که امضا کنندگان آن کشورهای عضو پیمان ضد کمینترن بودند نظر خوشی نداشت ودر مدت اقامت سه روزه مولوتف (از ۱۱ تا ۱۴ نوامبر) در برلین اختلاف نظر شوروی و آلمان درباره مسائل بالکان ظاهر گردید و بعداً موافقت نامه جدیدی درتاریخ ۱۰ ژانویه ۱۹۴۱ بین دو دولت منعقد شد که درحقیقت متمم موافقت نامه اوت ۱۹۳۹ درباره معاملات پایاپای میان دو دولت بود.

نبرد بالکان

چون ضربت‌هائی که ارتش یونان به پشتیبانی نیروی انگلیس در کوههای آلبانی به نیروی ایتالیا وارد می‌آورد آلمانها را نگران ساخته بود در فوریه ۱۹۴۱ دولت آلمان به حکومت آتن اطلاع داد که پیاده شدن نیروهای انگلیسی را بخاك یونان برای خود تهدید آمیز تلقی میکند سپس دولت بلغارستان را وادار بـامضای پیمان سه جانبه نمود وروز دوم مارس ۱۹۴۱ نیروی آلمان وارد بلغارستان وآماده حمله به سالونیك گردید ویوگسلاویا را در معرض تهدید قرار داد. حکومت یوگسلاویا بیطرفی خود را درجنك بین ایتالیا ویونان اعلام نموده بـود ولی **پل**[۲] نایب السلطنه آن کشور طرفدار سیاست آلمان بود وروز ۲۵ مارس **تسوستکویچ**[۳] نخست وزیر یوگسلاویـا ناگـزیر پیمان سه جانبه را امضا کـرد وریبن تروپ بدولت یوگسلاویا اطمینان داد که آلمان نسبت به سلطنت واستقلال وتمامیت آن کشور همواره

۱- Boris ۲- Paul ۳- Tsvestkovitch

وفادارخواهد ماند ولی روز ۲۷ مارس براثر یك کودتا پل از سلطنت خلع و وزیـران او دستگیرشدند، پطردوم پادشاه ۱۷ ساله یوگسلاویا بسلطنت رسیدوژنرال **سیمو ویچ**[۱] به نخست‌وزیـری منصوب گردید. وی کابینه‌ای ازعناصرملی تشکیل داد وروز ۵ آوریل یك پیمان عدم تهاجم با روسیه شوروی منعقدساخت. دولت آلمان حکومت جدیدیوگسلاویا را متهم ساخت که ازپیمان مورخ ۲۵ مارس تجاوزونیز اقلیت آلمانی ساکن کشوررامورد اهانت وزجروشکنجه قـرارداده است وهمان روزواحدهای آلمانـی ازمجارستان گذشته بمرزیوگسلاویا رسیدند.

دول آلمان وایتالیاروز ۶ آوریل طی یادداشتی بدولت یوگسلاویا اعلام کردند که رعایت فضای حیاتی برای آن دودولت اجازه نمیدهد که نفوذ انگلستان دربالکان مستقر شود وساعت ۵ر۵ صبح همان روزواحدهای آلمانی بایوگسلاویا ویونان وارد جنگ شدند. یك ستون ازارتش آلمان از راه اطریش به **ماریبور**[۲] وستون دیگـرازمجارستان بسوی **زاگرب**[۳] وستون سوم ازرومانیا بسوی **بلگراد** وچهارمین‌ستون ازراه بلغارستان بجانب **واردار**[۴] حرکت کردند.

بلگراد پایتخت بلادفاع یوگسلاویا موردحمله بیرحمانه وانتقام جویانه اشتوکاهای آلمانی قرار گرفت ودرحدود ۱۲۰۰۰ نفرازمردم آن شهر کشته شدند، واحدهای آلمانی دربرابرارتش غیرمجهزیوگسلاویا از ۹ تا ۱۳ آوریل باسرعت شهرها و بنادرومراکزارتباطی آن کشوررا اشغال وپس ازقطع ارتباط نیروهای یوگسلاویاویونان، سپاه یونان رامحاصره واسیر کردند وروز ۱۴ دربلگراد به نیروی ایتالیا پیوستند وسپس سراسر کناره آدریاتیك را متصرف شدند وباین ترتیب نیروی نظامی یوگسلاویا عملا از کارافتاد. نیروی یونان

۱- Simovitch ۲- Maribor ۳- Zagreb ۴- Vardar

که با چند واحد کمکی انگلستان تقویت شده بود چندروز مقاومت ورزید ولی آلمانها روز ۱۹ آوریل در **لاریسا**[۱] پرچم صلیب شکسته را بربالای کوه **المپ**[۲] برافراشتند وپس ازعبوراز تنگه **ترموپیل**[۳] وتصرف **تبس**[٤] در **اوبه**[٥] بخشکی نشستند وروز ۲۷ آوریل به **آتنه**[٦] پایتخت یونان وارد شدند وپرچم آلمان را برفراز **اکروپول**[۷] برافراشتند وتا روز ۲ مه یعنی ۲۳ روز پس ازحمله آلمانها تمام خاك یونان وعده‌ای ازجزایردریای اژه بتصرف آنها درآمد و تا پایان این نبرد ۳٤۰۰۰۰ سرباز صربی و ۲۱۸۰۰۰ سرباز یونانی و ۱۹۰۰۰ سرباز انگلیسی بدست آلمانها اسیرشدند .

جزیره کرت در جنوب یونان که بوسیله ۲۵۰۰۰ سرباز انگلیسی ویونانی ونیروی دریائی انگلیس حفظ شده بود روز ۲۰ مه مورد بمباران شدید نیروی هوائی آلمان قرار گرفت وچند واحد چتربازآلمانی درآن جزیره پیاده شدندوچند واحد دیگرازراه دریا بخشکی نشستند . سپاه ۳۵ هزارنفری آلمان مجهز باسلحه سبك کاملاجدید بادفاع دلیرانه واحدهای استرالیائی وزیلندی و یونانی و کرتی مواجه شدند، نیروی هوائی ژنرال **ریختوفن**[۸] خسارات زیادی به نیروی دریائی انگلیس درمدیترانه وارد ساخت وبعد از یکهفته نبردهای شدید، نیروهای انگلیسی کرت را رها کردند وخبر گزاری رسمی ارتش آلمان روزاول ژوئن اعلام نمود که تمام جزیره با ۸۰۰۰ اسیر انگلسی و ٤۰۰۰ اسیر یونانی بدست نیروی آلمان افتاده است. هرچند که آلمانها برای تصرف جزیره‌ای که هیچگونه کمك ازخارج دریافت نمیداشت طی یك نبرد شدید ده روزه ۱۵۰۰۰ کشته و زخمی وناپدیددارندولی چنین نتیجه گرفتند که میتوانندبابکاربردن تاکتیکی نظیر تاکتیك جنگی در کرت بتصرف نواحی دیگردرقاره آسیا وافریقا مثلا سوریه و مصر نایل گردند

۱- Larissa ۲- Olympe ۳- Thermopyles ٤- Thèbes ٥- Eubée

٦- Athènes ۷- Acropole ۸- Richthofen

بخصوص که باتصرف کرت و ایجاد پایگاه هوائی در آن جزیره شعاع عمل نیروی هوائی آلمان بطورمحسوس توسعه‌می‌یافت‌وراه ترعه سوئزوبندراسکندریه را برروی‌ارتش آلمان بازمی کرد وعلاوه بر آن حمایت‌کاروانهای دریائی آلمان را که برای حفظوتقویت سپاه اعزامی آلمان بافریقا درمدیترانه حرکت می کردند تسهیل می‌نمود ونفوذ نظامی آلمان را دربالکان وبغازهای بسفورودواردانل توسعه‌می‌داد، چنانکه‌براثرفتح‌جزیره کرت وبسط قدرت نظامی آلمان درمدیترانه دولت ترکیه روز۱۸ ژوئن یك پیمان عدم تهاجم با آلمان منعقد ساخت .

اروپای اشغال شده

آلمانها که بفتح نهائی خود امیدوار بودند میخواستند درمناطق متصرفی نظم نـوین را برقرارسازنـد وچون پیروزی را بدست آورده بودند سیاست عمومی خود را تعدیل کنند ولی آنهاخودرا ارباب ودیگران را بنده وبرده خویش می‌پنداشتند واداره امور اروپای اشغال شده رابسه سازمان؛ نظامی و کشوری وپلیس سپرده بودند ، روش کارسازمانهای مزبور متفاوت ولی دارای هدف واحد وآن هدف عبارت بود ازاستخراج کلیه منابع ثروت و استفاده کامل ازکلیه نیروهای اقتصادی ممالك اشغال شده . سازمان نظامـی عهده دارحفظ آرامش و امنیت وسرکوبی شورشها ودرهم‌شکستن‌هر گونه‌مقاومت‌وپایداری دربرابرهر گونه‌حمله خارجی وحملات هوائی بود وسازمان کشوری که ریاست فائقه بر کلیه‌سازمانهای آلمانی داشت سررشتهٔ امورمحلی وتنظیم روابط آلمان را بامقامات محلی ممالـك اشغال شده و تحمیل نظریات آلمان را برآنان دردست گرفته بود .

فرانسه بدومنطقه‌اشغالی وآزاد تقسیم‌وزرخیزترین‌نواحی آن دردست آلمان‌ونظارت منطقهٔ آزادنیزدردست آلمان وقسمتی‌ازشمال فرانسه (منطقه رودسم[1]) منطقه ممنوعه‌اعلام

۱- Somme

وناحیه صنعتی **لیل** تابع فرماندهی آلمان در بروکسل اعلام والزاس و لرن از فرانسه ونواحی **اوپن**[1] و **مالمدی**[2] ازبلژیك وتمامی لوکزامبورگ ضمیمه آلمان شده بود .پادشاه بلژیك درمقرخود زندانی وانتخاب بعضی ازوزرا ومعاونین آنها بمیل آلمان بود و حزب سلطنت طلب **دگرل**[3] بعنوان وسیله تبلیغاتی موثری برای خنثی کردن مقاومتهای محلی بکارمیرفت . درهلند که **سیس اینکوارت** کمیسر آلمانی اقامت داشت ،**موسرت**[4] یك حکومت نازی تابع آلمان تشکیل داده بود . پادشاه دانمارك درمقام خود باقی ولی‌قدرت حقیقی دردست فرمانده قوای آلمان بود ودرسال ۱۹٤۲ عنوان ظاهری سلطنت دانمارك نیزحذف گردید . کیسلینگ رئیس حکومت‌دست نشانده نروژتابع اوامر کمیسر آلمان بود، دانتسیك وناحیه دالان وایالات پزنانی و سووالکی وسیلزی‌شرقی ازلهستان منتزع وضمیمه آلمان ودرقسمت آزاد لهستان حکومت جدیدی بریاست دکتر **فرانك**[5] تشکیل وقسمت محصوری از ناحیه لوبلین باقامت یهود لهستان اختصاص داده شد . وحدت یوگسلاویا متلاشی، ناحیه کرواسی مستقل وحکومت آن به **آنته پاولیچ**[6] دست‌نشانده آلمان سپرده شد واوبنفع **دوك دوسپولت**[7] کناررفت ، ایالت مونتنگرو و **لایباخ**[8] و قسمتی ازدالماسی(ازخاك یوگسلاویا)به‌ایتالیا وناحیه **بانات**[9] به‌مجارستان ،ایالت مقدونیه و ناحیه تراس یونان به بلغارستان واگذارومنطقه مرزی واقع بین ترکیه وبلغارستان را، برای مقابله با هرگونه پیشامدی در ناحیه بغازها، نیروی آلمان متصرف شد .

ممالك رومانیا ، اسلواکی، مجارستان وبلغارستان باوجود استقلال‌ظاهری‌واشغال قوای آلمان‌وخاك ایتالیا نیزبهانه‌لزوم ارتباط باجبهه‌شمال‌افریقا زیرسلطه نظامی آلمان بود . حکومت آلمان ازدعاوی اسپانیا نسبت به ناحیه طنجه‌پشتیبانی می کرد . دولتهای

---

۱ - Eupen ۲ - Malmédy ۳ - Degrelle ٤ - Mussert ٥ - Frank

۶ - Ante-Pavelitch ۷ - Duc de Spolète ۸ - Laibach ۹ - Banat

بیطرف سوئد وسویس تحت فشار آلمان ناگزیر بودند که تسهیلاتی برای آندولت فراهم آورند. نقشه تهاجمات احتمالی آینده وازجمله حمله به‌ترکیه وناحیه جبل‌الطارق با کمك اسپانیا آماده شده بود.

خلاصه آنکه اروپا زیر چکمه آلمانها قرارداشت ودراطریش وبوهم ـ مراویا، گشتاپوهمچنان مراقب گفتارو کردارمردم وبا ادامه سیاست خشنی متضمن توقیف وتبعید وزجروشکنجه‌واعدام‌افراد بر کلیه‌شئون اداری‌ونظامی‌متصرفی مسلط بودولی‌سختگیری ومظالم گشتاپو نمی‌توانست‌ازبروز نهضتهای‌مقاومت‌جلوگیری کندو آثاراین‌نهضتها بصورت خرابکاری در متصرفات آلمان نمودارو پیوسته درحال رشد وتوسعه بود.

نیروی آلمان در افریقا

در اواخرزمستان سال ۱۹٤۱ هنگامیکه نیروهای ایتالیا درلیبی عقب نشینی می کرد، چند واحد مجهز ازارتش آلمان بفرماندهی ژنرال **رومل**[۱] بشمال افریقااعزام‌ودرجبهه‌العقیله مستقر گردید، سپاه اعزامی اززبدگان ارتش وشامل چند واحد زره پوش بود، رومل از۱۵ مارس با نیروی انگلیس تماس گرفت وحمله شدید خودرا ازروز۲٤مارس آغاز کردوروز٤ آوریل **بنغازی** را که‌ایتالیائیها ازدست داده بودند باز گرفت. نیروی انگلیس که تجهیزات‌کافی و کاملی نداشت مرتباً عقب‌نشست ورومل پس‌ازتصرف **سیرنائیك**[۲] بمرزمصررسید وتامرسی‌متروك‌پیش‌راند (۱۵آوریل) انگلیسها باقوای کمکی که از کرت‌ویونان‌رسید درجبهه‌خود مستقرشدند وسپس بحمله پرداختند ولی نیروی رمل حمله انگلیسها را دفع وبحمله متقابله شدیدی مبادرت کرد (۲۲ژوئن) و نبرد درتمام ماه ژوییه ادامه یافت ولی **لوفت وافه**[۳] (نیروی هوائی آلمان) نتوانست

۱- Rommel ۲- Cyrénaique ۳- Luftwaffe

واحدهای انگلیسی را که هنوز در **تبروك**[1] مقاومت می کردند وادار به تسلیم نماید. در تمام مدت پائیز سال ۱۹٤۱ طرفین مقدمات نبرد های زمستانی سال بعد را تدارك می کردند.

مناسبات آلمان وشوروی

روز ۱۱ ماه‌مه ۱۹٤۱ یك‌افسر آلمانی بوسیله پاراشوت در ناحیه **گلاسکو** (درشمال بریتانیا)فرودآمد. او را به‌بیمارستان‌بردند، وی که خود را **رودلف هس**[2] دستیاروآجودان هیتلرمعرفی کرد گفت که بدون اطلاع هیتلر بانگلستان آمده ولی طرحی برای صلح بین‌آلمان وانگلیس همراه‌آورده است، طرح رودلف‌هس‌این‌بود که انگلستان‌فوراً چرچیل‌را ازکاربرکناروهستعمرات سابق‌آلمان را بآن دولت مسترد سازد تا صلح بین طرفین برقرار گردد‌آنگاه آلمان ضمن ایجاد سازمان جدید اروپا دست روسیه را در مستعمرات‌آسیائی‌آن دولت بازخواهد گذاشت‌ولی‌اجرای نظریات خود را دربارهمرزهای اروپائی شوروی بآندولت ابلاغ خواهد کرد ودرصورتیکه روسیه تسلیم تقاضاهای‌آلمان نشود، دست ایندولت درجنگ با روسیه بازخواهد بود. هس توقیف شد وخبرگزاری آلمان اطلاع داد که رودلف هس از چندی پیش علائم و آثار جنون از خود بروز داده‌است.

اما مناسبات آلمان وشوروی ازچندی پیش کم کم ازصورت روابط عادی بصورت مناسبات دوستانه وصمیمانه استوار گردیده. وآلمان امیدوار بود که انعکاس عهدنامه مورخ ۲۳ اوت ۱۹۳۹ آلمان و شوروی، فرانسه وانگلستان را از تعهدات خود نسبت به‌لهستان منصرف خواهد کرد ولی چنانکه‌دیدیم‌آلمان‌درین زمینه دچاراشتباه شده‌بود. آلمان بدون حصول نتیجه‌ای که ازانعقاد پیمان با شوروی‌انتظار آنرا داشت ناگزیر شد

۱- Tobrouk ۲- Rudolf Hess

دربرابر شوروی به گذشت‌های غیرقابل تحملی مانند واگذاری نیمی ازلهستان بآندولت، تسلط شوروی برممالك کرانه بالتیك واخراج نیم میلیون آلمانی از آن منطقه، سلطه نظامی روسیه برفنلاند وبالاخره انتزاع بسارابی و بوکوین شمالی ازرومانیا والحاق آن بشوروی که جملگی ازحدود پیمان ۱۹۳۹ خارج بود تن دردهد. آلمان ادعا می کرد که نسبت به مفاد پیمان مزبوروفاداراست ومبادلات تجارتی وفرهنگی وملاقاتها ومذاکرت رسمی دو دولت وازجمله بازدید دوستانه **دکتر تود**[۱] آلمانی ازمؤسسات صنعتی شوروی مویداین ادعا بود . اما تضمین استقلال و تمامیت رومانیا بوسیله آلمان در ۲۹ اوت ۱۹۴۰ و موافقت‌نامه مورخ ۲۵ اکتبر ۱۹۴۰ درباره دانوب برعلیه منافع شوروی تلقی می‌شد بخصوص که پیمان سه جانبه آلمان ـ ایتالیا ـ ژاپن ضمن تقسیم قاره‌های آسیا واروپامنافع شوروی وحاکمیت آندولت را نادیده گرفته بود.

چون بنظرسیاسیون دودولت ، پیمان دولتین روشن وکامل نبود، مولوتف بدعوت هیتلر روزهای ۱۲ و ۱۳ نوامبر ۱۹۴۰ را در برلین گذرانید واعلامیه رسمی دولتین مشعر بر حصول موافقت درمذاکرات دوستانه دودولت بود اما روز ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ ـ یعنی روزی که آلمان جنگ باشوروی را آغاز نمود، هیتلر ضمن نطقی اظهار داشت که وی بدولت شوروی اطلاع داده است که تجهیزات نظامی آن دولت درمرزهای آلمان روز بروز درحال افزایش است ومولوتف تقاضاهائی از آلمان نموده که غیرقابل تحمل بوده است .ازجمله لغو پیمان آلمان ورومانیا، تخلیه ناحیه **کیرکنس**[۲] درشمال نروژ (که پایگاه عملیات نظامی برعلیه فنلاند شمرده میشود) ازقوای آلمان، تایید تضمین استقلال بلغارستان واشغال قسمتی از خاك آن کشور بوسیله شوروی ، موافقت با ایجاد پایگاههای نظامی شوروی درمنطقه

۱- Dr Todt ۲- Kirkenès

بغازهای داردانل و بسفور. مولوتف تمامی اظهارات هیتلر را تکذیب کرد ولی مناسبات رسمی ودوستانه دو کشور همچنان ادامه داشت . هنگامیکه هنوز روابط دودولت کاملا دوستانه بود ، هیتلر باز موضوع حمله بروسیه را مورد بحث قرار داد و علیرغم صلاح اندیشی **شلولنبورگ**[1] سفیر کبیر آلمان درمسکو، که جنگ باشوروی را بمصلحت آلمان نمیدانست، درین باب تصمیم گرفت . طبق طرح **باربا روسا**[2] میبایستی طی یك نبرد شدید برق آسا قدرت مقاومت ارتش سرخ درهم شکسته شودو کلیه ثروت وهستی روسها بتصرف آلمان درآید ودرراه ازدیاد نفوذ وقدرت آلمان مصرف شود ولو آنکه میلیونها روسی از گرسنگی بمیرند . طرح باربا روسا یکباردر تاریخ ۳ فوریه ۱۹٤۱ در کنفرانسی مرکب از سران نظامی آلمان و باحضور هیتلر و کیتل و **یودل**[3] (رئیس ستاد عملیات ارتش) مورد بحث قرار گرفت ، طبق تصمیمات آن کنفرانس ارتش رومانیا میبایستی در عملیات جنگی برعلیه شوروی شرکت کندو برای اداره مناطقی که درخاك شوروی اشغال خواهد شدمراکزی تعیین گردید ولی نبردهای بالکان اجرای تصمیم هیتلر را بتعویق انداخت . وی روز اول ماه مه آغاز حمله بشوروی را روز ۲۲ ژوئن تعیین نمودو کیتل دستورداد که عمل تدارك وتمرکز قوا برای حمله از ۲۲ مه آغاز شود. معذالك، بمنظور غافلگیری شوروی وادامه مبادلات تجارتی، هیتلر ازدولت شوروی مبادله مواد بیشتری علاوه برآنچه درپیمان‌های تجارتی طرفین تعیین شده بود تقاضا کرد و کوشش زیادی بکار برد که تا آخرین ساعات قبل از آغاز حمله روابط دوستانه وعادی طرفین برقرار بماند وبهمین منظور انتشار مقالات و هر گونه نشریه ضد شوروی را در آلمان ومناطق اشغال شده ممنوع ساخت .

۱- Schlulenbourg ۲- Barbaroussa

۳- Jodl

آغاز نبرد روسیه

سپیده‌دم روز ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ ارتش نیرومندی مرکب از ۱۷۰ لشکر آلمانی و ۳۰ لشکر فنلاندی و رومانیائی که قبلا برای حمله بشوروی آماده شده بود از مرزهای قراردادی بین دولت‌های آلمان و شوروی در لهستان و مرز رومانی و شوروی و مرزهای فنلاند و شوروی گذشتند. دولت آلمان بوسیله سفیر کبیر خود در مسکو یادداشتی بدولت شوروی تسلیم و آندولت را متهم کرد باینکه از چندی پیش سیاست خارجی آن دولت جنبه ضد آلمانی بخود گرفته و شوروی خود را برای جنگ با آلمان آماده می کرده است. ایتالیا و فنلاند و رومانیا و سپس مجارستان و اسلواکی و کرواسی نیز با روسیه شوروی وارد جنگ شدند.

ارتش مهاجم بایستی بسرعت در داخله خاك شوروی پیش برود تا از تجهیزات ارتش سرخ جلوگیری و ضمن غارت هستی و ثروت مردم افکار ضد شوروی را درمیان افراد ناراضی تحریك و تقویت نماید. این ارتش به سه دسته بزرگ تقسیم شده بود: **فن لیب** فرماندهی کل واحد های جبهه شمال، **فن بوك** فرماندهی واحد های جبهه مرکز و **فن رونشتد** فرماندهی جبهه جنوب را برعهده داشتند. دسته شمال تا ۵ ژوییه ممالك کرانه بالتیك را اشغال کرد، فن بوك روز ۲۴، **برست لیتوسك**[۱] را متصرف شد و دو لشکر شوروی را در ناحیه **بیالیستوك**[۲] بمحاصره انداخت و روز ۸ ژوییه به استحکامات جبهه استالین که با استفاده از عوارض طبیعی احداث شده بود رسید. رونشتد، **لووف**[۳] را تصرف و از معابر طبیعی گالیسی عبور کرد و واحدهای رومانی بطرف رود **دنیستر** پیشرفت کردند و بدین ترتیب نبرد در نواحی متصرفی شوروی در لهستان و رومانیا تا ۱۰ ژوییه پایان یافت و قوای مهاجم بمرز اصلی شوروی رسیدند. در جبهه استالین که از **پسکف**[۴] و **ویتبسك**[۵] و **مهیلف**[۶]

۱- Brest – Litowsk　۲- Bialystok　۳- Lvov　۴- Pskov　۵- Vitebsk

۶- Mohilev

و **گومل**[۱] **وکیف**[۲] می گذشت واحدهای زره‌پوش و نیروی‌هوائی آلمان‌حملات شدید و سنگین خود را بدون وقفه ادامه دادند، ویتبسك روز۱۱ژوییه،**اسمولنسك**[۳]در۱۷تسخیر شد ونیروی‌آلمان‌تا۱۸ژوییه‌بیش ازصد کیلومتر ازاین‌شهرپیش‌رفت‌وواحدهای بزرگی از ارتش سرخ محاصره‌شدند. درجبهه شمال آلمانهابه‌دریاچه **ایلمن**[۴]وشهر **ستارئیا- روسا**[۵] رسیدند وجناح چپ نیروی شمال شهر**نارو**[۶] راتصرف کرد . نیروی فنلاند **هانگوئه**[۷] و**سالا**[۸] رامحاصره کرده‌وبا نیروهای‌شوروی‌درحوالی‌دریاچه **لادگا**[۹] درنبرد بود. درجبهه جنوب‌آلمانها و رومانیها پس ازاشغال بسارابی بحوالی کیف رسیده در چند نقطه جبهه استالین را شکافته بودند . درآغازماه اوت پس از۶هفته تعرض وحمله پیشرفت آلمانها قابل ملاحظه بود . ارتش سرخ مقدارهنگفتی مواد ومهمات جنگی و چندین صد هزار نفراسیرازدست داده‌بود ، معذالك موفق به‌استقرارجبهه‌خود گردیده‌وبا انهدام‌کارخانجات وطرق‌ارتباطیه‌ومراکزصنعتی وفلاحتی کارآلمانها را دشوارمیساخت، عقب نشینی ارتش سرخ که در آغاز جنگ نظم و قاعده صحیحی نداشت بصورت منظم ادامه یافت . نیروی‌آلمان باتصرف **ژیتومیر**[۱۰] وعبورازرودنیستروووصول به‌حوالی‌رود دنیپر در محل **چرکاسی**[۱۱] بندرمهم **ادسا**[۱۲]را در کناردریای سیاه تهدید می کردند . درجبهه مرکزی روبروی مسکو ، شهر **ویاسما**[۱۳] محاصره شده ولی بر مقاومت و پایداری روسها افزوده شده بود . در شمال آلمانها بعد از تصرف **پترهف**[۱۴] بخط دفاعی لنینگراد رسیده بودند .

پیشروی‌نیروی آلمان‌درماه‌سپتامبردرجبهه‌جنوب بسیارقابل‌ملاحظه‌بود، لشکرهای

۱- Gomel ۲- Kiev ۳- Smolensk ۴- Illman ۵- Staria – Roussa
۶- Narva ۷- Hangoe ۸- Salla ۹- Ladoga ۱۰- Jitomir ۱۱- Tcherkassy
۱۲- Odessa ۱۳- Viasma ۱۴- Peterhof

تحت فرمان **بودینی**[۱] درایالت **کیف** محاصره شده و شهر کیف روز۱۹ سپتامبر وقسمت اعظم حوضه صنعتی **دنتس**[۲] بتصرف آلمانها درآمده بود. تصرف خارکف، توأم با کشتاری مهیب،و محاصره ادسا ارتباط روسیه راباشبه جزیره کریمه‌قطع کرد. درشمال باسقوط شهر **شلوسلبورگ**[۳] محاصره لنینگراد تکمیل گردید.

نبرد مسکو

هنگامی که آلمان مدعی بود که ارتش سرخ نابود شده، هیتلر روز ۲ اکتبر اعلام کرد که «تدارکات برای وارد آوردن آخرین ضربت‌قاطع وانهدام شوروی قبل ازفرارسیدن زمستان آماده شده ومقتضیاتی که ازلحاظ بشریت‌پایان کارشوروی را ایجاب میکندموجود است»تنورجنگ مجدداً گرم شد وحملات سنگین نیروی آلمان درجبهه مسکو آغازو باسقوط شهر **اورل**[۴] جبهه شوروی در برابر مسکو شکافته شد، شهرهای **بریانسک**[۵]، و یاسما، **کالینین**، **موژائیسک**[۶]، **کالوگا**[۷] یکی بعدازدیگری بدست آلمانهاافتاد ونیروی آلمان به‌صد کیلومتری پایتخت شوروی رسید، هیتلر اعلام داشت که«روسیه‌شوروی ازنظر نظامی ازپادرآمده است»وروز۲۳ اکتبر آلمانها در۶۵ کیلومتری مسکو بودند ولی کم کم آثار زمستان ظاهر می‌شد وارتباط قوای آلمان روبه دشواری میرفت. درجنوب که هوای روسیه‌معتدل‌تراست موفقیت نیروهای آلمان ورومانی بیشتربودوبا تحمل‌تلفات سنگین تا۱۵ نوامبر، از تنگه **پرکپ**[۸] گذشته سراسر کریمه را بغیر از سباستوپل تصرف کردند. شهر **رستف**[۹] که ۲۲ نوامبر بدست آلمانها افتاده بود بوسیله ارتش سرخ، که برای‌حفظ آن شهروسد راه حمله آلمانها به قفقازسخت درتلاش بودند،روز۲۹ نوامبر آزاد گردید.

بافرا رسیدن‌فصل سرما فاجعه‌هولناك نبردمسکو آغازشد،سربازان خسته وفرسوده

۱- Boudienny ۲- Donetz ۳- Schlusselbourg ۴- Orel ۵- Briansk

۶- Mojaisk ۷- Kalouga ۸- Perekop ۹- Rostov

باسرمای شدیدی مواجه گردیدند، زره‌پوشها وتانکهای آلمانی احتیاج به وسائل تولید حرارت‌داشتند. فرماندهان آلمانی پیشنهاد کردند که‌واحدهای‌خود را درجبهه فشرده‌تری متمرکزوازادامهٔ پیشروی خوداری کنند لیکن هیتلرمسکو و لنینگراد را میخواست و ناچاربایستی به‌حملات سنگین ادامه دهد. پنجاه لشکر آلمانی در جبهه مسکو وارد نبرد شدند و بقیمت تلفات سنگین بشهر **تولا**[1] رسیدند و پس از ۱۵ روز نبرد خونین پیشقراولان آلمانی توانستند به۲۰ کیلومتری‌مسکو برسند وازآنجا زنگهای بزرگ‌کاخ کرملین را مشاهد کنند امااارتش آلمان ذخیره‌مهمات‌ومواد‌جنگی کافی‌نداشت،ارابه‌های جنگی از شدت سرما ازکارافتاده بود ودر هرقدم صدها سرباز زخمی آلمانی از سرما می‌مردند.ازطرف دیگرارتش سرخ وجب بوجب از خاك خود دفاع می کرد و سربازان آلمانی را که فاقد پوشش زمستانی‌وآذوقه کافی‌بودند بستوه می‌آورد وسرانجام ازحالت دفاع بحال تعرض درآمد ونیروی‌آلمان‌را تا ۲۰۰ کیلومتری‌پایتخت‌عقب‌رانده شهرهای تولاوکالوگا وموژائیسك وکالینین راآزاد کرد وپایتخت را ازتهدید قوای آلمان نجات داد. درشمال‌مدافعین لنینگراد شهرتیخوین را ازآلمانها پس گرفته مهات وغنائم‌جنگی هنگفتی بدست‌آوردند، حلقه‌محاصره لنینگرادبرای مدت کمی‌شکافته شدومدافعین‌شهر توانستندآذوقه ومهمات ازخارج‌دریافت کنند.

زمستان ۱۹۴۱ - ۱۹۴۲

روز۱۸ دسامبر۱۹٤۱خبرگزاری‌آلمان اطلاع داد که«بمناسبت فصل زمستان برای تبدیل جبهه‌های متحرك جنگ به‌جبهه‌ثابت درخاك شوروی تدابیرلازم اتخاذ و واحدهای‌آلمانی‌درسنگرهای خودمتمرکزشده‌اند». این اطلاعیه‌نموداری ازشکست‌آلمان بود

۱- Toula

وروز۲۲ دسامبر فن براوخیچ سرفرماندهی ارتش آلمان (ژنرالیسیم) ببهانه بیماری ازشغل خود بر کنارشد وهیتلرفرماندهی کل نیروهای آلمان را شخصاً برعهده گرفت . ابلاغیه رسمی دولت آلمان حاکی ازاین بود که «هیتلر بنا به ندای وجدان وحس مسئولیت سنگینی که در برابر ملت آلمان دارد این وظیفه را برعهده گرفته است، قبول این مسئولیت تاثیر فوق العاده‌ای در روحیه وسایر کیفیات نیروی زمینی آلمان خواهد داشت وهیتلر در تمام موارد برطبق الهامات باطنی خود تصمیمات لازم را شخصاً اتخاذ خواهد کرد».

واحدهای آلمانی که در مواضع زمستانی خود در پشت سیمهای خاردار استقرار یافته بودند ازهمه سو در معرض حمله جنگجویان غیر نظامی شوروی قرارداشتند و در برابر صدمات وارده ازجنگجویان و دسته‌های ارتش سرخ سخت‌ترین و پرمشقت‌ترین دوره جنگ را می گذراندند . در فاصله ژانویه و آوریل ۱۹۴۲ تمامی حوضه تیخوین ازتصرف آلمانها خارج وسپاه شانزدهم آلمان بفرماندهی **فن بوش**[۱] درمحل ستاروئیا روسا محاصره شد و درحوضه خار کف خط جبهه روسها تا مسافت زیادی درداخل جبهه آلمانها پیش رفت.

نبرد اقیانوس اطلس و اعلان جنك باتازونی

پس ازصدورفرمان محاصره دریائی انگلستان در۱۷ اوت ۱۹۴۰ ، بمنظورانجام محاصره کامل برفعالیت زیردریائی‌های آلمان دراقیانوس اطلس افزوده‌شد. تعداد وسرعت‌سیروشعاع عمل زیردریائی‌های آلمان بمراتب بیش ازسال ۱۹۱۷ بود که انگلیس رادرمعرض خطر قرارداد، کارخانه‌های آلمان اینك بتعداد زیادی زیردریائی ازانواع مختلف میساختند وزیردریائی‌هائی وارد نبرد شدند که با گنجایش وسرعت زیاد، مقادیر هنگفتی ذخیره سوخت

۱- Von Bush

و آنوقه باخود حمل‌می کردند ومی‌توانستند عملیات خود را تا سواحل‌قاره‌امریکاوحتی اقیانوس هند توسعه دهند وبدین ترتیب کلیه بنادر اروپا را ازدماغه شمالی تا جنوب اسپانیازیر نظرداشتند. تاماه‌مارس ۱۹۴۱ انگلستان ۵ میلیون‌تن کشتی‌بازرگانی وجنگی خود را ازدست داد[۱] ودرآوریل ۱۹۴۱ نیز ۵۶۰۰۰۰ تن از کشتی های آندولت غرق شد. انگلیس برتعداد کشتی‌های جنگی خود که کاروانهای دریائی‌را بدرقه می کردند افزود واتازونی‌بآندولت‌اطمینان‌داد که از کشتی‌های‌انگلیسی‌تادوهزارمیلی سواحل خودحمایت خواهد کرد، این امرموجب اعتراض وانتقادمحافل سیاسی ومطبوعاتی آلمان گردیدوروز ۱۱دسامبر۱۹۴۱، پس ازحمله نیروی دریائی ژاپن‌بناوگان اتازونی، آلمان ببهانه‌آنکه اتازونی اصول بیطرفی را رعایت نکرده است وبعنوان پیروی ازمقررات پیمان سه‌جانبه به‌اتازونی‌اعلان جنگ داد، دریادارد‌ونیتز برای حصول‌اطمینان ازحملات‌دریائی به زیر- دریائیهای‌آلمان دستورداد که ازآن پس بصورت دسته جمعی حمله کنند ونیروی هوائی نیزازعملیات دریائی باشعاع عمل وسیعی پشتیبانی نماید و بدین ترتیب درطی چند روز کاروانهای دریائی عازم انگلستان وبندر **مورمانسك**[۲] دچارتلفات‌سنگین شدند ودریا- سالاررید‌رجنگ‌زیردریائی‌را بانبرد روی دریاتوام‌ساخت. درفوریه۱۹۴۱، **شارنهورست**[۳] و**گنیسنائو**[۴] ناوشکنهای سنگین آلمانی پس‌از یك نبرد شدید خود را به بندر **برست**[۵] (فرانسه)رسانیدندودرآن‌بندر بوسیله‌نیروی‌هوائی‌سلطنتی‌انگلیس(R.A.F) بمباران‌شدند. **بیسمارك** قوی‌ترین‌ناوجنگی و**پرینزاوژن**[۶] ناوشکن عظیم‌آلمان سعی کردند که خود را به بندربرست برسانند ودرمسیرخودباناوگان‌انگلیس مصادف‌شدند، **هود**[۷] ناوجنگی

۱ ـ آلمانها مقدار صنایعات دریائی انگلیس را ده میلیون تن قلمداد می کردند.
۲ ـ Mourmansk بندرواقع درانتهای شمالی‌شبه جزیره اسکاندیناویا.م. ۳ـ Scharnhorst
۴- Gneisenau ۵- Brest (درمغرب‌فرانسه) ۶ - Prinz - Eugen ۷ - Hood

انگلیس بوسیله بیسمارك روز ۲۴ مه غرق وسه روز بعد بیسمارك بوسیله ناوگان و نیروی هوائی انگلیس غرق شد ولی پرینز اوژن به بندر برست رسید و با وجود آنکه ناو مزبور و ناوشکنهای شارنهورست و گینسنائو آسیب فراوان دیده بودند بامهارت خاصی ازراه دریای مانش خود را به بنادر آلمان رساندند (۱۰ فوریه ۱۹۴۲).

نیروی هوائی آلمان نیز تلفات فراوان به کاروانهای دریائی متفقین وارد میآورد و بمباران لندن و سایر نقاط انگلستان در تمام سال ۱۹۴۱ ادامه داشت ولی بر اثر احتیاج آلمان در جبهه شوروی فعالیت نیروی هوائی آن دولت در جبهه غرب رو به تقلیل می‌رفت.

جنگ افریقا

عکس العمل شدید نیروهای انگلیسی ودو گلیست های فرانسه در تابستان سال ۱۹۴۱ ، آلمانها را از تصرف سوریه و عراق مایوس نمود .نیروی شمال افریقا خود را برای حملات جدیدی آماده می‌ساخت ولی وصول آذوقه ومهمات بعلت مراقبت ناوگان بریتانیا در مدیترانه بدشواری صورت می گرفت . نیروهای انگلیسی از ۱۸ نوامبر ۱۹۴۱ حالت تعرض وحمله بخود گرفتند و نبرد شدید یکماهه‌ای بین نیروهای زره پوش طرفین درحوالی **سیدی رزاق** ودرطول راه **غزاله** که رومل بسختی از آن دفاع می کرد در گرفت وسرانجام رومل در ۱۸ دسامبر ازموضع خود رانده شد وناگزیر جبهه بنغازی را نیزرها کرد ودر عقدابیه موضع گرفت، دراین هنگام، بمنظور تامین راه وصول مهمات و آذوقه بشمال افریقا، نیروی هوائی آلمان مرکب ازهزارهواپیما روزوشب جزیره **مالت** را زیر بمباران قرارداد، مالت در برابر آتش وخمپاره و بمب‌های آلمانی ایستادگی کرد ولی کاروانهای دریائی آلمان وایتالیا توانستند خودرا بشمال افریقا برسانند(۲۳ نوامبر ۱۹۴۱) .

ارتش رومل که با مهمات ومواد تازه رسیده تقویت شده بود روز ۲۵ ژانویه ۱۹۴۲ حمله جدیدی راآغازنمود . نیروی انگلیس مرتباً عقب نشست و بنغازی مجدداً بدست رومل افتاد(۲۹ژانویه)، رومل به‌پیشروی خود تا درنا[۱] ادامه دادوتصمیم گرفت که‌ضربت قاطع نابود کننده‌ای برنیروی انگلیسی‌واردسازد. برای انجام این منظور یك ستون از سپاه خود را مأمور کرد که به ستونهای ساحلی‌ملحق وآنراتقویت کنند تا نقشه‌محاصره نیروی انگلیس را بمرحله اجرا درآورد، ستون‌اعزامی که درماه‌آوریل حرکت کرددر محل بئرالحکیم (واقع درجنوب تبروك)بامقاومت دلیرانه ۴۰۰۰سرباز فرانسه جنگجو بفرماندهی ژنرال کونیگ[۲] مواجه وشش هفته با سربازان فرانسوی در حال نبرد بود ، مقاومت ژنرال کونیگ روز ۱۰ ژوئن درهم‌شکست وستون اعزامی روز ۱۵ ژوئن‌به‌نیروی ساحلی پیوست .

جبهه انگلیسها دربرابرفشارنیروهای ساحلی آلمان متلاشی شد و قسمت اعظم تانکها وارابه‌های جنگی انگلیس بدست قوای‌آلمان افتاد وروز ۲۱ ژوئن تبروك سقوط کرد و ۲۵۰۰۰ سربازانگلیسی‌اسیرشدند، نیروی‌آلمان باردیگرازمرزهای‌مصر گذشتند و پس‌از تصرف مرسی‌متروك روز ۲۷ ژوئن بـه‌العلمین رسیدند، درین موقع چنین بنظر می‌آمد که راه اسکندریه ومصروخـاورنزدیك بروی نیروی‌آلمان بازشده بود، ایتالیاو آلمان بـدولت مصر اطمینان دادنـد کـه استقلال وتمامیت ارضی آن کشور را محترم خواهندشمرد.

سپاه هشتم انگلیس بفرماندهی‌ژنرال **مونتگمری**[۳] مواضع‌خودرا مستحکم ودرماه

---

۱ - Derna ۲- Coenig برای اطلاع بر تفصیل این موضوع به بخش اول (فرانسه) رجوع شود . ۲-Montgomery

ژویه ازپیشروی آلمانها جلو گیری نمود.رومل از آلمان مهمات ونیروی کمکی خواست ولی اشتغال آلمان درجبهه شوروی مانع ازارسال مهمات گردید و ازطرف دیگرمهمات و اسلحه اتازونی مرتباً برای متفقین بشمال افریقا ارسال می‌شد. روز ۱۰ اکتبر نیروی هوائی انگلیس ازپایگاههای مصروجزیره مالت به پروازدرآمدند ومواضع آلمانها را بمباران کردند و روز ۲۳ اکتبر نبرد شدیدی در جبهه‌العلمین در گرفت که منجر به عقب نشینی رومل تا ۱۲۰۰ کیلومتری مغرب‌العلمین ، و بنغازی و العقیله از تصرف آلمانها خارج گردید وروز ۸ نوامبر نیروی مختلط انگلیس و اتازونی در سواحل مراکش والجزایر پیاده‌شدند .

نبرد روسیه

براثرذوب یخ و باطلاقی شدن اراضی و توجه طرفین به تدارک جنگهای تابستانی از ماه مارس ۱۹۴۲ ببعد عملیات جنگی در جبهه شوروی تقریباً متوقف مانده بود . فقطدرشبه جزیره کریمه ژنرال **فن مانشتین**[1] ارتش سرخ را ازتنگه **کرچ**[2] بیرون راند. وسباستوپل را موردحمله قرارداد امامدافعین آن بندرتا اوایل ماه ژویه مقاومت ورزیدند.

زمستان ۱۹۴۱- ۴۲ فرصتی بود برای فرماندهی ارتش آلمان که درباره یك حمله دامنه‌دارقاطع درجبهه شوروی بقدرکافی مطالعه کند ، روزاول ژویه نیروی آلمان درجاده بین کورسك و خارکف حمله را آغاز کرد و این حمله مقدمه اجرای نقشه‌ای بود که سرفرماندهی ارتش آلمان طرح کرده بود،ارتش آلمان بایستی خودرا برود و **لگا** برساند ودردوجهت شمال وجنوب رودمزبور پیشروی کند،درشمال مسکورا متصرف شود ودرجنوب

۱- von Manstein ۲- Kertch تنگه‌ای که شبه جزیره کریمه را به خشکی اتصال داده‌است -م.

بمعابر قفقاز و چاههای نفت با کودست یا بدو بدین ترتیب علاوه بر قلع وقمع دشمن، پایگاههای متفقین را در خاور نزدیك مورد تهدید قرار دهد طبق طرح مزبور، حملات دامنه‌دار نیروی آلمان درجبهه **ورونژ** شروع و شهر **رستوف** بار دیگر در ۲۴ ژوئیه تصرف شد، واحدهای آلمانی ازرود **دون**[۱] گذشته به **کراسنودار**[۲] و **مائی کپ**[۳] رسیدند وبطرف قفقاز و کرانه دریای خزر پیش رفتند. شهر **الیستا**[۴] در استپ‌های قلموق (شمال غربی داغستان) روز ۱۳ اوت بتصرف آلمانها درآمد و تبلیغات آلمانها چنین وانمود می کرد که بندر **هشترخان**[۵] (در شمال غربی دریای خزر ـ م) بزودی سقوط خواهد کرد. درین موقع که واحدهای فن‌ـ بوك به استالینگراد نزدیك می‌شدند، ارتش سرخ درجبهه قفقاز در نواحی **گروزنی**[۶] و **ترك**[۷] استقرار می‌یافت وخود را برای نبرد شدیدی که بزودی برای تصرف استالینگراد آغاز می‌شد آماده می‌ساخت، هیتلر در سپتامبر ۱۹۴۱ اظهار داشت که «ما استالینگراد را تصرف می کنیم ودیگر هیچ نیروئی به راندن ما از آن شهر قادر نخواهد بود».

استالینگراد

استالینگراد که ارزش استراتژیکی قابل توجه و نام پیشوای روسیه را دربرداشت صحنه یکی ازخونین‌ترین نبردهای جنك دوم جهانی گردید، آلمانها با نیرو و مهماتی که روز بروز درحال افزایش بود و نیروی هوائی خارق‌العاده‌ای براین بندر حمله‌ور شدند وسربازان ارتش سرخ، کوچه بکوچه وخانه بخانه ازاین شهر دفاع می کردند، درمیدان نبرد فشرده‌ای که بیش ازیکمیلیون سرباز با هزاران توپ وخمپاره‌انداز وهزارها هواپیما وارد مبارزه شده بودند سربازان روسی بخاك میهن خود چسبیده، ازهر دیوار نیمه خراب وانبار وساختمان کارخانه ومانند آنها برای مقابله دشمن استفاده و از هروجب زمین باسرسختی عجیبی دفاع می کردند ودنیای

۱- Don ۲- Krasnodar ۳- Maikop ۴- Elista ۵- Astrakhan ۶- Grosny

ازحوضه‌های نفت خیز قفقاز ـ م. ۷- Terek از رودهای شمالی قفقاز ـ م.

پر آشوب سال ۱۹٤۲ با علاقه فراوان ناظر صحنه‌های دلخراش نبرد استالینگراد بود .از ۱۲ تا ۱۹ نوامبر ۱۹٤۲ نیروی آلمان توانست در دو جهت شمال و جنوب استالینگراد خود را به‌شاخه‌های رود ولگا برساند ولی این پیشروی آخرین حد پیشرفت آلمان در استالینگراد و نیز آخرین حد جبهه نبرد در مشرق بود و نوبت تعرض وحمله به ارتش سرخ رسید.در طول جبهه استالینگراد وقفقازیه وجبهه شمال نبردهای شدیدی در گرفت، درجبهه قفقاز ، شهرهای **اورجنیکیدزه**[۱] ، **نالچیك**[۲](درماه دسامبر) ودر جبهه‌لنینگراد شهرهای **ولیکی لوکی**[۳] وشلوسلبورگ آزاد شدند ولنینگراد ازمحاصره نجات یافت. درجبهه استالینگراد، مارشال **ژوکف**[٤] فرمانده جدید ارتش سرخ نیروی آلمان را زیرفشارسنگینی قرارداد ، **ژنرال پاولوس**[٥] فرمانده‌سپاه‌ششم آلمان برای احتراز ازمحاصره شدن تصمیم به بازگشت گرفت ولی هیتلر مخالفت ورزید . پاولوس پایداری کرد ولی بمحاصره‌افتاد وروز۳فوریه ۱۹٤۳ تسلیم شد، از ۳۰۰هزارسرباز آلمانی زیر فرمان پاولوس ، ۲۰۹ هزار نفر در نبرد استالینگراد نابود شده بودند و۹۱ هزاربقیه سپاه مزبوربا ۲٤ افسر باسارت ارتش سرخ درآمدند . پاولوس که فقط توانسته بود عده معدودی ازافراد خود را بوسیله هوا پیما ازحلقه محاصره روسها نجات دهد وادعا کرد که‌تا آخرین حدامکان پایداری کرده است اززنرالی به مارشالی تغییرمنصب داد. شکست استالینگراداولین شکست وشایدنموداری ازشکست نهائی آلمان بود .

نبردتونس

باوجود تشکیل کمیسیون متار که جنگ درشمال افریقا ، رومل که تصورپیاده شدن نیروی متفقین‌را نمیکرد تصمیم گرفت،دربرابر حملات متفقین پایداری و بهرترتیب که باشدمواضع خودرا درتونس

۱- Ordjonikidze ۲- Naltchik ۳- Velikie Luki ٤- Joukov

٥- Paulus

حفظ کند تادرصورت لزوم بتواند ایتالیای جنوبی وسیسیل را اشغال ونیزازراه دریانیروی کمکی وآذوقه ومهمات دریافت کند ، وی حملات نیروی انگلیس وامریکارا روز ۸ نوامبر دفع وراه را برای وصول نیروهای کمکی ومهمات که ازطریق دریا وهوا برای اوفرستاده شده بود بازنمود .

درطرابلس براثرفشار نیروی متفقین، رومل مواضع خودرا رها (۲۴ ژانویه ۱۹۴۳) وسعی کرد درجنوب طرابلس باسپاه **فن ارنیم**[۱] تماس بگیرد، درجبهه **مارت**[۲] که حفظ آنرا برای پوشش جبهه طرابلس جنوبی لازم میدانست درفوریه ۱۹۴۳ اولین حمله شدید مونتگمری را دفع وازیکطرف تا **قفسه وتبوربا**[۳] و **توزر**[۴] وازطرف دیگر تا **تبسا**[۵] پیشروی کرد ولی نتیجه قطعی از این نبرد عاید او نشد (مارس ۱۹۴۳) درین موقع رومل بآلمان احضار و فرماندهی نیروی آلمان وایتالیا درافریقای شمالی به ژنرال **مس**[۶] ایتالیائی واگذارشد. حملات مونتگمری از ۲۰ مارس تا ۱۳ مه منجر به شکست و سپس تسلیم نیروهای آلمان و ایتالیا در تونس گردید . فن ارنیم و ژنرال مس باواحدهای خود تسلیم شدند و ۲۴۸۰۰۰ اسیر بدست متفقین افتاد وبدین ترتیب سراسرشمال افریقا ازنیروهای محور[۷] پاك شد.

نبرد ایتالیا

سپاه هشتم انگلیس بفرماندهی مونتگمری وسپاه اول اتازونی بفرماندهی ژنرال **پاتن**[۸] روز ۱۰ ژوییه ۱۹۴۳ بوسیله دوهزار کشتی ازتونس بسواحل سیسیل پیاده شدند، مدافعین ایتالیائی این جزیره باوجود مهمات وذخائر کافی، که آلمان دراختیار آنان قرارداده بود، نتوانستند پایداری کنند وفقط دربندر **کاتانیا**[۹] مواضع خودرا نگه داشتند . روز ۲۲ ژوییه بندر **پالرمو**[۱۰] بدست نیروی متفقین

۱- Von Arnim ۲- Mareth ۳- Tebourba ۴- Tozeur ۵- Tebessa

۶- Messe ۷ - منظورازمحوراتحاد سه جانبه آلمان وایتالیا و ژاپن است.م. ۸ - Patton

۹- Catania ۱۰- Palermo

افتاد وروز۲۵، موسولینی ازکاربرکناروریاست دولت به مارشال **بادولیو**[۱] واگذار گردید ولی رادیوی آلمان اعلام کرد که بااین‌تغییر هیچگونه تحولی در اوضاع عمومی ایتالیا داده‌نشده‌است. روز۱۷ اوت سراسرجزیره‌سیسیل با۲۰۰ هزاراسیرجنگی دردست متفقین بود وروز۳ سپتامبرقراردادمتارکه جنگ بین متفقین وایتالیا بامضا رسید وروز۸سپتامبر انتشاریافت .

آلمانها که چنان پیشامدی را از مدتها قبل پیش بینی کرده و تمام مراکز حساس و نقاط سوق‌الجیشی ایتالیا را قبلا دردست گرفته بودند، همینکه خیانت‌ایتالیا فاش‌شد، باسرعت شهرهای مهم وبنادرومراکزارتباطی شمال وشبه‌جزیره رااشغال کردند، رومل که فرماندهی‌عملیات‌ایتالیارا برعهده داشت‌سربازان‌ایتالیائی را خلع سلاح وآنان را دررم متمرکزنمود، در فرانسه نیزمارشال فن رونشتد سپاه ششم ایتالیا را خلع سلاح ونواحی جنوب شرقی فرانسه را بوسیله سربازان‌آلمانی تصرف کرد ونظیرهمین عمل در دالماسی ویونان‌وآلبانی‌انجام گرفت‌وبیشترسربازان‌خلع سلاح شده بآلمان اعزام‌شدند وبعنوان کارگرمورد استفاده‌آلمان قرار گرفتند .

روز۲۱ سپتامبر،موسولینی که‌درهتل **گران ساسو**[۲] تحت‌نظرسربازان تابع‌بادولیو بود بوسیله چترباز‌ان‌آلمانی ربوده شد، وی بعدازملاقات باهیتلر در برچسگادن ، یك حکومت‌فاشیستی‌براساس‌جمهوری تشکیل‌داد واعلام کرد که‌جنگ‌را دوش بدوش‌آلمان ادامه خواهد داد .

روز ۸ سپتامبر که بایستی پیمان متارکه جنگ بمرحله اجرا درآید ، نیروی متفقین درساحل **کالابریا**[۳] (انتهای جنوبی شبه‌جزیره ایتالیا ـم). وحوالی‌بندر **سالرنو**[٤] پیاده‌شدند، مقاومت‌آلمانها بقدری شدید بود که وضع نیروی مهاجم درمخاطره افتاد ولی

۱–Badoglio ۲–Grand- Sasso ۳–Calabria ٤–Salerno

پشتیبانی ناوگان ونیروی هوائی متفقین وضع نیروهای زمینی را تقویت وتثبیت نمود و تا ۲۰ سپتامبر ارتباط ازراه خشکی بین قوای متفقین درکالابریا وسالرنو برقرارشد . ژنرال کسلرینگ فرمانده نیروی محوردرایتالیای جنوبی ازبیم طغیان سربازان جبهه خود را عقب کشید وباین ترتیب جبهه متفقین در ایتالیا تشکیل گردید . این جبهه هرچند که ازنظرمتفقین دردرجه دوم اهمیت قرارداشت بادوسال مقاومت لجوجانه آلمانها مواجه شد، نیروی آلمان درین مدت دربرابرسربازان انگلیسی وامریکائی وفرانسوی ولهستانی وبرزیلی بارشادت عجیبی پایداری کرد، درخلال این مدت جزیره **ساردنی** روز ۲۲ سپتامبرو جزیره **کرس** دراوایل اکتبر ۱۹۴۳ بتصرف متفقین درآمد .

نبرد روسیه درسال ۱۹۴۳

نبردهای پائیزوزمستان درجبهه قفقازواستالینگراد برای آلمان بقیمت ازدست‌دادن یك‌میلیون سربازتمام‌شد وارتش‌سرخ که روز بروز نیرومندترمی‌شد آلمانها را از مواضع اولیه خود که در سال ۱۹۴۲ بدست آورده بودندعقب‌تر راندودرپایان صحنه‌های‌دلخراش جنگهای‌این‌جبهه‌فقط‌یك نقطه‌اتکای کوچك درمصب رود قوبان برای‌آلمانها باقی مانده بود(فوریه۱۹۴۳). از ۱۴ فوریه ببعد راستف و**لوگانسك**[1] و کورسك‌وسپس‌خارکف‌بوسیله‌ارتش‌سرخ آزاد گردیدو باپوشش‌کامل‌ناحیه‌خارکف‌نزدیك‌بود که‌خط‌ارتباط نیروهای آلمان‌در کریمه‌باخشکی‌قطع شود. فن‌مانشتین‌دردورهٔ‌فترتی که‌بعلت شروع‌ذوب‌یخ‌درعملیات‌جنگی حاصل شد به‌ترمیم قوای خودپرداخت‌وباردیگر بحملات‌متقابله دست‌زد وباکمك واحدهای زرهی وموتوریزه مجدداً خارکف و**بیلوگورود**[2] را متصرف شد و طرفین خودرا برای نبردهای تابستان آماده کردند .

نیروهای آلمان مرکب‌از۳۸ لشکر که۱۷ لشکر آن زرهی بوددرناحیه بیلوگورود

۱- Lugansk ۲- Bielogorod

بحملات شدیدی‌دست زدند واز۵ژویه ۱۹۴۳ ببعد با عصبانیت فوق‌العاده بمواضع ارتش سرخ هجوم بردند وعصبانیت آلمانها وسرسختی روسهاتلفات سنگینی ببارآورد . روز۲۱ ژویه روسها بحمله متقابله دست زدند و۵اوت به اورل‌و بیلوگورود رسیدند و باضربتهای پی‌درپی درتمام طول جبهه آلمانها را بستوه‌آوردند. خبرگزاری آلمان‌ادعا کرد که‌ارتش سرخ ازلحاظ تعداد سربازومهمات واسلحه برنیروهای آلمان درجبهه شرق برتری‌یافته است . خارکف روز۲۵ اوت و **تاگانروك**[۱] روز۳۰،**استالینو**[۲]درتاریخ پنجم، **بریانسك** درچهاردهم، **نووروسیسك**[۳] و **ماریوپل**[٤] درشانزدهم ،**پلتاوا**[۵] در۲۳ واسمولنسك در۲۵ سپتامبر بدست ارتش سرخ افتاد درحالیکه شهراخیربکلی‌ویران شده بود . جبهه آلمانها پی‌درپی‌تغییرمی کرد ونیروی آلمان ازحالت تعرض وحمله بحال دفاع برمی گشت . در اوایل اکتبر روسهاازرود دنیپر گذشتند وباوجودپایداری‌شدیدآلمانها حوضه‌صنعتی‌مغرب شامل‌شهرهای **دنیپروپطروسك**[٦] و کیف‌وژیتومیرو **کوروستن**[۷] راازا۲۵ اکتبر تا۱۹ نوامبر آزاد کردند . فن مانشتین پس از حمله متقابله شدیدی توانست کوروستن وژیتومیررا تصرف کند ولی‌ازطرف دیگرارتش سرخ در۲٦ نوامبر **گومل** را ازآلمان گرفتند .

آرامش‌جبهه‌شوروی‌دراواخر نوامبرچندان‌طول نکشید ودر۲٤ دسامبرارتش‌سرخ که بانیروهای‌جدیدی‌مجهزشده‌بود حمله راآغاز کرد وقبل‌ازپایان‌سال‌ژیتومیرو کوروستن را باز گرفت وتا **لوتسك**[۸] **وراونو**[۹] پیش‌راند . درآغازژانویه۱۹٤٤ روسها بخط‌جبهه‌اصلی خود رسیده وهمه جاواحدهای آلمان تحت محاصره درآمده وازکارافتاده وفقط واحدهای معدودی توانسته بودند ازضربتهای ارتش سرخ نجات یابند . لنینگراد بکلی‌آزاد وروز ۲۰ مارس ۲۰ لشکر آلمانی‌ورومانی‌درناحیه‌رود **بوگ**[۱۰] محاصره‌ومنهدم‌شدند، **سرنوویتر**[۱۱]

۱- Taganrog ۲- Stalino ۳- Novorossisk ٤- Mariopol ۵- Poltava
٦- Dniepropetrovsk ۷- Korosten ۸- Loutsk ۹- Rovno ۱۰- Bug
۱۱- Cernowitz

درتاریخ۲۷ **مارس**،ادسا در۱۱آوریل تسخیرو کریمه ازسربازان آلمانی بکلی پاك شد و سباستوپول در۱٤ مه۱۹٤٤ آزاد گردید.

چون هورتی نایب السلطنه مجارستان اظهارداشته بود که نیروی نظامی آن کشور ضعیف وناتوان شده، نیروی آلمان روز۱۸ مارس مجارستان را اشغال و بدستور هیتلر یك حکومت تابع آلمان در آن کشور برقرار کرد. واحدهای مجاردراواخر آوریل درجبهه رومانی در برابر روسها بمقاومت پرداختندو چندواحدمجار نیز به جبهه لووف لهستان اعزام شدندو آلمانها توانستند بطورموقت **تارنوپل**[1] را ازروسها پس بگیرند ولی عقب نشینی ارتش سرخ چندهفته بیش طول نکشید ودرهمین هنگام نیروهای متفقین درنرماندی (شمال فرانسه) پیاده شدند.

نبردهای دریائی وهوائی

ضمن اخبار مخصوص تبلیغاتی آلمان پیوسته از غرق و نابودی میلیونها تن ازناوگان و کشتی های تجارتی متفقین داستانهائی با آب وتاب تمام منتشرویا ازساختن میلیونها تن کشتی در کارخانه های آلمان که در بهار۱۹٤۳ بآب اندخته خواهندشد بحث می شد، ایجاد جبهه جنگ افریقا وبعداً آغازنبردهای ایتالیا مانع از آن بود که آلمان بتواندبا وجود افزایش عده زیردریائی های خود خسارات موثری به متفقین وارد سازد بخصوص که متفقین تعداد بیشتری ناوجنگی همراه کاروانهای دریائی روانه می کردند وناوهای آنان مجهز به رادار گردیده بود و میتوانست به شکار زیردریائی های آلمان بپردازد. چون فرمانده نیروی دریائی آلمان با وجود کوشش بسیارنتوانست برای مقابله با رادارمتفقین چاره ای بیندیشد، از۳۰ژانویه۱۹٤۳ دریادار دونیتز بجای دریادار ریدر بفرماندهی نیروهای دریائی منصوب شد ودستورداد که کلیه زیردریائی های آلمان به پایگاههای خود بر گردندتا برای

۱- Tarnopol

جنگ‌های بعد مجهز و آماده شوند . این امر نشاندای از ضعف و ناتوانی نیروی دریائی آلمان بود ومقایسه مقدارضایعات وتلفات متفقین درجنگهای دریائی سالهای۱۹٤۱و٤۲ و٦ ماهه اول سال ۱۹٤۳ باششماهه دوم سال اخیراین ضعفرا نشان‌میداد .

رزمناونیرومند آلمانی،**شارنهورست** که اسماً ۲٦۰۰۰ وعملا۳۱۳۰۰ تن ظرفیت داشت درحوالی دماغه‌شمالی بوسیله‌ناوگان بریتانیا غرق گردیدوبمباران آشیانهٔ زیر- دریائیها وپایگاههای دریائی وتخریب وانهدام مهمات ومواددووسائل جنگی آلمان باشدت بوسیله متفقین تعقیب می‌شد، ازآوریل ۱۹٤۳ ببعد تفوق نیروی هوائی متفقین برنیروی آلمان آشکاروبمباران مراکزاقتصادی و صنعتی وطرق‌ارتباطیه آلمان جزونقشه جنگی متفقین وزوز بروز برکمیت و کیفیت هوا پیماهای شکاری وبمب افکن آنان افزوده‌شد. هزاران هواپیمای بمب افکن‌روزوشب‌صدها هزار بمب‌محزب وآتش‌زا بربرلین‌وهامبورگ ومراکزصنعتی رروهرورنانی فروریختند ولی ضایعات وخسارات وارده‌هرچند که‌سنگین بود موجب نابودی قطعی صنایع جنگی و غیرجنگی آلمان نشد ، زیرا مراکزصنعتی آلمان متفرق بودونیروی‌هوائی آلمان ازآنها باسرسختی‌دفاع می کرد وقدرت کارگری آلمان خسارات وارده را طی چند هفته ترمیم وبا نقل وانتقال سریع کارخانه‌ها از نقطهٔ بنقطهٔ دیگرهمچنان سیادت اقتصادی و صنعتی خود را حفظ میکرد ولی خرابی وارده بر شهرها وتلفات افراد غیرنظامی آلمان مهم وقابل‌ملاحظه بود .

نبردهای ایتالیا

دامنهٔ‌حملات‌هوائی‌متفقین‌تامراکزصنعتی‌جبهه‌غرب‌وچکسلواکیا واطریش وشمال‌ایتالیا که تحت استیلای آلمانها بود وبرای آنها کارمیکردند توسعه‌یافت‌وپس‌ازایجادجبهه متحدی درشبه‌جزیره ایتالیاروزاول اکتبر۱۹٤۳ بندرناپولی (ناپل) بتصرف‌متفقین‌درآمدوپیشروی آهسته‌ولی مداوم متفقین درمنطقه کوهستانی شبه‌جزیره باشرایط نامساعدجوی‌همچنان‌ادامه یافت.

روز۲۲ژانویه۱۹٤٤ دسته‌های ارتش متفقین در۵۰ کیلومتری جنوب شهررم بساحل‌پیاده شدند ولی‌در اثرسرعت عمل وپایداری شدید ژنرال کسلرینگ فرمانده قوای آلمانی نتوانستند پیشروی کنند وفقط یك‌نقطه اتکای کوچك درمحل **آنزیو**[۱] دردست متفقین باقی‌ماند. مقاومت آلمانها درناحیه کوهستانی **کاسن**[۲] نیزبسیار شدیدبود ومتفقین برای راندن‌آلمانها ازآن‌ناحیه مجبوربه حملات سنگین وبکارانداختن توپخانه بسیارنیرومندی شدند(۱۷مه۱۹٤٤) سرانجام علیرغم پایداری لجوجانه آلمانهاارتباط زمینی‌متفقین‌بین جبهه‌جنوب ایتالیاونقطه اتکای‌آنزیو برقرار وشهررم درمعرض تهدیدقرار گرفت،آلمانها جبهه خود را از اطراف رم‌عقب کشیدند و سربازان امریکائی روز۵ ژوئن وارد رم‌شدند، پیشروی متفقین بشمال‌ادامه یافت‌و بلاد: **آسیز**[۳] روز۱۸، **پروز**[٤] روز۲۱، **سین**[۵] در۳ ژوئیه **فلورانس**[٦] روز۲۲اوت بتصرف آنان‌درآمدوآلمانهادرخط **گوتیگ**[۷] یعنی‌خط‌بین‌بندر **ری‌مینی**[۸] وبندر **اسپتسیا**[۹] که‌ازجنوب **بولونی**[۱۰] میگذرداستقرار یافتند وجنگهای ثابت‌موضعی درتمام طول‌پائیز سال۱۹٤٤ وزمستان ۱۹٤۵ ادامه‌یافت، شهر**راونا**[۱۱] در ۲۵دسامبر۱۹٤٤و**فانتسا**[۱۲] در۲۷ آن‌ماه بتصرف‌متفقین‌درآمدوبااینکه‌درین‌موقع‌دسته‌های نیروی فرانسه آزاد در کوههای آلپ ونیروهای متفقین در سواحل **ریویرا**[۱۳] استقرار یافته‌بودند تاآوریل۱۹٤۵ دروضع جبهه‌های متخاصمین تغییر مهمی حاصل‌نشد.

وضع داخلی از۱۹۴۱ تا ۱۹۴۳

درآغاز جنگ آلمان‌وشوروی، هرچند که بعضی‌ازسران‌نظامی ورجال سیاسی آلمان سازش باشوروی را برجنگ باآن دولت ترجیح‌میدادند، ملت آلمان به‌پیروزی‌سریع‌وقاطع برشوروی‌اعتماد واطمینان داشت وتبلیغات پرسرو صدای دستگاه تبلیغاتی دولت

۱- Anzio ۲- Cassin ۳- Assise ٤- Perouse ۵- Sienne ٦- Florence

۷- Gothique ۸- Rimini (درساحل شرقی‌شبه‌جزیره‌ایتالیا کنار دریای‌آدریاتیك ـم.)

۹- Spezzia (درساحل‌غربی شبه‌جزیره ایتالیاـ م) ۱۰- Boulogne ۱۱- Ravenna

۱۲- Faenza ۱۳- Riviera

براطمینان عمومی می‌افزود ولی همینکه دامنه جنگ بزمستان سال ۱۹۴۲ کشیده شد اولین آثار اضطراب عمومی در آلمان پدیدار و بااعلان جنگ آلمان به‌اتازونی خاطرات تلخ پایان نکبت بار جنگ‌اول درمیان ملت آلمان‌تجدید گردید، انفصال‌فن براوخیچ از سر فرماندهی ارتش و عزل عده زیادی ازسران نظامی ومصائب زمستان۱۹۴۲وانتشار لیست‌تلفات‌سنگین جنگ بتدریج حس‌تردید و بدبینی را درمردم ایجاد وتقویت نمود و پیروزیهای‌ژاپن براتازونی فقط‌عده‌معدودی‌را بآینده امیدوار ساخت. چون‌تلاش آلمان برای سازش باانگلیس بجائی نرسید، هیتلرمجدداً درصدد تقویت‌جبهه‌ضد کمینترن برآمدتااز آن راه ممالك بیطرف را در جرگه متحدین آلمان درآورد ولی در کنفرانس برلین‌مورخ نوامبر۱۹۴۱ که بدین‌منظورتشکیل‌شده‌بود نتیجه‌ای جزایجادشك‌وتردید درفتح نهائی آلمان حاصل‌نشد وحکومت آلمان برای‌مقابله با نارضایتی‌های مخالفین بر خشونت‌خود افزود.

پس از کشته‌شدن **هیدریخ**[۱] درپراگ(۲۸مه۱۹۴۲) که‌منجربه کشتاردسته‌جمعی عده کثیری ازچکها گردید دکتر **کالتنبرونر**[۲] بریاست گشتاپومنصوب گردیدو،علاوه برنواحی اشغال شده،درخاك آلمان نیزبرمراقبت خودنسبت بمردم افزود. روز۲۶ آوریل ۱۹۴۲ ریشستاگ‌کلیه‌اختیارات مربوط به‌قوه قضائیه کشوررا به‌هیتلرسپردوبدین‌ترتیب هیتلر تنها نیروی محرك آلمان ومیل واراده اوتنها قانون‌قابل اجرا شناخته‌شد. روز۹ فوریه پس ازمرگ دکتر **تودت** براثر یك سانحه، پروفسور **شپیر**[۳] بوزارت تسلیحات منصوب گردید وهیتلر قسمتی‌از اختیارات نامحدود خودواز جمله سرنوشت کارگران‌را باو سپرد.

۱- Haydrich ۲- Kaltenbrunner ۳- Speer

گوبلز بر وسعت وشدت تبلیغات خود افزود و با انتشار اخباری از قبیل اعدام ۱۲ هزار افسر لهستانی بوسیله شوروی در **کاتین**[۱] وشکست انگلیسها در نقشه پیاده کردن نیرو بساحل فرانسه وتکذیب خبرهای متفقین دایر به تسلیم بعضی از واحدهای آلمانی حداکثر تلاش خود را برای ایجاد تفرقه میان متفقین وتسلی خاطر مردم آلمان بکار می برد وضمناً بملت آلمان توصیه می کرد که بیش از پیش کار کنند و بمنظور آزاد گذاشتن جاده ها و وسائط نقلیهٔ برای حصول پیروزی نهائی از مسافرت زیاد صرفنظر نمایند، دست احزاب مختلف و منفرد ین بتدریج از امور مملکت کوتاه وکلیه مشاغل دولتی به افراد حزب نازی سپرده شد. از افراد سازمان SS که در سال ۱۹۳۹ بوجود آمد وشامل ۳۸ لشکر و ٤ تیپ بود در حدود ۲۵۰٫۰۰۰ نفر کشته شده بودند ولی تا سال ۱۹٤٤ در حدود ۹۰۰ هزار نفر آلمانی بسازمان مزبور پیوستند، این سازمان مراقبت اردوگاههای کار اجباری و نظارت بر کارگران خارجی ونگهبانی مناطق اشغال شده را بر عهده داشت.

حوادث ناگوار و کار وفعالیت زیاد بتدریج اعصاب پیشوا را فرسوده کرده وبر عصبانیت او افزوده ورفتار ناملایم واختلاف نظر او با همکاران قدیمی نشانه ای از این تغییر حال بود. از ۱۹٤۳ ببعد از نفوذ گورینگ در امور مملکت کاسته شد. روز ۳۱ ژانویه ۱۹٤۳ دریادار ریدر بعلت اختلاف نظر با هیتلر درباره استفاده از ناوگان وسیاست عمومی کشور از شغل خود بر کنار ودونیتز جانشین او گردید. ژنرال **گودریان**[۲] متخصص تانك وزره‌پوش که چندی از فرماندهی نیروی زرهی بر کنار شده بود در فوریه ۱۹٤۳ مجدداً بشغل اولیه خود بر گشت، این اقدامات که بمنظور ازدیاد اعتماد عمومی بعمل آمد نتوانست از یاس و نومیدی واحساس فلاکت ونکبتی که شکست‌های استالینگراد وجبهه شمال افریقا وتسلیم ایتالیا وازدست رفتن اوکرائین روسیه در مردم ایجاد نموده بود بکاهد وتنها گوبلز بود که

۱- Katyn ۲- Guderian

میخواست بزور تبلیغات فریبنده بااینگونه عوامل مبارزه کندولی‌اونیز، درعین حال که شکست آلمان راغیر قابل تصور ووقوع آنرا یکی از بزرگترین خطایای تاریخ بشری میشمرد، نمی‌توانست ازافشای‌حقایق تلخ‌جنگ واحتمال وقوع حوادث ناگوارتر آینده خودداری کند.

توسعه روزافزون بمبارانهای هوائی متفقین بر گرفتاریهای داخلی می‌افزودزیرا علاوه برلزوم ترمیم خرابیهای وارده انتقال سکنه نقاط ویران شده و نواحی خطرناك بمناطق امن‌در وسائل ارتباطیه مشکلات فراوان ایجادنموده بودمعذالك سربازان‌وافراد مردم‌هنوز دارای غذای کافی بودند وغالب ایالات آلمان بامحصولات داخلی احتیاجات خودرا رفع میکردند امااز طرف دیگر صدها هزارزن ومرد از اعقاب آلمانیهای ساکن روسیه جنوبی و کناره‌های دریای سیاه بآلمان منتقل شده ودر حالیکه مردان آلمانی در جبهه‌های جنگ بودند وجود ده‌میلیون اسیرجنگی وکارگران غیرآلمانی‌درآن کشور مردم‌را نسبت بتامین خوراك وپوشاك ومایحتاج آینده بیمناك ساخته‌بود ولی‌هیچکس دربرابر نیروی SS وپلیس، که‌هیملررئیس آن‌از۲۴ اوت۱۹۴۳ به‌وزارت کشور آلمان منصوب‌شده‌بود، یارای‌ابرازمطلبی‌نداشت ودرحقیقت پلیس‌رکن اعظم‌حکومت بود.

وضع کارگران و مسئله تبعید مقصرین سیاسی

هنگامیکه‌مسئله‌حمل‌ونقل آلمان رادچار مشکلات ساخته بود کمبود سربازنیز محسوس گردید وبا آنکه آلمان از سربازان رومانی‌وفنلاندی ومجار واسلواکی و ایتالیائی برای جنگ با شوروی استفاده می‌کرد ولی کشورهای اشغال شده ذخیره‌کافی برای جبران تلفات جنگ نداشتند. نقشه ایجاد یك ارتش روسی‌ضد بلشویك بفرماندهی **ولاسف**[1] چندان تأثیری در وضع

---

۱ – Vlassov

جنگ نداشت واسپانیا که وعده اعزام یك میلیون سرباز بآلمان داده بود فقط باعزام «**لشکر آبی**[1] » قناعت ورزید . عقیده سیاستمداران آلمان این بود که چون سربازان آلمانی خون خودرا برای نجات اروپاازخطر کمونیزم نثارمی کنند مردم اروپابایدلااقل ازلحاظ کاروکارگر آلمان را یاری کنند. درتمام مناطق اشغال‌شده، بطور مستقیم‌و یابدست‌حکومت‌های دست‌نشانده آلمان،زیرنظر **سوکل**[2] نماینده‌فوق‌العاده‌آلمان‌نقشه تهیه کارگر بمورد اجرا درآمد.نخست‌از کارگران ممالك‌اشغالی دعوت شد که‌آزادانه در کارخانه‌ها بکار گماشته شوندو باوجود تعیین دستمزد خوب‌و کافی چنانکه انتظار میرفت‌ازاین دعوت‌آزاد نتیجه بدست نیامد (از ۵ میلیون کارگر درمارس ۱۹٤٤ فقط ۲۰۰٫۰۰۰ نفر کارگر داوطلب‌بودند) آنگاه باتهدید کارگران بیکاربقطع‌حقوق‌ایام بیکاری‌وسپس باعنف‌واجبار وبالاخره بادستگیری فردی ودسته‌جمعی کارگران‌ممالك اشغال شده و اعزام آنان بآلمان و یا از منطقه‌ای بمنطقه اشغالی دیگر ، چرخهای عظیم ماشین جنگی آلمان با قدرت حیرت انگیزی بکار خود ادامه داد و با این ترتیب آلمان توانست همچنان تفوق خود را از لحاظ اسلحه جنگی بر متفقین حفظ و سلاحهای جدید سری وارد میدان جنگ کند . نتیجه چنان سیاستی ، اضمحلال‌نیروهای حیاتی‌ملل مغلوبه درمناطق‌اشغالی‌آلمان وعکس‌العمل آن، افزایش نیروی مقاومت مغلوبین وآثار حاصله ازمقاومت‌های محلی، خرابکاریها وسوء قصدهاو توطئه‌هائی بود که‌دقیقه‌ای مقامات اشغال کننده‌را راحت‌نمیگذاشت ، چنانکه‌درسالهای ۱۹٤۳و۱۹٤٤سربازان آلمانی‌درمناطق‌اشغالی‌هیچگاه‌برجان‌خودایمن‌نبودندوآنی‌اسلحه راازخود دورنمی کردند.

۲- لشکرآبی که‌افرادآن پیراهن‌آبی برتن داشتند جزئی‌از فالانژ مخصوص جنگهای‌داخلی اسپانیا بودکه برهبری ژنرال فرانکو و با کمك آلمان برای استقرار حکومت دیکتاتوری فرانکو جنگیده بودند- م . ۲- Sauckel

نبردهای تابستانی در جبههٔ غرب

روزششم ژوئن ۱۹۴۴ که نیروی انگلیس و امریکا در سواحل شمالی فرانسه (نرماندی) پیاده‌شدند[۱] دفاع‌ازجبهه ثابت‌آلمان در نواحی‌ساحلی فرانسه برعهده‌ژنرال **بلاسکوویتز**[۲] واداره‌نبردهای متحرك بارومل وفن‌رونشتد بودولی استحکامات ساحل‌فرانسه یا « دیوار اتلانتیك » نمی‌توانست مدت زیادی در برابر بمباران شدیدبمب‌افکن‌هاو آتش‌توپخانه دریائی‌متفقین پایداری کند، بخصوص که نیروی هوائی‌و چتربازان متفقین ودسته‌های پارتیزانی‌فرانسه عملیات تخریبی رادر پشت جبهه آلمانها باشدت ادامه‌میدادند. قبل‌ازوصول قوای کمکی به‌آلمانها، متفقین‌جنگ رابرده وبرنوار ساحلی مسلط شده بودند ولی آلمانها با۱۵لشکر مجهز ازمواضع خود باسرسختی‌دفاع می کردند. از۱۵ژوئن برفشار نیروی‌متفقین افزوده شد ، انگلیسها برای‌تصرف **کائن**[۳] وامریکائیها برای تسلط‌بر **کوتانتن**[۴] بحملات شدیدی دست‌زدند، کوتانتن‌در۱۷ ژوئن وبندر نظامی معروف فرانسه **شربور**[۵] پس‌از یك‌محاصره۵روزه‌در۲۷ژوئن بتصرف‌متفقین درآمد. آلمانها برای خنثی کردن یالااقل تخفیف درانعکاس پیروزی متفقین در شبهای ۱۲و۱۳ ژوئن‌ازسلاح جدید انتقامی خود یعنی(V۱)[۶] برعلیه انگلستان استفاده کردند و متفقین بلافاصله مراکز پرتاب‌سلاح جدید آلمان رامورد بمباران‌شدیدقراردادند.

روز۸ژوییه، فن کلوگ بجای‌رونشتد بفرماندهی نیروهای ساحلی آلمان منصوب وبرپایداری آلمانها افزوده‌شد وفعالیت زیردریائیهای آلمان‌خسارات زیادی‌به‌کاروانهای دریائی متفقین واردمی‌ساخت، واحدهای جدیدی نیزازایتالیا وجنوب فرانسه به نیروی آلمان پیوستند اماپارتیزانهای فرانسه برفعالیت‌خود افزودندوارتباط وحمل‌ونقل آلمانها

---

۱ – تفصیل این واقعه در بخش مربوط به اتازونی خواهد آمد . ۲ – Blaskowitz
۳–Caen ٤–Cotentin ٥- Cherbourg ٦–(V۱) بمب یابعبارت‌دیگرموشك‌پرنده‌ای بود که بوسیله فشارگاز پرتاب می‌شد ولی اثرتخریبی وهدف‌گیری‌آن چندان زیاد نبود .

رامختل می کردند. نیروهای آمریکائی **کارنتان**[۱] رادر۲۹و **گرانویل**[۲] و **آورانش**[۳] رادر۳۰ژوئن متصرف شدند وسپاه زرهی ژنرال **پاتن** از معبر طبیعی آورانش، که براثر خبط فن کلوگ درمانور جنگی خود بروی امریکائیها بازشده بود، بسرعت گذشتندو شهرهای **رنس**[٤] رادر ۳اوت و **برتانی**[٥] رادر۷اوت اشغال کردند، تلاش فن کلوگ با٤ لشکرزرهی برای‌جلوگیری ازپیشروی امریکائیها بجائی نرسید وشهر **مان**[٦] در۹وبندر **نانت**[۷] و شهر **آنژر**[۸] در۱۱ اوت بدست نیروی امریکا افتاد. انگلیسها نیز پیشروی کردند ونیروهای آلمان در محوطه‌ای بعرض۲۰ کیلومتر در فاصله بین **ارژانتان**[۹] و **فالز**[۱۰] بهم‌فشرده شدند وزیر بمباران شدیدنیروی هوائی متفقین و بادادن تلفات سنگین عقب‌نشستند. روز۱۵ماه‌اوت یك‌لشکراول‌فرانسوی‌بفرماندهی ژنرال **دولاتردوتاسینیی** ولشکرامریکائی **پاچ**[۱۱] درساحل فرانسه درمدیترانه بین‌**سن‌رافائل**[۱۲] ودفاعه **کامارا**[۱۳] پیاده شدند. استحکامات ناچیز آلمانها و مقاومت ضعیف آنان بزودی در هم شکسته و **دراگینیان**[۱٤] روز۱۸و **اکس‌آن پروانس**[۱٥] روز۲۲ فتح‌شد، نیروی فرانسه روز ۲۳ به **مارسی** و امریکائیهابه **گرنوبل**[۱٦] رسیدند. **ارل**[۱۷] و **تاراسکون**[۱۸] و **اوینیون**[۱۹] روز ۲٦، **تولون** روز ۲۷، **نیم**، در ۲۹، **مونپلیه** و **بزیر**[۲۰] و **والانس** در۳۱ اوت آزاد شدند.

درجبهه‌شمال‌مقاومت آلمانهادرهم‌شکسته‌شد. **اورلئان** و **شارتر**[۲۱] و **درو**[۲۲] روز۱۷

۱- Carentan ۲- Granville ۳- Avranches ٤- Rennes ٥- Bretagne

٦- Mans ۷- Nantes ۸- Angers ۹- Argentan ۱۰- Falaise ۱۱- Patch

۱۲- St Raphael ۱۳- Camarat ۱٤- Draguignan ۱٥- Aix - en Provence

۱٦- Grenoble ۱۷- Arles ۱۸- Tarascon ۱۹- Avignon ۲۰- Béziers ۲۱- Chartres

۲۲- Dreux

اوت، **مونتارژی**[۱] و **ملن**[۲] روز۲۰ اوت بتصرف‌سپاه‌سوم امریکا ، که لشکر فرانسوی ژنرال **لکلرک** نیزجزوآن‌بود، درآمد وسپاه‌مزبور دردونقطه **مانت**[۳] و **ورنون**[٤] از رود **سن** گذشت ونیروی انگلیس به **لیزیو**[٥] رسید.

آلمانها در پاریس ازروز۱۷ اوت باقیام و شورش عمومی مواجه شدند[٦] و نیروی فرانسوی لکلرك شب۲٤اوت بپایتخت فرانسه رسید و روز۲٥ژنرال **شولتیتز**[۷] فرمانده نیروی‌آلمان قرار داد تسلیم پاریس را امضا کرد، عصرآن روز ژنرال دوگل و روز ۲۷ **ایزنهاور** واردآن شهرشدند. نیروی انگلیس روز۲۹ازرودسن گذشته پس‌ازسه روزوارد خاك‌بلژیك شدو **بروکسل** رادره سپتامبرو **انورس** رادر٦ تصرف‌کرد ونیروی امریکا روز۲سپتامبر وارد **وردن** شد .

درجبهه جنوب ، **نیس** روز۲سپتامبر، **لیون** در٤، **ماسون** در٦، **نبرانسون** در۱۰ آزادشدند ونیروهای آلمان برای‌جلوگیری ازانهدام خوددرجنوب غربی‌فرانسه‌باسرعت مناطق اشغالی راتخلیه، بعضی‌واحدهای کوچك باسپانیا عقب‌نشینی کردند و واحدهای دیگری دربنادر اقیانوس اطلس‌متمرکز شدند وواحدهای دیگرباتلاش بسیار ودر برابر ضربت‌هائی که نیروی مقاومت داخلی فرانسه برآنها وارد می‌آورد خود را بسوی شمال شرقی فرانسه کشاندند.

روز۱۳ سپتامبرنیروهای شمالی‌وجنوبی متفقین‌درنزدیکی **سومبرنون**[۸] بهم‌رسیدند ودرهمین روزنیروهای امریکائی درمحل **تروه**[۹] بخاك آلمان واردشدند. انگلیسهادرنیمه سپتامبر حوضه‌سفلای رود**موز**[۱۰] رامحاصره وامریکائیهابطرف‌حوضه **راین** (رن)پیشروی

۱- Montargis ۲- Melun ۳- Mantes ٤- Vernon ٥- Lisieux ٦- تفصیل این قیامها دربخش مربوط بفرانسه ذکرشده است . ۷- Choltitz

۸- Sombernon ۹- Trèves ۱۰- Basse-Meuse

کردند وواحدهای مختلط امریکائی وفرانسوی در کوهستان **وژ**[1] به‌معبر **بلفر**[2] رسیدند درین گیرودار ۶۰۰۰۰۰ سرباز آلمانی اسیر شدندولی هنوزواحدهای آلمانی در بعضی از بنادر شمالی مانند **دونکرك**، **لوریان**، **سن نازر**، **روشل** و **رویان**[3] وجزایر **اولرن**[4] و **آنگلونورماند**[5] و منطقه مغرب فرانسه مواضع خود را حفظ کرده بودند و چون ساحل راست ناحیه مصبی رود **اسکو**[6] را دردست داشتند ازاستفاده متفقین ازشهر وبندرداخلی آنورس دربلژیك جلوگیری وازتمرکزوتقویت نیروهای متفقین جلوگیری می کردند. از روز ۱۶ سپتامبر مارشال فن رونشتد فرماندهی نیروهای آلمان را در جبهه آلمان بر عهده گرفت.

حملات ارتش سرخ در ۱۹۴۴

روسها روز ۹ ژوئن درناحیه **کارلی**[7] حملات قطعی و نهائی خود را برای تصرف فنلاند وروز ۲۲ ژوئن، که سومین سال حمله آلمان بروسیه بود، درجبهه واقع بین ویتبسك وموهیلف حمله شدیدی برعلیه نیروهای آلمان آغاز کردند وطی ۱۵ روز نبردهای بسیارشدیدی در گرفت ونیروهای آلمان دربرابر اسلحه ومهمات هنگفتی که روسها بکار بردند خسته ودرمانده شدندودامنه این حملات متدرجاً وسعت یافت وروز ۱۵ ژوئیه درجبهه بین **لوتسك** و **تارنوپول** درمحاذات شهر **لووو** (لهستان) حمله دیگر روسها آغاز ومواضع آلمانها یکی پس ازدیگری بوسیله روسها تصرف شد، **اورشا**[8] موهیلف، ویتبسك روز ۳۰ ژوئن، مینسك روز ۵ ژوئیه، **کوول**[9] روز ۶، **پینسك**[10] روز ۱۵، **گرادنو**[11] روز ۱۷ ژوئیه آزادشدند وارتش سرخ پس ازعبورازمرزسال ۱۹۳۸ روسیه ولهستان، روز ۲۷ به **لوبلین** وروز ۲۸ به **پرزمیسل**[12] و **یاروسلاو** واردشدند. **بیالیستوك** و **برست لیتوفسك** و **لووو** روز ۲۹

Anglo- Normandes –۵ Oleron –۴ Royan-۳ Belfort-۲ Vosges –۱

Przemysl-۱۲ Grodno-۱۱ Pinsk–۱۰ Kovel–۹ Orcha-۸ Carélie–۷ Escaut-۶

ژویه، **سیلدس**[۱] روز اول اوت و **ساندومیر**[۲] روز ۲۱ اوت بتصرف ارتش سرخ درآمد. روسها حوضه رود ویستول را ازمحل **سان**[۳] تا نزدیك ورشو اشغال ودرسه محل مواضعی برای دفع حملات آلمانها ایجاد کردند. درورشو فعالیت نهضت مقاومت برهبری ژنرال **بور**[٤] از هواداران حکومت لهستان آزاد، که مرکز آن لندن بود، شدت یافت و با کمکهائی که بوسیله نیروی هوائی انگلیس به لهستانیها میرسید تا دوم اکتبر بادادن تلفات سنگین در برابر آلمانها مقاومت ورزیدند و این جنگهای محلی ویرانی ورشو را بحد کمال رسانید.

ارتش سرخ روز ۲۵ اوت وارد پروس شرقی آلمان شدودرجبهه شمال **پولوتسك**[٥]، ویلنا، **ناروا** و **دوینسك**[٦] و **کوونو**[۷] را از ۵ ژویه تا اول اوت آزاد کردند. درجبهه جنوب پس ازحملات شدید ده روزه، **یاسی**، **گالاتز**، برائیلا، کنستانزا و **پلوئستی**[۸] وتمامی منطقه نفت خیزرومانیا بتصرف روسها درآمدو ۱۲ لشکر آلمانی ورومانی محاصره شدند، پیمان متارکه جنگ با دولت رومانیا روز ۲۳ اوت وبا فنلاند روز ٤ سپتامبر وبا بلغارستان روز ٦ سپتامبر منعقد وروز اول سپتامبر **بخارست** (پایتخت رومانیا) بوسیله روسها اشغال شد و بلافاصله هرسه دولت مزبور با آلمان وارد جنك شدند.

جبهه مرکزی تا پایان سال تقریباً آرام بودولی در کرانه‌های بالتیك وپروش شرقی نبردهای شدیدی برای راندن آلمانها از آن ناحیه جریان داشت. **ریگا**[۹] در ۱۳ اکتبر آزاد وبندر **ممل** در ۱۵ اکتبر محاصره شد، واحدهای متفرق آلمانی همه‌جا مورد تعاقب ارتش سرخ وسربازان فنلاندی قرار گرفته بودند، **پتسامو**[۱۰] روز ۱۷ و **کیرکنس**[۱۱] روز ۲۵ اکتبر بتصرف روسها درآمد وآخرین واحدهای آلمانی ازفنلاند به شمال نروژرانده شدند.

۱- Sieldce ۲- Sandomir ۳- San ٤- Bor ٥- Polotsk ٦- Dvinsk
۷- Kovno ۸- Ploesti ۹- Riga ۱۰- Petsamo ۱۱- Kirkenes

پیشرفت ارتش سرخ در جبهه جنوب موجب تماس و ارتباط آنها با نیروهای ملی یوگسلاوی بفرماندهی مارشال **تیتو**[1] درمحل **نگوتین**[2] گردید (۱۵ سپتامبر) وچون آلمانهادریوگسلاوی، برای‌بازنگاهداشتن‌خطارتباط نیروهای‌خوددرشبه‌جزیره‌بالکان، با سرسختی عجیبی ازمواضع خود دفاع می کردند خونین‌ترین نبردهای سال درحوضه رود دانوب جریان یافت. **بلگراد** روز۲۱ اکتبر آزادو **بوداپست** که‌آلمانها باحرارت‌وتهور خارق‌العاده‌ای ازآن دفاع می کردند روز۲۶ دسامبرمحاصره شد. روز۱۵ اکتبرهورتی نایب‌السلطنه مجارستان تصمیم به‌متارکه جنگ گرفته بود ولی‌آلمانها اورا دستگیر و بآلمان اعزام وحکومت جدیدی بدست رهبرجمعیت‌صلیب‌شکسته‌مجارستان، که‌طرفدار ادامه‌جنگ‌بود، ایجاد نمودند.

یونان براثرقیام عمومی مردم وباکمک‌نیروی‌انگلیسی که‌بوسیله‌هواپیما و کشتی بخاك آن کشورپیاده شده بودندازتسلط آلمانها آزاد گردید وبازگشت محنت‌بارنیروهای آلمانی رادر کوهستانهای سربلند بالکان‌درطول‌جاده‌های پرپیچ وخم ودرحالیکه‌پیوسته درمعرض حمله و ضربات شدید نیروهای محلی بودند یکی از دردناکترین صحنه‌های جنگ‌آلمان بایدشمرد.

توطئه برعلیه هیتلر

موفقیت متفقین در پیاده کردن نیروبساحل فرانسه بی پایه بودن افسانه شکست ناپذیری دژمستحکم‌اروپارا ثابت کرد وباردیگر حوادث سال ۱۹۱۸ ومرارتهای آن را درنظرملت آلمان مجسم ساخت. اکثر مردم معتقد شدند که باید حکومت آلمان تغییر کند وپیش ازآنکه ارتش‌آلمان بکلی نابود وخاك‌آن کشور بوسیله دشمن اشغال شود وبخصوص قبل ازورود ارتش سرخ‌بخاك‌آلمان حکومتی روی کاربیاید که بجنگ خاتمه

۱- Tito ۲- Negotin

دهدولی هیتلروسایرزعمای حزب نازی همچنان پای بند عقاید خودومدعی بودند که «هرگز تسلیم نخواهند شد» ودرعین حال که هیچگونه دریچه اطمینانی درسیاست زوروفشارخود باقی نگذاشته بودند با کمال خوش بینی عقیده داشتند که هرگزاحدی درصدد انهدام رژیم حکومت آلمان برنخواهد آمد. زمامداران آلمان که هرگز راضی بـه واگذاری قدرت و حکومت بدیگران نبودند هنوزبشکست دشمنان آلمان امیدواروبا اتکای به سلاحهای جدیدمانند V۱ و V۲ در صدد بودند که بزورپلیس ازهرگونه مقاومت و مخالفت داخلی جلوگیری کنند، بکاربردن سلاح V۱ ونیزسلاح V۲ که نخستین باردر ۸ سپتامبر ۱۹٤٤ بکاررفت روزنه امیدی بروی مردم آلمان باز کرد ولی از نظرجنگی ونظامی تاثیر مهمی نداشت ازدیگرطرف هرروزوهرشب هزاران بمب آتش زا برسرمردم آلمان ریخته می شدوتعداد تلفات مردم غیرنظامی به چندین صدهزار نفررسیده، ویرانی شهرهاو مراکزفلاحتی وصنعتی و وسائل حمل ونقل وطرق ارتباطیه زندگی رابرمردم دشوارساخته بود وبتدریج فکر لزوم جلوگیری ازانهدام قطعی وهرماخت (ارتش آلمـان) و کشورآلمان درمیان ملت رشد ونمومی کردوجنبهٔ عمومی می یافت .

روح مخالفت بارژیم نازی ازمدتها پیش درآلمان رخنه کرده بود وروزبروزتقویت می یافت وسرانجام ، پس ازاینکه سیاست جنگجویانه نازیها آشکارومسلم شد، مخالفتهای فردی بصورت مخالفت دسته جمعی درآمد وعده ای از رجال وسیاسیون و افراد برجسته ومتنفذ طبقات مختلف کم وبیش دراین مخالفت همداستان شدند . دکتر **گردلر**[۱] شهردار لیپزیگ از طبقات بورژوا وصاحبان صنایع ، ژنرال **فن بك** ازطبقه افسران عالیرتبه ، **لوچسنر**[۲] ازطبقه کارفرمایان، **گرستن مایر**[۳] ازروسای فرقه پرتستان، کنت **پریسینگ**[٤] کشیش بزرگ برلین، **پررش**[٥] رئیس ژزویتهای مونیخ از کاتولیکها جزومخالفین سرسخت رژیم

۱ – Goerdeler ۲ – Leuchsner ۳ – Gerstenmayer ٤ – Preysing

٥ – Père Roesch

آلمان بودند . در آغاز جنگ جبهه‌ای از مخالفین در ستاد کل ارتش آلمان برهبری امیرال **کاناریس**[1] رئیس سازمان ضد جاسوسی تشکیل و بادست آن افسر اقدامات گشتاپو که برای جستجوی مخالفین بعمل می‌آمد خنثی می گردید. کنت **هلموث فن مولتکه**[2] دراملاك خودواقع در **کریزاو**[3] نمایندگان جبهه‌های مخالف بارژیم را باستثنای نمایندگان فرقه کمونیست جمع آوری نمود وجبهه واحدی تشکیل داد. ارتباط وتماس این جبهه با سایر دسته‌ها و افراد مخالف بسهولت انجام گرفت . دکترشاخت نیزدرپشت پرده بااین جبهه همکاری داشت اماهمکاری افراد جبهه بخصوص دردوره فتوحات آلمان نامنظم بود. کمی بعد گروهی مخالف مرکب از **فن بك**، **فالکن‌هاوزن**[4]، فن **شتول‌پناگل**[5] **فن ویتزلبن**[6]، **هوپنر**[7] ، **واگنر**[8] و **لیندمان**[9] دورژنرال **اولبریخت**[10] رئیس تدارکات ارتش گرد آمدندوپس از آنکه ارتباط وهمکاری جبهه بااین گروه ومحافل غیرنظامی برقرار گردید ازاواخرسال ۱۹۴۲ نقشه یك کودتا درجبهه مخالف بطورسری موردبحث قرار گرفت. اما سوءقصدهای ناشی ازتصمیمات مخالفین درسال ۱۹۴۳ کشف و باشکست مواجه گردید و این شکستها درروحیه اعضای جبهه مخالف خالی ازتاثیر نبود. درآغازسال ۱۹۴۴ گشتاپو ازفعالیتهای غیرمستقیم جبهه مخالفین تاحدی آگاه شد وبلافاصله کنت فن مولتکه در ژانویه وعده زیادی از اعضای اتحادیه‌های کارگری وکارفرمایان در ماه ژوییه دستگیر و زندانی شدند .

کلنل کنت فن **شتاوفنبرگ**[11] رئیس ستادقوای ذخیره آلمان ازطرف هیئت اجرائیه جبهه مخالف تهیه تدارکات لازم را از لحاظ اسلحه و مهمات برای انجام توطئه برعهده گرفت، طبق نقشه مزبورمیبایستی ارتش قدرت را دردست بگیرد ونیروی SS را از کار

۱- Canaris ۲- Helmuth von Moltke
۳- Kreisau ۴- Falkenhausen
۵- Stulpnagel ۶- Witzleben ۷- Hoppner ۸- Wagner ۹- Lindman
۱۰- Olbricht ۱۱- Stauffenberg

بیندازد ومارشال‌فن **ویتزلبن** بزمامداری آلمان‌منصوب‌شود. روز۲۰ژوییه۱۹٤٤ ، دراطاق کارهیتلر درمقرستاد کل‌ارتش آلمان (خارج برلین) بمبی بوسیله شتاوفنبرگ گذاشته شد وخود اوباهواپیما به‌برلین‌رفت . درنتیجه انفجاربمب عده‌ای ازافسران آلمانی که برای مشورت دراطاق‌کارهیتلر گردآمده بودند کشته ویا بشدت زخمی شدند وسروشانه راست هیتلر نیزمجروح گردید. بلافاصله‌ستادجبهه‌مخالفین‌انجام توطئه ومرگ هیتلر را اعلام نمود وبیکی ازواحدهای‌پادگان برلین دستورداد که کلیه‌ابنیه دولتی‌را محاصره وتصرف کنند ولی‌یکی ازفرماندهان‌پادگان که‌نسبت‌بحکم مزبورسوءظن حاصل کرده بود به‌ستاد کل ارتش آلمان تلفن کردولحظه‌ای بعد گوبلز نیز بوسیله تلفن باستاد کل تماس گرفت وبدین‌ترتیب‌توطئه کشف‌ودستگاه دولت باسرعت‌مشغول‌کارشد. عده‌ای ازتوطئه کنندگان وقتی از زنده بودن هیتلر اطلاع یافتند شرکت خود را در توطئه انکار کردند. فن‌بك فوراًخود کشی کرد، ژنرال اولبریخت و شتاوفنبرگ وسایرسران توطئه دستگیروفوراً اعدام شدند .

چند ساعت بعد ازانفجاربمب، هیتلر برای آنکه سلامتی‌خود را باطلاع‌عموم‌برساند نطق مختصری درراديوايراد کرد . هیملربفرماندهی کل‌نیروهای داخلی‌آلمان‌و گودریان بریاست‌ستادارتش منصوب‌شدند. گوبلزومطبوعات‌و کلیه‌دستگاههای‌تبلیغاتی‌دولت،نجات معجزه‌آسای هیتلررا ازمرگ حتمی نتیجه تفضل‌الهی برای حفظ‌آلمان تعبیر کردند.یك دادگاه فوق‌العاده نظامی برای‌محاکمه‌خائنین تشکیل شد و کسانی که از۲۰ ژوییه‌بجرم همدستی درتوطئه‌درتوقیف بودندمحاکمه وبه‌دارآویخته شدند. تصفیه دامنه داری‌دراتش و کلیه محافل کشوری وطبقاتی بعمل‌آمد، دکترشاخت روز۲۲ژوییه بازداشت شدورومل که متهم به‌همکاری با توطئه کنندگان‌بود خود کشی کرد . بعضی ازخانواده‌های متنفذ دسته جمعی‌مشمول تصفیه گردیدند. نظارت‌وتجسس شدیدی در کلیه‌دستگاههای‌لشکری

و کشوری برقرار گردید بحدی که هیچ افسری درمیان دوستان خود جرأت اظهار عقیده نداشت . سلام نظامی به سلام مخصوص حزب نازی مبدل گردید وتغییرات و انتصابات جدیدی درسرفرماندهی ارتش بعمل آمد . خلاصه آنکه شکست نقشه توطئه در حقیقت شکست افسران واشراف وصاحبان صنایع وسرمایه داران واحزاب‌دست راستی بود که میخواستند پروس شرقی را قبل ازنفوذارتش سرخ نجات‌دهند واین‌پیروزی‌حزب‌نازی بر مخالفین آخرین پیروزی آن حزب بود .

درخارج آلمان‌روزبروزمخالفت باسیاست هیتلرافزایش می‌یافت ویهود تابع آلمان که بکشورهای‌دیگرپناهنده‌شده‌بودند بشدت فعالیت‌می کردند . درمسکوطی کنفرانسی که درژوییه ۱۹۴۳ ازنمایندگان کلیه بازداشتگاههای سابق آلمان در روسیه تشکیل‌شد کمیته‌ای‌بعنوان« کمیته آلمان آزاد»بریاست **اریخ وینرت**[۱]وباشرکت‌عده‌ای ازکارمندان قدیمی دولت و کمونیستهای مبارزونمایندگان اتحادیه‌های صنفی کارگری قبل از رژیم هیتلری‌وعده‌ای‌ازافسران‌نجیب‌زاده‌قدیمی آلمان‌وازجمله **فن‌اینزیدلن**[۲] نوادهٔ بیسمارك‌تأسیس گردیدواعلام نمود که درراه‌ایجاد دموکراسی حقیقی دریك آلمان قوی ونیرومندخواهد کوشید. درسپتامبر۱۹۴۳ اتحادیه‌ای‌بنام«اتحاد افسران» ازافسران‌آلمانی برهبری‌ژنرال توپخانه فن**سیدلیتز**[۳]ژنرال فن **دانیلس**[۴]برای ایجادآلمان‌آزاد ومبارزه با هیتلر بوجود آمد. کمی بعد **مارشال‌پاولوس** فرمانده شکست خورده نیروی‌آلمان در استالینگراد باتحادیه مزبور پیوست واین‌دوسازمان‌بوسیله‌فرستنده‌رادیومسکوطی پیامهائی ملت آلمان را به قیام برعلیه حزب نازی دعوت می کردند . درسویس نیز سازمانهائی برای پایان دادن‌بجنگ وبرای‌نجات‌آلمان‌ازاشغال نیروهای‌متفقین، بوسیله افراد سوسیال‌دموکرات

۱- Erich Weinert ۲- Einsiedeln ۳- Seydlitz ۴- Daniels

و دموکراتهای مسیحی برهبری **براون** و **ویرت** ازوزرای سابق آلمان تشکیل گردیدولی وجودآنها چندان مؤثرواقع نشد .

بردهای پائیزوزمستان در جبهه‌غرب

حملات متفقین درنیمه سپتامبر ۱۹۴۴ درجبهه غرب تخفیف یافت وبراثراین تخفیف، که بعلت کمبود مهمات جنگی ومصرف روز افزون نیروهای امریکائی واشکالات موجود در بندرشربور برای وصول مهمات پیش آمد، فرماندهی نیروهای آلمان موفق باستقرار مواضع خود شد. دربن موقع نیروهای آلمان به پایگاههای اصلی خود نزدیك ودرصدد دفاع جدی ازمرزهای آلمان بودند ووحدت وهم آهنگی کاملی در عملیات نیروهای مزبوربرقرارشده بود . ولی درجبهه‌های لرن وژورا ووژ حملات متقابله آلمانها بی نتیجه‌ماند، **لونویل**[۱] در۲۲ سپتامبر، **اپینال** و **رمیرمون**[۲] در۲۵، **شاتوسالن**[۳] در ۳۰ ودرجبهه آلپ **مدان**[۴] در۱۹ و **مانتون**[۵] در۲۲ سپتامبر آزادشدند .درهمان اوقات یك لشکر چتربازانگلیسی درشمال ساحل راست رودرن در ناحیه **ایندهاون-نیمگ- ارنهم**[۶] فرودآمدند وبلافاصله سپاه اول کانادا وسپاه دوم انگلیس درجبهه باژیك وهلند بحمله پرداختند، روز ۲۰ سپتامبر لشکرچتربازوواحدهای زرهی سپاه انگلیس و کانادا بهم رسیدندولی در برابر مقاومت شدید نیروی آلمان پس ازدادن تلفات تسلیم شدند (۲۹ سپتامبر) وبدین ترتیب نقشه عبورازشمال رود رن عقیم وفقط یك نقطه اتکای کوچك در کناررود **وال**[۷] ازشاخه‌های جنوبی رود رن در دست انگلیسها باقی ماند که با سرسختی ازآن دفاع کردند.

درجنوب، نیروی امریکائی پس ازمحاصره **اکس لاشاپل** (آخن) واتمام حجت به-

---

۱- Lunéville ۲- Remiremont ۳- Chateau-Salins ۴- Modane ۵- Menton

۶- Nimègue-Arnhem Eindhoven ۷- Waal

پادگان آلمانی آن شهرودریافت جواب منفی شهررا گلوله باران کرد وروز ۲۱ اکتبر شهر تسلیم شد واین اولین شهر بزرگ آلمان بود که بتصرف متفقین درآمد. انگلیسها در ماه اکتبر به پیشروی محسوسی درحوضه سفلای رود **موز** نایل و **بوالودوک**[۱] رادر ۲۵، **برد**[۲] را در ۳۰ اکتبر و **فلسینگ** را در ۶ نوامبر متصرف و درهمان هنگام واحدهائی از نیروی انگلیس به جزایر **بولند**[۳] و **والشرن**[۴] پس ازویران کردن لنگرگاه وانهدام کلی نیروی دریائی مدافع جزیره اخیر، پیاده شدند. روز ۵ نوامبر اولین کشتی متفقین توانست وارد بندر **انورس** شود.

روز ۸ نوامبر، امریکائیها حملات جدید خود را درجبهه **لرن** آغاز کردندو آلمانها در حین عقب نشینی دهکدها و مزارع را آتش زده سکنه آنها را باخود بردند، در طی این پیکارشدید شهر مستحکم **متز**[۵] بتصرف امریکائیهادرآمد. نیروی فرانسوی نیز وارد کارزارشد وپس ازتصرف **منتبلیارد**[۶] در ۱۷ و **بلفر** در ۲۰ به ساحل رن وروز ۲۱ نوامبر به **مولهوز** رسید. امریکائیها روز ۲۲ نوامبروارد **ساورن**[۷] شدند ولشکرفرانسوی ژنرال **لکلرك**، استراسبورگ را در ۲۳ نوامبر تصرف کرد ونبرد درقلل پربرف کوهستان وژ همچنان ادامه یافت.

درشمال اکسلاشاپل، امریکائیها باولین رشته استحکامات زیگفرید رسیده پس از بمباران بسیارشدید توپخانه قسمتی ازآن استحکامات را بدست آوردند وروزاول دسامبر **روئر**[۸] رادرپای زیگفرید تصرف کردند. انگلیسها **روئر موند**[۹] و **ونلو**[۱۰] رادر ۲۴ نوامبر متصرف شدند ودر سار امریکائیها **دیلینگن**[۱۱] را در ۷ دسامبر و **فورباخ**[۱۲] را در ۸ و

۱- Bois-le-Duc ۲- Breda ۳- Beveland ۴- Walcheren ۵- Metz

۶- Montbéliard ۷- Saverne ۸- Roer ۹- Roermond ۱۰- Venlo ۱۱- Dillingen ۱۲- Forbach

ویسمبورگ[1] را پس از دفاع حیرت انگیز نیروی آلمان، که روز و شب زیر بمباران شدید دشمن قرار داشت، تصرف کردند.

حملات متقابله آلمانها در ۱۷ دسامبر

حمله متقابله فن رونشتد در ۱۷ دسامبر در جبهه امریکائیها بمنظور تصرف اکسلاشاپل در امتداد جاده بین **منژوا**[2] و **اختر ناخ**[3] درجرایدآلمان بعنوان اقدام برای برگرداندن اوضاع و تجدید تفوق نظامی آلمان تعبیر گردید. هدف فن رونشتد این بود که به کناره رود موز و سپس به انورس برسد و کلیه مواضع و محل تمرکز نیروها و تدارکات جنگی متفقین را که برای سال ۱۹۴۵ تهیه دیده بودند ویران و یا تصرف کند، طی این حمله، که بوسیله واحدهای برگزیده و مجهز به جدیدترین اسلحه و با پشتیبانی کامل نیروی هوائی آلمان صورت گرفت و مایه تعجب و حیرت امریکائیها گردید، آلمانها شکافی بعرض ۳۰ کیلومتر در فاصله ۲۴ ساعت در جبهه سپاه امریکائی پاتن ایجاد و نواحی **ستاولو**[4] و **منژوا** و **مالدی** را تصرف و در طی سه روز ۲۰۰۰۰ سرباز امریکائی را اسیر کردند. نیروی انگلیسی متمرکز در شمال شکاف مزبور تحت فرمان پاتن قرار گرفت و امریکائیها فعالیت خود را در جبهه‌های دیگر رها کردند و کلیه نیرو و قدرت خود را برای جلوگیری از عمیق شدن شکاف این جبهه و دفاع از مواضع خود بکار بردند و سه ناحیه از دست رفته را در تاریخ ۲۰ و ۲۱ دسامبر مجدداً بدست آوردند و با آنکه تانکها و نیروی موتوریزه آلمان همچنان بطرف **دینان** پیش میراند شکاف جبهه بهمان صورت اولیه باقی مانده بود. پادگان امریکائی شهر **باستونی**[5] پس از یك دفاع شجاعانه شهر را رها کرد ولی از ۲۸ دسامبر پیشرفت آلمانها دچار کندی و حملات متقابله امریکائیها آغاز گردید. انتشار اعدام دسته جمعی اسرای امریکائی بوسیله

---

۱ - Wisembourg ۲ - Montjoie ۳ - Echternach ۴ - Stavelot

۵ - Bastogne

آلمانها برفعالیت وتهورسربازان امریکائی افزوده، تانکها ونیروی موتوریزه آلمان در داخل شکاف سرگردان وازفعالیت بازمانده بودندوراه‌های ارتباط نیروی آلمان درپشت جبهه بوسیله ۴۰۰۰ هواپیمای متفقین باشدت بمباران می‌شد.

چون نقشه حملات آلمانهادرین جبهه به نتیجه نرسید، حملات خود را در جبهه آلزاس آغازوپس ازعبورازرود رن درشمال استراسبورگ(۵ژانویه۱۹۴۵) **ویسمبورگ** را تصرف کردند ولی نیروهای فرانسوی تحت فرمان ژنرال دوگل باحرارت و شدت از استراسبورگ‌دفاع کردند ودرسرزمینهای‌پربرف ناحیه آلزاس علیا واحدهای فرانسوی ژنرال **دولاتردو تاسینیی** متهورانه به آلمانها حمله بردند. **کلمار** در۲ فوریه بتصرف فرانسویها درآمد و تا روز۹ فوریه فقط چند نقطه اتکای کوچك از استحکامات ماژینو درشمال غربی استراسبورگ دردست آلمانها باقی ماند.

زمستان۱۹۴۴-۴۵ در آلمان

هنگام‌پیشروی آمریکائیها درجبهه‌غرب‌صدهاهزار ازسکنه آلمانی آن‌نواحی بجانب مشرق مهاجرت کردند ولی‌همینکه پیشروی متفقین متوقف گردید رهبران نازی‌فراریان‌را که‌جزو آنان‌عده‌ای ازمامورین دولتی‌وابسته بحزب نازی نیز بودند باتهام بی‌غیرتی‌و ایجاد رعب و وحشت درمیان مردم دستگیرو بسختی مجازات می کردند وازطرف دیگر متوقف ماندن‌عملیات جنگی‌و کندی‌محسوس پیشروی‌امریکائیها باردیگر وسیله‌ای‌برای تبلیغات بدست گوبلز داد و چون درافواه شایع شده بود که هیتلر بعدازسوءقصد بسختی بیمارشده‌و بعضی نیز اورامرده‌می‌پنداشتند، گوبلزمرتباً اعلام‌می کرد که پیشوا همواره‌مشمول عنایات خداوندی ودر کمال صحت وتندرستی است و پیشوا ضمن نطق خود که روز ۳۱ دسامبر۱۹۴۴ بوسیله دیگری در رادیو برلین قرائت گردید اعلام نمود که« آلمان هرگز

تسلیم نخواهد شد . ویرانی‌های جنگ بزودی ترمیم وشهرها زیباتر ومجلل‌تر ازاول ساخته خواهد شد، تسلیم ایتالیا وفنلاند ورومانیا و بلغارستان نتیجه‌دون‌همتی زمامداران وسیستم حکومت اشرافی آن ممالك بوده و آلمان سوسیالیست هیچگاه براهی که آنها رفته‌اند قدم نخواهد گذاشت». اما دشمن نزدیك بدروازه‌های آلمان و باشدت درحال حمله وتعرض بود، مردوزن وخردو کلان میبایستی کار کنند وبجنگند. دستور داده شد که مردم غیر نظامی نواحی که مورد تهدید دشمن قرار گرفته برای جلوگیری ازپیشروی قوای موتوریزه دشمنان بحفر خندق بپردازند . واحدهای جدید نارنجك انداز و **فلکشتورم**[1] مرکب ازتمام مردانی که قابلیت حمل سلاح داشتند تشکیل گردید و کلیه افراد ملت مکلف شدند که برای تجهیز واحدهای جدید آنچه ازپوشاك ومانند آن وهرچه بدرد تجهیزات مزبور بخورد دردسترس دولت بگذارند.

واحدهای جدید پیاده برای مبارزه بانیروهای تانك وموتوریزه دشمن بکار گماشته شدند وروش مبارزه باتانك بکلیه افراد آلمان تعلیم داده میشد . درجبهه شوروی فعالیت نیروی هوائی آلمان تجدید وهواپیماهای جدید فشفشه‌ای بکارانداخته‌شد. امیرال دونیتز وعده داد که بزودی انواع جدید اززیردریائیهای کوچك و بزرگ باقدرت بیشتر ازسابق واژدر اندازهای تازه‌ای که بوسیله یکنفر هدایت میشود وارد میدان نبرد خواهد کرد . سلاحهای V_1 و V_2 مرتباً بانگلستان و **انورس** و **لیژ** پرتاب می‌شدولی زیادمؤثر نبود. دانشمندان آلمانی درلابراتوارهاشب وروزدرجستجوی طریقه بدست آوردن نیروی اتم بودند. درهمان حال حملات نیروی هوائی متفقین آنی قطع نمیشد. بلادآلمان بخصوص برلین پیوسته زیرآتش بمبهای مخرب و آتش‌زا قرار داشتند و هواپیماهای متفقین میتوانستند

---

۱ – Volksturm نیروی حمله همگانی که ازکلیه افرادکشور تشکیل گردیده بود–م

درپشت جبهه شوروی فرودآیند وهنگام بازگشت به‌پایگاههای خود سراسر آلمان را بمباران کنند اما نتایج حاصله از این بمبارانها بروفق آمال متفقین نبود زیرا برای ازکار انداختن دستگاه عظیم جنگی آلمان هنوز میلیونها تن بمب ومواد منفجره لازم بود. هدف نیروی هوائی متفقین بیشتر کارخانجات هوا پیماسازی وفرودگاههای هوائی وکارخانه‌های تهیه بنزین مصنوعی بود. آلمان که درآوریل ۱۹٤٤ صاحب ۵۸ تصفیه خانه و ۲۳ کارخانه بنزین مصنوعی بود و ماهیانه ۱۲۲۵۰۰۰ تن بنزین تهیه می کرد تا ۱۵ فوریه ۱۹٤۵ کلیه تصفیه خانه‌ها وکارخانه‌های بنزین سازی را ازدست داد وفقط ٤ کارخانه بنزین مصنوعی در آن کشور برجاماندبود، بعلاوه باتسلیم رومانیا منابع نفت آن کشور نیز ازدست آلمان خارج شد.

درجبهه مشرق، براثر فشار روسها، صدها کیلومتر جاده‌های پربرف مملو ازمهاجرین آلمانی بود که زیر بمباران دائمی نیروی هوائی شوروی بسوی مغرب مهاجرت وحرکت و گردش نیروها وقوای موتوریزه آلمان را دچاروقفه وهدف گیری نیروی هوائی روسها راتسهیل می کردندوبدین ترتیب آلمانها نیز برای اولین باردرجنگ دوم مزه مهاجرت را می‌چشیدند. وضع وخیم بود وهرچند که تبلیغات آلمان ادعا می کرد که کلیه تدابیر لازم برای جلوگیری از دشمن اتخاذ شده و بعضی از واحدهای آلمان نیز باتهور وسر سختی عجیبی ازمواضع خود دفاع می کردندولی واحدهای دیگری باسرعت عقب می‌نشستند وهریك ازحکام نازی بلاد آلمان که درصدد فرار برمی آمدندبدست گشتاپو تیرباران می‌شدند.

هیتلر ضمن نطق خود در ۳۰ ژانویه ۱۹٤۵ بمناسبت سال زمامداری خویش اعلام کرد که «شرایط صلح پیش‌بینی شده در کنفرانس **یالتا**[۱] مانند شرایط صلح ورسای درسال ۱۹۲۰ وحتی سنگین تر از آن است وملت آلمان باید آنقدر مقاومت کند تادشمن کلیه ذخیره‌های

۱- Yalta

جنگی واقتصادی خودرا ازدست بدهد وازپا دربیاید».

دربهارسال ۱۹٤٥ دستگاه تبلیغات آلمان می کوشید که موافقت انگلیس وامریکا را برای ترك مخاصمه واتحاد باآلمان برعلیه شوروی جلب کند. گوبلز اعلام نمود که در صورت شکست آلمان، انگلوساکسنها قبل ازسال ۱۹٤۸ ناگزیر خواهندشد که باروسیه بجنگ بپردازند. روز ۱۵ مارس ۱۹٤٥ یکی ازمامورین سیاسی وزارت خارجه آلمان در استکهلم بارجال سیاسی انگلسان تماس گرفت وشرایط صلحی را که آلمان حاضر بقبول آن بود بدین شرح اعلام کرد: « تخلیه نواحی اشغال شده ازقوای متفقین وحفظ قدرت دردست نازیها، هیتلروهیملرمنظوری جز جلوگیری از سقوط آلمان دردامن کمونیزم شوروی ندارندواگر باین پیشنهاد ترتیب اثرداده نشود روسهاسراسر آلمان را طی خواهند کرد ومنافع انگلیس وامریکارا مورد تهدید قرارخواهند داد» ولی این پیشنهاد مورد توجه قرارنگرفت.

زمامداران نازی، که شکست نهائی خود را حس می کردند، دراین اندیشه بودند که چگونه میتوانند مذهب ناسیونال سوسیالیزم وعقیده بهجاودانی بودن آلمان را در اروپای بعدازجنگ حفظ کنندوچون بعواقب کارخودومجازاتهائی که درانتظار آنان بودمیاندیشیدند برای تخفیف در کینه توزی دشمنان روش خود را تاحدی تعدیل کردند. ازجمله هیملر دستورداد که ازخشونت نسبت باسرای روسی خودداری شودولشکر **ولاسوف** که ازروسهای سفید ضد بلشویزم تشکیل شده بودمنحل شودوافراد آن زیرفرمان دکتر **تود** قرار گیرند. دراین موقع احساس کمبود آذوقه ومشاهده ویرانی های جنگ، آینده وخیمی را درنظر آلمانها جلوه گرمی ساخت وازانتشارات رادیو ومطبوعات آلمان تزلزل وانحطاط روحیه آن ملت نمودار بود.

هجوم بآلمان

روز۱۵ ژانویه ۱۹٤۵ حملات ارتش سرخ درجبهه‌های کورلاندو پروس شرقی وحوضه ویستول ودرامتداد مرز مجارستان وچکسلواکیا باشدت آغاز گردید، در حوضه ویستول خط دفاعی آلمان درهم شکست و واحدهای آلمانی درحین عقب نشینی برای کاستن از سرعت پیشروی روسها در مراکز انشعاب خطوط ارتباطی متمرکز وبجنگ و گریزمی پرداختند .طی این حمله ورشو روز۱۷ **ولدز** و **کراکوی** در۱۹ ازتصرف آلمانها خارج و **پوزن**[۱] و **تورن**[۲] محاصره و درجبهه جنوب **اوپلن**[۳] در۲۵ ژانویه آزاد شد وارتش سرخ از رود ادر در شمال **برسلو**[٤] گذشتند . واحدهای **کونیف**[۵] در۳۰ ژانویه کلیه حوضه معدنی وصنعتی سیلزی علیا را محاصره وراه استفاده آلمان راازمحصولات آن. ناحیه قطع کردند . هیتلر ازروز۲۳ ژانویه هیملر(مرد آهنین) را بااختیارات تام بجبهه مشرق فرستاده بود . سپاه **ژوکف**[٦] تاآغاز فوریه ٤۰۰ کیلومتررا درمدت ۲۰ روزپیش رانده ، پس ازمحاصره ۲۰۰ کیلومتر ازسواحل رود ادر واشغال نواحی **پومرانی**[۷] و**براندبورگ**[۸] بندر **اشتتین**[۹] وشهر **کوستربن**[۱۰] را تهدید می کرد . در جبهه پروس شرقی سپاه **چرنیاکووسکی**[۱۱] شهر **تیلسیت**[۱۲] را اشغال کرد وسپاه **روکوسوفسکی**[۱۳] درمشرق بندر دانتسیگ به دریای بالتیك رسید ونقاط اتکای آلمانها در برسلو، پزن، **گردنتس**[۱٤] و **کونیکسبرگ**[۱۵] یکی پس ازدیگری از کار افتاد. طی این حملات واحدهای فلکشتورم نتوانستند به نیروی نظامی آلمان کمك مؤثری

۱- Posen ۲- Thorn ۳- Oppeln ٤- Breslau (این شهراکنون درتصرف لهستان است ـم).

۵- Koniev ٦- Joukov ۷- Pomeranie ۸- Brandebourg ۹- Stettin (این بندراکنون درتصرف لهستان است ـم) .

۱۰- Kustrin ۱۱- Tcherniakowski ۱۲- Tilsit ۱۲- Rokossovski

۱۵- Koenigsberg ۱٤- Graudenz.

بکنند وهـرچند کـه اسلحه ومهمات بسیارازدست آلمان خارج شد لیکن قسمت اعظم سربازان آلمان توانستند درجبهه‌های دیگرمتمرکزشوند .

درجبهه کورلاندمقاومت آلمانهادربرابرسپاه **باگرامیان**[1] بسیار شدید ونیزدر جبهه کوهستانی مرزچکسلواکیا نبردهای‌سختی درجریان‌بود، بوداپست پس ازچند هفته‌نبرد خونین ومحاصره طولانی در۱۳ فوریه بتصرف روسها درآمد و۱۱۰۰۰۰ سربازآلمانی و مجار اسیرشدند .

درجبهه مرکزی، ارتش سرخ پس ازچند هفته استراحت که ازلحاظ جمع وجور شدن واحدها وتدارک‌مهمات واسلحه وهمچنین پاک کردن‌نواحی‌پشت جبهه ازقوای‌آلمان واستقرار نظامی‌برخطوط ارتباطیه‌برای‌تقویت‌آن نیرولازم‌بود حمله‌جدیدی‌را آغاز کرد . روکوسوفسکی باردیگردرسه نقطه **کوئیسلین**[2] ودانتسیگ‌و **گدی نیا**[3] وژو کف‌درمشرق اشتتین بدریای بالتیک رسیدند و حوضه رود ادر تامصب‌آن در بالتیک محاصره شد . در اواخرمارس ۱۹۴۵ جبهه‌آلمان درمجارستان ازهم شکافته ودراوایل‌آوریل شهر **وینه**‌طی نبرد چند روزه بوسیله ارتش سرخ‌اشغال‌شد .

حمله امریکائیها در۲۳ فوریه دربرابرحمله متقابله فن رونشتد درحوضه **روئر**[4] با موفقیت انجام گرفت وطی‌نبردشدیدی دراستحکامات زیگفرید ناحیه **مونش-گلاداخ**[5] و **کرفلد**[6] اشغال شدودرهمان حال سپاه‌کانادانیزدرشمال‌بجانب رود رن پیشروی کردند وبه **نوس**[7] و **کلن**[8] در کنار آن رود رسیدند (٦ مارس)، سپاه پاتن پس ازنبرد شدیدو پیشروی‌سریعی(۱۰۰ کیلومتردر۱۸ساعت)ازپالاتینا گذشته‌ساحل چپ‌رود رن را درناحیه

---

۱ Bagramian ۲- Koislin ۳ Gdynia بندر واقع در مغرب دانتسیك ـم .

٤- Roer ٥- Munchen-Gladach ٦- Crefeld ۷ - Neuss ۸ - Koln (کولونی Cologne)

لودویکسهافن[1] ازسپاه آلمان پاك نمود وسپاه **پاچ**[2] که‌ازاستحکامات ماژینو گذشته بود ازخطوط دفاعی زیگفریدنیزعبور کرد وباسپاه پاتن تماس گرفت وتا روز۲۶ مارس تمامی ساحل چپ رن بدست متفقین‌افتاد وسپاه**هاجس**[3] درمحل **رماگن**[4] پیش بندر **بن**[5] نقطه اتکائی بدست‌آورد (درین ناحیه مقامات‌آلمانی عده‌ای ازافسران خود را بجرم تعلل در دفاع تیرباران کردند) .

روز۲۳ مارس، مونتگمری برای‌اولین بارعده‌ای چتربازبساحل راست رن‌درمحل **ارنهایم** پیاده کردوسپاه‌پاتن‌نیزدرجنوب **مایانس** ازآن رود گذشت‌وبجانب‌فرانکفورت پیش راند . نیروی فرانسوی نیزروز۳۱ مارس درجنوب**شپیر**[6] ازرود رن عبور کرد وبدین ترتیب جبهه‌آلمان در سراسرطول رودخانه درهم شکسته شد و در ناحیه روهر سه سپاه آلمانی بمحاصره افتادند . درین موقع برمقاومت نیروی‌آلمان که بشکل قوسی‌از خاك هلند تا ناحیه جنگلهای سیاه (درجنوب غربی‌آلمان) مستقر شده بود افزوده شد . سپاه پاتن روز۱۸ آوریل وارد چکسلواکیا شد وروز ۱۹ سپاه هاجس به **لایپ‌تسیك** وروز۲۰ سپاه‌پاچ به نورنبرگ رسیدندوسپاه **سمپسن**[7] یکی‌ازمواضع کنار رود **الب** را در جنوب **ماگدبورك** بدست‌آورد ودرانتظارارتش‌سرخ‌درآن محل مستقر گردید. نیروی‌فرانسوی جنگل سیاه را دورزده، ازدانوب گذشته بمرزسویس وسپس در۲۴ آوریل به شهر **اولم**[8] ودر۲۶ به کنستانس وانگلیسهاروز۲۷ پس ازتصرف بندر **برمن** وعبورازحومه هامبورگ روز۲ مه به **لوبك**[9] رسیدند. اعلامیه مشترك امریکاوانگلیس وشوروی‌مورخ۲۶ آوریل تماس بین واحدهای ارتش شوروی وامریکا را درمحل **تورگائو**[10] در ساحل رود الب

۱- Ludwigshafen ۲- Patch ۳- Hodges ٤- Remagen ٥- Bonn

درکناررودرن و پایتخت فعلی‌جمهوری فدرال‌آلمان غربی—م.

٦- Spire ۷- Simpson ۸- Ulm ۹- Lubeck ۱۰- Turgau

درشمال شرقی لایپ تسیگ اعلام نمود . بعد ازتماس واحدهای شوروی وامریکا ارتباط نیروهای آلمان درشمال وجنوب قطع وروز بروز برطول ووسعت خط ارتباط نیروهای متفقین افزوده شد. ارتش سرخ حمله نهائی خودرا بطرف برلین روز ۱۶ آوریل آغاز کرده بودند و باوجود مقاومت لجوجانه آلمانها درجبهه اشتتین، سپاه ژوکف روز ۲۱ آوریل ازرودادر گذشته روز ۲۳ آوریل به پایتخت ویران آلمان رسید وروز ۲۵ آوریل سپاه کونیف به سپاه ژوکف در پوتسدام ملحق گردید. تصرف برلین باجنگهای تن به تن در کوچه‌ها وخیابانها وحتی راه آهنهای زیر زمینی توأم بود وخاطره نبرد استالینگراد را تجدید می کرد .

درجبهه ایتالیا نیز پیشروی متفقین سریع بود، شهر **بولونی** روز ۲۱ آوریل ازنیروی آلمانی گرفته شد. دسته‌های مقاومت وجنگجویان ایتالیائی خود به پیشرفت متفقین کمک کردند وبلاد مهم مانند **ژن و میلان و ونیز و تورن** را ازتصرف آلمانها خارج کردند، سپاه **کلارك** از **کم**[1] گذشته درمعبر کوهستانی **برنر**[2] (در کوههای الپ) درمرز سویس وایتالیا به سپاه پاتن ملحق شد، بدین ترتیب نیروی آلمان درسراسر جبهه‌ها دچارمحاصره و شکست گردید .

پایان کار هیتلر

ادامه مقاومت آلمانها بعقیده زمامداران آن کشور ازلحاظ حیثیت وشرافت آلمان ضروری بود وانهدام کامل نیروهای آلمان را بر تسلیم بدشمن ترجیح میدادند . روز ۱۲ آوریل کیتل وهیملر و بورمان اعلام کردند که هرسرباز آلمانی که دردفاع ازسرزمین یا مواضع سپرده باوتعلل ورزد ولو درسخت ترین شرایط باشد وحتی اگر فرمانده مستقیم اورا به ترك سنگر فرمان بدهد محکوم

---

۱ - Come از شهرهای منطقه کوهستانی شمال ایتالیا ـم.

۲ - Brenner یکی ازمعابرمهم آلپ که خط ارتباط ایتالیا وسویس است ـم.

بمرگ خواهد شد و هیتلر روز ۱۶ آوریل اعلام نمود که هر فرمانده‌ای دستور عقب نشینی صادر کند فوراً تیرباران خواهد شد. عده‌ای از وزرای آلمانی به باویر رفته بودند تا سرباز و خواربار و حتی ماشین آلات کارخانه ها را بآلمان شمالی بفرستند و، بامید آنکه بزودی رشته اتحاد روسها با انگلوساکسنها گسیخته خواهد شد ، ماشین جنگی آلمان را درحال فعالیت نگاه دارند، بعد از توطئه ماه مارس و تلاش زمامداران آلمان برای تماس با انگلیس‌ها و روسها وصلح جداگانه با آن دو دولت که باشکست مواجه شد متدرجاً امید آلمان درباره ایجاد اختلاف بین متفقین مبدل بیأس گردید. صبح روز ۲۴ آوریل در ملاقاتی که بین **کنت فولک برنادت**[1] سوئدی نماینده صلیب احمر بین المللی با هیملر دست داد، هیملر بشکست نهائی آلمان اعتراف و درباره هیتلر اظهار کرد که وی بسختی مریض است و شاید مرده باشد ژنرال **شلنبورگ** که در آن جلسه حضور داشت گفت که هیتلر به خونریزی مغز دچار شده و هیملر گفت که آلمان حاضر است فقط درجبهه غرب بدون هیچگونه شرایطی به انگلیس و امریکا تسلیم شود.[2]

این پیشهاد ساعت ۱۱ عصر همان روز در سوئد باطلاع سفرای انگلیس و امریکا رسید و بلافاصله بوسیله تلفن بین چرچیل و ترومان مورد مذاکره قرار گرفت و سرانجام تصمیم انگلیس و امریکا براین شد که آلمان بطور کلی تسلیم شود و این تصمیم را باطلاع استالین رسانیدند و او نیز موافقت کرد ، پاسخ متفقین بوسیله برنادت برای دولت آلمان فرستاده شد ولی مسافرت برنادت و مذاکره از طریق دیپلماسی فایده‌ای نداشت .

روز ۲۶ آوریل تماس مستقیم و صمیمانه‌ای بین نیروی امریکا و شوروی در تورگائو حاصل شد و هیتلر که روز ۲۵ آوریل گورینگ را بجرم تخلف از اوامر پیشوا از فرماندهی

۱- Folke Bernadotte ۲- منظور زمامداران آلمان این بود که با انگلیس و امریکا صلح کنند و بجنگ باشوروی ادامه دهند -م.

نیروی هوائی بر کنار و **مارشال فن گریم**[1] را بجای او منصوب نموده بود، دریادار **دونتیز** را نیز بجانشینی خود بر گزید، جنگ تن به تن در کوچه‌های برلین بشدت جریان داشت و اطراف پیشوا زمزمه ترك پایتخت بگوش میرسید ولی هیتلر مخالف بود. در مونیخ هنگامیکه نیروی SS بزحمت بر انقلاب ضدنازی غلبه کرده بود نیروهای امریکا وارد آن شهر شدند، هیتلر که دچار بیماری عصبی شده بود بهیچوجه نمیخواست پناهگاه خود را ترك کند، او همه کس را بخیانت متهم می کرد و گوبلز و بورمان می گفتند که تا آخرین لحظه نسبت به هیتلر وفادار خواهند ماند. عصر روز ۲۸ آوریل بورمان طی پیامی اعلام داشت که «نادرستی و خیانت جای درستی و امانت را گرفته است».

هیتلر دل بمرگ نهاده بود، روز ۲۹ آوریل دو وصیت نامه، یکی خصوصی و دیگری سیاسی نوشت و در وصیتنامه سیاسی ضمن یك سلسله مطالب تاریخی به جانشینان خود توصیه کرده بود که هیملر را، بعلت خیانت و سازش محرمانه با دشمن و توهینی که به شرافت آلمان وارد آورده، از حزب نازی اخراج و از کلیه مناصبی که دارد عزل کنند و **کارل هیمکه**[2] را بفرماندهی کل نیروهای SS (بجای هیملر) بر گزینند، ضمناً درین وصیتنامه هیتلر رسماً دریادار دونیتز را به پیشوائی آلمان منصوب و اعضای دولتی را که دونیتز تشکیل داد[3] تأیید و مارتین بورمان را مأمور اجرای وصیتنامه نمود.

عصر روز ۲۹ آوریل درمیان طوفانی از خون و آتش وزیر گلوله باران شدید توپخانه

---

۱ - von Greim ۲- Karl Heimke

۳ ــ در کابینه ای که دونیتز تشکیل داد علاوه بر ریاست دولت، اداره وزارت جنك و وزارت دریاداری را شخصاً برعهده گرفت و مقام صدارت را به گوبلز واگذار و بورمان را باعنوان وزیر حزب نازی در کابینه منصوب نمود.

شوروی . هیتلردرپناهگاه‌زیرزمینی خودبا **اوابراون**[۱] ازدواج کرد وساعت پانزده ونیم روز۳۰آوریل هیتلر وهمسرش بوسیله زهر یاوسیله دیگری خودکشی کردند و اجساد آنان درباغچه عمارت‌صدارت عظمی بوسیله نفت سوزانده شد، از گـوبلزنامه‌ای باقـی ماند که درآن تصمیم اوبخودکشی وانتحار زن وفرزندانش ذکرشده بود .

۱ - Eva Braun

فصل چهارم- آلمان بعداز هیتلر

تسلیم آلمان

روزاول مه ۱۹۴۵ ،بورمان مرگ هیتلر را به دریادار دونیتز اطلاع داد. درهمین روزفرستنده رادیوی آلمان ازهامبورگ اعلام نمود که «هیتلر پس از آنکه تا آخرین نفس درراه مبارزه با بلشویزم و برای نجات آلمان جنگید ازمقام فرماندهی کل نیروهای مسلح آلمان بر کنار شد». دریادار دونیتز اعلام داشت که آلمان تازمانیکه دول انگلیس وامریکا دست این دولت را درجنگ با شوروی باز نگذاشته اند بجنگ با متفقین ادامه خواهد داد، آنگاه بعنوان فرمانده عالی نیروی آلمان به ارتش زمینی وهوائی و دریائی آلمان فرمان داد که با روح انضباط کامل با بلشویزم پیکار کنند. روزسوم مه اشپیر[1] ازرادیوی آلمان ضمن اعتراف به شکست ارتش ازطرف دریادار دونیتز اعلام نمود که آلمان تازمانیکه واحدهای ارتش، که در برابر فشار ارتش سرخ درحال عقب نشینی هستند، بخطوط جبهه انگلیس وامریکا نرسیده اند تسلیم نخواهدشد، اشپیر از ملت آلمان تقاضا کرد که مساعی خود را برای بهبود وضع اقتصادی بخصوص مرمت طرق ارتباطی بکاربرند.

علیرغم توصیه های دونیتز براثرفشارنیروی متفقین بتدریج از مقاومت واحدهای آلمانی کاسته می شد. درجبهه ایتالیا ازاوایل ماه مارس بین فرمانده نیروی SS وپلیس

---

۱ – Speere

آلمان درایتالیا ونمایندگان ژنرال الکساندر فرمانده نیروی متفقین تماس حاصل شده بودودر۲۹ آوریل ژنرال **ویتینگهف**[۱] درمحل **کازرت**[۲] قراردادمتارکه جنگ وتسلیم کلیه نیروهای تحت فرماندهی خود را درایتالیا واطریش جنوبی، که بالغ بریك میلیون نفر بودند، امضا کردواین قرارداد ازروز۲ مه بمرحله اجرا درآمد. روز سوم مه، سپاه هشتم انگلیس درتریسته با جنگجویان ونیروهای مسلح یوگسلاوی ارتباط حاصل کرد، روز٤ مه اطریش انتزاع خود را ازآلمان طبق حدود سال۱۹۳۷ اعلام نمود. روز۲ مه ژنرال **وسلین**[۳] قرار داد تسلیم پادگان برلین را امضا ودریادار **فریدبورگ** تسلیم نیروهای آلمان را درهلند ودانمارك به مارشال مونتگمری اعلام کرد. بدستوردونیتززیردریائیهای آلمان به پایگاههای خود برگشتندونیروی فرانسه بفرماندهی لکلرك روز ٤ مه پرچم فرانسه را برفرازعمارت **برگهف**[٤](آشیانه عقاب) مقرهیتلر در برچسگادن برافراشتند. باویر بکلی اشغال شد وچکها برعلیه نیروی SS قیام کردند ودیگرجزدرناحیه **درسدن** و **بوهم** اثری ازمقاومت جدی آلمانها باقی نمانده بود.

روز ٥مه دریادارفریدبورگ نماینده رسمی حکومت دونیتزدرستاد فرماندهی ایزنهاور، که دریکی ازمدارس شهر **رنس**[٥] قرارداشت،ملاقات کردوپیام دونیتزرامبنی برتسلیم نیروهای آلمان درجبهه غرب اعلام نمود ولی ایزنهاورنپذیرفت وصریحاً اظهار کرد که تسلیم نیروهای آلمان باید درتمام جبهه‌ها وبدون قید وشرط وباسرع اوقات صورت پذیرد. روز٦مه ژنرال **یودل** بستادفرماندهی متفقین در **رنس** رسیدوروز۷مه۱۹٤٥ درساعت۲و٤۱ دقیقه نمایندگان آلمان درهمان محل پیمان تسلیم بلاشرط ارتش آلمان را امضا کردندوطبق آن پیمان واحدهائی که ازیك دقیقه بعد از نیمشب روز۸ مه بمقاومت خود ادامه‌میدادند ازحمایت قوانین بین‌المللی جنگ برخوردارنمیشدند. کنت **شورین فن کروسیگ** وزیر

۱- Vietinghoff ۲- Caserte ۳- Weslin ٤- Berghof ٥- Reims

امورخارجه آلمان طی پیامی ازرادیو **فلنسبورگ**[1] تسلیم بلاشرط کلیه نیروهای آلمان را اعلام واضافه نمود که «ادامه جنگ دیگر برای آلمان مفید نیست ونتیجه منطقی آن بی‌نظمی وازهم گسیختگی امورخواهد بود، ملت آلمان باید بقایای حیات خود را نجات دهد وهرچند که‌شرایط متارکه وتسلیم مشکل وناگوارباشد هرگزیاس ونومیدی بخود راه‌ندهد، آنچه که درحداقل بایـد حفظ شود وحدت ملی آلمان است، ملت آلمان بایـد بمقررات متارکه جنگ‌احترام‌بگذاردوامیدوارباشد که‌این‌حس کینه توزی ونفرت ناشی ازجنگ، که‌فضای حیاتی آلمان را فراگرفته‌است، بزودی به‌حس دوستی و سازش مبدل خواهدشد.»

پیمان تسلیم بلاشرط رنس نیمساعت بعدازنیمشب روز۸ مه درجلسه مشترکی از نمایندگان‌ستادارتش آلمان در برلین بتصویب‌رسید، فلدمارشال کیتل‌ودریادارفریدبورگ وژنرال **اشتامپ**[2] افسرنیروی‌هوائی بعنوان‌فرماندهی‌عالی‌نیروهای آلمان‌قرارداد تسلیم‌فوری ارتش آلمان را بسرفرماندهی ارتش‌اعزامی‌متفقین‌وسرفرماندهی‌ارتش‌سرخ‌وازطرف‌متفقین مارشال ژوکف ومارشال هوائی **تدر**[3] (انگلسیی) وژنرال هوائی **سپاتز**[4] (امریکائی) ودولاتردو تاسینیی‌فرمانده‌فرانسوی‌بعنوان‌شهود آن‌قرارداد راامضا کردندوپیروزی متفقین بطوررسمی درساعت۱۵روز۸مه۱۹٤۵ ازطرف‌رؤسای‌دولتهای متفق اعلام گردید .

باوجود امضای قرارداد تسلیم قسمتی ازواحدهای آلمانی دربعضی ازبنادراقیانوس اطلس وجزایرانگلونرمان وچند واحد درسیلزی وجزایر **دودکانز**[5] و بوهم و شمال اطریش و جزیره کرت بتفاوت از۸ تا ۱۲ مه بمقاومت‌خود ادامه دادند . سرانجام کلیه نیروهای آلمان اسیرشدندوژنرال **فن بوک** زیر نظارت‌انگلیسها اداره‌اموراسرای آلمانی متمرکز درجنوب دانمارك و نواحی شلسویگ‌ـهلشتاین را برعهده گرفت و مأموریت

۱- Flensburg ۲- Stempf ۳- Tedder ٤- Spaatz

۵- Dodécanèse

خلع سلاح واحدهای مـزبور بـرعهده او محول شد و نیروی دریائی آلمان نیز خلع سلاح گردید .

نیروهای روسیه وامریکا وفرانسه بسرعت هـر کدام قسمتی از

اردوگاههای مرگ خاك آلمان‌را اشغال‌ونیروهای انگلیسی وامریکائی ازمهاجرت میلیونهاسکنه‌منطقه اشغالی‌شوروی‌بمناطق اشغالی‌انگلوساکسنها جلوگیری کردند . این مهاجرتهای، دسته‌جمعی که‌زیر بمبارانهای‌هوائی‌انجام‌می گرفت صحنه‌ای از ادبار و سقوط امپراطوری سوم آلمان ودیوارهای نیمه خراب اکثر شهرها ومراکزصنعتی‌وجاده‌ها وخطوط آهن ویران‌وتسلیم کامل‌ارتش آلمان ناگوارترین‌صحنه آن بود ولی متفقین که ناظر آن صحنه‌های دلخراش بودند بزودی با مناظروصحنه‌های دلخراشتری مواجه‌شدند. دراردوگاههای مخصوص تمرکزاسرای غیرآلمانی توده‌های عظیمی‌ازاسکلت‌سوخته و نیمسوخته‌انسانی رویهم انباشته شده بود . در بازداشتگاههای **بوخنوالد**[۱]**،دورا**[۲]**،اوشویتز**[۳]**،مائی‌دنك**[۴]**،راونسبروك**[۵]**،بلسن**[۶]**،موتوزن**[۷]**،نردهاوزن**[۸] و **فلوسنبورگ**[۹] ومانندآنها قریب به ۹ میلیون زن ومرد از۲۳ ملیت مختلف‌اروپائی که‌بجرم‌مقاومت‌یا کمك‌به‌نهضت‌مقاومت‌یاابرازمخالفت منطقی‌بارژیم‌نازی وحتی‌بهانه‌های بسیاربی‌اهمیت دستگیرودراختیار گشتاپو گذاشته بودند پس‌ازماهها تحمل رنج ومشقت در اردوگاههای کاراجباری‌سرانجام‌بوسیله کوره‌های‌مخصوص‌یااطاقهای گاز ویابوسائل دیگر کشته شده‌بودند . شاید ملت آلمان ازچنان‌اعمال‌وحشیانه‌ای که با کمال‌بی‌پروائی وبرخلاف وجدان انسانی انجام می گرفت بی‌اطلاع بود ولی مسلماً سران حزب نازی وزمامداران‌آلمان بامأمورین گشتاپودرایجاد آن صحنه‌های جانگداز شرکت داشتند ،

۱- Buchenwald ۲- Dora ۳- Auschwitz ٤- Maidenek ٥- Ravensbruck

٦- Belsen ۷- Mautausen ۸- Nordhausen ۹- Flossenburg

زمامداران آلمانی بخوبی می‌دانستند که صدها هزار از اسرای جنگی برخلاف موازین و مقررات بین‌المللی در کارخانه‌ها و معادن و سایر کارگاههای آلمان بکارهای طاقت‌فرسا مأمور وصدها هزار اسیر شوروی بامر فرماندهان وسران ارتش آلمان نابود و یا در معرض گرسنگی و امراض مهلکی چون تیفوس قرارداده شده بودند. سرعت پیشروی متفقین درداخل خاك آلمان عده‌ای از اسرای جنگی و بازداشت شدگان را از سرنوشت شومی که در انتظار آنان بود نجات بخشید.

وضع آلمان اشغال شده

روز ۲۳ مه ۱۹۴۵ کلیه اعضای کابینه دونیتز و سرفرماندهی عالی ارتش آلمان درفلنسبورگ توقیف شدند. هیملر که درمنطقه اشغالی انگلیسها توقیف شده بود بوسیله یك کپسول حاوی زهر خودکشی کرد. اعلامیه ستاد مشترك ارتش متفقین مورخ ۵ ژوئن بملت آلمان اطلاع داد که مقامات نظامی متفقین بر کلیه امور کشوری و اداری آلمان نظارت خواهند کرد و هدفهای اساسی این نظارت را تعیین نمود. بعد از یکرشته مذاکرات مناطق اشغالی متفقین در آلمان بدین ترتیب تعیین شد که تمامی قسمت شرقی آلمان تا جاده **لوبك ـ ایزناخ**[1] در مغرب رود الب بروسیه سپرده شد، انگلیسها آلمان شمال غربی و امریکائیها قسمت جنوب غربی و فرانسویها ساحل چپ رود راین را تا بن ویك قسمت ازساحل راست رود را در مقابل **کوبلنتس**[2] و ناحیه جنگلهای سیاه را تا کنستانس وحوالی **اولم** تصرف کردند. درسال ۱۹۴۶ ازمنطقه اشغالی انگلیسها ناحیه کوچکی بـه بلژیك واگذارشد، خاك اطریش وشهرهای برلین وویننه نیز به چهار منطقه اشغالی تقسیم گردید. یك شورای نظارت ازنمایندگان چهار کشور اشغال کننده دربرلین تشکیل ومقرر شد که تصمیمات شورا با اکثریت تام اتخاذ شود.

۱- Lubeck-Eisenach ۲- Coblentz

منطقه اشغالی شوروی وسیعتر و حاصلخیز تر و در عین حال کم جمعیت تر از مناطق اشغالی دیگران و در منطقه اشغالی انگلیس و فرانسه و امریکا مسئله اداره امور و تأمین آذوقه با مشکلات فراوان مواجه بود. درباره مسائل مشترك بین چهار دولت، موافقت هائی بعمل می آمد ولی تصویب و اجرای آنها غالباً بطول می انجامید. مبارزه با نازیسم در مناطق اشغالی باروشهای گوناگونی آغاز گردید و چندین صدهزار آلمانی نازی توقیف شدند تا پس از محاکمه و ثبوت عضویت آنان در حزب نازی از مشاغل دولتی بر کنار شوند ولی کثرت عده توقیف شدگان و احتیاجات فنی سازمانهای محلی آلمان اجرای تصمیمات متفقین را در مورد تصفیه ادارات متوقف ساخت. زمامداران نازی پیش از تسلیم آلمان مردم را به تشکیل سازمانهای مقاومت در برابر نیروهای متفقین و امتناع از هر گونه همکاری با آنان دعوت کرده بودند و بدین ترتیب سازمانهای مخفی که از جوانان زیر عنوان **وروولف**[1] بوجود آمده بود در آغاز اشغال آلمان بیکر شته اقداماتی دست زدند، چندتن حاکم دست نشانده متفقین را ترور و در بعضی از مراکز حیاتی خرابکاریهائی کردند ولی این اقدامات توسعه نیافت و از طرفی سازمانها و تشکیلات حزب نازی یکی پس از دیگری کشف و منحل گردید. در آن موقع حدس زده میشد که تشکیلات منظمی از فراریان حزب نازی در ناحیه **تیرول**[2] بوجود آمده است. مقامات انگلیسی و امریکائی در آغاز امر هر نوع معاشرت و نزدیکی با آلمانها را برای سربازان خود ممنوع ساخته بودند لیکن پس از چند هفته این تصمیمات لغو گردید.

از ۱۷ ژوییه تا ۲ ماه اوت کنفرانسی از استالین و مولوتف، ترومان و **بیرنس**[3]، چرچیل و اتلی و ایدن و **بوین**[4] زمامداران شوروی و امریکا و انگلیس بمنظور اخذ تصمیم درباره آلمان و سیاست مشترکی که باید در مورد آن کشور اعمال شود تشکیل گردید و سه دولت

۱- Werwolf نوعی جادوگر که بنا به بعضی عقاید شبها بشکل گرگ ظاهر میشود. ۲- Tyrol (درمرز اطریش و ایتالیا). ۳- Byrnes ۴- Bevin

معظم سعی کردند که نظریات خود را درمورد تصفیه آلمان ازعناصر نازی و خلع سلاح کامل وانهدام قطعی قدرت جنگی آلمان و نظارت دقیق بر کلیه صنایعی که ممکن بود آلمانرا برای تهاجم جدیدی آماده سازد ورهبری آلمان بسوی دموکراسی واقعی بایکدیگر منطبق سازند . بنابرقرار داد پوتسدام که حاوی نظریات سه دولت معظم بودیك دادگاه بین‌المللی میبایستی تبهکاران جنگی آلمان رامحاکمه کند. آلمان غرامات جنگ را پس ازآنکه عملا بوضع اقتصادی خود سروسامانی داد بپردازد ومیزان غرامات وسهم هردولت راکمسیون غرامات که بایستی درپاریس تشکیل شود معین کند . سطح زندگی آلمانها نباید ازسطح زندگی سایرممالك اروپا(بغیرازانگلستان وشوروی) بالاتر باشد. شورای وزرای امورخارجه چهاردولت درلندن تشکیل ومأمورتنظیم مقررات پیمان صلح باآلمان خواهد شد . درکنفرانس پوتسدام، دول امریکا وانگلیس بانظریات شوروی درباره انتزاع قسمتی ازآلمان شرقی (شامل کناره راست رودادر وبندراشتتین وناحیه سیلزی) وواگذاری آن به لهستان مخالفتی نشان ندادند . بدین ترتیب برلین در ۶۰ کیلومتری مرزشرقی آلمان قرار گرفت وعلاوه برآن، ناحیه **کونیکسبرگ**[۱] (درپروس شرقی) بروسیه ملحق گردید . طبق قرارداد پوتسدام بایستی قراردادهای لازم برای بازگشت آلمانیهای ساکن لهستان ورومانیاومجارستان واطریش وچکسلواکیابادول مزبورمنعقد گردد. فرانسه که درکنفرانس پوتسدام شرکت نداشت اعلام نمود که کلیه حقوق ودعاوی خود رادر موردآلمان محفوظ داشته وانتزاع ناحیه **روهر** و **رنانی** را ازآلمان ازجنبه‌های سیاسی واقتصادی خواستارشد .

ملت آلمان با متانت وبردباری به نظریات وتصمیمات مقامات اشغال کننده تسلیم شد ولی آلمانها ازآنچه برآنان گذشته بود هرگز ابرازندامت نمی کردند، اکثریت ملت

---

۱ ــ این بندر پس ازالحاق بخاك شوروی بنام کالینینگراد خوانده شد ــ م.

آلمان ازشرکت درجنگ جهانی راضی ولی‌ازشکست و مغلوبیت خود ناخرسند بودند و خود را در جنایات منسوب به زمامداران نازی سهیم ومسئول نمیدانستند ، درمیان افراد آلمانی فقط عده معدودی خود را عضوحزب نازی قلمداد وعده کمی هم خود را مخالف آن حزب نشان می‌دادند وعموماً نسبت بسیاست اظهاربی علاقگی می کردند. درنتیجه تبلیغات گوبلز، که ازروسیه‌شوروی هیولای مهیبی برای ملت آلمان‌ساخته بود، آثارترس ونگرانی نسبت به شوروی درمیان اکثریت آلمانهادیده میشد ، ملت آلمان پس‌ازدوازده سال تحمل حکومت دیکتاتوری ومبارزه باکمونیزم اکنون میدید که قربانی توطئه انگلوساکسنها باشوروی گردیده ودرحقیقت ازنظرسیاسی درجازده‌است.

رهبری آلمانها باروش جدیدتربیتی‌واحیای احزاب وسازمانهای سیاسی آن کشور درآغازامرباحسن‌استقبال اکثریت مواجه نشد واحیای صنایع وتجدید حیات اقتصادی آلمان کارآسانی نبود زیرا میلیونها آلمانی کشته‌شده وهنوز میلیونها نفراسیروازطرفی۹ میلیون آلمانی ازمناطق شرقی بمناطق غربی آلمان، که بیش‌ازمناطق شرقی درمعرض بمباران وویرانی قرار گرفته واستعداد فلاحتی آن بمراتب کمترازآلمان شرقی بود ، مهاجرت کرده بودند . متفقین میبایستی برای تأمین غذای آلمانها گندم بیاورند،محصول زغال سنگ کمترازاحتیاج بود ، معذالك آلمانها که‌دردوران‌تسلط خود براروپای اشغال شده‌هستی وسرمایه ومنابع‌ثروت‌ممالك متصرفی‌را دراختیارخود گرفته‌بودند هنوزازمردم غالب ممالك آزاد شده اروپا زندگی‌مرفه‌تری داشتند .

روزاول سپتامبر ۱۹۴۵ مارشال ژوکف بدون مذاکره و مشورت با سایر مقامات متفقین در برلین یك‌حکومت مرکزی برای اداره آلمان شرقی برقرارنمود . فرانسه نیز که در برابر سه دولت دیگر تنها مانده بود جداً با وحدت آلمان و تشکیل حکومت واحد مرکزی برای تمام خاك آلمان مخالفت ورزید ولی علیرغم‌فرانسه، که

پیوسته استقلال ناحیه زنانی‌را خواستار بود، آن‌ناحیه ازنظراقتصادی مشمول مقررات و تصمیمات کلی متفقین درباره تمامی خاك آلمان گردید. ایزنهاور منطقه‌اشغالی‌امریکارا بسه‌مملکت، **باویر وهس‌وباد- وورتمبرگ** تقسیم کردو بدین‌ترتیب‌سیاست‌مشترك‌مورد بحث در کنفرانس‌پوتسدام بمرحله‌اجرا درنیامد، بخصوص که‌مراقبت شدید روسها درمرز ناحیه اشغالی‌آن دولت همکاری بین مقامات اشغال کننده را دشوار ساخته بود .هرچند که مردم باویر ازاستقلال ظاهری خود خرسند بودند ولی جنبش‌های **تجزیه‌طلبانه‌ای** نظیرآنچه درسال ۱۹۱۸ درباویرو بعضی دیگرازممالك متحده‌آلمان بروز کردمشاهده نشد زیرا رژیم هیتلر که اساس‌آن براستحکام‌وحدت ملی وسیاسی‌آلمان بود طرز تفکر آلمانها راتغییرداده بود.

مقامات شوروی در منطقه اشغالی خود دست بیکرشته اصلاحات ارضی زدند و اراضی ملاکین بزرگ را بدون پرداخت قیمت‌ضبط و میان زارعین تقسیم کردند . اقتصادآلمان‌متدرجاً روبه‌بهبود میرفت وملت‌آلمان بامناعت وبردباری خاصی ویرانیهای دوران جنگ را ترمیم می کرد . اکثرشهرهای کوچك‌وقصبات‌ومناطق زراعتی‌ازآسیب جنگ مصون و بعضی از مراکزصنایع جنگی آلمان واز جمله کارخانه‌های مهمات و اسلحه سازی **فاربن**[1] در **فرانکفورت سورلومن** سالم مانده بود . مقامات امریکائی که محل کارخانه‌های فاربن را مرکز ستاد ارتش خود قرارداده بودند متوجه شدند که دردوران جنگ وقبل‌ازورودامریکا بجنگ‌بین‌صاحبان کارخانه‌های‌مزبور وبسیاری از کارخانه‌های اسلحه‌سازی امریکا روابط برقرار بوده وصاحبان صنایع امریکاسفارشات کارخانه فاربن را برای تهیه اسلحه ومهمات انجام می‌داده‌اند . مقامات اشغالی بمنظور

۱- Farben

جبران خساراتی که دردوران تسلط آلمان بر اروپا بر ممالك دیگر وارد آمده بود کلیه کارخانه‌ها وذخیره‌های فلزی ومصنوعات ولوازم راه آهن ومصنوعات دیگر مورد احتیاج عمومی آلمان را ضبط وبهای آنهارا بحساب غرامات جنگ منظور کردند. معادن ساربه فرانسه سپرده و کارخانه‌های معظم **کروپ** درناحیه **اسن** بوسیله مقامات انگلیسی مصادره شد ونیز در منطقه انگلیسها معادن روهر بنفع فرانسه ومناطق اشغالی فرانسه در آلمان غربی مورداستفاده قرار گرفت ولی درمورداستخراج وتقسیم زغال سنگ، که فرانسه بیش ازهمه طالب آن بود ودرازاء هر تن ۲۰ دلار می‌پرداخت، مدتها مشاجره و گفتگوشد. شورای نظارت متفقین در مارس ۱۹٤٦ طرح مربوط به غرامات و چگونگی تعدیل سطح تولید و وضع اقتصادی آلمان را تدوین کرد ودرین زمینه مسائل مربوط به خلع سلاح و غرامات با توجه به مقدورات اقتصادی آلمان مطرح گردید. **مورگنتو**[۱] وزیر امورخارجه امریکا طرحی درباره آلمان تهیه کرده بود که بموجب آن آلمان میبایستی بیك کشورفلاحتی مبدل شود درحالیکه کمی وسعت خاك وعدم استعداد اراضی آلمان برای کشاورزی اجرای آن طرح وبکار گماشتن کارگران بیشمار آلمان راغیر ممکن میساخت. بهرحال فعالیت اقتصادی وتولیدی آلمان نسبت بسال ۱۹۳۸ از ۵۰ تا ۵۵ درصد تقلیل داده شد، محصول زغال سنگ به ۱۵۵ میلیون تن رسید که ٤۵ میلیون تن آن صادرمی‌شد ومحصول فولاد تا ۵ر۸ میلیون تن تنزل کردودرکارخانه‌های آلمان حتی یك لوکوموتیوومصنوعات نظیر آن ساخته نمیشد.

بموجب سهمیه بندی غرامات، که‌در کنفرانس پوتسدام برای شوروی ودر کنفرانس مورخ ۲۲ دسامبردر پاریس برای مناطق غربی تعیین شده بود، دولت شوروی حق داشت

۱- Morgenthau

علاوه برتصرف محصولات ومنابع ثروت منطقه اشغالی خود ،۲۵ درصدازاموال ودارائی ضبط شده درآلمان غربی رانیزدریافت کندوازاین‌مقدار۱۰درصدآن بلاعوض و۱۵ درصد بوسیله مبادله بازغال سنگ وچوب وامثال آن‌نصیب‌شوروی می‌شدولهستان‌نیز درسهمیه شوروی‌شریك‌بود. برای سایر کشورها، علاوه برخسارات‌وارده‌ازتسلط آلمانها،هزینه‌های جنگی نیزمحسوب شد وانگلیس وامریکاازاین‌لحاظ درمقام اول قرار گرفتند .غرامات ازدوطریق میبایستی تأمین‌شود:الف‌ـ بوسیله‌استفاده‌ازمحصولات‌ودارائی آلمان، ب‌ـ استفاده ازمصنوعات‌و کشتی‌ها وناوگان آلمان. بااحتساب ذخیره طلای آلمان‌وطرزتقسیم آن وکار ۷۰۰ر۰۰۰ تایکمیلیون‌کارگر آلمانی که‌برای‌فرانسه‌کارمی کردندسرانجام‌سهمیه‌سه‌دولت غربی‌ویوگسلاوی‌ازغرامات‌باین‌ترتیب‌تعیین‌وضمناً برای آنکه آلمان بتواندواردااتی‌داشته باشدمقرر گردید که بهای ۸۰ درصد اززغال سنگی را که‌استخراج میکند دریافت دارد.

	ازدسته الف	ازدسته ب
اتازونی	٪۲۸	٪۱۱/۸
انگلستان	٪۲۸	٪۲۷/۸
فرانسه	٪۱۶	٪۲۲/۸
یوگسلاوی	٪۶۶	٪۹/۶

شاخص اقتصادی آلمان بمأخذ ۶۶ میلیون جمعیت منظورشد وحال آنکه پس از انتقال آلمانیهای‌ساکن‌اروپای مرکزی وشرقی بخاك‌اصلی آلمان‌وبازگشت اسرای‌جنگی جمعیت‌آن کشور به۷۳ میلیون نفربالغ وازطرف دیگر۲۲ درصدازمساحت‌آلمان ازآن مملکت منتزع شده بود، جمعیت نسبی آلمان که درسال۱۹۳۹ درهر کیلومترمربع ۱۳۳ نفربود درسال۱۹۴۰ به۲۰۰ نفررسید.

ازژوییه ۱۹٤٥ ببعد، مقامات شوروی در آلمان شرقی با تأسیس چهار حزب کمونیست و سوسیال دموکرات ولیبرال دموکرات و دموکراتهای مسیحی موافقت و کمونیستها بزودی پستهای حساس ومقامات مؤثر را در دستگاه دولت اشغال کردند، فعالیت سندیکاهای کارگری تجدید وجرایدی زیر نظارت وسانسور شورویها منتشر گردید و کمی بعد اقداماتی نظیر اقدامات شوروی درمناطق اشغالی سه دولت غربی بامختصر تفاوتی صورت گرفت و هدف کلی این اقدامات وموافقتها که بیشتر جنبهٔ عوامفریبی داشت و براساس تظاهر به آزادی خواهی و آزادمنشی انجام می شد جلب اعتماد و دوستی افراد آلمانی بود. احزاب کمونیست و سوسیال دموکرات جانشین فرقه‌های کمونیست وسوسیال دموکرات آلمان، که قبل ازروی کار آمدن هیتلر در آلمان وجود داشتند، گردیده بودند وحزب اتحاد دموکراتهای مسیحی که رهبران آن خود راعامل مؤثر سوءقصد ۲۰ ژوییه بر علیه هیتلر می دانستند و نقش حزب سابق کاتولیك معتدل را بازی می کردند هم شامل عناصر پرتستان بود وهم بامحافل ومجامع کاتولیك وازجمله بامجمع روحانی **نیه مولر** ارتباط نزدیك داشت . حزب لیبرال دموکرات روش حزب سابق پوپولیست و رهبر آن اشترزمان را تعقیب می کرد ولی بطور کلی بین احزاب چهارگانه هریك ازمناطق اشغالی بااحزاب مشابه منطقه دیگر تفاوتهای محسوسی پدیدار وفرانسه باتشکیل هر گونه حزب واحد متشکلی برای سراسر آلمان مخالف بود. درماه مارس ۱۹٤٦ به پشتیبانی مقامات شوروی احزاب کمونیست وسوسیال دموکرات در صدد ائتلاف وتشکیل حزب واحدی زیرعنوان سوسیالیستهای متحد برآمدند واین امر موجب اعتراض احزاب سوسیال دموکرات درمناطق دیگر اشغالی آلمان گردید. کلیه احزاب آلمان، درعین حال که میخواستند صادقانه با مقامات اشغال کننده برای اصلاح امورهمکاری کنند، باهر نوع تجزیه وانتزاع خاك آلمان بخصوص انتزاع رنانی وروهر جداً

مخالف وقبلا نیز تظاهرائی دایر برمخالفت باتعیین مرزهای جدید لهستان و چگونگی سطح زندگی مقرر برای آلمان ازخود نشان داده بودند . از ۸ میلیون نفر اعضای حزب نازی ٦ میلیون نفر، که بعد از ماه مه ۱۹۳۷ بآن حزب پیوسته بودند، بعنوان اینکه جزو اعضای فعال ومؤمن آن حزب محسوب نمیشدند اجازه ورود باحزاب جدید را تحصیل کردند . در انتخابات سال ۱۹٤٦ انجمنهای بلدی درمنطقه اشغالی امریکا اکثریت هنگفتی نصیب احزاب دموکرات مسیحی وسوسیال دموکرات گردید ولی مسئله توحید احزاب کمونیست وسوسیال دموکرات درسراسر آلمان، که بطور محسوس متمایل به شوروی بودندووحدت آلمان را مستلزم ائتلاف احزاب سوسیالیست می‌دانستند، همچنان دررأس مسائل مهم سیاسی آلمان قرارداشت وتوجه کامل مقامات دول غربی رابخود جلب کرده بود .

دادگاه نورنبرگ

متفقین کلیه زمامداران آلمان نازی را مقصرجنگی وحزب نازی را همکاروشریك جرم آنان می‌دانستند واتهام وارده برسران نازی این بود که موجبات کینه توزی وایجاد دشمنی را دراروپافراهم ساخته ودرسرزمینهای متصرفی آلمان جنایات غیرقابل اغماض وبیسابقه‌ای مرتکب شده بودند . هیتلر که بعنوان متهم اصلی شناخته شده بود دیگر وجود نداشت وهرچند که آثاری ازجسد او بدست نیامد مرگ اوقطعی تلقی شد. ولی مرگ اسرارآمیز هیتلر شایعاتی درآلمان بوجودآورده وازجمله عده‌ای معتقد بودند که هیتلر گریخته و هنوز زنده و سالم است و می گفتند که او مانند **ثور**[۱] خدای جنگ روزی دوباره ظهور

۱- Thor خدای جنك اساطیری ملل اسکاندنیاوـم.

وعظمت و سیادت آلمان را احیا خواهد کرد و سرنوشت آلمان را مجدداً دردست خواهد گرفت.

ازمقصرین جنگی ، گوبلزوهیملر خودکشی کرد بودند و مارتین بورمان هنوز دستگیر نشده بود ودکتر لی نیزپس ازدستگیری درزندان خودکشی کرد. دادگاه بین المللی **نورنبرگ** روز ۲۰ نوامبر ۱۹۴۵ افتتاح گردید وازسران وزمامداران کشوری ولشکری آلمان: گورینگ، هس، یولیوس شتریخر، فریك، فن ریبن تروپ، فونك، روزنبرگ، فرانك، سوکل، کالتنبرونر، **فریتسشه**[1] فن نورات، شپیر، **بالدور فن شیراخ**[2] ، سیس اینکوارت ، فن پاپن، شاخت، دریادار رودر، دریادار دونیتز، مارشال کیتل وژنرال یودل، که بوسیله مقامات متفقین دستگیروزندانی شده بودند ، درآن دادگاه حضوریافتند . دادگاه بریاست **لردلاورنس**[3] قاضی انگلیسی رسمیت یافت و کلیه متهمین خود را بیگناه وغیرمسئول قلمداد کردندولی قرائت ادعانامه وارائه اسناد ومدارك ازطرف دادستانهای امریکائی وانگلیسی وفرانسوی وروسی وشهادت شهود اعمال بیرحمانه وخلاف انسانیت متهمین را در محضر دادگاه اثبات نمود . درآن دادگاه کلیه امکانات دفاع وتسهیلات لازم برای متهمین فراهم شده بود ومتهمین ازآزادی کامل دردفاع ازخود بحداکثر استفاده و گورینگ وبعضی دیگر ازمتهمین سعی کردنددرضمن دفاع ازخود اصول عقاید نازی را که عین حقیقت و عدالت میدانستندتبلیغ نمایند .

پس ازمحکوم شدن سران نازی درداد گاه نورنبرگ ، عده زیادی از صاحبان

۱- Fritzsche ۲- Baldur von Schirach

۳- Lawrence

صنایع آلمان ومتصدیان بازداشتگاهها وفرمانداران که دستورتبعید مردم ممالک متصرفی راصادرویافرمان اعدام دسته‌جمعی صادر کرده بودند وعده‌ای ازافسران وسربازان آلمانی متهم به‌همکاری بامقصرین نیزمحاکمه ومحکوم شدند واقدامات متفقین درین‌زمینه‌مورد علاقه کلیه‌مللی بود که اززیرسلطه آلمان نازی آزاد شده بودند .

بخش سوم - انگلستان

فصل اول

انگلیس درفاصله دوجنگ جهانی

کابینهٔ للوید جرج

کابینه **آسکویث**[1] بدون آنکه درمجلس عوام با رأی عدم‌اعتماد مواجه شود روز ۵ دسامبر ۱۹۱۶ سقوط کرد و روزششم‌دسامبر **للویدجرج** که مانند آسکویث عضو حزب لیبرال بود کابینهٔ ائتلاقی با ۸۸ عضو تشکیل داد،درین‌کابینه که‌باوجود کثرت عده‌اعضا، قدرت واختیارات حقیقی‌دردست‌للویدجرج،**میلنر**[2] و **کورزون**[3] و **بنارلاو**[4] و **هندرسن**[5] بودوشخصیتهای برجسته‌ورجال‌ممتازازفرقه‌های مختلف‌سیاسی‌شرکت‌داشتندمسئولیت‌اخذهر گونه‌تصمیمی باشخص‌للویدجرج‌بودوسایروزرا فقط مسئول اجرای‌دستورات او بودند. تازمانیکه‌جنگ جریان داشت للوید جرج بدون اعتنا و توجه زیاد باصول پارلمانی و تقریباً با روش دیکتاتوری وقدرت کامل‌بکارخود ادامه داد ولی همینکه‌جنگ پایان یافت نمایندگان احزاب مختلف رعایت اصول پارلمانی را خواستارشدند وبنابرسنن خاص انگلیسی‌ملت انگلیس‌مایل‌بود، که‌باتغییروضع‌سیاسی‌وپایان‌جنگ ومواجه‌شدن‌بامسائل‌جدیدناشی از جنگ، انتخابات‌تجدید ودولتی طبق اصول پارلمانی انگلیس‌تشکیل گردد.

انگلستان امیدوار بود که ازشکست آلمان وضعف بنیه مالی واقتصادی آن کشور که ممکن‌بود تا مدتی‌دوام یابد وهمچنین ازضعف نیروی اقتصادی کشورفرانسه که‌درچار

۱- Asquith ۲- Milner ۳- Curzon ٤- Bonnar law ۵- Henderson

ویرانی گردیده‌ومراکز صنعتی واستخراجی شمال آن کشورسالها محتاج به مرمت بود بنفع خود استفاده کند، باآنکه‌دردوران جنگ صنایع انگلیس بعلت احتیاجات‌جنگی توسعه یافته و بریتانیا همچنان سیادت دریائی خود را حفظ وتسلط برمستعمرات تدارك هر گونه مواد خام واولیه مورداحتیاج را برای‌انگلستان‌آسان کرده‌بودنگرانی از بروز بحران اقتصادی برمحافل تجارتی‌انگلیس‌حکمفرما بود زیرا باازمیان رفتن‌رقابت‌تجارتی وصنعتی‌آلمان وفرانسه درحقیقت انگلیس مشتریان خود را نیزازدست داده بود. روسیه که وسعت خاك آن $\frac{1}{6}$سطح خشکی است قابلیت واستعداد تجارت خارجی نداشت ولی اتازونی، که قروض‌خود راپرداخته‌ودردوران جنك‌باتوسعه مراکزوافزایش بیسابقه تولید صنعتی برمقدارصادرات خود افزوده بود وبا قدرت مالی روز افزون خود میتوانست هر لحظه دراقتصاد جهانی وتجارت‌بین‌المللی‌اعمال نفوذ کند،رقیب‌سرسختی برای‌انگلستان بشمارمی‌آمد. ممالك‌مشترك‌المنافع‌بریتانیا(دومینیونها) دردوران‌جنگ ومواجه شدن‌با خطرمشترك مکرر وفاداری خودرانسبت به تاج وتخت انگلستان ابراز کرده بودند ولی این وفاداری‌نشانه ودلیل وحدت وهمکاری اقتصادی ممالك مزبوربا‌انگلیس دردوران بعد از جنگ نبود و ملل امپراطوری در برابر فداکاریهای دوران جنگ طالب استقلال بودند .

انگلیس دردوران جنگ مبالغ هنگفتی دربودجه جنگی مصرف ، مبالغی قرض کرده ومقداری نیزوام داده‌واکنون ناگزیرشده بود خروج طلا را از کشورممنوع واز پایه طلا برای پول‌رایج خود صرفنظرواسکناس‌بدون پشتوانه طلا منتشر کند، بااینهمه وضع مالی ظاهراً چندان بحرانی بنظرنمی‌آمدزیرا ذخیره بانك انگلیس قابل ملاحظه وتبدیل وامهای قلیل‌المدته به‌وامهای طویل‌المدته‌ممکن‌بود وانگلیسها امیدوار بودند که آلمان‌غرامات جنگ‌وسایرمتفقین‌قروض‌خودرابانگلیس بپردازند.اما آلمان‌وسایرممالك

آسیب‌دیده اروپا، که قدرت خرید و ارزش پول خود را از دست داده بودند، بفرض آنکه مشتریان‌کالای‌انگلیسی بودندتوانائی پرداخت طلانداشتند وبراثرتورم‌اسکناس درممالك مشتری و انگلستان و تقویم‌ارزها برمبنای طلاکالای انگلیسی گران تمام می‌شد و این امر، تجارت ودرنتیجه وضع مالی انگلیس را تهدید می کرد . تقلیل بهای‌کالاها مسئله اساسی سیاست بعدازجنگ انگلیس بود وانگلستان میبایستی بهرصورت که باشد قیمت تمام شده کالاهارا پائین بیاوردتا بتواند با اتازونی در تجارت بین‌المللی رقابت وهمسری کند . اما برای تقلیل بهای کالا طرقی وجود داشت که اجرای هر یك از آنها نتایج نا مطلوبی درپی‌داشت: یکی آنکه باتوسعه صنایع ماشینی ازتعداد کارگران ودرنتیجه‌از پرداخت مزد زیادبکاهند واین‌کار موجب توسعه بیکاری‌وخود باعث تعهدات جدیدمالی برای دولت ویاصاحبان کارخانه‌ها می‌شد. دیگرآنکه از میزان‌سود فروش کالاها مقدار قابل توجهی بکاهند واین امرموجب انصراف سرمایـه داران وتولید کنندگان ازبکار انداختن سرمایه‌هاوبالمآل باعث کاهش میزان تولید وفعالیت اقتصادی می گردید،طریقه دیگر این‌بود که ازمزد کارگران کم کنندوبرساعات‌کارآنان بیفزایند، دراینصورت طبقه کارگر باقدرت سیاسی که داشت جداً بااین منظور مخالفت می‌ورزید .

مسائل اجتماعی و انتخابات سال ۱۹۱۸

کارگران انگلیس، که‌دردوران‌جنگ‌بعلت‌افزایش‌هزینه‌زندگی عمومی مزد بیشتری دریافت‌میداشتند، بااستفاده‌ازموقعیت‌متناسب که براثر بالارفتن‌سطح تولید صنعتی پیش‌آمده بود، میخواستند باردیگربرمیزان‌دستمزدآنان افزوده‌شودوسطح زندگی‌آنان به‌نسبت افزایش سطح تولید بالا برود و در چگونگی عوائد و درآمدهای کارخانه‌ها مداخله وبدین‌ترتیب بانظارت درامور کارخانه‌ها حقوق‌و مزایای خود را حفظ کنند .کارگران بخوبی دریافته بودند که بـرای‌قبولاندن مقاصد ونظریات

خود باید بیش ازپیش درسندیکاهاواتحادیه‌های کارگری متمرکزومتشکل شوند، نهضتهای کارگری سایرممالك وتبلیغات ونوشته‌های تئوریسین‌های انگلیسی وممالك دیگراروپا کارگران انگلیس را باستفاده از نیروی خلاقه آن طبقه برانگیخته بود. بجای دسته‌هاو اتحادیه‌های صنفی کارگران متخصص متمرکزدر **تریدیونیون**[1] بتدریج سازمانهاو گروه‌های جدید بیشماری ازکارگران عادی وغیرمتخصص وغیرفنی، که دردوران جنگ براثر احتیاج صاحبان ترستها بکارگر روزبروزبرتعداد آنان افزوده شده بود، تشکیل می‌یافت واین سازمانهاو دسته‌ها که متمایل بچپ وبعضی دارای افکارمارکسیستی وتندرو و طرفدار انقلاب واعمال زوربودند کم کم بحزب کارگران پیوستند وبدان حزب جنبه انقلابی و ضد سرمایه دارای دادند ولی ازآن پس کادررهبری حزب کارگر[2] ازدست کارگران حقیقی خارج شد وروشنفکرانی چون **ماکدونالد**[3] و **سنودن**[4] وامثال آنان رهبری حزب را در دست گرفته رسماً اعلام نمودند که برای تامین مقاصد و تئوریهای کارگران حاضرند زمام اموررمملکت را دردست گیرند.

عکس‌العمل نهضت کارگری درمیان طبقات متمکن وثروتمند ومالکین عمده و سرمایه داران انگلیس، که باهرگونه رفورمی بنفع کارگران مخالفت می‌ورزیدند، این بود که بیش ازپیش افرادآن طبقات را بیکدیگر نزدیك وبرای مقابله با دعاوی کارگران همگی را درحزب محافظه‌کارانگلیس متمرکزساخت وبدین‌ترتیب حزب مزبور، که از طرف کلیسای مخصوص انگلیس نیزحمایت وتقویت می‌شد، نیرومندترازسابق گردید. اما لیدرالهابانقشه‌مبهم وبدون‌هدف مشخصی که برای مردم جالب‌دقت‌وتوجه باشد گاهی متمایل به‌کارگران معتدل بودند وگاهی ازعقاید وآراء محافظه کاران طرفداررفورم اجتماعی پشتیبانی می کردند.

۱- Trade union ۲- Labour Party ۳- Mac Donald ۴- Snowden

احزاب ودسته‌های سیاسی که دردوران جنگ و بمناسبت جنگ، ازمنازعات ومبارزات حزبی خودداری کرده ودر زیر لوای وحدت ملی روش هماهنگی پیش گرفته بودند، برای حفظ منافع صنفی مایل بودند مبارزات سابق را ازسر گیرند. کنگره کارگران در ۱۴ نوامبر ۱۹۱۸ با اکثریت ۲۱۱۷۰۰۰ رای در برابر ۸۴۰۰۰۰ رأی مخالف خروج آن حزب را از ائتلاف وحدت ملی تصویب واعلام نمود و براثر آن تصمیم عده‌ای وزرای سوسیالیست از کابینه خارج شدند وبعضی از آنان ازحزب کارگران کناره گیری کردند.

بنابر اعلامیه وزارت کشور در ۱۴ نوامبر ۱۹۱۸، انتخابات عمومی روز ۱۴ دسامبر همان سال صورت می گرفت وچون طبق قانون مصوب ۶ فوریه ۱۹۱۸ بزنان نیز حق رای داده شده بود عده رأی دهندگان درحدود ۸ میلیون نفر، که ۶ میلیون نفر آن زنان بودند، افزوده شد ومبارزه انتخاباتی شدیدتر ازهر نوبت دیگر آغاز وروز ۱۴ دسامبر نتیجه انتخابات پارلمان باین شرح اعلام گردید:

محافظه کاران ومؤتلفین آنان ۳۳۴ کرسی، لیبرالها ۱۳۳ کرسی، کارگران ۶۴ کرسی. بدین ترتیب دربرابر ۴۶۷ نماینده (محافظه کار ولیبرال) طرفدار همکاری با دولت، یك اقلیت ۲۲۹ نفری مرکب از نمایندگان کارگر ولیبرالهای طرفدار **اسکویث** (۳۲ کرسی) وناسیونالیستهای ایرلندی (۷ کرسی) و**سین فینرز**[۱] (۷۳ نفر) ویونیونیستهای مستقل (۴۶ کرسی) ومتفرقه (۷ کرسی) درپارلمان بوجود آمد. حزب کارگر کرسی بیشتری بدست آورد ولی اسکویث شکست خورد وحتی خود او نیز انتخاب نشد. للوید جرج و حزب محافظه کار پیروز شدند و کابینه جدید ائتلافی محافظه کار ولیبرال بریاست للویدجرج از روزدهم ژانویه ۱۹۱۹ شروع بکار کرد. للوید جرج نخست وزیر مقتدر انگلیس با حفظ اصول وسیاست دوران جنگ پارلمان را همچنان دوراز جریان‌های سیاسی قرارداد. هیئت

۱- Sinn-Feiners (حزب متشکل از استقلال طلبان آیرلندی وهمفکران آنان که خواستار استقلال کامل ایرلند بودند، Sinn-Fein درزبان آیرلندی بمعنای «خودمان» است-م.

وزیران وشوراهای اختصاصی وزرا با صدورتصویبنامه‌ها، مانند زمان جنگ، امورمربوط بخود را اداره می کردند وحتی بمقامات محلی نیز اختیاراتی برای اداره اموراعطا گردید وپارلمان بتدریج درمقابل قوه‌مجریه بعقب‌نشینی‌خودادامه داد وسرانجام باطرح‌مربوط به‌اختیارات قوه‌مجریه موافقت نمود . طبق آن طرح هیچ وزیری‌دربرابررأی منفی پارلمان یاسئوال نمایندگان‌مجبورباستعفا ازمقام خودنبود،مجلس‌عوام به کمیته‌هاو کمیسیونهای فنی، که کمترتحت‌تأثیرسیاست‌قرارمی گرفتندوکارخودرا سریعتر ازپارلمان‌انجام میدادند، اختیاراتی اعطا نمود و تصمیمات کمیته ها لازم الاجرا شناخته شد . فقط قانون بودجه میبایستی‌درپارلمان‌بصورت‌طرح‌دوشوری‌یاسه‌شوری‌مطرح ولی‌طی‌جلسحات‌معین ومحدود بتصویب‌برسد وبقیه لوایح وطرحهای لازم یا ازتصویب هیئت وزیران می گذشت واجر می‌شدویا بصورت طرحهای فوری درمجلس عوام بتصویب میرسید .

دولت با قدرت ناشی از اختیارات قانونی که‌بدست آورده بود، بتدریج خلع‌سلاح واحدهای زیر پرچم را انجام داد، وسیله فروش واستهلاك ذخیره های کالا را که برای دوران جنگ تهیه نموده‌بود دربازارفراهم ساخت‌ودرماههای ژانویه وفوریه وژوئیه۱۹۱۹ موفق به تدارك سه قرضه جدید گردید وباجمع آوری مقدار زیادی از اسکناسهای منتشرشده، بحران‌تورم‌اسکناس راتخفیف داد، امامسئله قیمت‌کالا وروابط بین‌کاروسرمایه (کارگروکارفرما) همچنان لاینحل‌بود ودررأس مسائل جاری روزقرارداشت .

ادامه مشکلات و بحرانهای اجتماعی

تدابیر واقدامات للوید جرج موجب امیدواری طبقه سرمایه‌دار بانصراف کارگران ازتوجه به بلشویزم وایجاد روابط مستقیم بین‌مقامات‌مؤثرطبقات‌کارگروکارفرما گردید.للویدجرج ازتاریخ ۵دسامبر۱۹۱۸ (قبل ازانجام انتخابات‌جدیدپارلمان)با اجرای مقررات ۸ ساعت‌کار ازاول فوریه۱۹۱۹ برای کارگران راه‌آهن

موافقت کرده بود. اما درسال۱۹۱۹، دعاوی‌وخواسته‌های کارگران درباره تقلیل‌ساعات کارباحفظ یا افزایش میزان‌دستمزد،تهیه‌خانه ومسکن برای کارگران، اعطای‌امتیازات بیشتربه**تریدیونیون** درمیان‌کارگران معادن وراه‌آهن و کارخانه‌های‌نساجی وحمل و نقل‌انتشاریافت وکارگران وحتی پلیس‌انگلیس دولت راباعتصاب تهدید کردند .للویدـ جرج کارگران‌و کارفرمایان رابه تماس‌ومذاکره مستقیم‌بایکدیگردعوت‌وضمن‌تصدیق خواسته های کارگران حفظ موقعیت سرمایه داران را از لحاظ مصالح انگلستان لازم شمرد . بدستورللویدجرج‌در۲۷ فوریه یك کنفرانس ملی صنایع تشکیل و بنابه پیشنهاد **هندرسن** ازرهبران‌حزب‌کارگریك کمیته اقتصادی‌تأسیس ومامورمطالعه وبررسی مسائل مربوط به کارگروکارفرما گردید . کمیته مزبورسر انجام‌با تشکیل شورای ملی مشترك کارگرو کارفرما موافقت نمود .

بطور کلی اغلب سران حزب‌کارگرمانند هندرسن و **کلاینس**[۱] که‌باصول‌پارلمانی ایمان داشتند باوجود مخالفت بادولت محافظه‌کاربااصلاحات ورفورمهای تدریجی موافق بودندولی‌اکثریت‌کارگران که‌تحت‌تاثیرتبلیغات‌بلشویکهاو افراد تندروقرارگرفته‌بودند، رهبران‌خودرابسازشکاری متهم‌ساختند ونفوذرهبران‌معتدل‌حزب‌کارگردر برابرطرفداران عقایدافراطی، که به‌اعمال زور و اقدامات شدید برای بهبود وضع کارگران‌معتقد بودند، بتدریج‌کاهش یافت .کارگران‌معادن که خواستارروزی ۶ساعت‌کارو۳۰درصداضافه‌دستمزد وملی‌شدن معادن بودندروز۱۵ مارس را برای شروع باعتصاب معین کردندولی صاحبان معادن باروزی۷ ساعت‌کاروافزایش‌مختصری‌دردستمزدکارگران موافقت کردند.للویدجرج کمیسیون‌مختلطی‌ازنمایندگان‌کارگروکارگرفرما بریاست **سانکی**[۲] قاضی‌انگلسیی‌تشکیل داد . تصمیم کمیته مبنی‌برتثبیت حداکثر۷ساعت‌کارودوشیلینگ اضافه دستمزدکارگران

۱- Clynes ۲- Sankey

بتصویب دولت رسید ، امادسته‌های افراطی ازحصول سازش بین کار گروکارفرماجلو گیری وطرفداران سازش را متهم وکار گران رابمقاومت واعتصاب دعوت و باپشتیبانی ازتشکیلات وسیع کار گری باردیگرخواسته‌های کار گران را درباب ملی شدن معادن تجدید کردند وتبلیغات وتحریکات خود را درواحدهای صنعتی و بازر گانی، که درزندگی عمومی تأثیر بسزائی داشتند، توسعه دادند. سانکی طرح جدیدی درباره ملی شدن معادن ازطریق باز- خرید معادن ومؤسسات ازصاحبان آنها بوسیله دولت پیشنهاد کرد. دولت درقبول طرح سانکی، بدان علت که قبول واجرای آنراموجب تجری کار گران میدانست، دچارتردیدشد ولی اصلی ملی شدن معادن راقبول کردو بار دیگر اصل هفته‌ای ۴۸ ساعت کاروافزایش دستمزد را مورد تأیید قرارداد .

دادگاههای مخصوص حکمیت تأسیس وطرحی درباره جلوگیری از منافع غیر عادلانه ونامشروع تصویب و برای خواربار واحتیاجات ضروری نرخ رسمی وثابت تعیین نمود لیکن این اقدامات ، که درحقیقت امتیازات جدیدی برای کار گران شمرده می‌شد ، نظر دولت را در باره پائین آوردن قیمت تمام شدهٔ کالای صنعتی تأمین نکرد . بلکه براثر بالارفتن دستمزدو تقلیل میزان تولید، بهای کالاترقی کرد وتجارت دچار کندی ور کود گردید . خزانه داری انگلیس سعی می کرد درآمدهای جدیدی ازدرآمدهای محلی که خود برای مودیان سنگین شده بود بدست آورد ، درحالیکه بودجه کل تعادل خود را از دست داده و تثبیت و راه بردن اقتصاد کشور با مشکلات گوناگون مواجه شده بود . دولت عقب نشینی وتسلیم بیشتری را دربرابر کار گران جایز ندانست و باشدت وسرعت حوزه پلیس را ازتحریکات و محرکین تصفیه کرد و همینکه دسته‌های افراطی ازجلب موافقت کار گران معادن برای اعتصاب مأیوس شدند ودرآغازماه اکتبر اعتصاب عمومی اعلام نمودنددولت زیرعنوان «دفاع از کشور» طرحی تصویب کرد که بموجب آن تعداد لازم ازافراد داوطلب دوروزپس ازشروع اعتصاب جای کار گران اعتصابی را درمؤسسات عمومی

وحمل ونقل وامثال آنها گرفتند وبدین ترتیب ازاختلال سرویسهای عمومی جلوگیری بعمل‌آمد ودرنتیجه کارگران‌اعتصابی نیزازه اکتبرتحت عنوان «هم‌آهنگی‌باکارگران غیراعتصابی» بشغل خود بازگشتند . ازآن پس للویدجرج جنبه مبارزه باکمونیزم را بیش‌ازپیش آشکارنمود ودر ۲۸ اکتبربا ترمیم‌کابینه عده بیشتری‌از عناصر محافظه کار را درهیئت‌دولت خود شرکت داد و در عین حال بیش از سابق به سنن و اصول پارلمانی متوجه گردید .

وضع مالی بتدریج‌بهبود می‌یافت، تمرکزقسمت اعظم سرمایه وذخیره‌های نقدی (۱۶۰۰ میلیون لیره ازمجموع ۱۹۰۰ میلیون لیره ذخیره پولی) دردست پنج بانک‌بزرگ (میدلند[1]، بارکلی[2]، وست مینستر[3]، ناشنال پرونسیال[4]، لوید[5]) بموجب قانون ژانویه ۱۹۱۹ وارتباط‌مستقیم بانکهای پنجگانه‌با بانك انگلستان وبانکها وموسسات اقتصادی بیشماردومینیونهاوسایرممالك دنیا انگلستان را بصورت‌بزرگترین بانکیه ومرکزبورس جهان درآورد. لیکن‌ازتابستان سال۱۹۲۰ ببعد، که براثررقابت شدید تجارتی امریکا و ضعف قدرت خرید ممالك اروپا بهای کالاهای انگلیسی تنزل یافت ، عده زیادی از بازرگانان ، که کالای گران قیمت ذخیره کرده بودند ، ورشکست و عده‌ای ازبانکها و موسسات صرافی وبورس دچاراختلال مالی شدند وبانك‌انگلیس‌ناچارشدبرای جلوگیری ازسقوط لیره دربرابردلارازتعهدات ارزی شانه خالی کند . صدورطلا بخارج نیزممنوع گردید ودرحالیکه نرخ مالیاتها و عوارض بحد اکثر خود رسیده بود دولت برای‌تثبیت وضع‌مالی تمام‌کوشش‌خود را برای صرفه‌جوئی‌درهزینه‌ها بکارمیبرد، بدستورللویدجرج کمیسیون خاصی ازبعضی ازوزیران تشکیل ومامور گردید که تا حدود صدمیلیون لیره

1- Midland 2- Barclay 3- Westminster 4- National Provincial

5- Lloyd

درهزینه‌های پیش بینی شده در بودجه صرفه‌جوئی کند ولی تدابیردولت در زمینه بهبود وضع مالی، چنانکه‌انتظارمیرفت، موثرواقع‌نشد. کشمکش طبقات کارگر و سرمایه‌دار همچنان ادامه داشت، سرمایه داران ازسودهای کلان محروم‌شده بودند وکارگران در خواسته‌های خود درباره افزایش دستمزد و تعیین مالیات سنگین برسرمایه وملی شدن معادن و کارخانه‌ها پافشاری می کردند. باردیگرعلائم اعتصاب درمیان‌کارگران نمودار گردید، دولت ازاول مارس ۱۹۲۱ نظارت برصنایع زغال سنگ را که، دردوران جنگ برقرار کرده بود، لغو نمود. ازروز۳۱مارس کارگران‌معادن‌دست باعتصاب‌زدند ودرحالیکه وزیرکارحالت بحران وخطرعمومی را در کشوراعلام نمود، اتحادیه سندیکاهای‌کارگری اعتصاب عمومی را پیش‌بینی کرد. براثراعتصاب معدنچیان، زغال سنگ نایاب و کار صنایع فلج ومردم‌دچارمضیقه وچهارمیلیون‌کارگربیکارشدند. اعتصاب کنندگان که خود ازپیمان شکنی‌های پی‌درپی‌خسته‌وواماندشده‌بودند بالاخره در۲۷ ژوئن۱۹۲۱پس‌ازسازش وقول‌وقرارجدیدبادولت‌وسرمایه‌داران بشغل خودبازگشتند ودولت بنابه‌تقاضای‌کارگران وکارفرمایان‌اعتباری درحدود۱۰ میلیون لیره بطورمساعده دراختیار کارخانه‌ها گذاشت.

درمیان‌اعتصابات وعکس‌العملهای سرمایه‌داران، اعتصاب‌کارگران‌صنایع‌مکانیکی بیش ازدیگران مهم وقابل توجه بود. کارفرمایان که باپیشنهادکارگران خود درباره حل مسئله دستمزد و اضافه کار موافقت نداشتند کارخانه‌های خود را تعطیل و یك میلیون کارگررا اخراج وبیکار کردند، تعطیل‌کارخانه‌ها که تا تاریخ ۲ ژوئن بطول انجامید کارگران‌را درمانده ووحدت آنان‌رامتزلزل‌ساخت‌وناگزیربه‌شرایط پیشنهادی‌کارفرمایان تسلیم‌شدند.

بطورکلی،کارگران ازوضع‌خود ناراضی وتولیدکنندگان‌کالاهای‌صنعتی وزراعتی وبازرگانان ازعدم ثبات قیمتها وبهای لیره واختلال تجارت ناخرسند وطبقه مزدبگیر

وکارمند دولت قربانی کاهش ارزش پول شده بودند و قدرت و اختیارات لوید جرج، که در آغاز امر تنها وسیلهٔ بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی بنظر می آمد، بتدریج مظهر ظلم و بیعدالتی غیر قابل تحمل جلوه گر شد و حزب محافظه کار را بهراس انداخت زیرا سران حزب میترسیدند که اعتبار و حیثیت حزب در غرقاب شکست و بدنامی کابینهٔ للوید جرج، که مورد حمایت آنان بود، نابود گردد.

مسائل خارجی

مشکلات و ناکامیهای انگلیس در سیاست خارجی موجبات دیگری برای نارضایتی عمومی بود. انگلیس در موافقت نامه **ونیزلوس**[1] مبنی بر ادامه جنگ با مصطفی کمال شرکت کرد و با شکست در دنا کی مواجه گردید. با فرانسه درباره مسائل مربوط بآسیا و افریقا (شرق) و نفت موصل و نهضت های تجزیه طلبی و استقلال خواهی رنانی و سهمیه بندی غرامات جنگ آلمان (که آلمان از پرداخت آن شانه خالی می کرد) اختلاف نظر داشت و در کنفرانس بحری واشینگتن نظریه آندولت درباره حذف زیردریائی ها در برابر فرانسه که طرفدار ابقای آنها بود با شکست مواجه و چون در قراردادهای بحری گنجایش بحریه تجارتی انگلستان برابر با اتازونی تعیین شد انگلیس سیادت بحری خود را از دست داد در حالیکه منابع انگلیس برای تأمین همان مقدار گنجایش حمل و نقل دریائی نیز کافی نبود. بر اثر فشار دولت کانادا، که مایل بود در عقد قرارداد و پیمان با اتازونی درباره مسائل خاور دور شرکت کند، انگلیس ناچار پیمان اتحاد خود را که در سال ۱۹۰۲ بسته بود لغو کرد و از آن پس ژاپن که خود در ردیف دول بزرگ و نیرومند جهان قرار گرفته بود میتوانست آزادانه نفوذ خود را در آسیای شرقی

۱- Venizelos ــ پس از شکست متحدین در سال ۱۹۱۸ امپراطوری عثمانی سقوط کرد و جمهوریخواهان ترك برهبری مصطفی کمال پاشا که بعدها به اتاتورك مشهور شد مدت ٤ سال به نبرد با متفقین ادامه دادند ــ م.

واقیانوسیه بسط دهد .شرکت انگلیس درجنگهای ضد بلشویکی درروسیه وحمایت ازعناصر ضدانقلاب به نتیجه نرسید، کنفرانس دومینیونهای انگلیس که از ۲۰ ژوئن تا ۲۵ اوت ۱۹۲۲ درلندن منعقد گردید وحدت کاملی را که انگلیس انتظارداشت درمیان دومینیونها تأمین نکرد . اختلافات باآیرلند همچنان پابرجا بود وعلیرغم للویدجرج کلیه احزاب انگلستان طالب انتخابات عمومی پارلمان بودند .

کابینه بونارلاو و انتخابات سال ۱۹۲۲

رهبران حزب محافظه کاردروز ۱۹ اکتبر ۱۹۲۲ بنابه پیشنهاد بونارلاو طی اعلامیه‌ای بدوران ائتلاف با حزب لیبرال پایان دادند و اعلام نمودند که مستقلادرانتخابات عمومی شرکت خواهند کرد . للویدجرج بلافاصله استعفا کرد و **بونارلاو** در ۲۳ اکتبر کابینه جدید را تشکیل داد .

درانتخابات عمومی که روز ۱۵ نوامبر ۱۹۲۲ بعمل آمد، محافظه کاران ۳۴۴ کرسی (با ۳۸/۲ در صدآراء) کارگران ۱۳۸ کرسی (با ۲۹ درصد آراء) و لیبرالهای طرفدار اسکویث ۶۰ ولیبرالهای پیرو للویدجرج ۵۷ کرسی بدست آوردند .

بنارلاومردی خونگرم ولی مهارت وبصیرت اودرامورپارلمانی بیش ازاموراداری و سیاسی ومزاجاً علیل بود، براطرافیان وهمکاران خود نفوذ کاملی نداشت وکابینهٔ او بصورت یك کابینهٔ موقت یامحلل بنظرمی آمد. **لردکورزن**[1] وزیرخارجه درمورد غرامات ومخالفت با اشغال رنانی ازطرف فرانسه همچنان با پوانکاره درمنافشه ومشاجره بود وجداً بانظریات فرانسه مخالفت میورزیدوظرفا این حالت بین انگلیس وفرانسه را «نقار وکدورت دوستانه» نام دادند .

۱ــ لردکورزن درکابینه دوم للویدجرج نیز جانشین بالفور وزیر امور خارجه انگلیس گردیده بود .

موضوع بیکاری از مسائل مهم روز و از نظر اقتصادی و مالی تهدید آمیز بود. طبق قانون بیمه‌های اجباری مصوب سال ۱۹۲۰ مجلس عوام ۱۲ میلیون نفر بیمه شده مزد بگیر چشم به‌اعتبارات بیمه وصندوقهای تعاون ووجوه اعانه و غیره دوخته بودند. بعلت بالارفتن هزینه زندگی برمیزان کمك معاش پرداختی به کارگران و بیکاران افزوده شده ولی میزان حق بیمه که از بیمه شدگان دریافت می‌شد ثابت مانده‌بود، بدین ترتیب باافزایش عده بیکاران ازذخیره صندوقهای تعاون و بیمه ومانند آنها بتدریج کاسته می‌شد. تقلب و تزویر در استفاده ازوجوه صندوقهای تعاون واعتبارات خیریه واعانه و امثال آن رواج کامل یافت و بیکاران سعی می کردند که درعین حال از اعتبارت مختلف استفاده کنند. چون حق بیمه دریافتی از کارگران شاغل برای پرداخت دستمزد کارگران بیکار ومدد معاش سایر کارگران کافی نبود ناچار میبایستی دولت کسر موجودی صندوقهای بیمه و تعاون کارگران را جبران کند و بدین ترتیب تلاش و کوشش دولتها برای کاستن از مقدار وامهای دوران جنگ وصرفه‌جوئی درهزینه‌های مملکت وتعدیل بودجه‌در برابر افزایش سریع تعهدات جدید بهدر میرفت. لاواز بهبود موقت وضع مالی کشور درچند هفته آخر سال ۱۹۲۲ استفاده کرده با خوشبینی واعتماد بآینده بودجه متعادلی برای سال ۱۹۲۳ تنظیم واقدام بیك رشته عملیات عمرانی وساختمانی را برای بکار گماشتن بیکاران در بودجه پیش‌بینی نمود و بالدوین بعقد قرار داد جدیدی با اتازونی درباره وام انگلیس بـآن کشور توفیق یافت.

کابنیه بالدوین و انتخابات ۱۹۲۳

بنارلاو روز ۲۷ آوریل ۱۹۲۳ برای بازدید یك کشتی زره‌دار انگلیسی میبایستی لندن را ترك کند ولی بیماری اوشدت یافت و روز ۲۰ مه استعفا نمود (ودر ۳۰ اکتبر ۱۹۲۳ درلندن وفات یافت) و بالدوین روز ۲۵ مه درمیان حیرت وتعجب عمومی به‌نخست وزیری منصوب گردید واوستین چمبرلین همچنان ازعالم سیاست دور ماند.

ازآغازپائیزسال ۱۹۲۳ باردیگر بحران اقتصادی ، انگلستان رادرمعرض تهدید قرارداد: نا پایداری‌وضع کشاورزی، بیکارشدن عده‌زیادی‌کارگرکارخانه‌های اسلحه سازی (طبق تصمیمات کنفرانس واشینگتن درباره تقلیل سلاحها) افزایش قیمت تمام شدهٔ کالاهای صادراتی انگلیس‌وتجدید رقابت تجارتی‌فرانسه وآلمان باانگلیس برمشکلات اقتصادی افزوده، درآمدهای پیش‌بینی شده خزانه ونرخ مالیاتها وعوارض بحداکثرقابل وصول رسیده بود . بالدوین در دوم نوامبر طرحی‌درباره تجارت انگلستان بمجلس عوام تقدیم کرد که بموجب آن آزادی‌تجارت‌درداخله کشوروبین انگلیس ودومینیونهای آن‌تأمین ولی،جزدرمورد گندم و گوشت، دولت مکلف بود که با افزایش نرخهای گمرکی بر واردات ازمحصولات وتولیدات‌صنعتی داخلی حمایت کند . این‌طرح مورد قبول اکثریت محافظه کاران قرار گرفت لیکن دسته طرفدارچمبرلین‌ونمایندگان لیبرال‌وکارگر که طرح مزبور را توطئه‌ای برعلیه رژیم تجارت‌آزاد انگلیس وموجب ترقی هزینه زندگی می‌دانستند‌بشدت باآن‌مخالفت کردند. موضوع بقدری‌مهم بود که بالدوین تصمیم گرفت باتجدیدانتخابات‌رأی اکثریت مردم را درباره‌آن بدست آورد وبا اعلام انتخابات جدید خود نیزمستقیماً وبدون‌ائتلاف بالیبرالهاوارد مبارزه‌انتخاباتی گردید. ولی براثرانتقادات شدیدجرایدمخالف بخصوص‌مطبوعات‌وابسته به**رادرمر**[۱] و **بیوربروك**[۲]، که‌ازنارضایتیهای عمومی برعلیه بالدوین‌استفاده می کردند،پیروزی‌کامل‌بدست نیاورد ، معذلك‌درانتخابات ۶ دسامبر ۱۹۲۳ ، محافظه کاران ۲۵۸ کرسی ، لیبرالها ۱۵۹ وکارگران ۱۹۲ کرسی بدست آوردند و بدین ترتیب‌باز حزب محافظه کار مقتدرترین فراکسیون پارلمانی را تشکیل‌داد.

للویدجرج‌واوستین‌چمبرلین موضوع ائتلاف‌جدیدضد سوسیالیزم رامطرح کردند

۱- Rothermere ۲- Beaverbrook

ولی بالدوین واسکویث (لیبرال متمایل به حزب کارگر) مخالفت ورزیدند . مجلسین روز ۱۵ ژانویه ۱۹۲٤، درحالیکه اعتصاب جدید کارگران راه آهن هنوز ادامه داشت ، وارد کار شدند وروز ۲۱ ژانویه کابینه بالدوین با ۳۲۸ رأی مخالف در برابر ۲۵٦ موافق سقوط کرد و بفرمان شاه، لیدر حزب کارگران، **رامسی ماکدونالد** ، که درسال ۱۹۱٤ جداً با ورود انگلستان درجنگ بر علیه آلمان وهمکاری با فرانسه مخالفت ورزیده بود مأمور تشکیل کابینه گردید.

کابینهٔ اول ماکدونالد

کابینه ماکدونالد روز ۲۲ ژانویه تشکیل گردید واعضای کابینه که اکثر از رهبران کارگران بودند، برای اثبات بیطرفی ورعایت مصالح عالیه امپراطوری واستقلال وعدم بستگی خود با حزاب، از کلیه مشاغل ومناصب سندیکائی خود استعفا کردند وتصمیم خود را درباره مبارزه باهر گونه هرج ومرج طلبی وتسلیم در برابر اعمال خشونت آمیز احزاب سیاسی وبالاخره انجام یك رفورم تدریجی اعلام داشتند . در برنامه دولت از مالیات بر سرمایه وملی شدن معادن ذکری نشده بود ودولت ماکدونالد چنین وانمود می کرد که قدمی بر خلاف منافع طبقه سرمایه دار برنخواهد داشت وچون حزب کارگران درپارلمان دراقلیت بود، جلب موافقت وهمکاری لیبرالها را لازم میشمرد .

یکی ازاولین اقدامات ابتکاری ماکدونالد برسمیت شناختن رژیم جدید شوروی وبرقرار کردن مناسبات سیاسی با آن دولت و دادن قرضه بدون تضمین و اعزام هیئت اقتصادی بمسکو وعقد قرارداد بازرگانی انگلیس وشوروی بود که دشمنی ومخالفت حزب محافظه کار را بر علیه دولت برانگیخت. ازطرف دیگر باتقاضای حزب کارگر مبنی بر تخلیه مصر ازقوای نظامی انگلیس مخالفت ورزیدو در سودان باشدت بر علیه نهضت استقلال طلبی مردم بمبارزه پرداخت ودرعین حال ماکدونالد بتجدید چاپ کتاب معروف خود درباره سوسیالیزم

پرداخت ودر آن کتاب رژیم بلشویزم را نوعی ازدیکتاتوری درلباس وظاهرجدید معرفی کرد. محافظه کاران که ماکدونالد را درسیاست خارجی دودل ومردد، گاهی متمایل به فرانسه‌وزمانی به آلمان، میدیدند اورا بباد انتقاد گرفتند بخصوص که وی باطرح یونگ درباره تقسیط غرامات دریافتی ازآلمان موافقت کرد. موقعیت کابینه ماکدونالد براثر ادامه بحران بیکاری وعدم‌حصول‌سازش بین‌کارگروکارفرماوسایرمشکلات‌سیاسی واقتصادی دربرابرپارلمان سخت متزلزل گردید وتنها بهانه مختصری برای سقوط کابینه لازم بود .

بدستور **سرپاتریك هیستینگز**[1] دادستان کل، **کامپبل**[2] سردبیرروزنامه کمونیستی **ورکرزویکلی**[3] باتهام نشرمقالاتی تحریک آمیزوتحریك‌مردم به‌انقلاب‌وشورش تحت‌تعقیب قرار گرفت‌ودادستان اورا باهمکارانش توقیف نمودوماکدونالدازطرف‌همفکران‌متمایل بچپ به انحراف‌ازمسلك ومرام سیاسی حزب کارگرمتهم گردید ودرهمان حال توبیخ‌نامه‌ای درباره ماکدونالدازطرف‌محافظه کاران صادرشدودر۱۸اکتبر۱۹۲٤، علیرغم دولت،طرحی درباره لزوم‌تحقیقات پارلمانی درمجلس عوام‌با اکثریت۳٦٤رای دربرابر۱۹۸رأی‌بتصویب رسید . ماکدونالد انحلال‌مجلسین‌را ازشاه‌درخواست کردوباردیگرمبارزه‌شدیدانتخاباتی آغاز گردید . درآخرین لحظات این مبارزه بیانیه‌ای ازطرف محافظه کاران انتشاریافت وحاوی متن نامه‌ای‌بود که‌ازطرف **زینوویف**[4] کمونیست‌حاد شوروی به **مك‌مانوس**[5] کمونیست انگلیسی نوشته شده وشامل‌دستورهائی در باب تهیه مقدمات نفوذ شوروی در سیاست داخلی انگلستان بود . ماکدونالد بدون توجه زیاد بموضوع، وزارت خارجه‌را (که‌خودبرعهده‌داشت)مأمورسیدگی‌باین‌امر نمودویادداشت‌شدیداللحنی برای‌سفیرشوروی

۱- Sir Patrick Hastings ۲- Campbell ۳- Workers Weekly ٤- Zinoviev

٥- Mac Manus

در لندن فرستاد و تقاضا کرد که صحت و سقم چنان نامه‌ای را تأیید نماید. با آنکه **مك مانوس** که خود در مسکو بود وجود نامه را جداً تکذیب کرد انتشار اعلامیه محافظه کاران در جریان انتخابات کاملا موثر افتاد و در انتخابات ۲۹ اکتبر ۱۹۲٤ محافظه کاران ٤۱۵ کرسی یعنی اکثریت بیسابقه‌ای بدست آوردند و ۱۵۳ کرسی نصیب کارگران و فقط ۳۹ کرسی نصیب لیبرالها گردید و بدین ترتیب حزب لیبرال مقام و اهمیت سیاسی خود را در میان دو حزب مخالف (کارگر و محافظه کار) بکلی از دست داد.

بازگشت بالدوین

کابینه بالدوین که از عناصر محافظه کار روز ۵ نوامبر ۱۹۲٤ تشکیل گردید[1] از تصویب قرارداد تجارتی با روسیه شوروی خودداری کرد، چرچیل ببانك انگلستان، که در وضع آن بهبود حاصل شده بود، اجازه داد که براتها و چکها و حواله‌هائی را که تجار برای ارسال بخارج انگلستان ببانك عرضه می کردند، با واحد طلا مبادله و پرداخت کند و بدین ترتیب در قسمتی از معاملات بانکی باردیگر پایه طلا ماخذ پول انگلستان (لیره) گردید. بالدوین، که میدانست عده زیادی از رای دهندگان بکاندیداهای حزب محافظه کار از اعضای آن حزب نیستند و میخواست یك رئیس دولت کاملا ملی و بیطرف باشد، نهایت کوشش خود را برای جلوگیری از اقدامات عده‌ای از محافظه کاران، که آتش اختلاف بین کارگر و سرمایه دار را دامن میزدند، بکار برد و از جمله در سال ۱۹۲۵ با طرحی که محافظه کاران درباره منع پرداخت قسمتی از حق بیمه کارگران به صندوق حزب کارگر پیشنهاد کردند مخالفت ورزید زیرا او که خود در رأس یك حزب اشرافی سرمایه‌دار قرار داشت دور از انصاف میدانست که موجبات فقر و درماندگی حزب کارگران را، که از افراد کم بضاعت یا بی بضاعت تشکیل شده بود، فراهم سازد.

---

۱ ــ اوستین چمبرلین و وینستون چرچیل در این کابینه عضویت داشتند.

مسئله اساسی یعنی بحران اقتصادی همچنان لاینحل مانده، بهبودی که در امور اقتصادی حاصل شد سطحی وموقت ووضع صنایع استخراجی و معادن کاملا بحرانی و درمعرض تهدید بود . صاحبان معادن وصنایع استخراجی ازفرا رسیدن موقع تجدید قرارداد با کارگران بنفع خود استفاده کرده درصدد تقلیل عده کارگران برآمدند ودر همان حال میخواستندمزد کمتر بدهندو برساعات کاربیفزایند، بدین ترتیب برتعداد بیکاران وناراضی‌ها افزوده‌شدوافراطیون بلشویك، که بعداز کناره گیری وزرای کارگر دولت ماکدونالد از مشاغل‌سندیکائی خود، اکثرمقامات حساس آن‌حزب‌رابدست آورده بودنددر تمام‌سال ۱۹۲۵ ازنارضایتی عمومی‌کارگران‌وبعضی ازطبقات‌دیگر بنفع خودبرای‌مبارزه بامخالفین‌استفاده کردند.در آغاز سال از طرف **تریدیونیون** وابسته بـه حزب کارگـر هیئتی بـریاست **فردبراملی**[1] دبیر کل اتحادیه، که‌دارای تمایلات افراطی‌چپ‌بود، بروسیه اعزام گردیدو گزارش سفراین‌هیئت، که کاملا بنفع شوروی بودودرمارس۱۹۲۵منتشرشد ، درمیان‌توده مردم انگلستان تأثیر عمیقی بخشید . در ماه آوریل کنفرانس مشترکی از نمایندگان تریدیونیون‌ونمایندگان‌کارگران‌شوروی که‌بریاست **تومسکی**[2] بلندن‌آمده بودندتشکیل گردید ودراول ژوئن اتحادیه صنعتی‌ازکارگران صنایع‌مختلف انگلستان بوجودآمد و **هربرت اسمیت**[3] بریاست‌آن‌اتحادیه‌منصوب‌شد وچنین‌بنظرمی‌آمد که اعتصاب‌کارگران ازاول‌ماه اوت‌آغازخواهد شد .

خزانه انگلیس درمدت سه سال برای تأمین مددمعاش بکارگران بیکار که‌عده آنان درسال ۱۹۲۵ به ۲۵۰۰۰۰۰ نفر رسید در حدود ۶۰ میلیارد فرانك پرداخته بود . رقابت تجارتی آلمان وفرانسه وامریکا باانگلستان روزبروزمحسوسترمی‌شد، آلمانها باده

۱- Fred Bramley ۲- Tomsky ۳- Herbert Smith

ساعت کارمزدی کمتر ازمزد کارگر انگلیسی به کارگران خود می‌پرداختند وزغال سنگ آلمان ۳۰ تا ۵۰ درصد ارزان‌تر از زغال انگلیس تمام می‌شد. صاحبان معادن باین بهانه که کارگر انگلیسی کم کارترین کارگر دنیاست و بالاترین دستمزد را دریافت میدارد تقلیل مزد کار را تا ۵ درصد و حداقل ۸ ساعت کار روزانه را لازم می‌دانستند و کارگران، براثر تلقین اقلیت کمونیست، افزایش دستمزد را بدون افزایش ساعت کار طالب بودند. مجلس عوام باتقاضای کارگران مخالفت ورزید ولی چون بحران اجتماعی در پیش بود بالدوین مجلس عوام را بتصویب طرحی واداشت که بموجب آن دولت بایستی از اول اوت ۱۹۲۵ تا ۳۰ آوریل ۱۹۲۶ با پرداخت مساعده و کمک به صنایع استخراجی و تولیدی از تعطیل وورشکستگی مؤسسات صنعتی جلوگیری کند و برای این مقصود ۲۳ میلیون لیره اعتبار منظور گردید وضمناً کمیسیونی بریاست **هربرت ساموئل** ازوزرای قدیمی لیبرال مأمور مطالعه وبررسی دعاوی کارگرو کارفرما واتخاذ تدابیری برای رفع اختلافات بین آن دوطبقه گردید وبااین اقدامات از اعتصاب اول آوریل ۱۹۲۵ جلوگیری بعمل آمد.

گزارش کمیسیون مطالعه وبررسی که روز ۱۱ مارس ۱۹۲۶ بدولت تقدیم گردید اهمیت حیاتی مسئله زغال سنگ را برای انگلستان وخطری که آنرا تهدید می کرد کاملا تأیید نمود، استخراج زغال سنگ ممر معاش $\frac{1}{12}$ جمعیت وازلحاظ قیمت $\frac{1}{10}$ واز لحاظ وزن $\frac{1}{4}$ مجموع مواد استخراجی انگلستان بود و گزارش کمیسیون نشان میداد که بحران در صنایع زغال سنگ منحصر بانگلستان نیست بلکه براثر رواج روزافزون استخراج و مصرف نفت وانرژی الکتریك ازمصرف زغال بمقدارزیادی درعالم کاسته شده و در بازارهای زغال عرضه زیاد وتقاضا (خریدار) کم است وبااین محاسبه از ۵۶۸ معدن زغال انگلیس میبایستی لااقل در ۳۰۰ معدن از استخراج زغال خودداری وطبعاً مساعده و کمک دولت بمعادن مزبور قطع شود. کمیسیون پس ازتشریح وضع ناگوار صنایع استخراجی پیشنهاد

کرده بود که بطورموقت مقداری ازسود حاصله ازفروش زغال و دستمزد کارگران ، که بهمان میزان دوره گرمی بازارزغال انگلیس (دوره مقاومت منفی کارگران آلمانی درحوزه‌های زغال روهر) باقیمانده بود، کاسته و برساعات کارافزوده و تدابیر دیگری نیز برای صرفه‌جوئی درهزینه استخراج زغال اتخاذ شود .

گزارش کمیسیون، هرچند که فقط حاوی نکات کلی وغیرعملی بود، موردقبول دولت قرار گرفت ، صاحبان معادن باتمام پیشنهادهای کمیسیون موافقت و نمایندگان کارگران معادن وتریدیونیونز بابعضی ازآن پیشنهادها موافقت و باتقلیل دستمزد وافزایش ساعت کارمخالفت کردند .جناح معتدل حزب کارگر ازبیم بروز بحران وحوادث ناگوار، کوشش خود را برای مبارزه بااقلیت کمونیست حزب و **کوك**[1] دبیر کل سرسخت ولجوج سندیکای معدنچیان بکارمی برد.مذاکرات بیفایده همچنان ادامه یافت و بالدوین تصمیم گرفت که مدت پرداخت مساعده و کمك به مؤسسات استخراجی را که در ۳۰ آوریل پایان میپافت تایکهفته تمدید کند ولی هیچگونه امیدی به جلوگیری ازبحران نداشت .

اعتصاب سال ۱۹۲۶

روزاول ماه مه، همینکه پرداخت مساعده ازطرف دولت متوقف گردید ، معدنچیان اعتصاب را آغاز کردند و شورای مرکزی تریدیونیونز اعتصاب عمومی را از ٤مه اعلام نمود.تدابیر بالدوین و اقدامات او برای جلوگیری ازاعتصاب بی نتیجه ماند وازروز ٤مه اعتصاب کارگران، نخست بصورت انفرادی وسپس دسته جمعی آغاز گردید وفقط کارگران پست وتلگراف وتلفن بکارخود ادامه دادند .دولت که اعتصاب را توطئه برعلیه حکومت دموکراسی وسلامت کشوروملت میدانست ونمی توانست زیربارتحمیل عقایدوخواسته‌های یك طبقه اقلیت، که موجبات اختلال زندگی عمومی ملت انگلیس را فراهم ساخته بودند،

۱- Cook

برود ازپادشاه انگلیس اختیارات فوق‌العاده برای هر گونه اقدام وتصمیمی بدست آورد. اکثریت مردم انگلیس اهمیت موقع و خطری را که متوجه مملکت بود درك کرده و اعتصاب را مقدمه انقلاب میدانستند واحزاب‌وفرقه‌های دست راست کلیه نیروهاوقوای خود را برای مقابله باهر گونه پیش‌آمد احتمالی آماده وازهمان روزاول اعتصاب برای جلب‌داوطلب‌برای‌اداره‌امور کشوراقدام نمودند و نتیجه آن‌شد که‌درسومین‌روزاعتصاب که ۳۷۰۰۰۰۰ نفر کار گردست از کار کشیده بودند۴۰۰۰۰۰ داوطلب جانشین آنان شدند وبدان ترتیب درهیچیك ازامورعمومی‌مخصوصاً درتهیه ارزاق وسرویسهای عمومی کشور اختلالی روی نداد . بالدوین‌صریحاً اعلام کرد که‌اعتصاب راغیرقانونی ونامشروع‌میداند ورهبران ومحرکین اعتصاب‌را تعقیب وشدیداً مجازات ودارائی واموال تریدیونیونز را مصادره خواهد کرد .عکس‌العمل‌سندیکاهادربرابرتهدیدات دولت‌این بود که بنابرتوصیه **توماس** ازرهبران کارگری،اعتصاب دسته‌جمعی راشکستند واز۱۲ مه‌ببعدفقط‌معدنچیان برهبری **کوك** دبیر کل اتحادیه خود بحال اعتصاب‌باقی ماندند وباآنکه دولت‌مصرف زغال سنگ را محدودومقداری زغال از امریکاوارد نمود، کمبودزغال درصنایع وراه‌آهن کاملا محسوس گردید . پارلمان طرح‌هشت‌ساعت کار را تصویب کرد و کلیسای‌انگلیس برای‌رفع‌اختلافات‌بمیانجیگری‌برخاست‌ولی‌معدنچیان دست ازاعتصاب‌نکشیدند.صاحبان معادن پیشنهاد کردند که درهریك از مراکز استخراجی، جداگانه‌با کارگران تماس و مذاکره بعمل آید ولی **کوك** فقط قراردادی را لازم الاجرا میدانست که از نظر عموم مردم دارای ارزش و شامل کارگران کلیه معادن کشور اعم از زغال و آهن و غیر آن باشد .

اعتصاب کارگران که در وضع اقتصادی انگلیس تأثیربسزائی داشت مدت ۷ ماه طول کشید و۵۰۰ میلیون‌لیره (برابر با۷۰ میلیاردفرانك) بانگلستان خسارت واردآورد

ولی بتدریج درصف کارگران شکاف ایجاد گردید وسرانجام در۲۸ نوامبر کلیه کارگران معادن بشغل خود باز گشتند . درجریان این اعتصاب مسکودرحدود ۳۷۰ میلیون فرانك باعتصابیون کمك مالی کردواین امرموجب کشمکش سیاسی بین انگلیس وشوروی گردید. هرچند که اعتصاب، براثر احساس خطرورشکستگی غیرقابل جبران وطول مدت وخستگی اعتصابیون، پایان یافت ولی احساسات وعقاید کارگران مبارز همچنان پابرجاووضع معدنچیان ومعادن لاینحل باقی ماند .

مشکلات در سیاست خارجی و امور اجتماعی

سیاست خارجی انگلیس با امضای پیمان **لوکارنو**، که درشورای امپراطوری از ۱۹ اکتبر تا ۲۳ نوامبر در **داونینگ استریت**[1] ودرمجلس عوام بتصویب رسید، تاحدی روشن شد ولی اختلافات انگلیس با یرلندآومصر وهندوستان همچنان باقی بود وروابط انگلیس وشوروی پس از کشف کمکهای نقدی شوروی به اعتصابیون انگلیس روبه تیرگی گذاشت وچون بعد از بازرسی تجارتخانه **ارکوس**[2] درلندن (در۱۴ مه۱۹۲۷) اسناد و مدارکی مبنی برو جود دستگاه جاسوسی شوروی درانگلستان بدست آمد، روز۲۴مه دولت انگلیس روابطه سیاسی خود راباشوروی قطع کرد وتصمیم دولت در۲۶مه بتصویب مجلس عوام رسید .

انگلیس بزحمت آثارشوم اعتصاب وبحران سال ۱۹۲۶ را ازمیان برده و وضع بانك انگلیس تاحدی بهبود یافته بود . درماه مه ، بالدوین اقداماتیرا که قبل از اعتصاب آغاز وبسبب بحران کارگری متوقف گذاشته بود ازسر گرفت، از آن جمله اعتصاب را قانوناً ممنوع وبرای محرکین مجازاتهای شدید تعیین وپرداخت سهمیه ازصندوقهای تعاون

۱- Downing Street ۲- Arcos

وبیمه کارگری وسندیکا را بکلیه احزاب سیاسی قدغن وشرکت کارکنان دولت را در هر گونه اتحادیه وسندیکائی‌منع کردولی، براثرمبارزه‌شدید حزب کارگروفراکسیون کارگری‌پارلمان، فقطموضوع منع پرداخت وجوه از صندوقهای تعاونی‌وبیمه کارگری باحزاب در مجلس تصویب‌شد و مبارزه کارگران برای جلوگیری ازاجرای‌طرح‌دولت ادامه‌یافت. چون‌باوضعی که‌پیش‌آمده‌بود عناصرافراطی درمجلس‌عوام‌وخارج‌ازمجلس‌قوت گرفته بودند و احتمال‌میرفت که روزی قدرت رادردست گیرند وبرعلیه وحدت‌وسلامت امپراطوری انگلیس اقدام کنند، بالدوین طرحی تهیه و تقدیم پارلمان نمود که بموجب آن‌برقدرت‌واختیارات‌مجلس‌لردان در برابرمجلس‌عوام بیش از پیش افزوده و در حقیقت قسمت عمده حق قانونگزاری ونظارت‌فائقه برامور کشوربه‌آن مجلس سپرده می‌شد . این طرح درپارلمان جنجال وغوغای عجیبی برپا ساخت وحتی عده‌ای ازعناصر دست راست پارلمان نیزباآن مخالفت ورزیدند وطرح بالدوین باشکست مواجه شد .

ستاره اقبال بالدوین رو به افول میرفت واونتوانسته بود، چنانکه منظوروایده‌آل عمومی‌مردم بود، یك‌نخست وزیرملی و کاملا بیطرف باشد. بیکاری‌روزافزون‌ومشکلات اقتصادی پیچیده تروعلیرغم پیمان لوکارنو درسیاست‌خارجی مشکلات بسیاری‌پیش‌آمده بود، مشکلات سیاسی‌آیرلندومصروهندوتیرگی وقطع‌روابط دیپلماسی‌انگلیس‌وشوروی، حوادث چین که منجرباعزام نیرو به **شانگهائی و هنگ کنگ** گردید . طرز مناسبات بالدوین با جامعه ملل در موافقت‌نامه ژنو وامتناع اوازواگذاری‌بحریه تجارتی انگلیس درخدمت جهانی، مشکلاتی که درمورد عضویت‌آلمان درجامعه ملل پیش‌آمده‌بود، سهل انگاری درخلع سلاح نیروهای دریائی، ابرازعلاقه‌اوستین چمبرلین به فرانسه‌وایتالیا، ازنکات قابل‌انتقادی‌بود که مسئولیت‌آنرا همگی متوجه‌بالدوین‌می‌دانستند . درتمام‌سال

۱۹۲۸ این مسائل موردبحث وانتقاد مطبوعات کارگری‌ولیبرال و بعضی ازجرایدمحافظه‌کاربودوهرچه موعد انتخابات عمومی سال ۱۹۲۹ نزدیك‌ترمی‌شدحملات‌وانتقادات‌جراید بیشترتوسعه می‌یافت. موضوع‌بحران‌معادن‌وبیکاری وانصراف دولت ازرژیم تجارت آزاد دردرجه‌اول‌وموضوع‌صلح‌جهانی‌وخلع‌سلاح‌عمومی‌دردرجه‌دوم‌مهمترین‌مسائلی‌بود که‌جراید کارگری‌ولیبرال‌بهانه‌حمله‌بدولت‌قرارمیدادندوحال آنکه‌بنظرمحافظه کاران، انگلستان بیش ازدول دیگروشاید بیش ازحد لزوم مسئله خلع سلاح را عملی کرده بود.

روز۱۶ آوریل۱۹۲۹، **سنودن** نماینده‌کارگری‌درپارلمان‌نطق‌شدیدی برعلیه‌فرانسه ایراد و فرانسه را بخود خواهی بیش ازحد وعدم پرداخت اقساط دیون خود بانگلیس متهم‌واضافه‌نمود که‌اگرحکومت کارگری‌روی کاربیایدمیتواندازازیرتعهداتی که‌حکومت محافظه کاردرقبال فرانسه بگردن گرفته است شانه خالی کند. پس از آن نطق که در محیط پارلمان مؤثرافتاداوستین چمبرلین واسکویث رهبران حزب کارگر، ماکدونالد لیدرآن حزب را درپارلمان به فعالیت درمجلس برای استفاده ازنطق سنودن برانگیختند ولی ماکدونالد بعنوان‌لیدر کارگری صریحاً اظهارداشت که هرگزتعهدات بین‌المللی انگلستان را انکارنخواهد کرد. اما سنودن آنقدربحملات‌خود علیه فرانسه ادامه‌داد که دولت‌فرانسه(به‌زمامداری پوانکاره) ناگزیرشد درتاریخ ۲۹ مه ۱۹۲۹ رسماً اعلام نماید که طبق موافقتنامهٔ کایو- چرچیل[1] اقساط سالیانه‌وام خود را بانگلستان پرداخته‌است.

کابینه‌دوم ماکدونالد

درانتخابات عمومی ۳۰ مه ۱۹۲۹، براثرتقلیل حد نصاب سن انتخاب کنندگان از ۳۰ به۲۱سال، ۱۳۲۸۰۰۰۰ نفررأی دادند وحزب کارگربابدست آوردن۲۸۷ کرسی(با۸۳۶۲۰۰۰ رأی) در انتخابات پیروزشد. ۲۵۵ کرسی (با۸۶۶۴۰۰۰رأی) نصیب‌حزب

---

۱ – برای مزید اطلاع به بخش اول کتاب (فرانسه) رجوع شود-م.

محافظه کارو۵۸ کرسی (با۵۳۰۰۰۰۰ رأی) نصیب لیبرالها گردید و کمونیستها علیرغم فعالیت بی‌سابقه، کرسی منحصر بفرد خودرا درمجلس عوام ازدست‌دادند.

روز٤ ژوئن بالدوین برطبق معمول استعفا کردوما کدونالد، که میبایستی باپشتیبانی لیبرالها حکومت کند، کابینه جدیدرا ازرهبران حزب کارگرولیبرال تشکیل داد.

ما کدونالدبعداز۱۰ ژوئن‌اعلام کرد که برای مذاکره بازمامداران اتازونی وحل نهائی مسئله قروض فرانسه وخلع سلاح‌نیروهای دریائی به‌امریکا مسافرت خواهد کرد وروز۱۵ ژوئن درروزنامه **سندی‌تایمز**[۱] ضمن مقاله‌ای که تحت عنوان لزوم تجدید نظر درپیمان‌ورسای‌انتشاردادمتذکرشد که‌میبایستی‌یك کمیسیون‌دائمی‌مخصوص‌رسیدگی‌بامور ومسائل‌اقلیت‌ها، وازجمله مردم آلزاس و لرن، تشکیل شود و انتشار آن مقاله موجب اعتراض‌شدیدمحافل‌سیاسی‌اروپا گردید. تجدیدرابطه‌سیاسی‌باشوروی‌وپذیرفتن‌سفیرجدید آن دولت، که پس‌ازمذاکرات‌طولانی‌وبازحمت زیاد حاضرشد رسماًقروض‌خود رابفرانسه تعهد وازتبلیغات بلشویستی دراین کشورخودداری کند، درپارلمان‌موجب مباحثات زیاد گردید وسرانجام باکمك فراکسیون لیبرال تجدید رابطه باشوروی در۳ اکتبر۱۹۲۹ بتصویب‌مجلس عوام رسید و**سوکولینکف**[۲] بسفارت شوروی‌درپاریس‌منصوب‌شد. مقاومت وسرسختی **سنودن**در کنفرانس غرامات درلاهه مورد پشتیبانی کامل ملت انگلیس قرار گرفت. در کنفرانس لندن که‌از۲۱ ژانویه تا ۲۲ آوریل۱۹۳۰ منعقد گردید فقط تساوی کامل‌نیروهای‌دریائی‌انگلیس‌وامریکاویك‌موافقتنامه‌درباره‌استفاده‌ازنیروهای‌مزبور بتصویب رسید. هندرسن، که درمذاکرات کنفرانس مربوط به‌خلع سلاح شرکت داشت وبعد از **لردلوید**[۳] به کمیسیری‌عالی‌انگلیس‌درمصرمنصوب گردید، سیاست‌لیبرالیسم‌درآن کشور پیش گرفت وطرح پیمان انگلیس ومصررا تهیه‌وتقدیم دولت نمود اما مجلس لردان‌آن

۱- Sunday Times ۲- Sokolinkov ۳- Lord Lloyd

طرح را رد کرد.

مشکلات اجتماعی و اقتصادی دوران حکومت محافظه کاران در این دوره نیز همچنان باقی و دامنه بحران صنعتی جهان به انگلستان کشیده شده بود و باردیگر موجبات اختلاف و کشمکش بین کارگر و کارفرما فراهم میشد. در ژوییه ۱۹۳۰ کارخانه‌های نساجی **لانکا شایر**[۱] تعطیل و ۴۰۰ هزار نفر بر عده بیکاران افزوده شد و رقم بیکاران به ۱۳۰۰۰۰۰ نفر رسید و خزانه در برابر پرداخت وجوه بصندوقهای تعاون کارگری ناتوان گردید. بانك انگلیس ناگزیر شد در برابر خروج طلا از کشور نرخ تنزیل و ربح پول را بالا ببرد. ماکدونالد که برای ادامه حکومت ناچار دست گدائی بسوی لیبرالها دراز کرده بود برسر دوراهی قرارداشت: یا بایستی اقداماتی بنفع کارگران انجام دهد و یا حقوق و امتیازات صاحبان معادن رامحترم بشمارد. سرانجام بر کمك معاش کارگران بیکار افزود و بموجب قانونی که در نوامبر ۱۹۳۰ از تصویب مجلس عوام گذرانید ساعات کار روزانه را از ۸ ساعت به ۷ ساعت و نیم تقلیل داد و طبق آن قانون کمیسیون نظارت بر محصولات و فروش زغال سنگ تشکیل گردید و صاحبان صنایع استخراجی و معدنچیان موظف شدند که هنگام ضرورت ولزوم کمبود محصول زغال را در قسمتی از خاك کشور جبران کنند. مدیران شرکتهای استخراجی در برابر تقلیل کارها، تقلیل دستمزد را خواستار و سندیکاهای کارگری شدیداً با آن مخالف بودند و اعلام کردند که درصورت اخراج دسته جمعی کارگران از کارخانه دست به اعتصاب عمومی خواهند زد، اما در برابر پافشاری صاحبان معادن، کارگران حاضر شدند که در هر حوزه صنعتی، به تناسب وضع، موافقت جداگانه بین کارگر و کارفرما بعمل آید. اگرچه بدین ترتیب اعتصاب معدنچیان **اکس**[۲] در همان روز شروع، پایان یافت ولی بحران ادامه داشت و عده بیکاران در پایان سال به ۲۳۰۰۰۰۰ نفر رسید. وضع دولت کارگری

۱- Lancashire ۲- Ecosse

چنان بود که اگر سایر احزاب، بخصوص محافظه کاران، کمترین تمایل به قبول مسئولیت امور کشور داشتند، هرگز پابرجا نمیماند. میان محافظه کاران درباره مبارزه با بیکاری و بحران مالی دو عقیده وجود داشت: یکی آنکه آزادی تجارت در داخله امپراطوری بریتانیا تأمین و در مورد تجارت با سایر ممالک اصول انحصار و حمایت از تولیدات داخلی رعایت گردد، دیگر آنکه بطور کلی از رژیم تجارت آزاد پیروی شود.

اختلال در احزاب سیاسی

کلیه احزاب سیاسی درصدد یافتن راه حلی برای رفع بحران بودند، در کنفرانس ممالک مشترک المنافع بریتانیا هریک از دومینیونها در عین حال که آمادگی خود را برای مبارزه با بحران نشان دادند از همکاری بمنظور حفظ وحدت امپراطوری و کمک به انگلستان امتناع ورزیدند و حتی کانادا از قبول مهاجرین انگلیسی خودداری کرد. کنفرانس میز گرد انگلیس و هند نیز معلق ماند و مهاتما گاندی فرمان مقاومت منفی در برابر انگلستان را در هندوستان صادر نمود و روز ۵ ماه مه ۱۹۳۰ توقیف گردید.

در انتخابات انجمنهای بلدی، که در نوامبر ۱۹۳۰ بعمل آمد، حزب کارگر شکست خورد و زعمای حزب که با پشتیبانی لیبرالها حکومت می کردند بر آن حزب فشار وارد میساختند و لیبرالها در برابر آن فشار دولت کارگری را با امتناع از همکاری، که نتیجه آن سقوط دولت بود، تهدید می کردند و هردو حزب درصدد کسب امتیازاتی برای خود بودند. ماکدونالد ناگزیر برای جلب همکاری لیبرالها قبل از عید نوئل سال ۱۹۳۱ طرح قانونی جدیدی متضمن سیستم انتخابات متناوب که بنفع لیبرالها بود تهیه و نیز قانونی مبنی بر تعدیل قانون ممنوعیت و غیرمشروع بودن اعتصابات دسته جمعی را بمجلس برد و هردو با اکثریت ضعیفی بتصویب رسید.

سستی و ناتوانی حکومت و شدت بحران اقتصادی و بی‌اثر ماندن تدابیر دولت کارگری و تکامل و رشد فکری در انگلستان و ممالك دیگر اروپا از عوامل عمده شوریدگی و پریشانی وضع احزاب سیاسی انگلیس و تمایل بالدوین بسیاست کلی محافظه کاران، ناشی از همین شوریدگی بود. لیبرالها بدو دسته منشعب شدند: گروه طرفداران لوید جرج متمایل به حزب کارگر و گروه پیروان **جان سیمون**[1] (که با هر نوع اعتصاب مخالف بود) متمایل به حزب محافظه کاران که بتدریج قوت گرفت و بر نفوذ سیاسی خود افزود.

در حزب کارگر نیز اختلافاتی پدید آمده بود، **سر اسوالد موزلی**[2] از رهبران آن حزب از دسامبر سال ۱۹۳۰ ببعد، ضمن مانیفستی که ۱۸ تن از همکاران او نیز آنرا امضا کرده بودند، طرحی درباره لزوم رفورمهای اقتصادی و اجتماعی در انگلستان پیشنهاد کرد که شبیه به عقاید و آراء فاشیست‌ها بود و بهمین علت در مارس ۱۹۳۱، وی با عده‌ای از همفکران خود از حزب کارگری منشعب گردید. اما این انشعاب تأثیر زیادی در وضع سیاسی حزب وارد نساخت و از طرف دیگر جناح چپ غیر کمونیست حزب کارگر بر هبری **ماکستون**[3] در وفاداری و پشتیبانی خود نسبت بسیاست اجتماعی و اقتصادی ماکدونالد همچنان پایدار ماند.

مشکلات اقتصادی

در خلال آشفتگی احزاب سیاسی، فیلیپ سنودن وزیر دارائی انگلیس برای ترمیم وضع مالی در تلاش بود. وی از آوریل تا دسامبر ۱۹۳۰ از مجلس عوام اختیاراتی برای قرضه جدید بمبلغ ۷۰ میلیون لیره بمنظور تأمین کسر اعتبار صندوقهای کمك به کارگران بیکار را بدست آورد ولی با وجود ۲۵۰۰۰۰۰ کارگر بیکار و کسر روزافزون درآمدهای خزانه و مخالفت شدید کارگران با هر گونه تقلیل اعانه بیکاران، خطر بحران مالی همچنان باقی بود و مجلس عوام اعتبار کمك به

۱- John Simon ۲- Sir Oswald Mosley ۳- Maxton

بیکاران رااز ۷۰ به۹۰میلیون‌لیره افزایش داد .

وزیردارائی دربرابراستیضاحی که درپارلمان ازدولت درباره امور مالی بعمل آمد اعتراف کرد که‌درطی سال½ بودجه کشور(۱٤۰ میلیون لیره معادل۱۷/۵ میلیاردفرانك) فقط صرف کمك به بیکاران شده و کسر بودجه به۳۷ میلیون‌لیره رسیده است. بودجه‌ای که وزیر دارائی برای ۳۲ - ۱۹۳۱ بپارلمان تقدیم کـرد بالغ بر ۳۰۳ میلیون لیره (معادل۱۰۰ میلیارد فرانك) وضمن بودجه برای اولین بارمالیات براراضی واملاك ازقرار یك پنس درازاء هرلیره ازقیمت عادله املاك پیش بینی شده بود .

دراین موقع که‌بحران‌اقتصادی‌درسراسرجهان، بخصوص‌دراروپا،زندگی‌ملل‌مختلف را تهدید می کرد انحطاط اقتصادی و ضعف بنیه مالی‌آلمان وتنزل قوه خریـدآلمانها لطمه شدیدی بـه مؤسسات صنعتی انگلستان وارد ساخته وسرمایه‌های انگلیسی درآن کشوررا کد مانده‌بود . روز۵ ژوئن‌برونینگ‌صدراعظم و کورتیوس وزیرامورخارجه‌آلمان درلندن از مقامات انگلیسی تقاضای کمکهای مالی کردند ولی انگلستان نپذیرفت ودر فرانسه نیزباشکست مواجه‌شدند. روز۲۰ژوئن هوورررئیس‌جمهوری‌اتازونی طی‌اعلامیه‌ای مهلت جدیدی برای پرداختوام به بدهکاران اتازونی داد وانگلستان ازاین امر استفاده کرد وقروض‌دومینیونهای‌بریتانیا را نیزمشمول مهلت مزبورقرارداد .

رکود سرمایه‌های خارجی‌درآلمان باعث شد که سرمایه‌های خارجی متمرکزدر انگلستان بتدریج‌ازآن کشورخارج شود وچون ازطرف دیگربانك‌انگلستان‌تعهد کرده بود که‌درترمیم واحیای‌اعتبارات‌بانك رسمی‌اطریش کمك‌بکند ذخیره‌طلای‌بانك‌انگلیس باسرعت رو به‌تقلیل گذاشت . نویل چمبرلین‌ازرهبران محافظه کارپارلمان پیشنهاد کرد که مبلغ معتنابهی‌ازهزینه‌های کشوری‌حذف‌شود ووزیردارائی‌بااعتراف به‌وخامت وضع

مالی کشور تجدید نظر در مقررات مربوط به قروض جنگی را مطرح (۳۰ ژوییه) و پارلمان طرح مربوط به تشکیل کمیسیونهای تحقیق بمنظور تقلیل هزینه های کشوری را تصویب کرد.

با آنکه بانکهای فرانسه و نیویورک مبلغ ۵۰ میلیون لیره ببانک انگلیس وام دادند بعداز اندك مدتی بانك مزبور ناگزیر شد که ۸۰ میلیون لیره دیگر از بانکهای فرانسه و اتازونی وام بگیرد و درهمان حال شاخص خزانه داری انگلیس تنزل ارزش لیره را نشان میداد. کمیسیون مأمور رسیدگی به بودجه و تقلیل هزینه ها ضمن گزارش خود، که بودجه را در حدود ۱۲۰ میلیون لیره برآورد کرده بود، پیشنهاد کرد که از حقوق و مستمریهای کارمندان دولت (بخصوص معلمین) و اعانه بیکاران تا حدود ۲۰ درصد کاسته شود و در هزینه های عمومی نیز صرفه جوئی کامل بعمل آید. هندرسن لیدر کارگر و نیز تریدیونیونز بعلت آنکه تقلیل دستمزد و حقوق از قوه خرید مستخدمین و کارگران میکاست با اجرای طرح کمیسیون مخالفت ورزیدند و درین موقع ذخیره طلای بانك انگلیس از ۱۶۳ میلیون لیره (درمه ۱۹۳۰) به ۱۳۳ میلیون تقلیل یافته بود. ماکدونالد روز ۱۳ ماه اوت با رهبران احزاب سیاسی (هربرت ساموئل، ماکلین، نویل چمبرلین، ساموئل هور) و وزرای سوسیالیست کابینه وعده ای از متخصصین امور مالی مذاکرات مفصلی بعمل آورد ولی این مذاکرات و تلاش او برای جلب همکاری و موافقت اتحادیه بازرگانی بی اثر ماند.

کابینه ائتلافی ماکدونالد

جرج پنجم پادشاه انگلیس، که بتازگی از **بالمورال**[۱] به لندن وارد شده بود، روز ۲۳ ماه اوت ماکدونالد و رؤسای احزاب سیاسی را بحضور پذیرفت، ماکدونالد بنا بمصلحت استعفای خود را تقدیم داشت و مجدداً مأمور شد که کابینه ای از عناصر و افراد وابسته باحزاب

۱ – Balmoral

مختلف تشکیل دهدولی‌غالب‌وزرای‌قبل‌ازشرکت‌درین کابینه‌خودداری کردند. ماکدونالد کابینه ائتلافی‌جدیدرا باشرکت ۵ وزیرازحزب‌کارگرو۸ وزیرازمحافظه کاران و۶وزیر لیبرال تشکیل داد و هندرسن رهبری اقلیت مخالف دولت را درپارلمان عهده‌دارشد (۲۴ اوت۱۹۳۱)روز۲۶اوت‌دولت‌جدیدتصمیم گرفت که‌ده‌درصدازاعانه کارگران‌بیکاررا کسر کند وخزانه داری انگلیس مساعده ای بمبلغ یك میلیارد فرانك در پاریس و نیویورك بدست آورد .

دولت، درمجلس‌عوام بامخالفت شدید نمایندگان‌کارگر مواجه شد ولی درجلسه فوق‌العاده‌مجلس که روز۸سپتامبر تشکیل گردید،درحالکیه کارگران‌بیکاردرمحیط‌مقابل مجلس‌دست بتظاهرات‌شدیدی‌زده بودند، دولت‌ماکدونالد۳۰۹رأی‌اعتماد دربرابر ۲۵۰رأی مخالف‌بدست آورد . بنابه‌تصمیم‌بالدوین رهبراکثریت، مجلس‌عوام تصمیم گرفت که تمام اوقات خود را صرف بررسی وتصویب لوایح دولت نماید . برای تأمین۷۴۷۰۰۰۰۰لیره کسر بودجه ، لوایحی درباره‌تقلیل حقوق‌وزرا ونمایندگان‌مجلس ومأمورین‌ومستخدمین دولت وقضاة واعانه کارگران بیکارواعتباراستهلاك دیون دولت وافزایش تعرفه گمرکی ونرخ مالیات بردرآمد بتصویب مجلس رسید ودریاداری انگلیس مانوردریائی پائیزرا موقوف ساخت . ازروز۱۸ سپتامبر بعلت تقلیل حقوق (۲۷ درصدبرای ملوانان و۱۲درصد برای‌افسران‌نیروی‌دریائی)نافرمانی‌وطغیان‌درنیروی‌دریائی متمرکزدر**اینورگوردن**[1]روی داد ودولت وعده داد که درصورت ترك نافرمانی‌نسبت به‌ترمیم حقوق افراد نیروی‌دریائی اقدام و ازمجازات اعتصاب کنندگان خودداری کند .

حادثه اعتصاب ملوانان انگلیسی دردنیا انعکاس شدیدی داشت وبخصوص درامر تجارت خارجی ونرخ لیره تأثیربسزا داشت وموجب‌خروج سرمایه‌ها وذخیره‌های ارزی

۱- Invergordon

ازبانکهای انگلستان گردید بطوریکه تاآغازماه ژوییه بیش از۲۰۰ میلیون لیره ذخیره طلا ازبانك انگلستان خارج شد .روز۱۸ سپتامبرمجلس‌عوام‌با اکثریت۲۱۹ رأی‌موافق دربرابر۱۵۵ مخالف بدولت ماکدونالد اختیارداد که بمنظورنجات‌لیره وبـازرگانـی و اعتبارات انگلستان لـوایح قانونـی تصویب و اجراکند، ولـی لیره همچنان در حال تنزل بود .

عدول‌ازپایه‌طلا و انتخابات‌سال۱۹۳۱

هیئت وزیران طبق تصمیم مورخ۲۰ سپتامبر، که بطور فوق‌العاده تشکیل گردید، بمنظورمبارزه‌بامشکلات اقتصادی‌سیستم‌مبادلات براساس لیره طلای استاندارد را برای مدت ٦ ماه نسخ ومجلس عوام که با حضور پرنس‌دوگال‌تشکیل گردید طی‌قانون‌مصوب ۲۱ سپتامبر تصمیم هیئت دولت را تأیید نمود وبموجب‌آن قانون پایه زرازانگلستان برداشته شد .

براثرتصمیم دولت ومجلس انگلیس ، بورسها ومؤسسات اقتصادی جهان روز ۲۱ سپتامبر ازمعامله وارزیابی‌لیره خودداری کردند وبهای لیره انگلیسی‌از۱۲۳/۹۷ فرانك به۱۱۰/۱۵ فرانك وروزهای‌بعد تا ۸۳فرانك تنزل کرد ولی مجدداً به۹٤ فرانك ترقـی یافت وبطورموقت‌تثبیت‌شد . درمعاملات‌خارجی‌ترکیه‌فرانك جای‌لیره انگلیسی را گرفت ودرسایرنقاط جهان نیز درمعاملات براساس لیره مشکلاتی‌پیش‌آمد .

روز۲۹سپتامبر، طرحهای مالی سنودن وزیردارائی‌بصورت سه‌شوری‌درمجلس‌عوام‌با اکثریت۲۹۷ رأی‌دربرابر۲٤۷ مخالف ودرمجلس‌لردان‌روزسی‌ام‌همان‌ماه بتصویب رسید. تظاهرات‌پی‌درپی بیکاران‌دربعضی‌ازمراکزصنعتی بخصوص در**گلاسکو** درروزهای‌اول‌ودوم اکتبر۱۹۳۱ وحوادث دیگرمسئله‌تجدیدانتخابات‌را برسرزبانهاانداخت، محافظه‌کاران باتجدیدانتخابات‌موافق وحزب کارگروا کثریت‌لیبرالها با آن‌مخالف بودند.سرانجام‌روز۷

اکتبر مجلس عوام منحل وروز ۲۷ اکتبر برای انتخابات جدید تعیین گردید.

در انتخابات جدید روز ۲۷ اکتبر دو صف متمایز: یکی مؤتلفین (شامل محافظه‌کاران و لیبرال ناسیونالها وکارگران ناسیونال وکارگران مستقل) طرفدار دولت ودیگر حزب کارگران ولیبرالهای طرفدار للویدجرج (مخالف دولت) بشدت مبارزه کردند وبالاخره دسته مؤتلفین با بدست آوردن ۵۵۵ کرسی اکثریت هنگفت وبیسابقه‌ای در مجلس عوام بدست آوردند واز لیبرالهای للویدجرج فقط خود اوو پسر ودخترش بنمایندگی انتخاب شدند. در انتخابات انجمنهای ایالتی وولایتی مورخ اول نوامبر پیروزی نصیب محافظه کاران گردید. پس از اعلام نتیجه انتخابات قهراً در وضع کابینه ماکدونالد تغییراتی داده شد واکثر پستهای کابینه به محافظه‌کاران وبعضی به لیبرالها واگذار ودرحقیقت کابینه‌ای محافظه کار تشکیل گردید که ریاست آن بایکنفر سوسیالیست (ماکدونالد) بود.

پایان تجارت آزاد و بروز مشکلات اجتماعی

مهمترین هدف محافظه کاران که ۴۷۱ کرسی درمجلس بدست آوردند این بود که بالغو تجارت آزاد واتخاذ روش انحصار ومحدودیت تجارت، منافع خود را، که اکثر ازسرمایه‌داران وصاحبان صنایع بزرگ بودند حفظ کنند و این منظور در برنامه دولت جدید گنجانده شده بود. روزهای ۲۰ نوامبر و ۳۰ نوامبر و ۱۷ دسامبر ۱۹۳۱ نخستین لیستهای کالاهای وارداتی، که مشمول نرخهای سنگین گمرکی می‌شد، انتشار یافت ودرسراسر ممالکی که باانگلستان روابط دادوستد داشتند موجب معامله بمثل وتحمیل حقوق گمرکی جدید برکالاهای انگلیسی گردید. ازجمله فرانسه که کالاهای کشاورزی و اشیاء تجملی بانگلستان صادرمی کرد براثر اجرای روش تازه تجارت انگلیس برزغال آن کشور که بفرانسه واردمی‌شد ۱۵ درصد حق گمرکی جدید افزود واین امرموجب اعتراض شدید صاحبان معادن زغال انگلستان گردید. بطور کلی سیاست جدید اقتصادی دولت

ماکدونالد، با نارضایتی شدید اکثریت ملت انگلیس وحتی عده‌ای ازوزرای لیبرال کابینه مواجه گردیدوبرای اولین باردرتاریخ دموکراسی انگلیس بامرماکدونالد،وزیران مخالف از اظهارنظرودادن رأی درهیئت وزیران درباره تصویبنامه‌های دولت محروم شدند واین اختلاف نظروسلیقه،درمیان مردم بعنوان نشانه‌ای ازضعف وناپایداری دولت تلقی شد .

دولت ماکدونالد برای ترضیه خاطر اکثریت محافظه کارمجلس دراجرای نظریات آنان روش افراطی پیش گرفت و بالاخره بنا به پیشنهاد نویل چمبرلین وزیر دارائی و پافشاری وزیربازرگانی (رنسیمان) ده‌درصد اضافه نرخ گمرکی درباره کلیه کالاهای وارده (بغیراز گندم وچای وماهی خشك وپنبه وپشم خام) تصویب وسرانجام درجلسه تاریخی روز ۲۹ فوریه ۱۹۳۲ مجلس لردان به‌سیستم تجارت آزاد انگلستان پایان داده شد .[1] روز ۲۵ آوریل ۱۹۳۲ اضافه نرخ جدیدی درحدود ۲۰ درصددرمورد مصنوعات صادره بانگلستان که ممکن بود بامصنوعات داخل آن کشوررقابت کند برقرار گردید .

ارزیابی جدید لیره پس ازعدول ازپایه طلاوتصمیمات جدی دولت درموردصرفه‌جوئی تاحدی برتوانائی خزانه انگلیس افزود وروز ۳۱ مارس ۱۹۳۲، نویل چمبرلین وزیردارائی در مجلس عوام اعلام داشت که‌طی اجرای بودجه‌سال ۳۲-۳۱ خزانه‌داری انگلیس مبلغ ۳۶۴۰۰۰ لیره موجودی داشته است . ازماه ژوئن اصل جدید و ابتکاری تجارت پایاپای که برای اولین بار در جهان اجرا می‌شد در انگلستان بمرحله عمل درآمد ولی این اقدامات که

---

۱ ــ روش تجارت آزاد ، بدان علت که با ورود کالاها ومصنوعات خارجی ورقابت آنها با مصنوعات داخلی ، قیمت اجناس طبعاً تنزل می‌کرد بسود طبقات متوسط وکم بضاعت وسیستم تجارت محدود وهمچنین انحصار تجارت که هدف آن حمایت ازسرمایه‌ها ومصنوعات داخلی است ومسوجب تثبیت قیمت وازمیان رفتن رقابت می‌گردد بسود صاحبان صنایع و بازرگانان بزرك وحتی صاحبان مزارع واملاك فلاحتی بود ــم.

براساس حمایت ازسرمایه وسرمایه‌داران انجام می گرفت آثار ونتایج ناگواری در انگلستان ببار آورد، افزایش هزینه زندگی وتقلیل دستمزد وحقوق وکاهش محسوس در آمدصادراتی ومشکلاتی که درصدور کالا پیش آمد وتوسعه روزافزون بیکاری وتظاهرات پی درپی بیکاران ازمسائلی بود که اقلیت مخالف مجلس عوام را گاهی به انتقادوحملات سخت بدولت ماکدونالد برمی انگیخت ولی نارضایتی ومخالفت عمومی درخارج پارلمان مهمتر بود .

سیاست حمایت ازصنایع دولت را شورای امپراطوری که از ۲۱ ژوییه تا ۲۰ اوت ۱۹۳۲ درشهر **اتاوا**[۱] (در کانادا) تشکیل شد تأیید کرد ودرنتیجه سه تن ازوزرای حزب کارگر (سرهربرت ساموئل، ارچیبالد **سینکلر**[۲]، سنودن) ونه تن ازمعاونین وزارتخانه‌ها بعنوان اعتراض بسیاست دولت ازشغل خود کناره گیری کردند (۲۸ سپتامبر) و**لرد لیتن**[۳] عضو کمیته اقتصادی لندن نیز بهمین علت از آنمقام استعفاداد (اکتبر ۱۹۳۲)، ماکدونالد ناچار کابینه را ترمیم و**سرجان گیلمور**[۴] وزیر کشاورزی را بجای سرهربرت ساموئل بوزارت کشورمنصوب نمود .

روز ۱۱ اکتبر در بلفاست (در آیرلند) وروز ۱۸ اکتبر درلندن بیکاران دست به تظاهرات شدیدی زدندوروز ۲۷ اکتبر گروه کثیری ازبیکاران زیرعنوان «گرسنگان» درخیابانهای لندن براه افتادند وعده‌ای ازاوباش واراذل نیز بآنان پیوستند و کارتظاهرات به هرج ومرج وغارت وچپاول مغازه‌ها کشید. درمجلس لردان این پیش آمد را نتیجه تحریکات مسکو ومداخله سیاست شوروی تلقی کردند وچون ممالك مشترك المنافع بریتانیا، دولت شوروی

۱- Ottawa ۲- Archibald Sinclair

۳- Lord Lytton ٤- Sir John Gilmour ازحزب محافظه کاران.

را به تعقیب روش نامشروع **دمپینگ**[1] درتجارت خارجی متهم ساخته بودند ، انگلستان قرارداد تجارتی خودراباشوروی لغو کرد . روز۲۷ اوت ۲۰۰۰۰۰ کارگر کار خانه‌های نساجی درایالت **لانکاشایر** دست باعتصاب زدند وتا ٥ نـوامبر بتدریج اعتصاب عمومی شکسته شدواکثریت کارگران بکارخود مشغول شدند .

تصمیمات شورای امپراطوری اتاوا بصورت لایحه سه شوری درسوم نوامبر بتصویب مجلس عوام رسیدولی مشکلات اجتماعی همچنان باقی بود. وزیر کارانگلیس روز٤ نوامبر اعلام نمود که طی۱۲ سال بعدازجنگ بیش از۱۷ باربرای ازمیان بردن بیکاری تصمیمات وتدابیری اتخاذ شده ولی هیچیك به نتیجه مطلوب نرسیده و اجرای بـرنامه‌های ایجاد کـارهای عمومی وساختمانی وبکار گماشتن بیکاران وایجاد وتوسعه صنایع جدید همچنان متوقف مانده است.

درانتخابات انجمنهای بلدی مورخ اول نوامبر۱۹۳۲ حزب کارگر نسبت بانتخابات قبلی موفقیت بیشتری بدست آورد .

اصلاح وضع اقتصادی

هرچند که درنتیجه تدابیردولت، گشایشی دروضع مالی پدیدآمد ولی نارضایتی عمومی همچنان باقی بود و وزرای دست چپ کابینه سعی می کردند که والترنسیمان وزیربازرگانـی را به تجدید نظردرمقررات سخت بازرگانی وتعدیل سیاست اقتصادی دولت، بخصوص در مورد فرانسه،

۱- Dumping عبارت ازاین است که کشوری برای فلج کردن صنایع کشوررقیب مصنوعات خـود را ببهای کمترازقیمت تمام شده دربازارهای داخلی کشوررقیب یـا بازارهای خارجی آن کشور بفروش میرساند . چنانکـه روسیه تساری قبل‌ازجنك اول بین‌الملل بـرای جلـوگیری‌ازرشد صنعتی ایران قند خودرا در داخله ایـران ارزانتراز قند کارخانه کهریزك بفروش رسانید و کـارخانه‌مزبور ازکارافتادـم.

وادارسازند وسرانجام پس ازمذاکرات طولانی قرارداد جدید تجارتی در۲۹ ژوئن۱۹۳٤ بین فرانسه وانگلیس منعقد گردید . نارضایتی عمومی از سیاست دولت بصورت موفقیت بی‌سابقه حزب کارگردرانتخابات بلدی مورخ ۸مارس۱۹۳٤ وتوسعه نفوذحزب‌فاشیست **موزلی**[۱] ظاهر گردید .

بودجه۳٤-۱۹۳۳ که۱۷آوریل‌انتشاریافت ۲۹میلیون لیره اضافه درآمدبرهزینه را نشان‌می‌داد ووزیردارائی اعلام نمود که بزودی‌تا ۲.۵درصد ازنرخ مالیات بردرآمد و عوارض اتومبیل کسرونسبت‌به تقلیل‌دستمزدهاوحقوق ومستمریها که درسال۱۹۳۱بعمل آمده بودتجدید نظروباایجادنظارت شدید برنرخها ازهرگونه سوءاستفاده فروشندگان خواربارولوازم ضروری زندگی جلوگیری خواهد کرد .

دراواخرسال۱۹۳٤ وضع اقتصادی روبه‌بهبود میرفت، فعالیت صنعتی افزایش‌یافته وعده بیکاران از۲۹٤۰۰۰۰ نفر(درسپتامبر۱۹۳۱) به ۲میلیون‌نفررسیده‌بود . باآنکه‌هنوز تصادمات وزد وخورد بین کارگران وقوای پلیس کم‌وبیش‌ادامه‌داشت‌واین امرممکن بود بهانه‌ای برای‌تبلیغات‌حزب کارگرباشدولی‌حزب‌مزبورمیخواست‌ازشکست کنفرانس‌خلع سلاح(سال۱۹۳۳)ونارضایتی‌عمومی‌اروپاازتجدیدتسلیحات آلمان‌حداکثراستفاده‌تبلیغاتی را برای توسعه نفوذ حزبی بنماید، ولی پیشنهاد **اتلی**[۲] نماینده کارگر درباره خلع‌سلاح درجلسه مورخ۳۰ژوئیه مجلس عوام ردونیزپیشنهاد یکی ازرهبران کمونیست در کنفرانس عمومی اتحادیه بازرگانی درباره لزوم‌اعتصاب عمومی برعلیه‌جنگ‌وسیاست‌جنگجویانه دول بااکثریت مطلق مردود شناخته شد .

خلع‌سلاح‌وسیاست خارجی

درجلسه مشترك‌پارلمان که روز۲۹ اکتبر۱۹۳٤ برای مذاکره درباره خلع سلاح تشکیل گردید وینستون چرچیل طی نطقی خطرتجدیدتسلیحات آلمان‌راروشن‌ساخت‌وسرانجام‌درمارس۱۹۳۵ پیشنهادهای‌نمایندگان کارگرمبنی‌برلزوم‌انتشار کتاب‌سفیددرباره

۱- Mosley ۲- Attlee

خلع سلاح درهردومجلس رد شد.

حزب محافظه کارودولت‌درعین حال که با خلع سلاح انگلستان مخالف بودند صریحاً اعلام می کردند که انگلستان درحقیقت ازسال۱۹۱۹ خلع سلاح‌شده و همواره نسبت بـه‌جامعه ملل‌وامنیت‌دسته‌جمعی ملل‌وفادارمانده‌است . دررفراندوم آغازسال۱۹۳۵ که ازطرف جامعه ملل درباره صلح عمومی صورت گرفت درانگلستان ۳۸ درصد افراد بالغ‌آن کشوریعنی۱۱۶۲۷۷۶۵ نفربه‌طرفداری ازامنیت‌دسته‌جمعی‌رأی دادند. اماجامعه ملل، که‌هریك ازدومینیونهای‌انگلستان درآن‌یك کرسی‌داشتند، درحقیقت وسیله توسعه وتحکیم نفوذ انگلستان درجهان وحفظ وحدت امپراطوری بریتانیا بود .

انگلستان دربرابربرقراری مجدد نظام وظیفه درآلمان درمارس ۱۹۳۵ بهیچوجه درصدداجرای‌مجازات‌درباره آلمان‌برنیامدوفقط، بنابا‌صرارفرانسه، توبیخ‌نامه‌صادره‌بدولت آلمان را درژنوامضا کرد وطی‌یادداشت‌بسیارملایمی درباره اقدام‌آلمان ازآندولت‌توضیح خواست (۷مه۱۹۳۵)وروزهای ۱۵و۱۶آوریل‌در کنفرانس سه‌جانبه ، فرانسه وانگلیس وبلژیك دربرو کسل شرکت کردوایدن وسرجان‌سیمون ازقبول‌ملاقات باصدراعظم‌آلمان که بنابه تقاضای‌او، پس ازانتشار کتاب سفید وزارت امورخارجه انگلیس متضمن دلایل واسناد مربوط بلزوم تجدید تسلیحات انگلیس، میبایستی صورت بگیرد خودداری ولی ضمن مسافرت به مسکوازپراگ وورشودیدن کردندوروز۱۱آوریل‌ما کدونالد درمحل استرزا[۱] باموسولینی‌وفلاندن ملاقات وموافقتنامه‌ای دربارهٔ استقلال اطریش و نامشروع بودن تجدید تسلیحات‌آلمان امضا کردند . اما از طرف دیگرانگلستان خارج از کادر جامعه‌ملل‌روز۱۸ژوئن‌درلندن‌قرارداد‌بحری‌باآلمان منعقد ساخت‌وموافقت کرد که‌آلمان ظرفیت‌بحریهٔ‌خودرا تا۳۵ درصدظرفیت‌بحریه بریتانیاوهمچنین گنجایش زیردریائی های

۱- Stresa

خودرا تا ٤٥ درصد گنجایش زیردریائی‌های انگلیس افزایش دهد .

درماه مارس تنزل محسوسی درلیره پدیدآمد ولی وزیردارائی اعلام نمود که این تنزل موافق نظردولت بوده وضمن‌مخالفت باتثبیت نرخ لیره در۱۵ آوریل بودجه متعادلی بمجلس تقدیم‌واعلام کرد که‌انگلستان تا۸۰درصد ازتولیدات صنعتی وفلاحتی وفعالیت بازرگانی قبل ازجنگ خود رابدست‌آورده است . درجشنهای باشکوهی که بمناسبت سال تولد جرج پنجم پادشاه‌انگلیس درسراسرانگلستان برپاشد کلیه احزاب وفرقه‌های سیاسی با شرکت درجشن طرفداری خود را اززژیم سلطنتی نشان دادند .

ماکدونالد که بعلت ضعف مزاج درسال ۱۹۳٤ چندماه زمام‌امور مملکت را به استانلی بالدوین(نایب‌نخست‌وزیر) سپرده بود در۷ ژوئن۱۹۳۵ ازنخست وزیری کناره گرفت وبالدوین سومین‌کابینه ائتلافی را تشکیل داد و درین کابینه برای اولین باردر تاریخ انگستان یك پدرو پسرشرکت کردند یعنی رامسی ماکدونالد بسمت لرد اول هیئت وزیران ومالکلم ماکدونالد فرزند اوبوزارت مستعمرات منصوب گردیدند.

اجرای مجازات در بارهٔ ایتالیا و انتخابات سال ۱۹۳۵

اختلاف و کشمکش انگلستان‌وایتالیا برسرحبشه‌وافریقای‌شرقی ازمسائل‌مهم‌سیاسی تابستان‌سال۱۹۳۵وچون‌پای منافع‌انگلستان در افریقای شرقی وسوئزومصروراههای هندوستان درمیان بود ایندولت بنابه تقاضای نجاشی‌حبشه‌فعالیت‌خود را درجامعه ملل برای‌برقراری مجازات درباره ایتالیا آغازنمود وحزب کارگرنیز ازلحاظ خاصیت ضد فاشیستی که داشت ازسیاست، دولت پشتیبانی وحتی تقاضای‌اقدامات نظامی برعلیه ایتالیا کرد ولی با اینکه اکثریت ملت انگلیس با مجازاتهای اقتصادی درباره ایتالیاموافق بودند، بعلت ضعف بنیه نظامی انگلستان ، اقدام بهرگونه عملیات جنگی‌رابضرر کشورمی‌دانستند وبهمین‌جهت در کنگره‌حزب‌کارگرمورخ۲ اکتبر برعلیه

اقدامات نظامی رأی دادند و بلافاصله ماژور **اتلی** رهبری اقلیت نمایندگان کارگررا در مجلس عامه عهده دارشد .

بالدوین، بااستفاده ازموقعیت‌مناسبی که‌بدست‌آمده وموجب تثبیت دولت او شده بود، بوسیله‌شاه مجلس‌عامه‌رامنحل کرد (۲۵ اکتبر) وانتخابات جدیدرا بروز ۱۴ نوامبر موکول ساخت . وضع سیاسی ظاهراً بنفع دسته‌های‌چپ بود لیکن محافظه کاران با آنکه قسمتی از کرسیهای خود را درانتخابات‌جدید ازدست‌دادندهمچنان اکثریت‌را در مجلس عامه حفظ کردند ودرحدود ۴۳۱ کرسی‌نصیب طرفداران‌دولت بالدوین گردید که ازآنجمله ۳۸۷ کرسی متعلق به حزب محافظه کاربود . بر اثرتجدید انتخابات کابینه بالدوین نیزترمیم شد .

انگلستان طبق تصمیم جامعه ملل اززروز ۱۸ نوامبرمجازاتهای اقتصادی را درباره ایتالیا اجرا کرد ولی در محافل سیاسی یکنوع حس ارفاق نسبت به ایتالیا مشاهده میشد وسرانجام‌روزهای ۷ و ۸ دسامبرطی‌ملاقاتی که بین **سرسموئل‌هور** وزیرامورخارجه انگلستان‌وپیرلاوال درپاریس‌دست‌داد، دو دولت فرانسه وانگلیس‌موافقت کردند که‌ضمن پشتیبانی ازنجاشی‌حبشه وحفظ تاج وتخت او باقسمتی از خواسته‌های ایتالیا درافریقای شرقی موافقت کنند . انتشاراین‌موافقت، که اکثر مردم دو کشورآنرا پاداش به یك‌دولت زورمند مهاجم‌تلقی‌می‌کردند، سروصدای زیادی درانگلستان‌ایجادنمود وحزب‌محافظه‌کار را سخت برعلیه بالدوین برانگیخت بطوریکه وی ناگزیر شد هرگونه موافقت با فرانسه را درباره مسئله‌حبشه و ایتالیا رسماً تکذیب ، وزیر امور خارجه را از مقام خود منفصل و **ایدن** راکه نماینده انگلیس در جامعه ملل بود بوزارت امورخارجه منصوب کند .

بحران کابینه هنوزبکلی‌پایان نیافته بود که بیماری جرج پنجم پادشاه انگلیس شدت یافت و در ۲۱ ژانویه ۱۹۳٦ درگذشت و بلافاصله سلطنت پرنس دوگال بنام **ادوارد‌هشتم** اعلام وپس ازبرگزاری مراسم باشکوه سوگواری و تدفین جرج ، که نمایندگان عالیرتبه‌غالب‌ممالك جهان درآن شرکت داشتند، شاه جدیدطبق‌سنت‌دیرین خانواده سلطنتی‌طی مراسم‌خاصی‌نسبت‌بحفظ اصول مشروطیت ودیانت‌پرتستان مخصوص انگلیس‌سوگند یاد کرد.

تجدید تجهیزات نظامی

ازماه‌فوریه۱۹۳٦ببعدافق سیاسی‌اروپا براثراقدامات‌هیتلر رو به‌تیرگی‌میرفت ولی‌انگلستان، باآنکه‌صریحاً اعلام کرده بود که درصورت حمله هیتلر به منطقه خلع سلاح شده **رنانی** تعهدات خود را بموجب پیمان **لوکارنو** انجام خواهد داد ، پس‌ازاشغال آن ناحیه بوسیله قوای‌آلمان(۷مارس۱۹۳٦) عکس‌العمل شدیدی‌نشان نداد وسرانجام پس ازتشکیل کنفرانسی ازامضا کنندگان پیمان لوکارنو(بنابه تقاضای فرانسه) ایدن وزیرامورخارجه‌انگلستان قبول کرد که پرسشنامه‌ای رسمی‌درباره دعاوی ومقاصدآلمان برای هیتلربفرستد (۱۰آوریل) واین پرسشنامه که پس ازپایان انتخابات فرانسه برای دولت‌آلمان ارسال گردید بدون جواب ماند.

کوششهای سیاسی ونظامی هیتلرونزدیکی اوباموسولینی، انگلستان راکه از لحاظ نیروی نظامی ناتوان بود بوحشت انداخت وآن دولت را به تجدید تجهیزات نظامی وادارساخت وبراثراین‌تصمیم هزینه‌های نظامی وتسلیحاتی که درسال۱۹۲۲فقط ۱۳درصدبودجه کل کشوربود برای‌سال مالی۳۸-۱۹۳۷ به۲۷/۳ درصدبودجه کل رسیدو مجلس‌عوام‌بدولت‌بالدوین‌اجازه داد که۴۰۰میلیون لیره از۱۰۵۰۰ میلیون لیره‌هزینه‌های نظامی وتسلیحاتی را ازطریق وام‌تامین کند .

تجهیز نیروهای دریائی وهوائی برای انگلستان آسان بود ولی تقویت نیروهای زمینی اشکال فراوان داشت وباوجود تلاشی که **دوف کوپر**[1] وزیرجنگ انگلستان درین باره بکاربرد و علیرغم وعده‌های صریحی که برای تأمین رفاه وآسایش وآزادی عمل سربازان‌دادنتوانست عده کافی برای‌تقویت نیروی زمینی‌تهیه کند وناگزیرشد که‌یاافراد ذخیره‌رابخدمت‌دعوت‌نمایدویاازواحدهای متمرکزدرمستعمرات‌ودومینیونها به‌انگلستان منتقل سازدواین عمل درصورت بروز وتوسعه جنگ بحال انگلیس فایده‌ای نداشت و ناگزیرمیبایستی واحدهای مستعمراتی را بجای‌اولیه خودبرگرداند .

تدارکات نظامی سطح تولید را درانگلستان بالا می‌برد وموجب رونق بازارویا لااقل مانع ازرکود وکسادی‌آن می گردیدولی حالت انتظاردربرابرحوادث واتخاذرویه تردیدآمیزدرسیاست‌خارجی، هرچند که‌بطورموقت خیال آن دولت راآسوده می‌ساخت . با غرور خاص انگلیسی سازگار نبود و بهمین‌جهات روز ۱۸ ژوئن ۱۹۳۶ دولت انگلیس از جامعه ملل تعلیق مجازاتها را در باره ایتالیا ، که تقریباً کار تصرف حبشه را پایان داده بود، خواستارشد . مجلس عوام سیاست دولت را تأیید وجامعه ملل (که کارگردان حقیقی‌آن خود انگلستان بود ـ م) تقاضای انگلیس را تصویب کرد .

انگلستان دربرابرقیام **فرانکو** دراسپانیا، که‌از۱۷ ژوییه۱۹۳۶ آغازوموجب‌بروز جنگهای‌داخلی گردید، بنا به‌تقاضای‌فرانسه سیاست بیطرفی وعدم مداخله درامورداخلی اسپانیا راپیش گرفت تابهتر بتواند منافع خود رادرمدیترانه وپایگاههای دریائی‌وخطوط بازرگانی خویش را درآن منطقه حفظ کند .

بحران سلطنت

دراواخرسال۱۹۳۶ مسئله‌ای درانگلستان پیش‌آمد که در تاریخ آن کشوربیسابقه‌بود، ادوارد هشتم پادشاه انگلیس میبایستی‌روز ۱۲ مه۱۹۳۷ طی مراسم خاص مذهبی تاجگذاری کند و بین دو

۱- Duff-Cooper

مقام روحانی انگلیس برسر تفکیك یاعدم تفکیك مراسم دینی از تشریفات غیرمذهبی مربوط به تاجگذاری اختلاف نظر پیش آمد وازطرف دیگر جسته و گریخته درمحافل مختلف اززندگی خصوصی شاه وبی‌اعتنائی اوبه اصول وسنن ملی ومذهبی مطالبی گفته میشد و یکی‌دوروزنامه امریکائی مطالبی درباره احتمال ازدواج ادوارد بایك زن بیوه امریکائی بنام **مادام سیمپسن**[1] انتشاردادند واین زن که دوبارشوهر کرده وطلاق گرفته بود جزو خدمه دربارانگلیس خدمت می کردوازحواشی ادواردبود .

ظاهراً ماجرای احتمال ازدواج شاه مسئله‌ای‌نبود که موجب تیرگی روابطدربار سلطنت باکلیسای مخصوص انگلیس گردد ولی‌این‌موضوع بتدریج نقل مجالس‌ومحافل سیاسی گردید ودولت بالدوین دربرابرهزاران نامه ملامت‌آمیز کـه ازاطراف واکناف امپراطوری درباره تصمیم شاه بچنان ازدواجی رسیده بود ناچار وخامت اوضاع را بشاه گوشزدوسعی کرد که اورا از تصمیم خودبازدارد ولی‌ادواردر تصمیم خودباقی مانده واز بالدوین خواست که ازپارلمان قانونی درباره‌آزادی ازدواج شاه وعدم مداخله قوه مقننه در این امر بگذراند . بالدوین پاسخ شاه را موکول بمشورت با نمایندگان دومینیونها کرد وهیئت وزیران نیزدرجلسه مـورخ۲۷ نـوامبرنظریه بالدوین راکـه در حقیقت انعکاس افکار عمومـی بـود تـایید نمـود . بالدوین ، در حالیکه میدانست رقیب او **ماژوراتلی** لیدراقلیت برای‌زمامداری کشورحاضر نخواهدشد،بشاه‌اطلاع داد که‌درصورت عدم انصراف ازتصمیم خود وی از کار کناره گیری خواهد کرد . روز۳ دسامبربالدوین ازطرف کلیه‌احزاب‌مختلف‌درمجلس‌عوام‌بسبب سیاستی که‌دربرابرشاه‌پیش گرفته‌بودمورد تحسین‌وستایش‌قرار گرفت. انجمنهای‌روحانی‌مرتباً تشکیل‌می‌شدومحافل‌سیاسی‌ومطبوعاتی درفعالیت بودند . مادام سیمپسن انگلستان را بقصد فرانسه ترك گفت واحساسات‌عمومی بشدت متشنج گردید و کلیسای انگلیس چنانکه گوئی خطری متوجه جـان شاه باشد

۱- Simpson

مجلس دعای مذهبی برپا ساخت .

ادوارد هشتم درعین حال که بیش ازپدرخود به آلمان ورژیم جدید آن علاقه نشان میداد، مردی ساده و بی تکلف وطرفدارطبقات سوم و بخصوص کارگران وهمسلکان آنان بود ودرمیان این طبقات طرفداران زیادداشت ولی کلیسا ومجامع روحانی ودولت وپارلمان و کلیه دومینیونها واکثریت افکارعمومی سادگی وبی قیدی شاه را به سنن وآداب سلطنتی دون شأن پادشاه انگلیس میدانستند ، بخصوص که از پایان جنگ اول ببعد وبالاخص بعد ازسال ۱۹۳۱ دیگرشاه برای مردم انگلیس وامپراطوری آن تنها نقطه وحدت سیاسی محسوب نمی شد ووجود او بیشتر جنبه تشریفاتی داشت .

بالدوین روز ۷ دسامبر گزارشی بمجلس عوام داد و ضمن گزارش تردیدشاه را در موضوع ازدواج باطلاع مجلس رسانید وشاه روز ۹ دسامبر جواب قطعی خود را دایر برتصمیم به ازدواج با مادام سیمپسن برای بالدوین فرستاد و برای اولین بار درتاریخ انگلیس یك پادشاهی بمیل ورضای خود ازتاج وتخت صرفنظر کرد . ادوارد، پس ازارسال پیام به پارلمان ونطق کوتاهی که دررادیوایراد کرد وطی آن گفت که بدون وجود مادام سیمپسن نمی تواند سلطنت کند، پس از ۳۲۴ روزسلطنت پرماجرا عصرروز ۱۰ دسامبر بوسیله یك ناوشکن انگلستان راترك گفت وبه اتریش رفت وفقط بعنوان **دیوك اف ویندسور**[۱] اکتفا نمود . وی پس از مدتی با خیال راحت با محبوبه خود مادام سیمپسن در فرانسه ازدواج کرد .

روز ۱۱ دسامبر مجلس عوام نامزدی **دیوك اف یرك**[۲] برادرادوارد هشتم را بسلطنت تصویب نمود و دومینیونها باستثنای آیرلند نیزرأی مجلس را تأیید کردند ودیوك

۱- Duc of Windsor ۲- Duc of York

اف یرك باعنوان **جرج ششم** ازروز۱۲ دسامبرزمام سلطنت را دردست گرفت .

سیاست خارجی انگلستان، که‌روز۸ژوییه۱۹۳۶ قسمتی‌ازناوگان‌مخصوص‌محاصره اقتصادی ایتالیا را ازمدیترانه احضارنموده‌بود، روزدوم ژانویه ۱۹۳۷قرارداد جدیددوستی باایتالیاامضانمود ودرآن‌قرارداد امنیت متقابل کلیه کشورهای اطراف مدیترانه وازجمله متصرفات اسپانیا درکناره‌آن دریا تضمین شده بود ولی این پیمان، دربرابرامتناع‌ایتالیا ازاحضارنیروهای اعزامی باسپانیا وعدم مداخله درجنگهای داخلی‌آن کشورو بمباران وغارت کشتی‌های انگلیسی درمدیترانه ودست زدن به‌جنگ سرد تبلیغاتی برعلیه انگلستان در ممالك اسلامی بوسیله مطبوعات و ایستگاه‌فرستنده رادیو، که‌برای‌این‌منظوردربندر **باری**[1] تأسیس گردیده‌بود، وخودداری‌ازشرکت‌درکنفرانس امضاکنندگان‌پیمان‌لوکارنوونزدیکی به‌آلمان‌واستحکام‌محور **رم-برلین**، نتوانست‌روابط دوستانه‌قدیم‌را بین‌ایتالیا وانگلستان تجدید کند. دولت ایتالیا ورود مطبوعات انگلیسی رابخاك کشورخودممنوع ساخت‌وازاعزام‌نماینده برای‌شرکت درمراسم تاجگذاری‌جرج ششم، بدان‌علت که نجاشی‌حبشه‌درآن مراسم شرکت‌می کرد، امتناع‌ورزید .

تجدید نظردرپیمان لوکارنو وایجاد زمینه برای عقد پیمان جدیدی نظیرآن بسبب امتناع‌آلمان وایتالیا ازشرکت درمذاکرات به‌نتیجه مثبت نرسیدوروز۲۰ نوامبر ۱۹۳۶، ایدن اعلام نمود که درصورت‌تجاوزبخاك‌بلژیك یافرانسه‌دولت‌انگلستان تعهدات خود رانسبت باین دو کشور انجام‌خواهدداد. معذالك سیاست انگلیس برپایه‌آزادی‌عمل وفرارازتعهدات‌صریح‌وروشن بین‌المللی‌استواربود. فرانسه‌وانگلیس روز۲۴ آوریل ۱۹۳۷ مشترکاً اعلام نمودند که بیطرفی بلژیك را محترم میشمارند و به تعهدات خود نسبت بآن کشور درحدود کادر جامعه ملل عمل خواهند کرد . انگلستان طبق قراردادمورخ

1- Bari

۲۶ اوت۱۹۳۶ که بامصر امضا نمود استقلال مصررا برسمیت‌شناخت ودولت مصر بعضویت جامعه ملل‌پذیرفته‌شد ولی‌طبق همان‌قرارداد حق‌حفظ‌قوای‌نظامی بمنظورپاسبانی‌ازترعهٔ **سوئز** درخاك مصر بانگلستان داده شد .

سیاست خارجی انگلستان‌تقریباً مورد تأیید کلیه احزاب و بخصوص احزاب‌دست راست بود وانتخابات‌انجمنهای شهری این معنی را کاملاثابت نمود زیرا جزدرشهرستان لندن، که‌بسب‌فعالیت **سرهربرت‌موریسن**[1] رهبرحزب کارگران‌پیروزی‌نصیب‌آن‌حزب گردید، درانتخابات‌سایرشهرستانهاحزب کارگران‌شکست‌خوردندواین حزب نتوانست ازموقعیت‌بین‌المللی وبخصوص‌جنگهای داخلی اسپانیابنفع خود استفاده کند. دبیر کل اتحادیه صنعتی و بازرگانی انگلیس طی کتابی که انتشارداد مخالفت شدید آن اتحادیه را باحزب کمونیست‌انگلستان و کشتارهای‌دسته جمعی که درخاك‌شوروی بدستورحزب کمونیست‌آن کشورانجام می گرفت بیان کرد وحزب‌کارگرچندین بارامتناع خود رااز همکاری‌باحزب کمونیست‌انگلیس‌صریحاًابرازنمودواماحزب‌فاشیست **سراسوالد مزلی** فعالیت‌چندانی نداشت‌ومنحصر بتظاهرات‌مختصری‌بود که‌غالباً باتظاهرات‌دسته‌های‌مخالف توأم باخرابکاری پاسخ داده می‌شد.

کابینهٔ چمبرلین و سیاست‌خارجی

علیرغم استقامتی که‌کابینه بـالدوین درجـریان بحران سلطنتی نشان داد بسبب حمله‌های شدید اوستن چمبرلین درمجلس عوام واشتباهاتی که‌درسیاست‌خارجی مرتکب شده بودپس‌ازبرگزاری مراسم تاجگذاری(۱۲مه۱۹۳۷) بالـدوین درکنفرانس ممالك مشترك‌المنافع که درلندن‌تشکیل گردیدآخرین نطق خـود را ایراد وروز۲۸ مه‌استعفانمود و **نویل‌چمبرلین** مأمور تشکیل‌دولت‌شدودرظرف‌چندساعت کابینه خود را، که قبلا اعضای‌آنرا انتخاب نموده بود، تشکیل داد وپست وزارت‌امور

۱- Sir Herbert Morrison

خارجه را همچنان به ایدن واگذاشت وخـود نیزمستقیماً در امور آن وزارتخانه مداخله می کرد .

در بودجه سال ۳۸ـ۱۹۳۷ که چمبرلین تنظیم نمود، برای جبران کسر بودجه، مالیاتها و عوارض جدیدی برسیستم تصاعدی پیش بینی وطرح آنرا برای تقدیم به پارلمان آماده کردولی این مسئله مورد اعتراض شدید صاحبان صنایع و بازرگانان عمده قرار گرفت و دولت ناچار از تقدیم طرح خود صرفنظر و بـه نرخهای کمتری بـرای عوارض و مالیات ها اکتفا نمود.

چمبرلین درسیاست خارجی رویه روشن تر ازرویه بالدوین پیش گرفت، **سر رابرت وانسیتارت**[۱] معاون دائمی وزارت امورخارجه را بمقام مشاورمخصوص شاه درمسائل خارجی منصوب نمود وسرالکساندر کادوگان رابجای اوبرگماشت .

عکس العمل انگلستان درخاوردوردر برابر تضییقات مقامات ژاپنی درچین که نسبت باتباع انگلیس ودارائی آنان روامیداشتند بسیار ناچیز بودزیرا انگلستان خودازضعف نیروی نظامی خویش بخوبی آگاه بود. اتازونی نیز روح همکاری جدی با انگلیس در مسائل خاوردور نشان نمیداد معذلك روز ۱۴ فوریه ۱۹۳۸ حوضچه عظیم بندرسنگاپور که مکمل وآخرین قسمت استحکامات نظامی آن بندر بشمارمی آمد باحضورناوگان اتازونی بوسیله مقامات انگلیسی آن بندرافتتاح گردید .

چمبرلین بمنظورتشییدروابطدوستی باآلمان وایتالیا واحتراز ازجنگ تلگرافهائی با موسولینی درتابستان ۱۹۳۷ مبادله نمود واز ۱۷ تا ۲۲ نوامبر لردهالیفاکس در برلین با گورینگ وفن نورات وسپس باهیتلرملاقات ومذاکره کرد واندکی بعد در ۲۹ نوامبر کنفرانس مشترك سیاستمداران انگلیس وفرانسه درلندن برای بررسی مسائل مربوط

۱- Sir Rpbert Vansittart

به اروپای مرکزی تشکیل گردید. انگلستان تصمیم گرفت باژنرال فرانکو که بتدریج بردوسوم کشوراسپانیا مسلطشده بود روابط کنسولی برقرار کند.

چمبرلین وایدن درزمینه حفظ صلح استحکام وبسط روابط دوستی وهمکاری با فرانسه را طالب بودند ولی درچگونگی اجرای منظوراختلاف سلیقه داشتند . ایدن عقیده داشت که قبل ازبرقراری روابط با اسپانیا بایدازجانب ایتالیا بدولت انگلیس تضمینات و تأمین سیاسی داده شود ولی چمبرلین که به جامعه ملل وتصمیمات آن اطمینانی نداشت میخواست بدون توجه بمسائل دیگری که ممکن بود با سیاست دولت انگلیس درباره اسپانیا ومانندآن ارتباط داشته باشد مستقیماً وهرچه زودتر باب مذاکرات سیاسی را با ایتالیا وآلمان باز کند . این اختلاف سلیقه ضمن طرح مسائل مربوط بسیاست خارجی درمجلس عوام مطرح و علیرغم حملات شدید **للویدجرج** و**وینستون چرچیل** مجلس بدولت چمبرلین رأی اعتماد داد ولردهالیفاکس که متمایل به آلمان بود جای ایدن را در پست وزارت امورخارجه گرفت .

روز ۲۳ مارس ۱۹۳۸ کتاب سفید انگلستان درباره تدارکات جنگی و نظامی انتشاریافت . بنابرمندرجات آن کتاب ۱۵۰۰ میلیون لیره برای تدارکات جنگی ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۱ پیش بینی شده بود ومیبایستی درسال مالی ۳۹-۱۹۳۸ مبلغ ۳۴۳ میلیون لیره صرف تقویت نیروی دریائی وساختن ۶۰ ناوجدید جنگی و تکمیل واحدهای موجودوتقویت وتجهیز نیروی هوائی گردد، بحدی که نیروی هوائی انگلیس برتری و تفوق کامل بر نیروهای هوائی سایر کشورهای اروپا حاصل کند . توجه به تقویت نیروی هوائی وحمله نمایندگان مجلس عوام بدولت ومتهم ساختن دولت به مسامحه دراین امر باعث استعفای سوینتن[1] ازوزارت نیروی هوائی وانتخاب **کینگسلی وود**[2] بآن مقام گردید .

۱- Swinton ۲- Kingsley Wood

مذاکره با ایتالیا به‌عقد موافقت‌نامه‌ای درتاریخ ۱۶ آوریل ۱۹۳۸ منجر گردیدو در آن موافقت‌نامه مبادله متقابل اطلاعات نظامی بین دو کشور و شناسائی کامل حقوق و منافع انگلستان در عربستان و دریای احمر و ترعه سوئز و جلوگیری از تبلیغات ضد انگلیسی رادیوهای ایتالیا وحفظ منافع اتباع انگلیس درلیبی و خودداری ایتالیا ازاعزام نیروهای مستعمراتی جدید به‌حبشه و تعهد آن دولت به‌تقلیل نیروهای نظامی خوددرلیبی واحضار کامل نیروهای خود از اسپانیا پس ازپایان جنگهای داخلی و قبول واجرای مقررات پیمان بحری لندن مورخ ۲۵ مارس ۱۹۳۶ وامثال آن پیش بینی و انگلستان نیز تعهد کرده بود که برای عبور ازترعه سوئز بدولت ایتالیا آزادی عمل بدهد وجامعه ملل را وادار سازد که امپراطوری ایتالیا را درافریقا برسمیت بشناسد ولی رسمیت موافقت‌نامه مزبوربه شروع تخلیه اسپانیا ازنیروهای اعزامی ایتالیا بآن کشورموکول گردیده بود . این موافقتنامه درمجلس عوام مورخ ۲ ماه مه بتصویب رسید ودولت انگلیس سعی می کرد که موافقتنامه‌ای نظیر آن با فرانسه منعقد سازد .

دربرابرغرق کشتی‌های انگلیس درآبهای اطراف اسپانیا دولت انگلیس بنا بر فشارنمایندگان حزب کارگرناگزیر شد که مجازاتها ومحدودیت‌هائی درباره حکومت فرانکواجرا کند ویکعده از نمایندگان حزب محافظه کار در مجلس، که از دوستان ایدن بودند، اتخاذ سیاست شدیدی را برعلیه حکومتهای دیکتاتوری اروپا خواستار شدند ولی چون چمبرلین، که معتقد به ادامه سیاست عدم مداخله بود، فقط به‌ارسال یادداشت اعتراضیه برعلیه بمباران کشتی‌های انگلیسی درآبهای اسپانیا برای فرانکو اکتفا وبه شرکتهای بحرپیمانی انگلیسی توصیه کرد که دررفت و آمد کشتی‌های خود درحدود اسپانیا احتیاط بیشتری بکاربرند ونیز یادداشت اعتراضیه درمورد بمباران شهرهای چین

ومخصوصاً کانتون بوسیله ژاپنی‌ها برای دولت ژاپن فرستاد .

مسئله چکسلواکیا

هنگامیکه مطبوعات آلمان، پس ازشناسائی رسمی الحاق اطریش به آلمان ازطرف فرانسه و انگلیس، زمزمه مخالفت با حکومت چکسلواکیا وطرفداری ازاقلیت آلمانی ناحیه **زودت** چکسلواکیا آغاز کردند نمایندگان سیاسی انگلیس در برلین وپراگ، آلمان را بحل مسالمت آمیز اختلاف آن دولت باچکسلواکیا وچکسلواکیا را به اعطای پاره‌ای امتیازات به اقلیت آلمانی زودت توصیه می کردند ولی همینکه نیروهای آلمان درمرزهای چکسلواکیا وفرانسه متمرکز شدند (۲۰ و ۲۱ مه) وچکسلواکیا دوطبقه ازسربازان ذخیره را بخدمت احضار ودولت فرانسه اعلام نمود که درصورت بروز جنگ بین آلمان وچکسلواکیا بیطرف نخواهد ماند سفیر انگلیس در آلمان طی سه بار ملاقات بازمامداران آلمانی ازطرف دولت متبوع خود اعلام داشت که انگلستان درامر اختلاف آلمان و چکسلواکیا ذینفع است ونمیتواند این مسئله را نادیده بگیرد . ازطرف دیگر وزیر دفاع ملی انگلیس درجلسه مورخ ۳۰ مه مجلس عوام صریحاً اظهار داشت که اقداماتی را بمنظور تدارک یك ارتش ملی برای زمان جنگ آغاز خواهد نمود ولی چمبرلین این مسئله را تکذیب واعلام نمود که فقط به سرشماری جدیدی درسراسر کشور اقدام خواهد شد تا تعداد افرادی که استعداد حمل اسلحه دارند برای دوران جنگ احتمالی تعیین گردد و نیز افراد داوطلب برای دفاع ضد هوائی ازمرزهای کشور پذیرفته خواهند شد.

شاه وملکه انگلیس از ۲۶ تا ۲۹ ژوئیه از کشور فرانسه رسماً بازدید کردند و لردهالیفاکس که ملازم شاه وملکه بود درپاریس با **دالادیه** و **بونه** مذاکره نمود و تصمیم گرفته شد که **لرد رنسیمان**[۱] ازطرف انگلستان بعنوان مشاور ومیانجی به پراگ اعزام

۱- Runcimann

شود وهیئت وزیران فرانسه نیز با این امر موافقت نمودند وباین ترتیب انگلستان ظاهراً درمورد چکسلواکیا سیاست جدی روشنی در قبال آلمان پیش گرفته ومایل بود که درمسائل سیاسی قاره اروپا مداخله کند .

مسئله آیرلند

پس ازاغتشاشات خونین سال ۱۹۱۶ آیرلند و بعدازهمکاری افراد آیرلندی با افرادانگلیسی درجنگ اول بین‌الملل، مردم آیرلند باردیگر برای تأمین استقلال کشورخود که مدت ۳۰ سال بسود دولت انگلیس وعده اعطای آنرا داده وانجام این منظوررا به امروزوفردامو کول نموده بود، قیام کردند ودرانتخابات سال ۱۹۱۸ از ۱۰۳ کرسی نمایندگی آیرلند ۷۹ کرسی نصیب **سین فینرز** یعنی حزب طرفداراستقلال کامل آیرلند گردید که رهبری آنرا **دووالرا**[۱] برعهده داشت ونمایندگان آیرلند بجای آنکه در **وست مینستر** لندن حاضر شوند درشهر **دبلین**[۲] آیرلند پارلمان جداگانه‌ای تشکیل دادند(۲۲ ژانویه ۱۹۱۹) وضمن اعلام استقلال آیرلند وتدوین قانون اساسی رژیم جمهوری برای کشورخود انتخاب نمودند. **دووالرا** بوسیله مقامات انگلیسی توقیف شد ولی اندکی بعداززندان گریخت وبه اتازونی رفت و **آرتور گریفیت**[۳] بریاست حکومت آیرلند(که ازنظرانگلستان حکومت غیرقانونی بود) انتخاب گردید .

انگلستان حکومت جدید را غیرقانونی وانحلال پارلمان آیرلند را اعلام کرد و بلافاصله انقلابات خونین وزد وخوردهای شدید بین جمهوریخواهان آیرلند ومقامات انتظامی انگلیس آغاز گردید. **سمیلی**[۴] شهردارشهر **کرک**[۵] بجرم آنکه دفتر رمز پلیس آیرلند

---

۱ - De Valera ۲ - Dublin ۳ - Arthur Griffith ۴ - Smiley

۵ - Cork

را دراختیارداشت دستگیروزندانی شد ووی درزندان اعتصاب غذا کرد وپس از۷۳روز ازگرسنگی جان داد (۲۵ اکتبر۱۹۱۹).

قتل وتروروغارت واغتشاشات همچنان ادامه‌داشت وللویدجرج بامهارت‌ومتانت خاص با آن اوضاع مواجه و سرانجام موفق گردید که **دیل ایران**[۱] (پارلمان آیرلند) راباعزام‌نمایندگانی بلندن‌برای مذاکره‌درباره حل مسئله‌آیرلند وادارسازد .مذاکرات لندن بعقد قراردادی بین انگلستان وآیـرلند درتاریخ ٦دسامبر۱۹۲۱ منجروطبق آن پیمان‌آیرلند جنوبی (قسمت‌اعظم جزیره‌آیرلند ـم.) دارای استقلال داخلی‌و مزایائی نظیرمزایای دومینیونهای انگلیسی گردیدونمایندگان پارلمان‌آیرلندآزادتعهد کردند که نسبت بپادشاه انگلیس سوگند وفاداری یادکنند وشخصی راکه بعنوان حکمران کل ازطرف انگلستان به‌دبلین فرستاده خواهد شدنماینده شاه بدانند . قسمتی‌ازناحیه شمال شرقی‌آیرلند بنام **اولستر**[۲] ازالحاق به‌آیرلندآزادامتناع‌ورزیدوهمچنان‌درتبعیت ازانگلستان باقی‌ماند .

قراردادانگلیس وآیرلندروز۷ ژانویه ۱۹۲۲ درپارلمان‌آیرلند بتصویب رسید اما دووالراکه‌بریاست حکومت جدید انتخاب شده بود از تصویب‌آن قراردادامتناع‌ورزید وازریاست حکومت استعفاکردوجانشینان او که به‌ترتیب زمان**گریفیت** و **کاسگریو**[۳] بودند سعی کردند که وضع‌آیرلند را با قرارداد جدیـد منطبق سازند . ازآن پس‌مبارزه شدید دووالرا با حکومت جدیدآغازومنجر بجنگهای داخلی و کشتاروزدوخوردهائـی گردید که تاحدی ازمحبوبیت دووالراکاست. وی‌ناگزیر سیاست معتدلی پیش گرفت ودرسال۱۹۲۷ قـرارداد لندن را برسمیت شناخت ودرعین حال بمبارزه سیاسی بـرعلیه حکومت کاسگریوادامه داد واورابه اتخاذ سیاست شدیدبرعلیه جمهوریخواهان‌وپیروی

۱- Dail Eirann ۲- Ulster ۳- Cosgrave

ازسیاست اقتصادی واجتماعی خانه براندازی متهم ساخت .

طی انتخابات ۱۶ فوریه۱۹۳۲ حزب دووالرا اکثریت مجلس رابدست آورد وروز ۹مارس دووالرا بریاست حکومت آیرلند آزادانتخاب شد وبلافاصله دعاوی خودرادرقبال انگلستان تجدید کرد، خواسته‌های اوعبارت بود ازحذف مقررات مربوط بـه سوگند وفاداری نسبت بشاه انگلیس وبازگشت حکمران کل ازدبلین به‌انگلستان، سلب حق وتوازپادشاه انگلستان درموردقوانین مصوب درپارلمان آیرلند ، انصراف انگلستان از دریافت سالی۳میلیون لیره از آیرلند، که‌بعنوان استهلاك مساعده‌پرداختی آندولت بزارعین آیرلندی از سال ۱۸۷۰ تا ۱۹۰۹ برای بازخرید اراضی ملکی خود ازمالکین انگلیسی دریافت میداشت ، وحذف مجلس سنای آیرلند . دووالـرا پارلمان‌را منحل ساخت و در انتخابات جدید اکثریت بیشتری بدست آورد وبوسیله مجلس جدید قانون اساسی تازه‌ای تدوین نمود که طبق آن نام **ایر**[۲] نام کشورجدید وشامل تمامی جزیره آیرلندبود.

انگلستان هرگزحاضرنبود که‌ناحیه **اولستر** ضمیمه کشورایرگردد ودولت جدید ایرنیز که‌ازجنبهٔ اقتصادی بتدریج درمضیقه قرارمی گرفت ادامه مبارزه با انگلستان را بصلاح خود نمیدیداما ازتصویب وتأیید رسمیت سلطنت‌ادواردهشتم‌واعزام نماینده‌برای شرکت درجشن تاجگذاری شاه جدید خوداری ورزید .

قانون اساسی جدیدایر ازروز۲۹ دسامبر۱۹۳۷ بمورد اجـرا گذاشته شد و طی کنفرانسی که روزهای۱۷و۱۸ و۱۹ ژانویه ۱۹۳۸ درلندن ازنمایندگان انگلیس وایر تشکیل گردید روابط دو کشوربراساس جدیدی‌استوارشد وموافقتنامه‌ای بین دووالرا و چمبرلین منعقد گردید که بموجب آن کشور جمهوری ایراستقلال کامل خود را بدست

۲- Eire

آورد و به جنگ اقتصادی بین ایروانگلیس پایان‌داده شد وایرتوانست با مرتفع‌ساختن مضیقه مالی واقتصادی ده‌میلیون لیره ببانك لندن بسپارد واعتباربازرگانی خارجی‌خود را تأمین کند . درباره مرزهای دریائی ایرنیزقرارشد که بنادر ولنگرگاههای تجارتی و نظامی باتمام تأسیسات‌موجود درآنها ازطرف مقامات انگلیسی تاقبل‌از۳۱دسامبر۱۹۳۸ تحویل مقامات‌دولت‌ایرگردد وناوگان‌انگلیسی مقیم کرانه‌های‌آیرلند به‌بنادرانگلیس بازگردند . درانتخابات فوریه۱۹۳۸ که درناحیه‌اولسترآیرلند بعمل‌آمد از۸۸ نماینده ۵۰ نفربا الحاق اولستربه کشورایرمخالف بودند زیرا درآن ناحیه اکثریت با پیروان مذهب پرنستان است درحالیکه اکثریت مردم ایرکاتولیك مذهب هستند .

موافقتنامهٔ مونیخ

دولت انگلستان نمیتوانست بهیچوجه نسبت بحوادث سیاسی و اختلافات اروپای‌مرکزی، که خواه وناخواه شامل حال فرانسه نیزمیشد، بی‌اعتنا بماندلیکن‌چون بخوبی ازضعف نیروی‌نظامی خودآگاه بود ازاتخاذ سیاست شدید نسبت به پیشوای‌آلمان خود داری مینمود بهمین نظرهنگامیکه وضع بحرانی مرزهای دو کشورچکسلواکیا وآلمان روبشدت گذاشت چمبرلین، که‌ملاقات ومذاکره مستقیم‌زمامداران ورجال سیاسی را برای حل اختلافات مفیدترومؤثرترازمبادله‌یادداشت وارسال‌پیام‌می‌دانست، برای‌نخستین‌باردرعمرخود بوسیله هواپیما عازم برلین شد (۱۵ سپتامبر۱۹۳۸) وپس ازیکروزتوقف ومذاکره باهیتلربه‌لندن بازگشت وروز۱۸ سپتامبردالادیه وبونه‌را درلندن‌ملاقات‌ونتیجه مذاکرات‌باهیتلر وطرح حکومت انگلستان رادره‌وردحل اختلاف‌آلمان وچکسلواکیا برای زمامداران فرانسه تشریح کرد . نظر انگلستان این بود که طبق صلاحدید لرد رنسیمان فرستاده

فوق‌العاده ایندولت به پراگ بایستی سرانجام ناحیه زودت ازچکسلواکیا منتزع و بآلمان ملحق شود زیرا رفع اختلافات بین زودتها (آلمانیها)وچکهای ساکن آن ناحیه امکان پذیر نخواهد بود .

بعضی ازمحافظه کاران،وازجمله چرچیل، بیش‌ازنمایندگان کارگر بااین‌راه‌حل مخالف‌ومعتقد بودند که‌احتمال بروزجنگ‌فوری‌درصورت‌پایداری‌واستقامت‌در برابردعاوی هیتلرخیلی‌ضعیف‌است.درنتیجه‌این‌مذاکرات‌باردیگرچمبرلین‌در۲۲سپتامبردر **گدسبرگ**[1] باهیتلرملاقات کردوهیتلرصریحاًالحاق‌قسمتی ازناحیه زودت را بآلمان تاقبل ازآغاز ماه اکتبرهمان‌سال خواستارشد وچمبرلین‌جواب‌داد که موضوع را با دولت‌چکسلواکیا درمیان خواهد گذاشت ودرباره قبول‌آن توصیه‌ای بدولت‌اخیر نخواهد کرد .

چمبرلین یك نامه خصوصی برای هیتلر فرستاد وروز۲۷ سپتامبر طی نطق خود دررادیوچنین گفت : «هرچند که ما نسبت‌بیك ملت کوچك که‌باکشوربزرك و نیرومند همسایه میباشد عاطفه وعلاقه داریم لیکن نمی‌توانیم فقط بخاطریك امر کوچك وغیر مهم‌امپراطوری‌برتیانیارا بگرداب جنگ بکشانیم واگرروزی لازم‌باشد که‌بچنین‌جنگی تن دردهیم قطعاً دربرابرمسائل بسیارمهمترازمسئله اختلاف‌چکسلواکیاوآلمان خواهد بود . اگر برمن یقین حاصل شود که ملتی میخواهد با تهدید وتوسل به زوربردنیا مسلط شود باتمام قوا دربرابرآن ملت مقاومت خواهم کرد .»

پس‌از پیام مجدد چمبرلین به هیتلردر۲۸ سپتامروارسال پیام برای موسولینی و دعوت اوبمداخله ومیانجیگری درمسئله زودت‌پیشنهاد موسولینی مبنی برتشکیل‌انجمنی ازسران چهار کشورآلمان‌وایتالیا وفرانسه وانگلیس برای حل مسئله اختلاف‌آلمان و چکسلواکیا مورد قبول‌انگلستان واقع واین‌انجمن درمونیخ تشکیل‌شدورو۳۰سپتامبر

۱– Godesberg

(در ساعت ۱ و ۳۵ دقیقه بعد از نیمشب) موافقتنامه مونیخ بامضا رسید [۱] چمبرلین روز ۳۰ سپتامبررا در **برچسگادن** نزد هیتلر ماند وبا اومذاکره کرد و اعلامیه مشترکی از طرف آلمان وانگلستان انتشاریافت مبنی براینکه هردو کشوراین رویه مشورتی رابرای حل اختلافات وبمنظوراحتراز ازجنگ پذیرفته اند .

چمبرلین باپیروزی بلندن بازگشت و کوشش اودرراه حفظ صلح اروپا موردتوجه قرار گرفت ولی امضای موافقتنامه مونیخ با سلیقه وتمایلات سیاسی همه رجال وسیاستمداران انگلیس موافق نبود. دوف کوپرلرد اول دریاداری ضمن استعفا ازمقام خود (اول اکتبر) چمبرلین را بعلت امضای اعلامیه مشترك آلمان وانگلیس، بدون مشورت با فرانسه و چکسلواکیا وسایر متفقین این دودولت، مورد سرزنش قرارداد ولی درمجلس عوام، پس از آنکه حملات شدیدی ازطرف ایدن وچرچیل وسینکلروآرچیبالد واقلیت کارگر نسبت بسیاست دولت بعمل آمد، وسرانجام مجلس به کابینه چمبرلین رأی اعتماد داد . چمبرلین تصمیم خودرا درباره تجدید تسلیحات ولزوم آن باطلاع مجلس رسانید ولی با تشکیل وزارتخانه جدید بنام تدارکات وتسلیحات که بعقیده او موجب مضیقه مالی و اقتصادی می گردیدونیز باثبت اسامی کلیه افراد انگلیسی برای خدمات تعاونی ملی دوران جنگ واحضارورواداشتن آنان به تمرین قبل از بروز جنگ مخالفت ورزیدولی بعداً قول داد که درمورد تأسیس سازمانی برای ثبت اختیاری نام داوطلبان خدمات تعاونی وسازمان دفاع کشوری اقدام کند (۳۱ اکتبر) وضمناً ۲۰۰ میلیون لیره در بودجه کشور به تقویت نیروی هوائی اختصاص داد .

تسلط ایتالیا برمستعمرات افریقائی آندولت (وازجمله حبشه) ازطرف انگلیس و فرانسه روز ۱۵ نوامبر، وحکومت ژنرال فرانکو دراسپانیا پس ازآنکه سربازان داوطلب

---

۲ ـ طبق موافقتنامه مونیخ ناحیه آلمانی نشین زودت به آلمان داده شد ـ م.

واعزامی ایتالیا وآلمان تخلیه خاك اسپانیا راآغاز کردند، روز۲۷ فوریه ازطرف فرانسه وانگلیس برسمیت شناخته شد .

سیاست تضمین استقلال کشورها

پس ازاشغال خاك چکسلواکیا بوسیله آلمان ، انگلستان سفیرخود را بعنوان کسب خبرواطلاعات لازم ازبرلین فراخواند وچون از اجرای نظریه جمع آوری سربازان داوطلب نتیجه مطلوب بدست نیامد دولت تصمیم به تقویت نیروهای ساحلی گرفت وچمبرلین درمجلس عوام اظهارداشت که نیروهای نگهبان سواحل به ۳۲ لشکر(تقریباً ۳٤۰۰۰۰ نفر) افزایش خواهد یافت(۲۹ مارس۱۹۳۹) وروز۳۱ مارس اعلام نمود که انگلستان مانند فرانسه استقلال وتمامیت لهستان را دربرابر تهاجم تضمین میکند. اندکی بعد **کلنل بك**[۱] نخست وزیر لهستان به لندن آمد ودر٦ آوریل ۱۹۳۹ بین انگلستان ولهستان پیمان همکاری مشترك دائمی بامضارسید.

حوادث فوق الذکر انگلستان را، که همیشه اززیر بارتعهدات روشن وقطعی شانه خالی می کرد به اتخاذ سیاست صریح وقاطعی درباره مسائل مربوط به قاره اروپا وادارساخت. فشار آلمان برورمانیا وحمله ایتالیا به کشور آلبانی(۷ آوریل) بمنزله تهدید شبه جزیره بالکان و کرانه های آدریاتیك ومدیترانه بود وچمبرلین پس ازملاقات بادالادیه درپاریس (۱۳ آوریل) خطابه ای درمجلس عوام قرائت کرد که بموجب آن انگلستان مانندفرانسه استقلال یونان ورومانیا را دربرابر تهاجم ، درصورتیکه ایندو کشور تصمیم بمقاومت داشته باشند، تضمین می کردونیزدر۱۸ آوریل درمجلس عوام اظهارداشت که لزوم استقلال ممالکی مانندسویس وهلند یادانمارك ازلحاظ منافع انگلستان کاملا روشن وواضح است

۱- Colonel Beek

وهرچند که انگلستان تعهدات خاصی درمورد ممالک مزبور بگردن نگرفته ولی نمیتواند نسبت به سرنوشت آن ممالک بی اعتنا باشد .

انگلستان در برابر تهاجم ایتالیا ودست اندازی موسولینی به بالکان عکس العملی نشان نداد زیرا نمیخواست برای تخلیه اسپانیا از نیروهای اعزامی ایتالیا بهانه بدست ایندولت داده باشد بخصوص که اسپانیا رسماً الحاق خود را به پیمان ضد کمونیسم (ضد کمینترن) اعلام ونیروهای خود را در کنار جبل الطارق متمرکز ساخته بود .

تدارکات نظامی

سیاست تضمین استقلال کشورها تعهدات جدیدی برای انگلستان پیش آورده بود که دررأس آنها مسئله تقویت نیروهای نظامی قرار داشت . روز ۲۰ آوریل وزارتخانه جدید تسلیحات وتجهیزات تأسیس وروز ۲۶ آوریل، پس ازیکرشته تبلیغات شدید که چرچیل نقش عمده آنرا بر عهده داشت، دولت انگلستان تصمیم گرفت که به ثبت اسامی اشخاص برای خدمت سربازی اقدام کند. طبق تصمیم دولت مردان ۲۰ تا ۲۱ ساله که شایستگی معافیت از خدمت سربازی را نداشتند میبایستی برای مدت ٦ ماه طبق اعلام دولت خدمت زیر پرچم را انجام دهند ودولت حق داشت که هرموقع بخواهد افراد ذخیره را بخدمت احضار کند . این طرح درمجلس عوام با اکثریت ۳۷٦ رأی موافق دربرابر ۱٤٥ رأی مخالف بتصویب رسید (۲۷ آوریل) و نمایندگان کارگر بعنوان آنکه احضار اجباری افراد بخدمت سربازی خلاف انسانیت است رای مخالف دادند ولی ماه بعد کنگره حزب کارگر با اکثریت هنگفتی موافقت خودرا باطرح دولت اعلام داشت . بدین ترتیب انگلستان قبل از آغاز سال ۱۹٤۰ دارای یك میلیون سرباز تربیت شده گردید .

انگلستان هرچند که با واگذاری ذخیره طلای چکسلواکیا در بانکهای لندن

بدولت آلمان جداً مخالفتی نداشت ولی بی‌میل نبود که در محاصره اقتصادی آلمان با کشورهای دیگر همکاری کند. روز ۲۵ آوریل سرجان سیمون وزیر دارائی بودجه سال مالی ۴۰-۱۹۳۹ را به مجلس عوام تقدیم کرد که رقم هزینه آن ۱۳۲۲ میلیون لیره بیش از سال مالی گذشته واز آن مبلغ ۶۳۰ میلیون لیره برای دفاع ملی منظور شده بود. مبلغ ۳۸۰ میلیون لیره از اضافه اعتبار هزینه بودجه از راه وام و بقیه از طریق مالیاتها وعوارض جدید تأمین میشد.

فصل دوم - دوران جنگ

ورود به‌جنگ

انگلستان که‌درسال ۱۹۱٤ در برابر حوادث اروپا سیاست مسامحه‌کاری و بی‌اعتنائی پیش گرفته و بهمین جهت دولت آنروز مورد سرزنش وملامت سیاستمداران آن کشور قرار گرفته بود اینك در برابر تمایلات واقدامات هیتلر میل داشت پایداری شدید نشان‌دهد و نسبت به‌تعهداتی که بگردن گرفته بود وفادار بماند . همینکه‌دعاوی آلمان‌درباره‌لهستان آشکار گردید دولت انگلیس بآن کشورمتوجه شد وبوسیله‌نمایندگان خود باولیای امورلهستان توصیه کرد که از اعمال و اقدامات بی‌رویه وطن پرستان افراطی لهستان، کـه ممکن بود بهانه‌ای بدست سران حزب نازی برای مداخله‌درامورآن کشور بدهد، جلوگیری نماید وپس‌از امضای پیمان آلمان وشوروی، که زیاد برای انگلستان غیرمنتظره‌وتعجب‌آور نبود، روز ۲۳ اوت ۱۹۳۹ بوسیله‌نویل هندرسن سفیر کبیر خود درآلمان‌ازهیتلردرخواست کرد که به تحریکات وتبلیغات برعلیه لهستان خاتمه دهد . چمبرلین درجلسه فوق‌العاده مجلس عوام اظهارداشت که اگر انگلستان وارد جنگ‌شود تنها بخاطر بندر ودالان **دانتسیك**[1] نخواهد بود بلکه بخاطرحفظ اصولی است کـه عدم رعایت آنها امنیت ممالك جهان را

---

۱ ــ تفصیل این مسئله دربخش دوم (آلمان) ذکر شده است ــ م.

بمخاطره انداخته وحفظ صلح را غیر ممکن خواهد ساخت. مجلس عوام با اکثریت هنگفتی(۴۵۷ رای موافق دربرابر۷ رأی مخالف) به دولت چمبرلین اختیارات مخصوص اعطانمود.

دربرابر کوشش آلمان برای برهم زدن اتحاد و پیمان انگلیس و لهستان روز۲۵اوت پیمان جدیدمودت وهمکاری مشترك بین انگلیس ولهستان بامضارسید که مکمل پیمان۶ آوریل۱۹۳۹ بود. هیتلر بدولت انگلستان پیشنهاد کرده بود که حاضراست مستعمرات سابق آلمان را رسماً دراختیارانگلیس قراردهد مشروط براینکه ایندولت پیشنهادهای هیتلررا بپذیرد ولی چمبرلین پاسخ داد که دربرابرهیچ امتیازی حاضرنیست از تضمین استقلال وتمامیت خاك کشوری که استقلال آنرا ضمانت کرده است صرفنظر کندوهرنوع مذاکره بین انگلیس وآلمان درصورتی میسرخواهد بود که آلمان طبق تمایل لهستان حاضرشود بدون توسل به تهدید وزورمستقیماً بالهستان وارد مذاکره شود.

چمبرلین درجلسه مورخ۲۹ اوت مجلس عوام تدابیری را که برای تقویت واستقرار نیروهای زمینی ودریائی وهوائی وسربازگیری وتوسعه سازمان دفاع ملی وتهیه مقدمات تخلیه بعضی ازشهرها ازمردم غیر نظامی اتخاذ کرده بود باطلاع نمایندگان رسانید و گفت که دولت انگلیس بهیچوجه ازاستقامت وپایداری وسیاست مثبت وجدی خوددست نخواهدکشید. **سرآرتورگرینوود** بنام فراکسیون پارلمانی حزب کارگرو **سرآرچیبالد سینکلر** ازطرف فراکسیون حزب لیبرال (اقلیت مخالف دولت) سیاست دولت را تأیید کردند. ازآن پس درظرف چند هفته بامیانجیگری یکی ازارباب صنایع سوئد بنام **داهلروس**[1] تماسهائی بین گورینك و عده‌ای از صاحبان صنایع انگلستان که با محافل سیاسی انگلیس ارتباط داشتندحاصل شد وهدف آن ملاقاتها جلب رضایت انگلستان

۱- Dahlerus

برای تشکیل انجمنی نظیر انجمن مونیخ بود.

چون روز ۲۹ اوت ۱۹۳۹ هیتلر بدولت لهستان اخطار کرد که فقط تا نیمه شب ۳۰ اوت منتظر نماینده مختار و فوق‌العاده لهستان خواهد بود، دولت انگلیس کوشش کرد که لهستان را به قبول اعزام یك نماینده بمنظور اطلاع از دعاوی آلمان وادار سازد و طی یادداشتی از هیتلر خواست که با مذاکره عادی با لهستان بطور مستقیم و یا باوساطت انگلستان موافقت کند و این یادداشت بوسیله نویل هندرسن در نیمه‌شب تسلیم فن ریبن تروپ گردید و ریبن تروپ بدون آنکه هیچگونه یادداشت کتبی به سفیر انگلیس بدهد طی چند جمله بزبان آلمانی دعاوی آلمان را در مورد لهستان بیان کرد. هندرسن بلافاصله بدیدار **لیپسکی**[۱] سفیر لهستان در آلمان رفت تا او را به ملاقات با ریبن تروپ وزیر خارجه آلمان وادار دولی او ببهانه آنکه هیچگونه دستوری درین باب از دولت متبوع خود دریافت نکرده از آن ملاقات خودداری ورزید. بدون درنگ مراتب باطلاع لرد هالیفاکس مشاور ونماینده فوق العاده انگلستان در ورشو رسید واو کلنل بك، رئیس دولت لهستان را واداشت تا اجازه ودستور ملاقات با اولیای آلمان را به لیپسکی صادر کند ولیپسکی ساعت شش شب درمقر صدراعظم آلمان حاضر ووارد مذاکره شد ولی چون آنطور که هیتلر میخواست وی اختیارات کامل نداشت اقدامات او به نتیجه نرسید.

سپیده دم روز اول سپتامبر ۱۹۳۹ نیروهای آلمان بمرزهای لهستان حمله بردند و موسولینی پیشنهاد کرد که روز ۵ سپتامبر کنفرانسی ازدول بزرك اروپا برای تجدید نظر درقرارداد ورسای تشکیل شود، انگلستان جواب داد که امکان هر گونه مطالعه پیشنهاد موسولینی بسته بخروج نیروهای آلمان از مرزهای لهستان است وساعت نه و نیم روز اول سپتامبر هندرسن یادداشتی به وزیر خارجه آلمان تسلیم کرد که طی آن دولتین انگلیس

۱- Lipsky

وفرانسه تعهدات خودرا درباره لهستان گوشزد وصریحاً اعلام نموده بودند که در صورت ادامه عملیات جنگی بکمك آن دولت خواهندشتافت. مجلس عوام روزدوم سپتامبر قانونی تصویب کرد که طی آن ۵۰۰ میلیون لیره اعتبارات فوق العاده برای دفاع ملی تخصیص یافت ونیز کلیه مردان غیرمعلول از ۱۸ تا ٤۱ ساله دراختیارارتش انگلستان قرار گرفتند. روز سوم سپتامبر هندرسن، بنا به دستور لردهالیفاکس، به ریبن تروپ رسماً اعلام کرد که اگر تاساعت ۱۱ همان روز ازحمله نیروهای آلمان به خاك لهستان جلوگیری نشود ازهمان ساعت حالت جنك بین انگلیس و آلمان برقرار خواهدشد وساعت ۱۱ ونیم آن روز به کلیه نمایندگان سیاسی انگلستان درآلمان برقراری حالت مخاصمه میان انگلیس وآلمان اطلاع داده شد ودرساعت هجده جرج ششم ازرادیو لندن پیامی بکلیه ملل امپراطوری انگلیس فرستاد وچمبرلین همان شب کابینه خود را ترمیم وونستن چرچیل رابسمت لرد اول دریاداری (چرچیل درآغازجنگ اول جهانی نیزاین سمت را داشت) وانتونی ایدن را بوزارت مستعمرات وسرجان اندرسن را بوزارت کشورمنصوب ونیز سرساموئل هوررا وارد کابینه نمود. از روز سوم تا ۹ سپتامبر بتدریج دومینیونهای زیلند جدید و اتحاد افریقای جنوبی و کانادا بآلمان اعلام جنك دادند و مصر روابط سیاسی خود را با آلمان قطع کرد.

ماههای اولیه جنگ

تصرف برق آسای لهستان بوسیله نیروی آلمان وبمباران شهرهای آن کشور بخصوص شهرورشو موجب حیرت انگلستان گردیدوحس نفرت وانزجارعمومی را درین کشور برانگیخت وبهمین جهت جنگ تبلیغاتی هیتلر برای کنارآمدن وصلح باانگلستان بی نتیجه ماند. مداخله شوروی درامر تسخیر لهستان برای انگلیس غیرمنتظره نبودوچمبرلین باوجود ورود انگلستان بجنگ، بخاطردفاع ازلهستان، ازقطع روابط سیاسی باشوروی خودداری ورزید زیرا بنظراو پیمان

دوستی وهمکاری آلمان وشوروی قابل دوام نبود وانگلستان میبایستی آینده را درنظر داشته باشد. معذالك انگلستان پس ازحمله شوروی بخاك فنلاند باخراج شوروی ازجامعه ملل رأی موافق داد.

انگلستان بتدریج یك سپاه کامل مجهز به اسلحه جدید درشمال فرانسه بفرماندهی ژنرال گورت[1] متمرکز ودرجنگهای هوائی برعلیه آلمان شرکت کرد ودردریا نیروی دریائی انگلیس بجنگ برعلیه زیردریائیها وناوگان آلمان پرداخت. روز ۱۳ سپتامبر ناوهواپیمابر انگلیسی بنام **کوریجس**[2] وروز ۱۴ اکتبر ناوزره دارروبال اوك[3] بوسیله زیردریائی‌های آلمانی غرق وطی اینمدت عده زیادی از کشتی‌های جنگی انگلیس بوسیله زیردریائی‌ها و یامین‌های مغناطیسی آلمانها دردریای شمال ومانش نابود شدند. چمبرلین بکاربردن مین را برخلاف قوانین جنگ اعلام کرد وشورای وزیران در ۲۷ نوامبر پس ازتماس باوزرای فرانسه منطقه دریای شمال را منطقه جنگی اعلام و کشتی‌های بازرگانی حامل کالا بمقصد ویاازمبدء آلمان که بدست ناوگان انگلیس توقیف گردید تاحدی ضایعات نیروی دریائی ایندولت را جبران کرد واز ۱۷ دسامبر ۱۹۳۹ تا ۱۶ فوریه ۱۹۴۰ بزرگترین پیروزی انگلستان در دریا از کار انداختن زره دارمشهور آلمان بنام گراف فن شپی[4] درسواحل اوروگه (درامریکای جنوبی) واسیر کردن ناو **آلتمارك**[5] درسواحل نروژ بود.

طبق تصمیم جامعه ملل انگلستان یك‌ستون نیروبه فنلاند اعزام نمود ولی دولتین نروژوسوئد برای احترازاز کشانده شدن بجنگ اجازه عبور سربازان اعزامی را ازخاك خود ندادند.

چمبرلین در ۱۱ مارس ازاحضاریکصد هزارنفرسربازان ذخیره سخن بمیان آورد.

---

۱ – Gort　۲ – Courageous　۳ – Royal Oak　۴ – Graf von Spee

۵ – Altmark

روز اول ژانویه مردان ۱۹ تا ۲۸ ساله بخدمت زیر پرچم احضار شدند ولی انگلستان بیشتر هم خود را صرف جنگ اقتصادی با آلمان می کرد و بهمین منظور یك سازمان بازرگانی نیرومند تأسیس کرد تا بوسیله آن کلیه مواد خام واولیه اروپای جنوبی وجنوب شرقی را ازدسترس آلمان خارج کند ولی ایتالیا و شوروی نیز نظیر این نقشه را اجرا کردند و اقدامات انگلیس بی اثر شد .

نتایج مذاکرات مشترك وزرای انگلیس وفرانسه بمنظور هم آهنگی درامور مربوط بجنگ عبارت بود از تأسیس یك سازمان مشترك اقتصادی (۱۷ نوامبر) وعقد قرارداد مالی درباره هزینه مشترك جنگ (۱۲ دسامبر ۱۹۳۹) که بموجب آن دوسوم هزینه های جنگی برعهده انگلستان ویك سوم آن برعهده فرانسه محول گردید ودر ۲۸ مارس ۱۹۴۰ انگلیس وفرانسه طبق پیمان جدیدی متقابلا متعهد شدند که ازعقد هر گونه قرارداد صلح جداگانه با آلمان خودداری کنند .

روز ۵ ژانویه ۱۹۴۰ **هور بلیشا**[1] وزیر جنگ انگلستان، که نتوانسته بود اداره امور نیروی هوائی را به اختیار خود در آورد، استعفا کرد و **اولیور استانلی**[2] جانشین او گردید ودر ۳ آوریل چرچیل بریاست کمیته مشترك وزیران دفاع ملی (وزیر جنگ ووزیر دریاداری ووزیر نیروی هوائی) وساموئل هور بوزارت نیروی هوائی منصوب گردیدند.

مسئله نروژ و کابینه چرچیل

چون انگلستان مکرر نسبت به حرکت آزاد ناوگان آلمانی در آبهای کرانه نروژ بدولت اخیر اعتراض کرد و نتیجه ای حاصل نشد با شرکت فرانسه تصمیم گرفت در آبهای نروژ مین گذاری کند ولی چند ساعت پس از اعلام این تصمیم نیروهای آلمان بخاك نروژ پیاده شدند (۸ آوریل ۱۹۴۰) ونیروی دریائی انگلیس جنگ برعلیه

۱- Hore Belisha ۲- Oliver Stanley

آلمان را بکرانه‌های نروژ کشانیدوچندواحدازنیروی‌دریائی آلمان‌رانابود کرد ویا آسیب رسانید .سپس نیروهای انگلیس‌وفرانسه‌در **نارویك**[1] و **آندالنس**[2] و **نامسس**[3] درخاك نروژ پیاده شدند ولی‌در برابرتفوق نیروی‌آلمان، که ارتباط قوای متفقین را قطع کردند،کاری ازپیش‌نبردند وطبق تصمیم شورای عالی جنگ متفقین ازروز۲۷ آوریل تخلیه خاك‌نروژ راآغازنمودند واین امرمخالفت عده‌ای‌ازنمایندگان‌مجلسین‌ومحافل سیاسی انگلستان را برعلیه چمبرلین برانگیخت وچون اورا به عجز و ناتوانی دراداره امـورجنگ متهم ساختند ورأی اعتماد بسیارضعیف مجلس عـوام نتوانست موقعیت او را مستحکم کند ، چمبرلین روزدهم مه ۱۹٤۰ استعفا کرد و وینستن چرچیل کابینه ائتلافی زمان جنگ راکه چمبرلین واتلی درآن عضویت داشتند تشکیل داد وخود زمام وزارت دفاع ملـی را دردست گرفت ودرهمین‌روزحمله‌نیروهای‌آلمان درجبهه غرب (جبهه بلژیك وفرانسه) آغاز گردید .

حادثه دونکرك

پس‌ازتلاش‌بیهوده ژنرال گورت برای‌دفاع‌ازحملات‌شدیدنیروهای آلمان‌درجبهه بلژیك وشمال فرانسه سرفرماندهی ارتش‌انگلیس فرمان عقب نشینی سپاهیان خود را از فرانسه از طـریق دونکرك، که تنها بندرقابل‌استفاده متفقین‌بود، صادر کرد (۲۸مه) هزار کشتی انگلیسی ودویست کشتی وقایق فرانسوی درزیرباران گلوله وخمپاره‌های آلمانی تا ۳ ژوئن۲۳۵ هزارسربازانگلیسی و۱۱۵ هزار سربازفرانسوی را از جهنم دونکرك بخاك انگلستان بردند وطی‌این عقب نشینی‌تاریخی۳۰هزارسربازمتفقین نابود شدند وتقریباً تمامی‌مهمات وذخائرجنگی آنان ازدست رفت . مشاهده وضع آرام و خونسردی ملت انگلیس برای سربازان فرانسوی که بخاك‌آن کشور منتقل شدند کـاملا غیرمترقبه و حیرت‌آور بود

۱- Narvik ۲- Andalness ۳- Namsos

اما حکومت انگلستان هیچگاه از افشای حقایق ووخامت اوضاع خودداری نمی کرد و باپیش‌بینی‌یك‌هجوم وحمله شدید بخاك انگلستان بملت خود اعلام نمود که‌درصورت بروز چنان حادثه‌ای، که در تاریخ این کشور بیسابقه بود، ملت انگلیس تاآخرین نفس پایداری خواهد کرد . چرچیل با توجه‌بوضع خاص فرانسه حاضر بود که فرانسه بصلح وترك مخاصمه جداگانه باآلمان تن دردهد مشروط‌بر آنکه قبلا کلیه واحدهای دریائی اینددولت به‌آبهای انگلستان رهسپار شوند و در اختیار مقامات انگلیسی قرار گیرند . روز۱۰ ژوئن ایتالیا بـا انگلستان وروز۱۱ژوئن دومینیونهای انگلیس بـا ایتالیا وارد جنك‌شدند.

روز۱۶ ژوئن چرچیل بوسیلهٔ **ژنرال دوگل**، که در لندن بود، بفرانسه پیشنهاد کرد که با انگلستان رسماً متحد شود و هر دو کشور دارای پارلمان و دولت واحد وفرماندهـی واحد مشترك باشند ولی روز ۱۷ ژوئن مارشال پتن از آلمان در خواست صلح کرد.

مرس‌الکبیر

چون طبق قرار داد متارکه جنگ و صلح سلاح بین فرانسه وآلمان مورخ ۲۲ ژوئن میبایستی‌ناوگان‌فرانسه به پایگاههای خود درفرانسه‌وشمال افریقاباز گردند،جرج‌ششم پادشاه‌انگلیس طی پیامی به مارشال‌پتن‌خاطرنشان کرد که‌بازگشت‌ناوگان‌فرانسه‌به‌نقاطی که دردسترس نیروهای‌آلمان است‌موجب‌تسلط‌آلمانها برناوگان فرانسه وایجاد خطری بزرگ‌برای وصول به‌آرمان مشترك فرانسه و انگلیس خواهد شد. مسئله ناوگان فرانسه ازمسائل مهم قابل توجه بود زیرا درصورت دسترسی‌آلمانها بناوگان‌مزبورجزایر بریتانیاسخت درمعرض خطرهجوم‌آلمانها قرارمی گرفت واین امردرنتیجه نهائـی جنك تأثیرفراوان داشت بهمین جهت بود که بدستورسرفرماندهی‌ارتش انگلیس روز۳ ژوییه ناوگان‌جنگی

انگلستان درمدیترانه آتش توپخانه را بروی ناوگان فرانسه متمرکزدر **مرس الکبیر** (بندر کوچك الجزایر در کنارخلیج اوران) باز کردند وقسمتی ازواحدهای مزبور نابود شد ویاآسیب دید و درآن فاجعه ۱۲۰۰ ملوان فـرانسوی کشته‌شدند. چرچیل مراتب تأسف خودرا ازاینکه اضطراراً بچنان عملی‌دست زده بود ابرازداشت وبلافاصله ناوگان وکشتی‌های فرانسوی‌مقیم آبهای انگلستان زیرنظارت مستقیم مقامات نظامی انگلستان قرارگرفت وواحدهای دریائی فرانسه در اسکندریه مصرنیز بوسیله ناوگان انگلیسی توقیف شدندوروز ٤ژوئیه‌دولت‌فرانسه(دولت‌مارشال‌پتن‌ـم.)روابطسیاسی خودرا باانگلستان قطع کرد.

تدارکات دفاعی

بعدازحادثه‌دونکرك تمام‌قوای‌انگلستان صرف دفاع ازخاك خود گردید. تقریباً تمامی نیروی‌دریائی آن کشوردر کرانه‌های جزایر بریتانیا متمرکزشدوچون انگلستان‌قسمت‌اعظم مهمات وذخائر جنگی خود را دردونکرك‌ازدست داده بود از کشورهای متحد امریکای شمالی استمداد کرد و ۵۰۰ هزارتفنگ و ۹۰۰ توپ۷۵میلیمتری و ۸۰هزارسلاح خودکارومقدار زیادی مهمات که،ازجنك‌اول‌بین‌الملل باقی‌مانده بود، ازآن کشور گرفت. مین گذاری‌دردریااز کرانه‌های انگلستان تا دریای بالتیك و کرانه‌های جزایر آیسلند و گرینلند بسط‌یافت ومحاصره اقتصادی‌ازطرف انگلیس شامل تمامی بنادراروپا وقسمتی‌ازبنادرافریقای شمالی وبعضی ازجزایراقیانوس اطلس گردید.

سازمان واحدهائی که ازخاك‌فرانسه بازگشته بودند تجدید وعدهٔ افرادنگهبانان کشوری [1] بیك میلیون‌نفربالغ گردید، استحکامات‌ساحل تقویت‌ومردم غیرنظامی‌قسمتی ازسواحل بداخل کشورمنتقل شدند. دسته‌های کماندو تشکیل شد ومسئله جاسوسی و

۱- Home Guard

کسب خبر وتاسیس واستقرار ستون پنجم مورد توجه خاص‌دولت قرار گرفت .

کارخانه‌ها با حرارت و تلاش بیشتری‌کار و تولید محصول می کردند . محصول هواپیما و ارابه‌های جنگی و توپ ومهمات بـا سرعت افزایش می‌یافت . **بوین**[1] وزیر سوسیالیست وزارت کاراز کلیه کارگران تقاضا کرد که تعطیلات رسمی و ازجمله روز-های یکشنبه را نیز کار کنند . پارلمان روز ۹ ژوییه اعتبار جدیدی بمبلغ یك میلیارد لیره برای مصارف دفاعی‌تصویب کرد وچرچیل شخصا رهبری‌روحی واخلاقی انگلستان را برعهده گرفته بود وملت انگلیس راباصراحت خاصی برای تحمل مصائب و شدائد آینده آماده میساخت . اومیگفت که میتواند لندن را در حال ویرانی ببیند ولی حاضر نیست تن‌به‌بردگی بدهد وتسلیم‌شود وبهمین‌جهت پیشنهاد صلح‌پیشوای‌آلمان راطی‌نطق تاریخی ۱۹ژوییه رد کرد .

نبرد بریتانیا

روز سوم اوت در مطبوعـات انگلستان اطلاعیه نخست وزیر ، مبنی براینکه هنوز خطرحمله به‌جزیرهٔ بـریتانیا بکلی مرتفع نشده است ، درج‌شده بود ودرحقیقت آلمانهانیروی عظیمی‌مجهز به‌هزاران کشتی نیرو برو ناوهای جنگی وغیره درسواحل فرانسه مقابل جزیره بریتانیا تمر کز داده بودند وروز هشتم اوت نخستین حمله هوائی آلمانها به کاروان کشتی ها و کرانه‌های بریتانیا و دهانه رود تیمز[2] آغاز وازآن‌پس هرروزاین حملات تجدید گردید وطی حمله ۱۵ اوت از۴۰۰ هواپیمای‌آلمانی که به‌بندر پرتسموت[3] حمله بردند ۱۸۰ هواپیما سرنگون گردید واین دفاع باحرارت ودلیرانه‌همچنان ادامه‌یافت . درین‌موقع انگلستان دربرابر ۱۰۰۰هواپیمای شکاری و صدها بمب‌افکن واشتوکای[4] آلمانی فقط ۶۴۰ هواپیمای شکاری دراختیار داشت ولی محافل نظامی این کشور معتقدبودند که در

۱- Bevin ۲- Thamse ۳- Porthsmouth ۴- Stuka

نبردهای هوائی پیروزی بزرگی بدست آورده واین پیروزی رامدیون شجاعت وفداکاری خلبانان انگلیسی هستند ، چرچیل میگفت : «هیچگاه مانند امروز نجات وسلامت یك چنین جمعیت کثیری بوجود یك چنین عده قلیلی بستگی نداشته است ». علاوه بر رشادت وبیباکی خلبانان ، اختراع رادار [۱] که حرکت ومسیر وفاصله تقریبی هواپیماهای دشمن قبل از وصول به آسمان بریتانیا بوسیله آن معلوم میشد کمك بزرگی به دفاع هوائی انگلستان کرد زیرا بدون رادار دراندك مدتی هواپیماهای اکتشافی انگلستان دربرابر حملات شکاریهای آلمانی نابود می‌شدند .

حملات اولیه آلمانها خرابی‌ها وخساراتی ببار آورد ولی به نقاط و مراکز حساس صنعتی ونظامی انگلستان آسیب زیادی واردنیاورد .

دومین حملات آلمانها از ۲۴ اوت تا ۵ سپتامبر ادامه یافت ومنظور آلمانها واداشتن نیروی هوائی بریتانیا بجنگ وویران کردن هدفهای نظامی وصنعتی بود ولی باوجود وارد ساختن آسیب و خسارت فراوان نتیجه قاطعی ازاین حمله بدست نیامد . روز ۶ سپتامبر حمله هوائی بلندن آغاز شدوتا ۶ اکتبر ۳۸ حمله شدید هوائی روزانه وشبانه به پایتخت بریتانیا انجام گرفت ودریکی ازاین حملات از ۵۰۰ هواپیمای آلمانی ۱۸۵ هواپیما وازنیروی هوائی بریتانیا فقط ۲۲ هواپیما ازدست رفت . لندن عرصه کارزار و روز وشب زیر بمباران نیروی هوائی دشمن بود ولی در روحیه مردم و خلبانان نیروی هوائی سلطنتی (R.A.F) [۲] کمترین فتوری حاصل نشد . شاه وملکه ونخست وزیر ووزیران واکثر رجال وسیاستمداران بریتانیا شخصاً به مراکز دفاعی و نقاط آسیب دیده ازبمباران سرکشی

۱ـ Radar این اصطلاح مخفف جملهٔ Radio Detection And Ranging و معنی آن کسب اطلاع واندازه گیری بوسیله امواج رادیوئی است ـم. ۲ـ R.A.F مخفف Royal Air Forces است ـ م.

می کردند . طی این حملات نه تنها نیروی هوائی بریتانیا نابود نشد بلکه فعالیت کارخانه‌های هواپیماسازی ضایعات نیروی هوائی را بسرعت جبران کرد . عدم موفقیت نیروی هوائی آلمان درانجام نقشه خود بحدی آشکار گردید که سرفرماندهی ارتش آلمان ازپیاده کردن نیرو بخاك بریتانیا منصرف شدولی حملات هوائی نامنظم آلمانها بخاك انگلستان همچنان ادامه یافت ، طی دوماه نیروی هوائی انگلیس ۷۰۰ و آلمانها ۲۰۰۰ هواپیما ازدست دادند، ۱۴۰۰۰ تن ازمردم غیر نظامی انگلستان کشته و ۲۰۰۰۰ تن زخمی شدند و بیش از ۲ میلیون ساختمان ویران گردید و یا آسیب دیدولی بنادر انگلیس همچنان فعالیت داشتندوسازمان‌های عمومی و تعاونی برجا وکارخانه‌ها شبانه روز مشغول کاربودند .

روزهای ۲۹ دسامبر ۱۹۴۰ و ۱۶ آوریل و ۱۰ مه ۱۹۴۱ علاوه برلندن ، شهرصنعتی کاونتری [1] هدف بمباران نیروی هوائی آلمان وشهر **کاونتری** برای انهدام قطعی انتخاب شده بود و چنان ویران شد که اصطلاح (مانندکاونتری شده [2]) بعد ها در مورد شهرهای ویران شده دیگر دوران جنگ دوم جهانی بکار میرفت . کارگران کارخانه‌های کاونتری هنوز کار می کردند و منتظر روزی بودند که شهرهای آلمان بصورت کاونتری درآید .

نبرد افریقا

متارکه جنگ فرانسه وآلمان وازکارافتادن نیروهای زمینی و ناوگان فرانسه درمدیترانه وورود ایتالیا بجنگ درژوئن ۱۹۴۰ انگلستان رانا گهان دچار وضع وخیمی ساخت وبرای احتراز ازجنگهای، بیفایده **سومالی** [3] دراوت ۱۹۴۰ از نیروی انگلیس تخلیه شد . در شمال افریقا پس ازشکست انگلیسها ازایتالیائیها (سپتامبر) **ژنرال ویول** فرمانده انگلیسی دست

۱- Coventry ۲ - Coventrysée ۳ - Somalie ناحیه واقع در مشرق افریقا کنار اقیانوس هند- م.

به‌حمله‌شدیدی‌زد واز۱۲تا۱۶دسامبر **سیدی برانی وسولوم** وتکیه گاه‌نظامی **فرکاپوتسو**[1] راازایتالیائیها، که‌باسرعت درحال‌فرار بودند، باز گرفت. **بردیاوتبروك ودرنا وبنغازی** از٤ ژانویه تا۷ فوریه ۱۹٤۱ بتصرف انگلیسها درآمد وازنیروی‌ایتالیا، که‌اززبده‌ترین سربازان‌دوچه (عنوان موسولینی زمامدار ایتالیا .) بودند ، ۱۳۵ هزار اسیر گرفته شد که ۱۹ تن‌آنان ژنرال بود . درین موقع ویول در ۱۸۰۰ کیلومتری پایگاه اولیه خود ویونان درمعرض حمله ایتالیائیها بودند وفرمانده انگلیسی میبایستی هم‌به‌یونان کمك کند وهم بانیروی تازه‌نفس‌آلمانی که دراین عرصه واردجنگ شده بودند مواجه شود . روز ۲٤مارس ۱۹٤۱ **رومل**[2] فرمانده سپاه آلمان درافریقا حمله رابا واحدهای مجهز به تانك‌آغاز کرد وانگلیسها پادگان کوچکی درتبروك باقی گذاشته بجانب مصر عقب نشستند وپادگان مزبور توانست با کمك نیروهای امدادی اعزامی از مصر و یونان در مرسی متروك دربرابرآلمانها ایستادگی کند (آوریل) . روز۱۳ژوئن ویول حمله‌متقابله خودرا آغازنمود وجنگ خونینی‌باشدت هرچه تمامتروبا کمك نیروی‌هوائی درماههای ژوئن وژوییه بین دوحریف ادامه یافت و درخلال اینمدت ویول به‌نیابت سلطنت در هند وژنرال **اوچین لك**[3] بفرماندهی‌نیروهای انگلیس درشمال افریقامنصوب شدندوازمجموع واحدهای انگلیسی شمال افریقا سپاه هشتم تشکیل گردید . این سپاه و نیروی مارشال رومل درطول ماه اکتبر به تقویت و ترمیم وضع خود برای حملات زمستانی مشغول بودند .

جنگهای یونان و جزیره کرت

پس از حمله ایتالیا به‌یونان ، انگلستان که استقلال یونان را ضمانت کرده بود از نوامبر ۱۹٤۰ بکمك ایندولت شتافت و نیروی هوائی سلطنتی وارد نبرد وستونهائی از نیروی زمینی و دریائی انگلستان که اکثرازمردم استرالیا و زیلند جدید بودند

۱- Fort - Capuzzo ۲ Rommel- ۳- Auchinleck

به‌جزیره کرت[1] پیاده شدند و ازطرف دیگر رجال سیاسی و نمایندگان بریتانیا مانند نمایندگان سیاسی ممالك متحد امریکای شمالی درممالك جنوبی و جنوب شرقی آسیا برای بدست‌آوردن بیطرفی ممالك‌آن منطقه کوشش فراوان بکاربردند ومجاهدت آنان در کودتای۲۷مارس۱۹٤۱ بلگراد که منجر بسقوط **پرنس‌پل**[2] (طرفداران‌اتحادبا آلمان) وروی‌کارآمدن پطردوم گردید بی‌تأثیر نبود.

پس‌ازحمله‌آلمانها به‌یوگسلاویا و یونان نیروی انگلیس بخاك این کشور پیاده شدندولی پیشروی سریع آلمانها مجال توقف وانجام عملیات جنگی به‌انگلیسهانداد و ناگزیر پس‌ازدادن چندین هـزار اسیر خاك یونان را تخلیه کردند و در کرت وبندر اسکندریه مصرمتمرکزشدند (آوریل۱۹٤۱)روز۲۰مه‌سپاه‌ژنرال **شتودنت**[3] آلمانی، پس ازبمباران‌شدیدجزیره کرت، باین‌جزیره‌پیاده‌شدندونیروی‌انگلیسی‌باوجودمقاومت‌شدید، پس‌ازدادن۸۰۰۰اسیرجزیره‌راترك کردند.

نیروی دریائی انگلستان عملیات جنگی نیروی زمینی را درجبهه‌های یونان و کرت ولیبی دربرابرحملات نیروی هوائی آلمان و ایتالیا و پاره‌ای از حملات نیروی دریائی ایتالیا تقویت‌می کرد وروز۱۱نوامبر۱۹٤۰ نیروی‌هوائی‌انگلیس‌چندین‌ناوزره‌دار و رزمناو ایتالیائی را در بندر **تورونتو**[4] غرق کرد ویا ازکار انداخت ومهمترین نبرد دریائی‌دردماغه **ماتاپان**[5] روز۲۸مارس۱۹٤۱روی‌داد که‌طی‌آن سه‌رزمناوایتالیائی‌غرق‌شد. نبردهای دریائی وهوائی‌آلمانها باانگلیسها درجبهه یونان و کرت تلفات سنگینی برای آلمانها ببارآورد که ازآنجمله در ۲۳ مه در آبهای **سیتر**[6] چهار رزمناو سبك و شش ناوشکن ویك ناوزره‌دار ویك‌ناوهواپیمابر نیرومندآلمان غرق شد ولی حملات پی‌درپی آلمانها به‌اسکندریه وترعه سوئز موجب آن‌شد که انگلستان مسیر کشتی‌های‌تجارتی

۱- Crète ۲- Paul ۳- Student ٤- Toronto ٥- Matapan ٦- Cythère

خودرا ازمدیترانه وترعه‌سوئز تغییردهدو باردیگر راه‌قدیمی دریائی جنوب افریقا رابرای وصول به‌بنادرآسیا (ازراه دماغه‌کاپ) برگزینند .

عراق وسوریه

دولت‌عراق، که پیمان اتحاد با انگلستان داشت، درسال ۱۹۳۹ روابط خودرا باآلمان قطع کردولی‌پس از ورود ایتالیا بجنگ ازقطع روابط سیاسی بااینحدوات خودداری و از دادن اجازه عبور نیروهای انگلیسی ازخاك‌خودامتناع‌ورزید، درآوریل ۱۹٤۱رشیدعالی‌ازمخالفین‌سرسخت انگلستان طی‌یك کودتا زمام‌حکومت عراق‌رادردست گرفت ونیروی عراق به‌تکیه گاهها ومراکز ارتباط قوای انگلیسی‌مقیم‌عراق‌حمله کردند(مه۱۹٤۱). انگلیسها که باشکست وناکامی درجبهه‌های یونان‌وکرت ولیبی مواجه شده‌بودند با تحولات سیاسی عراق راه هند رادرمعرض خطر بزرگ دیدند . **عبدالکریم ریفی** رهبر سابق استقلال مراکش مقیم‌ماداکاسگاررشیدعالی‌را به‌پافشاری‌درمقاصدخودتشویق ومفتی‌فلسطین، که‌ازبیت‌المقدس به‌بغدادپناهنده‌شده‌بود، تبلیغات‌ضدانگلیسی رادرممالك‌عرب بسط‌میداد . اسلحه‌ومهماتی که پس از امضای موافقتنامه بین دارلان و هیتلر بوسیله آلمانها از سوریه برای رشید عالی میرسید اوراتقویت‌می کرد وهواپیماهای‌آلمانی ازفرودگاههای‌سوریه‌استفاده می کردند.

انگلستان دربرابر حوادث عراق و سوریه عکس‌العمل سریع و قاطعی نشان داد ودر کمتر ازچهارهفته واحدهای نظامی عراقی طرفدار رشیدعالی را منکوب و رشید را مجبور بفرارساخت . وی‌نخست به ترکیه‌وبعداً بآلمان رفت . بین حکومت جدید عراق وانگلیسهاقراردادمتارکه‌در۳۱مه۱۹٤۱ امضا وبانگلستان اجازه نظارت بر کلیه‌مرزهای عراق ومنطقه‌نفت‌خیز موصل داده‌شد .

انگلستان‌روز۳۰ژوئن۱۹٤۰ به‌مارشال پتن‌اطلاع داده بود که واگذاری پایگاه

هوائی و دریائی درسوریه ولبنان به‌آلمانها و ایتالیائیها برای انگلستان غیرقابل تحمل است . روز۳ژوئن۱۹٤۱دسته‌های نیروی انگلیسی‌ودو گلیست‌ها[1] بخاك سوریه‌واردشدند. سپاه آلمانی تحت‌فرمان‌ژنرال **دنتز**[2] پایداری‌زیادی‌نشان‌نداد‌وروز۱٤ژوییه قرارداد‌متارکه جنگ بامضا رسید .

ژنرال **کاترو** ازطرف فرانسه[3] اعلام‌داشت که بااستقلال‌سوریه ولبنان‌موافق‌است واین‌امر پس‌ازمذاکرات مقدماتی طی‌تشریفات‌رسمی‌انجام‌خواهد گرفت. طبق‌موافقتنامه مورخ ۲۵ ژوییه ۱۹٤۱ منعقد بین دوگل و **لیتلتن**[4] انگلستان حق‌حمایت‌فرانسه را برسوریه ولبنان برسمیت شناخت ومتعهدشد که‌ازهرگونه اعمال نفوذ یا اقدامات دیگر بمنظور اختصاص دادن‌حق‌مزبور بخویش خودداری کند.

خطرزیردریائیها

آلمان بانیروی‌عظیم زیردریائی خود، که مجهزتر ازدوره‌جنگ اول‌جهانی‌وشعاع‌عمل آن‌وسیعتر ازدوران آن‌جنگ‌بود،از۱۷اوت ۱۹٤۰ انگلستان رادرمحاصره‌قراردادوکارخانه‌های‌آلمان باسرعت جای تلفات‌زیردریائی ها را پرمی کردند ونیروی هوائی‌آلمان عملیات زیردریائیها را تقویت وحمایت می کرد درحالیکه انگلستان فقط ۱۰۷ زیردریائی دراختیار داشت وناوگـان ایندولت کهنه و فرسوده وباکمبود مواد اولیه مواجه بود ومیبایستی تنها دربرابر حملات محور (آلمان وایتالیا) ایستادگی کند ، ناچار دست‌توسل‌بدامن ممالك‌متحد امریکازدوطبق‌موافقتنامه مورخ ۲سپتامبر ۱۹٤۰ که بااینداولت منعقد ساخت حاضرشد که قسمتی از پایگاههای دریائی وهوائی خودرا دراقیانوس اطلس باجاره ۹۹ ساله در اختیار ممالك متحد امریکا

۱ــ طرفداران ژنرال دوگل‌که دوش بدوش انگلستان ومتفقین بانیروی‌آلمان وایتالیاجنگیدندـم.

۲ــ Dentz ۳ــ کاترو Catroux ازافسران نهضت مقاومت ملی وازطرفداران دوگل بود ، به بخش اول (فرانسه) رجوع شود ـم. ٤ــ Lyttleton

قراردهدودرعوض ۵۰ ناو ضدزیردریائی، که ازجنگ اول جهانی باقی مانده بود، ازایندولت بگیرد ، این موافقتنامه بطورمستقیم دو کشور انگلوساکسن انگلیس وممالك متحد امریکا رابهم مربوط ساخت وتعدیل قانون بیطرفی ممالك متحده به انگستان فرصت داد که مقدار لازم مواد مورداحتیاج خودرا ازاین کشورخریداری وبا کشتی های خودحمل کند. روز ۱۶ دسامبر ۱۹۴۰ خزانه دار کل ممالك متحده اعلام داشت که بادرخواست انگلستان مبنی براشتراك مساعی وهمکاری مالی دودولت موافقت کرده ودرصورت لزوم کمکهای مالی ممالك متحده به انگلستان جنبه وام نخواهدداشت واین امر مقدمه طرح نقشه وام و اجاره ممالك متحده گردید که بوسیله پرزیدنت روزولت تهیه وبمورداجرا گذاشته شد.

درشش ماهه دوم سال ۱۹۴۰، انگلستان هرماهه ۲۰۰ هزارتن و تا ماه ژوئن ۱۹۴۱ رویهمرفته پنج میلیون تن ازبحریه تجارتی خودرا ازدست داد ودرعوض معادل ۹ میلیون تن ازبحریه تجارتی کشورهای اشغال شده بوسیله آلمان را تصرف کرد. دومینیونها وبخصوص کانادا برفعالیت کارخانه های کشتی سازی خود افزودند ودرین امر از خود انگلستان پیش افتادند و ممالك متحده نیز تعدادی کشتی نقلیه و نفتکش به انگلستان داد و بتدریج نظارت آبهای غربی اقیانوس اطلس را بوسیله ناوگان خوددردست گرفت .

بعداز حمله آلمان به دانمارك ، حکومت آیسلند (حکومت تابع دانمارك)روابط خودرا بادانمارك قطع کرد وروز دهم مه ۱۹۴۰ نیروهای انگلیسی بآن جزیره، که پایگاه مهمی برای ارتباط اروپا وامریکابود، پیاده شدند وروز ۲۴ مه ۱۹۴۱ درآبهای میان آیسلند و گرینلند دریك نبرد بزرك دریائی ناوزره دار مشهور آلمان بنام بیسمارك ، زره دار ۴۲ هزار تنی انگلیسی بنام **هود**[۱] راغرق کرد وخود در ۲۷ مه در ۳۸۰ میلی بندر **برست** بوسیله یك گروه ازناوگان جنگی انگلیس غرق شد .

۱- Hood

روابط انگلیس وشوروی

بااستعفای نویل چمبرلین[1] درسوم اکتبر ۱۹۴۰ کابینه چرچیل ترمیم، لردهالیفاکس باماموریت بسیارمهم بسمت سفیر کبیر انگلستان درممالك متحده انتخاب وبه واشنگتن اعزام ودر۲۲ دسامبر پست وزارت امورخارجه به ایدن ووزارت جنگ به **مارگسن**[2] واگذار گردید. درین موقع که انگلستان باشکستهای متوالی روبروبود کلیه احزاب انگلیس، صرفنظر از اختلاف مسلك و مرام ازکابینه جنگ پشتیبانی می کردند. چرچیل در صدد تحبیب وجلب دوستی شوروی برآمد و **سر استافرد کریپس**[3] ازسوسیالیستهای مستقل را باسمت سفارت کبری بمسکوفرستاد. وی حامل نامه‌ای ازطرف چرچیل برای استالین بود که درآن پیشنهادشده بود، پیمان تدافعی میان انگلیس وشوروی منعقد گردد که در صورت حمله آلمانها بخاك شوروی بمرحله اجرا درآید ولی استالین باآنکه زیاد بقول وپیمان هیتلر اعتماد نداشت برای احتراز از حمله احتمالی آلمان بکشور شوروی، درحالیکه ارتش شوروی آماده مقابله باچنان حمله‌ای نبود، ازنزدیك شدن به انگلستان وقبول پیشنهاد چرچیل امتناع ورزید. زمامداران شوروی مکرر اعلام داشتند که روابط انگلیس وشوروی دوستانه نیست و این رویه شوروی درنظر انگلستان ابهام آمیز و بصورت معما جلوه گر شده بود. انگلستان الحاق ممالك کرانه بالتیك (لتونی و استونی و لیتوانی) را بخاك شوروی برسمیت نشناخت و کلیه اعتبارات ممالك مذکوررادربانکهای انگلستان راکد و کشتی های متعلق بآن ممالك را دربنادر خود متوقف ساخت و نیز اقداماتی نظیراین اقدام وعکس العمل شوروی درممالك بالکان انجام گرفت تاآنکه درماه مه ۱۹۴۱ چرچیل طی نامه خصوصی که باستالین نوشت باردیگر حمله قریب الوقوع آلمان رابخاك شوروی یادآوری کرد ولی عکس العمل استالین درقبال نامه چرچیل بقدری ضعیف بود که

۱- چمبرلین روزدهم نوامبر ۱۹۴۰ وفات یافت. ۲- Margesson ۳- Stafford Cripps

استافورد کریپس ، با نومیدی ازانجام مأموریت خود درآغاز ژوئن ۱۹۴۱ بلندن احضار شد وروز۲۲ ژوئن حمله ناگهانی آلمانها بخاك شوروی آغاز گردید . چرچیل بوسیله رادیو اعلام داشت که حتی‌القوه بهشوروی کمك‌خواهد کرد وبلافاصله کریپس به مسکو بازگشت‌وپس‌ازمذاکره بازمامداران‌شوروی اولین‌موافقتنامه دوجانبه انگلیس و شوروی در۱۲ ژوییه‌منعقد وطی‌آن تأیید گردید که هردو کشور درین‌جنگ‌دارای‌هدفهای‌مشترك و واحدی هستند.[1]

انگلستان‌سعی کرد که فنلاندرا از مداخله درجنگ برعلیه شوروی بازدارد ولی فنلاند روز۲۱ژوییه روابط سیاسی خودرا باانگلستان قطع وبمرزهای‌شوروی‌حمله کرد وانگلستان در۶دسامبر ۱۹۴۱ بهفنلاند اعلان‌جنگ داد .

حمله آلمان بهشوروی ازیکطرف خطرهجوم بهجزایر بریتانیا رامرتفع وازطرف دیگر بارانگلستان‌را ، که لااقل برای جلوگیری از شکست شوروی و تجدید خطر حمله آلمان به‌بریتانیا میبایستی‌بکمك‌شوروی‌بشتابد ، سنگین‌ترساخت وناچارقسمتی‌از بحریه تجارتی و ناوگان جنگی خود را برای حمل‌مهمات وخواربار ووسائل دیگر بشوروی اختصاص داد . دراین‌موقع شکستها وناکامی های‌انگلستان دریونان و کرت و وضع ناگوار نیروی انگلیس درمصر وحوادث ناگوارخاورمیانه وشکست پی‌درپی‌ارتش شوروی،نارضایتی عمومی‌راازسیاست‌دولت در سراسر انگلستان‌برانگیخته وملت‌انگلیس بیش‌ازپیش بهضعف وناتوانی خود پی‌برده بود ، همه‌می‌دانستند که‌تنها رشادت وفداکاری افراد برای نجات ازآن مهلکه‌کافی نیست بلکه‌صبر وتحمل‌وکارطاقت‌فرساوتولیدخارق‌

۱ــ یکی ازنتایج قرار داد دوجانبه انگلیس و شوروی حمله ناگهانی نیروهای آن دو کشور در۲۵ اوت ۱۹۴۱ (مطابق باسوم شهریور ۱۳۲۰ شمسی) بایران و اشغال این کشور به‌بهانه‌وجود چندتن آلمانی درخاك ایران بود ــ م .

العاده محصول وجبران اوقات ازدست رفته درخوشبینی بیمورد، لازم است .

از ۱۰ تا ۱۴ اوت ۱۹۴۱ درعرشه یك ناو جنگی درمدخل خلیج ارض جدید، چرچیل وروزولت بایکدیگر ملاقات ومنشور **اتلانتیك** [1] راتدوین وامضا کردند وهمکاری انگلیس وممالك متحده بوحدت کامل درهدفهای مشترك جنگی وسیاسی مبدل گردید. روز ۲ دسامبر ۱۹۴۱ طرح تجهیز عموم افراد ذخیره ازطبقات مختلف وکاراجباری غیرنظامی برای عموم زنان و مردان ۱۸ سال ببالا به پارلمان تقدیم ودرمجلس عوام با اکثریت ۳۲۶ رای موافق دربرابر ۱۰ مخالف و ۲۰۰ ممتنع تصویب ولی پیشنهاد فراکسیون کارگر مبنی برملی کردن صنایع سنگین وصنایع مربوط به جنگ بنفع دفاع ملی درمجلس رد شد .

شکست در آسیا

روز ۷ دسامبر ژاپن به ممالك متحده امریکا وانگلستان، وآلمان به ممالك متحده امریکا اعلان جنگ دادند وبدین ترتیب ممالك متحده امریکا توانست بدون درنك بکمك انگلستان و شوروی بشتابد ولی غافلگیری ژاپن وعدم آمادگی ممالك متحده امریکا برای جنك وتفرقه واحدهای نیروی هوائی و دریائی انگلستان درجبهه های مختلف موجب شکستهای تازه ای برای انگلستان گردید وممالك متحده ناچارشد که دفاع قسمتی از مستعمرات انگلیس را برعهده بگیرد وانگلستان که در اروپا وشمال افریقا باایتالیا و آلمان مواجه و دربرابر امضای پیمان نظامی سه جانبه برلین (آلمان وایتالیا وژاپن) واشغال هندوچین بوسیله قوای ژاپن وتسلط ونفوذ اقتصادی ژاپن برسیام بوضع ناگواری دچارشده بودسنگینی بارجنك رادراقیانوس ساکن بردوش ممالك متحده امریکا گذاشت وخود فقط بدفاع ازنواحی مستحکم **هنگ کنگ وسنگاپور** اکتفا کرد.

دوناو جنگی معتبر انگلیسی، یکی بنام **ریپست** [2] (۳۲ هزارتن ظرفیت) ودیگری

---

۱ ــ به بخش ششم (ممالك متحده امریکا) رجوع شود .

۲ــ Repuste

پرینس اف ویلز[1] (۳۵ هزار تن ظرفیت) که برای دفاع ازسنگاپور اعزام شده بودند و میبایستی راه‌نفوذنیروی‌ژاپن‌را ازاقیانوس‌ساکن به‌اقیانوس‌هند سد کنند، روز۱۰دسامبر ۱۹٤۱ طی یك‌نبرد ۳۵دقیقه‌ای بوسیله بمب‌افکن های ژاپنی غرق‌شدند ونیروی دریائی بریتانیا درخاور دوربه کمال ضعف خودرسید. ازطرف دیگر مستعمره‌هنگ کنگ پس از۱۷روز بمباران شدید ژاپنیها بوسیله نیروی زمینی آن کشور تسخیر و٦هزار سرباز مدافع آن اسیرشدند و ستونهای نیروی ژاپن‌پس‌ازعبور از جنگلهای هندوچین سراسر شبه جزیره مالا کاراتصرف وحمله هوائی خودرابه‌سنگاپورازروز ۳۱ژانویه ۱۹٤۲ آغاز کردند. روز ۹ فوریه نیروی ژاپن به جزیره سنگاپور پیاده شدند و پادگان سنگاپور مرکب از۲۷۰۰۰ انگلیسی و٤٦هزارسرباز مستعمراتی بفرماندهی ژنرال **پرسیوال**[2] روز ۱۵فوریه‌تسلیم و کوشش‌واحدهای‌دریائی‌انگلیس برای‌جلوگیری‌ازپیاده‌شدن‌نیروی‌ژاپن‌به جزایرجاوه‌وسوماترانیز بی‌نتیجه‌ماند.

رانگون[3] پایتخت برمه روز۹ مارس **ومندلی**[4] روزاول‌مه‌باقسمت اعظم‌سرزمین برمه‌بوسیله‌ژاپنی‌ها اشغال وارتباط نیروهای‌انگلیسی‌بانیروی **چانگ کائی چك**[5] قطع گردید ونیروی ژاپن بمرز هند رسید وباپایداری‌شدیدنیروی‌انگلیس مواجه وپیشرفت آن‌متوقف شد. واحدهای مستعمراتی استرالیائی و زیلندی برای جلوگیری ازپیاده شدن نیروی ژاپن به‌جزیره‌استرالیا **درپرت‌مرسبی**[6] درگینه‌جدید با سرسختی پایداری می کردند درحالیکه دفاع ازاسترالیا یعنی بزرگترین دومینیون بریتانیا درآسیای جنوب شرقی برعهده ممالك متحد امریکا محول شده بود.

---

۱ - Prince of Wales ۲ - Percival ۳ - Rangoon ٤ - Mandalay
۵ - Chang Kai Chek ٦ - Port- Moresby

نبردهای افریقا

حمله شدید ژنرال اوچین‌لك درنوامبر ۱۹٤۱ درجبهه‌مصرپس‌از یکماه نبرد شدیدی که با کمك زره‌پوش انجام گرفت موجب‌عقب‌نشینی نیروی آلمان وایتالیا از بنغازی گردید ولی این حمله در عقدابیه متوقف شد و سرفرماندهی ارتش آلمان برای آنکه ابتکار عملیات هوائی‌را در مدیترانه دردست‌بگیرد تصرف جزیره **مالت** رامورد توجه قرار داد وباآنکه بیش‌ازهزار بارجزیره مزبور مورد حمله هوائی قرار گرفت و هزار هواپیمای محور برفراز جزیره سرنگون شد پادگان آن‌همچنان به‌پایداری خودادامه داد. دراین‌موقع نیروهای‌امدادی وذخیره‌ومهمات‌کافی به‌سپاه‌افریقائی آلمان‌رسیدورمل باردیگرحمله‌شدیدی‌را آغاز کردواز ۲۵ ژانویه‌تاژوئن ۱۹٤۲ باپیشروی سریع به **العلمین** (واقع در ۱۰۰ کیلومتری‌مغرب اسکندریه) رسید ودرین نبرد پادگان ۲۵هزارنفری انگلیس در تبروك بدون پایداری زیاد تسلیم و اسیر شدند و حملات هوائی آلمانها به اسکندریه و سوئز با شدت آغاز گردید.

درجنگهای دریائی نیزانگلستان باشکستها وضایعات فراوانی مواجه شد. از۲۷ سپتامبر تا ۲۵ نـوامبر زره‌دار **نلسن** [۱] بسختی‌آسیب دید وازکار افتاد ، نـاو هواپیما بر **ارك رویال** [۲] بایك اژدرغرق شد وزره‌پوش ۳۱هزار تنی **برهام** [۳] با۸۰۰ نفرسرنشینان آن درآبهای لیبی‌بقعردریا فرورفت وروز۱۹دسامبرمردان‌قورباغه‌ای ایتالیائی‌با قراردادن بمب درزیرزره‌پوشهای **والیانت** [٤] **وکوین‌الیزابت** [٥] درمدخل بندراسکندریه آنها را برای مدت چندماه از کارانداختند، ازطرف‌دیگردر هرماه ۷۰۰تا۸۰۰ هزارتن از کشتی‌های متفقین دراقیانوس اطلس بوسیله زیردریائی‌های دشمن‌غرق می‌شد ودرین موقع انگلستان

۱- Nelson ۲- Ark Royal ۳- Barham ٤- Valiant.

٥- Queen-Elizabeth

در کرانه‌های مدیترانه هیچگونه پایگاه مستحکم و تکیه گاه دریائی و هوائی قابل دفاعی دردست نداشت و آلمانها میتوانستند بآسانی به‌خاك‌مصر پیاده‌شوند ولی‌سرفرماندهی ارتش آلمان ازاین‌نکته غافل‌بود .

مجلس عوام‌باپیشنهاد تشکیل کمیسیون پارلمانی‌برای‌رسیدگی وتحقیق‌درمسئله سقوط سنگاپور ونیز باتصویب طرح مربوط‌به‌توبیخ وسرزنش‌دولت بمناسبت‌شکست‌تبروك مخالفت وهمچنان درپشتیبانی ازدولت‌اصرارورزیدولی وزیرتسلیحات انگلیس درمجلس اعتراف کرد که‌تولیداسلحه‌ومهمات انگلستان‌بخصوص‌درقسمت‌ارابه‌جنگی بمراتب کمتر ازمقدارپیش‌بینی‌شده، بوده‌است .

کوششهای تازه برای جنگ

تسلیم بدون‌جنك‌واحدهاوشکستهای‌پی‌درپی‌نیروی‌انگلیس، بدون آنکه‌اضطراب‌ونومیدی‌درمردم‌ایجاد کند، باعث‌حیرت‌وانتقادات شدید محافل عمومی گردیده‌بود. درجبهه‌مشرق‌هنوز ارتش‌سرخ بکلی از پای درنیامده وزمستان هولناك روسیه مشکلات زیادی برای‌آلمانها بوجودآورده بود . چرچیل دراواخردسامبر۱۹۴۱و اوایل ژانویه ۱۹۴۲در کانادا و ممالك متحده با رمزولت رئیس جمهوری ممالك متحده ملاقات‌وباردیگرهمکاری بین دودولت‌را برای‌پیش‌بردن‌جنك‌تایید‌نمود.روز۱۹فوریه‌برای هشتمین‌بار کابینه چرچیل ترمیم‌واتلی‌بمعاونت‌نخست‌وزیرو وزارت مستعمرات‌و روز۲۳ فوریه **سرجیمز گریگ**[1] بوزارت‌جنك منصوب‌شدندودرین‌موقع کابینه جنك‌انگلیس فقط دارای هفت‌وزیربود[2] .

یکی‌ازمهمترین‌علل‌شکستهاوناکامی‌های‌انگلستان‌درجنك کمی‌عده‌سربازان‌مسلح آن

۱– James Grigg. ۲–چرچیل، اتلی،ایدن، سراستافورد کریپس، بوین، اندرسن ولیتلتن.

کشور بود که میبایستی درپنج قاره جهان در برابر دشمن پایداری کنند. روز ۵ مارس ۱۹۴۲ اعلامیه دربار انگلستان حداکثر سن مشمولین خدمات نظامی را از ۴۱ به ۴۵ سال بالا برد ومقرر داشت که زنان از ۲۰ تا ۳۰ ساله برای انجام خدمات عمومی و کشوری احضار شوند، از روز ۲۵ مارس عده نگهبانان داخلی به ۱۷۵۰۰۰۰ تن بالغ گردید. در این موقع بودجه سال ۱۹۴۳-۱۹۴۲ به ۵/۲۸۶/۰۰۰/۰۰۰ لیره یعنی پنج برابر بودجه سال ۱۹۳۹ رسیده بود و ملت انگلیس مصائب جنك وبارمالیات سنگین رابابردباری ومتانت تحمل می کردولی شکستهای انگلستان محافل داخلی رابه طبقه کارگر، که از آن شکستها بیش از دیگران متعجب و آشفته بنظر می آمد، متوجه ساخت. روز ۲۱ آوریل دولت کتاب سفیدی درباره نقش کابینه جنك دررهبری عملیات جنگی انتشار داد وسر استافورد کریپس روز سوم مه اعلام داشت که «پس ازپایان جنك تأمین منافع طبقات مختلفه مردم دررأس مسائل مملکتی قرارخواهد گرفت.»

شوروی، که باپایداری ودفاع شجاعانه ارتش سرخ تحسین واعجاب انگلیسها را برانگیخته بود، انتظار کمکهای بیشتر و افتتاح جبهه دوم را داشت و انگلستان آن دولت را بانجام منظور، بشرط تحقق شرایط زمانی و مکانی، امیدوار میساخت و از ملت انگلیس میخواست که برای رسیدن بمقصود برمیزان کار وفعالیت خود بیفزایند. حزب کارگر از این موقعیت برای بسط نفوذ در میان طبقات کارگر و پیش بردن مقاصد خود استفاده کرد ودر کنفرانس سالیانه که از ۲۵ تا ۲۸ مه ۱۹۴۲ بطول انجامید ملی کردن ارتباطات راازدولت خواستارشد و برای احتراز ازایجاد تزلزل دردستگاه دولت و کابینه جنك ازملی شدن صنایع تاحصول پیروزی صرفنظر کرد وروز ۳ ژوئن دولت برای راضی ساختن حزب کارگر نظارت خودرا برصنایع ذغال سنك برقرارساخت.

اتحاد انگلیس و شوروی

طی کنفرانس سه‌جانبه شوروی وانگلیس وممالك متحده امریکا که از۲۹ سپتامبر تااول اکتبر۱۹٤۱ در مسکو بمنظورتعیین مقدورات جنگی واقتصادی هریك ازسه کشور تشکیل گردید ، انگلستان باردیگر قول وتعهدات خودرا تجدید وتأیید نمودودر ۲٦ ماه مه۱۹٤۲ یك قرارداد دوجانبه بساشوروی در لندن امضا کرد . در این قرار داد انگلیس وشوروی متقابلامتعهد شدند که درجنگ برعلیه آلمان ومتحدین اوو نیزدرمسائل دیگرهمکاری وازشرکت درهر گونه‌مذاکرات‌سیاسی باهیتلروهرحکومت‌دیگرآلمانی، که جنبه تجاوز کارانه‌داشته باشد، خودداری کنندو نیزدرپایان‌جنگ، برای‌غیرممکن‌ساختن هر گونه‌تجاوزوحمله‌مجددآلمان، درامور نظامی و سیاسی و اقتصادی سیاست مشترکی اتخاذ نمایند وهیچیك از دودولت متعاهد در مذاکره یاعقد هر گونه قراردادی برعلیه متعاهد دیگر شرکت نجویند . اعتبار این‌قرارداد۲۰سال‌بود وروز ۲۷ ژوئن ۱۹٤۲ یك موافقتنامه براساس وام واجاره‌بوسیله دودولت‌بامضارسید .

شوروی همچنان کمکهای‌انگلیس وممالك متحده‌را غیر کافی میدانست وانتظار کمك‌های بیشتری ،فقط ازلحاظ مواد ومهمات جنگی ، ازآنان‌داشت وخواستار افتتاح جبهه دوم بود . چرچیل که درینباره باروزولت درژوئن‌وژوییه۱۹٤۲مذاکره کرده‌بودبه‌شوروی وعده داد که درسال ۱۹٤۲ مسلماً تغییری دروضع جبهه‌های‌جنك داده‌خواهدشد وخودبهمراهی‌هریمن[1] سفیر کبیرممالك‌متحده امریکادرشوروی‌روز۱۰اوت‌بمسکورفت و طی‌چهار روزاقامت‌خودزمامداران شوروی‌راازنقشه‌های جنگی‌انگلستان‌برای‌آینده‌آگاه ساخت ولی شورویها نقشه چرچیل‌را، که خلاصه آن‌پیاده کردن نیروبشمال‌افریقا بود ، بی‌فایده ویالااقل غیرکافی وایجاد یك‌جبهه‌دوم واقعی‌را لازم می‌دانستند .

انگلیسها اولین عمل‌آزمایشی خود رابرای پیاده کردن نیروبشمال اروپاروز۱۹

۱- Harriman

اوت در محل **دیپ** انجام دادند و نیروی مهاجم توانست فقط ۹ ساعت در خشکی باقی بماند وبادادن تلفات سنگین بدریا بازگشت ولی ازاین آزمایش برای عملیات تخریبی استفاده وروز ۲۸ مارس ۱۹٤۲ یك ناوشکن فرسوده قدیمی را که ازممالك متحده خریده بودند به بندر **سن نازر**[1] وارد کردند و بوسیله منفجر ساختن کشتی مزبور برای مدت چند ماه استفاده از آبهای بندر برای پناه جستن زیردریائی‌ها وتعمیر کشتی‌های بزرك را غیرممکن ساختند .

نبردهای تعرضی

سپاه هشتم انگلیس درمصر بفرماندهی مونتگمری ازروز ۲۳ اکتبر بحمله دامنه‌دار شدیدی درجبهه العلمین دست زد وپس از ده روز نبرد رومل رامجبور ساخت که باعجله عقب نشینی کند واین عقب نشینی تاطرابلس غرب ادامه یافت . روز ۸ نوامبر ۱۹٤۲ سربازان انگلیسی و امریکائی طبق نقشه‌ای که ستاد ارتش بریتانیا تنظیم کرده بود بشمال افریقا پیاده شدند . اداره عملیات جنگی برعهده ایزنهاور بودولی چرچیل ازمقامات امریکائی درباره موافقتنامه‌ای که میان ایزنهاور ودریا دار دارلان[2] منعقد شده بود ، بدان علت که دارلان راطرفدار صمیمی آلمان میدانست ، تضمیناتی میخواست و معتقد بود که یکچنین موافقتنامه‌ای موجب بدبینی ملل اروپا، که برای نجات خود ازچنگال آلمان چشم به متفقین دوخته‌اند، خواهد شد . روز ۱۰ نوامبر چرچیل اظهار داشت که «انگلستان هیچگونه نظر ودعاوی خاصی در باره افریقای شمالی ندارد و فقط آنچه را که متعلق به بریتانیاست حفظ خواهد کرد.»

زنك کلیساهای انگلیس برای اولین بار از تاریخ ۱۰ مه ۱۹٤۰ ببعد روز ۱۵ نوامبر ۱۹٤۲

---

۱ – Saint–Nazaire از بنادر نظامی فرانسه درشمال آن کشور – م. ۲ – به بخش اول (فرانسه) رجوع شود .

بصدادر آمدند تا پیروزی العلمین را بملت انگلیس اعلام کنند. این پیروزی حالت دفاعی متفقین را درشمال افریقا بحالت تعرضی مبدل ساخت ولی هنوز مشکلات زیادی درپیش بود. زیردریائی های آلمان هنوز ماهیانه مقدار هنگفتی از کشتی های متفقین راغرق می کردند؛ نیروی آلمان درشمال افریقا بسرعت مواضع خود را درتونس مستحکم میساخت تا از پیشروی سریع متفقین جلو گیری کند، براثر فشار سنگین نیروی آلمان برپادگان استالینگراد، شوروی درتقاضای ارسال مهمات ومواد دیگر بآن کشور پافشاری می کرد وبااصرارزیاد تشکیل جبهه دوم رادراروپا خواستار وانگلستان خودبه هواپیماهای زیادی برای حمایت کاروان کشتی ها و تهیه مقدمت پیاده کردن نیرو به جبهه های مختلف و از کارانداختن مراکز صنعتی آلمان نیازمندبود. روز ۲۰ نوامبر طی یازدهمین ترمیمی که در کابینه چرچیل بعمل آمد. سراستافورد کریپس بوزارت هواپیمائی و تولیدات هواییمائی و**موریسن** بوزارت کشور منصوب شدند.

طی ماههای اولیه سال ۱۹۴۳ وضع جنك بنفع متفقین تغییر کرد، ارتش آلمان دراستالینگراد باشکست هولناکی مواجه ودرجبهه افریقا سپاه متفقین بفرماندهی منتگمری در اوایل ژانویه واردطرابلس (لیبی) ودرماه مارس قسمت اعظم جبهه مستحکم دفاعی محوردر **مارت**[1] شکسته شد وتا ۱۳ مه متفقین نیروهای محور را که درشمال تونس پایداری می کردند از افریقای شمالی راندند.

چرچیل وروزولت از ۱۳ تا ۲۷ ژانویه ۱۹۴۳ در کازابلانکا (دارالبیضاء) در خاك مراکش بسر بردند وضمن طرح نقشه حمله بمواضع دفاعی محور در اروپا مصمم شدند که باهیچ گونه پیشنهادمتارکه جنگ جز تسلیم بلاشرط آلمان وایتالیاموافقت نکنندو نیز وسیله ملاقات ژنرال دوگل راباژنرال ژیرو بمنظور متحد ساختن کلیه نیروهای مبارز

۱- Mareth

فرانسوی برای جنك بـرعلیه محور و حکومت دست نشانده آلمان در ویشی[1] فراهم ساختند وروزولت تدارکات نظامی وتجهیز نیروهای مزبوررا، که مقرر گردید تا ۱۱ لشکر افزایش یابد، برعهده گرفت وتعهد کرد که ناوگان توقیف شده فرانسه رادراختیار نیروهای مزبور قرار دهد . چرچیل از کازابلانکا به ترکیه رفت و در محل **آدانا** با رئیس جمهور تـرکیه (عصمت اینونو) ملاقات نمود و منظوراو این بود که، هرگاه ترکیه بصف متفقین بپیوندد ،انگلستان نیروهای آن کشوررابادادن مهمات واسلحه وتجهیزات نظامی تقویت کند .

در جنك های دریائی ، با حمـایت مؤثر نیروی هوائی مجهز به رادار از کاروان کشتی‌هاوتدابیردیگر، توفیق نصیب متفقین گردیدوبتدریج ازمیزان تلفات ماهانه کشتی‌ها کاسته شد وطی چند هفته از ۳۰۰هزار به ۱۰۰هزارتن و کمتر ازآن رسید وبدین ترتیب فعالیت زیردریائی‌های آلمان محدود گردیدولی بمب افکن‌های آلمانی که ازپایگاههای نروژ پروازمی کردندهمچنان کاروانهای کشتی متفقین، بخصوص کاروانهای عازم بندر **مورمانسك**[2] رابمباران می کردند .

انگلیس وکانادا مرتباً برمیزان محصول کارخانه‌های کشتی‌سازی خود افزوده و از ۱۹۳۹ تا ۱۹٤۲ ،معادل ٦ میلیون تن کشتی ساخته بودندواین مقدار کشتی با کشتی‌های ممالك متحده امریکارویهمرفته ضایعات بحریه تجارتی ونیروی دریائی متفقین را جبران کرده و بطور کلی تعداد تلفات انسانی در کشتی های نقلیه ناچیز بودواز ۳ میلیون سرباز که بوسیله کشتی به جبهه هـای مختلف منتقل گردیدند فقط ۱۳٤۰ نفر کشته و یـا ناپدید شدند .

---

۱ ـ به بخش اول این کتاب (فرانسه) رجوع شود . ۲ـ **Mourmansk** بندر شوروی در کنار اقیانوس منجمد شمالی که درجنك دوم مرکزورود قسمتی ازمهمات وخوابار ارسالی انگلیس و امریکابشوروی بود ـ م.

مشکلات اجتماعی

تجهیزات جنگی انگلستان مستلزم هزینه های هنگفت بود و چرچیل با کمال صراحت حقایق را باطلاع ملت انگلیس میرسانید. ازسپتامبر ۱۹۳۹ تاسپتامبر ۱۹۴۲ درحدود ۱۱ میلیارد لیره درراه جنك خرج شده بود که ۴۰ درصد آن ازطریق مالیات وعوارض و ۶۰ درصد ازراه وام بدست آمده بود. در بودجه مالی ۴۴-۱۹۴۳ رقم هزینه به ۶ میلیارد لیره دربرابر ۲٫۸ میلیارد درآمد پیش بینی شده منظوروازسوم سپتامبر ۱۹۳۹ تا ۳۱ مه ۱۹۴۳ میزان اسکناس درجریان از ۵۵۳ به ۹۴۵ میلیون لیره افزایش یافته ووضع مالی واقتصادی کشور برای کلیه طبقات مردم مشکلاتی ایجاد نموده بود وازطرف دیگر انگلستان میبایستی نیروی مالی و اقتصادی کافی برای تجهیزات جدید وتقویت نیروهای نظامی بمنظور شرکت درجنگهای بزرك قاره اروپا تأمین کند وانجام این منظور جز با تلاش و فداکاری مؤثر طبقات کارگر امکان نداشت و دولت میبایستی رضایت خاطر این طبقه را جلب کندو وعده های مؤثری لااقل برای تحقق آمال و خواسته های آنان دردوران بعدازجنك بدهد.

ترمیم خرابی ها وتجدید ساختمان بناها ومؤسسات ویران شده در رأس نقشه هائی قرارداشت که وزیر کشور با کمك عده ای ازمشاورین خودطرح کرد و برای اجرای آن بایستی رضایت طبقه کارگررا بدست آورد. روز ۲۰ نوامبر ۱۹۴۲ **سرویلیام بوریج**[1] از نمایندگان لیبرال طرح امنیت اجتماعی را، که خود مأمور مطالعه وتهیه آن شده بود، به مجلس عوام تقدیم کرد. طرح مزبور که اساس آن بر تأمین کار برای همه کس درشرایط آزاد ودریك جامعه آزاد بود مقدمه یك اصلاح عمیق ویك نهضت تازه اجتماعی در انگلستان کهن گردید. بحث درباره طرح بوریج درمجلس عوام، بخصوص درجلسات روزهای ۱۷ و ۱۸ فوریه بسیار مهیج وتوأم

۱- Sir William Beveridge

بامشاجرات سخت بود ومجلس پیشنهاد اصلاحی جناح مخالف دولت یعنی فراکسیون کارگر رارد کرد. حزب کارگر ازقبول هرگونه همکاری وائتلاف باحزب کمونیست جداً امتناع ورزید. حزب کمونیست فقط یك نماینده بنام **گالاگر** [1] درمجلس عوام داشت وروزنامه **دیلی ورکر** [2] ارگان حزب مزبور از ۱۷ ژانویه ۱۹۴۱ تا ۷ سپتامبر ۱۹۴۲ در توقیف بود.

سیاست خارجی در سال ۱۹۴۳

اصول سیاست خارجی انگلستان عبارت بود از بسط و تحکیم روابط با کشور های متحده امریکا، بمنظور تهیه مقدمات تجهیز نیروهای خود برای پیروزی نهائی، وارسال مهمات وخواروبار و تجهیزات برای شوروی و تقویت ارتش سرخ در برابر نیروی آلمان ومنصرف ساختن کشورهای بیطرف ازهمکاری باآلمان و جلب موافقت آنها برای همکاری با متفقین [3] انگلستان با اعاده قدرت فرانسه موافق بود ولی ازشناسائی کمیته فرانسوی الجزایر، که خودرا دراعمال قدرت بعنوان نماینده حکومت حقیقی فرانسه درمستعمرات شمال افریقا صالح میدانست، خودداری میورزید. لردسیمون [4] روز ۱۰ مارس ۱۹۴۳ در شورای عالی جنك اظهار داشت که قصد انگلستان نابود کردن ملت آلمان نیست وفقط باقدرت وحکومت حزب ناسیونال سوسیالیست آن کشورمخالف است. انگلستان تبلیغات دامنه داری بمنظور تحریك وتهییج احساسات ملت ایتالیا برعلیه موسولینی بعمل می آورد ودرعین حال خواستارتسلیم بلاشرط آلمان وایتالیا بود

---

۱ – Gallager. ۲ – Daily Worker ۳ ـ دولت پرتقال جزایر آسور Acores واقع در اقیانوس اطلس شمالی از مستعمرات خود را برای مدت جنك بمنظور استفاده از پایگاه دریائی وهوائی آن دراختیار متفقین گذاشت.

۴ – Simon.

وروز ۱۱ مارس ۱۹۴۳ ایدن رسماً ازقبول حکمیت **کنت ژردانا**[۱] وزیر امورخارجه اسپانیا برای مذاکرات صلح باآلمان وایتالیا خودداری ورزید . لندن مرکز حکومت های آزاد ممالکی بود که تحت اشغال نیروهای آلمان وایتالیادر آمده بودند واین حکومتها با آنچه درقوه و اختیار داشتند برای رهـائی کشور خود از چنگال اشغالگران می کوشیدند . انگلستان بحکـومت پناهنده بعضی از ممالك، از جمله یونان و یوگسلاویا که رژیم سلطنتی داشتند، علاقه خاص نشان میداد وحمایت جدی این دولت ازحکومت آزادلهستان درلندن ، که باواگذاری لهستان شرقی بهشوروی مخالفت ورزیدو ازمتفقین تقاضای تعیین یك کمیسیون تحقیق برای رسیدگی به بازداشتگاه **کاتین**[۲] کرده بود ، مشکلاتی برای انگلستان ایجاد نموده بود

نخست وزیر انگلیس درین زمینه اظهار داشت که اگرچه انگلستان در ۱۹۳۹ استقلال لهستان راضمانت کرده واین ضمانت موجب ورود ایندولت بجنك برعلیه آلمان گردیده است ولی نه در گذشته ونه درزمان حال دولت انگلیس مرزهای مشخص ثابتی برای لهستان[۳] درنظر نگرفته است.

دومینیونهای بریتانیا

غالب دو مینیونها از راه همکاری نظامی و صنعتی با انگلستان همدردی ووفاداری خودرا نسبت بهاین کشور ابراز میداشتند. استرالیا، کهازاکتبرسال ۱۹۴۱ بوسیله **کورتن**[۴] ازرهبران حزب کارگر انگلیس اداره می شد ، جوانان از ۱۸ ساله ببالا را تجهیز

---

۵ – Comt Jordana ۲-Katyn واقع درلهستان شرقی که هنگام اشغال لهستان بوسیله نیروهای شوروی و آلمان یعنی قبل از حمله آلمان بشوروی درمنطقه اشغالی شوروییها بود ـ م. ۳ ـ لهستان در پایان جنك اول جهانی بصورت کشور مستقلی احیاشدولی همواره بین این کشور ودولت شوروی برسرمرزهای شرقی لهستان کشمکش واختلاف نظروجود داشت ـ م.

۴-Curtin

و کار در کارخانه‌ها ومؤسسات اجتماعی را برای مردان از۱۶ تا ۶۰ سال اجباری نمود . سپاهیان استرالیا در گینه جدید مقاومت شدیدی در برابر حملات ژاپونیها نشان دادند و استرالیا بتدریج بصورت پایگاه مستحکمی برای تدارك حملات آینده متفقین بخاك ژاپن درمی‌آمد . حکومت زیلند جدید بریاست **فریزر**[1] ازحزب کارگر واحدهای اعزامی انگلستان راپذیرفته ومنابع سرشارخواروبار وسایر منابع اقتصادی خودرادراختیارارتش امریکا قرارداده‌بود اما در کشور اتحاد افریقای جنوبی با مقاصد انگلستان روی خوش نشان داده نمیشد و ژنرال **هرزگ**[2]، که‌از۱۹۲۴تا۱۹۳۹ نخست‌وزیر افریقای جنوبی بود، بحکومت انگلیس پیشنهادصلح با آلمان رادادوحزب‌ملیون برهبری‌دکتر**مالی**[3] طرفدار استقلال کامل افریقای جنوبی و برقراری رژیم جمهوری بود ولی‌حزب طرفدار دولت که درانتخابات‌ژویه‌توفیق یافته‌بود برهبری‌مارشال**اسموتس**[4] نسبت به بریتانیاهمچنان‌وفادار بود . اسموتس که غالباً بلندن سفرمی کرد و طرف‌شور درمسائل سیاسی قرارمی گرفت مکرر حکومت انگلیس را بخطر آینده شوروی یابقول او « **غول‌شوروی** » متوجه ساخته ویادآوری کرده‌بود که نقش‌فرانسه‌را درسیاست آینده اروپاتمام‌شده بایدتلقی کرد ولی چرچیل بااستنباط اسموتس جداً مخالف بود .

کانادا دوش بدوش انگلیس وامریکابامنابع سرشارخوددرجنك نقش‌موثری برعهده داشت . حزب‌لیبرال‌کانادا ولیدرآن‌حزب،**ماکنزی کینگ**، برآن کشور زرخیزحکومت می کردند. هنگامیکه موضوع تجهیز سپاه برای اعزام بـه‌جبهه جنك بمیان‌آمد موج شدیدی ازمخالفت بخصوص ازطرف مردم فرانسوی کانادابرعلیه‌دولت برخاست‌وسرانجام طی رفراندومی که در ۲۷ آوریل ۱۹۴۲ بعمل آمد ۲۷۴۴۰۰۰ رأی موافق در برابر ۱۴۸۱۰۰۰ مخالف بدولت کینگ داده شد وازطرف دیگر ازآغاز جنك‌عده‌ای‌ازمردم

۱- Frazer ۲- Herzog ۳- Malay ۴- Smuts

کانادا بطور داوطلب درارتش انگلستان وارد خدمت شده بودند . کانادا از ۱۱ میلیون جمعیت ۷۵۰ هزار سرباز و ۲۰۰ هزارزن برای خدمات عادی ارتش تجهیز وتاپایان سال ۱۹۴۳ ، درحدود ۵۰۰ کشتی و ۸۰۰۰ هواپیما و ۲۵۰۰۰ ارابه جنگی و ۵۰۰۰۰۰ وسیله نقلیه به متفقین تسلیم نمود ودر کمکهای مالی وارسال مواد اولیه وخواربار بهشوروی سهم بزرگی داشت .

درهندوستان کنگره هندهمکاری باانگلستان را باعطای استقلال بسراسرهند مشروط نموده وانگلستان بحث درباره استقلال هندرا ببعدازجنك موکول نموده بود . دعوت مهاتما گاندی ازملت هند مبنی برعدم اطاعت ازانگلستان دراکتبر ۱۹۴۰ درمیان ۷۵۰ هزار سربازهندو سخت مؤثرافتادوچرخ صنایع جنگی انگلیس رادرهنداز کاربازداشت ومذاکرات **سراستافورد کریپس** [1] ، که باهیئتی درمارس ۱۹۴۲ عازم دهلی گردید، بازعمای هند بجائی نرسید ودرهمین حال ۸۰ میلیون نفر مسلمانان هند خواستار کشورمستقلی بنام پاکستان با حکومت جداگانه بودند. کنگره هنددرعین مخالفت باانگلستان ازقبول کمك وپیشنهادهای ژاپن، که بوسیله عده‌ای از دلالان سیاسی آن دولت وازجمله **چاندرابز** [2] بااولیای کنگره تسلیم میشد، جداًخودداری میورزید . درین اوان قحطی شدیدی درهند وبخصوص درناحیه بنگاله روی‌داد وژاپنی‌ها دربرمه ، که تحت اشغال نیروی آنان درآمده بود ، حکومت خودمختار دست نشانده‌ای روی کارآوردند وحکومتهای محور این حکومت وحکومت‌های خود مختار آینده پاکستان وهندرا برسمیت شناختندو نیزهنگامیکه مارشال رومل به‌العلمین رسید به‌دولت مصر وعده‌دادند که برای تأمین استقلال آن کشور کمك کنند ولی مصریها، که خوددرحال مبارزه باانگلیس درراه بدست آوردن استقلال کامل گام برمیداشتند ، فریب تبلیغات آلمانهارانخوردند.

۱- Sir Stafford Cripps ۲- Chandrah Bose

حکومت ایر (آیرلندآزاد) همچنان بیطرفی خودرا حفظ وازهمکاری باانگلستان خودداری می کرد وانگلیسها تصمیم گرفته بودند که درصورت لزوم خاك آن کشور را بوسیله نیروی نظامی اشغال کنند ولی تا پایان جنك ضرورتی برای اقدام باین کار پیش نیامد .

هرچند که استرالیا بوسیله نیروهای امریکائی اشغال شده و کانادا روزبروز به‌امریکا نزدیکتر میشد[1] وهندهمچنان درفکر تأمین استقلال خودبود وآیرلنددرراه دشمنی ومخالفت باانگلیس قدم میزد ولی هنوز امپراطوری انگلیس وجودداشت ودرجنك نقش مؤثری رابازی می کرد.

حمله باروپا

هرچند که مردم درسراسر انگلستان روز ۱۶مه ۱۹۴۳ را بمناسبت آزادشدن افریقا ازدست محورجشن گرفتندولی چرچیل همچنان ازاحتمال حمله دشمن بخاك انگلستان دم‌میزد و بمردم تذکر میداد که هنوز نیروی جنگی دشمن بسیار قوی و مشکلترین مراحل جنك تاحصول پیروزی در پیش است ونبایدقدرت جنگی دشمن راناچیز شمرد وبه‌احتمال وقوع انقلاب درداخله آلمان دلخوش بود . چرچیل درمدت اقامت خوددرامریکا (از ۱۰مه تا۵ژوئن) گفته بود که ماه ژوئن ازلحاظ پیروزیهای نبرددریائی وترمیم وساختمان ناو های جدید بهترین ماههای دوران جنك ومحصول صنایع کشتی‌سازی ۷ تا ۱۰ برابر مقدار تلفات دریائی بوده است . بیانات چرچیل که به‌وقوع نبردهای اساسی دریائی درمدیترانه قبل از فرارسیدن پائیز اشاره کرده‌بود نهضت‌های ضدآلمانی رادرممالك تحت تصرف آلمان دراروپا بیدار وملل آن نواحی‌را به‌آینده امیدوار ساخت .

---

۱ ــ به بخش ششم (کشورهای متحد امریکای شمالی) رجوع شود .

نیروهای متفقین روز ۱۰ ژوییه۱۹۴۳ به **جزیره‌سی‌سیل**[۱] پیاده شدند و روز ۲۵ ژوییه‌موسولینی‌دیکتاتورایتالیاازمقام‌خود بر کناروزمام‌حکومت‌ایتالیا به‌**مارشال بادولیو**[۲] سپرده شد وچرچیل گفت که ایتالیائیها باید در آتشی که‌خود افروخته‌اندآنقدر بسوزند تاتن به‌تسلیم بلاشرط‌بدهند . باحمله به‌سیسیل حمله به‌استحکامات و سنگرهای اولیه دشمن دراروپا آغاز شده بود ولی هنوز ۳۰۰ لشکر آلمانی در اروپا آماده دفاع بودند و بهمین نظر پیروزی متفقین مستلزم تلفات‌وفداکاریهاوتحمل مشقات بسیار بود .چرچیل باردیگر بامریکا رفت واز۱۱تا۲۴ اوت درشهر **کبک**[۳] (کانادا) باروزولت‌ملاقات کرد وهنگام توقف اودرآمریکا مارشال بادولیو نمایندگانی نزد سفرای انگلیس‌درمادرید و لیسبون برای مذاکره درباره شرایط متارکه جنك فرستاد و سفرای انگلیس تسلیم بلاشرط‌ایتالیا را خواستار شدند ولی چرچیل وروزولت طی یادداشت مشترکی که‌برای بادولیو فرستادند متذکر شدند که اگر ایتالیا همکاری صمیمانه ومؤثر درجنك‌برعلیه آلمان بامتفقین بکند درشرایط صلح تسهیلاتی برای ایتالیا قائل خواهند شد .حکومت ایتالیا این شرط را پذیرفت وقرارداد متارکه‌جنك روز ۳ سپتامبر در**سیراکوز**[۴] بامضا رسید وازروز۸ سپتامبر بمرحله‌اجرا درآمدوبدین ترتیب ایتالیا ازجرگه‌متحدین آلمان خارج شد وبدشمنان آلمان پیوست .

روز ۸ سپتامبر دسته‌های جدید نیروی متفقین به‌بندر **سالرنو**[۵] پیاده شدند و مقاومت‌نیروهای‌آلمان درین‌ناحیه مانند سایرنواحی‌ایتالیاشدید وباحرارت‌بود. ازطرفی کمی وسائل جنگی اجرای سریع نقشه حمله متفقین به‌اروپا رادچار کندی ساخته واز طرف دیگرشوروی باطرح عملیات وسیع نیروهای انگلیس وامریکا دربالکان مخالف

۱– Sicile ۲- Badoglio ۳– Québec ۴- Siracuse (ازشهرهای معتبر ایتالیا در جزیره سیسیل) ۵– Salerno بندر واقع درمغرب شبه‌جزیره‌ایتالیا درجنوب بندر بزرك ناپل–م.

بود . جبهه ایتالیا با تمرکز ارتش هشتم انگلیس و نیروهای امریکائی و فرانسوی و لهستانی تامدتی بطور ثابت استقراریافت .

سفرهای چرچیل

توقف چرچیل درامریکا تا۱۸سپتامبر بطول انجامید واین غیبت طولانی‌هرچند که ازلحاظ شرکت انگلستان درجنك غیرموجه بنظرمیرسیدلیکن در طی این غیبت مقدمات یکی ازبزرگترین نبرد های تاریخ جهان فراهم میشد . روز ۲٤ سپتامبر بااستعفای گینکسلی‌وود از مقام وزارت دارائی و انتصاب سرجان آندرسن بجای‌اوسیزدهمین ترمیم در کابینه انگلستان انجام گرفت وباردیگر در۱۱ نوامبر کابینه برای‌چهاردهمین‌بارترمیم‌شد.

بعداز کنفرانس مولوتف و کردل‌هول و ایدن وزرای امورخارجه‌شوروی‌وامریکاو انگلیس درمسکوازا۱۹تا۳۰اکتبر ۱۹٤۳چرچیل از۲۲تا۲٦نوامبر در کنفرانس **قاهره** باروزولت ومادام‌چانگ‌کائی‌چك‌درباره‌تهیه مقدمات نبرد خاور دورمذاکره کرد وسپس‌در کنفرانس **تهران** از۲۱تا۲٤ دسامبر که‌باحضور روزولت واستالین و کارشناسان نظامی و سیاسی شوروی و امریکا وانگلیس تشکیل گردید شرکت[1] ودرمراجعت از تهران بهمراهی روزولت درآنکارا با عصمت اینونو ملاقات ومذاکره کردولی بعداً در ماه مه ۱۹٤٤چرچیل اظهار داشت که درمذاکره بارئیس جمهورترکیه امیدوار بود که ترکیه دوش بدوش متفقین واردجنك شود ویالااقل فرودگاههای هوائی خودرا دراختیارمتفقین قراردهد ولی امیدواری اومبدل به‌یأس گردید. بعقیده چرچیل ترکیه باامتناع‌ازهمکاری بامتفقین نمیتوانست هنگام عقد قراردادهای صلح بعداز جنك مقام شایسته‌ای در جهان

---

۱ ـ برای اطلاع بیشتر از جریان این کنفرانس به بخش پنجم این کتاب (شوروی) رجوع شود .

بدست آورد [1].

تهیه مقدمات حمله بشمال اروپا

از اواخر سال ۱۹٤۱ واحدهای امریکائی در آیرلند شمالی پیاده شدند و **دووالرا** رئیس دولت **ایر** (آیرلند آزاد) بدان علت که درین باره با او مشورت نشده بود با قدام دولت آمریکا رسماً اعتراض کرد. منظور دولت امریکا از پیاده کردن نیرو به جزایر انگلستان دردرجه اول تهیه پایگاههای لازم برای دریافت مهمات وذخایر وتمرکز نیروی جنگی بود که بعداً میبایستی بتدریج ازامریکا به انگلستان فرستاده شوند وهنگام فرارسیدن وقت در حمله بخاك قاره اروپا شرکت کنند واین منظور تا سال ۱۹٤۳ انجام گرفت و واحدهای متعدد ازنیروهای امریکا درانگلستان متمرکز شدند.

دربهارسال ۱۹٤٤ درحدود ۲۲/۵ میلیون انگلیسی برای عملیات نظامی وخدمات عمومی دوران جنك تجهیز و ازاین عده ٤/۵ میلیون نفر سرباز و بیش از ۷ میلیون زن انگلیسی برای انجام خدمات عادی و معمولی کشوری و لشگری آماده شده بودند. در تولیدصنایع جنگی علاوه برافزایش تعدادبرقدرت وشعاع عمل هواپیماها مرتباً افزوده می‌شد. در ۲٤ دسامبر ۱۹٤۳ نام رؤسای مشترك و فرماندهان عالیرتبه انگلیسی و امریکائی بطور رسمی انتشار یافت. درژوییه ۱۹٤٤ عبور و مرور وسائل نقلیه عادی در قسمت اعظم نواحی جنوبی انگلستان ممنوع و در مارس ۱۹٤٤ حرکت قسمت عمده قطارهای عادی نیز متوقف ومنطقه‌ای بطول ۹۵۰ وبعرض ۱۵۰ کیلومتر ازسواحل جنوب ومشرق بریتانیا منطقه ممنوعه نظامی اعلام وارتباط پستی وعادی هوائی محدودبشرایط

۱ ــ مقایسه وضع کنونی ایران که همه چیز خودرا درراه پیروزی متفقین فداکرده باوضع فعلی ترکیه، که بهیچوجه در پیروزی متفقین مؤثر نبوده است، بطلان عقیده نخست وزیر انگلیس را ثابت کرد ــ م

خاص وخروج افراد غیرنظامی از کشور ممنوع وروز۱۷آوریل ۱۹٤٤ مصونیت سیاسی سفرا و کنسولهای خارجی مقیم انگلستان، بغیر از نمایندگان سیاسی امریکا و شوروی، لغو واین‌امر موجب نارضایتی و اعتراض غالب کشورها وحتی‌ممالك بیطرف گردید.

پرده‌ای از اسرار برفعالیت شبانه روزی انگلیس و امریکا در سراسر بریتانیا کشیده شده بود ودرزیر آن پرده کوشش وتلاش بی‌سابقه‌ای برای نقل وانتقال نیروها و مهمات وذخائر ووسائل جنك بمنظور تدارك حمله بزرك باروپا بکارمیرفت.

از لحاظ نظامی بمباران شبانه روزی مراکز نظامی وصنعتی وطرق‌ارتباطیه آلمان در خاك آن کشور و ممالك تحت اشغال آلمان بوسیله هواپیماهای انگلیس و امریکا مقدمه حمله بزرك باروپا شمرده میشد. چتربازان‌انگلیسی که‌غالباًازافسران فعال بودند درنواحی اشغال شده بخصوص در فرانسه پیاده شدند تا به تشکیل دسته‌های‌پارتیزانی و تدارك اسلحه ومهمات ورهبری‌آنان درجنك برعلیه آلمان بپردازند. رادیوهای متفقین ازپارتیزانها درخواست می کردند که خودرا برای‌روزحمله متفقین باروپا آماده کنند، دستگاه تبلیغاتی متفقین کارگران واسرای جنگی اروپارا، که‌باجبار برای‌آلمانها کار می کردند، به‌خرابکاری و از کار انداختن دستگاههای جنگی آلمان دعوت و بآنان توصیه می کردند که حتی‌المقدور ازمراکز نظامی و صنعتی، که هدف بمبارانهای شدید متفقین‌است، دورشوند.

ظاهراً موقع‌برای آغاز حمله واجرای نقشه متفقین مناسب بود ولی چرچیل باردیگر بملت‌انگلیس اعلام کرد که‌دوران‌مصائب ومشکلات پایان نیافته وآلمان‌ممکن است باردیگر به‌بمبارانهای شدید متفقین بسختی پاسخ دهد وملت انگلیس باید منتظر وصول هواپیماهای بدون خلبان وموشکهای جدیدآلمان که‌بانگلستان فرستاده‌خواهند

شد باشد . سخنان نخست وزیر انگلیس و خستگی فوق العاده بر اثر تلاش شبانه روزی و طول دوران انتظار بتدریج موجب بروز نارضایتی و اعتصابات پی‌درپی گردید ؛ کارگران معادن **ویلز**[1] از ۵ تا ۱۵ مارس ۱۹۴۴ و کارگران ایالت یورکشایر[2] از ۲۵ مارس تا ۱۰ آوریل اعتصاب کردند و دولت در ۱۸ آوریل طی اعلامیه‌ای اعتصاب را ممنوع و کارگران اعتصابی را با خراج از کارخانه تهدید نمود.

در نیمه دوم مه ۱۹۴۴ هواپیما های آلمانی حمله جدید خود را به بنادر جنوبی انگلستان آغاز کردند و درین بنادر که ناو های جنگی و نقلیه و ذخیره های هنگفت و عظیم جنگی برای حمله باروپا متمرکز شده بود دفاع مؤثری در برابر حمله هوائی آلمان بعمل آمد.

نبرد نرماندی و ایتالیا

از نیمه شب ۵ تا ۶ ژوئن نیروهای عظیم متمرکز در دریای مانش بطرف سواحل شمالی فرانسه حرکت کردند و در ۶ ژوئن اولین واحدهای متفقین بخاك نرماندی پیاده و از ۶ ژوئن تا ۳۰ ژوئیه بتدریج واحدهای آلمانی متمرکز در شمال شرقی فرانسه از مواضع خود رانده شدند . مونتگمری از ۲۹ اوت تا ۶ سپتامبر از رودسن گذشته شهرهای **البوف**[3] و بروکسل و **آنور**[4] را تصرف کرد . روز ۱۵ اوت واحدهای فرانسوی و امریکائی و انگلیسی در **ساحل لاجوردی**[5] درمدیترانه بخاك اروپا پیاده شدند و واحدهای آلمانی متمرکز درجنوب غربی فرانسه برای نجات ازمحاصره باسرعت بطرف مرکز و مشرق فرانسه بحرکت درآمدند. اولین تلاش متفقین برای عبور ازرودراین (رن) بوسیله واحد های انگلیسی بعلت مقاومت شدید آلمانها بی‌نتیجه ماند (۱۹ سپتامبر) ولی واحد های

---

۱ – Wales ۲– Yorkshire ۳- Elbeuf ۴– Anvers ۵– Cote d'Azur قسمت شرقی سواحل جنوب فرانسه دردریای مدیترانه ــ م

انگلیسی بکندی بطرف حوضه علیای رودهای موزواسکو وراین پیش میراندند وروز ۵ نوامبر باتصرف دهانه اسکو اولین کشتی باری متفقین توانست به بندر آنور وارد شود. حمله متقابله فن رونشتد در ایالت **مالمدی** منتهی به عدم موفقیت گردید واین حمله نماینده آخرین تلاش آلمانها برای جلوگیری از پیشروی متفقین دراین منطقه بود.

درجبهه ایتالیا شهررم درپنجم ژوئن آزادشد وپیشروی متفقین بکندی ادامه داشت. درین جبهه ۲۷ لشکر ازمتفقین دربرابر ۲۷ لشکر آلمانی قرار داشتند. هواپیماهای متفقین که ازپایگاههای ایتالیا وفرانسه وانگلستان پرواز می کردند تنها درهفته آخر ماه فوریه ۱۹۴۵ در حدود ۴۲/۰۰۰ تن بمب بر مواضع و مراکز جنگی وصنعتی آلمان فروریختند درحالیکه تلفات هوائی متفقین از ۴/۱ درصد که درسال ۱۹۴۲ بود به ۱/۷ درصد تقلیل یافته بود.

از آغاز سال ۱۹۴۴ ببعد درحدود دومیلیون تن خواروبار ومهمات و لوازم دیگر از طریق بندر **مورمانسك** بروسیه شوروی، حمل و ۱۶۰۰۰۰ بسته محتوی اسلحه و مواد منفجره و ۱۵۰۰۰ بسته محتوی خواروبار ولوازم دیگر بوسیله نیروی هوائی متفقین برای دسته‌ها وافراد نهضت های مقاومت درممالك متصرفی فروریخته شد.

بمبهای بالدار و فشفشه‌های آلمانی

پیشروی سریع مونتگمری ازحوضه رود سن به اسکوانگلستان راازخطرحمله آلمانها رهائی داد ولی اولین سلاح جدید آلمانی بنام V^1 در شب ۱۲ ژوئن بلندن رسید. این سلاح مخرب را که نوعی از بمب بالدار بود آلمانها برای انتقام از بمبارانهای شدید انگلیسها ازپایگاههای خود درشمال فرانسه و بلژیك رها می کردند، نیروی هوائی سلطنتی انگلیس در شبهای ۱۷ و ۱۸ اوت ۱۹۴۳ درحدود

دوهزارتن بمب برمراکز آزمایشی بمبهای بالدار در **پینه موند**[1] واقع درساحل بالتیك وسایر کارخانه‌های مخصوص تهیه بمب بالدار در آلمان فروریخته و ۳۰۰۰ بالون در آسمان لندن برای جلوگیری از بمب‌های مزبور مستقر ساختند و شکاریهای انگلیسی با استفاده از رادار باموفقیت در برابر V۱ آلمان مقاومت ورزیدند. افراد نهضت مقاومت در فرانسه و بلژیك محل استقرار دستگاههای فرستنده بمب بالدار را بمقامات انگلیس اطلاع میدادند. رویهمرفته از ۱۳ ژوئن تا ۳۱ اوت ۱۹٤٤ از ۸۰۷۰ بمب بالدار ۵۳۹۱ بمب از فضای دریای مانش عبور و ۲٤۰۰ بمب به لندن رسید و از این مقدار ٤٦ درصد آن قبل از رسیدن بهدف بوسیله شکاریها و بالونها و نیروی ضدهوائی انگلستان از کار افتاد و این مقاومت ومبارزه بآن حد رسید که در ۲٦ اوت ۱۹٤٤ از ۱۰۵ بمب V۱ فقط سه بمب بهدف رسید.

درژوئن ۱۹٤٤ اولین سلاح جدید دیگر آلمان بنام V۲ در کشور سوئد فرود آمد ودولت سوئد محرمانه اطلاعاتی درباره آن سلاح، که نوعی فشفه بود، دراختیار حکومت انگلستان گذاشت. از ۸ سپتامبر ۱۹٤٤ تا ۲۸ مارس ۱۹٤۵ رویهمرفته ۱۰۵۰ فشفشه (V۲) به لندن و لیژ و آنور پرتاب شد و با آنکه بیش از یك میلیون عمارت وبنا منهدم و چندین هزار انگلیسی بوسیله V۲ کشته شدند و درمیان ملت انگلیس حالت عصبانیت شدید ایجاد گردید ولی از نظر نظامی بکار بردن سلاح جدید برای آلمانها نتیجه‌ای دربر نداشت. آلمانها اعلام کردند که بزودی درهرساعت ۲۰۰ فشفه مخرب بانگلستان خواهند فرستاد ولی این اعلام خطردرعزم واراده انگلستان درراه حصول پیروزی نهائی تزلزلی ایجاد نکرد وآلمانها نیز فرصت اجرای نقشه خودرا بدست نیاوردند.

۱- Peenemunde

حوادث لهستان و بالکان

ارتش سرخ طی حمله متقابله خود نیروی آلمان را تا ساحل رود ویستول در لهستان عقب رانده و بکناره آن رودرسیده و پارتیزانهای لهستانی طرفدار حکومت آزاد لهستان در لندن بریاست **ژنرال بر**[1] برای راندن آلمانها از ورشو ، پایتخت لهستان ، دست بکار شده بودند ولی شورویها پیشروی خودرا متوقف وازیاری پارتیزانها و شورشیان لهستانی خودداری کردند و فقط انگلستان بوسیله هواپیما خواروبار و مهمات برای آنان می‌فرستاد واین مسئله نشانه اختلاف نظری بود که بین شوروی وانگلستان درباره وضع سیاسی وسرنوشت آینده لهستان وجود داشت . مقامات آلمانی قسمت عمده افراد پارتیزان وشورشیان لهستانی را کشتند وبقیه در دوم اکتبر تسلیم شدند . دولت شوروی کمیته استقلال **لوبلین**[2] را بعنوان حکومت موقت لهستان برسمیت شناخت (٤ژانویه ١٩٤٥) ولی انگلیس همچنان در حمایت خود از حکومت آزاد لهستان در لندن بریاست **آرسیزفسکی**[3] وشناسائی رسمی آن پافشاری نمود و مسافرت چرچیل و ایدن در اکتبر ١٩٤٤ به مسکو و مذاکره بازمامداران شوروی برای حل این مسئله بجائی نرسیده بود.

قرارداد متارکه جنك بین انگلستان ورومانیا در ١٢ سپتامبر ١٩٤٤ بامضا رسید. حکومت بلغارستان که از آغاز جنك با شوروی وارد نبرد نشده بود فقط از انگلستان و امریکا درخواست صلح کرد ونمایندگان آن کشور در ٣٠ اوت درقاهره حضور یافتند اما شوروی برای آنکه بتواند درمذاکرات صلح با بلغارستان شرکت کند باین کشور اعلان جنك داد وقرارداد متارکه جنك بین شوروی وبلغارستان روز ٢٨ اکتبر درمسکو بامضا رسید ودولت شوروی بلافاصله از انگلستان درخواست کرد که هیئت نظامی اعزامی به صوفیه،

١- Bor از شهرهای مهم صنعتی لهستان ـ م.

٢- Lublin

٣- Arcizewski

پایتخت بلغارستان، را احضار کند .

دریوگسلاویا ، **مارشال تیتو** [1] وطرفداران اوباجنك وگریز واحدهای آلمانی را درحال عقب‌نشینی بستوه آورده بودند . ولی تیتوازابراز مخالفت با سلطنت **پیردوم** [2]، که در لندن بسرمی‌برد و نیز با هیئت حاکمه مهاجر یوگسلاویا در لندن بریاست **سوباچیچ** [3] خود داری نمی کرد ، انگلستان که حامی پادشاه و حکومت مهاجر یوگسلاویا بود میدید که یوگسلاویا و سایر ممالك بالکان بتدریج زیر نفوذ شوروی قرارمی گیرند.

یونان بسبب موقعیت خاص‌خوددرمدیترانه همیشه مورد توجه کامل انگلستان بود ونیروی انگلستان که در سال ۱۹٤۱ ، براثرفشار آلمانها، یونان را تخلیه کرده بودند دراکتبر ۱۹٤٤ پس‌ازعقب‌نشینی آلمانها ازبالکان مجدداً در**پیره** (یونان جنوبی) پیاده‌شدند. چون حکومت دست‌نشانده انگلیسها در یونان مورد حمایت احزاب معتدل چپ وافراطی چپ‌نبود، وسربازان انگلیسی میبایستی برای حفظ آن‌حکومت بزورآتش وخون انقلابات وجنبشهای احزاب را درهم بشکنند، در محافل سیاسی انگلیس موجی ازنارضایتی ومخالفت باحکومت برخاست واین‌امر را مداخله انگلستان در امور داخلی یك کشور مستقل تعبیر کردند وچرچیل درمجلس عوام اظهارداشت که حضور نیروهای بریتانیا دریونان فقط بمنظور حفظ آرامش آن کشور است ودرصورت تخلیه خاك یونان سراسر آن مملکت‌غرق درآتش وخون وخرابکاریها و کشتارهای‌دسته‌های مسلح‌وابسته به احزاب افراطی چپ خواهد شد واقلیت افراطی چپ بااستفاده از اسلحه ومهماتی که بوسیله چتربازان‌انگلیسی، برای‌جنك برعلیه آلمان بدست آورده‌اندیك‌حکومت کمونیستی دریونان برقرار خواهند کرد . چرچیل روز۸ دسامبر ازمجلس عوام رأی اعتماد گرفت

۱- Tito ۲- Pierre ۳- Soubatchich

وباوجود کبرسن (در ۳۰ نوامبر ۷۰ سال داشت) به‌پیروی ازخط مشی‌سیاسی‌خاص خود، که مذاکره رابهترین‌وسیله حل‌مسائل سیاسی میدانست، دراواخر دسامبر به‌آتن‌رفت وبا سران احزاب وشورشیان مذاکره کرد. دشمنی‌و کینه‌توزی احزاب تاحدی‌تسکین یافت وسران شورشیان وانقلابیون که‌بدست نیروی انگلیس‌توقیف‌شده بودندآزادشدند.

سروالتر سیترین [1] مدیرعامل تریدیونیونز که‌برای مذاکره بالیدرها وسران‌کارگران به‌یونان‌رفته‌بود پس‌ازبازگشت‌به‌انگلستان صریحاً اعلام کرد که حضورنیروهای‌انگلیس دریونان یك‌امر کاملا ضروری واجتناب ناپذیر است. چرچیل وایدن هنگام بازگشت ازکنفرانس **یالتا** درآتن‌توقف کردندوپس‌ازمذاکرات طولانی‌موافقت‌نامه‌ای درتاریخ ۱۲ فوریه‌بین سران‌احزاب و فرقه‌های سیاسی‌یونان بامضا رسید ولی‌مخالفت اصولی احزاب افراطی چپ با رژیم حکومت ژنرال **اسکبی** [2]، که متکی به نیروهای مسلح بود، ادامه یافت.

دربلژیك وایتالیا

چون قسمت اعظم خاك بلژیك بوسیله نیروهای بریتانیاآزاد و اشغال شده بود حکومت انگلستان حفظ‌نظم وآرامش‌آن کشورو جلوگیری‌ازتظاهرات‌روزمره‌عده‌ای‌ازمردم‌بلژیك‌را، که‌باحکومت **پیرلو** [3] مخالف‌بودند، برعهده داشت. حکومت‌انگلیس درایتالیانیزنفوذ سیاسی خودرا بوسیله مخالفت باانتصاب کنت **اسفرتسا** [4] بوزارت‌امورخارجه‌ایتالیا بکاربردوبدین‌ترتیب ازحق نظارت برامورایران کشوربنفع‌خوداستفاده نمود.

---

۱ – Sir Walter Citrine ۲ – Scobie ۳ – Pierlot

۴ – Sforza

پیروزی بر آلمان و اشغال قسمتی از آن کشور

پس‌از گشوده شدن بندر آنور بروی متفقین سیل مهمات وذخائر جنگی و نیروی نظامی ازانگلستان به‌بلژیك از مرزهای آلمان سرازیرشده وباوجود خرابی‌های وارده از V۲، انگلیسها بوسیله کشیدن ۲۲ لوله زیردریائی ازبنادر تصفیه نفت به بنادر **شربور**[۱] و **بولونی**[۲] واز کرانه مدیترانه به‌جبهه مشرق فرانسه بنزین مورد احتیاج وسائل موتوری نیروی عظیم متمرکز درمرزهای آلمان راتأمین کردند وتاقبل از پایان جنك درحدود ۶۰۰ میلیون‌لیتر بنزین بوسیله‌لوله به‌نیروهای‌متفقین‌رساندند. چرچیل وروزولت‌روزدوم‌فوریه ۱۹۴۵ درجزیره **مالت**[۳] ملاقات ونقشه آخرین عملیات جنگی برعلیه آلمان‌راطرح ومقامات نظامی انگلیس وامریکا در مالت‌مأمور مذاکره‌ومطالعه درباره این‌مسئله ، که‌میبایستی‌در کنفرانس کریمه[۴] باحضور استالین موردتصویب قرار گیرد ، گردیدند .

ازفوریه ۱۹۴۵ واحدهای انگلیسی‌وکانادائی‌درجبهه‌راین وواحدهای‌امریکائی و فرانسوی درجبهه‌های دیگر مغرب و جنوب آلمان حمله جدید خود را آغاز کردند و بشرحیکه در بخش مربوط به‌آلمان‌ذکرشده است[۵] درتاریخ ۷مه ۱۹۴۵ آلمان ازپادرآمد وروزهشتم‌مه مارشال‌هوائی **تدر**[۶] ازطرف انگلستان موافقتنامه‌متارکه‌جنك‌وتسلیم آلمان را دربرلین امضا کرد . دووالرا رئیس حکومت (آیرلندآزاد) خودکشی هیتلررا به‌سفیر

۱- Cherbourg در شمال فرانسه کنار دریای مانش-م. ۲-Boulogne بندر فرانسه درکنار دریای‌مانش -م. ۳-Malte جزیره کوچك متعلق به‌انگلستان درجنوب سیسیل - م .

۴- به بخش پنجم کتاب (شوروی) رجوع شود .

۵- برای اطلاع از تفصیل این نبردها به فصل سوم از بخش دوم این کتاب رجوع شود .

۶-Tedder

آلمان در آیرلند تسلیت گفت ودستور داد تا پرچمهای دولتی را بعلامت عزاداری نیمه افراشته کنند ، چرچیل درین باره گفت «اگر بخاطر حق شناسی ازوفاداری آیرلند شمالی نبودما میبایستی یا بادووالرا واردجنك شویم ویاازغصه دق کنیم».

بعد ازتسلیم بلاشرط آلمان وتقسیم خاك آن کشور بمناطق اشغالی بین چهاردولت انگلیس وامریکا وفرانسه وشوروی مقامات انگلیسی منطقه تعیین شده رااشغال کردند [1] چون درین منطقه در حدود یك میلیون سرباز آلمانی در شلسویك هلشتین [2] زیر نظر مقامات اداری محلی آلمان ومقامات انگلیسی متمرکز شده ومنتظر تعیین سرنوشت خود بودند ، مارشال ژوکف فرمانده کل ارتش سرخ درمنطقه اشغالی شوروی درآلمان باین امر شدیداً اعتراض کرد ومطبوعات شوروی چنین وانمود کردند که نگهداری یك میلیون سربازمسلح آلمانی درمنطقه انگلیسها بمنظورجنك با ارتش سرخ است ولی حکومت انگلستان با دلایل قانع کننده، وتذکر مشکلات اداری که برای خلع سلاح سربازان آلمانی وجودداشت ومستلزم فرصت وزمان کافی بود ، اتهامات واردرا از طرف مطبوعات شوروی رد کرد . [3]

۱ــ برای اطلاع از وضع مناطق اشغالی به فصل چهارم از بخش دوم این کتاب رجوع شود .
۲ــ Schleswig-Holstein ۳ــ درباره سهم انگلستان ازغرامات جنك وتصمیمات کمیسیون مشترك غرامات به فصل چهارم از بخش دوم این کتاب رجوع شود .

فصل سوم ـ انگلستان بعدازپیروزی برآلمان

اوضاع داخلی و انتخابات ۱۹۴۵

خرابی ها وتلفات انسانی وارده ازسلاحهای V_1 و V_2 آلمان‌در انگلستان و خستگی ناشی از چهار سال جنك و تحمل رژیم جیره بندی وامثال آن موجب عصبانیت ملت انگلیس گردیده وهرچند که متفقین برآلمان پیروز شده بودند ولی هنوز ژاپن متحدزورمندآلمان باقی بود وانگلستان میبایستی جنك با ژاپن را، که‌معلوم نبود چقدر طول خواهد کشید ، ادامه دهد . از سپتامبر ۱۹۴۴ عصبانیت روحی ملت انگلیس بصورت اعتصاب در مراکز صنعتی **بیرمینگام** بروز کرد . ازآغاز نوامبردولت‌تصمیم گرفت که بتدریج قسمتی‌از نیروهای‌ساحلی‌جزیره‌رامرخص‌وبدان‌وسیله کمبود کارگر را جبران کند . دردوره جنك کوشش فراوانی برای بالابردن سطح محصولات‌فلاحتی‌بعمل‌آمد لیکن نبردهای‌اروپاواقیانوس‌آرام‌موجب‌ایجادمضیقه‌در کشتی‌های تجارتی وتقلیل‌واردات ولزوم برقراری محدودیت‌های جدید درموادخواروباروغیره گردیده بود .

دو هفته پس ازتسلیم آلمان ، چرچیل از وزرای حزب کارگر در کابینه خود درخواست کرد که‌تاپایان‌جنك باژاپن به‌همکاری‌باوی‌ادامه‌دهندولی حزب کارگرروز۲۲

مه تقاضای چرچیل رارد کرد. درین موقع ازعمردورهٔپارلمان انگلیس ده سال میگذشت[1] و غالب نمایندگان مجلسین پیروفرسوده شده وعده زیادی ازخارج پارلمان کاندیدای نمایندگی بودند وافکارعمومی خواستارانتخابات جدید بود. چرچیل روز۲۳مه استعفای خودرا بهشاه تقدیم نمود و بلافاصله مأمور تشکیل کابینه جدید گردید. کابینه جدید روز ۲۶مه ازمحافظه کاران ولیبرال ناسیونالها تشکیل گردید وحرب کارگرپیشنهاد کرد که انتخابات جدید درپائیز انجام گیرد. چرچیل، که امیدوار بود ازپیروزی بر آلمان وموقعیت سیاسی خوددرمیان ملت انگلیس بنفع خود استفاده کند، روز ۵ ژوییه را برای انتخابات تعیین نمود. نمایندگان حزب کارگر اعتراض کردند ومجلس عوام روز ۱۵ ژوییه منحل و بلافاصله مبارزات انتخاباتی آغاز گردید.

چرچیل بعنوان لیدر حزب در مبارزه انتخاباتی شرکت نمود و طی نطقهای خود حزب کارگر را مورد انتقاد شدید قرار داد و آن حزب رامتهم ساخت که برای پیروزی درانتخابات برای رقبای خود پلیس مخفی تعیین نموده و قصددارد حکومت رادر دست بگیرد وسیاست دیکته شده ازطرف کمیته اجرائیه حزب کارگر را، ولو بزیان کشور باشد، اجرا و کشور را دچار افلاس اقتصادی کند. حزب محافظه کار باتکای قول چرچیل، که گفته بوددرصورت پیروزی درانتخابات کابینه ائتلافی ازتمام احزاب تشکیل خواهد داد، سعی می کرد که از کلیه شرایط مساعد روز بنفع چرچیل استفاده کند. اما حزب کارگر عدم آمادگی انگلستان رابرای ورود درجنك درسال ۱۹۳۹ نتیجه سهل‌انگاری حزب محافظه‌کار، که مدتها برانگلستان حکومت کرده بود، میدانست و معتقد بود که محافظه‌کاران حق ندارند پیروزی بر آلمان را که نتیجه فداکاری دسته جمعی میلیونها

۱ ـ آخرین انتخابات پارلمان درسال ۱۹۳۵ انجام گرفت و بعلت ورود انگلستان بجنك از انتخابات جدید خودداری شد ـ م.

انگلیسی ومردم‌مستعمرات است بخود اختصاص‌دهند . محافظه کاران اعلام داشتند که درصورت موفقیت درانتخابات حداکثر آزادی فردی را در کشور تأمین و از مداخله در امور کارخانه‌ها و شرکت‌های صنعتی و بازرگانی جلوگیری و برنامهٔ چهار ساله‌ای برای اصلاحات اجتماعی طرح و اجرا خواهند کرد و برنامه حزب کارگر عبارت بود ازملی کردن صنایع بزرك، بمنظور جلوگیری از ورشکستگی صاحبان صنایع و کارگاههای کوچك، که نتیجه‌آن تقلیل‌قیمت‌تمام‌شده‌کالا بدون‌تقلیل دستمزدکارگران خواهد بود . اما لیبرالها امیدوار بودند که با رویه معتدل خود از تند روی حزب کارگر و حالت ارتجاعی برنامه حزب محافظه کار بنفع خود در انتخابات استفاده کنند .

هنگامیکه چرچیل وایدن واتلی در کنفرانس پوتسدام حضورداشتند نتیجه‌نهائی انتخابات بعداز اخذ رأی ازسربازان روز۲۶ ژوئیه اعلام گردید؛ حزب کارگر اکثریت بی‌سابقه‌ای بدست آورده وحزب محافظه‌کار شکست‌خورده وحزب‌لیبرال خردشده‌بود[1] . چرچیل استعفا کرد واتلی لیدرحزب کارگر کابینه‌را تشکیل داد (۲۶ژوئیه) وبلافاصله بهمراهی ارنست بوین وزیرامورخارجه جدید برای شرکت در کنفرانس پوتسدام ، که بعلت‌جریان انتخابات بطورموقت‌تعطیل‌شده‌بود، به‌برلین‌رفتند . چرچیل پس‌ازچهارسال مبارزه و جنك بدون‌آنکه بتواند جنگ‌برعلیه‌ژاپن‌را رهبری کنداز کار کناررفت وبدین ترتیب از سه‌مرد بزرك (روزولت و استالین و چرچیل) فقط استالین درعرصهٔ‌سیاست برجاماند.[2]

۱ــ حزب کارگر ۳۹۰ کرسی ، محافظه‌کاران ۱۹۵ کرسی و لیبرالها ۱۱ کرسی ولیبرال ناسیونالیستها ۱۴ کرسی وکمونیستها ۲ کرسی بدست‌آوردند. ۲ــ پرزیدنت‌روزولت‌قبل ازانتخابات انگلستان وفات یافته بود ــم.

●●●

نبرددرخاور دور و پیروزی برژاپن

چون ژاپنیها راه ارتباط برمه را به چین قطع کـرده بودند و متفقین فقط اززاه هوا میبایستی آذوقه ومهمات و کمکهای مادی به‌چانگ کائی چك‌در چین برسانند فرماندهی قوای متفقین در اقیانوس آرام‌تصمیم گرفت که‌راه‌جدیدی به‌چین‌احداث کند واین کاربوسیله نیروهای‌امریکائی‌ومردم‌بومی‌زیرنظرژنرال **ستیلول** [1] انجام گرفت وبندرهای کلکته وچیتاگنگ [2] ازدره علیای رود براهماپوترا (دربرمه) به جاده اصلی چین متصل‌ودرآغاز سال ۱۹٤٤ آماده گردید، دردسامبر ۱۹٤۳ سپاه‌چهاردهم انگلیس باکمك چند واحد آمریکائی برای‌باز گرفتن برمه اززاپنی‌ها به حمله متقابله دست زده وجنگی سخت وهولناك درمناطق جنگی ، درهوای گرم و مرطوب و تب‌خیز برمه، درجبهه‌نامنظمی بطول ۲۰۰۰ کیلومتردر گرفته بود . در شمال برمه شهر میتکنیا [3] پس از سه‌ماه محاصره در٤ اوت ۱۹٤۳ اززاپنیها پس گرفته شد ودرمسیرجاده جدیدی که متفقین ازهند وبرمه بـه‌چین کشیده بودند زدوخورد های شدیدی انجام گرفت واز اواخر سال ۱۹٤٤ پیشرفت متفقین در جبهه های جنوب و مرکز وشمال محسوس و بین نیروی متفقین و ارتش چین در ایالت **یون‌نان** [4] (در جنوب چین) تماس حاصل شد. قریب به یك میلیون سرباز درین جبهه وارد کـارزار بودند ، **مندلی** [5] در ۲۰ مارس ۱۹٤٥ و **راکون** [6] (پایتخت برمه) درسوم‌مه‌بتصرف‌متفقین درآمد وضعف نیروهای ژاپن آشکار گردید .

۱- Stilwell ۲- Chittagong ۳- Myitkijna ٤- Yunnan ٥- Mandalay

٦- Rangoon

درین موقع براثر پیروزی بر آلمان دسته‌ای ازناوگان جنگی نیرومند انگلیس به‌آبهای اقیانوس هند و اقیانوس آرام منتقل وبه کمك ناوگان امریکا وارد عملیات جنگی گردید .

روز۲۶ ژوییه درپوتسدام اتمام حجت متفقین بژاپن بوسله اتلی امضا شد وژاپن روز ۱۵اوت ۱۹۴۵تسلیم گردید. نیروهای انگلیسی قسمت‌جنوب هندوچین را اشغال وخلع سلاح نیروهای‌ژاپنی‌رادرآن‌منطقه آغاز کردند . دراندونزی نیروی انگلیس بانهضت‌های میلیون استقلال طلب مواجه شد وانگلستان درآغازسال ۱۹۴۶ قسمتی ازخاك ژاپن را نیزاشغال کرد . درکنفرانس مسکو که در دسامبر۱۹۴۵ تشکیل گـردید کمیته ای از متفقین برای نظارت درخاور دور تشکیل وانگلستان درآن کمیته ونیزدر کمیته‌قیمومت شبه جزیره کره عضویت یافت و چون مقامات شوروی قسمت عمده کارخانه‌ها ومواد صنعتی منچوری را پس ازاشغال آن ناحیه بخاك خود منتقل کردند انگلیس و امریکـا مشترکاً به دولت شوروی‌اعتراض کردند زیرا منچوری درحقیقت متعلق به‌چین‌وچین‌خود درصف متفقین بود .

سیاست داخلی

کابینه کارگر

اکثریت‌نمایندگان مجلس‌عوام‌ازعناصرمتجدد وترقی‌خواه‌حزب کارگر، که نمایندهٔ قشرهای حقیقی جامعه‌بودند، تشکیل‌شده بود وطبقات ممتازه ومتنفذ انگلیس که درسال ۱۹۳۵ قریب بـه $\frac{1}{3}$ کرسیهای مجلس را دردست داشتند درین دوره فقط$\frac{1}{8}$ کرسیها رابدست‌آورده‌بودند. درمیان‌نمایندگان‌حزب‌کارگر کارگران واقعی وخرده‌بورژواوحتی ژنرال ومارشال هوائی وجود داشتند . پارلمان در۱۵ اوت باتشریفات معمولی افتتاح‌شد و پس ازاجرای مراسم سوگند، نخست وزیر صریحاً اعلام کرد که قاطبه ملت انگلیس

همچنان نسبت به پادشاه خود وفاداراست .

دولت ومجلس دربرابر مشکلاتی مانند مسئلهخلع سلاح وترمیم خرابیهای جنگ وتجدید ساختمان واعاده کشورازحالت جنگ بحالت صلح وحفظ وتثبیت ارزش لیره و حفظمصالح ومنافع انگلیس درسراسرجهان وسیاست بین المللی ومانندآنها مواجه بودند. دولت معتقد بود که برای حفظ نظم درمناطق اشغالی آلمان واتریش وخاوردورودفاع از مستملکاتودومینیونها ونیز برای اجرای تعهداتی کـه شرکت انگلیس درسازمـان ملل متحدمستلزم اجـرای آنهاست بایستی نیروی کافـی تحت سلاح در اختیار داشته باشد و این خود با سیاست تعدیل وضع اقتصادی واجتماعی دولت کارگرمباینت داشت .

خلع سلاحومرخص کردن افراد درانگلستان، برخلاف امریکا، بکندی صورت گرفت وقانون خدمت نظام وظیفه بقوتخود باقیماند. در سوممارس ۱۹٤٦ هنوز چهار میلیون سربازانگلیسی زیرسلاح و۱۷۰۰۰۰۰ کارگـردرصنایع تسلیحات مشغول کـار بودند وانتقادات وحملات نمایندگان محافظه کارومطبوعات ومحافل وابسته بآن حزب درتصمیم ومشی سیاسی کابینه کارگریهیچگونه تأثیری نداشت. پیروزی برای انگلیس گـران تمامشد، ۲۲٤۰۰۰ نفرانگلیسی دراروپا وافریقا و۱۷۱۰۰ نفردرخاوردور کشته شدند، چندین صدهزارخانه ویران وقسمت اعظم بحریه تجارتی ونیروی دریائیانگلیس نابود وبسیاری ازتأسیسات بازرگانی وبندری ونظامی بنادرویران گـردیده بود . **بوان**[1] وزیرترمیم وتجدید ساختمان برای جلوگیری ازبازارسیاه و سفته بازی نقشههائی طرح کرد ولی اعاده صنایع دوره جنگ بهصنایعزمان صلح، بدون تقلیل دستمزد وفوقالعاده کارگران، ازنظرمالیامری مشکل وتقلیل دستمزد در شرایط موجود تقریباً غیرممکن بود . انگلیس برای جنگ ۱٤ میلیارد لیره وام گرفته وقروض خارجی دولتبه۳۵۰۰

۱–Aneurin Bevan رهبرجناح چپحزب کارگر–م.

میلیون لیره بالغ وذخیره ارزی‌واعتباری‌انگلیس در بانکهای ممالك دیگر به نصف‌مبلغ قبل ازجنگ رسیده ودیون عمومی دولت ۲/۷ برابردرآمد عادی بود. درچنین حالتی انگلیس باردیگردست استمداد بجانب امریکا دراز کرد وپس ازیکسلسله مذاکرات در واشینگتن موافقت‌نامه پرداخت‌وام در۶دسامبر۱۹٤٦ بامضارسید وامریکا تعهد کرد که ٤٤۰۰ میلیون دلار، بعنوان وام و تصفیه حساب وام واجاره دوران‌جنگ، بانگلستان بپردازد وانگلیس درطول۵۰سال(آغازآن از۳۱دسامبر۱۹۵۱) وام خودرا باسود۲٪ به‌امریکا پرداخت کند.

موافقتنامه‌مزبوردرجلسه ۳۱ دسامبره‌مجلس عوام وجلسه۱۹ دسامبرمجلس لردان بااکثریت قابل ملاحظه بتصویب رسید.

وام‌جدیدتاحدی‌دروضع‌مالی‌انگلستان‌مؤثربودولی‌فقط کسربازرگانی‌دوسال‌انگلیس را جبران‌می کرد. امریکا درعرصه‌تجارت‌آزادبین‌المللی وارد شده‌بود وواردات‌انگلستان بتدریج نقصان می‌یافت؛ کشتی‌های انگلیس دیگر نمی‌توانستند ازحمل ونقل کالادرقاره امریکای مرکزی وجنوبی وراههای بحری‌ترعه‌پاناما بقدر کافی ذخیره دلاربدست آورند. انگلیس‌ناگزیربودبهرقیمت که‌باشدبرصادرات‌خودبیفزایدودولت باردیگرازملت‌درخواست کرد که برفعالیت ومیزان کاروکوشش خود بیفزایند وخود با احتیاط ومراقبت کافی باجرای برنامه اصلاحات داخلی پرداخت.

برنامه اصلاحات‌داخلی کابینه اتلی عبارت بوداز: ملی کردن هوا پیمائی کشوری، وشرکتهای کابل زیردریائی‌وبیمارستانها وبانکهای‌انگلیس واستخراج وحمل ونقل‌زغال سنگ، تهیه مقدمات ملی کردن شرکتهای گازوبرق وراه‌آهن‌وحمل‌ونقل‌بری‌وتأسیسات بندری و مانندآن ونظارت برصنایع سنگین، توسعه فعالیت کارگری بمنظوربالابردن سطح زندگی کارگران. با آنکه دولت کارگری در اجرای برنامه خود از طرف

تریدیونیونز (با ۶/۵ میلیون عضو) پشتیبانی میشد و باوجود مخالفت اتحادیه‌های کارگری باهر نوع اعتصاب، در گوشه و کنار کشور اعتصاباتی روی داد و از همه مهمتر اعتصاب کارگران حمل و نقل بندری در اکتبر ۱۹۴۵ بود که حمل خواروبار و لوازم زندگی را به لندن متوقف ساخت و بار دیگر بهانه‌ای بدست افراطیون چپ و کمونیستها برای فرار از مقررات اتحادیه‌های کارگری داد.

پیروزی حزب کارگر در انتخابات شهرداریها مورخ اول نوامبر ۱۹۴۵ بار دیگر ارکان حزب محافظه کاران را متزلزل ساخت و در میان رهبران آن حزب مانند چرچیل و ایدن اختلاف سلیقه ایجاد نمود، چرچیل یکدنده و آشتی ناپذیر و ایدن تا حدی سازشکار بودند. دادگاههای انگلیسی چندتن از افراد انگلیسی و از جمله امری[1] و جویس[2] را بجرم جاسوسی برله دشمن محکوم باعدام کردند. حزب فاشیست سراسوالدمزلی پس از آزادی رهبر خود[3] فعالیت محدودی داشت. دولت فرمان صادره در سال ۱۹۲۷ مربوط به جلوگیری از شرکت اتحادیه‌های کارمندان دولت را در کنگره تریدیونیونز و حزب کارگر، که بمناسبت اعتصابات سال ۱۹۲۶ صادر شده بود، نسخ کرد. باوجود جیره‌بندی و محدودیت‌هائی نظیر آن و تأنی دولت در امر خلع سلاح و رواج بازار سیاه و فشارهائی که بمنظور اجرای برنامه های اصلاحی و اجتماعی دولت برملت انگلیس وارد می‌آمد، دولت کارگری مورد پشتیبانی اکثریت مردم و سیاست خارجی آن دولت مورد تأیید قاطبه ملت بود.

سیاست خارجی دولت کارگری

وحدت نظر احزاب سیاسی انگلیس درباره سیاست خارجی آن کشور ضمن مبارزات انتخاباتی و انتشار برنامه‌های احزاب و ایراد نطقهای رهبران آنها کاملا مشهود و مسلم بود که هریك از احزاب در انتخابات پیروز شود درمشی سیاست بین‌المللی انگلیس تغییر

۱ – Amery ۲ – Joyce ۳ – سراسوالدمزلی رهبر حزب فاشیست درسال ۱۹۴۰ توقیف و در نوامبر ۱۹۴۳ آزاد گردیده بود.

مهمی روی نخواهد داد. حزب کارگر آرزومند بود که هرچه بیشتر بنیان دوستی انگلیس وشوروی را استوارسازد وپیمان مودت واتحاد دو کشور مورد تأیید اکثریت قریب باتفاق ملت انگلیس بود. ملت انگلیس ودولت در باره فرانسه نیز همین نظر را داشتند ولی مسائلی از قبیل مسئله هندوچین و مرزهای غربی آلمان با فرانسه، که انگلستان توجه خاصی بدان داشت و موجب ایجاد کدورت وسردی بین پاریس ولندن گردیده بود (ژوئن ۱۹۴۵)، میبایستی قبلا حل شود تا فرانسه مودت و اتحاد با انگلیس را با اطمینان خاطر بپذیرد. انگلستان، برخلاف نظریه فرانسه، با انتزاع نواحی رنانی درمغرب آلمان از آن کشور مخالف ومعتقد بود که انجام آن ملت آلمان را باردیگر به قیام وجنگ برای باز گرفتن خاك ازدست رفته تحریك خواهد کرد بعلاوه درصورت قبول نظریه فرانسه، در باب انتزاع نواحی رنانی وتشکیل یك منطقه آزاد بین‌المللی، ناچار حکومت شوروی نیز درین امر وارد ودراداره منطقه آزاد مزبور بامتفقین غربی شریك می‌شد و این امر مایه نگرانی انگلستان بود. انگلستان درسیاست خارجی خود شوروی را وزنه سنگینی میدانست وغالب مسائل سیاسی را باتوجه به‌مشی سیاسی وتمایلات آن دولت مطالعه می کرد ودرروابط خود با آن دولت، درعین احتراز ازخشونت، سخنان چرچیل را دراولین لحظات بعدازپیروزی بر آلمان همواره درمدنظر داشت. چرچیل گفته بود که «تنها پیروز شدن در جنك برعلیه دشمن برای ما کافی نیست، باید کلمات آزادی ودموکراسی واستقلال مفهوم ومصداق خودرا از دست ندهد». چون نماینده اعزامی ازطرف حکومت لهستان آزاد درلندن، به‌ورشو بوسیله مقامات شوروی توقیف شده بود، انگلستان از شناسائی رسمی حکومت جدید لهستان تا ۵ ژوئیه ۱۹۴۵ خودداری ورزید وپس از آزاد شدن نماینده اعزامی وتعهد وقول رسمی حکومت جدید درباره اجرای انتخابات آزاد بشناسائی آن دولت تن درداد و حکومت‌های

جدید اتریش و رومانیا را نیز با توجه بشرایط مذکور برسمیت شناخت و چون انتخابات بلغارستان را انتخابات آزاد وبروفق اصول دموکراسی نمیدانست ازشناسائی حکومت بلغارستان امتناع ورزید ، ازدولت لهستان قول گرفت که با بازگشت اعضای حکومت لهستان آزاد درلندن وافراد لهستانی که‌دوش‌بدوش متفقین جنگیده بودند بخاك لهستان موافقت کند وپس ازتحصیل این موافقت به‌خلع سلاح افراد مزبور اقدام نمود . با دعاوی‌حکومت‌تیتودر یوگسلاویا ، که‌تحت نفوذ شوروی بود، نسبت بمنطقه‌تریسته [1] و قسمتی از ونتسیا [2] مخالفت ورزید و مذاکره در باره آن مسائل را به پایان کنفرانسهای صلح موکول کرد . به‌یونان، که‌هنوزواحدهای‌انگلیسی‌در آن‌مستقر بودند، توجه خاص مبذول میداشت.

دربسیاری‌ازمسائل بین‌المللی سیاست انگلیس باسیاست آمریکاهماهنگی داشت؛ انگلیس‌وامریکاپیشنهاد شوروی‌را دایر بر واگذاری‌پایگاه دریائی‌درناحیه‌بغازها [3] بآن‌دولت رد کردندوانگلیس‌دراعتراض‌امریکا بشوروی‌درمورد تشکیل‌حکومت آلمان‌شرقی‌وقرارداد تجاری شوروی با رومانیا ومجارستان، که بدون مشورت با انگلیس و امریکا انجام گرفته‌بود، ونیز به‌موضوع‌انتقال کارخانه‌هاومواد صنعتی رومانیا ومنچوری بخاك‌شوروی همصدا گردید . درکنفرانس وزیران امورخارجه چهاردولت(انگلیس وشوروی وامریکا وفرانسه) مورخ سپتامبر۱۹٤۵ درلندن، نماینده انگلیس ازحقوق کشورهای کوچك، که درجنك برعلیه‌آلمان شرکت و یا به‌متفقین کمك کرده‌بودند، دفاع‌نمودوشرکت‌آنان‌را درمذاکره وبحث در پیمانهای صلح با محورخواستار شد . درجلسه مورخ ژانویه ۱۹٤٦

۱– Trieste بندرومنطقه مجاورآن واقع درشمال دریای‌آدریاتیك ـم. ۲ – Venezia نام قسمتی از ایالات شمالی ایتالیا مجاورمرزهای این‌کشور با اتریش ویوگسلاویا که شهرو بندومهم آن بنام ونتسیا (ونیز) درکناردریای آدریاتیك واقعست ـم. ۳ـ بغازهای بسفرودارداندل ـم.

شورای امنیت‌سازمان ملل متحد درلندن، پس‌از آنکه **ویشینسکی**[1] نماینده شوروی بحضور نیروهای انگلیسی دریونان واندونزی‌اعتراض‌نمود، بوین نماینده انگلیس موضوع عدم تخلیه آذربایجان‌ایران‌راازنیروی‌شوروی‌بمیان‌آورد واین‌مسئله‌وقتی‌بصورت یکی‌ازمسائل حاد سیاسی درآمد که انگلستان رسماً از دولت شوروی خواست کـه علل ودلایل عدم تخلیه ایران را درتاریخ مقرریعنی۳ مارس۱۹٤٦، که طبق‌قراردادسال۱۹٤۲)منعقده بین سه دولت انگلیس‌وشوروی وامریکا) تعیین شده بود، اعلام کند[2] انگلستان کـه ازتجدید نفوذ سیاسی شوروی دراسپانیا بیم داشت‌ازقبول پیشنهاد همکاری باآن دولت درباره طرد ژنرال **فرانکو**[3] ازآن کشورامتناع ورزید .

انگلستان درعین حال که وظایف و تعهدات خود را در سازمان ملل متحد مورد توجه قرارمیداد حق امضای هر گونه پیمان‌وقرارداد حسن همجواری با کشورهای‌دیگر جهان را برای خود محفوظ نگاهداشت . این دولت که باسراربمب اتمی آگاه شده بود با امریکا و کانادا درین‌مسئله همعقیده بود که تا استقرارصلح وامنیت واقعی اطمینان‌بخش درسراسر جهان باید ازافشای اسراربمب اتمی خودداری شود . بدگمانی وبدبینی انگلستان دربسیاری ازمسائل بین‌المللی موردتاییدا کثریت قریب باتفاق ملت انگلیس نبود ولی ازطرف اکثریت پارلمان‌پشتیبانی‌می‌شد . نمایندگان محافظه کارسیاست بوین را، که درغالب‌موارد مخالفت شدید نسبت‌به مقاصد افراطیون و کمونیستهای نشان میداد، تأیید می کردند . بوین درعین‌حال که دشمن سرسخت ائتلاف احزاب کمونیست اروپا با سوسیالیستها بود،علاقه‌خودرانسبت‌به‌تمدیدپنجاه‌ساله پیمان‌مودت‌واتحادانگلیس‌وشوروی پنهان‌نمیداشت‌چرچیل‌نخست‌وزیرسابق‌درمقام‌نمایندگی‌پارلمان‌طی‌نطقی که‌روز۱۵مارس

۱- Andrée Vychinski ۱- برای‌اطلاع ازتفصیل این مسئله به‌بخش پنجم این‌کتاب (شوروی) رجوع شود . ۳- Franco

۱۹٤٦ در امریکا ایراد کرد کشورهای انگلیسی زبان را به اتحاد کامل وهماهنگی وهمکاری جدی بر علیه بسط نفوذ شوروی دعوت وحکومت کارگری اعلام نمود که در تهیه وایراد نطق چرچیل بهیچوجه دخالتی نداشته است.

هماهنگی دولت اتلی با امریکا درمسائل بین المللی بحدی رسیده بود که پاره ای از محافل سیاسی انگلستان را به بدبینی وبدگمانی برانگیخته و آن محافل معتقد شده بودند که دولت کارگری کورکورانه ازسیاست امریکا پیروی میکند ولی اتلی ازسیاست خود جداً دفاع می کرد ومسائلی پیش آمد که تضاد سیاسی امریکا وانگلیس را فاش نمود؛ انگلیس درمسئله فلسطین باامریکا مخالفت ورزید وعلیرغم امریکا در تقویت اتحادیه عرب که وجود آن موجب رشد ناسیونالیستم در کشورهای عربی وتولید مشکلات سیاسی برای خود انگلستان بود می کوشید. هنگامیکه امریکا ضمن حمایت ازدولت اسرائیل در فلسطین، خواستار مهاجرت ۱۰۰۰۰۰ یهودی باین کشور بود انگلیس بامقاصد امریکا مخالفت کرد ودر کمیسیون تحقیق مشترك امریکا وانگلیس که برای رسیدگی بمسئله فلسطین در نوامبر ۱۹٤٥ تشکیل شده بود انگلستان قسمت عمده مسئولیت آن کمیسیون را برعهده گرفت .

انگلستان پس ازاعلام موافقت بااستقلال کشور اردن هاشمی بلافاصله پیمان اتحادی بااین دولت منعقد ساخت . چون در کنفرانس سیملا[1] درباره چگونگی اعطای استقلال به هندوستان بین نمایندگان انگلیس و هند توافق حاصل نشد (ژوییه ۱۹٤٥) انگلستان درمارس ۱۹٤٦ تصمیم گرفت که طرحی برای طرز حکومت جدید هند تهیه کند که اجرای آن به استقلال این سرزمین منجر شود و بدین منظور سه تن از وزرای

۱- Simla مقر ییلاقی حکومت فدرال کنونی جمهوری هند واقع در ناحیه پنجاب-م.

انگلستان وازجمله سراستافورد کریپس طرح استقلال هند را در دهلی بمرحله اجـرا درآوردند .

نهضت دامنه‌دار ناسیونالیستی مصر در آغاز سال ۱۹٤٦ موقعیت انگلستان را در آن کشوربخطرانداخت وسرانجام دولت انگلیس مجبورشد که درتاریخ٦مه۱۹٤٦تخلیه خاك مصررا ازنیروهای نظامی خود رسماً اعلام کندولی، هنگامیکه نمایندگان مصرو انگلیس درباره شرایط تخلیه مصرازقوای بریتانیا ودفاع مشترك دودولت از کانال سوئز گفتگومی کردند، مخالفت‌شدید حزب‌محافظه کارواختلاف نظردودولت‌درباره کانال‌سوئز موجب قطع مذاکرات وایجاد بحران در روابط انگلیس ومصر گردید .

حوادث وجریان جنگ دوم جهانی باردیگروفاداری دومینیونها را نسبت به تاج وتخت انگلستان اثبات‌نمود . درهمکـاری وحسن تفاهم ممالك مشترك‌المنافع بریتانیا تزلزلی روی نداد وفقط درروابط بین انگلستان و دومینیونها تعدیلی حاصل و نفوذ و تأثیر دومینیونها وحکومتهای جـوان وتازه کارآنهابرانگلستان فرتوت کهنه کـار از زمان قبل ازجنك زیادترواین تـأثیردرزمینه مذاکـرات مربوط بـه پیمان صلح کاملا مشهود گردید.

در نخستین کنفرانس صلح مورخ مـه ۱۹٤٦ در پاریس بین بوین و مولوتف وزرای‌امورخارجه انگلیس وشوروی اختلاف نظر شدیدی بروز کرد و کنفرانس بـدون اخذ نتیجه مثبت پایان‌یافت ووزرای خارجه چهار کشور (انگلیس وفرانسه وشوروی و آمریکا) در۱۵ ژوئن مذاکره درباره پیمانهای صلح باآلمان ومتحدین‌دیگررا درپاریس ازنوآغاز کردند . بوین پیش ازتشکیل این کنفرانس‌طی‌نطقی که روز٤ژوئن‌درمجلس‌عوام

ایرادنمود جریان کنفرانس مورخ مه۱۹٤٦را مشروحاً باطلاع نمایندگان‌رسانید وقسمت عمده بیانات اوخطاب به‌ـولت شوروی ودرحقیقت اعلام‌رسمی نظریات انگلستان درباره پیمانهای صلح بمنظورآگاهی‌زمامداران شوروی بود، بوین‌طی نطق مفصل‌خودانتظارات انگلستان را ازسازمان‌ملل وروح مسالمت جوئی دول عضوسازمان ولزوم استفاده ازهر موقعیت‌مناسب را برای تحکیم اساس صلح جهانی تشریح نمود .

بخش چهارم - ایتالیا

فصل اول ـ ایتالیا پیش از جنگ جهانی دوم

از ساعت ۱۵ روز ٤ نوامبر ۱۹۱۸ قرار داد متارکه جنك ایتالیا **ایتالیای فریب‌خورده** و اتریش که بوسیله ژنرال **دیاتس**[۱] باتریش پیشنهاد شده بود بمورد اجرادرآمد وکابینهٔ **ارلاندو**[۲] که روز ۲۹ اکتبر ۱۹۱۷ پس ازشکست نیروی ایتالیاازنیروهای اتریش وآلمان در **کاپرتو**[۳] برسرکارآمده بود خودرابرای دفاع‌ازدعاوی ایتالیا در کنفرانس صلح آماده می کرد .

ایتالیاطبق پیمان سه‌جانبه‌فرانسه‌وانگلیس‌وایتالیامورخ ۲۶ آوریل ۱۹۱۵ منعقددر لندن بصف متفقین پیوست وباآلمان واتریش ازدرجنك درآمد وبنابرمقررات آن‌پیمان ایتالیا حق داشت در پایان جنك **منطقه‌ترانتن**[٤] راتامعبر **برنر**[٥] وناحیه **تریسته**[٦] و ناحیه **دالماسی**[۷] (باستثنای بندر **فیومه**[۸]) باتـمامی جزایر دالماسی و **دودکانز**[۹]

۱–Diaz ۲-Orlando ۳-Caporetto دریوگسلاویا.

٤– Trentin ٥– Brenner ، ترانتن وبرنر جزو منطقه کوهستانی واقع بین‌ایتالیا و اتریش است– م.

٦–Trieste بندر واقع‌درشمال دریای آدریاتیك که قسمتی از آن هنوز بعنوان منطقه آزاد بین‌المللی زیر نظر سازمان ملل‌متحد اداره می‌شود–م. ۷-Dalmatie ۸–Eiume، بندر واقع درشمال شرقی‌دریای‌آدریاتیك–م. ۹– Dodécanèse

و ناحیه **والونا**[1] وجزیره **سازنو**[2] را تصرف کند وحکومت جدید **آلبانی** و ناحیه **آدالیه** را در آسیای صغیر تحت حمایت خودقرار دهدودرصورتیکه انگلیس وفرانسه برمستعمرات آلمان دست یابندقسمتی از آنهارا به ایتالیاواگذار کنند علاوه براین طبق پیمان سه جانبه فرانسه وانگلیس وایتالیامورخ ۲۱ آوریل ۱۹۱۷ منعقد در **سن‌ژان دوموریین**[3] ایتالیا حق داشت که باموافقت روسیه برقسمتی ازجنوب غربی آسیای صغیر مسلط گردد. اما در پایان جنگ کلمانسو وللویـد جرج نخست وزیران فرانسه و انگلیس، دربرابر خواسته‌های یونان ویوگسلاویا و کشورهائی که ازتجزیه امپراطوری اتریش تشکیل شده بودندمانند کشورهای اتریش ومجارستان وچکسلواکیاونظریات **ویلسن**[4] رئیس جمهوری امریکا، بمقررات پیمان سه‌جانبه باایتالیا چندان توجهی نکردند وفقط باالحاق ترانتن **وایستری**[5] بخاك ایتالیا موافقت نمودند و دولت امریکا کـه اصولا در پیمان سه جانبه شرکت نداشت مقررات آنرا برسمیت نمیشناخت. مسئله‌مربوط به‌حوضه دریای آدریاتیك ودعاوی متقابل ایتالیا ویوگسلاویا ویونان واتریش دردستورمذاکرات جلسه مورخ ۱۸ فوریه ۱۹۱۹ کنفرانس صلح پاریس قرار گرفت وموجب مباحثات ومناقشات شدیدی گردید وپس ازمخالفت علنی ورسمی امریکا باالحاق فیومه ودالماسی به‌ایتالیا، که طی نطق مورخ ۲۳ آوریل ویلسن خطاب به ملت ایتالیا ابراز گردید، هیئت نمایندگی ایتالیا در کنفرانس صلح، بریاست ارلاندو نخست‌وزیر و باعضویت **سنینو**[6] وزیر امور خارجه آن کشور، کنفرانس راترك کردند.

۱- Valona ۲- Saseno ۳- Saint - Jean de Maurienne

۴- Wilson ۵- Istrie ۶- Sonnino

وضع سیاسی و سقوط دولت ارلاندو

عدم کامیابی ایتالیا در کنفرانس صلح و آثار ناشیه از جنگ و خسارات و تلفات وارده بکشور فقیر و ملت بی‌بضاعت ایتالیا روز بروز بروخامت اوضاع داخلی وسیاسی آن کشور می‌افزود. ایتالیا در جنگ دچار صدمات زیاد شده؛ ۶۵۴ هزارنفر کشته و ۴۰۰ هزار معلول وناقص‌الاعضاء ویك میلیون زخمی واز ۱/۵میلیون ظرفیت کشتی‌های خود ۹۰۰ هزارتن آنرا ازدست داده بود ویکصد میلیارد وام داشت. رشته‌های کشاورزی وصنایع که دردوران جنگ توسعه یافته بود درپایان جنگ ازهم گسیخته وهزینه‌زندگی درحال ترقی بود. خلع سلاح واحدهای نظامی بکندی و بدون نظم‌صورت می گرفت، طبقه جوان کشور که خود قبل ازجنگ‌ازمناقشات بیهوده و بی‌ثمر پارلمانی بستوه‌آمده بودند اکنون دربرابر آثار شوم جنگ وفقر وبیکاری قرار گرفته ومایل بودند که بطور مؤثر درسرنوشت کشورخود شرکت کنند.

از اواسط جنگ وبخصوص‌پس ازشکست کاپرتو مبارزه احزاب وفرقه‌های‌طرفدار بیطرفی‌مانند سوسیالیستها ومتعصبین مذهبی برعلیه جنگ‌آغازشده‌بود. زندگی مجلل‌و باشکوه طبقه‌تازه‌بدوران رسیده، که ازبرکت جنگ صاحب مال ومنال فراوان گردیده بودند، آتش غیظ وغضب طبقات کارگر ولیبرال کشور را دامن میزدوبرحساسیت طبقه زحمتکش‌دربرابر تبلیغات‌مارکسیستی‌وآثارناشیه‌از انقلاب بالشویکی روسیه می‌افزود و آنانرا دسته‌دسته‌بآغوش‌افراطیون‌چپ‌وفرقه کمونیست‌ایتالیامیراندبطوریکه‌تعداد اعضای این فرقه از۳۰۰هزار باسرعت به یك‌میلیون نفر رسید ومحیط اجتماعی بطور محسوس برای پیشرفت‌مرام‌افراطیون آماده‌می‌شد.

هنگامیکه ارلاندو به‌ایتالیا بازگشت درشهر **تورینو** [۱] وسپس دررم مورداستقبال

۱- Torino (تورن Turin) از بلادمهم صنعتی شمال ایتالیا-م.

پرشور مردم قرار گرفت ومردم مقاومت وپایداری او را دربرابر نمایندگان دول دیگر در مورد دعاوی ایتالیا ستودند ومجلس نیز با ۳۸۲ رأی در برابر ۴۰ مخالف بدولت او رأی اعتماد داد ولی ارلاندو که خوداز بورژواهای لیبرال بودنتوانست درمقابل خواسته‌ها وتمایلات احزاب وفرقه‌های افراطی مقاومت کند وروز ۲۴ ژوئن ۱۹۱۹ ازکار کناررفت و یکی دیگر ازبورژواهای لیبرال بنام **نی‌تی**[1] بـه نخست وزیری منصوب گردید . درین کابینه، وزارت امور خارجه به **تیتونی**[2] واگذاروسنینو وزیر خارجه سابق به نمایندگی ایتالیا در کنفرانس صلح منصوب شد و ایتالیا روز ۲۸ ژوئن قرارداد صلح با آلمان راامضا کرد .

رشد ونمواحزاب افراطی

روزبروز بردامنه تظاهرات احزاب افراطی وصفوف تظاهر کنندگان کمونیست درشهرهای بزرك افزوده میشد ونمایندگان کارگران برای تأسیس شعب حزب بشهرستانها اعزام می‌شدند. کالای تجارتی روزبروز محدودتر ومیزان عوارض ومالیاتها افزونتر و چپاول و غارت مغازه‌ها رایجتر ومداخله پلیس در استقرار نظم و امنیت محدودتر و بی‌اثر تر می گردید وبدنبال هر تظاهری اعتصاباتی درمراکز صنایع وجوامع کارگری روی میداد ودرهمان حال سایر احزاب وفرقه‌های سیاسی نیز صفوف خودرا فشرده‌تر وتشکیلات حزبی را استوارتر می‌ساختند . فرقه **پولولر**[3] نیز که در ۱۷ ژانویه ۱۹۱۹ بوسیله **ستورتسو**[4] ازروحانیون کاتولیك تاسیس شده و تـاحدی ازحمایت پاپ **بنواپانزدهم**[5] برخوردار بود باتظاهرات عوامفریبانه واردمبارزه سیاسی گردیـد .

۱- Nitti ۲- Tittoni

۳- Populaire ۴- Sturzo ۵- Benoit XV

ظهور فاشیسم[1] **بنیتو موسولینی**[2] بانی‌وموسس حزب فاشیست ایتالیا روز۲۹ ژوید ۱۸۸۳ در **فرلی**[3] در ناحیه **رمانی**[4] بدنیاآمد. فرزند یك آهنگر ودرآغاز جوانی آموزگار بود وسپس به سویس رفت‌و درآنجا به‌ترتیب بشغل بنائی وتحصیل‌وروزنامه نویسی پرداخت، درسال ۱۹۱۲ به‌ایتالیا بازگشت ومدیریت روزنامه سوسیالیست **لاوانتی**[5] رابرعهده گرفت ولی‌چون‌طرفدار انقلاب‌بود وجنك‌را عامل ووسیله بروزانقلاب میدانست از حزب سوسیالیست رانده شد وخودبتشکیل‌دسته‌های فاشیستی‌پرداخت واولین شماره‌روزنامه‌سوسیالیست‌ومستقل‌خودرا بنام**پوپولودیتالیا**[6] در۱۵نوامبر ۱۹۱٤ انتشارداد وتاژانویه۱۹۱۵ براثرپشتکاروتبلیغات مؤثر ازراه نطق وقلم چندین هزارطرفدار پیدا کرد. پس‌ازورود ایتالیابجنگ‌موسولینی درجنك شرکت‌جست وزخمی‌شد ودرپایان جنك فعالیت سیاسی راباانتشار مجددروزنامه خود ادامه داد وبدون آنکه صورت و ماهیت وشرایط حکومتی را که میخواست برقرار سازدتعیین کندرامرابرای رسیدن بحکومت هموار می کرد. در۲۳مارس ۱۹۱۹ دسته‌های حمله راتاسیس کردودرحدود ۵۰۰ نفررادرین‌دسته‌ها گردآورد، روز۱۵ آوریل۱۹۱۹ یکی از دسته‌های فاشیستی بقوه قهریه اداره روزنامه لاوانتی‌را اشغال وپرچم کوچك‌سیاه‌خودرا که‌آرم فاشیستی‌بود بر بالکن آن‌اداره‌نصب کردند. رئوس برنامه‌موسولینی که روز۲۸اوت خطاب بملت ایتالیا انتشار یافت عبارت بود از: کار اجباری عمومی، شرکت زنان در انتخابات، سن۱۸سال برای حداقل شرکت در دادن رأی‌وحداقل۲۵سال برای‌انتخابات شوندگان، حذف مجلس‌سنا و تشکیل مجلس مؤسسان برای تعیین رژیم حکومت. تشکیل‌شرکتها ومؤسسات‌تعاونی، برقراری قانون۸ساعت کار ودخالت دادن‌سندیکاهای

۱–Facisme ۲– Benito Mussolini ۳– Forli ٤ – Romagne ۵– l'Avanti

٦–Popolo d'Italia یعنی مردم‌ایتالیا.

کارگری در اداره واحدهای صنعتی ، برقراری بیمه‌های اجتماعی ، تجدید نظر در تشکیلات حمل ونقل ووسائل ارتباط، تاسیس ارتش ملی وملی کردن صنایع تسلیحاتی، وضع مالیات تصاعدی بر سرمایه ، ضبط کلیه موقوفات مذهبی و۸۵ درصد ازسودهای حاصله دردوران جنگ واتخاذ یك روش قاطع درسیاست خارجی. باوجود فعالیت وتلاش موسولینی هنوز افراد حزبی ازمردم عادی و کوچك اجتماع بودند وحزب او با رقابت فرقه‌ها و دسته‌های دیگر ناسیونالیست ، که محافظه کارتر ازحزب فاشیست بودند ، ازقبیل حزب پیراهن آبی مشهور به **ایدآناتسیونالیه** [1] که برهبری **فدرتسونی** [2] اداره میشدودسته‌های سلطنت طلب کرادینی [3] روبرو بود .

مسئله فیومه

حضور سربازان متفقین درناحیه فیومه ، که هنوز سرنوشت قطعی آن تعیین نشده بود ، برای ملیون ایتالیا قابل تحمل نبودو بهمین علت پس ازمخالفت فرانسه وانگلیس بادعاوی ایتالیا درباره منطقه فیومه اززویه ۱۹۱۹ ببعد بین سربازان فرانسوی و ایتالیائی تصادماتی روی داد ، کمیته تحقیق متفقین تصمیم گرفت که سربازان فرانسوی وایتالیائی را ازفیومه خارج وحفظ امنیت آن ناحیه را به سربازان انگلیسی بسپارد وصمناً رأی داد که فیومه به یوگسلاویا ملحق ولی بصورت یك بندر آزاد بین المللی زیر نظر جامعه ملل اداره شود.

پس ازانتشار تصمیمات کمیته تحقیق، دانونتسیو [4] نویسنده وشاعر مشهور ایتالیائی سه هزار تن ازجنگجویان وفاشیستها و بقایای واحدهای خلع سلاح شده راجمع آوری وشب ۱۲و۱۳ سپتامبر ۱۹۱۹ باچند حمله فیومه راتصرف ودر۱۸ سپتامبر الحاق فیومه رابه ایتالیا اعلام کرد . اندکی بعد دسته‌های جدید واسلحه ومهمات برای دانونتسیو رسید و موسولینی عمل شجاعانه او را در روزنامه پوپولودیتالیا با تفصیل تمام منعکس ساخت

۱- Idea Nazionale (آرمان ملی) ۲- Federzoni ۳- Corradini

۴- گابریل دانونتسیو Gabriele d،Annunzio نویسنده وشاعر غزلسرای ایتالیائی (۱۸۶۳- ۱۹۳۸ م.) ورمان نویس ودارای سبك وشیوه دلپذیر بی نظیری در نویسندگی بوده است ــ م.

نی‌تی بازگشت فوری دانونتسیو و سربازان او را از فیومه خواستار شد ولی پارلمان ایتالیا در۲۹ سپتامبر الحاق فیومه را به‌ایتالیا تأیید کرد . نی‌تی در۳۰سپتامبر پارلمان رامنحل وروز۱۶ نوامبر را برای انتخابات جدید تعیین واعلام نمود .

انتخابات ۱۹۱۹ و بروز هرج ومرج

در کنگره احزاب سوسیالیست که در اکتبر۱۹۱۹ در **لیورنو**[۱] تشکیل گردید دو عقیده مختلف ابراز شد : یکی رویه اعتدال که طرفدارآن **توراتی**[۲] بودودیگری‌رویه‌انقلابی‌وافراطی که **سراتی**[۳] ازلیدران حزب سوسیالیست طرفدار آن بود . در شهر **فیرنتس**[٤] نیز کنگره حزب فاشیست در ۹ اکتبر تشکیل‌شد و این حزب دربرابر ۸۰ هزار نفر اعضاء حزب سوسیالیست ۲۰ هزار نفرعضو و طرفدار داشت. پس‌از مبارزات شدید احزاب نتیجه انتخابات‌این شد که‌لیبرالها ۱٦۱،مسیحیان پوپولر۱۰۰ ، دموکراتها۲۳، سوسیالیست رفورمیست‌ها ۱٦ وسوسیالیستها ۱۵٦ کرسی بدست‌آوردند وحتی یك کرسی‌نصیب فاشیستها‌نشدوموسولینی فقط در **میلانو**[۵]،٤٦۵۰ رأی داشت .

روز۲۳نوامبر تیتونی‌ازوزارت امورخارجه کناره گیری کرد و **ویتوریوسیالویا**[٦] جانشین اوشد واو بنمایندگی ایتالیا در کنفرانس صلح پاریس منصوب گردید.. مجلس جدید که دارای اکثریت ثابت وفراکسیونهای مشخصی نبود روز۲دسامبر افتتاح شد و نمایندگان سوسیالیست در برابر شاه یك سرود انقلابی خـواندند[۷] و، برای گریز از

۱- Livorno ۲- Turati ۳- Serrati ٤- Firenz (فلورانس Elorence)

۵- Milano (میلان Milan) ٦- Vitorio Scialoja

۷ ـ پادشاه ایتالیا ویتوریوامانوئله سوم Vitorio –Emmanuele بودکه‌ازسال ۱۹۰۰ برایتالیا سلطنت می‌کرد-م.

استماع نطق افتتاحیه شاه، ازتالار جلسه خارج شدند . عصر همان روز تظاهرات توأم با هرج ومرج درپایتخت آغازوچندتن ازنمایندگان سوسیالیست که دررأس تظاهر کنندگان بودند درزدوخوردباپلیس زخمی شدند . یك اعتصاب عمومی ۴۸ ساعته از ۳ دسامبر درسراسر ایتالیا آغاز گردید وبدنبال آن مغازه‌ها غارت وزندانها برای فرار زندانیان باز ومغازه‌های اسلحه فروشی چپاول شد ؛ دربعضی از شهرستانها که مرتباً برطول صفوف تظاهر کنندگان افزوده میشد تظاهرات باتلفات انسانی توأم وپرچمهای سرخ انقلابی برفراز شهرداریها افراشته بود . از ۲۰ تا ۲۴ ژانویه ۱۹۲۰ کارگران راه آهن وپست وتلگراف وتلفن اعتصاب کردند؛ فعالیت بنادر متوقف شد وقطارهای راه آهن وبحریه ایتالیا ازحمل ونقل سربازان خودداری می کردند ، دست تجاوز تظاهر کنندگان بجانب افسران ارتش دراز گردیدو بعضی از آنان مجروح ویا کشته شدندودولت به افسران دستورداد که ازمعابر عمومی با لباس غیر نظامی عبور کنند .

دولت نی‌تی دربرابر اوضاع ناگوار کشور و حملات مطبوعات و محافل سیاسی احزاب فاشیست وسوسیالیست واعتراض وشکایت مردم کوچه وبازار ، که بیش ازدیگران قربانی حوادث می‌شدند ، سعی می کرد که موقعیت خودرا حفظ کند لیکن باوجودترمیم کابینه وباآنکه در کنفرانس **سان‌رمو**[1] تاحدی موفقیت بدست آورد روز ۱۱ مه ۱۹۲۰ نی‌تی بارأی عدم اعتماد مجلس مواجه واز کار بر کنار شد .

---

۱ – San Remo درین کنفرانس که از ۱۹ تا ۲۶ آوریل ۱۹۲۰ ادامه یافت قسمتی ازاراضی آسیای صغیر موردادعای ایتالیا باین کشور تعلق گرفت ولی ترکها از واگذاری آن اراضی خودداری کردند .

تشکیل کابینه نخست ازطرف شاه به **مدا**[1] ازحزب مسیحیان پوپولر و سپس به **بونومی**[2] ازسوسیالیستهای رفورمیست پیشنهاد شد ولی هردوامتناع ورزیدندو باردیگر نی‌تی مامور تشکیل دولت گردید. وی وزرای‌خودرا باجلب موافقت فراکسیونهای‌حزبی پارلمان انتخاب کرد ولی این کابینه که دارای هدف و برنامه مشخصی نبود روز ۹ ژوئن ، یعنی همان روزی که بنابود به‌پارلمان معرفی‌شود، سقوط کرد وروز ۱۱ ژوئن **گیولیتی**[3] دولت جدید را تشکیل داد و وزارت امورخارجه را به **کنت اسفورتسا**[4] محول نمود .

کابینه گیولیتی و ادامه هرج‌ومرج

گیولیتی اهل‌سیاست ومردی‌ماهرومدبرومحتاط بود ولی لیبرالیسم گیولیتی باواجازه نمیداد که با سازمانهاوتشکیلات جدیدسیاسی ایتالیا سازگارشودمعذالك برای جلب نظراحزاب چپ‌وافراطی طرح‌ملی شدن‌صنایع و کارخانه‌های‌بزرك‌وخارج کردن خالصه‌ها و املاك دولتی را ازتصرف اشخاص تهیه واعلام نمود لیکن این تدابیرمانع‌ازادامه اختلاف بین کارگر و کارفرمانشدوتبلیغات کمونیستی به ارتش نیز سرایت کرد و پادگان شهر **آنکن**[5] سر به عصیان برداشت ودرنتیجه از ۲۵ تا ۲۷ ژوئن ۲۲ نفرا زآنان طی زدوخورد با نیروی دولتی کشته شدند . اعتصاب در کارخانه‌ها و سازمانهای کارگری‌روزبروز زیادتر و برعده اخراج شدگان از کار بوسیله کارفرمایان افزوده می‌شد.

روز۲۹ ژوئن کمیته مرکزی کارگران اعتصاب عمومی‌را اعلام نمود . کارگران پس‌ازاشغال کارخانه‌هاسعی کردند که‌اداره‌امور کارخانه‌هارا، بسبك‌شوروی، خوددردست

---

۱ – Meda　۲ – Bonomi　۳ – Giolitti　۴ – Comte Sforza　۵ – Ancone

بگیرند و بجای مهندسین و مدیران کارخانه شوراهائی برای اداره کارخانه ها برقرار سازند. گیولیتی ناظر آن صحنه‌ها ومعتقد بود که‌بقول معروف؛ وقتی که کار بحد کمال پریشانی‌رسید سروسامانی بخودخواهد گرفت وکارگران‌وقتی‌ازاداره‌امور کارخانه‌هاعاجز شدند نوبت مداخله دولت فرا میرسد. پیش بینی گیولیتی‌صحیح بودزیرا با‌وجود سرایت اعتصاب به بنادروراه‌آهن بسیاری‌ازسران‌ولیدران‌سندیکاهای کارگری‌بجرم‌سازشکاری بوسیله کارگران ازسندیکاها طرد شدند ودر کنگره‌ای که روزهای۱۰ و۱۱ سپتامبر ۱۹۲۰ تشکیل گردید ادامه اشغال کارخانه‌ها بوسیله کارگران تا حصول اطمینان از برقرارشدن‌نظارت کامل کارگری برامورصنعتی با اکثریت ضعیفی‌بتصویب‌رسید واشغال مراکز صنعتی بسط یافت، امابراثر این اعتصابات‌وهرج‌ومرج، امور اقتصادی از قاعده وسیر اصلی خود منحرف و ذخیره های مواد اولیه وخام بتدریج تمام شده وبیطرفی وعدم مداخله جدی دولت عصبانیت شدید درقاطبه مردم ایجاد نموده ودامنه هرج‌ومرج وآشوب وترورهای‌سیاسی، بخصوص‌ازفاشیست‌ها، توسعه‌یافته‌بود. درچنان‌وضعی که‌حتی اکثریت کارگران تشنهٔ اعاده امنیت بودند گیولیتی بامهارت وزبردستی خاصی خودرا درجریان حوادث قرارداد وبه کارگران اطمینان داد که‌بوسیله اصلاح‌سازمانهای‌صنعتی نظارت‌کارگران‌را بر کارخانه‌هاومراکز کارگری‌تامین‌خواهدنمود ولی‌هرگز بوعده‌خود وفانکرد. سرانجام‌طی رفراندومی که روزهای۲۴و۲۵ سپتامبر بعمل‌آمد واکثریت‌مردم نسبت به‌اشغال واداره کارخانه‌ها بسبك شوروی رأی مخالف‌دادند، کارگران کارخانه‌ها رارها کردند ونقشه‌آنان عقیم‌ماند وگیولیتی‌پیروزشد.

اما درشهرستانها بخصوص درمراکز کشاورزی تحریکات وهرج‌ومرج هنوز ادامه داشت و در چند ناحیه روستائیان فقیر وبینوای ایتالیا بامید تحصیل ملك و آب قیام

کردند وبجان مالکین ومباشرین آنان افتادند .این‌مردم‌بدون توجه به‌عقاید مارکسیستی ومرام اشتراکی وفقط برای جبران محرومیت های دوران زندگی دست باعتصاب‌زده‌و کمونیستها و کارگران اعتصابی وحتی عوامفریبان حزب‌کاتولیك پوپولر به روستائیان پیوسته و ازساده دلی آنان برای انجام مقاصد سیاسی خود استفاده کردند و درنتیجه آن آشفتگی‌بی‌ثمر، مزارع‌ویران ومحصولات کشاورزی ضایع ودهها نفر کشته‌شدندوسرانجام مالکین بمراد خودرسیدند ونکبت‌دامنگیرطبقه زارع گردید .

دربرابر طغیانها وخودسری کارگران وزارعین، که دست کمونیستها وافراطیون چپ درآنها کاملا موثر بود ، احزاب وعناصر دست‌راست وسرمایه‌داران که باهمیت خطرپی‌برده بودند بهم نزدیك شدند وصفوف خودرا فشرده‌تر ساختند وبهمان نسبت که فعالیت‌احزاب چپ‌افزایش می‌یافت‌تشتت‌وانشعاب دراحزاب‌سوسیالیست بیشترو برقدرت حزب فاشیست افزوده می‌شد .

استرداد فیومه

طبق موافقتنامه مورخ ۱۲نوامبر۱۹۲۰ که در **راپالو**[1] بامضای دولتین ایتالیا ویوگسلاویارسید، مقرر گردید که ناحیه فیومه بصورت یك‌منطقه‌آزاد بین‌المللی زیر نظر یوگسلاویا اداره‌شود وایتالیا ناگزیر بود که دانونتسیورا ازفیومه براند. اما دانونتسیو، که‌بوسیله موسولینی وروزنامه پوپولودیتالیا وحزب‌فاشیست حمایت می‌شد ودرفیومه‌طبق منشوری که‌براساس افکارفاشیستی تنظیم‌شده‌بودحکومتی برقرار نموده‌بود، دربرابر نیروهای اعزامی دولت ایتالیا مرکب ازواحدهای بری‌وبحری مقاومت ورزید . حمله نیروی دولت‌بقصد تصرف فیومه درشب نوئل سال ۱۹۲۰ آغاز گردید وچون دانونتسیو کلیه پلهای اطراف‌بندر را

۱ – Rapallo بندر کوچك ایتالیا در نزدیکی بندر معتبر جنوا ، کنار دریای مدیترانه ـم.

منفجر ساخت نیروی دولت ناچار شهر را بمباران کـردند ودانونتسیو زخمی شد. جنك از ۲۶ تا ۲۹ دسامبر ادامه یافت وروز ۲۹ دانونتسیو برای احتراز ازخونریزی بیشتر تسلیم و روز ۱۸ ژانویه ۱۹۲۱ باطرفداران خود ازفیومه خارج گردید . بندر دیگر یوگسلاویا بنام **زادار** [1] نیز که مرکز نهضتی نظیر نهضت فیومه گردیده بود عصر روز ۲۴ دسامبر به تصرف نیروی دولت درآمد وبدین ترتیب روز های آخر سال ۱۹۲۰ درایتالیا بابرادرکشی پایان یافت .

توسعه دامنهٔ هرج ومرج

در کنگره سوسیالیستها که از آغاز سال ۱۹۲۱ درشهر **لیورنو** تشکیل گردیده بودطی بحث درباره تلگرام **زینوویف** [2] (تئوریسین مشهور بالشویك روسیه) اختلاف نظر وعقیده سران و رهبران سوسیالیست ازقبیل **توراتی** (سوسیالیست معتدل رفورمیست) و **سراتی** (ازسوسیالیست های معتدل) و **بردیگا** [3] (کمونیست انقلابی) ظاهر گردید درحالیکه هیچیك از رهبران مزبور تسلط کامل برپیروان و هم مسلکان خود نداشتند. نتیجه بحث‌های طولانی کنگره این بود که عده‌ای از کارگردانان احزاب سوسیالیست، که تحت تأثیر تبلیغات موسولینی قرار گرفته واز هرج و مرج داخل وخارج حزب بستوه آمده بودند، به گروه فاشیستها پیوستند و قدرت و نفوذ سیاسی و اجتماعی خود را برای بدست آوردن ابتکار عملیات حزبی بکاربردندو بمنظور آماده ساختن محیط سیاسی کشور برای بدست آوردن قدرت حکومت دست بیك رشته اعتصابات توأم با تصرف کارخانه‌ها وایجاد حریق و توهین وتعرض بمخالفان حزبی وبخصوص فاشیستهای منفرد زدند .روز ۲۳ مارس ۱۹۲۱ براثر انفجار بمب درتئاترمیلانو ۱۸ تن کشته شدند . حزب فاشیست که

۱- Zadar یا Zara بندرواقع درکنار دریای آدریاتیك ـم.

۲- Zinoviev ۳- Bordiga

براثر افزایش افراد حزبی روزبروز قوی‌تر میشد و ازوضع مساعد محیط اجتماعی بنفع خود استفاده می کرد حمله به‌مؤسسات مطبوعاتی وحزبی فرقه‌های سوسیالیست افراطی و کمونیست رابشدت آغازنمود. این موسسات یکی پس‌ازدیگری بوسیله فاشیستهاویران ویا دچارحریق می‌شدند واندکی بعددسته پیراهن سیاهان‌حزب‌فاشیست ابتکارعملیات تخریبی وتروریسم را دردست گرفتند وباقدرتی که بدست‌آورده بودند انتقام ضربت‌هائی راکه دردوره ناتوانی از رقبای سیاسی خود چشیده بودند بسختی از آنان می کشیدند. کنگره حزب فاشیست که‌دردوم‌آوریل در **بولونی** با۲۰هزارعضوتشکیل‌شده‌بود، روز٤ آوریل‌درشهر **فرارا**[1] باپنجاه‌هزار عضو افتتاح شد.

انتخابات سال ۱۹۲۱ و کابینه های بونومی و فاکتا[2]

باوجود بحرانهای سیاسی واقتصادی و۱٤۲۳۵ میلیون لیره کسر بودجه غیرقابل جبران، هنوز گیولیتی بیك اکثریت ناپایدار سوسیالیست درپارلمان متکی و باخوش‌بینی‌بآینده امیدواروامعتقد بود که نهضت های کمونیستی و فاشیستی ایتالیا هر دو موقت و ناپایدار است. وی‌خرسند بود از اینکه میدید فرقه کمونیست بتدریج دربرابر مبارزه بیرحمانه حزب‌فاشیست‌ناتوان‌وسرانجام نابود میشود. گیولیتی برای تحکیم موقعیت دولت خود مجلس را در ۷ آوریل منحل کرد و طی انتخاباتی که در ۱۵ مه ۱۹۲۱ بعمل آمد لیبرالها ۲٤۰، سوسیالیستها ۱۲۱، پوپولرها ۱۰٤، فاشیستها ۳۵ و کمونیستها ۱۳ کرسی بدست‌آوردند.

افتتاح مجلس جدید تماشائی بود. نمایندگان فاشیست که‌دررأس آنان‌موسولینی قرارداشت بمحض ورود به‌مجلس یکی از نمایندگان‌دست چپ بنام **میزیانو**[3] را بعنف

۱- Ferrara ۲- Facta ۳- Misiano

ازتالارجلسه‌راندندو نیزازاستماع نطق افتتاحیه‌شاه‌خودداری کردند.موسولینی‌درشماره‌مورخ ۲۱ مه جیورناله دیتالیا [۱] صریحاً نوشت که بهیچوجه برای سلطنت قدر وارزشی قائل نیست ونیز دراولین نطق خوددر جلسه ۲۵ژوئن مجلس ضمن بیان عقاید مترقی خود در زمینه سوسیالیسم دلبستگی‌خود را به دیانت‌کاتولیك اظهار ومخالفت‌خود را با گیولیتی ابرازنمود .

کینه‌توزی احزاب نسبت بیکدیگر ادامه داشت و همه جا فاشیستها درحمله و تهاجم پیشقدم بودند ، گیولیتی که در برابر حملات نمایندگان احزاب راست وچپ ادامه کار را غیرمقدور دید روز ۳۰ژوئن کناره گیری کرد و بونومی از سوسیالیست‌های اصلاح‌طلب (رفورمیست) کابینه جدید رابانصب مارکی **دولاتورتا** [۲] بوزارت‌امورخارجه تشکیل داد .

درمیان اغتشاشات‌وابرازاحساسات روزمره احساسات ضدفرانسه کاملانمایان‌بود. دربندر ونتسیا(ونیز) سفیرفرانسه ، **بارر** [۳] همراه بامارشال **فایول** [۴] ایتالیائی مورد حمله تظاهر کنندگان قرار گرفتند . روز ۲۵ نوامبر پس‌از انتشار اخبار مربوط به کنفرانس بحری‌واشینگتن کنسولگری‌فرانسه‌درشهرتورینو(تورن)موردحمله‌قرار گرفت ودروپنجره آن‌شکسته‌شد. دولت‌ایتالیاازاین‌پیشآمدازفرانسه‌رسماً عذرخواهی کردولی‌حوادثی‌نظیر آن پی‌درپی روی‌میداد وتظاهرات فاشیستها ومحصلین مدارس دراکثر شهرهای ایتالیاادامه داشت وسرانجام بااعلام‌نتیجه کنفرانس واشینگتن مبنی برتساوی فرانسه وایتالیادرباره ظرفیت بحریه تجارتی درمدیترانه اندکی ازاحساسات ضدفرانسه کاسته شد.

موسولینی که حزب خودرا مواجه باخطر میدید پیشنهاد توراتی‌را درباره‌ائتلاف با حزب سوسیالیستهای معتدل پذیرفت و روز ۱۳ اوت پیمان همکاری با آن‌حزب و کمیته مرکزی کارگران راطرح کرد . امارهبران حزب فاشیست اورا به سازشکاری

۱- Giornale d'Italia ۲- de La Torretta ۳- Barrère ٤- Fayolle

وخیانت متهم کردند. وی بلافاصله ازعضویت کمیته اجرائیه حزب استعفاداد و چون استعفای اوپذیرفته نشد ازموقعیت استفاده نمود و برای متشکل ساختن صفوف حزبی و استقراروحدت وهماهنگی درحزب روز۷ نوامبر درروم کنگره حزبی را با شرکت ۲۲۰۰ گروه حزبی مرکب از ۳۱۰ هزارعضو تشکیل داد. کارگران راه آهن برای وارد آوردن شکست به کنگره فاشیست از ۷ نوامبر تا پایان کنگره اعتصاب واز کارامتناع کردند واین امر نشان داد که ائتلاف وهمکاری فاشیسم با سوسیالیسم امکان پذیر نیست وخواه و ناخواه باردیگر صحنه‌های مبارزه شدید بین این دوفرقه سیاسی تجدیدخواهد شد. روز ۲۷ دسامبر ۱۹۲۱ موسولینی در پوپولو دیتالیا برنامه جدید حزب فاشیست را انتشارداد. در آن برنامه وفاداری به سلطنت مستقل از کلیسا ومذهب، بسط و توسعه اصول تعاون درامور اقتصادی واجتماعی، شرکت و مداخله کارگران در اداره امور صنعتی واقتصادی، تقویت بنیه مالی و اصلاح وضع کشاورزی وامثال آن، تبلیغ وتوسعه نفوذ ایتالیا درسراسر جهان و اتخاذ سیاست نیرومند استعماری ومانند آنها پیش بینی شده بود.

بونومی که ازپشتیبانی اکثریت مجلس نا امید وازحل وفصل مسائل سیاسی و اجتماعی کشورعاجز مانده بود روز ۳ فوریه ۱۹۲۲ کناررفت. از ۶ تا ۲۵ فوریه **دونیکولا**[1] **وارلاندو** و بار دیگر بونومی مامور تشکیل دولت شدند ولی توفیق نیافتند؛ از تیتونی و گیولیتی برای تشکیل کابینه دعوت بعمل آمد و زیربار مسئولیت نرفتند. سرانجام **فاکتا** همکار صمیمی گیولیتی در ۲۵ فوریه کابینه حدید را تشکیل داد و ناتوان‌تر از اسلاف خود تلاش و کوشش بیفایده ای برای بندوبست با مقامات مؤثر مملکت بکاربرد.

پس از رانده‌شدن دانونتسیو ازفیومه حکومت آن منطقه به **تسانلا**[2] که دشمن سرسخت

۱- De Nicola ۲- Zanella

فاشیسم بود سپرده شد و بلافاصله زد وخورد بین هواخواهان او وفاشیستهای فیومه آغاز گردید . روز ۳ مارس ۱۹۲۲ گروهی ازفاشیستها به مقرحکمران حمله بردند وازدریانیز دسته‌ای ازملوانان کاخ تسانلا را گلوله‌باران کردند، تسانلا تسلیم وتوقیف شدو **گیوراتی**[۱] نماینده فاشیست پارلمان ازونتسیا، ریاست کمیته دفاع ملی وحکومت فیومه را برعهده گرفت . یوگسلاویا ومتفقین ازدخالت دراسترداد فیومه امتناع ورزیدند وسرانجام طبق موافقتنامه مورخ ۲۷ ژانویه ۱۹۲٤ منعقد بین ایتالیا ویوگسلاویا، ناحیه فیومه باستثنای قسمتی ازبندروسه قصبه اطراف آن به ایتالیا ملحق گردید.

صف آرائی وروش کارفاشیستها

زدوخوردها و جنگهای داخلی محیط را برای توسعه اقدامات حزب فاشیست روزبروز آماده‌ترمیساخت و فعالیت این حزب و مبارزه انتقامی آن با کمونیستها در شهرستانها توسعه مییافت، چنانکه در **فرارا** ۶۳۰۰۰ ودربولونی ۲۰۰۰۰ فاشیست برای اجرای دستورهای حزب وهر گونه فداکاری درمبارزه بامخالفین آماده‌شده بودند ودرژوییه ۱۹۲٤ گروههای حمله درشهر **نوارا**[۲] بفرماندهی **دووکشی**[۳] قدرت هر گونه اقدامی را کسب کرده‌بودند. روز ۱۹ ژوییه دولت فاکتا دربرابر رأی عدم اعتماد مجلس سقوط کردوهرج ومرج به کمال شدت رسید؛ خزانه کشور تهی شد ومامورین دولت محل کار خود را رها کردند و اعتصابات دامنه‌داردرسراسر کشور آغاز گردید. تحریکات شدید درسرسراهای پارلمان و محافل وابسته به پارلمان ادامه یافت . صندوقهای کارگری وادارات جراید وشرکتهای تعاونی سوسیالیستی وامثال آنها پی‌درپی مورد نهب وغارت قرار گرفت ودرچنان وضع ناگواری هیچیك ازرجال سیاسی مانندارلاندو، بونومی ؛ مدا،[٤] ناوا[٥] و امثال آنان موفق

۱- Giurati ۲- Novara ۳- de Vecchi ٤- Meda ٥- Nava

به‌تشکیل کابینه‌نشدند وتدابیر آنان برای‌الفت احزاب بـایکدیگـروتخفیف بحران به نتیجه نرسید . روز۳۰ ژوییه توراتی ازشاه‌خواست که‌اختیارات‌کامل به حزب سوسیالیست یا ارلاندو ویا دوزنیکلابدهد ودولت‌جدید بدون ارفاق نسبت به فاشیستها در کمال‌قدرت زمام اموررا دردست بگیرد و برای وادارساختن شاه بقبول درخواست خود روز۳۱ ژوییه اعتصاب عمومی را اعلام نمود . روزاول اوت فاکتا کابینه جدیدرا تشکیل داد ولی‌جبهه مؤتلف کار مرکب ازسوسیالیستها و کمونیستها وجمهوریخواهان باعتصاب ادامه‌دادند . موسولینی دولت را تهدید کرد باینکه اگر دربرابرجبهه مؤتلف عکس‌العمل شدید و فوری نشان ندهد حزب فاشیست وظایف دولت را درین‌باره انجام خواهد داد . روزسوم اوت، علیرغم‌حوادث خونین ناگواری که ناشی ازاعتصابات غیرمشخص‌بود؛ افراد حزب فاشیست در سرویسهای عمومی وحتی سازمان پلیس کشورجـای اعتصاب کنندگان را گرفتند وتا روز۸ اوت بتدریج براوضاع مسلط شدند . اعتصاب پایان یافت درحالیکـه مارکسیست‌ها(کمونیستهاوسوسیالیستهای‌افراطی) بکلی شکست خورده بودند ودربرابر قدرت موسولینی فقط فاکتا نخست وزیر کشورباقی مانده بود .

موسولینی برفعالیت خود وتعداد کنگره‌های حزبی افزود؛ در کنگره حزب که دراودین[1] روز۲۰ سپتامبر تشکیل گردید موسولینی طی نطق درباره‌شرایط کـارو روح ایتالیائی واحیای عظمت روم قدیـم این نکته را افـزود کـه شاه میتواند نقطه‌اتکـای اخلاقی برای تمام افراد ایتالیائی باشد . روز اول اکتبرچندین هزار فاشیست بـه شهر بوتزن[2] (درمرزایتالیا واتریش) حمله وشهردررا مجبور کردند که پرچم‌ایتالیارابرفراز شهرداری نصب ونامهای اتریشی خیابانها و محلات شهررا بنامهای ایتالیائی مبدل کند

۱- Udine ۲- Botzen

وبالاخره روز۲٤ اکتبر ۵۰۰۰۰ فاشیست درناپولی گردآمدندوموسولینی طی نطق پرشوری انزجارخود را ازمقامات کوچکی که دردستگاه حکومت باوپیشنهاد شده بود ابرازنمود و گفت که بایداداره وزارتخانه‌های مهم کشور به‌فاشیستها واگذار شود. وی درین شهراز افرادعادی و گروههای‌مسلح حزب، که‌بصورت‌رسد ودسته‌های صد نفری و گروه ولژیون متشکل شده‌بودند، سان دید و درین بازدید اعضاء ستاد حزب یعنی **دوبونو**[۱] فرمانده نیروی مسلح، **میکل بیانشی**[۲] دبیرحزب ، دووکشی و **بالبو**[۳] و **تروتسی**[٤] و **فاریناکسی**[۵] و **ستاراس**[٦] و **ایگلیوری**[۷] وامثال آنان حضورداشتند . پس اززرژه درخیابانهای‌شهرهریك ازدسته‌های حزبی به‌شهرخود باز گشتند.

پیشروی بسوی رم

فاکتا برای ایستادگی دربرابرقشرمتشکل وفشرده ومسلح‌مردم تکیه گاهی‌درمیان‌طبقات‌سرمایه‌دارجستجو وسعی کرد دانونتسیو رابرم برگرداند واورا دربرابرموسولینی تقویت و برای مبارزه با فاشیستها آماده کند، وی‌شهرت‌داده بود که‌ارتش ایتالیابااقدامات فاشیستها جداً مخالف است اما موسولینی‌قبلاتصمیم‌خودرا گرفته بود. روز۲٦ اکتبراتمام حجتی برای‌فاکتا فرستاد وازاوخواست که‌درظرف٤۸ساعت‌استعفا کند، فاکتابصلاحدید **سالاندرا**[۸] کناررفت‌ولی تا تعیین رئیس دولت جدیداداره امورجاری کشوررا برعهده گرفت و شاه که روز۲۷ اکتبراز**سان روسور**[۹] مقردائمی خود بپایتخت وارد شد درصدد

۱- de Bono ۲- Michel Bianchi ۳- Balbo ٤- Terruzzi ۵- Farinacci

٦- Starace ۷- Igliori

۸- Antonio Salandra سیاستمدارایتالیائی که از۱۹۱٤ تا۱۹۱۷ نخست وزیرودرآغاز امر بیطرف بودو بعداً بسیاست متفقین گرائید ـم.

۹- San Rossore

انتخاب جانشینی برای فاکتا برآمد .

درین موقع موسولینی درمرحله اقدامات نهائی خود برای کسب قدرت‌وحکومت بود . گروههای حمله فاشیست آماده کاربودند وبدستورموسولینی ارتباط راه‌آهن‌پایتخت وغالب‌شهرهای مهم ونیزروابط‌تلفنی آنها قطع و۶۰۰۰۰ نفرفاشیست در **سانتامارینلا**[1] و **مونته‌رتوندو**[2] و **تیولی**[3] در ۵۰ کیلومتری رم متمرکزشدودسته‌های دیگری ازفاشیستها بعضی ازشهرهای مهم را تصرف کرده آماده مبارزه وجنگ‌احتمالی با کمونیستهای‌جنوب ایتالیا بودند . موسولینی واصحاب چهارگانه او(**دوبونو، بالبو، دووکشی، یانشی**) در **پروز**[4] مانورحزبی را رهبری می کردند . افواج‌ودسته‌های مسلح حزب فاشیست روز ۲۷ به رم نزدیك شدند و**فاکتا** عصرروز۲۷، بدون‌مشورت‌باشاه، درپایتخت حالت جنگ اعلام‌ودرخیابانها ومعابرونقاط حساس شهروسائل دفاع برقرارنمود ولی شاه که سحرگاه روز۲۸ ازاقدامات فاکتا مطلع شد باتصمیم اومخالفت ورزید ودووکشی که ازجانب موسولینی برم‌آمده‌بود بشاه یادآوری کرد کداگرحالت‌جنگ پایتخت ادامه یابدمبارزه فاشیستم متوجه تخت وتاج سلطنت نیزخواهد شد وبهمین علل ظهر روز ۲۸ بدستورشاه بحالت جنگ پایتخت پایان‌داده شد . شاه‌مایل‌بود که سالاندرا به نخست‌وزیری‌منصوب وچهارپست‌درهیئت دولت‌به‌فاشیستها واگذارشودولی موسولینی، که‌برای حفظ آزادی‌عمل خود هنوز درپروزمانده بود، ازقبول پیشنهاد شاه امتناع ورزید و خواستار نخست‌وزیری گردید ولی همینکه شاه اورا برای مذاکره برم خواند ازحضوردرپایتخت نیزخودداری کرد وسرانجام ، هنگامیکه دسته‌ها وافواج فاشیست کم کم‌وارد پایتخت میشدند. عصر روز۲۹ موسولینی نامزد نخست وزیری گردید وطی ملاقات باشاه لیست وزیران کابینه

۱ - Santa Marinella ۲ - Monte Rotondo ۳ - Tivoli ۴ - Perouse

خود را بشاه عرضه داشت و باصرارشاه برای چندپست وزارت اشخاصی غیر از اعضاء حزب فاشیست نامزد شدند. موسولینی روز ۳۱ اکتبر لژیونهای فاشیست را دررم (**شهر جاویدان**) سان دید وسپس لژیونها ازبراابراورژه رفتند و بجزچند دسته که بعنوان پادگان درنقاط مختلف پایتخت مستقرشدند بقیه بمسقط الرأس خود بازگشتند و باین ترتیب حزب فاشیست بدون خونریزی حکومت را بدست آورد .

فصل دوم

زمامداری موسولینی تا آغاز جنگ جهانی دوم

موسولینی برمسند حکومت

کابینه‌ای که موسولینی به‌مجلس معرفی کرد و با کسب اختیارات کامل مورد تایید ۳۰۶ نفر در برابر ۱۱۶ مخالف و ۶ ممتنع قرار گرفت، مرکب بود از سه وزیر فاشیست و سه وزیر دموکرات و یك ناسیونالیست و دو وزیر از حزب پوپولر و یك وزیر از لیبرالها وچندتن ازعناصر بیطرف متمایل به راست ودرین کابینه علاوه بر نخست‌وزیری، وزارت کشور وسرپرستی وزارت امور خارجه با خود موسولینی بود و از نخست وزیران سابق که‌این‌زمان نماینده مجلس بودند **جیولیتی و بونومی و سالاندرا و دوینکلا** بکابینه‌رأی موافق دادند وبزودی عده زیادی ازصاحبمنصبان عالیرتبه دولت بحزب‌فاشیست پیوستند ولی **کنت اسفورتسا** سفیر کبیر ایتالیا درپاریس ازمقام خود کناره گیری کرد.

هنوز اغتشاشات وناامنی براثرافراطوتندروی مقامات‌محلی فاشیست‌درشهرستانها باقی‌بود و موسولینی تصفیه کشور را از عناصر مخالف آغاز کرد و تـامدتی با بیرحمی

ادامه داد ولی روز ۲۲ دسامبر فرمان عفو عمومی درمورد مجرمین سیاسی صادر گردید و در آغاز سال ۱۹۲۳ دولت فاشیست برنامه اصلاحات سیاسی و اقتصادی و مالی کشور را طرح و اجرای آنرا آغاز نمود. از آن برنامه موضوع تقلیل سازمانهای کشوری و اخراج عده کثیری از کارمندان دولت بمنظور صرفه جوئی درخزانهٔ کشور، که طی هرج و مرج سالهای گذشته به یغما رفته بود ، بمرحله اجرا درآمد سپس موسولینی دسته‌ها و افواج ولژیونهای مسلح حزبی را تقویت کرد و سازمان پلیس جدید از اعضاء حزب در برابر پلیس کشور بوجود آورد. این اقدامات بعضی از محافل سیاسی و حزبی را به مخالفت با دولت برانگیخت و از جمله کاتولیکها در مقام مبارزه برآمدند. وزیران پوپولر در آوریل پست خودرا ترك گفتند و باردیگر حوادث ناگوار در گوشه و کنار کشور بوقوع پیوست و از جمله خانه **نی تی** غارت شد .

موسولینی برای جلب رضایت عمومی مسئله انتخابات را پیش کشید و طرحی تهیه کرد که طبق آن هرحزبی که ۳۵ درصد آراء بدست می آورد اکثریت پارلمان را تشکیل میداد و حق اولویت داشت. این طرح در جلسه ۱۳ دسامبر ۱۹۲۳ مجلس بتصویب رسید و مجلس درژانویه ۱۹۲۴ منحل و در انتخابات ۶ آوریل ۱۹۲۴، که طبق قانون جدید انجام گرفت، ۳۵۵ فاشیست دربرابر ۱۵۰ مخالف بنمایندگی انتخاب شدند و حزب **پوپولر** از شرکت در انتخابات امتناع ورزید . اندکی قبل از انتخابات مجلس، انتخابات انجمنهای شهر صورت گرفت و ۵۰۰۰ پست در انجمنها نصیب فاشیستها گردید.

حادثه کرفو[1]

درماه اوت ۱۹۲۳، ژنرال **تلینی**[2] ایتالیائی و همراهان او که برای تجدید حدود آلبانی درمرزهای این کشور با یونان مشغول کار بودند درمحل **ژانینا**[3] (شهر مرزی یونان) بقتل رسیدند. موسولینی

۱- Corfou از جزایر متعلق به یونان دردریای ایونی ازشاخه‌های مدیترانه شرقی ـ م.

۲- Tellini ۳- Janina

فوراً جزیره کرفو را بمباران و تصرف کرد و اتمام حجتی برای دولت یونان فرستاد. بعضی از دول بزرگ، که مایل بودند میزان قدرت و درجهٔ نفوذ جامعه ملل را آزمایش کنند، جامعه را بمداخله در این امر کشاندند و جامعه ملل و کمیسیونی از نمایندگان سیاسی دو کشور که مامور رسیدگی به حادثه ژانینا شده بود اعلام کردند که مستقیماً موضوع را حل و فصل خواهند کرد ولی موسولینی که این پیش آمد را برای تحریک احساسات و غرور ملی و ناسیونالیسم ملت ایتالیا مناسب میدید از قبول پیشنهاد جامعه ملل سر باززد و جامعه را به کناره گیری ایتالیا از جامعه تهدید و اعلام نمود که فقط کمیسیون مامور رسیدگی میتواند باین امر رسیدگی کند. کمیسیون که تابع تمایلات ایتالیا بود بنفع ایتالیا رأی داد. دولت یونان رسماً از دولت ایتالیا عذرخواهی کرد و ۵۰ میلیون لیره برای تضمین خونبهای مقتولین بیکی از بانکهای سویس سپرد و نیروی ایتالیا روز ۲۷ سپتامبر ۱۹۲۳ جزیره کرفو را تخلیه کردند کمیسیون بین‌المللی منتخب از طرف جامعه ملل برای تحقیق و بازرسی درین امر نتوانست قاتلین و محرکین را پیدا کند و در نتیجه ۵۰ میلیون لیره نصیب ایتالیا گردید و این موفقیت بیش از پیش بر قدرت حزب و حکومت فاشیست افزود.

مسئله ماتئوتی[1] **توراتی** وازجانب دموکراتها برهبری **امندلا**[2] به دولت میشد روز ۳۰ مه ۱۹۲۴ یکی از نمایندگان سوسیالیست بنام **ماتئوتی** دولت را درباره عملیات حزب فاشیست استیضاح و روز ۴ ژوئن نطق شدید اللحنی بر علیه موسولینی ایراد کرد و شش روز بعد ناگهان ناپدید شد. پس از چند هفته جستجو جسد او را یافتند و معلوم شد که بدست گروهی از فاشیستها بفرماندهی **امریگو دومینی**[3]، که از آدمکشان مشهور

۱- Matteoti ۲- Amendola ۳- Amerigo Dumini

بود و بآدمکشی مباهات وخود اظهار می کرد که۹نفررا کشته است، بقتل رسیده بود .هر چند که موسولینی بلافاصله بعدازناپدیدشدن‌ماته‌اوتی طی اعلامیه‌هائی نسبت به‌سلامتی اوبمردم امیدواری میداد ولی افکارعمومی، رئیس دولت وچندتن ازاطرافیان او بخصوص ژنرال[1] **بونو** رئیس امنیت کشور و **سزار رسی**[2] رئیس‌مطبوعات و **مارینلی**[3] دبیر کل اداری حزب وامثال آنانرا در حادثه‌ناپدیدشدن نماینده‌سوسیالیست‌دخیل‌میدانست. نمایندگان مخالف ازاکثریت جداشده و ازشرکت درجلسات مجلس خودداری کردند .

جنبشها‌وحوادثی که روی‌داد نشانه‌ای‌ازنارضایتی عمومی واین‌عدم رضایت درحزب فاشیست‌نیزمشهود بودچنانکه‌عده‌ای ازاعضاء تصفیه‌حزب را ازپاره‌ای عناصروحتی‌شخص موسولینی خواستاربودند . **فورتسی**[4] معاون‌وزارت کشوروسپس **رسی** و **بونو** مجبور به‌استعفا شدند ولی موسولینی‌توانست درمقام خود باقی بماند . پس از بازگشت شاه از اسپانیا در۱۶ ژوئن، اقلیت مخالف درمجلس یادداشتی برای شاه فرستادند ومسائل روز بدون استعفای رئیس دولت حل شد بدین ترتیب که‌موسولینی پست وزارت کشور را که خود برعهده داشت به **فدرتسونی**[5] (از سوسیالیستها) سپرد ومارینلی وروسی وداروودسته دومیئی‌را دستگیروزندانی کرد وروز۲۳ ژوئن، با استفاده‌ازانحرافاتی که درتصمیم اقلیت پس‌از اقدامات‌اخیروی‌روی داده‌بود، درمجلس‌سناطی نطقی انصراف‌خود را ازروش‌سیاسی گذشته‌اعلام نمود وباردیگررئیس دولت مورد تایید سنا قرار گرفت . اما پس از کشف جسدماته‌اوتی در۱۴ اوت باردیگرموجی‌ازاحساسات مخالفت با حزب فاشیست برخاست واین مخالفتها بعدازانتشاریادداشتهای روسی، که درآن‌موسولینی را به شرکت درتوطئه قتل ماته اوتی متهم ساخته بود، شدت یافت . روز۲۸ اکتبر که بمناسبت یادبود پیروزی درجنگ اول تظاهراتی درسراسر کشور بعمل‌آمد این تظاهرات باهرج‌و مرج و زدو-

۱- Bono ۲- Cesare Rossi ۳- Marinelli ٤- Furzi ٥- Federzoni

خوردهای شدیدتوأم بود . درماه دسامبرموسولینی فرمان برقراری سانسوردرمطبوعات و تجهیزافراد غیرنظامی را صادر کرد وچون سه وزیراز کابینه خارج شدند سران حزب فاشیست بتصور آنکه موسولینی سقوط خواهد کـرد برسرجانشینی او و پستهای وزارت بمبارزه برخاستند ولی موسولینی روز۳ژانویه۱۹۲۵ اعلام نمود کـهدرمقام نخستوزیری اداره کلیه امور کشوررا شخصاً برعهده خواهد گرفت و باین ترتیب بهمشاجره و کشمکش سران حزب پایانداد واقلیت مخالف نیزازپیروزی برموسولینی نومید شدند . غائله قتل ماته اوتی نیزروز۲٤ مارس۱۹۲۵ باتبرئه دونفرومحکومیت سهتن از متهمین بقتل خاتمه پذیرفت ولی کلیه کسانی که درطی حادثه قتل از کاربرکناریا محکوم به زندان یامرك شده بودند بتدریج مورد عفوقرار گرفتند وغالب آنان به مشاغل اولیه یا مقامات دیگر منصوب شدند .

دیکتاتوری

سازمانهای فاشیستی باشدت بمبارزه بامخالفین برخاستند و تمام سال۱۹۲۵صرفاینمبارزاتشد. دراوایل اکتبرلژهایفراماسونی حذف ودرآغازنوامبر کلیه شاخههاوحوزههایوحزبسوسیالیست منحل گردید.در٤ نوامبر **تسانیبونی**[۱] نمایندهسابق سوسیالیستمجلس باتهامسوءقصدبرعلیه نخست وزیردستگیرشد ولی این مسئله ناشی ازپرونده سازیومقدمهای بود برای تصویب قانون ۲۱ دسامبر۱۹۲۵ مبنی برتحریم هر گونه مقاومت ویامخالفت دربرابررئیسدولت. بموجب قانون مصوب ۲٤ دسامبر اختیارات نامحدودی به رئیس دولت تفویض گردیـد ، موسولینی روز۱۷ ژانویه ۱۹۲٦ طی فرمانیانتخاب نمایندگان مخالف سابق مجلس را بنمایندگیممنوع واعتبارنامه آنان رالغو کرد. طبق قانون مصوب ۲٦ژانویهمطبوعات

۱- Zaniboni

محدود و بنا بر قانون جدید تا بعیت مصوب ۲۹ ژانویه راه برای تعقیب مجرمین سیاسی پناهنده بخارج از کشور باز شد و در ٤ فوریه استقلال شهرداریها لغو گردید و از آن پس دیکتاتور ایتالیا دست به توقیف و حبس و تبعید[1] مخالفان سیاسی و جلوگیری از انتشار جراید مخالف زد و در دانشگاه رم کنگره فلسفه را که موضوع تعلیمات عالیه و بحث درباره آزادی را در دستور کار خود قرار داده بود بست. توطئه و سوءقصد بر علیه موسولینی، علیرغم اقدامات او، توسعه می یافت. روز ۷ آوریل ۱۹۲٦ پیرزن آیرلندی نژاد بنام **ویولت گیبسن**[2] بروی **دوچه**[3] (موسولینی) شلیك و بینی او را زخمی کرد و روز ۱۱ سپتامبر بهمی بوسیله یك آنارشیست بطرف او پرتاب شد و روز ۳۱ اکتبر یکنفر کمونیست در شهر **بولونی** با رولور بسوی دوچه شلیك کرد و هریك از این سوءقصدها باعکس العملی که حزب فاشیست نشان میداد براستحکام مقام و قدرت دیکتاتور میافزود. از روز ۲ نوامبر مجازات اعدام درباره کسانی که نسبت به حیات یا آزادی شخصی رئیس دولت سوءقصد میکردند برقرار و طبق قانون امنیت کشور مورخ ۹ نوامبر دادگاههای اختصاصی برای محاکمه خارج از نوبت کسانی که مرتکب جرائمی بر علیه ملت میشدند تأسیس گردید. از آن پس بتدریج مقاومت مخالفین کمتر و حوادث محلی و مقاومتهای کوچك درهم شکسته شد و از انتشارات اخبار مربوط بآنها درجراید جلوگیری میشد و هر روز بوسیله ای از قبیل انتشار اعلامیه یا سکه های یادگاری و مانند آنها مردم را سرگرم می کردند. اما خارج از کشور ایتالیا عناصر ضد فاشیسم آزادانه خود را برای مبارزه آماده می کردند چنانکه در ۱۲ آوریل ۱۹۲۸ ماشین مخصوص حمل مواد منفجره که در **میلانو** برای پادشاه ایتالیا ساخته میشد منفجر گردید و ٤۰ نفر را کشت.

---

۱ ـ غالب تبعید شدگان را به جزیره پانتلریا Pantelleria یا (پانتلاریا) از جزایر ایتالیا واقع بین سیسیل و ساحل افریقا میفرستادند. ۲ـ Violette Gibson ۳ـ Duce لقبی بود که فاشیستها به رهبر خود دادند.

مخالفت ومقاومتهای پارلمانی نیز براثر اجرای قانون جدیدانتخابات مصوب ۱۶ مارس ۱۹۲۸ ازمیان‌رفت و ازمخالفین فقط **گیولیتی** درمقابل موسولینی باقی‌ماند. روز ۲۱ ژانویه ۱۹۲۹ بعنوان‌اینکه باید ازآراء عامه‌درامور کشور آگاه گردید مجلس منحل‌شد ودرانتخابات جدید ۸۵۰۶۵۷۶ نفردربرابر ۱۳۶۰۹۸ نفرمخالف‌به لیست انتخاباتی حزب فاشیست رأی دادند و ۴۰۰ کرسی مجلس نصیب این حزب گردید.

تغییر اعضای دولت و استقرار رژیم حکومت فاشیستی

موسولینی، که‌درژانویه ۱۹۲۹ وزارت‌مستعمرات‌را برمشاغل‌متعدد خویش افزوده بود، در ۱۴ سپتامبر ۱۹۲۹ طی ترمیم کابینه هفت پست ازهشت پست وزارتی راکه شخصاً برعهده داشت رها کردو فقط زمام‌وزارت کشوررا کماکان‌دردست‌خود نگهداشت‌وبتدریج سران حزب فاشیست‌را بمقامات‌حساس گماشت. دراکتبر ۱۹۳۰ گیوراتی بجای توراتی به‌دبیری کل حزب‌فاشیست منصوب گردید ودرژوئیه ۱۹۳۲ باردیگرموسولینی‌زمام‌وزارت امورخارجه ووزارت‌اصناف‌وامثال‌آنراشخصاً دردست گرفت. انتصاب اشخاص‌بمقامات حساس دولتی‌ازطرف‌دیکتاتوربدان‌منظوربود که رجال سیاسی مومن باصول ومرام سیاسی حزب تربیت‌شوندوتغییروتبدیل پی‌درپی‌اعضای دولت برای‌آن بود که کسی براثرتثبیت مقام و کسب وجهه ملی ونفوذ شخصی دربرابر دیکتاتورایتالیا مانع‌ایجاد نکند وبرقدرت‌بی‌انتهای اوسایه نیاندازد وبهمین‌علت بود که موسولینی تا ۲۴ ژانویه ۱۹۳۵ بتدریج امورهفت وزارتخانه را ازسیزده وزارتخانه‌ایتالیا شخصاً برعهده گرفت وپستهای دیگرکابینه را به رهبران سندیکاهای فاشیستی ازقبیل **راتسو**[1] **و بونی وروسونی**[2] سپرد.

هرچند که موسولینی تاج وتخت ایتالیا را رای ویتوریوامانوئله سوم (ازخانواده

---

۱ – Razzo　۲ – Rossoni

ساووا[1]) حفظ کرد ولی بموجب قوانینی که ازپارلمان گذرانید اختیارات سلطنتی رامحدود وقدرت رابخودمنحصر نمود. طبق قانون مصوب ۹ دسامبر ۱۹۲۸ حق قانون گزاری به شورایعالی حـزب فاشیست اعطا ودولت ایتالیا درحقیقت درحزب فاشیست مستهلك وحزب قائمقام سلطنت گردید . حیات سیاسی واقتصادی کشور با تشکیل اتحادیه‌های صنفی بیکدیگر بستگی کامل یافت . طبق قانون کارمصوب ۲۱ آوریل ۱۹۲۷، که درآن وظایف وحقوق طبقات مختلف کارگران تعیین شده بود، اعتصاب برای کارگر واخراج کارگر برای کارفرما وائتلاف سندیکاهای کارفرمایان و کارگران با اتحادیه‌های ایالتی وولایتی وسندیکاهای شهری وروستائی ممنوع و نظارت کارگران برمحصولات وهفته چهل ساعت کار وامثال آن ممنوع ونیزطبق قانون انتخابات مصوب ۱۶ مارس ۱۹۲۸ نقش موثر اتحادیه‌های صنفی در انتخابات تثبیت گردید.

تشکیلات وسازمانهای صنفی، که بیشتر جنبه ظاهرسازی داشت، مانع از بروز اختلاف و کشمکش بین کارگروکارفرما نگردیدومسائلی ازقبیل مسئله مالکیت همچنان لاینحل ماندوفقط زورسر نیزه وقدرت تهدید آمیزدولت بود که تشکیلات جدیدرا ازتزلزل وسقوط حفظ می کرد. در زمینه کشاورزی، دولت کشاورزی علمی وصنعتی رامعمول و کارفردی زارعین را به کنار دسته جمعی وتعاونی مبدل نمودوطرحی برای آبیاری ومزروع کردن اراضی بایر و خشکانیدن باتلاقها ومانندآن تهیه نمود وبمورد اجرا گذاشت.

امورمالی

موسولینی باایتالیای فقیری که هرج ومرج سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۲ وسوء سیاست مالی دولتهای لیبرال برفقر و شوربختی آن افزوده بود مواجه وتقویت بنیه مالی کشورومبارزه باعوامل فقرعمومی مورد توجه کامل موسولینی بود . دربودجه سال مالی ۲۲-۱۹۲۰ درحدود ۶۴۹۵ میلیون ودربودجه

۱- Savoie

سال مالی ۲۳-۱۹۲۲ درحدود ۹۶۴۲میلیون لیر کسر درآمد وجودداشت وموسولینی در بودجه سال‌مالی ۲۴-۱۹۲۳ باحذف انحصارهای دخانیات و کبریت‌ونمك و کارت‌بازی وقهوه و بیمه و تقلیل عده کارمندان دولت (درحدود ۴۰هزار نفر) وصرفه‌جوئی در مخارج زائدادارات و بنگاههای دولتی وتدابیر مالی‌دیگر مبلغ‌معتنابهی از کسر بودجه‌را جبران کردولی برای اجرای برنامه‌های‌عمرانی وتولیدی‌وتشکیلاتی کشور احتیاج به‌استقراض ازخارج وداخل کشور داشت . موسولینی به‌تقویت شرکتها ومؤسسات مالی عمده ایتالیا همت گماشت ودرحقیقت وضع مالیه کشور را باروش کارآن موسسات‌مطابقت‌دادواین‌امر درتقویت بنیه مالی دولت مؤثر شد . لیرایتالیا که‌بهای ارزی‌آن‌در برابر لیره انگلیسی هر ۱۵۰لیر معادل‌یك‌لیره‌انگلیسی‌بود تا۲۱دسامبر ۱۹۲۷ به۹۲/۴۶لیرمعادل‌یك‌لیره‌رسید واین‌نرخ تثبیت گردید .

بحران اقتصادی‌جهانی، که‌درسال ۱۹۲۹ نخست‌دراتازونی‌بروز کرد، درسال ۱۹۳۱ بایتالیانیزسرایت کرد و۷۰۰هزار نفر کارگر بیکار شدند. دولت‌ایتالیا درصددچاره‌جوئی برآمد وباردیگر به‌تقلیل‌نرخ کالاهای صادراتی و کاهش دستمزدها وحقوق کارکنان‌و کارمندان دولت ونیز به‌پائین‌آوردن اجباری مال‌الاجاره وقیمت موادغذائی ومواددیگر مورد احتیاج عمومی پرداخت و تا حدی از حدت بحران اقتصادی کاست ولی تهیه مقدمات حمله به‌حبشه واشغال آن کشور و تحمیل هزینه‌های هنگفت جنگی بربودجه کشور مانع ازآن گردید که وضع مالی وبهای‌لیر ثابت بماند ولیر ایتالیا هر چند که ظاهراً درنرخ معینی تثبیت‌شده بود ولی بمقتضای‌عرضه وتقاضای بازارهای تجارتی‌داخل کشور ویا زیادی و کمی عده جهانگردانی که معمولا همه ساله بایتالیا میرفتند ارزش معاملاتی‌لیر پیوسته درحال تغییربود .

روابط دولت فاشیست با پاپ و مقامات مذهبی

حزب فاشیست ، بمنظور تربیت نسل جوان ایتالیا براساس ایمان به مسلك ومرام فاشیستی ودور نگهداشتن آنان از نفوذ کلیسا و رژیم بورژوازی وافکار واندیشه‌های افراطی چپ، میلیونها پسرو دختر ازسن ٦سال ببالا را در تشکیلات نیمه نظامی که علامت مخصوص آن تصویر کتاب وتفنك بنام **بالیلا** [1] بود گردآوردواز سال ۱۹۲۹این تشکیلات بصورت رسمی درآمد واین امر موجب اعتراض کلیسا و بروز اختلاف و کشمکش میان دولت وجامعه کاتولیك و پاپ گردید . از۱۹۲۸تااوائل سال ۱۹۲۹ کشمکش ومجادله بین پاپ وموسولینی ادامه داشت ودر ۱۱ فوریه ۱۹۲۹ باامضای قرارداد وموافقت نامه‌ای بنام **لاتران** [2] بین کاردینال **گاسپاری** [3] نماینده پاپ وموسولینی پایان یافت.

قرارداد لاتران حاوی سه‌قسمت بود : بموجب مواد قسمت اول، که جنبه سیاسی داشت، پاپ بعنوان یك سلطان مستقل کاخ واتیکان وقسمتی از کلیسای لاتران راتصرف کرد ومصونیت سیاسی وبین‌المللی پاپ ازطرف دولت ایتالیا تایید وتضمین گردید وپاپ متعهد شد که درروابط ومناسبات سیاسی بین ممالك جهان بهیچوجه دخالت نکند ، عده‌سکنه کشور پاپ وحدود آن دقیقاً تعیین گردید، سفرای کبار واتیکان درممالك دیگر میبایستی دارای ملیت و تابعیت ایتالیائی باشند . قسمت دوم موافقتنامه حدود مناسبات بین دولت ایتالیا ودربار پاپ راتعیین نمود وبموجب آن دین کاتولیك مذهب رسمی ایتالیا شناخته‌شد. قسمت سوم مربوط به مسائل مـالی بود ؛ دولت ایتالیا ۷۵۰ میلیون لیر بپاپ تسلیم و اعتباری بمبلغ یك میلیارد لیر بافرع ۵٪ بپاپ اختصاص دادودرحقیقت مالیه دربار واتیکان

۱- Ballila ۲- Latran ۳- Gasparri

تحت‌الشعاع مالیه‌ایتالیا قرار گرفت .

قرارداد لاتران که بیشتر بنفع ایتالیا بودبه‌حسن‌شهرت‌سیاسی موسولینی وبالا بردن موقعیت جهانی او کمك کرد وظاهراً اختلاف بین پاپ وایتالیا پایان یافت . پاپ معتقد بود که باعقد قرار داد لاتران ایتالیا رابصورت یك کشور صددرصد کاتولیك درآورده ولی موسولینی باتأثیر و نفوذ مذهب کاتولیك برفاشیسم مخالف و معتقد بود که هرفرد ایتالیائی قبل ازآنکه یك کاتولیك باشد باید یکنفرفاشیست مؤمن باصول‌حزبی باشد. پاپ در۱۵ مـه‌اعلام کرد که وظیفه تعلیم وتربیت مجدداً به کلیسا و خانواده ها محول شده ودولت درین‌باره مسئولیتی‌ندارد ودرین زمینه به کتب وانتشاراتی که برتری مذهب کاتولیك را برفاشیسم ثابت می کرد اشاره نمود . موسولینی دربرابر گفته‌های پاپ‌طی نطقی گفت: « **من‌فرزندان این آب و خاك راازروزتولد دراختیارمی‌گیرم و تا ساعت مرگ‌آنانرارها نخواهم‌کرد زیرا فقط پس‌ازمرگ‌است‌که افراد به پاپ وکلیسا تعلق دارند** ».

اسناد قراردادو موافقتنامه‌لاتران درمحیط غیر دوستانه‌ای در۷ ژوئن ۱۹۲۹ ، پس ازتصویب وامضای مقامات رسمی‌طرفین، مبادله گردیدونخستین بارنماینده سیاسی‌ازطرف دولت ایتالیابه‌دربارپاپ اعزام‌شدواین‌نماینده **دووکشی**[1] ازسران فعال حزب‌فاشیست و خطیبی تندزبان بود که پاپ نتوانست باپذیرش اومخالفت کند ولی برای استفاده ازمقام ونفوذخود به‌تقویت جمعیت‌های‌نهضت کاتولیك، که کمتر ازسایر افراد ومجامع‌ایتالیائی زیرنفوذ فاشیسم رفته‌بودند ، همت گماشت . موسولینی برای‌آنکه اقدامات پاپ‌راخنثی کند درماه سپتامبر۱۹۲۹ مطبوعات‌زیرنفوذ خودرا برانگیخت تاپاپ‌و کلیسا رابمناسبت دخالت‌درامورسیاسی، که‌درست برخلاف‌قراردادلاتران‌بود، مورد حملات شدیدقراردهند .

۱ - de Vecchi

پاپ برای مقابله بمثل درمورد مسافرت موسولینی بـه واتیکان بهمراهی شاه که روز ۵ دسامبر ۱۹۲۹ انجام گرفت مشکلاتی ایجاد کردوروز ۲۰ دسامبر، بدون اطلاع قبلی مقامات دولت ایتالیا، بحال اعتراض ازواتیکان خارج شد. درژانویه ۱۹۳۰ پاپ منشوری درباره تعلیم وتربیت براصول کاتولیك صادر کرد وجمعیت‌های نهضت کاتولیك را بصورت تشکیلاتی شبیه سندیکاهای صنفی درآورد. موسولینی اقدامات پاپ را بمنزله حمله مستقیم به تعلیم وتربیت واصول آموزش فاشیستی تلقی کرد و روز ۳۰ مه ۱۹۳۱ کلیه مجامع جوانان کاتولیك وابسته به کلیسا وپاپ را منحل کرد و مراکز اجتماع آنانرا بست و از آن تاریخ جامعه روحانی، رهبری و ادارهٔ جمعیتهای کـاتولیك را به کشیشان هر حوزه واگذاشت.

قضاوت صحیح وقطعی درباره افکار عمومی نسبت باقدامات حکومت فاشیست و درجه رضایت مردم کارآسانی نبود . طبق قانون انتخابات مصوب ۱۷ مه ۱۹۲۸ رأی افراد فقط با «آری» یا «نه» نسبت به لیستهای انتخاباتی جمع آوری می‌شد ودرحقیقت انتخاب نمایندگان بطور دسته جمعی انجـام می گرفت . درانتخابات ۲۴ مارس ۱۹۲۹ مجلس ۱۰۱۴۵۴۷۷ رأی موافق در برابر ۱۵۲۰۱ مخالف به لیست ۴۰۰ نفری کاندیداهای حزب فاشیست ، که افراد آنرا شورای عالی حزب(بالاترین مقام رسمی در دولت فاشیستی) انتخاب کرده بود ، ازطرف مردم داده شد ؛ شورای عالی حزب در ۱۱ مارس ۱۹۳۸ تصمیم گرفت که مجلس رامنحل و بجـای آن مجلسی بنام مجلس افواج و اصناف مرکب از اعضای شورای ملی حزب فاشیست وشورای ملی اصناف تشکیل دهد ودرحقیقت اجتماع آن دوشوری قائممقام مجلس شورای ملی سابق گردد . افتتاح مجلس جدید درتاریخ ۲۳ مارس ۱۹۳۹ پیش بینی شده بود و باوجود برقرار شدن سانسور ونظارت شدید جنبشهای اعتراض آمیز برعلیه تصمیم شورای عالی حزب ازطرف عناصر مختلف در گوشه و کنار کشور

بروز کرد وهرجنبشی یکسلسله توقیف وحبس وتبعید بدنبال داشت .

نقش ایتالیا در بالکان و اروپای مرکزی

درآغاز امردعاوی حکومت‌فاشیست درمورد سیاست‌خارجی‌محدود وعبارت‌بوداز تسلط کامل‌سیاسی‌وبحری‌بردریای‌آدریاتیك وبدست آوردن منطقه نفوذ در اروپای مرکزی با حفظ روابط‌دوستانه با دول معظم‌دیگر اروپا.اما بعدازپیش‌آمدن حوادث**فیومه‌وکرفو**، که تقریباً بنفع ایتالیا پایان‌یافت ، حکومت رم‌دست اندازی به‌آلبانی را بمنظور استعمارآن کشور آغاز وبااستفاده ازاختلافات ونفاق داخلی آلبانی‌در تاریخ ۲۷ نوامبر۱۹۲۶و۲۲ نوامبر۱۹۲۷قراردادهائی باآن کشور منعقد نمود که‌بموجب آن دست ایتالیا بر کلیه شئون اداری آلبانی‌درازوپس‌ازآنکه‌درسال ۱۹۲۸ **احمدزوغو** رئیس جمهوری آلبانی بسلطنت منصوب گردید تغییراتی بنفع ایتالیا درامور مالی‌وشئون اداری ونظامی‌آلبانی داده شد ازاینقرار که **زوغو** تأمین اعتبارات کافی رابرای‌مصارفی که دولت ومستشاران ایتالیائی تعیین و برآن نظارت می کردند برعهده گرفت و اداره امور اصلی بانك ملی آلبانی بدست مقامات ایتالیائی افتاد . ارتش آلبانی باتشکیلات و تجهیزات جدیدزیرنظارت وفرماندهی افسران ایتالیائی قرار گرفت ، استحکامات‌تازه‌ای درمرزهای‌آلبانی بایوگسلاویا ویونان وراههای سوق‌الجیشی عمده آلبانی بوسیله ستاد ارتش ایتالیا ساخته‌شد ویك شرکت‌ایتالیائی بندر **دورازو**[1] درآلبانی رااصلاح‌نمود و تأسیسات آن بندر را بصورت جدید درآورد . درسال ۱۹۳۲ دول دیگر بالکان تلاش‌و کوشش بیفایده برای خارج کردن زوغو اززیر سلطه‌ونفوذ ایتالیا بکاربردند ودرسال ۱۹۳۶ موافقتنامه جدید مالی بین دو دولت آلبانی و ایتالیا تدوین و امضا شد و آخرین مرحله تحت الحمایگی آلبانی نسبت به ایتالیا طی آن موافقت نامه

۱- Durazzo

انجام یافت.

روابط ایتالیا و یوگسلاویا تامدتی بعلت نارضایتی یوگسلاویا ازسیاست خارجی ایتالیا تیره بود وموافقت هـای حاصله درباره بندر **فیومه** نیزازتیرگی روابط این دودولت چیزی نکاست. این وضع تاسال ۱۹۳۵ دوام یافت وباوجود آنکه دولت ایتالیامتهمین بقتل الکساندر پادشاه یوگسلاویا را ، که دربندرمارسی اتفاق افتاد(اکتبر ۱۹۳٤)، بخاك خود پناه داده بود مذاکره برای اصلاح روابط دو کشور همچنان ادامه یافت و به عقد قرارداد ۲۵مارس ۱۹۳۷ منجر گردید . طبق این قرارداد طرفین باخطوط مرزی موجود موافقت وتعهد کردند که ازهر نوع کمك به تجاوز بخاك متعاهد دیگرخودداری نمایند و برای بهبود و توسعه روابط اقتصادی بین دو کشور کوشش لازم بکاربرند . کنفرانس بالکان مرکب از کشورهای آن منطقه نیزخارج ازمذاکرات رسمی کنفرانس باایجادروابط دوستانه باایتالیا موافقت نمود .

رم مایل بود که نفوذ خود را در اروپای مرکزی بخصوص در ممالك اتریش و مجارستان بسط دهد وبهمین نظر درمارس ۱۹۳٤ ومارس ۱۹۳٦ پروتکلهائی بااین دو دولت امضا نمود ودرنتیجه این سیاست یك اتحاد کوچك سه جانبه بین ایتالیاودو کشور مزبور بوجود آمد . رؤسای دولتهای سه گانه بوسیله دیدوبازدیدهای دوستانه وبا رعایت مصالح خویش در کشورهای حوضهٔ دانوب (بالکان شمالی) در بهبود ؛ بسط روابط اقتصادی بین کشورهای خود می کوشیدند . هنگامی که **دلفوس** صدراعظم اتریش در ۲۵ ژوییه ۱۹۳٤، موقعی که عازم ملاقات باموسولینی بود، بدست نازیها بقتل رسید موسولینی چندین واحد بزرك ازارتش ایتالیا رادر معبر **برنر**[1] (مرز ایتالیا واتریش) متمرکز ساخت تا در صورت پیش آمد تازه‌ای ازطرف پیروان هیتلر دراتریش برای مقابله بـا آنان آماده باشد.

۱- Brenner

ایتالیا اتحاد اقتصادی اتریش‌وآلمان (آنشلوس[1]) را، که موجب تزلزل نفوذ ایتالیا در اروپای مرکزی وبالکان می گردید، با نارضایتی تلقی کرد. باوجود این **شوشنیگ و گمبوس**[2] نخست وزیران اتریش ومجارستان چندین بار برای ملاقات زعمای ایتالیا برم سفر کردند وپادشاه وملکه ایتالیا نیز درمه ۱۹۳۷ برای دیدار هورتی نایب السلطنه مجارستان **به بوداپست** رفتند .

روابط ایتالیا با دول بزرك

روابط ایتالیا بادول بزرك غربی دچار تحول بسیار گردید .ایتالیا از جنك اول بین‌المللی ببعد در کلیه مذاکرات مربوط به‌غرامات جنك وامنیت اروپا وتقلیل سلاحها شرکت کرده ودر کنفرانس بحری واشینگتن حق تساوی درنیروی دریائی بافرانسه بدست آورده ونیز قرار داد **لوکارنو** مربوط به قروض جنگی به‌انگلستان واتازونی را امضا نموده بود اما روابط ایندولت بافرانسه بعلت مخالفت افکار عمومی فرانسویان باایدئولوژی فاشیسم ایتالیا وحمایت فرانسه ازپناهندگان ضدفاشیست ایتالیائی بخاك آن کشور ونیز بسبب دعاوی مستعمراتی ایتالیا، که هرچندیکبار عنوان می‌شد، گرم وصمیمانه نبود .

ایتالیا باوجود اختلاف مسلکی باشوروی، حکومت شوروی رادرسال ۱۹۲٤ برسمیت شناخت و علیرغم مبارزات شدید مطبوعاتی که‌میان جراید این دو کشور جریان داشت رابط دوستی ومودت بین‌ملل شوروی وایتالیا برقرار بود .

ایتالیا اززمانیکه وضع اقتصادی خودرا بهبود بخشید ونیروی جنگی کافی بدست آورد وبه‌پیروزیهای چندی درعرصه سیاست اروپا نائل گردید در مشی سیاست خارجی خود تجدید نظر کرد وخودرا برخلاف فرانسه وانگلستان در ردیف ممالك پرجمعیت

۱- Anschluss ۲- Gomboes

قرار داد و بهمین‌ملاحظه، وبارعایت کمی وسعت خاك کشور، تسلط‌برمستعمرات‌وسیعی را لازم شمرد . جمعیت ایتالیا از۳۸ میلیون نفربه۴۳/۶۰۰/۰۰۰نفر درسال ۱۹۲۱رسید درحالیکه ۹میلیون‌ایتالیائی نیزدرخارج ازمیهن‌خود بسرمیبردند .ایتالیا برای قبولاندن حقانیت‌خوددرموردمستعمرات کم کم به‌آلمان، که‌مانند ایتالیادارای مردمی کثیرالتناسل و مملکتی پرسکنه وازلحاظ مسئلك وایده‌ئولوژی وطرزحکومت‌شبیه‌ایتالیابود، نزدیك می‌شد .

بعدازشکست‌مذاکرات خلع سلاح ،موسولینی‌درصددبرآمد که‌بعنوان حفظ صلح اروپا میان چهاردولت بزرك انگلیس‌وفرانسه وآلمان وایتالیا وحدتی بوجودآوردوپس‌از مذاکرات مفصل وطولانی پیمان چهار دولت در۷ ژوئن ۱۹۳۳ در رم بامضاء رسید ولی باخروج آلمان ازجامعه ملل آن‌پیمان ازهم گسیخته شد . موسولینی‌برای بهبودروابط ایتالیا وفرانسه دست باقدامات جدیدی‌زد ومذاکرات چهارروزه(از ٤تا۷ ژانویه۱۹۳۵) موسولینی ولاوال دررم بامضای موافقت‌نامه‌ای منجر گـردید که طبق آن طرفین درباره سیاست اروپائی وتجدید تسلیحات‌آلمان وهمکاری کامل بایکدیگر درموردجلوگیری ازتجاوز باتریش وتوصیه به‌کلیه همسایگان اتـریش درمورد عقد پیمان بمنظور تضمین استقلال وتمامیت خاك اتریش و نیز پاره‌ای تحولات ونقل وانتقالات مرزی در افریقای شرقی‌وشمالی (ازقبیل مرز تونس ولیبی‌وصومالی وغیره) وخط‌آهن‌آدیس‌آبابا (پایتخت حبشه) به بندر **جیبوتی** [1] ومانند آنهـا توافق حاصل کردند و درباره مسائل دیگر نیز در رم‌مذاکراتی بعمل آمد، ازقبیل مسئله بسط نفوذ ایتالیا درحبشه ، ولی به نتیجه ثابتی نرسید . اما توافق دودولت درمسائل مذکور درحقیقت تهیه مقدمه برای عقد یك

۱- Djibouti

قرارداد رسمی بود وچنین قراردادی هرگز بسته‌وامضا نشد وفقط توافق درباره خط آهن حبشه به جیبوتی بمرحله اجرا درآمد. مسئله حبشه درست هنگامی ورد زبان محافل سیاسی ومطبوعاتی اروپا بود که آلمان برهبری هیتلر با قدرت نظامی جدیدی در صحنه اروپا خودنمائی می کرد.

روز ۱۱ آوریل ۱۹۳۵ در **استرازا**[1] کنفرانسی مرکب از **رامسی ماکدونالد** و **جان‌سیمون** نمایندگان انگلیس، **لاوال** و**فلاندن** نمایندگان فرانسه، **موسولینی** و **آلوازی** و **سوویچ**[2] نمایندگان ایتالیا تشکیل گردید و بین سه‌دولت درباره‌مخالفت با تجدیدتسلیحات‌رنانی(درمغرب آلمان) وآنشلوس(الحاق‌اتریش به آلمان) وهمکاری‌متقابل برای‌حفظ صلح وموازنه قوادراروپا موافقت‌بعمل آمد ولی تصمیمات‌استرزاوسیاست‌مشترک سه دولت باشروع حمله ایتالیا به حبشه، که‌نشانهٔ‌انحراف آن دولت ازسیاست‌اروپائی بود، متوقف‌ماند.

جنگ حبشه

مدتها بود که بین پادگانهای ایتالیائی متمرکز درمرزحبشه وصومالی ایتالیا و جنگجویان غیرنظامی‌حبشی تصادماتی روی میداد و**تافاری**[3] (امپراطور آینده حبشه که باعنوان هیلاسلاسی بسلطنت آن کشورمنصوب گردید)درسال ۱۹۲۴ یکباردررم بامقامات‌ایتالیائی‌ملاقات کرد، روز ۱۵ نوامبر ۱۹۳۴ عده‌ای‌ازمردم حبشه به کنسولگری‌ایتالیا درشهر **گندار**[4] جمله بردند ودولت‌حبشه بدلخواه ایتالیا غرامت پرداخت ورسماً معذرت خواست. روز ۵ دسامبر ۱۹۳۴

۱- Stresa شهر کوچک ایتالیا کناردریاچه لمان ــ م.

۲- Suvitch ۳- Tafari

۴- Gondar

درمرزمشترك حبشه باصومالی ایتالیاوصومالی انگلیس درمحلی بنام**اوال اوال**[1] زدوخورد خونینی بین مرزداران حبشه‌وایتالیا در گرفت وتلاش طرفین برای تشخیص مسببین آن واقعه بی‌نتیجه‌ماند. دولت ایتالیا ازحبشه‌ادعای غرامت و عذرخواهی رسمی نمود ولی نجاشی امتناع ورزید وبه جامعه ملل شکایت کرد. حبشه‌در۲۸ سپتامبر۱۹۲۳، با کمك ایتالیا وعلیرغم انگلیس ومخالفت **وود**[2] نماینده آندولت درجامعه ملل، بعضویت جامعه پذیرفته شده بود و بنابه توصیه جامعه در۱۹ ژانویه۱۹۲۵ بین ایتالیا وحبشه درباره‌مرز حبشه‌وصومالی ایتالیا موافقتی بعمل آمد که طبق آن ناحیه اوال اوال منطقه بیطرف شناخته‌شد.

چون ایتالیا مصمم بود که ازوضع مساعد بنفع خود استفاده کند و با بسط نفوذ وسلطه خویش‌برحبشه حق‌اولویت را بدست‌آورد از۵تا۱۱ ژانویه۱۹۳۵ دو سپاه مجهز به‌حبشه‌روانه‌ساخت وافراد ذخیره‌طبقه یازدهم را برای۲۰ مارس بخدمت دعوت نمود. نیروهای اعزامی به**اریتره**[3] (مستعمره ایتالیا درافریقای شمال شرقی) وارد شدند ودولت حبشه برعلیه اعزام نیروی مزبورنخست بایتالیا اعتراض و سپس از جامعه ملل تقاضای رسیدگی نمود. اما جامعه‌بامسکوت گذاشتن موضوع ودفع‌الوقت توصیه کرد که‌موضوع ازطریق حکمیت حل شود ودرهمان‌حال دراریتره۱۰۰۰۰۰ ودرصومالی ایتالیا ۵۰۰۰۰ سربازایتالیائی مجهز به وسائل جدید جنگی متمرکزشده بودند. موسولینی مکرراعلام کرده بود که نسبت به جامعه ملل وفادارخواهد ماندومصالح ومنافع مشروع انگلستان را درافریقای شرقی محترم خواهد شمرد ولی‌انگلستان بیم داشت ازآنکه با تسلط‌ایتالیا

۱–Ual–Ual ۲ –Wood بعدها به‌لردایروین و سپس به‌لردهالیفاکس ملقب گردید.

۳–Erythrée

برحبشه اختیارسرچشمه نیل(یکی ازسرچشمه‌های نیل دریاچه‌های واقع درخاك حبشه است) بدست آندولت بیفتد ونیزراه بحری هندوستان درمخاطره قرار گیرد . با وجود مبارزه شدید مطبوعاتی دو کشورراه ترعه سوئزهمچنان برروی بحریه تجارتی ایتالیا بازبودولی بتدریج مناسبات انگلیس وایتالیا بصورت بحرانی درآمدوروز۱۵ اوت۱۹۳۵،لاوال وایدن وآلوازی برای یافتن راه‌حل وخاتمه دادن به‌بحران درپاریس اجتماع کردند ولی چند روزبعد باعدم موفقیت پاریس را ترك گفتند .

انگلستان، درعین حال که ناوگان جنگی خودرا درمدیترانه تقویت کرد، برای احتراز ازهرگونه عکس‌العمل درممالك مجاورمدیترانه وباحترام افکارعمومی حداکثر تلاش خود را برای واداشتن جامعه ملل بمخالفت بامقاصد ایتالیا بکاربرد اما مطبوعات ایتالیا آتش جنك را دامن میزدند . پسران موسولینی وداماداو کنت چیانو وارد نیروی هوائی وعازم افریقا شدند .**ستاراسه**[1] دبیر کل حزب فاشیست فرماندهی یك واحد ازسپاه اعزامی را برعهده گرفت وعلاوه برافرادذخیره که بخدمت سربازی احضارشدند عده‌زیادی ازمردم غیرنظامی داوطلب خدمات جنگی گردیدند.

دراواخر ماه‌اوت،شاه‌وموسولینی درمانوربزرگ ارتش ایتالیا که‌درنواحی کوهستانی شمال انجام گرفت حاضرشدند وضمناً هیئت وزیران برای مقابله باهرنوع تصمیمات احتمالی جامعه ملل ازقبیل محاصره اقتصادی ایتالیا وامثال آن تدابیرلازم اتخاذ نمودند.

روز۶ سپتامبریك کمیته پنج‌نفری که نمایندگان فرانسه وانگلیس درآن عضویت داشتندازطرف جامعه‌ملل مأمورشد که‌طرحی برای حل مسئله‌حبشه تهیه کندوایتالیا آن‌طرح را در۲۲ سپتامبرد کرد . کمیته ۵ نفری به کمیته۱۳ نفری ازنمایندگان۱۳ دولت‌عضو جامعه‌مبدل واین کمیته مأمور گردید که طرح مجازاتهای لازم برای ایتالیا راتهیه کند

۱- Starace

(۲۶ سپتامبر) اما ساعت ۱۳ روز دوم اکتبر افراد ملت ایتالیا بوسیله زنگ کلیساها و شیپورو امثال آن برای تجهیز عمومی و آمادگی برای خدمات نظامی وغیرنظامی دعوت شدند وپس ازنطق بلیغی که دوچه درساعت ۱۸/۵ روز۱۳ اکتبرایراد نمود ساعت ۵ صبح روزسوم اکتبر۱۹۳۵ نیروهای ایتالیا بخاك حبشه حمله بردند، جنك حبشه آغاز وایتالیا برجامعه‌ملل یاغی شد. روز۵ اکتبر یک کمیته۶ نفری منتخب ازطرف جامعه طرح اجرای مجازاتهای اقتصادی درباره ایتالیا راتهیه نمود وآن طرح پس ازتصویب درمجمع عمومی (۵۰ نماینده از۵۴ عضوجامعه‌رأی موافق دادند) زیرنظر یك کمیته۱۸ نفری ازروز۱۸ نوامبر بمورد اجرا گذاشته شد.

پیشروی نیروی ایتالیا بفرماندهی مارشال بادوگلیودرحبشه بعلت مقاومت مردانه جنگجویان ومردم غیرنظامی حبشه ونبودن راه وازوم احداث راههای ارتباط باپایگاههای اصلی وبخصوص اتصال جبهه جنگ با بندر **مصوع** (مرکز پیاده شدن نیروهای اعزامی ایتالیا) بکندی صورت می گرفت. درین جنك مستعمراتی یکطرف ارتش مجهز ۵۰۰ هزارنفری ایتالیا با سازوبرك کامل ودرطرف دیگرسربازان ومردم غیرنظامی حبشه بااسلحه ناقص قدیمی قرارداشتند و دفاع رشیدانه حبشیها هرچند که بسرحد فداکاری قابل تحسینی رسیده بود اما منظم ودارای فرماندهی ورهبری کاملی نبود.

سپاه ایتالیائی اعزامی ازصومالی دردشت وسیع حبشه پیشروی می کردند ولی ستونهای دیگرسپاه مهاجم درناحیه کوهستانی حبشه باعوارض زمین وبی آبی مواجه‌بودند. روز۴ مه **نجاشی** ازپایتخت گریخت وآن شهردستخوش غارت وچپاول گردید وجان و مال اتباع خارجی مقیم پایتخت بخطر افتاد و بهمین جهت چند واحد ازسپاه ایتالیا با وجود رگبارهای شدید باران برسرعت پیشروی خود افزودند و ساعت ده روز۵ مه وارد **آدیس آبابا** شدندوواحدیزیرفرمان **گراتسیانی** نیزبپایتخت وارد شدند.

سقوط پایتخت حبشه و تسلط ایتالیا بر آن کشور ساعت ۱۷ و ٤٥ دقیقه روز ٥ مه بوسیله موسولینی به ملت ایتالیا اعلام و مدت ٥ روز سراسر ایتالیا غرق در جشن و سرور گردید و تظاهرات دامنه‌داری در آن کشور صورت گرفت. ساعت ٥/٢٢ روز نهم، پس از تشکیل شورای عالی فاشیست و جلسه هیئت دولت، موسولینی به مردم ایتالیا اعلام نمود که حبشه طبق فرمان صادره از هیئت وزیران به مستعمرات و متصرفات ایتالیا ملحق و به پادشاه ایتالیا عنوان امپراطور حبشه داده شد، مارشال بادوگلیو به نیابت سلطنت در حبشه منصوب گردید و ژنرال گراتسیانی به رتبه مارشالی ارتقا یافت.

روز ۱۱ مه نماینده رسمی ایتالیا در جامعه ملل، **بارون آلوازی** بعلت حضور نماینده هیلاسلاسی امپراطور حبشه تالار جلسه را ترک گفت و روز ۱۲ مه هیئت نمایندگی ایتالیا در جامعه بهرم احضار شدند و جلسه جامعه معوق ماند. نماینده انگلستان روز ۱۳ ژوئن لغو مجازاتهای مقرر درباره ایتالیا را به مجمع عمومی جامعه ملل پیشنهاد کرد و پیشنهاد او با کثریت ٤٤ رای موافق در برابر یک رأی مخالف (رأی نماینده حبشه) بتصویب رسید (٤ ژوئیه) و کمیته مأمور مجازاتها از اعضای جامعه درخواست نمود که از اجرای مقررات مجازات درباره ایتالیا خودداری کنند

مشکلات استقلال اقتصادی

ایتالیا در جنگ حبشه پیروز شد و بیاد بود این پیروزی، که ایتالیا آنرا پیروزی سیاسی در برابر جامعه ملل و اتحاد پنجاه ملت میدانست، پلاکهای مرمر در عمارت شهرداریهای آن کشور نصب گردید. مجازاتهای تعیین شده از جامعه ملل درباره ایتالیا فقط مجازات اقتصادی و آنهم بسیار مبهم بود. کانال سوئز با تخفیف در حق العبور همچنان بر روی کشتی ایتالیائی بازماند و ایتالیا توانست کلیه مواد نفتی مورد احتیاج خود را از این راه تأمین کند. علاوه بر آن بسیاری از ممالک و از جمله آلمان و اطریش و مجارستان از اجرای مجازات

درباره ایتالیا امتناع ورزیدند و ایتالیا بوسیله دولتهای مزبور بتأمین مواد مورد احتیاج خود موفق گردید . ایتالیا ازلحاظ مواداولیه صنعتی ومحصولات‌غذائی‌فقیر بود وحکومت فاشیست برای رفع اینگونه مشکلات کوشش زیاد بکاربرد . این حکومت نتوانست استقلال کامل اقتصادی ایتالیا را تأمین کند ولی درزمینه تثبیت نرخ پول واصلاح‌وضع مالی واقتصادی، حتی قبل‌ازجنك حبشه، بموفقیت های قابل توجه نائل‌آمد .

تغییر نرخ مالیات بردرآمد ونرخ تنزیل ونظارت برآنها درسال ۱۹۳٤ ، تعیین سهمیه های جدید مالی درسال ۱۹۳۵ ، لغو قانون‌پشتوانه‌فلزی‌لیر و در دست گرفتن انحصار معادن ذغال سنك وفلزات درژوییه سال ۱۹۳۵ و دخالت مستقیم ومؤثر در کار شرکتها وواحدهای روستائی‌وصنعتی بمنظوربالابردن‌سطح‌تولید،ازاقدامات‌مفیدحکومت فاشیست ایتالیا بود . هیئت وزیران روز۲۸ اوت ۱۹۳۵ در **بلتسانو** [1] تشکیل گردید و درباره تجهیزات مالی واقتصادی کشور تدابیری اتخاذ کرد وازجمله کلیه ارزهای‌خارجی موجود را به‌اسناد خزانه مبدل ساخت . طبق تصمیمات جلسه بلتسانو واحدهای صنعتی وتجارتی ایتالیا تاسه‌سال میبایستی ۹٤ درصد از سودسهام خود را بحساب دولت منظور نمایند . مالیات جدیدی بمیزان‌ده‌درصد برسهام شرکت‌ها وبهره پول وسودویژه‌سرمایه بسته‌شد وسهام قرضه جدیدی‌انتشاریافت و کمیته‌هائی مأمور شدند تادر توزیع و فروش سهام قرضه بخصوص در مورد اقلیت های مخالف دولت دقیقاً نظارت کنند . بانك ایتالیا طلارابقیمت بیش ازنرخ‌رسمی میخرید ودولت‌پول‌کاغذی واسکناس مخصوص جهانگردی با قیمتهای غیرثابت وقابل تغییر انتشار داد تما بدان وسیله نرخ واقعی پول خود را در خارج کشور مکتوم نگاه دارد درحالیکه نرخ پول در بازارهای داخلی ثابت و اجباری

۱- Bolzano

بود . در ٤ مارس ۱۹۳٦ کلیه دارائی بانك ایتالیا، که از سال ۱۸۹۳میلادی تنها بانك ناشر اسکناس ایتالیا، بود بتصرف دولت درآمد و **بانك دولتی** ایتالیا تأسیس شد وسایر بانکهای بزرك فقط دارای حق معاملات عادی وعمومی گردیدند. برای اجرای تصمیمات دولت درمورد صرفه‌جوئی ومعاملات ارزی ونظارت دقیق بربانکهای غیردولتی یك کمیته مرکب ازچندتن ازوزیران بریاست شخص موسولینی تشکیل گردید وازآن تاریخ صنعت ایتالیا که برای تهیه مواد خام واولیه ازخارج احتیاج به ارز داشت زیر نظارت دولت قرار گرفت و بعضی ازرشته‌های مهم صنعت بخصوص صنایع تسلیحاتی ملی گردید .

دولت برقیمتها نظارت می کرد ودرحقیقت زمام مبادلات تجارت خارجی رادردست داشت، ازسهمیه مبادلات بازرگانی کشورهائی که در مجازات اقتصادی ایتالیا شرکت نموده بودند کاسته شد وسهمیه کشور های ممتنع از مجازات مانند آلمان و اطریش و مجارستان وسویس وممالك متحده امریکا وبرزیل وژاپن وامثال آنان افزوده گردید . عملیات تبدیل اراضی بایر به اراضی زراعتی باسرعت پیش میرفت و کشت گندم توسعه مییافت. از سهمیه بنزین اتومبیلهای غیردولتی کاسته شدوسطح تولید مواد بدلی[1] در کلیه واحدهای صنعتی مربوط باین رشته افزایش یافت . بالاخره آمادگی روحی ملت ایتالیا که در این موقع محیط مناسبی برای هرگونه فداکاری وفعالیت ایجاد نموده بود بوسیله مطبوعات و نطقهای پرحرارت زعمای ملت وتظاهراتی که باروش وجهت وهدف خاص صورت می گرفت تقویت می‌شد. بطوریکه دردسامبر ۱۹۳۵ بنابدعوت دولت زنان ایتالیا زینت آلات و کودکان اسباب بازیهای فلزی خودرا بدولت اهدا کردند .

نبرد حبشه برای ایتالیا متضمن پیروزی بود ولی موجب ضعف بنیه مالی آن کشور

۱ـ ابریشم مصنوعی و کائوچوی مصنوعی والیاف مصنوعی بافتنی وامثال آن که در اصطلاح صنعت Ersatz گفته میشود جزو مواد بدلی است ـ م.

گردید و چون سطح هزینه عمومی را تا ۲۰ در صد بالا برد مسئله افزایش دستمزد پیش آمد. در ۵ اکتبر ۱۹۳۶ پس از آنکه درفرانسه درنرخ فرانك تجدیدنظرشد، درنتیجهٔ ارزیابی مجدد درنرخ لیر، هرلیره انگلیسی معادل ۹۰لیر ایتالیائی تعیین گردید یعنی پول ایتالیا درحدود ٤١ درصدتنزل کرد وبصورتی که درسال ۱۹۲۸ بود بر گشت. اگرچه آمار دقیقی ازذخیره طلا واسناد واعتبارات ارزی ایتالیا درسال ۱۹۳٦ دردست نیست ولی قدرمسلم این است که این ذخیره وپشتوانه بسیار ناچیز ووضع پولی آن کشور بسیار وخیم بود. **تاون دی رول**[1] وزیر دارائی ایتالیا اعلام کرده بود که هزینه نبرد حبشه به ۱۲ میلیارد لیر بالغ گردیده است و اصلاحات اجتماعی واقتصادی کشور و استقرار اساس امپراطوری ایتالیا در افریقا به ۳۰میلیارد لیر بالغ خواهدشد وبهمین مناسبت حکومت ایتالیا تمام هم خودرا صرف تقلیل کسر بودجه کشور می کرد.

محور رم ـ برلین

ایتالیا، علیرغم مشکلات اقتصادی ومالی که بدانها اشاره شد، فعالیت خود را درسیاست خارجی همچنان ادامه میداد. هدف این سیاست باهدف سیاسی ایتالیا قبل ازبرقرارشدن مجازاتهای اقتصادی متفاوت و عبارت بود ازنزدیك شدن به آلمان وتشکیل محور **رم ـ برلین** و طرح دعاوی ارضی و سیاسی ایتالیا در اروپای مرکزی و حوضه مدیترانه.

موافقت نامه آلمان وایتالیا درسال ۱۹۲٦ به توسعه روابط مستقیم بین دو کشور کمك چندانی نکرده بود ولی تشابه مرامهای سیاسی نازیسم وفاشیسم عامل نزدیکی دو کشور گردید. ملاقات هیتلر و موسولینی درروزهای ۱٤و۱۵ ژوئن ۱۹۳٤ در **ونتسیا** (ونیز) نتایج سیاسی قطعی دربرنداشت اما کناره گیری آلمان ازجامعه ملل و امتناع

۱ - Thaon di Revel

آن دولت از اجرای مجازات درباره ایتالیا به ایجاد روابط بسیار نزدیك بین دو کشور کمك کرد. ملاقاتهای مکرر بین رجال سیاسی وهیئتهای نظامی واقتصادی دو کشور بعمل آمد وهدف این ملاقاتها اتخاذ خطمشی‌سیاسی‌مشترك وتبادل‌نظر درمسائل‌مختلف سیاسی واقتصادی بود.

پس ازاشغال **رنانی** بوسیله نیروی‌آلمان درمارس۱۹۳۶ ایتالیا، ازامضا کنندگان پیمان **لوکارنو** که بوسیله جامعه ملل مورد مجازات قرار گرفته بود، از اجرای مجازات درباره‌آلمان‌خودداری کرد وازحضور در کنفرانس امضا کنندگان پیمان‌لوکارنو امتناع ورزید. تصمیمات کنفرانس بحری لندن‌را درسال ۱۹۳۶ رد وازاعزام‌نماینده به کنفرانس ژنو خودداری کرد. روز۲۸نوامبر ۱۹۳۶ دربرابر ژاپن، که‌امپراطوری ایتالیا را در افریقای شرقی برسمیت شناخته‌بود، حکومت‌دست‌نشانده ژاپن رادر **منچوکوئو**[1] برسمیت شناخت. در۶نوامبر ۱۹۳۷ به پیمان ضد کمونیستی آلمان وژاپن که درحقیقت یك‌پیمان ضد شوروی بود ملحق گردیدودراواخر سپتامبر ۱۹۳۷ موسولینی برای‌بازدید هیتلر به‌برلین رفت ومورداستقبال باشکوه مردم‌آلمان قرار گرفت‌وبالاخره در۱۲دسامبر ۱۹۳۷ایتالیا ازجامعه ملل کناره گیری کرد.

ایتالیا و جنك‌اسپانیا

اثرهمکاری سیاسی دیکتاتورهای ایتالیا وآلمان در جنگهای داخلی اسپانیا کاملا نمودار گردید. ازآغاز نهضت ملیون‌اسپانیا موسولینی، که‌ژنرال **فرانکو** رهبرملیون‌را بوسیله اعزام‌نیروهای داوطلب وهواپیما ووسایل جنگی هوائی تقویت‌می کرد، مانند هیتلر نظریه عدم مداخله درامور‌اسپانیارا پذیرفت ونمایندگان

۱- Mandchoukouo حکومتی بود که پس‌ازاشغال‌منچوری بوسیله ژاپن زیرعنوان‌حکومت محلی تشکیل گردید ودرحقیقت سررشته امورسیاسی‌و اقتصادی آن‌حکومت دردست‌ژاپن بود -م.

هردودیکتاتور در کمیته لندن که برای این منظور تشکیل گردید شرکت کردند ولی پس از حادثه‌ای که برای رزمناو آلمانی **لیب تسیگ**[1] پیش آمد ایتالیا و آلمان از قبول نظارت دریائی در آبهای اطراف اسپانیا امتناع ورزیدند ولی همچنان بعضویت کمیته عدم مداخله باقی ماندند. موسولینی اعلام نمود که پیروزی ملیون در **سانتادر**[2] و **مالاگا**[3] وامثال آن مرهون کوشش داوطلبان ایتالیائی بود ونیز اعلام کرد که انتقام خون داوطلبان ایتالیائی را که درجنگ **گوادالاجارا**[4] کشته شدند ازدشمن (جمهوریخواهان اسپانیا ـ مترجم) خواهد کشید وفرانکورا تاپیروزی نهائی یاری خواهد کرد وهیچ حکومتی جزحکومت فرانکو رابرسمیت نخواهد شناخت.

درژوئن ۱۹۳۶ موسولینی سه پست ازهفت پست وزارتی را که شخصاً عهده‌دار بود بدیگران واگذاشت، از جمله وزارت امور خارجه‌را به داماد خود **کنت چیانو** سپرد. در مارس ۱۹۳۷ به‌لیبی رفت وطی یك نطق تبلیغاتی خودراحامی اسلام وپشتیبان مسلمانان قلمداد کرد.

روابط ایتالیا و انگلستان

اکثر دول اروپا، علیرغم مشکلات سیاسی که براثر تسلط ایتالیا برحبشه پیش آمده بود، بطور موقت یارسمی، امپراطوری افریقای شرقی ایتالیا راشناختند. روز ۲۱ دسامبر ۱۹۳۶ سفارتهای فرانسه وانگلستان در آدیس آبابا به کنسولگری مبدل گردید. انگلستان ناوگان جنگی اعزامی بمدیترانه‌را از آن دریاخارج ساخت وپیمانهائی را که هنگام جنگ حبشه واجرای مجازات درباره ایتالیا بادول بزرك بسته بود لغو کرد وپس از چندهفته مذاکرات سیاسی سرانجام **سیر اریك درموند**[5] سفیر کبیر انگلستان دررم و کنت چیانو وزیر امورخارجه

۱- Leipzig ۲- Santador ۳- Malaga ٤- Guadalajara

۵- Sir Eric Drummond

ایتالیا قراردادی را که اساس آن برحفظ پیمانها و مقررات مربوط بهمدیترانه ومنافع دو دولت ایتالیا وانگلستان در حوضه مدیترانه بود امضاء کردند .

مسئله مدیترانه ازمسائل مورد بحث و گفتگوی محافل سیاسی ایتالیا وانگلستان بود . ایتالیا مرتباً براستحکامات جنگی جزیره **پانتلریا** واقع بین **سیسیل** و سواحل **تونس** می‌افزود . نیروی اعزامی این دولت باسپانیا میتوانست جبل‌الطارق را تهدید کند. نیروهای ایتالیا در حبشه ولیبی میتوانستند هر لحظه وضع انگلستان را در مصر و ترعه سوئز بخطر اندازند . فرستنده رادیوئی ایتالیا دربندر **باری**[1] با تبلیغات مداوم خود احساسات ضدانگلیسی ملل مسلمان ساکن شمال افریقا و آسیای غربی را تهییج می کرد ومبلغین ایتالیائی درسراسر عربستان وفلسطین پراکنده بودند . دردریای مدیترانه کشتی‌های ملل مختلف وبخصوص انگلیسی مرتباً بوسیله اژدر زیردریائی‌ها یاحمله هواپیما ها غرق ویا براثر حمله ناگهانی کشتی‌های ناشناس توقیف و اموال آنها ربوده میشد، بدون آنکه هویت واقعی حمله کنندگان معلوم شود وباآنکه ایتالیا مفاد موافقت‌نامه **نیون**[2] مورخ ۱۴سپتامبر مربوط بهجلوگیری، ازدزدی دریائی بوسیله زیردریائی‌ها را پذیرفته بود مبارزه محرمانه بین ایتالیا و انگلستان در آبهای مدیترانه همچنان ادامه داشت . چمبرلین نخست‌وزیر انگلستان، برای آنکه صلح را بهرقیمت که باشد بدست آورد، مذاکرات سیاسی با ایتالیا را از سر گرفت وروز ۱۶ آوریل ۱۹۳۸ **لردپرت**[3] (اریك دروموند سابق) سفیر انگلستان در رم و کنت چیانو پیمان جدیدی را امضا کردند که بموجب آن مسائل مربوط بهمدیترانه وآبهای مرزی ووضع نیروهای ایتالیا درحبشه ولیبی و کانال سوئز و دریاچه **تسانا**[4] ونفوذ ایتالیا وانگلستان درعربستان وامثال آن باحفظ منافع طرفین حل‌شد و انگلستان تعهد کرد که در کنفرانس ژنو کوشش خودرا برای شناسائی رسمی امپراطوری

۱- Bari بندر ایتالیا در کرانه آدریاتیک-م. ۲- Nyon ۳- Lord Perth ۴- Tsana

افریقای شرقی ایتالیا ازطرف دول اروپائی بکار برد درحالیکه اکثر دول اروپا خود در قبول تصمیمات کنفرانس ژنو مبنی برعدم شناسائی تسلط ایتالیا برحبشه مردد بودند. سرانجام در ۱۲مه ۱۹۳۸ شورای ژنو ، علیرغم کوشش نجاشی حبشه، تصمیم گرفت که اعضای شورا (یعنی دول اروپائی عضو کنفرانس ژنو) درشناسائی یاعدم شناسائی امپراطوری افریقای شرقی ایتالیا آزاد باشند ، اما تصویب و اجرای پیمان ۱۶ آوریل ایتالیا وانگلستان موکول به بازگشت سربازان داوطلب ایتالیائی ازاسپانیا گردید وبدین ترتیب تصویب نهائی آن تا ۱۶ نوامبر ۱۹۳۸ بطول انجامید .

فرانسه وایتالیا

روابط فرانسه و ایتالیا بعلت تضاد مسلکی و سیاسی که بین دموکراسی فرانسه وفاشیسم ایتالیا وجود داشت چندان صمیمانه نبود بخصوص که درفرانسه حکومت بدست جبهه مردم افتاده بود . هنگامیکه دولت **بلوم**[1] سفیر فرانسه را دردربار ایتالیا بفرانسه احضار وبرای جانشین او از ایتالیا تقاضای پذیرش کرد موسولینی ، باین بهانه که در تقاضا نامه دولت فرانسه ویکتورامانوئل پادشاه ایتالیا بعنوان امپراطور حبشه خوانده نشده است ازپذیرفتن سفیر جدید فرانسه امتناع ورزید . وی میخواست بدان وسیله فرانسه را بهشناسائی رسمی تسلط ایتالیا برحبشه وادار کند وچون فرانسه شرایط موسولینی را نپذیرفت وی **سروتی**[2] سفیر ایتالیارا ازپاریس به رم احضار کرد . انگلستان، که بخاطر منافع خود میل داشت بین فرانسه و ایتالیا پیمانی نظیر پیمان انگلیس و ایتالیا منعقد گردد، برای حل اختلاف ایتالیا وفرانسه میانجیگری را برعهده گرفت وروز ۱۶ آوریل **بلوندل**[3] کاردار سفارت فرانسه دررم باکنت چیانو ملاقات وپس ازآن نیز چندبار باوی ملاقات ومذاکره کرد ولی روز ۱۴ مه موسولینی در بندر **جنوآ** طی نطق خود در ضمن اشاره بروابط ایتالیا و

۱- Blum ۲- Ceruti ۳- Blondel

فرانسه اظهار داشت تازمانیکه‌این دوحکومت در مسئله اسپانیا دردوجبهه سیاسی‌مخالف قرار دارند حصول هیچگونه موافقتی بین دو دولت امکان نخواهد داشت . پس از نطق موسولینی ، علیرغم تلاش و کوشش انگلستان، مذاکرات سیاسی فرانسه و ایتالیا قطع‌شد .

برخلاف فرانسه ، یوگسلاویا در زمینه روابط خود با ایتالیا کامیاب بود و **ستویادینوویچ**[1] نخست وزیر یوگسلاویا چندین باربرم مسافرت وبازعمای ایتالیا ملاقات ومذاکره کرد .

آنشلوس و سفرهیتلر به‌رم

آنشلوس یعنی الحاق اتریش به‌آلمان برای مدتی اززمان محور رم ـ برلین را متزلزل ساخت ، در۲۵ژوبه ۱۹۳٤موسولینی‌چند دسته ازسپاه ایتالیا را به معبر معروف **برنر**[2] فرستاده بود ولی هنگامیکه درتاریخ ۱۲مارس ۱۹۳۸ نیروی آلمان پس‌از اشغال خاك اتریش به‌مرز **برنر** رسید ایتالیا رویه‌بیطرفی‌اختیار کرد وبهمین‌علت هیتلر روز۱۳ مارس‌از**لینتس**[3] پیامی‌برای موسولینی فرستاد وطی‌آن‌پیام گفت «موسولینی ، من هرگز این گذشت‌را ازشمافراموش‌نخواهم کرد» موسولینی‌چندروز پس‌ازوصول پیام‌هیتلر، رویه بیطرفی خودرا در واقعه آنشلوس چنین توجیه کرد که : « وقتی مقدرچنین‌باشد که یك حادثه تاریخی پیش بیاید اگرشخص باعوامل حادثه همآهنك باشد بهتراز آن است که کارشکنی یامخالفت کند . » ایتالیا بعداز واقعه آنشلوس موقعیت سیاسی خود را که بدشواری دراروپای مرکزی و حتی بالکان احراز نموده بود از دست داد در حالیکه

۱- Stoyadinovitch ۲-Brenner ازمعابر کوهستان آلپ‌واقع‌درمرزایتالیاواتریش-م.

۳- Linz ازشهرهای اتریش که یکی‌ازمراکز عمده‌صنایع آن‌کشور است-م.

چشم‌پوشی از چنان‌موقعیتی کار آسانی نبود . هیتلر صدراعظم آلمان روز سوم مه ۱۹۳۸ بطور رسمی بایتالیاسفر کرد وتا۹مه اقامت اودررم طول کشید . استقبالی که‌ازصدراعظم آلمان بعمل‌آمد بسیار باشکوه وبیسابقه ولی‌فاقد حرارت و احساسات شورانگیز بود . پاپ ازاینکه رم‌بجای صلیب مقدس صلیبی را اختیار کرده بود که‌درحقیقت تعلق بحضرت عیسی نداشت سخت اندوهگین بود .

راسیسم ایتالیا

از وقتی که زعمای ایتالیا مسئله نژاد وبرتری نژادی (راسیسم) را پیش کشیدند برمخالفت پاپ با رهبران کشور افزوده شد . در۱۴ ژوییه ۱۹۳۸ جمعی‌ازپروفسورهای‌ایتالیائی گزارشی‌مبنی بر وجود نژادمستقلی بنام نژادایتالیائی‌تدوین کردندوپاپ‌پیروان‌خودرا به‌خطری که‌ازعواقب شوم ناسیونالیسم افراطی حزب فاشیست نـاشی میشد متوجه ساخت واظهار داشت که کلیسا جز نژاد واحد انسانی نژاد دیگری رانمیشناسد .آنگاه پاپ راسیسم ایتالیا را محکوم ساخت وروزبروزبروخامت‌روابط کلیسا با حکومت ایتالیا افزوده شد . فاشیستها اظهار میداشتند که دربرابر۴۴میلیون‌نفرازنژادایتالیائی فقط ۴۴هزارنفر (یعنی‌یك‌هزارم جمعیت‌ایتالیا) یهودی درسراسر کشورزندگی‌می کنند و بنابراین‌اقلیت‌یهودی‌حق دارد فقط دریك‌هزارم ازفعالیت‌های ملت‌ایتالیاسهیم‌باشد.

ایتالیا و موافقتنامه مونیخ

ایتالیا چه در موقع طرح دعـاوی‌آلمان نسبت به منطقه زودت چکسلواکیا وچه هنگام مخاصمات آلمان وچك‌دراوت۱۹۳۸ ، حالت بیطرفی بخود گرفت وبهیچگونه تظاهردرباره تجهیزات نظامی دست‌نزد و بتقویت مرزهای خود اکتفا نمود موسولینی گفته بود که «هیتلر هرگز قصد الحاق خاك چکسلواکیا

را بکشور آلمان ندارد ولی بهرحال مسئله چکسلواکیا باید بصورت قاطعی حل شود وایتالیا نقش خودرادرحل آن‌مسئله انتخاب کرده است» . هنگامی که پس از ملاقات نمایندگان‌چك‌وآلمان در **گودسبرگ**[1] وقوع‌جنك بین‌دو کشور پیش‌بینی میشد یعنی درتاریخ ۲۷اوت ۱۹۳۸، فرانسه وانگلستان از موسولینی درخواست کردند که از نفوذ سیاسی ودوستی‌خود باصدراعظم آلمان برای‌جلوگیری از جنك استفاده ومقدمات‌تشکیل کنفرانسی راازچند دولت و ازجمله ایتالیا فراهم کند . موسولینی بوسیله **اتولیکو**[2] سفیر ایتالیا دربرلین به **فن‌ریبن‌تروپ** پیغام فرستاد که امیدواراست هیتلر با کوششی که‌پیشوای ایتالیا برای حل مسئله چکسلواکیا بکار میبردموافقت کند. بعد ازظهرروز ۲۸ اوت هیتلر از کشورهای انگلیس وفرانسه وایتالیا برای تشکیل کنفرانس مونیخ دعوت کرد . شب‌همان روز موسولینی باقطار عازم آلمان شد ودر ایستگاه **کوفشتین**[3] (درناحیه تیرول‌اتریش)بااستقبال گرم هیتلر مواجه گردیدودوچه‌وفوهرر پیروزمندانه ازخیابانها ومعابر مونیخ گذشتند. شب ۲۹و۳۰ سپتامبر موافقتنامه مونیخ بامضا رسید و ایتالیا در کمیسیون بین‌المللی نظارت درتخلیه‌مناطق ممنوعه‌مرز چکسلواکیاوآلمان شرکت کرد . بموجب پروتکل ضمیمه موافقتنامه‌مونیخ، ایتالیاوآلمان تعهد کردند که پس ازحل مسئله اقلیت ها درچکسلواکیا مرزهای جدیدآن کشوررا تضمین نمایند . ضمناً موسولینی مایل بود با تشکیل اتحادیه‌ای از لهستان و مجارستان سدی دربرابر بلشویزم روسیه بوجود آورد ولی هیتلر تشکیل چنان اتحادیه‌ای را برخلاف مصلحت آلمان میدانست وبهمین‌علت با آن‌مخالفت‌میورزید . درتاریخ ۲ نوامبر۱۹۳۸ **کنت‌چیانو** و**ریبن تروپ** درونیه جلسه‌ای برای‌حکمیت درباره مرزهای‌جدیدچکسلواکیاتشکیل

۱- Godesberg ۲- Attolico ۳- Kufstein

دادند . نتیجه حکمیت بنفع مجارستان بودولی اتحادیه مجارستان‌ولهستان ،آنطور که موسولینی میخواست ، بوجود نیامد . پیروزی سیاسی آلمان‌درمونیخ ودر تعیین مرزهای چکسلواکیاپیشرفت تازه‌ای‌بود که برپیروزیهای دیگرآن کشور مانند آنشلوس وبسط نفوذ دربالکان افزوده شد ودراین پیروزیها بمنافع ایتالیادراروپای مرکزی وبالکان‌لطمه شدید واردآمد .

ادعاهای بی‌اساس

فرانسه‌الحاق‌حبشه را بایتالیا برسمیت‌شناخت‌و**فرانسوا-پونسه**[1] بعنوان سفیر کبیر فرانسه دردربار پادشاه ایتالیاوامپراطور حبشه عازم رم گردید. روز ۳۰نوامبر۱۹۳۸ کنت‌چیانووزیرامورخارجه ایتالیا درپارلمان آن کشور درباره محور رم ـ برلین نطقی ایراد کرد . درین‌جلسه، که آخرین جلسه پارلمان بود و مجلس میبایستی جای خود را به پـارلمان صنفی بدهد و نمـایندگان سخنان وزیر امور خارجه را در سکوت محض می‌شنیدند، کرسیهائی بنام **تونس وکرس**[2]**ونیس**[3] وجود داشت . این ادعاهای ارضی هنگام تظاهرات محصلین مدارس‌ایتالیا که‌دراکثرشهرستانهاصورت گرفت‌تکرارشدوسپس‌مسئله‌حقوق‌ودعاوی‌ایتالیا نسبت به‌تونس‌و کرس‌ونیس‌ومانندآن‌وبندر**جیبوتی** درمطبوعات‌ایتالیامطرح گردیدومورد بحث‌وتفسیرقرار گرفت‌ونیز جرایدآن کشورلزوم‌شرکت ایتالیارا در اداره کانال سوئز و عضویت درهیئت مدیره کانال پیش کشیدند . روز۱۷ دسامبر ۱۹۳۸دولت ایتالیا به‌دولت فرانسه اطلاع داد که قرارداد ژانویه ۱۹۳۵رالغو شده میداند . درهمان حال احساسات

۱- Francois - Poncet ۲-Corse جزیره متعلق به فرانسه واقع درجنوب‌شرقی آبهای فرانسه دردریای مدیترانه ومجاور جزیره‌ساردینیاکه متعلق به‌ایتالیاست ـم . ۳- Nice شهرستان ساحلی فرانسه درکنار مدیترانه ومجاورمرزایتالیا ـم.

ضدفرانسوی در نوشته‌های مطبوعات ایتالیا موج میزد اما حکومت فرانسه باتکاء وحدت ملی واتفاق کلمه ملت خود تصمیم گرفت که در برابر دعاوی ایتالیا، ولوالحاق یك وجب ازخاك فرانسه بآن کشور باشد، مقاومت کند.

ازملاقات چمبرلین ولرد هالیفاکس باموسولینی دررم که روز ۱۱ ژانویه ۱۹۳۹ بعمل آمد این نتیجه حاصل‌شد که باردیگر حکومت ایتالیا قول سابق خود را درباره پیمانها ومقررات مربوط به‌دریای مدیترانه تایید وتعهد کرد که بلافاصله پس ازپیروزی نهائی فرانکو در اسپانیا نیروهای خود را از آبهای ساحلی اسپانیا و خاك آن کشور فراخواند.

چون پاپ **پی‌یازدهم** روز ۱۰ فوریه ۱۹۳۹ بدرود حیات گفت، مطبوعات ایتالیا با نامزدشدن **کاردینال پاسلی**[۱] بجانشینی پاپ‌مخالفت‌ورزیدند ولی‌پاسلی پس‌ازسه‌نوبت استخراج آراء بمقام‌پاپی برگزیده‌شد وباعنوان پاپ‌پی‌دوازدهم روز ۱۲ مارس‌تاج‌سلطنت روحانی وسیاسی رابرسر گذاشت.

روزهای ۱۹ و ۲۰ ژانویه، کنت چیانو برای بازدید **ستویادینوویچ** نخست‌وزیر یوگسلاویا که تاحدی متمایل بمرام فاشیستی بود به‌بلگراد رفت. وی‌میبایستی‌روز ۳ فوریه استعفا کند وجانشین او **تسوتکویچ**[۲] از کسانی‌بود که‌میتوانست در برابر تمایلات محور رم ـ برلین مقاومت کند.

تصرف آلبانی

موسولینی باآنکه مدتی بود از نیات آلمان درباره چکسلواکیا اطلاع داشت، همچنان رویه بیطرفی راحفظ میکرد زیرااوخود درصدد تهاجم جدیدی بود، روز ۲۳ مارس پادشاه ایتالیا هنگام

۱- Cardinal Pacelli ۲- Tsvetkovitch

نطق افتتاحیه پارلمان جدید ، که از نمایندگان حزب فاشیست و اصناف تشکیل شده بود ، بروابط حسنه ایتالیا باآلبانی اشاره کرد وازوجود دوستی والفت واقعی بین دو کشور ابراز خرسندی نمود . روز ۲۶ مارس موسولینی ضمن نطق پرهیجان خود بروابط ایتالیا وفرانسه اشاره کردو گفت که مسائل مورد توجه ایتالیا ازلحاظ فرانسه عبارتست ازمسئله تونس وجیبوتی و کانال سوئز ولی منافع ایتالیا دردریای آدریاتیك مهمتر و بالاتر ازمسائل مزبور است . پس از ملاقاتی که در **اینسبروك**[۱] بین **ژنرال کیتل** رئیس ستاد ارتش آلمان وژنرال **پاریانی**[۲] ژنرال ایتالیائی در ۵ و ۶ آوریل صورت گرفت ، زمزمه اتمام حجت ایتالیا به آلبانی بلند شد وتمرکز ناوگان جنگی وافراد نیروی دریائی و هوائی ایتالیا دربندر **باری** انگلستان را بوحشت انداخت ولی کنت چیانو بسفیر انگلستان اطمینان داد که تمامیت واستقلال آلبانی همچنان برقرار خواهد ماند. امارو ز ۷ آوریل ۱۹۳۹ ، ناگهان ۴۰۰ هواپیما وصدها کشتی جنگی نیرو برایتالیا درآبهای آلبانی دربرابر بندرهای **سن ژان**[۳] و **مدوا**[۴] و **دورازو**[۵] و **والونا**[۶] **وسانتی کوارانتا**[۷] ظاهر شدند ونیروی مدافع ساحلی که ازلحاظ نفرات وتجهیزات جنگی بسیار ضعیف بود بزودی ازپا درآمد .**ژرالدین**[۸] ملکه آلبانی باطفل دوروزه خودواندکی بعداحمدزوغو پادشاه آلبانی بیونان پناهنده شدند . روز ۸ آوریل **تیرانا** پایتخت آلبانی و بفاصله چند روز سراسر خاك آن کشور بتصرف نیروی ایتالیا درآمد ودولت ایتالیا بهانگلستان باردیگر اطمینان داد که مقررات وپیمانهای مربوط بهمدیترانه رامحترم خواهدشمرد .

۱- Innsbruck

۲- Pariani ۳- Saint-Jean ۴- Medua ۵- Durazzo ۶- Valona

۷- Santi-Quaranta ۸- Géraldine

پس ازاشغال آلبانی ، کمیته‌ای ازرجال آلبانی زیرنظر مقامات ایتالیائی تشکیل وطی انتخابات سریعی که بعمل آمد مجلس مؤسسان بوسیله کمیته مزبور منعقد گردید و این مجلس روز ۱۲ آوریل تاج سلطنت آلبانی را به ویکتور امانوئله سوم پادشاه ایتالیا واگذاشت وشورای عالی حزب فاشیست روز۱٤آوریل تصمیم مؤسسان آلبانی‌را را تصویب کرده . شاه ایتالیا روز ۱٦ آوریل رسماً سلطنت آلبانی را پذیرفت ویك افسر عالیرتبه ایتالیالی زمام امور آلبانی را از طرف پادشاه دردست گرفت .

ایتالیا در حالت بیطرفی

موسولینی ضمن انتقاد شدید از پیام **روزولت** رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا مبنی برحفظ امنیت اروپا از۱۰ تا ۲۵ سال بآن پیام پاسخ نامساعد داد . وی ازنیات ومقاصد آلمان درباره لهستان بی‌اطلاع نبود . زیرا کنت چیانو ضمن ملاقات ومذاکره باهیتلر وفن ریبن‌تروپ درروز های ۱۲و۱۳ اوت ۱۹۳۹ ازحمله قریب الوقوع آلمان به‌لهستان آگاه شده واز موسولینی درخواست کرده بود که دراین حمله شرکت کند . اما موسولینی جواب داده بود که برای شرکت در چنان حمله‌ای آماده نیست و با آنکه هیتلر باو قول داد که برای انصراف نیروهای فرانسه ازمرزهای ایتالیا یکصد لشکر بخطوط دفاعی زیگفرید (مرز فرانسه وآلمان) خواهد فرستاد ، موسولینی همچنان درحفظ سیاست بیطرفی‌خودپافشاری کرد. هنگامیکه‌جنك اجتناب ناپذیر بنظرمی‌آمد ، موسولینی تصمیم گرفت که‌باردیگر مانند سپتامبر۱۹۳۸ نقش‌میانجی‌رادرحل‌اختلافات آلمان‌ولهستان‌بازی کند وبهمین‌مناسبت‌بعدازظهر روز۳۱ اوت۱۹۳۹ کنت‌چیانو بوسیله **فرانسوا پونسه** سفیر فرانسه و **سرپرسی‌لورن** [1] سفیر انگلستان به دو دولت‌مزبور پیامی فرستادمبنی بر اینکه پیشوای ایتالیا پیشنهاد میکند

۱- Sir Percy Loraine .

کنفرانسی در روز ۵ سپتامبر برای تجدید نظر درمقررات عهدنامه‌ورسای‌ورسیدگی با-
علل اختلافات کنونی آلمان ولهستان تشکیل گردد و ضمن پیشنهاد خود متذکر شده
بود که بدون جلب رضایت فرانسه‌وانگلستان ازدولت‌آلمان برای شرکت در کنفرانس
دعوت نخواهد کرد . کنت‌چیانو که بوسیله سفیر خود دربرلین از حمله قریب‌الوقوع
آلمان به‌لهستان آگاه بود ازدول فرانسه وانگلستان خواست که فوراً نظریه خود را
درباره طرح موسولینی باطلاع وی برسانند ولی هنگامیکه هنوز زمامداران فرانسه و
انگلستان وقت خود را به بررسی پیشنهاد موسولینی وشور و گفتگو درباره کنفرانس
آینده میگذراندند نیروهای آلمان خاك لهستان را اشغال کرده بودند . بعضی‌ازرجال
فرانسه شرکت لهستان را در کنفرانس لازم میدانستند و بعضی دیگر اصولا باتشکیل
کنفرانس مخالف ومعتقدبودند که جبهه مشترك برای‌دفاع در برابر حمله احتمالی آلمان
تشکیل گردد. وزیر امور خارجه انگلستان تشکیل کنفرانس را بـه‌خروج نیروهای
آلمان از لهستان موکول مینمود وموسولینی‌معتقد بود که هرگز نمیتوان چنین‌شرطی
را به پیشوای آلمان‌قبولانید .بدین ترتیب موضوع میانجیگری ایتالیا باشکست‌مواجه
شد و روزاول سپتامبر ۱۹۳۹ شورای‌عالی حزب فاشیست سیاست‌بیطرفی‌ایتالیاراتصویب
کرد . امضای پیمان آلمان وشوروی و تقسیم لهستان بین آن دو کشور و کشتارهای
دسته جمعی در لهستان افکـار عمومی مردم ایتالیا را بشدت تحت تـأثیر قرارداد و
باوجود آنکه هیتلر در ملاقات روز اول اکتبرخود با کنت‌چیانواو راتحت‌فشارقرارداده
وموافقت اورا بامقاصد خود جلب کرده بودحکومت‌ایتالیا حاضرنشد که دراجرای طرح
معروف دفاع ازصلح ازابتکارات پیشوای آلمان بطور کلی‌شرکت کند .

روز ۳۱ اکتبر ۱۹۳۹ موسولینی کابینه خودرا ترمیم و ٦تن از وزیران را عوض

کرد . مارشال **گراتسیانی** [۱] بجای ژنرال پاریانی بریاست کل ستاد ارتش ، **موتی** [۲] بجای **ستاراس** [۳] به دبیر کلی حزب فاشیست ، **پاولینی** [٤] بوزارت کشاورزی عمومی بجای **آلفیری** [٥] منصوب شدند . روز ٦ دسامبر شورای عالی حزب فاشیست باردیگر سیاست عدم مخاصمهٔ ایتالیا را تأیید کرد ولی روز اول مارس ۱۹٤۰ پیراهن سیاهان عضو حزب فاشیست به‌نیروی نظامی ایتالیا پیوستند.

۱- Graziani ۲- Muti ۳- Starace

٤- Pavolini ٥- Alfieri

فصل سوم - ایتالیا در جنگ جهانی دوم

۱۹۴۰-۱۹۴۵

ورود بجنگ

بر اثر توسعه جنگ روز بروز بر عدهٔ مخالفین سیاست بیطرفی ایتالیا که متحد آلمان بود افزوده می‌شد ولی ایتالیا برای اقدام به عملیات وسیع جنگی آمادگی نداشت و نمی‌توانست چنانکه باید تجهیزات نظامی و جنگی خود را تکمیل کند. بعد از پیروزی آلمان در نروژ، موسولینی به هیتلر پیشنهاد نمود که با پیمان صلحی که متضمن حکمیت در باره اختلافات کنونی باشد موافقت کند ولی هیتلر به حملات خود ادامه داد. پس از اشغال خاک هلند و بلژیک و شکست افتضاح آمیز نیروهای فرانسه و انگلیس، در **دونکرك** از نیروی آلمان، سراسر خاک فرانسه بوسیله آلمانها اشغال شد بدون آنکه ایتالیا در آنمیان سهمی داشته باشد. در لندن و پاریس رجال و سیاستمداران انگلیس و فرانسه کوشش خود را برای دور نگاه داشتن ایتالیا از جنگ بکار میبردند ولی چون دعاوی و توقعات موسولینی روز افزون و غیر قابل قبول بود آن تلاش و کوشش بجائی نرسید.

موسولینی برای ورود بجنگ روز ۱۵ ژوئن ۱۹۴۰ را انتخاب کرده بود ولی چون

خط دفاعی **ویگان**[1] در تاریخ ٦ ژوئن درهم شکسته شد و پاریس بخطر افتاد روز دهم ژوئن موسولینی برعلیه فرانسه و انگلستان وارد جنگ شد زیرا بقول موسولینی «حفظ شرف و رعایت منافع و مصالح میهن، عمل اورا اجتناب ناپذیر گردانیده بود.»

نیروی هوائی ایتالیا بمرزهای جنوب شرقی فرانسه، که عملا بی دفاع بودند، حمله برد وشهرها وقصباتی را که خالی ازپادگان نظامی بود بمباران کرد وفراریان غیر نظامی را درجاده‌ها هدف شلیك مسلسل قرارداد. درجبهه آلپ روز ۱۷ ژوئن ایتالیائیها درخط مقدم دفاعی فرانسه پیشروی کردندولی علیرغم تفوق نظامی وتجهیزات جنگی کامل که داشتند بعقب رانده شدند. حمله مجدد سپاه ایتالیا درین جبهه که باهمکاری نیروهای امدادی وتازه نفس صورت گرفت نتیجه قابل ملاحظه‌ای نداشت وحال آنکه آلمانها به **ایزر**[2] رسیده بودند. وقتی که پیمان متارکه جنگ آلمان وفرانسه در ۲۲ ژوئن بامضا رسید ایتالیائیها میخواستند قبل ازامضای پیمان متارکه هرچه میتوانند ازسرزمینهای فرانسه را اشغال کنند ولی باوجود بکارانداختن چندین لشکر نمیتوانستند بیش از چندین صدمتر ازخاك فرانسه را درناحیه **مانتون**[3] بدست آورند.

پس ازتقاضای متارکه جنگ ازطرف مارشال پتن، هیتلر و موسولینی روز ۱۸ ژوئن درمونیخ ملاقات ودرباره همکاری وتعاون وتمرکز فعالیت‌های جنگی توافق ونیز موافقت کردند که متارکه جنگ آلمان وفرانسه ٦ ساعت پس ازامضای پیمان متارکه بین ایتالیا و فرانسه بمورداجرا گذاشته شود. پیمان متارکه فرانسه وایتالیا روز ۲٤ ژوئن در

۱- Veygand فرمانده سپاه فرانسه درجبهه مشرق ـ م.

۲- Isère ۳- Menton

ساعت ۱۹ و۱۵ دقیقه در کاخ ییلاقی **اینسیزا**[۱]، نزدیك رم بوسیله ژنرال **هنزیگر**[۲] ومارشال **بادوگلیو**[۳] امضا شد. مواداساسی این پیمان نظیر مواد عمده پیمان متار که آلمان وفرانسه بود ونیز بموجب این پیمان، ایتالیائیها میتوانستند از بندر **جیبوتی** وخط آهن بین آدیس آبابا وجیبوتی استفاده کنند ، طرفین موافقت کردند که مرز تونس ولیبی بعمق ۲۰۰ کیلو متر ازنیروهای نظامی تخلیه شود وایتالیا ناحیه **مانتون** وچند قصبه ودهکده ازمنطقه آلپهای فرانسه را تصرف کند .

مذاکرات سیاسی بین آلمان وایتالیا وژاپن بمنظورعقد اتحاد نظامی از ماه اوت ۱۹۴۰ آغاز و **پیمان برلین** «اتحاد نظامی بین سه ملت ازمقتدرترین ملل جهان» در۲۷ سپتامبر ۱۹۴۰ برای مدت ده سال بامضا رسید وآلمان و ایتالیا استقرار **نظم نوین** را در اروپا برعهده گرفتند . این پیمان یا بعبارت دیگر «**پیمان فولادین**» اولین قدم در راه تسلط برجهان وتقسیم دنیا بمناطق نفوذ بین امضا کنندگان پیمان بود . ایتالیا بلافاصله بعدازامضای پیمان در کمیسیون مخصوص دانوب که برهبری آلمان تشکیل گردیده بود و نیزدرمسئله حکمیت درباره مرزهای مجارستان مداخله کرد و نتیجه حکمیت این بود که قسمت عمده ناحیه **ترانسیلوانیا**[۴] بخاك مجارستان محلق گردید .

جنك با انگلستان

فرانسه پس ازامضای پیمان متار که ازعرصه نبردخارج گردیدولی انگلستان، برخلاف پیش بینی رهبران ایتالیا، جنگ را ادامه داد. گرچه ناوگان ایتالیا ازمقابله باناوگان انگلستان بفرماندهی امیرال **کانینگهام**[۵] حتی المقدور دوری میجست ، طی نبردهای دریائی تلفات وضایعاتی به ناوگان انگلستان واردآورد وخود دچارتلفات سنگینی شد . درنبرد دریائی شبانه‌ای که در۲۸مارس۱۹۴۱ نزدیك دماغه **ماتاپان**[۶] اتفاق افتاد ناوگان ایتالیا

۱ – Incisa ۲ – Huntziger ۳ – Badoglio ۴ – Transylvania
۵– Cunningham ۶– Matapan

سه ناوجنگی بزرك خود را ازدست داد . دربرابر حملات دریائی وهوائی مداوم انگلستان به بنادر ایتالیا، رهبران دستگاه جنگی ایتالیا بخصوص فرماندهان نیروی دریائی تصمیم گرفتند که نیروهای خودرا درپایگاههای اصلی متمرکز سازند وفقط به جنگ زیردریائی اکتفا وازرزمناوهای سبك سریع السیر برای مقابله بانیروی انگلستان استفاده کنند.

درشمال افریقا نیروهای بریتانیا صومالی انگلیس را دراوت ۱۹٤۰ بنفع نیروی ایتالیا تخلیه کردند ونیروی زمینی ایتالیا درسپتامبر ۱۹٤۰ سپاه بریتانیارا در مرزهای مصر شکست داد و **سولوم**[۱] را در۱٦ و **سیدی برانی**[۲] را در۱۸ سپتامبر تصرف کرد اما بزودی ازنیروی بریتانیا که بحالت تعرض وحمله درآمده بودشکست یافت و سولوم در۱٦ دسامبر و **باردیا**[۳] در٤ ژانویه ۱۹٤۱ و **تبروك**[٤] در۲۲ ژانویه و **بنغازی** در۷ فوریه بتصرف انگلیسها درآمد ونیروی ایتالیا درحال عقب نشینی ۱۳۵ هزارتن اسیردردست انگلیسها باقی گذاشت ولی سپاه آلمان درافریقا[٥] بکمك ایتالیا واردنبردشد ونیروی ایتالیا راازپرا کندگی وشکست قطعی نجات داد .

ازآغازسال ۱۹٤۱ ببعد پیشرفت نیروی بریتانیادرصومالی وحبشه و اریتره ادامه یافت وروز٥مه نجاشی امپراطورحبشه بانیروی بریتانیا به آدیس آبابا وارد شد . روز ۲۰ مه پس ازیك نبردطولانی پادگان ایتالیائی **دوك دااوسته**[٦] نایب السلطنه حبشه درمحل **امبا الاگی**[۷] تسلیم دشمن شدند و **گندار**[۸] آخرین تکیه گاه نیروی ایتالیادرحبشه روز۲۷ سپتامبر ۱۹٤۱ بتصرف انگلیسها درآمدو بدین ترتیب ایتالیاحبشه راازدست داد و **دوك دااوسته** روز۳ مارس ۱۹٤۲ در **نایروبی**[۹] (واقع در **کنیا**[۱۰] ازمستعمرات بریتانیا در افریقای شرقی)

۱- Solloum ۲- Sidi - Barani ۳- Bardia ٤- Tobrouk

٥- Afrika-Korps

٦- Due d'Aoste ۷- Amba-Alagi ۸- Gondar ۹- Nairobi ۱۰- Kenya

درزندان انگلیسها جان‌سپرد .

جنك بایونان

پس از یکسلسه مقالات تبلیغاتی که در مطبوعات ایتالیا دربارهٔ آشوبگریهاوخونریزیهای‌یونانیان‌درآلبانی وخرابکاری‌درنیروی دریائی ایتالیادرآبهای‌آلبانی انتشاریافت موسولینی روز۲۸اکتبر ۱۹٤۰درساعت سه‌صبح اتمام‌حجتی برای‌دولت یونان فرستاد و ازآن‌دولت خواست که تا ساعت٦ صبح‌همان‌روزچند بندرازبنادرخودرا که دارای موقعیت سوق‌الجیشی‌است تاپایان مدت جنك ایتالیا بابریتانیا دراختیارایتالیا قراردهد . دولت یونان این تقاضا را رد کرد وفوراً بتجهیزقواپرداخت‌ودرسراسر کشورحکومت‌نظامی اعلام کرد . همان روز۲۰۰ هزار سربازمجهزایتالیائی پس‌ازدرهم‌شکستن مقاومت پادگان‌ضعیف وناچیزیونانی بخاك‌یونان وارد شدندوموسولینی درملاقات‌خودبا هیتلردرشهر**فیرنتس**[1] بوی اطمینان داد که‌نیروی ایتالیا تایکهفته‌دیگروارد**آتنه**[2] پایتخت یونان‌خواهند شد ولی‌نیروی موسولینی‌نتوانست پیش ازده کیلومتردرخاك یونان پیش برود .

یوگسلاویا روز۲۹ اکتبربیطرفی خود را درجنك ایتالیا ویونان اعلام کردولی بریتانیا به‌اتکای پیمان همکاری بالکان‌مورخ‌آوریل ۱۹۳۹ با استفاده‌ازفرودگاههای یونان نیروی ایتالیا را درمنطقه ساحلی یونان بشدت مورد حمله قرارداد وروز۱۱نوامبر دربندر**تارانته**[3]سه ناوزره‌دارودورزمناو ایتالیائی را از کارانداخت .

---

۱ - Firenz یافلورانس Florence از شهرهای بزرك‌صفعتی‌ایتالیا ـم.

۲– Athènes ۳- Tarante بندرمعتبر واقع در خلیجی بهمین نام در انتهای جنوب شرقی‌شبه جزیره‌ایتالیا ـم.

انگلیسها روز ٤ نوامبر جزیره **کرت**[1] را اشغال کرده بودند وازاواسط نوامبر نیروی یونان به حملات متقابله دست زدو **گوریتزا**[2] و **آرژیروکاسترو**[3] و **سانتی کوارانتا** را از نیروی ایتالیا باز گرفت ودرحالیکه ایتالیائیها شکسته وپراکنده خاك یونان را ترك می گفتند نیروی یونان قسمت عمده خاك آلبانی را تا حدود دریاچه **اخرید**[4] اشغال کرد.

درملاقاتی که روز ۱۵ نوامبر در **اینسبروك** بین مارشال بادوگلیو وژنرال کیتل روی داد موضوع تشکیل فرماندهی واحد ایتالیاو آلمان بریاست آلمان ازطرف بادوگلیو رد شد وهیتلر تصمیم گرفت، که ایتالیارا همچنان درحال سرگردانی وناتوانی بگذارد تاهنگام ضرورت ازیاری و کمك آلمان استفاده و بدین ترتیب تفوق خود را بر موسولینی حفظ کند. روز ۵ دسامبر بادوگلیو ازمقام خود کناره گرفت وروز ۱۲ ژانویه ۱۹٤۱ جانشین او، ژنرال **کاوالرو**[5] شخصاً فرماندهی نیروی ایتالیارادر آلبانی برعهده گرفت. روز ٦ آوریل نیروی آلمان یوگسلاویا را اشغال ودر مرز آلبانی با نیروی ایتالیا تماس حاصل کرد و بدین ترتیب نیروی یونان ازدوجناح تحت فشار قرار گرفت وازمقاومت دست کشید وسراسر یوگسلاویاویونان بوسیله نیروی محوراشغال گردید موسولینی روزسوم مه ۱۹٤۱ الحاق ناحیه **لوبلیانا**[6] ازخاك یوگسلاویا را بخاك ایتالیا اعلام نمود.

روز ۱۸ مه تشکیل دولت مستقل **کرواسی**[7] اعلام و **دوك دوسپولت**[8] بسلطنت کرواسی منصوب گردیدولی به **زاگرب**[9] پایتخت خود در کرواسی نرفت طبق قرارداد ایتالیاو کرواسی

---

۱ – Crète جزیره واقع درمدیترانه شرقی متعلق به یونان – م.

۲ – Goritza ۳ – Argyrocastro ٤ – Okhrida ۵ – Cav allero

٦ – Lubliana ۷ – Croitie

۸ – Duc de Spolète ۹ – Zagreb

ناحیه **دالماسی**[۱] وشهرهای **زارا**[۲] و **سپلیت**[۳] و **سیبنیك**[٤] وچندجزیره درآدریاتیك بایتالیا واگذارو کرواسی متعهد شد که راه عبورارتش ایتالیا را ازخاك خودباز بگذارد واز ایجاد نیروی دریائی خودداری کند.

ناتوانی ایتالیا

کمی منافع حاصله ازپیمان متارکه جنك بافرانسه، عدم کامیابی درنبردهای افریقاویونان، ضایعات سنگین نیروی دریائی وتمکین دربرابر آلمان، درموردمداخله ایتالیادراموراروپا، ازمسائلی بود که به نیروی پایداری واستقامت ایتالیا لطمه واردساخت. سخنرانیهای پرهیجان موسولینی وسایرسران حزب فاشیست، که پیوسته مردم را دربرابر ناکامیهای جنك به تجدیدواحیاء قریب الوقوع امپراطوری عظیم روم قدیم امیدوار میساختند، بیشتر ازمسائل دیگر به پراکندگی افکارعمومی کمك می کرد. ملت ایتالیا بتصورآنکه در صورت عدم ورود بجنگ منافع پیش بینی شده‌ای را از دست خواهد داد از روی رضا ورغبت واردبجنگ شد ولی حوادث دورهٔ جنگ بتدریج نارضایتی طبقه روشنفکر وافراد ارتش را برانگیخت وزمزمه‌های مخالفت بانفوذ شدید آلمان هیتلری ولزوم همدردی وهماهنگی با دموکراسیهای غرب ووحدت ارتش، بصورتیکه درسال ۱۹۱۸ داشت، درمیان طبقات مذکورشنیده میشد. اقدام ایتالیا دربارهٔ فرانسه که به «خنجرزدن ازپشت» تعبیرشده بود بیش ازهرزمان مورد اعتناوبحث محافل ایتالیا قرارگرفت. جامعه روحانی کاتولیك ازتوطئه‌های رژیم فاشیستی برعلیه کلیسا ونفوذپاپ کاملا نگران و نفوذ دسته‌های ضدفاشیست خارج از ایتالیا در روحیه مردم مهم و قابل اعتنا بود، طبقه کارگر بمرور زمان بافاشیسم و روشهای آن خوگرفته وازوضع خودراضی بود اما حرص وآزروزافزون زعمای حزب فاشیست دراشغال مقامات کشوری ولشکری با منافع وتمایلات اکثر مردم ایتالیا منافات داشت وحتی در

۱- Dalmatie ۲- zara ۳- Split ٤- SibeniK

داخل حزب نیز تمایلات جاه طلبانه سران فاشیسم موردانتقاد وتقبیح قرارمی گرفت. و شاید بهمین علت بود که موسولینی درنطق روز۱۸نوامبر ۱۹٤۰ خود از استقرار اصولی سخن‌راند که‌اساس آن برر‌أی‌وعقیده عامه‌مردم ومتکی به‌طبقه روشنفکر دانشمند و حافظ منافع‌طبقه متوسط باشد.

ایتالیا ازلحاظ منابع غذائی ومواد اولیه فقیروحزب فاشیست درراه تجدیدسازمان کشور با صرف هزینه هنگفت رمق مردم را کشیده بود، اصرار درادامه روش استقلال اقتصادی، با پولی که‌بمراتب بیش‌از ارزش واقعی عرضه می‌شد، صرف هزینه سنگین‌برای دخالت در جنگهای داخلی اسپانیا و اعزام نیرو به‌حبشه و بلند پروازی و قدرت نمائی رهبران کشور بدون دردست داشتن وسائل قدرت، ورود بجنگی که برای ایتالیاخسارات وویرانی وناکامی‌ببار آورده‌بود ومسائلی‌نظیر آنهاافکارعمومی ملت‌ایتالیارا تحت تأثیر قرار داده‌بود وروزبروز ازاعتماد ملت نسبت به‌حزب‌فاشیست وتوافق وهماهنگی‌افرادباسیاست دولت میکاست . روش‌پرده‌پوشی مقامات نظامی درموزد حوادث جنك و بیرحمی وقساوت در اجرای‌مجازاتها واعدام افراد، رقابت وستیزه جوئی مقامات ارتشی، نموداری ازوضع ناهنجار ومتغیر فعالیت جنگی‌ایتالیا وتحولات‌وتغییرات پی‌درپی درپستهای فرماندهی ارتش بود که بوسیله دوچه انجام میگرفت .

هیتلر که به‌ثبات وپایداری موسولینی اطمینان کاملی‌نداشت اورابه**برچسگادن**[۱] دعوت کرد ودرملاقات روز۲۰ژانویه ۱۹٤۱ آنچه را که قبلا ازایتالیا خواسته و مارشال بادوگلیو آنرا رد کرده بود مجدداً بادوچه درمیان گذاشت . خلاصه خواسته های هیتلر این‌بود که نیروهای‌آلمان برای‌شرکت در نبردهای حوضه مدیترانه درخاك‌ایتالیا مستقر

۱–Berchtesgaden

وهمراه آن نیروها مأمورین اداری وافراد پلیس آلمان بایتالیا اعزام شوند، ریاست فرماندهی مشترك نیروهای آلمان و ایتالیا به افسران آلمانی و اصلاح و رهبری اقتصاد ایتالیا و هماهنك ساختن آن با اقتصاد آلمان بعهده کارشناسان آلمانی وازجمله **دکتر کلودیوس**[1] واگذار شود .

هیتلر درنطق روز ۳۰ ژانویه ۱۹٤۱ خود گفت که ایجاد انقلاب درایتالیا بیهوده و احتمال خروج ایتالیا ازجنك بعید است ولی درهمان حال موسولینی برای یافتن تکیه‌گاهی درخارج ازکادر محور درتلاش بود . روز ۱۲ فوریه ۱۹٤۱ در **بردیگرا**[2] واقع درناحیه **لاریویرا**[3] ضمن ملاقات با **فرانکو** وبرادرزن او **سرانوسونر**[4] وزیرخارجه اسپانیاو اشاره به کمکهای ایتالیا درجنگهای داخلی اسپانیا سعی کرد که فرانکو را به کمك نظامی واقتصادی بایتالیا وادار سازد ولی از آن مذاکرات نتیجه‌ای حاصل نشد . روز ۲۳ فوریه ۱۹٤۱ موسولینی ضمن نطقی که در اجتماع حزبی رم ایراد کردازاینکه‌جبر تاریخ پیش از آمادگی ایتالیا گلوی آن کشور را گرفته و بگرداب حوادث کشانیده‌است شکوه نمود و سپس نطق مشحون از لاف و گزافهای معمولی خود را ادامه داد .

۱- Dr. Clodius.

۲- Bordighera .

۳- La Riviera ناحیه‌ساحلی ایتالیا درکناردریای‌مدیترانه که ازپلاژهای مشهور اروپا ومانند ناحیه نیس فرانسه مرکز خوشگذرانی ثروتمندان اروپائی وامریکائی است ــ م.

٤- Serrano Suner.

رانده‌شدن ایتالیا ازافریقا

نیروی ایتالیا در شمال افریقا زیر فرماندهی **مارشال رومل**[1] و باکمك سپاه افریقائی آلمان فعالیت را از سر گرفت و ضمن پیشروی‌درجاده **العقیله** به‌**مرسی متروك** ذخیره کافی‌ازخواروبار وبخصوص نیروی‌کارگری فراهم ساخت (مارس ـ آوریل۱۹٤۱) ولی در ماههای نوامبر و دسامبر بوسیله نیروی بریتانیا تا **عقدبیه** رانده شد. فعالیت نیروهای دریائی وهوائی ایتالیا نیزقابل ملاحظه بود؛ هواپیماهای جنگی ایتالیا مرتباً به پایگاه نیروی بریتانیـا در مالت حمله می‌بردند و زیردریائی ها وناو های جنگی سبك وسریع‌السیر ایتالیا چند کشتی‌جنگی انگلستان‌رادرآبهای‌مدیترانه‌تاجبل‌الطارق غرق کردند.

نیروهای‌آلمان وایتالیا باپیشروی جدیدی درفوریه ۱۹٤۲ به‌**درنا**[2] ودرژوئن به **العلمین** درصد کیلومتری بندر **اسکندریه** رسیدند وقاهره ودلتای نیل‌وکانال‌سوئزمورد تهدید قرار گرفت.

موسولینی و هیتلر بدولت مصر اطمینان دادند که تمامیت ارضی و استقلال آن کشوررا محترم خواهند شمرد. درین‌موقع دوچه بخاك مصرقدم گذاشته و با بی‌صبری منتظر وصول به‌ناحیه اهرام مصر بود اما نیروهای بریتانیا باکمکها وقوای‌امدادی که رسیده بود وضع خود را بهبود واستحکام بخشیدند ودربرابر نیروی‌ایتالیابسختی‌پایداری کردند وموسولینی بانومیدی به‌ایتالیا بازگشت.

درآغاز نوامبر ۱۹٤۲ عقب‌نشینی سریع نیروهای‌آلمان وایتالیا در شمال افریقا بجانب مغرب شروع شد و ضمن عقب نشینی، هنگامی به **طرابلس‌غرب** رسیدند که نیروهای امریکائی و انگلیسی درمراکش و الجزایر پیاده شده بودند. روز ۲٤ ژانویه

۱- Rommel ۲- Derna

۱۹۴۳طرابلس بتصرف متفقین درآمد ونیروهای فرانسوی بفرماندهی **ژنرال لکلرك** [۱]، که از ناحیه **چاد** آمده بودند ، ایتالیائیها را از **فزان** [۲] بطرف شمال رانده به‌نیروی انگلیسی زیر فرمان **منتگمری** [۳] ملحق شدند ، رومل در خط دفاعی **مارت** [٤] درجنوب تونس بشدت دفاع می کرد ولی درآغاز مارس به آلمان احضاروفرماندهی نیروی‌آلمان وایتالیا به ژنرال **مس** [٥] افسر ایتالیائی واگذار شد . نیروهای محور که براثرحملات منتگمری‌درماه آوریل بشمال تونس‌رانده شده‌بودند درششم‌مه‌باحمله تعرضی‌**ایزنهاور** [٦] مواجه گردیدند . شهرهای **تونس‌وبیرزت** [۷] در۷ مه وسراسر تونس تا ۱۳ مه بتصرف متفقین درآمد . ژنرال مس و**فن آرنیم** [۸] باسربازان زیر فرماندهی خود اسیر شدند واز امپراطوری افریقائی ایتالیا فقط خاطره‌آن درازهان باقی ماند .

درسال ۱۹٤۲ هیتلر ازموسولینی برای تقویت جبهه جنك باشوروی کمك‌خواست و سربازان اعزامی ایتالیا که از سرمای شدید روسیه بزحمت افتاده بودند در جبهه **استالینگراد** پس از دادن تلفات سنگین باسارت شورویها درآمدند و آلمانها شکست‌و ناکامی خودرا درجبهه استالینگراد نتیجه‌سستی وضعف روحی سربازان ایتالیائی‌دانستند وقسمتی از مسئولیت‌آن‌شکست‌را متوجه ایتالیائیها ساختند .

شکست وناکامیهای جنگی مانع ازآن‌نبود که موسولینی همچنان‌به گزافه گوئی خود ادامه‌دهد، وی‌وزارت‌افریقای ایتالیارا باقی گذاشت ودریکی‌ازسخنرانیهای خود گفت که « مابافریقا باز خواهیم گشت ». موسولینی دراول مارس ۱۹٤۲ فرمان احضار کلیه مردان وزنان ایتالیارا تا سن معینی بخدمت ارتش‌صادر کرده بود ولی بعلت کسر منابع

۱- Leclerc ۲- Fezzan ۳- Montgomery ٤- Mareth

٥- Messe ٦- Eisenhawer ۷- Bizerte

۸- Arnim von افسرآلمانی

تجهیزاتی، تجهیزسریع احضارشدگان عملی نشد وموسولینی همچنان به‌سیاست عزل و نصب و تغییر وتبدیل فرماندهان وکارمندان عالیرتبه کشوری ومقامات حزبی ادامه داد ؛ **سرنا**[1] ، که از۳۰ اکتبر ۱۹٤۰ بجای **موتی** بدبیر کلی حزب فاشیست منصوب شده‌بود، در ۲۷ دسامبر ۱۹٤۱ از مقام خود عزل و **ویدوسونی**[2] به دبیر کلی حزب منصوب گردید و ازروز ۱۹ دسامبر۱۹٤۲ هیئت مدیره جدیدی درحزب فاشیست زمام‌امور را بدست گرفت .

هجوم بخاك ایتالیا

ملت ایتالیا با بدبینی و نومیدی ازعواقب جنك و خستگی روزافزون بارسنگین جنگی را که‌درنظر اکثریت ملت ناپسند بودبدوش می کشید و بحران سیاسی که ازمحافل غیردولتی آغاز گردیده بود متدرجاً به‌ستاد ارتش و کادر رهبری حزب فاشیست‌سرایت می کرد . سکوت مصلحتی دربار ایتالیا دربرابر اقدامات موسولینی و حزب فاشیست و حوادث‌روز موردتوجه‌عمومی بودومحافل‌مختلف کلیسائی وشاهزادگان وصاحبان‌صنایع‌و حرف، برای‌آنکه هنگام‌شکست وناکامی قطعی دیکتاتور ازلطف وعنایت دربار محروم نمانند، سعی‌می کردند که هرچه بیشتر از حزب و رهبران آن دوری جویند . فشار سیاسی واقتصادی ونظامی آلمان برایتالیا روزبروز شدیدتر و نفرت انگیزتر می‌شد . موسولینی میدانست که‌جز عده‌ای معدود ازافراد حزبی کسی هواخواه اونیست وروز۵ فوریه ۱۹٤۳ باردیگر هیئت وزیران را تغییر داد وزمام‌وزارت امور خارجه‌را، که تاآن تاریخ‌دراختیارداماداو **کنت چیانو** بود، خود دردست گرفت وچیانورا بعنوان‌سفارت‌ایتالیا در دربار پاپ به‌واتیکان فرستاد . ضمن ملاقات باهیتلردرروزهای ۷ تا۱۱ آوریل‌ازاو در زمینه رفع مشکلات خود ، خاصه مشکلات مادی واساسی، استمداد کرد . روز۱۸ آوریل

۱- Serena ۲- Vidussoni

ویدوسونی را ازدبیر کلی‌حزب‌عزل و **کارلواسکورتسا**[1] را بجای او منصوب کرد، بالاخره شورای مرکزی حزب‌فاشیست رأی داد که حساسیت موقع و خطری که ایتالیا را تهدید میکند باید باطلاع ملت برسد و موسولینی ضمن‌نطق روز۲٤ژوئن چنین گفت: «اکنون موقع آن فرارسیده است که دشمن آخرین نقش‌خودرابازی کند... مابهر گونه نقشه پیاده کردن نیرو بخاك ایتالیا با هشیاری و سرعت پاسخ خواهیم داد و بامشت آهنین واراده خلل‌ناپذیر خوددر برابر دشمن خواهیم ایستاد.»

هنگام هجوم نیروی متفقین بخاك ایتالیا فقط در ناحیه **کاتانیا**[2] **وتنگه‌مسینا**[3] مقاومت نیروی ایتالیا قابل ملاحظه بود. هواپیما ها وناوهای جنگی متفقین پی‌درپی مراکز صنعتی وسوق‌الجیشی **سیچیلیا**[4] وشبه‌جزیره **کالابریا**[5] راگلوله‌باران‌میکردند وبیش‌از سه هزار ناو نیروبر متفقین، سرباز بسواحل ایتالیا می‌بردند. در نخستین روز حمله بخاك ایتالیا شهر **سیراکوزا**[6] وروز ۱۳ ژویه **راگوزا**[7] بتصرف متفقین‌درآمد روز۱٦ ژویه پیام مشترك روزولت- چرچیل خطاب بملت ایتالیا بدین‌شرح باطلاع‌مردم آن کشور رسید. «**راه منحصر بفرد شما برای ادامه زندگی تسلیم با شرایط شرافتمندانه است .. مامصمم هستیم که‌فاشیسم رابکلی‌نابودسازیم.**»

۱- Carlo Scorza ۲- Catania درجزیره‌سیچیلیا-م.

۳ - Messina تنگه واقع بین شبه جزیره ایتالیا و جزیره سیچیلیا - م.

٤- Sicilia یا سیسیل Sicile.

٥- Calabria شبه جزیره واقع درانتهای شبه جزیره ایتالیا -م.

٦- Syracusa از مراکز مهم جمعیت‌جزیره سیچیلیا -م.

۷- Racusa

نخستین حکومت نظامی متفقین درخاك ایتالیا از روز ۱۷ژویه در جزیره سیچیلیا برقرار گردید و روز ۱۹ ژویه طی ملاقاتی که بین هیتلر و موسولینی در **ورونا**[1] روی داد، موسولینی بار دیگر ازهیتلر استمداد نمود اما هیتلر با کمك، نظامی محدودی که فقطممکن بودازپیشرفت سریع متفقین درخاك ایتالیا بکاهد موافقت واظهار کرد که بیرون راندن نیروی متفقین ازخاك آن کشور برای آلمان غیرمقدوراست وموسولینی بایدنخست در تقویت خویش بکوشد و سپس به‌تهیه وسائل جنك بپردازد .

سقوط دولت موسولینی

موسولینی بعد ازبازگشت به‌رم اعضای شورای بزرك حزب فاشیست را، که از۷ دسامبر ۱۹۳۹ ببعد تشکیل جلسه نداده بودند ، برای روز ۲٤ ژویه ۱۹٤۳ دعوت کرد . درآغاز جلسه شوری نتیجه مذاکرات خودرا باهیتلر باطلاع اعضارسانید ولزوم تهیه طرحی برای رفع فوری احتیاجات ستاد ارتش و تمرکز دادن نیروهای ملی واعطای اختیارات کامل به‌نخست وزیر وتقویت دولت اوراگوشزد نمود . بلافاصله پس‌از نطق موسولینی . **کنت گراندی**[2] رئیس مجلس شورای ملی وعضو شورای حزب فاشیست تقاضا کرد که طرح او دردستور جلسه قرار گیرد و خلاصه طرح **گراندی** این بود که بایستی کلیه صاحبان مشاغلی که طبق رای پارلمان ویا مقررات دیگرازدستگاههای دولتی ودرباری وشورای عالی حزب وپارلمان و اتحادیه های صنفی رانده شده‌اند سرکار خود برگردند و نیروی آنان مجدداً بکار افتد ، فرماندهی کل نیروهای مسلح کشور برعهده پادشاه گذاشته شود و شاه زمام ریاست کشور رابرای اجرای قوانینی که‌قوه‌مقننه آنهارا تصویب میکند دردست گیرد .

۱- Vérona ۲ Le Comte Grandi

طرح گراندی، که بامضای ۱۹ نفر از ۲۷ نفر اعضاء شوری و از جمله بامضاء **بونو و وکشی**، دوتن از صمیمی‌ترین دوستان و یاران موسولینی و **باستیانی نی**[۱] معاون وزارت امورخارجه و **آلفیری**[۲] سفیر ایتالیا در آلمان و **فدرو تسونی و کنت چیانو** رسیده بود، در دستور جلسه قرار گرفت. موسولینی از دفاع شدید خودداری کرد و علیرغم مخالفت **سکورتسا** و **فاریناچی**[۳] و **ژنرال گالبیاتی**[۴] رئیس سازمان نظامی حزب پس از ۱۰ ساعت گفتگو و نطق‌های پرهیجان طرح گراندی با اکثریت ۱۹ رأی موافق در برابر ۷ مخالف و یك ممتنع تصویب شد.

هنگام خروج موسولینی از جلسه شوری، سکورتسا و گالبیاتی باو پیشنهاد کردند که فوراً مخالفین (یاخائنین) را توقیف کند ولی دوچه نپذیرفت و از شاه برای کسب اختیارات کامل تقاضای ملاقات کرد ولی درساعت پنج بعد ازظهر هنگام ملاقات باشاه، ویکتورامانوئله بوی اطلاع داد که **مارشال بادوگلیو** را به نخست‌وزیری منصوب وبادوگلیو درمقام جدید شروع بکار کرده است. دوچه باخشم فراوان به اقدام شاه اعتراض کردولی هنگامی که ازکاخ سلطنتی **ساووا** بیرون آمد توقیف و بوسیله یك آمبولانس به قلعهٔ **براشی**[۵] اعزام گردید.

ویکتور امانوئله همان روزپیامی به ملت ایتالیا فرستاد و بادوگلیودولت جدیدرا که اکثر اعضای آن ازافسران عالیرتبه بودند تشکیل داد ووزارت امورخارجه را به **گاریگلیا**[۶] سپرد. درتوطئه برعلیه موسولینی، ستادارتش و افسرانی مانند ژنرال **کاوالرو** و **آمبروزیو**[۷] نقش مهم ومؤثر را برعهده داشتند

۱- Bastianini ۲- Alfieri ۳- Farinacci ۴- Galbiati
۵- Braschi ۶- Guariglia ۷- Ambrosio

حکومت بادوگلیو و تسلیم ایتالیا

کوشش اساسی حکومت جدید متوجه دو امر بود: یکی حل و تصفیه فاشیسم و دیگری قطع خصومت و جنگ. دولت بادوگلیو درمورد اول سریعاً اقدام کرد؛ حزب فاشیست غیر قانونی اعلام و کلیه سازمانهای حزبی مانند شورای عالی حزب و کمیته مرکزی و کنگره حزب و سازمان جوانان منحل و روزنامه‌های حزبی توقیف و تعطیل و سازمانهای نیمه نظامی حزب ضمیمه ارتش و سلام مخصوص فاشیستی و کلیه علامات و شعارهای حزبی منسوخ و کمیسیونی برای رسیدگی به دارائی و ثروت زعمای حزب از سال ۱۹۲۲ ببعد تشکیل گردید و در نتیجه رسیدگی کمیسیون مزبور عده زیادی دستگیر شدند. عقائد و آراء سیاسی در ایتالیا آزاد و اکثر رهبران قدیمی حزب و حتی کسانیکه برای اعاده اختیارات بشاه اقدام کرده بودند دستگیر شدند و از آن میان بعضی مانند **گراندی** فرار کردند. موسولینی مدتی در جزیرهٔ **پونتسا**[1] واقع در خلیج **گائت**[2] و سپس در **گران ساسو دیتالیا**[3] زندانی گردید.

روز ۲۵ ژوئیه، بادوگلیو ضمن پیام خود به ملت ایتالیا گفت که «**جنك همچنان ادامه دارد ... و ایتالیا به تعهدات خود وفادار است.**» روز ۲۹ ژوئیه ژنرال **ایزنهاور** از ملت ایتالیا درخواست کرد که از کمك به نیروی آلمان خودداری و در اخراج نیروی هیتلر از خاك کشور خود با متفقین همکاری کنند.

در کنفرانسی که روز ۱۵ اوت در **بولونی**[4] با حضور **رومل** و **روآتا**[5]، رئیس ستاد ارتش ایتالیا منعقد گردید، روآتا اظهار داشت که «**ما این خیانت را مرتکب نخواهیم شد که در بحبوحهٔ جنك از متحد خود جدا شویم و به دشمن بپیوندیم**».

Ponza – ۱ Gaete – ۲ Gran Sasso d'Itlaia - ۳ Boulogne – ۴

Roatta -۵

درهمین روز **سرساموئل‌هور** سفیر انگلیس در مادرید به‌فرستاده بادوگلیو خاطر نشان ساخت که‌انگلستان‌فقط باتسلیم بلاشرط ایتالیا موافق است ودوروز بعد **سر رنالد کمپبل**[1] سفیر بریتانیا **در لیسبوآ**[2] به‌نماینده بادوگلیو گفت که، علاوه برتسلیم‌بلاشرط، ایتالیا بایدهنگام پیاده شدن نیروی متفقین بخاك ایتالیا با این نیروهمکاری کند.

بنابردستوری که ازطرف روزولت وچرچیل‌از **کبك**[3] رسیده بود، آیزنهاوررروز۱۹ اوت‌هیئت‌مشترکی‌ازنمایندگان‌امریکا وانگلستان را با تعلیمات لازم‌ودستورمذاکرات صریح وروشن بایتالیا فرستاد وبادوگلیو، ضمن‌تایید پیشنهادهیئت مزبور،یکی‌ازافسران ایتالیائی را بهمراهی **کارتن‌دوویارت**[4] افسرانگلیسی که‌دردست‌نیروی‌ایتالیااسیر و بدستوربا دوگلیوآزاد شده بود، به‌**لیسبوآ**فرستاد. درین موقع نماینده اولی بادوگلیو روز۲۵ اوت ازپرتقال بازگشت و عدم موفقیت خودرا درمذاکره با سفیرانگلیس‌باطلاع بادوگلیورسانید وروز۳۱ اوت در **سیراکوزا** پیشنهاد متفقین ازطرف ایتالیا پذیرفته و قرارشد که این امرتا پیاده شدن نیروی متفقین‌بخاك ایتالیامکتوم‌بماند.

گاریگلیا، روزاول‌سپتامبرتصمیم ایتالیارا مبنی‌برمقاومت‌وعدم‌تسلیم‌دربرابرمتفقین باطلاع‌کاردارسفارت آلمان‌دررم‌رسانیدوروزسوم‌سپتامبر بادوگلیوروز۸سپتامبر پادشاه‌ایتالیا نیزاین مسئله را تأیید کردند درصوتیکه روزسوم‌سپتامبرقرارداد آتش بس در **سیراکوزا** باحضور **آیزنهاور** و **الکساندر** بامضای‌ژنرال **کاستلانو**[5] افسرایتالیائی‌وژنرال‌امریکائی **بیدل‌سمیت**[6] رسیده بود. درهمین روزنیروهای انگلیس وامریکا بسواحل شبه جزیره ایتالیا پیاده شدند ولی قرارداد متارکه‌جنگ روز۸ سپتامبر۱۹۴۳ طی نطقی که‌ایزنهاور درساعت هفده ونیم ازرادیوالجزایرایراد نمود افشاشد.

۱- Sir Ronald Campbell ۲- Lisboa یالیسبون Lisbon پایتخت پرتقال-م.

۳- Québec ۴- Carton de Wiart ۵- Castellano ۶- Bidell-Smith

بادوگلیو بوسیله تلگراف به هیتلر ودولت آلمان تصمیم ایتالیا را مبنی برخروج ازجنگی که ایتالیاقادربادامه آن نبود اطلاع داد . مواد اساسی قرارداد متارکه جنك ایتالیا ومتفقین این بود که ایتالیا فوراً دست از جنگ بکشد، اسرای متفقین را آزاد وازهمکاری با نیروهای آلمان خودداری وناوگان جنگی خود را در **مالت** ، که مرکب از ۵ ناوزره‌دار و۷ ناوشکن و۱۷ ناوضد اژدرافکن و۱۸ زیردریائی بود، به متفقین تسلیم کند وبحریه تجارتی خود را دراختیارمتفقین بگذارد وجزیره **کرس** رابه‌متفقین بازدهدو کلیه پایگاههای دریائی وبنادر وفرودگاهها ونواحی ساحلی خاك خود را دراختیارفرماندهی مشترك متفقین بگذارد، نیروهای ایتالیا از کلیه جبهه‌های جنك فرا خوانده وزیرنظر متفقین‌خلع سلاح شوند . ضمناً قراربراین‌شد که شرایط مربوط به امورسیاسی‌واقتصادی ومالی بعداً باطلاع ایتالیا برسد .

روزولت وچرچیل طی کنفرانس **کبك** بوسیله‌یادداشتی به‌فرماندهان نیروی‌متفقین اطلاع داده بودند که‌اگرایتالیا بسرعت خود را برای کمك به‌پیشرفت مقاصد **ملل متحد** آماده کند درشرایط پیمان متارکه جنك بنفع ایتالیا تجدید نظر وتسهیلاتی دربن‌زمینه فراهم خواهد شد .پیمان کوتاه خلع‌سلاح در۱۲ماده که روز سوم سپتامبردر **مالت** بامضاء رسیده بود بوسیله پیمان مفصل خلع سلاح، که در٤٤ ماده روز۲۹ سپتامبر تدوین‌وامضا شد، تکمیل گردیدولی‌مفادآن تا ٦ نوامبر ۱۹٤٥ مکتوم ماند. طبق پیمان اخیرالذکر، که ایزنهاور آنرا از طرف متفقین وحتی دولت اتحادجماهیرشوروی امضا کرده بود، نظارت بر کلیه شئون سیاسی‌واقتصادی‌ومالی ایتالیاوازجمله نظارت وسانسور برمطبوعات و رادیورامتفقین دردست گرفتند ، حزب فاشیست بکلی منحل ومحاکمه تبهکاران‌جنك واداره‌بانکها ونظارت‌برمؤسسات بازرگانی وذخیره‌های ازری‌ایتالیا دراختیارمتفقین‌قرار گرفت‌وبموجب ماده ٤٤ پیمان، متفقین حق داشتند که برمقررات پیمان بیفزایند ویا

اجرای آنرا تشدید کنند . مقرر گردید که اصول سلطنت مشروطه ایتالیا تا زمانیکه ازلحاظ نظامی وسوق‌الجیشی مفید باشد حفظ شود. حق رسیدگی به مسائل مربوط به غرامات جنگ ومستعمرات ومرزهای ایتالیا نیز برای متفقین درپیمان متارکه منظور گردیده بود.

عکس‌العمل آلمان

عکس‌العمل سریع آلمان دربرابر تسلیم ایتالیا قسمتی ازمواد پیمان متارکه را خنثی نمود. نیروهای آلمان درشمال ایتالیا بفرماندهی مارشال **رومل** ودرجنوب بفرماندهی **مارشال کسلرنیگ**[1] باسرعت عجیبی کلیه پایگاهها ونقاط سوق‌الجیشی و بنادرمهم ومراکز انشعاب خطوط ارتباطیه وپایتخت وشهرهای بزرگ ایتالیارا اشغال کردند . معبربرنرازنیروهای مخالف آلمان بکلی پاك گردید، نیروهای مسلح ایتالیا بوسیله آلمانها جمع آوری وخلع سلاح و بکشور آلمان اعزام وپادگان ایتالیائی متمرکزدرجنوب شرقی فرانسه بدست **فن رونشتد**[2] پراکنده شدند وفرمانده آلمانی آن ناحیه را اشغال کرد . در بالکان نیز نیروهای آلمان سربازان ایتالیائی راخلع سلاح وروانه آلمان کردندوفقط عده معدودی ازسربازان ایتالیائی توانستند از کناوخط دفاعی مهین پرستان یوگسلاویا دربرابر آلمان عبور کنندوخود را ازاسارت بدست آلمانها نجات دهند. نیروی هوائی آلمان ناوبزرك جنگی ایتالیا بنام **رما** را که برای تسلیم به متفقین عازم جزیره مالت بود غرق کرد . سربازان خلع سلاح شده ایتالیا که بعنوان کارگر بآلمان اعزام شدند دروضع فلاکت باروموردتنفروانزجارشدید آلمانها وسایر کارگران واسرای جنگی قرار گرفتند.

روز ۸ سپتامبر هنگامیکه نیروی متفقین بسواحل ایتالیا دربندر **سالرنو**[3] پیاده شدندمقاومت نیروی آلمان بقدری شدید بود که متفقین ناگزیر شدند برای تصرف مدخل آن

---

۱ – Kesselring ۲- Von Rundstedt ۳- Salerno

بندر کلیه نیروهای دریائی وهوائی خود رابکاراندازند ولی همینکه نیروهای متفقین در **سالرنو** توانستند بانیروی متفقین در **کالابریا** تماس برقرارسازند مارشال **کسلرینگ**، برای اجتناب ازمحاصره شدن، خط دفاعی خود را عقب کشید وازآن پس خط دفاعی آلمانها دربرابر متفقین ازجنوب بطرف شمال شبه جزیره پیوسته درحال تغییر بود واشغال کامل خاك ایتالیا بوسیله متفقین که ازسپتامبر ۱۹۴۳ آغاز گردیده بود تا آوریل ۱۹۴۵ بطول انجامید وطی این مدت براثر بمبارانهای شبانه روزی نیروی هوائی متفقین و جنگهای زمینی و حشتناك و سرسختی و پایداری نیروی آلمان قسمت بزرگی ازخاك ایتالیا به‌ویرانه‌ای حزن انگیزمبدل گردید و فقط پاره‌ای از شهرهای بزرگ که دارای آثار نفیس باستانی و تاریخی وآن آثار مورد احترام متخاصمین بود ازآسیب و یرانی و انهدام برکنارماند.

اکثریت مردم ایتالیا ازانحلال حزب فاشیست وقطع محاربه بامتفقین خشنودبودند وعناصر افراطی ضد فاشیست بتدریج ازپرده اختفا بیرون می‌آمدند ولی ناگهان روز ۱۲ سپتامبر چتربازان آلمانی بایك اقدام متهورانه موسولینی را که درهتل **گران ساسو** (واقع در ۳۰۰۰ متر ارتفاع) زیر نظرسربازان بادوگلیو بسرمی برد، ربودند وبه **برچسکادین** مقر هیتلر بردندوروز ۱۵ سپتامبر موسولینی تشکیل حزب فاشیست جمهوریخواه ایتالیارا اعلام و **پاوولینی**[۱] را به دبیر کلی حزب منصوب نمود. روز ۱۹ سپتامبر مجلس مؤسسان حکومت جمهوری فاشیستی تشکیل وازروز ۲۸ سپتامبر **جمهوی سوسیال ایتالیا** بریاست موسولینی ایجاد گردید

۱- Pavolini

ایتالیا در کنار متفقین

پس ازانتشارپیمان خلع سلاح، شاه ومجلس وهئیت دولت ایتالیا نخستازرما به **برندیزی**[1] وسپس به **باری**[2] منتقل گردیدند. روز ۲۰ سپتامبر بادوگلیوطی پیام‌خود بملت ایتالیامردم آن کشور را بمقاومت و مبارزه برعلیه آلمانها، بهر وسیله‌ای که ممکن باشد، تهییج نمود. روز ۱۳ اکتبردولت بادوگلیو به آلمان اعلان جنگ داد و بدین ترتیب ایتالیا به‌متفقین پیوست ولی این پیوستگی در پیمان خلع سلاح هیچگونه تأثیری وارد نساخت زیرا تجدید نظروتعدیل مواد آن پیمان درصورتی امکان پذیر بود که سران کشورهای امریکا وانگلستان وشوروی باآن موافق باشند و ایتالیا دروضع وحالتی قرار گیرد که بتواند به‌پیشرفت مقاصد واجرای **منشور ملل‌متحد** کمك مؤثر بکند.

روز ۳۰ اکتبر هیئت دولت از باری به **ناپولی**[3]، که بتصرف متفقین‌درآمده‌بود، منتقل شد وطبق تصمیم متفقین ازروز دهم نوامبر کمیسیون مشترکی که فرانسه نیز در آن عضویت داشت برای نظارت برامورمالی واقتصادی‌ایتالیاواستفاده از منابع اقتصادی آن کشوربنفع متفقین تشکیل گردید ونیز بدرخواست متفقین **روآتا**، که‌میهن‌پرستان یوگسلاویااورااز تبهکاران جنك‌میدانستند، ازریاست‌ستادارتش ایتالیاعزل و **مارشال‌ه‌س**[4] فرمانده سابق نیروی شکست‌خورده ایتالیا درتونس بفرماندهی کل‌نیروهای مسلح‌ایتالیا منصوب شد.

چون‌احزاب ضدفاشیست ایتالیا ازهمکاری بادولت بادوگلیوامتناع می‌ورزیدند

---

۱ – Brindisi بندرایتالیا درکرانه دریای‌آدریاتیك ـم. ۲ – Bari بندرایتالیا درکرانه دریای آدریاتیك ـم. ۳ – Napoli یاناپل‌بندر معتبرایتالیا درکرانهٔ غربی شبه جزیره ـم.

٤ – ژنرالیسیم‌کاوالروکه درتوطئه ۱۵ ژوییه برعلیه موسولینی عامل‌مؤثروبعداً بدستور بادوگلیو بازداشت شده بود روز ۱۹ سپتامبرخودکشی کرد.

وی روز۱۵ نوامبر کابینه خود را با واگذاری بعضی‌ازپست های دولتی به اهل فن و متخصصین ترمیم کرد وکابینه جدید درزمینه مبارزه بافاشیسم و برقرار ساختن قوانین اساسی سال ۱۹۲۲ وحذف قوانین ومقررات‌نژادی‌وامثال‌آنها اقدامات مؤثری‌انجام داد. روز۱۱ فوریه۱۹٤٤ متفقین اختیارات وقدرت عمل بیشتری بدولت بادوگلیودر جزیره سیچیلیاونواحی واقع درجنوب خط دفاعی**سالرنو-پوتنتسا-باری**[۱] اعطا کردند واز روز ۱۳ مارس ۱۹٤٤ بین ایتالیا وشوروی مجدداً روابط سیاسی برقرار گردید.

دیکتاتوری بادوگلیو و ائتلاف احزاب

وضع سیاسی ایتالیا چندان روشن نبود . مردم ایتالیا ازشدت عمل متفقین وخشونتی که درتنظیم پیمان خلح‌سلاح بکاررفته بود متعجب و نا خرسند بودند زیرا بخاطر داشتند که متفقین مکرر اعلام کرده بودند که فقط برای برانداختن فاشیسم می‌جنگند و ملت ایتالیا خود در مبارزه با فاشیسم پیشقدم گردیده بود .

ایتالیا درین موقع به‌دوقسمت تقسیم‌شده‌بود: نواحی واقع‌درشمال‌خط دفاعی‌متفقین دردست موسولینی قرارداشت که درسایه قدرت‌آلمان حکومت می کرد ونواحی واقع در جنوب خط‌دفاعی یعنی ناحیه‌آزادشده ازلحاظ عناصروتشکیلات‌ضدفاشسیتی‌فقیربود و هر چند که مهاجرین ضد فاشیسم ازمنطقه شمالی بنواحی‌آزادشده می‌آمدند ولی این‌افراد نیزازحکومت بادوگلیوناراضی‌بودند . بادوگلیوبعد ازسقوط‌موسولینی، بیهانه جلوگیری ازهرج ومرج سیاسی وباتکاء مقررات حکومت نظامی، هرگونه تظاهرات ومیتینگ‌و اعتصاب وحتی فعالیت احزاب و دسته‌های دموکرات وضد فاشیست را ممنوع ساخت .

۱- Salerno –Patenza –Bari خط دفاعی متفقین دربرابر نیروی آلمان درشبه جزیرهٔ ایتالیا-م.

وی در صدد بود که سلطنت ایتالیا را از خطری که درپیش داشت نجات دهـد وازسقوط ایتالیا به‌آغوش عناصرافراطی چپ جلوگیری کند. دیکتاتوری بادوگلیودرمیان ملت ایتالیا تکیه گاهی نداشت ولی‌ازطرف مقامات متفقین وبخصوص‌انگلستان، که بقای‌رژیم سلطنتی را درایتالیا لازم میشمرد، پشتیبانی میشد، معذلك کوشش بادوگلیو برای بسط واستقرارنفوذ سیاسی خود درمیان مردم بیهوده‌بود.

درژانویه۱۹٤٤، کنگرهٔ‌ملی‌احزاب ششگانه ضد فاشیست ایتالیا، که باهم ائتلاف کرده بودند، عزل شاه وتشکیل دولتی مقتدر باشرکت احزاب ششگانه وتهیه مقدمات تشکیل مجلس مؤسسان را خواستارشد. **تولیاتی**[۱] رهبر با تجربه حزب کمونیست ایتالیا کـه بتازگی ازمسکوبازگشته بود بـا استفاده ازبحران سیاسی ایتالیا کمیته اجـرائیه کنگره ملی ضد فاشیسم را به‌همکاری‌باحکومت‌بادوگلیو تشویق نمود ومقامات متفقین نیز با این امرموافقت کردند. روز٦ آوریل۱۹٤٤ در**سورنت**[۲] شرکت احزاب ضدفاشیسم دردولت بادوگلیو موردقبول‌نمایندگان احزاب‌مزبورواقع شد. ویکتور امانوئله پادشاه ایتالیا روز۱۲ آوریل تصمیم گرفت که پس‌از ورود نیروهای متفقین بپایتخت‌ایتالیا بنفع فرزند خود **پرنس هومبرت**[۳] ازسلطنت کناره گیری کند[٤] ورهبران احزاب نیز موافقت کردند که ازواردساختن فشاربه‌پرنس‌هومبرت بمنظورچشم‌پوشی وی ازسلطنت‌خودداری کنند وروز۲٦ آوریل کابینه جدید بادوگلیو باشرکت احـزاب ضد فاشیست تشکیل

۱- Togliati (ارکلی Ercoli) ۲- Sorente ۳- Prince Humbert ٤- پادشاه ایتالیا روز۳۰ نوامبر۱۹٤۳ ازعنوان امپراطوری حبشه‌وپادشاهی‌آلبانی صرفنظرکرده بود وروز ۹ژانویه۱۹٤٤، مارشال استالین را به دریافت مدال مخصوص «Grand Collier de L'Annonciade» مفتخرساخت.

گردید . **بندتو کروسه**[1] فیلسوف آزادیخواه و **کنت اسفورتسا**[2] وزیرسابق امورخارجه ورئیس کمیته مهاجرین ایتالیائی در کابینه جدید شرکت کردند و **کنت اسفورتسا** روز ۱۴ مه بریاست کمیته مخصوص تصفیه منصوب گردید . نکته قابل توجه این است که در میان احزاب ضد فاشیست ، که مدت بیست سال از عرضه سیاست دور مانده بودند، سیاستمداروورزیده جوان کمتر یافت میشد .

تصرف رما و بازگشت شاه

نیروی متفقین مرکب ازسربازان امریکائی وانگلیسی وفرانسوی ولهستانی با کندی وتحمل مقاومت شدید نیروهای **کسلرینگ** بسوی رما پیش می‌رفتند. نیروی آلمان در حومه رما وپیش بندر آن شهر بسختی دفاع می کرد واززانویه ۱۹۴۴ تا ٤ ژوئن آن سال نبردهای شدید وهولناکی برسر تصرف رما بین نیروی متفقین و نیروهای **کسلرینگ** در گرفت ودر گیرودار نبرد برای تسلط بر کوه **کاسن**[3] در نزدیکی رما کلیسای قدیمی ومشهور آن بکلی متهدم شد. روز ٤ ژوئن ۱۹۴۴ هنگامیکه نیروی آلمان شهر رما را ترك میگفت متفقین بآن شهر، که براثر بمبارانهای هوائی آسیب دیده بود ، واردشدند .

روز ٥ ژوئن ۱۹۴٤ ویکتور امانوئله سوم درپایتخت خود بموجب فرمانی که صادر نمود کناره گیری ازسلطنت را اعلام واختیاراتی نظیر اختیارات پادشاه به‌پرنس هومبرت اعطا و آینده‌فرزند خودرا به‌سرنوشت آینده رژیم‌سلطنت موکول نمود. بادوگلیومیل‌داشت درمقام‌خود باقی بماندولی بعلت مخالفت احزاب، وی‌از کاربرکنار و **بونومی**[4] نخست‌وزیر ایتالیادرسال ۱۹۲۲ که‌درین موقع ۷۱ سال‌داشت به‌نخست وزیری منصوب گردید. احزاب ضدفاشیست و نایب‌السلطنه‌ومقامات‌متفقین ازحکومت **بونومی**، که‌ازسوسیالیستهای قدیمی

۱- Benedetto Croce ۲- Le Comte Sforza ۳- Cassin ٤- Bonomi

ولی تاحدی متمایل به افکار دست راستی بود، حسن استقبال کردند و **بونومی** که کابینه خودرا روز ۱۰ ژوئن تشکیل داده بود با اجازه متفقین از روز ۱۵ ژوئیه دولت خود را در رما مستقر ساخت.

نئوفاشیسم[1] در ایتالیای شمالی

حزب فاشیست جمهوریخواه (نئوفاشیست) درایتالیای شمالی با استفاده از کندی غیرمترقب پیشروی متفقین بسمت شمال و زیر سایهٔ سرنیزه آلمانها سر وصورتی بخود گرفت. ۲۵۰ هزار نفر فاشیستهای شمال ایتالیا، اکثراً مردمی ماجراجو بودند و نسبت به عقائد حزبی صمیمیت کامل نداشتند. دربرابر آن حزب، فعالیت عناصر واحزاب ضدفاشیست روزبروزشدیدتر و آتش کینه و دشمنی فاشیستها نسبت بآنان تیزتر میشد.

وضع اقتصادی ایتالیای شمالی، زیر نظارت مستقیم آلمانها، متوسط بود. براثر بمبارانهای هوائی متفقین قسمتی ازصنایع شمال مختل وسطح تولید صنعتی رو بکاهش گذاشته بود. عده کثیری از کارگران ایتالیائی مانند سربازان خلع شده برای کار اجباری بآلمان اعزام شده بودند. برای محاکمه اعضاء شورای عالی فاشیست که در ۲۵ ژوئیه برعلیه موسولینی رأی داده بودند درتاریخ ۸ ژانویه ۱۹۴۴ دروروناداد گاهی تشکیل شد و از ۱۹ تن متهم فقط ۶ نفر یعنی **دوبونو** و **کنت چیانو**[2] و **سیانتی**[3] و **پارشی**[4] و **مارینلی** و **گوتاردی**[5] درداد گاه حضورداشتند. ازمتهمین حاضردر داد گاه، **سیانتی** بعلت آنکه رأی خود را در جلسه شورای مورخ ۲۵ ژوئیه پس گرفته بود به ۳۰ سال زندان وپنج تن دیگر به اعدام

۱- Néo-Fascisme

۲- کنت چیانو روز ۲۸ اوت ۱۹۴۳ ازمحل اقامت خود دررم که تحت نظر بود گریخته و برای ملاقات باموسولینی بایتالیای شمالی رفته ولی موسولینی او را نپذیرفته بود.

۳- Cianetti ۴- Pareschi ۵- Gottardi

محکوم وروزهای ۱۱ و ۱۲ ژانویه اعدام وعده زیادی از افسران نیز بجرم خیانت تیرباران شدند. همسر چیانو باسه فرزند خود بخاك سویس پناهنده ومجبور به اقامت در آن کشور گردیدند **ویرژینیو گایدا**[۱] سخنگوی حزب فاشیست که ازروزنامه نویسان مشهور ودشمن سرسخت فرانسه بود در بمباران هوائی شهر رما در ۱۴ مارس ۱۹۴۴ بقتل رسید.

حزب نئوفاشیست برای گمراه ساختن کارگران و تغییر مسیر افکار وعقاید آنان برنامهٔ جدیدی براساس سوسیالیسم افراطی تنظیم وطی اعلامیه‌ای آنرا منتشر کرد ولی نه اعلامیه حزب نئوفاشیست و نه مراقبت **گشتاپو**[۲] و نه فشار **وهرماخت**[۳] هیچیك نتوانست از بحران سیاسی مارس ۱۹۴۴ واعتصابات شدید دسته‌های سیاسی وحزبی بخصوص درشهرهای صنعتی **میلانو**[۴] **وتورینو**[۵] جلوگیری کند وازطرف دیگر یك سازمان مقاومت ایتالیائی روزبروز قوی‌تر میشد وسوءقصد وخرابکاری این سازمان توسعه می‌یافت.

مشکلات حیاتی ایتالیائیها

ازروز ۱۵ اوت مقامات متفقین زمام امور ایالات رماو **فروزینون**[۶] **ولیتوریا**[۷] را به حکومت رما واگذاشتند. درین موقع قدرت حکومت **بونومی** بعلت تجدید روابط سیاسی با انگلستان و ممالك متحده امریکا وروسیه شوروی وبعضی از کشورهای عضو **سازمان ملل متحد** در خارج روباستحکام میرفت ولی احزاب ایتالیا بسبب اختلافاتی که درموضوع لزوم یا عدم لزوم سلطنت وجلوگیری از نظارت شدید متفقین بایکدیگر داشتند، تیشه بریشه حکومت بونومی میزدند.

---

۱ – Virginio Gayda ۲ – Gestapo پلیس آلمان که دردوره زمامداری حزب نازی بوجود آمد ـم

۳ – Wehrmacht پلیس نظامی آلمان . ۴ – Milano ۵ – Turino ۶ – Frosinone

۷ – Litoria

وضع مالی واقتصادی ایتالیای آزاد شده بعلت فقر طبیعی این ناحیه وعلیرغم کمك متفقین بسیار رقت‌بارو کمبود خواروبار و مواد زندگی رشوه‌خواری و فحشاء را بصورت زننده‌ای رواج داده بود ودولت رما برای مبارزه با مشکلات مزبوروسایل کافی دردست نداشت. ترمیمی که روز۱۸ نوامبردر کابینه بعمل آمد دراوضاع تاثیری نکرد وباردیگر روز۲۶ نوامبر کابینه ترمیم و **کنت اسفورتسا** بوزارت امورخارجه منصوب گردید ولی چون انگلستان اسفورتسا را درامرمتزلزل‌ساختن حکومت‌قانونی‌ایتالیا دخیل میدانست باانتصاب اوبوزات‌امورخارجه مخالفت ورزیدوبحران کابینه ایتالیا سه‌هفته بطول انجامید وسرانجام‌در۱۰دسامبر،بونومی کابینه‌جدیدرا با انتصاب **دوگاسپری**[1] ازحزب دموکرات مسیحی، به وزارت امورخارجه ترمیم کرده ولیبرال‌هاو کمونیستهاودموکراتهای مسیحی ودموکراتهای‌کارگری، علیرغم‌اختلافات مسلکی که داشتند،بامیدآنکه همکاری‌احزاب با دولت بونومی اختیارات نایب‌السلطنه ومداخلات متفقین رادرامور ایتالیامحدودخواهد کردبا کابینه‌جدید موافقت‌وهمکاری ولی سوسیالیستها و **آکسیونیست‌ها**[2] ازشرکت در کابینه خودداری کردند.

ازاواخر سال ۱۹۴۴ متدرجاً برقدرت سیاسی ونظامی پارتیزانها[3] درشمال ایتالیا افزوده میشد زیراعلاوه برافراد متعصب ضد فاشسیت عده‌ای ازسربازان ایتالیائی، که از چنك آلمانها گریخته بودند، به پارتیزانها پیوستند واسلحه ومهمات جنگی وحتی اسلحه سنگین بوسیله عناصر ضد فاشیست بدست پارتیزانها میرسید. قدرت و دامنه عملیات

۱–De Gasperi ۲– Les Actionnitses ۳– Partisan پارتیزان یاجنگجوی‌غیر نظامی به کسی گفته‌میشدکه بابتکارخودو بنابرمعتقدات سیاسی که داشت بامخالفین یاکسانی که آنان را دشمن میدانست به جنك و گریزمی‌پرداخت . وجود پارتیزانها درجنك جهانی‌دوم درتغییرصحنه‌های جنك و سرنوشت متخاصمین تاثیرقابل ملاحظه‌ای داشت ـم .

پارتیزانها بپایه‌ای رسید که بسیاری ازمراکز حساس سوق‌الجیشی را بدست آوردند و در نبردهای محلی عده کثیری ازدشمن اسیر گرفتندو بتدریج باجنگجویان غیر نظامی یوگسلاویا تماس برقرارساختند وازآن پس قدرت واقعی درایتالیای شمالی در دست پارتیزانها بود ونیروی SS[1] **وهرماخت** آلمان با بیرحمی هرچه تمامتر به‌شکارپارتیزانها میپرداختند بطوریکه دراندك مدتی دهها هزار نفرازجنگجویان غیرنظامی یا کسانی که مورد سوءظن قرار گرفته بودند بوسیله آلمانها تیرباران شدند .

عملیات پارتیزانها را کمیته‌ای بنام **کمیته آزادی ملی**[2] ایتالیای شمالی اداره‌می کرد که، بعلت شرکت عده کثیری ازکارگران درجنبشها وعملیات پارتیزانی، دارای تمایلات دست چپی بود . دولت بونومی روز ۳۰ دسامبر ۱۹٤٤، کمیته آزادی ملی را بعنوان یك سازمان رسمی ضد فاشیست درایتالیای شمالی شناخت ومقامات آلمانی برای مقابله با پارتیزانها کلیه‌افراد نئوفاشیست را درشمال ایتالیا متشکل وبرای کسانیکه ازشرکت در سازمانهای نئوفاشیستی سرپیچی می کردند مجازاتهای شدید برقرارساختند .

روز ۲۵ فوریه ۱۹٤۵ **مك‌میلن**[3] رئیس کمیسیون مشترك نظارت متفقین به‌حکومت بونومی اختیارات بیشتری داد . ازآن پس حکومت بونومی حق داشت بدون مداخله کمیسیون نظارت با کلیه کشورهای متفق و بیطرف روابط مستقیم سیاسی برقرار سازد و آرشیو محرمانه سیاسی داشته باشد ، سفرای کشورهای متفق یا بیطرف را بپذیرد و بآن ممالك سفیر بفرستد و فقط متفقین را از مذاکرات مهم سیاسی آگاه سازد، دولت بونومی حق داشت بدون کسب موافقت کمیسیون نظارت لوایح قانونی ویاطرحهای‌قانونی را بمورد اجرا بگذارد ودرعزل ونصب مأمورین کشوری

۱ــ برای کسب اطلاع بیشتر از تشکیلات SS به بخش آلمان‌درین کتاب رجوع شود ــم.

۲ــ Le Camité De Libération Nationale که با علامت اختصاری C.L.N شناخته میشد.

۳ــ Macmilan از سیاستمداران بریتانیا که‌هنگام چاپ این کتاب نخست وزیر انگلستان بود ــم.

ولشکری،غیرازمقام سلطنت،آزاد باشد ونیز، بنا به‌تصویب کمیسیون نظارت ، مأمورین دولت بونومی درشهرستانها بجای کارگزاران متفقین گماشته شدند ومقرر گردید که کارگزاران مزبورفقط حق اظهارنظرمشورتی دراداره امورمحلی داشته باشند . روز اول مارس ۱۹٤٥ روابط سیاسی بین ایتالیا وفرانسه تجدید گردید وحکومت ایتالیا تایید کرد که‌موافقتنامه مورخ ۱۸۹٦ مربوط به‌تونس‌بقوت خود باقی است .

بونومی که درسیاست خارجی و کسب‌اختیارات‌ازمتفقین‌تاحدی کامیاب گردیده‌بود میخواست دربرابر توده ایتالیاقدرت‌سیاسی بیشتری کسب کندولی‌فرار **ژنرال‌روآتا** تبهکار جنگی ایتالیادرتاریخ٤مارس۱۹٤٥اززندان به‌وجهه‌عمومی‌دولت‌بونومی‌لطمه واردآورد واو ناگزیرشد که‌باردیگرازاحزاب سوسیالیست‌وآکسیونیست استمداد وتقاضای همکاری کند.درین‌موقع ائتلاف‌احزاب بسبب‌اختلاف‌سلیقه وعقیده‌درمسائل گوناگون‌سخت‌متزلزل بود. لیبرالها، که ازتند روی کمونیستها شکایت داشتند ومرام‌آن حزب را یکنوع «**فاشیسم سرخ**»میدانستند، اعلام کردند که‌دیگرخبط سیاسی خود راکه درسال۱۹۲۲ مرتکب شدند تکرار نخواهند کرد و در مبارزه سیاسی نقش تماشاگر را در برابر کمونیستها بازی نخواهند کرد اما فاشیسم نیز بطورکامل درایتالیای‌آزادشده ریشه کن نشده بود وتحقیقات نشان میداد که هنوزعناصرفاشیست ونئوفاشیست به خرابکاری در مؤسسات متفقین ادامه میدادند و عده‌ای نیزدستگیرشدند . احزاب مختلف یکدیگر را به عقاید فاشیستی متهم می کردند[1] وحزب جدیدی تحت عنوان **لواوموـکوالونکه**[2]

۱ـ مولف کتاب فاشیسمی راکه احزاب بیکدیگرنسبت میدادند یکنوع فاشیسم غیرطبیعی‌ویا باصطلاح دیگرمسخ شده نامیده‌است ـم.

۲ـ l'Uomo Qualunque به فرانسه l'Homme Quelconque با توجه به‌مرام این حزب میتوان‌آنرا به‌حزب‌مردم تعبیر کردـم.

بوجودآمد که درحقیقت ازفاشیسم الهام گرفته ونوعی ازفاشیسم ظاهرالصلاح یا به تعبیر دیگرفاشیسم رنگ‌وروغن خورده بودوبا سازمانهای مخفی فاشیستها ومحافل سلطنت‌طلب و کارفرمایان وصاحبان صنایع ارتباط داشت . مؤسس حزب جدید **گوگلیلموژیانی نی**[1] معتقد بود که ایتالیائیها لیاقت وشایستگی آنرا دارند که بدون کمك دیگران بحرانهای سیاسی راطی کنند وفقط عده‌ای متخصص برای تامین قوت روزانه مردم[2] کافی است و احزاب گوناگون محکوم به زوال هستند . وضع اقتصادی ایتالیای آزاد شده، علیرغم کمکهای کمیته‌های وابسته به سازمان ملل، فلاکت بارواز وضع اقتصادی ایتالیای شمالی بمراتب بدتر بوددرحالیکه آلمانهادرشمال ایتالیااز کلیه محصولات زراعتی وحیوانی وصنعتی بنفع خوداستفاده میکردند .

مشکلات اقتصادی ایتالیا وجنبشهای تجزیه طلبی در **سیچیلیا** و **ساردینیا** در توسعه بحران وهرج ومرج سیاسی آن کشور مؤثر بود . هرج‌ومرج طلبان وضع ناهنجار اقتصادی زادستاویزی برای مخالفت با دولت قرارداده وعده‌ای از مالکین وسرمایه داران بزرك ، که از رسوخ عقاید مارکسیستی[3] در دولت بونومی بیمناك بودند ، فکر تجزیه‌طلبی را در جزایر سیچیلیا و ساردینیا و نواحی دیگر ترویج و تجزیه طلبان را تقویت می کردند .

۱- Guglielmo Giannini ۲ ـ عقیده موسس حزب جدید بقول مولف کتاب این بوده است که هرایتالیائی متوسط‌الحال میتواند با قدری نان ومقدارکمی ماکارونی یعنی حداقل قوت روزانه بسازد . شاید منظور مولف اشاره باین نکته باشدکه حزب جدید بیشتر به‌مردم فقیر و متوسط‌الحال که خوراك معمولی آنان باماکارونی و نان تأمین‌میشود متکی بوده است ـم.

۳ـ عقاید مارکسیستی منسوب بـه کارل مارکس پایه عقاید لنین‌و اساس عقیده اشتراکی و کمونیسم‌است ـم.

عقب‌نشینی آلمانها و مرگ موسولینی

روز ۱۲ آوریل ۱۹۴۵، هنگامیکه حمله دامنه‌دار نیروهای متفقین درجبهه **راین** آغاز گردیده‌بود، **مارشال الکساندر** درجبهه ایتالیا نبردشدیدی‌را بانیروی آلمان رهبری می‌کرد خط دفاعی آلمانها طی چندروزشکافته شد و **بولونیا** روز ۲۱ آوریل، بتصرف متفقین درآمد وآلمانهاتا دره رود **پو**[1] عقب نشستند. درین موقع فعالیت جبهه مقاومت ایتالیا درشمال و کوشش وتلاش پارتیزانها افزایش یافت و قبل از رسیدن نیروهای متفقین شهرهای بزرك شمال مانند **میلانو** و **جنوآ** و **تورینو** (در ۲۶ آوریل) **وونتسیا**[1] (در ۲۹ آوریل) بوسیله پارتیزانهاازنیروی آلمان باز گرفته شد وجنگجویان غیر نظامی راه بازگشت نیروی منهزم آلمان‌را بطرف مرزهای‌شمالی ایتالیا بسته‌وواحدهای آلمانی را در گوشه‌و کنارمحاصره کردند. **ژنرال کلارك** فرمانده امریکائی باواحدهای زیرفرمان خود ازشمال ایتالیا گذشت ودرمعبر **برنر** با واحدهای مقدم نیروی انگلیسی که بفرماندهی **پاچ** ازجبهه **راین** حرکت کرده بودند تماس گرفت. روز ۲۹ آوریل ژنرال **ویتینگهوف**[2] فرمانده آلمانی قرارداد تسلیم را با فرمانده متفقین امضا کرد وروز ۲ مه با یك میلیون سرباز آلمانی تسلیم متفقین گردید. روزسوم مه نیروهای نیوزیلندی به بندر **تریسته**[3] وارد ودر کنارنیروهای **مارشال تیتو**[4] مستقرشدند. بدین ترتیب درمدت سه‌هفته سراسر ایتالیای شمالی از نیروی آلمان پاك گردید. فعالیت کمیته آزادی ملی منحصر

---

۱ – Po رود پو ازدشت حاصلخیز وسیعی میگذرد که بنام دشت یاجلگه پو خوانده‌میشود و ازمهمترین مناطق حیاتی ایتالیاست ـم

۲ – Vietinghoff ۳ – Trieste ۴ – Tito

به‌همکاری با متفقین‌درتصفیه‌ایتالیا از نیروهای‌آلمان نبود بلکه بزودی زمام امـور را در شهرستانها ودهکده‌های آزاد شده و کارخانه‌ها و مؤسسات صنعتی دردست گـرفت و بنأسیس شوراها درکارخانه‌ها اقدام کرد و با کوشش هرچه تمامتر به تصفیه ادارات از عناصرفاشیستی ورسیدگی به حساب ۲۰ ساله افرادو عناصری که مورد سوءِ ظن و متهم به‌همکاری‌با آلمان‌وحزب فاشیست بودند دست زد .

روز۲۴ آوریل،یعنی‌روزی که **هیملر** پیشنهادتسلیم بلاشرط‌متفقین‌راپذیرفت،موسولینی که شکست خود را قطعی دید از کمیته‌آزادی‌ملی تقاضای‌صلح کرد ولی ازتسلیم‌بلاشرط امتناع ورزید . روز۲۶ آوریل یارتیزانها برموسولینی ومعشوقه او **کلاراپتاچی**[1] درمحل **لکو**[2] کنار دریاچه **کم**[3] دست‌یافته‌هردوراتیرباران‌واجسادآنان رابه‌**میلانو** منتقل کردند وبدارآویختند ومردم ضمن تماشای جسد دوچه بصورت اوآب دهان مـی‌انداختند. بعداً پارتیزانهاجسدموسولینی ومعشوقه او را در قبرستان مخصوص آلمانها بخاك سپردند.

قدرت‌ونفوذ کمیته‌آزادی ملی درایتالیای‌شمالی بپایه‌ای‌رسید که باسرعت، بسیاری ازهمکاران و دستیاران موسولینی مانند پـاوولینی ، **فاریناچی**، **ستاراسه** را دستگیرو تیرباران کردند .**گراتسیانی** فرمانده ارتش نئوفاشیست روز۲۸ آوریل به‌نیروی امریکا تسلیم گردید وروزاول‌مارس، یعنی‌هنگامیکه‌کارازکار گذشته‌بود، اعلامیه‌ای‌مبنی‌برانحلال کلیه تشکیلات حزبی صادر کرد . کمیته‌آزادی ملی ایتالیای شمالی مسئولیت واختیار محاکمه ومجازات‌موسولینی وهمکاران اورابرعهده گرفت ومیخواست با اجرای‌مجازات

---

۱ - Clara Petacci

۲- Lecco

۳- Come دریاچه‌واقع درمرزایتالیا وسویس-م.

درباره کسانیکه ایتالیا را به فقرمادی واخلاقی دچارو کشوررا بویرانی سوق داده بودند فصلی ازدفتر تاریخ را پایان دهد. سرعت عمل وشتاب کمیته آزادی ملی دردستگیری واعدام موسولینی وسایر رهبران حزب فاشیسم بیشتر بدان علت بود که ازعلاقه ورأفت انگلستان نسبت به سران فاشیسم آگاه بودند ومیدانستند که در صورت تعلل و مسامحه دراجرای مجازات ممکن است سیاست بریتانیا موجب نجات سران فاشیسم از مجازات گردد.

کشمکش درباره تریسته

جنگجویان یوگسلاویا برهبری **ژنرال تیتو** درتریسته وقسمتی از ایالت **ونتسیا**[1] ازجنگجویان ایتالیائی منسوب به کمیته آزادی ملی خلع ید و ادعا کردند که آن نواحی باید به یوگسلاویا ضمیمه شود، حکومت رما درین باره بشدت به حکومت تیتو اعتراض و سعی کرد که بوسیله مذاکرات مستقیم بانمایندگان تیتو مسئله مرزهای شرقی وشمال شرقی ایتالیا را حل کند وصریحاً اعلام نمود که با انتزاع هرقسمت ازخاك ایتالیا، که اکثریت های ایتالیائی ساکن آنها مایل باشنددر کادر حکومت واحد ایتالیا باقی بمانند، باتمام قوا مخالفت خواهد کرد. مارشال الکساندربا تصمیم دولت ایتالیا موافق بود و سرانجام یك قرارنامه موقت بین ایتالیا ویوگسلاویا بامضا رسید وطرفین موافقت کردند که مسئله تریسته تاپایان جنگ وانعقاد پیمان های صلح معوق بماند وضمناً یك خطمرزی موقت بوسیله **ژنرال مرگان**[2] رئیس ستاد نیروی بریتانیا در حوضه مدیترانه در تریسته بین منطقه اشغالی یوگسلاویها و منطقه ای که متقابلا بوسیله نیروی انگلیسی اشغال

۱ــ قسمتی ازایالت ونتسیاکه مورداداعای یوگسلاویا بود بنام La Vénétie Julienne خوانده میشود.

۲- Morgan

شده بود برقرار گردید . حکمیت بریتانیا درباره تریسته موافق میل تیتو نبود و بهمین جهت گفتگوهای تند وزننده‌ای بین تیتوومارشال الکساندر رد و بدل گردید و هرچند که ظاهراً یوگسلاویا وایتالیا به‌قرارحکمیت تن دردادند ولی کشمکش سیاسی‌بین دو دولت برسرتریسته همچنان ادامه یافت .

فصل چهارم ـ ایتالیا بعداز جنك جهانی دوم

کشمکش برای کسب قدرت و بحران سیاسی

متفقین که از زیاده روی جنگجویان غیر نظامی شمال ایتالیا در تصفیه دامنه‌داری که برای ریشه کن ساختن فاشیسم آغاز کرده بودند بروز حالت هرج ومرج سیاسی را در آن منطقه پیش بینی میکردند ازواگذاری زمام امور ایتالیای شمالی به‌دولت ایتالیا خودداری ورزیدند . روز ۳۱مه ستاد ارتش متفقین گوشزد نمود که دیگر دستورها و اوامر **کمیته آزادی‌ملی** قابل اجرا نیست ومسئولیت مطلق بامقامات متفقین است و بلافاصله متفقین مأمورین جدیدی بجای مأمورین کمیته آزادی ملی باداره امور ایالات و ولایات شمالی گماشتندوحکم انحلال سازمانهای مربوط به آزادی‌ملی وپارتیزانی را صادروامر کردند که مردم غیر نظامی اسلحه‌خودرا تحویل دهند. کمیته‌هاوشوراهای کارخانه منحل و واحدهای ارتش سلطنتی، که زیر فرمان افسران انگلیسی بودند، تقویت شدند. بطور کلی احکام ودستورهای مقامات نظامی بریتانیا وامریکا ولهستان درایتالیاحاکی از تمایل متفقین به‌همکاری بااحزاب سیاسی دست‌راست واحتراز از کمك به‌احزاب افراطی دست‌چپ بود.

متفقین درپیمان متارکه‌جنك باایتالیا رژیم سلطنت آن کشوررابرسمیت‌شناخته وتأیید کرده‌بودند که بحث‌واخذ تصمیم درباره رژیم آینده حکومت ایتالیامنوط به‌انجام

انتخابات آزاد درسراسر ایتالیا خواهدبود. **چرچیل** شخصاً به‌رمارفت و باپرنس‌هومبرت نایب‌السلطنه‌ایتالیا ملاقات ومذاکره کرد.

احزاب سیاسی شمال‌ایتالیا دربرابر تصمیمات متفقین‌مقاومت‌ومخالفتی‌نشان‌ندادند ولی دستور ها و احکام صادره از حکومت رما و کمیته آزادی ملی رما را بـا اکراه و تنفر تـلقی و سیاست خـالی از حدت و حرارت کمیته آزادی ملی رما را مـردود شناختند.

دررما، احزاب سیاسی ششگانه روز ۳ژوئن چنین نظردادند که کمیته‌آزادی‌ملی درجریان سیاست بایدفقط نقش مشورتی داسته باشد درحالیکه آن کمیته میخواست‌نقش مؤثر و نفوذ سیاسی خودرا کما کان حفظ کند و بااختیارات وقدرت نیابت‌سلطنت جداً مخالف بود. قدرت حکومت بعلت عدم اتکاء به افکار عمومی متزلزل ودولت خود به‌ضعف خویش واقف و وضع سیاسی احزاب‌نیزبی‌ثبات‌بود، احزاب لیبرال‌وآکسیونیست‌و دموکرات کار، که دراقلیت بودند تکیه‌گاه قابل اطمینانی‌درمیان‌مردم نداشتندوحزب دموکرات مسیحی عده اعضاء خودرا یك میلیون نفر قلمداد می‌کرد ولی دربار واتیکان، که منکر صدوراجازه تمدید اقامت **ستورتسو**[1] رئیس سابق‌حزب‌دموکرات مسیحی‌درامریکا بود، کشیشان کاتولیك رادرمورد انتساب یا ورود به احزاب سیاسی سرزنش می‌کرد. سوسیالیستها به‌دودسته تقسیم شده بودند: یك‌دسته طرفدار ائتلاف با حزب کمونیست وایجاد یك‌حزب مقتدر کارگری ودسته دیگر باآن ائتلاف مخالف ومایل‌همکاری با فرقه های چپ میانه‌رو[2] بودند. حزب کمونیست، که عده زیادی از

۱–Sturtzo ۲–معمولا بین‌دوجناح‌هرحزب که‌دردوجهت افراط و تفریط‌قرارگرفته‌اندیك‌جبهه یاجناح‌وسط‌وجوددارد‌واین‌حالت‌درکلیه احزاب‌سیاسی مشاهده‌میشود. احزاب‌دست‌چپی‌ایتالیاواز‌جمله حزب سوسیالیست دارای دوجناح افراطی وعده‌ای ازاعضاءآن‌حزب باوجوددارا بودن‌عقائد دست چپی روش میانه‌روی‌را انتخاب کرده‌بودند ـم.

اعضاء سابق حزب فاشیست بآن پیوسته بودند، برطبق احکام جدید متفقین میبایستی بمنظور ائتلاف با احزاب سوسیالیست باآنان همکاری کند و علیرغم شوروی بادعاوی یوگسلاویا درمورد **تریسته** مخالفت بورزد .

توده‌مردم ایتالیاازپیچ‌وخم‌سیاستهائی که‌درآن کشورجریان‌داشت بی‌اطلاع بودند ومیتوان گفت که تقریباً یك‌نسل‌ایتالیائی‌ازدرك‌علل وغوامض‌سیاستهای گوناگون رژیم آزادی ودموکراسی عاجز و در حقیقت یك فضای خالی بین مبارزین کهنسال ۱۹۲۲ و نسل جوان سال ۱۹۴۵ بوجود آمده بود . حزب **لواوموسوالونکه** ازفرصت استفاده کرده تیراژ روزنامه ارگان خود را به ۶۰۰۰۰۰ رسانیده و این‌تیراژدرمطبوعات ایتالیا بی‌سابقه بود .

بونومی، که از کشمکشهای سیاسی بستوه آمده‌بود، روز ۸ ژوئن استعفا کرد و استعفای‌اوروز۱۲ژوئن‌مورد قبول‌پرنس‌هومبرت‌واقعشد ومشارالیه بنابراصرارنمایندگان کمیته آزادی ملی، **پاری**[۱] ازحزب‌آکسیون‌رابه‌نخست‌وزیری‌برگزید. پاری، که‌یکی‌از فعال‌ترین‌رهبران کمیته‌آزادی‌ملی درشمال ایتالیابود. روز۲۱ژوئن کابینه‌جدیدراتشکیل داد. درآن کابینه‌**ننی**[۲] ازحزب سوسیالیست و**بروزیو**[۳] ازحزب‌لیبرال بمعاونت‌نخست وزیری و**دوگاسپری** ازحزب دموکرات مسیحی بوزارت امورخارجه‌و **تولیاتی** ازحزب کمونیست به وزارت دادگستری منصوب شدند . روز ۲۳ ژوئن **پاری** اعلام کرد که‌ما باید گذشته‌را پشت‌سربگذاریم‌وآنچنان‌قوه‌تمیزوحس‌اخلاقی کسب کنیم که‌شایسته‌اعتماد متفقین باشیم .

---

۱ – Parri ۲ – Nenni

۳ – Brosio

دولت جدید برای بسط نفوذ سیاسی واداری خوددرداخل کشور بتلاش و کوشش برخاست ومیخواست، درازاء خدمتی که ایتالیا بهمتفقین انجام داده بود، محیط صلح و امنیت رادرسراسر کشور بوجودآورد. متفقین درسپتامبر ۱۹۴۵ زمام اموراایتالیای شمالی غیرازناحیه **بلتسانو** [1] وقسمتی از **ونتسیا**را که مورد کشمکش سیاسی ایتالیاویوگسلاویا بود، بدولت جدیدسپردند.

شکست چرچیل ـ طرفدار جدی رژیم سلطنت ایتالیا ـ درانتخابات ژوییه ۱۹۴۵ انگلستان موجب قوت قلب جمهوریخواهان ایتالیا، که روزبروز برعـدهآنان افزوده میشد، گردید زیراازخانوادهسلطنتی ایتالیاهیچیك درنهضت آزادی ملیومبارزهبانیروی آلمان شرکت نکردهبودند. برای پایان بخشیدن بهنهضت تجزیهطلبی درجزایر، دولت اقدام جدی بعملآورد وبا استقلال اداری در **سیچیلیا** و ناحیه **وال دااوست** [2] موافقت کرد وقرارشد درناحیه اخیرالذکر، که سکنهآن مخلوطی ازفرانسویوایتالیائی بودند، زبانهای فرانسه وایتالیائی هردو زبان رسمی شناخته شود. برای احیاء قوه مقننه اعضاء مجمعمشورتی موقت تعیین ومجمعروز۲۵سپتامبر ۱۹۴۵ دررماتشکیل و **کنت اسفورتسا** بریاست مجمع انتخاب گردید.

انتخابات شهرداریها ودنبالآنانتخابات قوهمقننه برای بهارسال ۱۹۴۶ پیش بینی شده و هرحزبی مایل بود درانتخابات جدید قدرت بیشتری کسبودرسازمانهای کشوریو لشگری رخنه کند.

کاپینه دوگاسپری

لیبرالها کوشش دولترا برای تامینآزادی انتخابات وموفقیتخود کافی نمیدانستند و درحالیکه تصفیه ورفورم دامنهداری پیشبینی واحتمال داده میشد کهرفورمشاملصنایع

۱- Bolzano

۲- Val d' Aoste

واملاك واراضی بزرك گردد لیبرالها میخواستند سیاست دولت طوری باشد که واقعاً اطمینان امریکا وانگلستان راجلب نماید. کمیته اجرائیه حزب لیبرال در تاریخ ۱۷ نوامبر اعلام نمود که سیاست دولت باید برپایه جلب اعتماد و کمك مادی و معنوی متفقین بخصوص امریکا وانگلیس استوار باشد وعده‌ای ازرجال بصیر وورزیده منفرد، که‌متکی بهیچ‌حزبی‌نیستند ، درکادر دولت واردشوند. پس‌از صدوراعلامیه حزب لیبرال سه‌تن از وزیران لیبرال روز ۲۲ نوامبر از شغل خود کناره گیری کردند و وزرای دموکرات مسیحی نیز بآنان پیوستند و **پاری** روز ۲٤ نوامبر استعفای‌کابینه را بـه پرنس هومبرت تقدیم کـرد.

درین موقع ایتالیا دروضع بحرانی شدیدی قرارداشت، ازیکطرف زمستان بسیار سرد وفقدان سوخت ومواد اولیه ، افزایش بیکاران ورواج بازارسیاه وتضادزندگی‌مرفه وتجمل مآب یك طبقه بافقرونکبت وشوربختی‌اکثریت‌وافزایش جمعیت براثر بازگشت اسرای جنگی ، باوضع رقت‌بارخزانه وامورمالی‌توأم گردیده بود وازطرف دیگرمسائل مهمی ازقبیل شرکت ایتالیا درمذاکرات سیاسی بین‌المللی ودفاع ازتمامیت کشوروتهیه مقدمه انتخاباتی که سرنوشت سلطنت بدان پیوستگی داشت در برنامه کار دولت بود و مردم ایتالیا امیدوار بودند که صلح وامنیت را دوباره بدست‌آورند و رژیم حکومت‌آنان طوری باشد که بتوانند درروابط بین‌المللی مقام شایسته خودرااحراز نمایند وباردیگر مهاجرت ایتالیائی ها به‌نواحی‌دیگرجهان امکان پذیر گردد.

کمیته آزادی ملی ازروش پرنس هومبرت درباره شورو گفتگو بارجال و احزاب مختلف ناراضی بودوفقط‌آن کمیته‌را شایسته برای‌مشورت‌میدانست‌ولیبرالها به صلاحیت کمیته آزادی ملی اعتراض و اظهار می کردند که کمیته مزبور یك سازمان نیمه نظامی بوده که فقط در دوران جنك بوجود آمده و وظایف خود را انجام داده است

ودیگر وظیفه وتکلیفی ندارد . **ارلاندو** مرد سیاسی ۸۰ ساله ایتالیا نامزد نخست وزیری شد ولی مورد حسن استقبال احزاب قرار نگرفت وسرانجام **دوگاسپری** روز ۱۶ دسامبر ۱۹۴۵ کابینه‌ای نظیر کابینه قبلی تشکیل داد [1]. درتاریخ سیاسی ایتالیا برای نخستین بار کابینه بوسیله یکی از اعضاء بزرگترین حزب مسیحی تشکیل گردید و مسئله توسعه کابینه وافزایش عده وزیران مورد قبول واقع و انجام آن بوقت مناسب موکول شد. در فوریه ۱۹۴۶ بعضی ازوزرای سوسیالیست بعلت اختلاف آراء دراخله حزب ازکابینه خارج وچند سوسیالیست دیگر بجای آنان منصوب شدند .

درانتخابات تدریجی شهرداریها، که درمارس و آوریل ۱۹۴۶ صورت گرفت، احزاب دست چپ درشهرهای بزرك صنعتی ومراکز پرجمعیت وحزب دموکرات مسیحی درنواحی غیرصنعتی و کم سکنه بموفقیت قابل ملاحظه نائل گردیدند ولی پیروزی قطعی احزاب باانتخابات قوه مقننه دردوم ژوئن معلوم میشد. درین موقع وضع اقتصادی ومالی ایتالیا همچنان رقت بار وفقط با کمك مالی امریکا وانگلستان بود که بهر فرد ایتالیائی معادل ۱۵۰۰ کالوری غذای روزانه داده میشد واین مقدار باغذای روزانه اکثر ملل اروپا برابر بود . بهرصورت سرنوشت ایتالیا باآنچه متفقین درقرارداد نهائی صلح باآن کشور منظور میکردند

۱ ــ درکابینه دوگاسپری ، ننی از حزب سوسیالیست به معاونت نخست وزیر ، لوسو Lussu از حزب آکسیون بعنوان وزیر مشاور ، رمیتا Romita از سوسیالیست ها بوزارت کشور ، امیرال دوکورتن Amiral de Courten از منفردین به وزارت دریا داری ، سکوسیمارو Scocimarro از حزب کمونیست بوزارت دارائی ؛ تولیاتی از حزب کمونیست بوزارت دادگستری منصوب شدند و وزارت امور خارجه را دوگاسپری خود برعهده گرفت .

بستگی داشت و کفاره گناه ایتالیادرجنك برعلیه متفقین وپاداش آن کشورازجنك در کنار متفقین هرچه بودنمی توانست نتایج هجوم ناشایسته ایتالیا را که درسال ۱۹٤۰ بدان اقدام نمود خنثی کند . جامعه روحانی نیز ازنتایج شوم اقدام بی‌مطالعه ایتالیا بر کنار نماند و پاپ پی دوازدهم دردسامبر ۱۹٤۵ ازعده کاردینالهای ایتالیائی، که نامزدشرکت درمجمع عمومی برای انتخاب پاپ [۱] بودند، کاست وعده زیادی از کاردینالهای غیرایتالیائی را برای عضویت مجمع برگزید بطوریکه اکثریت مجمع ازدست روحانیون ایتالیا خارج شد .

ایتالیا ازحبشه و آلبانی و جزایر **دودکانز** [۲] ونفوذ استعماری خود درافریقا و ازمنافع وامتیازات خوددرتونس بناچار چشم پوشیده و نیروی زمینی و دریائی وهوائی آن کشور بحداقل کاهش یافته بود دوگاسپری شخصاً در مه ۱۹٤٦ در کنفرانس وزرای خارجه پنج دولت بزرك [۳] که درپاریس تشکیل شده بود حاضر گردید وازآنان تقاضا کرد که ازمقدار غرامت جنك ایتالیا بکاهند وآنرا بحداقل کاهش دهند ونیز **تیرول** [٤] جنوبی را درمرز اطریش وتریسته وتمامی ایالت ونتسیارا درمرزیوگسلاویاجزوخاك این کشور بدانند وایتالیا ازواگذاشتن قسمتی ازخاك خود درمرز فرانسه باین کشور معاف گردد. اولین کنفرانس وزرای امور خارجه متفقین در پاریس بدون اخذ تصمیم درباره عقدپیمان

---

۱ ــ مجمع عمومی ازکاردینال‌های کاتولیك که برای انتخاب پاپ تشکیل میشود Conclave خوانده می‌شود .

۲-Dodécanèse.

۳ــ انگلستان وفرانسه وشوروی وچین وممالك متحده امریکا .

٤-Tyrol

صلح با ایتالیا پایان یافت و فقط وزرای خارجه متفقین موافقت نمودند که در مقررات پیمان خلع سلاح با ایتالیا تا حدودی که بهبود وضع سیاسی واجتماعی ایتالیا اجازه دهد تجدید نظرونسبت به‌ایتالیا ارفاق کنند.

استعفای شاه

روز۹مه۱۹٤٦ ، یعنی‌روزیادبود ایجاد امپراطوری‌ایتالیادرحبشه، ویکتور امانوئله سوم بنفع فرزند خود پرنس هومبرت رسماً از سلطنت کناره گیری کرد و عصرهمان‌روز بایك‌ناوشکن‌ایتالیائی عازم مصر گردید . پادشاه جدید با عنوان **هومبرت دوم** اعلام نمود که خود راتابع اراده ملت میداند و ملت ایتالیا طی رفراندومی که روز دوم ژوئن بعمل خواهدآمدرأی خودرا درباره انتخاب یکی از دورژیم ؛ سلطنت یا جمهوری، اعلام خواهد کرد ونیز در همان روز انتخابات مجلس مؤسسان‌انجام خواهد گرفت .

مقدمات مبارزه انتخاباتی با شرکت ٥٦ حزب در ایتالیا فراهم می‌شد و درآن میان چهار حزب از همه مهمتر بودند ، حزب سوسیالیست و حزب کمونیست و حزب دموکرات مسیحی و چهارمی حزب جدیدی بود بنام حزب **اتحاد ملی دموکرات**[1] که بوسیله چندتن از نخست وزیران سابق مانند **ارلاندو** و **نی‌تی وبونومی** از ائتلاف دو حزب لیبرال و دموکرات کار تشکیل گردیده و **بندتوکروسه** نیزعضو آن بود . کلیه احزاب ایتالیا ، علیرغم‌اختلاف مسلك وعقیده، درمسئله لزوم‌حفظ‌وحدت وتمامیت ارضی ایتالیا همداستان بودند .

انتخابات در محیط آرام ومنظمی انجام گرفت و این سکوت‌و آرامش‌درایتالیای شکست خورده عکس‌العملی بود از جنبش و فعالیتی که آن کشور بعد از پیروزی سال

۱- (U . N . D) L' Union Nationale Démocratique.

۱۹۱۸ نشان میداد . در اعلامیه دیوان کشور (تمیز) در رما که روز ۱۰ ژوئن ۱۹٤٦ درباره نتیجه مراجعه بآراء عمومی (رفراندوم) صادر گردید عده‌موافقین رژیم جمهوری ۱۲٦۷۲۷٦۷ و موافقین رژیم سلطنت ۱۰٦۸۸۹۰۵ نفر قلمداد شده بود . بدین ترتیب طرفداران جمهوریت پیروز شدند ولی سلطنت طلبان ، که مدعی بودند در حدود دومیلیون ورقه رأی باطل و یا حذف گردیده، بدولت اعتراض کردند . از استخراج آراء چنین برمی‌آمد که بیشتر رأی دهندگان در ایتالیای شمالی بنفع جمهوریت و اکثریت رأی دهندگان در ایتالیای جنوبی برله سلطنت رأی داده بودند و چنین بنظر می‌آمد که این اختلاف سلیقه سیاسی بین دو ناحیه ایتالیا در آینده مصائب و مشکلاتی ببارخواهد آورد بخصوص که طرفداران جمهوریت با اکثریت ضعیفی برسلطنت طلبان پیروز شده بودند .

درانتخابات مجلس مؤسسان حزب دموکرات مسیحی با ۸ میلیون رأی پیروزی بزرگی بدست آورد ونسبت آراء احزاب مختلف، که میبایستی درسازمان رژیم جدید ایتالیا شرکت کنند بدینقرار بود :

حزب دموکرات مسیحی	۳۲/۳	درصد آراء
سوسیالیستها	۲۰/۹	» »
حزب کمونیست	۱۹/۱	» »
اتحادملی دموکرات	٦	» »
اوامو کوالونکه	٥	» »
حزب جموریخواه	٤	» »
جبهه آزادی	۲/۳	» »
حزب آکسیون	۱/٥	» »
احزاب دیگر	۸/۸	» »

پایان

فهرست مندرجات کتاب

صفحه

بخش اول ـ فرانسه

فصل اول ـ فرانسه پیش از جنگ جهانی دوم ۳

فصل دوم ـ فرانسه در جنگ جهانی دوم ۱۱۳

فصل سوم ـ حکومت مارشال پتن ۱۳۹

فصل چهارم ـ حکومت دوگل وجمهوری چهارم ۱۷۷

بخش دوم ـ آلمان

فصل اول ـ وضع سیاسی آلمان از ۱۹۱۸ تا ۱۹۳۳ ۲۱۷

فصل دوم ـ کابینه هیتلر ۲۶۵

فصل سوم ـ زمامداری هیتلر ۲۷۸

فصل چهارم ـ آلمان بعد ازهیتلر ۳۷۶

بخش سوم ـ انگلستان

فصل اول ـ انگلیس درفاصله دوجنگ جهانی ۳۹۳

فصل دوم ـ دوران جنگ ۴۵۲

صفحه

فصل سوم ـ انگلستان بعداز پیروزی بر آلمان ۴۹۸

بخش چهارم ـ ایتالیا

فصل اول ـ ایتالیا پیش‌ازجنگ جهانی دوم ۵۱۵
فصل دوم ـ زمامداری موسولینی تا آغاز جنگ جهانی دوم ۵۳۵
فصل سوم ـ ایتالیا درجنگ جهانی دوم ۵۷۲
فصل چهارم ـ ایتالیا بعداز جنگ جهانی دوم ۶۰۶

درچاپ کتاب اغلاطی روی‌داده‌است که صورت صحیح آنها ذیلا بنظرخوانندگان گرامی میرسد.

صفحه	سطر	صحیح
۱۸	۹	آرك دوتریمف
«	پاورقی شماره ۳	Panthéon
۲۲	۲۱	روش پوانکاره
«	پاوقی شماره ۱	Stresemann
۲۷	۹	دسته‌های پارلمانی
۳۱	پاورقی شماره ٤	J. R. Macdonald
۳۲	« « ٥	J. Jaurès
۳۳	« « ۳	Malvy
٥۷	« « ۱	Paul Doumer
٦٦	« « «	Vandervelde
۷۲	۱٦	دسته های
۷٦	۱٥	روز ۱۳ژانویه
۷۸	۱۰ (عنوان)	وموضوع حبشه
«	پاورقی	Fernand
۷۹	« شماره ۲	C. Rocque
۸٥	« « ۱	Matignon
۹٤	« « ۱	Clichy
۱۳۱	آخر	هنتزیگر
۱۳٦	پاورقی	همکاری
۱٤۱	پاورقی	Riom
۱٤٤	٤	ریپر
۱٤٥	پاورقی ۲	Arc de Triomphe
«	« «	Carroussel
۱٤۷	۲	اتحاد[1]
۱۸۹	٤	سوز[3]

صفحه	سطر	صحیح
۱۹۲	عنوان آخر صفحه	نقش فرانسه
۱۹٤	پاورقی ۱	Changhai
«	« ۳	Yunnan
۲۲۳	پاورقی ٦	Muller
۲۲۵	پاورقی ۱	Hugo Preus
۲۲٦	پاورقی ۱	Reichswehr
۲۳۰	۱٦	اشتالهلم
۲۳٦	۱	اشترزمان
۲۳۷	پاورقی ۲	Von Lossov
۲۳۸	۱٦	اشتورم
۲٤۰	پاورقی ۹	Mangin
۲۵۲	۱۲ و۱۳	اتوشتراسر- ژرژشتراسر
۲٦۱	سطراول پاورقی	۱ - Junkers
۲٦۲	۱ و ۹	ریشستاگ
۲٦٦	آخر	ریشستاگ
۲٦۷	عنوان وسط صفحه	گلیخ شالتونگ
۲۷۲	پاورقی	شماره‌ها مقدم ومؤخرشود.
۳۰۱	«	بین‌الملل سوم
۳۰۳	« ۷	Skoda
۳۰۵	۱۰	بی‌اعتباری
۳۰۸	ماقبل‌آخر	ولگا
۳٤٤	آخر	سرنوویتز
۳۵۳	۱۰	دماغه‌کامارا
۳۵۵	۱۵	تارنوپول
۳٦۲	٤	نبردهای پائیز
۳۷۰	۱۵	مونخن- گلاداخ
۳۸۲	۱۳	کونیکسبرگ[1]
۳۹۷	۵	ازوزرای
٤۱٤	۱۰	انگلیس باآیرلند
٤۳۹	پاورقی	Sir Robert

صفحه	سطر	صحیح
٤٤٩	پاورقی	Beck
٤٩٢	١١	فشفشه
٥٠١	١٠	میتکینا
٥٠٨	١١	اتمی آگاه
«	١٦	کمونیستها نشان
٥٠٩	٩	ناسیونالیسم
٥٥١	٤	استرزا
٥٧٣	١٣	نتوانستند
٥٩٠	٧	مارشال کسلرینگ
٥٩١	١٧	جمهوری سوسیال‌ایتالیا